

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

defamoghaddas.ir

defamoghadgas.ir

نقد و بررسی جنگ ایران و عراق - ۴



# روند پایان جنگ

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

تهران ۱۳۹۴

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی . مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

رونده پایان جنگ / نویسنده: محمد درودیان؛ نظرات: غلامعلی رشید، بهاءالدین شیخ‌الاسلامی. - تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴.

۱۳۰ ص.—(نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ ۴)

(قبلی) ISBN: 964-6315-70-4

(جدید) ISBN: 978-964-6315-70-9

فهرستنويسي بر اساس اطلاعات فيپا.  
كتابنامه.

۱. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ . ۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ —

علل. الف. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. ب. عنوان.

ج فروضت

۹۵۵ / ۰۸۴۳

DSR ۱۶۰۰ / ۴

م ۸۴ - ۳۰۴۲۰

كتابخانه ملي ايران

## مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

نقد و بررسی جنگ ایران و عراق - جلد چهارم

### ۱۰۹د پایان جنگ

نویسنده: محمد درودیان

نظرات: غلامعلی رشید، بهاءالدین شیخ‌الاسلامی

اصلاح نهایی و آماده‌سازی: مهدی انصاری، احمد نصرتی

ویرایش ادبی: فرهاد طاهری ■ طرح جلد: عباس درودیان

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: محمدعالی باغی، حسین مجیدی

لیتوگرافی و جاب: قلم‌آذین ■ ناظر جاب: محمد پهروزی

چاپ چهارم: ۱۳۹۴ ■ شمارگان: ۵۰۰ نسخه ■ چاپ سوم: ۱۳۹۰ ■ چاپ اول: ۱۳۸۴

قیمت: ۹۰۰۰ نومنا

ISBN: 978-964-6315-70-9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۱۵-۷۰-۹

کلیه حقوق متعلق به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است.

نقل از کتاب با ذکر مأخذ مجاز و هرگونه بهره‌برداری دیگر منوط به اجازه کتبی این مرکز می‌باشد.

۱- تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشوان، طبقه‌اول، شماره ۴، تلفن: ۶۶۴۸۱۵۳۱

۲- تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

۳- خرمشهر، جنب مسجد جامع، بازار شهید محمد جهان آرا، شماره ۲۷

## فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه

### فصل اول

#### روش و چارچوب نظری

۲۰	بیان مسئله
۲۳	بررسی دو دیدگاه
۲۴	دیدگاه آقای هاشمی
۲۹	دیدگاه آقای رضایی
۳۵	ملاحظات نظری درباره استراتژی
۴۷	روش تحقیق
۴۸	ضمیمه: بررسی دیدگاهها
۵۸	منابع و مأخذ فصل اول

### فصل دوم

#### ناکامی در اتمام جنگ

۶۲	نگرانی از پیروزی ایران
۶۹	استراتژی ایران
۷۲	شکست عملیات رمضان
۸۰	استراتژی عراق
۸۵	گسترش روابط خارجی
۹۱	حمله به جزیره خارک
۹۳	تلاش ایران برای تعیین سرنوشت جنگ

۱۰۷	مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها
۱۱۱	تغییر در نگرش ایران به صلح
۱۱۵	نتیجه‌گیری فصل دوم
۱۱۷	منابع و مآخذ فصل دوم

### فصل سوم

#### برقراری موازن

۱۲۶	جنگ بدون برنده
۱۲۹	شکست امریکا در لبنان
۱۳۱	حملایت راهبردی امریکا از عراق
۱۳۶	۱- کمک‌های اطلاعاتی به عراق
۱۴۳	۲- کمک‌های مالی به عراق
۱۴۵	۳- کمک‌های تسلیحاتی به عراق
۱۵۲	فسار - دیپلماسی در برابر ایران
۱۵۸	استراتژی عراق
۱۶۳	جنگ نفتکش‌ها
۱۶۸	جنگ شیمیایی
۱۶۹	تهیه و تولید عوامل و جنگ‌افزار شیمیایی
۱۷۲	به کارگیری در جنگ
۱۷۶	استراتژی ایران
۱۸۰	سیاست خارجی درهای باز
۱۸۵	تغییر در استراتژی عملیاتی
۱۹۱	تصرف فاو
۱۹۷	پیشروی به سمت بصره
۲۰۴	مقابله به مثل در جنگ نفتکش‌ها
۲۰۸	مقابله به مثل در جنگ شهرها
۲۱۰	نتیجه‌گیری فصل سوم
۲۱۳	منابع و مآخذ فصل سوم

## فصل چهارم

### پایان جنگ

۲۲۴	تشدید فشار بین‌المللی و نظامی به ایران
۲۳۴	استراتژی ایران
۲۳۷	صلاح از طریق سازمان ملل
۲۴۲	مقابله با امریکا در خلیج‌فارس
۲۴۷	گسترش جنگ در شمال‌غرب
۲۴۹	استراتژی عراق
۲۵۳	کسب برتری نظامی
۲۵۶	اتخاذ روش تهاجمی
۲۶۰	بازپس‌گیری مناطق تصرف شده
۲۶۵	برقراری آتش‌بس
۲۶۸	نتیجه‌گیری فصل چهارم
۲۷۱	منابع و مأخذ فصل چهارم

نتیجه‌گیری: (۲۷۷-۲۸۰)

فهرست منابع کتاب: (۲۸۱-۲۸۷)

فهرست راهنمای موضوعی (اعلام): (۲۸۹-۳۰۱)

defamoghadgas.ir

defamoghaddas.ir

✓ پیشگفتار

✓ مقدمه

defamoghadgas.ir

## پیشگفتار چاپ دوم

دشواری‌ها و پیچیدگی‌های برخورد با پیامدهای جنگ پس از اتمام آن و چگونگی تعیین نسبت و رابطه نسل پس از جنگ با دستاوردها و تجربیات حاصل از جنگ، بررسی و مطالعات گسترده و عمیقی را طلب می‌کند، ولی تا اندازه‌ای روشن است که بدون نقد و بررسی نمی‌توان از تجربیات و دستاوردهای جنگ بهره گرفت. در عین حال نقد شالوده‌شکنایه، تجربیات یک جنگ را با تمامی هزینه‌های آن برای یک ملت، مخدوش خواهد کرد. حال با این پدیده چگونه باید مواجه شد؟

مجموعه "نقد و بررسی جنگ ایران و عراق" با توجه به واقعیت‌های جدید و فرآیندهای احتمالی آن و با اهتمام به حفظ و نشر تاریخ دفاع مقدس با رویکرد جدید، بررسی مسائل جنگ را در یک تعامل فعال در برابر تحولات و نیازهای جامعه مورد توجه قرار داده است. هدف از این تلاش، تبیین عقاینت نهفته در درون جنگ، درحوزه نقد، تصمیم‌گیری و رفتارهای سیاسی - نظامی می‌باشد. این مجموعه پنج جلدی عهده‌دار پاسخ به پرسش‌های اساسی درباره جنگ هشت‌ساله عراق‌علیه ایران و نیز بیان چگونگی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های حساس و اشاره به نتایج حاصل از آن است. عنوانین و مباحث این مجموعه عبارت است از:

جلد اول(پرسش‌های اساسی جنگ): این کتاب به بررسی ماهیت و آثار جنگ، ابعاد و ماهیت گفتمان انتقادی درباره جنگ، پرسش‌ها درباره جنگ در دو دوره جنگ و پس از جنگ و تبیین سه پرسش اساسی درباره جنگ پرداخته است.

جلد دوم(اجتناب‌ناپذیری جنگ): در این کتاب به بررسی نظریه‌های مختلف درباره علل وقوع جنگ‌ها و جنگ ایران و عراق، ریشه‌ها و علل تجاوز عراق به ایران، روابط دو کشور قبل و پس از پیروزی انقلاب و تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر روابط ایران و عراق، و ایران و امریکا پرداخته شده است. این کتاب در مجموع در بی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود یا اجتناب‌پذیر؟

جلد سوم(علل تداوم جنگ): در این کتاب تغییر در ماهیت و وضعیت استراتژیک جنگ پس از فتح خرمشهر، تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر و پیامدهای آن، و رخدادهای استراتژیک پس از فتح خرمشهر بررسی شده است.

جلد چهارم(روند پایان جنگ): کتاب حاضر است که در پی بررسی چگونگی پایان جنگ و علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به وسیله ایران، در آن موقعیت زمانی می‌باشد.

جلد پنجم (گزینه‌های راهبردی جنگ): در این کتاب دوران جنگ به سه دوره حمله عراق به ایران، تداوم جنگ و پایان جنگ تقسیم شده است و از هر دوره گزارشی اجمالی ارائه شده است و ضمن تجزیه و تحلیل هر دوره، گزینه‌هایی که در هر دوره پیش رو بوده و چگونگی انتخاب بهترین گزینه در آن موقعیت تبیین شده است. همچنین درس‌ها و نتایجی که از انتخاب این گزینه‌ها حاصل شده و چگونگی بهره‌گیری از این نتایج مهم در دوران پس از جنگ بیان شده است.

نظر به اینکه مبنای تدوین این مجموعه رویکردی جدیدی به مسائل جنگ بوده است، لذا اهمیت این موضوع سبب گردید که با شخصیت‌ها و صاحب‌نظران و مسئولان جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مصاحبه اختصاصی انجام شود. علاوه بر این، کلیه مطالب و منابع موجود درباره نقد و بررسی مسائل جنگ و طرح پرسش در این زمینه، از کتاب‌ها و نشریات، بهویژه آنچه در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ منتشر شده است و همچنین از آرشیو گروه‌ها و جریان‌های سیاسی جمع‌آوری شد. به همین دلیل علاوه بر وجه تمایز این کتاب با سایر آثار منتشر شده درباره جنگ در رویکرد جدید به مسائل جنگ، باید ویژگی این مجموعه را در منابع جمع‌آوری شده و مصاحبه‌های اختصاصی جستجو جو کرد.

کتاب حاضر در سال ۱۳۸۴ چاپ و منتشر شد که با اتمام نسخه‌های چاپ اول، برای بار دوم چاپ و منتشر می‌شود و در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. در اینجا لازم است از سردار سرلشکر غلامعلی رشید، جانشین محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و بهاءالدین شیخ‌الاسلامی به دلیل مطالعه متن کتاب و درج اصلاحات ضروری و همچنین کلیه کسانی که با کوشش خود امکان انتشار این کتاب را فراهم کردند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

## مقدمه

مهمترین مسئله مورد تحقیق و بررسی در کتاب حاضر پرسش از "نحوه پایان جنگ" است. تأمل در انتخاب روش مناسب برای توصیف و تبیین این موضوع سبب شد تحولات جنگ بعد از فتح خرمشهر (خرداد ۱۳۶۱) تا برقراری آتش بس (مرداد ۱۳۶۷) در چارچوب استراتژی ایران و عراق بررسی شود. به همین منظور مفهوم استراتژی به عنوان چارچوب نظری انتخاب شد و این کتاب نیز با همین پشتونه و روش تدوین و تألیف شده است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان با مفاهیم اصلی و ساختار بحث اجمالاً به آن اشاره می‌شود.

کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول (روش و چارچوب نظری) پرسش‌ها و موضوعات مورد نظر به عنوان بیان مسئله تجزیه و تحلیل شده و سپس دو دیدگاه آقای هاشمی و آقای رضایی، فرمانده پیشین سپاه، درباره سیر تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر بررسی شده است.

در این فصل با اشاره به تئوری‌های موجود درباره پایان جنگ، مفهوم استراتژی به عنوان چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل تصمیمات و رفتارهای ایران و عراق و آنچه سرانجام به پایان جنگ منجر شد، تبیین شده است. در پایان این بحث نیز مفهوم استراتژی از نظر نگارنده بیان شده است. روش تحقیق به معنای ابزار، روش‌ها و امکانات گردآوری اطلاعات و تجزیه

و تحلیل مطالب، در ادامه فصل اول تشریح شده است.

برای توضیح تحولات و فصل‌بندی کتاب از سه مفهوم "ناکامی در اتمام جنگ"، "برقراری موازنہ" و "پایان جنگ" استفاده شده است. بر این اساس

سیر تحولات هر دوره در چارچوب استراتژی ایران و استراتژی عراق بیان شده است. نکته مهم آنکه به لحاظ زمانی در برخی مواقع دوره‌ها با هم تداخل دارند و تفکیک آن امکان‌پذیر نیست.

فصل دوم (ناکامی در خاتمه جنگ) در واقع بیانگر اراده و تلاش ایران پس از فتح خرمشهر برای پایان دادن به جنگ است - که با کوشش برای تصرف منطقه‌ایی با اهمیت نمود می‌یابد - هر چند به نتیجه نرسید. در این دوره پیروزی ایران بر عراق با نگرانی پیگیری می‌شد. این موضوع نشان‌دهنده منطق حاکم بر تفکر و رفتار عراق و حامیانش بود. به همین دلیل به خواسته‌ها و اهداف ایران در پایان دادن به جنگ توجهی نشد، بلکه با استفاده از ابزارهای مختلف سعی شد تا پیروزی ایران مهار شود. ایران می‌توانست با پیروزی در عملیات رمضان موضع برتر خود را پس از فتح خرمشهر حفظ و براساس آن در صدد تحقق خواسته‌های خود برا آید. اما این مهم حاصل نشد و همین خیال عراق و حامیانش را آسوده کرد و روند فرسایشی در جنگ آغاز شد. استراتژی عراق در این دوره که به لحاظ زمانی تا عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ بود و حتی تا سال ۱۳۶۳ نیز ادامه یافت شامل چند اقدام اساسی بود: دفاع مطلق در زمین و جلوگیری از تصرف آن به دست قوای نظامی ایران، به همراه گسترش روابط خارجی به ویژه برقراری ارتباط با امریکا. علاوه بر این عراق بلاfacسله پس از عملیات رمضان به جزیره خارک حمله کرد تا هزینه ادامه جنگ را در مقایسه با امتیازات آن برای ایران افزایش دهد.

ایران برای جبران ناکامی در عملیات رمضان، پس از دو عملیات محدود (محرم و مسلم بن عقیل)، عملیات والفجر را با هدف تعیین سرنوشت جنگ طراحی کرد که به نتیجه نرسید و نام "والفجر مقدماتی" بر آن گذاشت؛ هر چند اجرای عملیات والفجر ۱ نیز بعد از آن برای تعیین سرنوشت جنگ نتیجه‌ای دربرنداشت.

ایران که قبلاً نسبت به حملات عراق به شهرها تا اندازه‌ای سکوت می‌کرد و از واکنش مردم عراق نگران بود، پس از گسترش حملات عراق به شهرها،

سیاست مقابله به مثل را انتخاب کرد. همچنین تحولات جدید در عرصه سیاسی و نظامی سبب شد تا تدریجًا نگرش ایران به اقداماتی که برای پایان دادن به جنگ صورت می‌گرفت تغییر کند.

در فصل سوم (برقراری موازنه) ابعاد سیاست‌های امریکا برای مدیریت جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران تشریح شده است. تنها یک هفته پس از آغاز جنگ هنری کیسینجر، نظریه‌پرداز وزیر خارجه اسبق امریکا، نظریه جلوگیری از پیروزی هر یک از طرفین در جنگ را، عنوان کرد ولی با گسترش ابعاد جنگ و مشاهده توان و اراده ایران برای ادامه جنگ، سیاست‌های امریکا حمایت از عراق و جلوگیری از پیروزی ایران بود.

پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ و انفجار مقرّ نیروهای امریکا و فرانسه در بیروت در سال ۱۳۶۲ و اجرای عملیات خیبر در همین سال و در نتیجه تشدید نگرانی امریکایی‌ها از نتایج احتمالی جنگ، سیاست‌های حمایت‌آمیز امریکا از عراق شکل جدی‌تری به خود گرفت و تا اواخر سال ۱۳۶۵ و حتی بهار سال ۱۳۶۶ به طول انجامید. در این دوره امریکا با حمایت راهبردی از عراق، کمک‌های وسیعی در زمینه‌های اطلاعاتی و مالی و تسليحاتی با یاری کشورهای مختلف به سمت عراق هدایت کرد. در حالی که سیاست امریکا در برابر ایران فشار - دیپلماسی بود. یعنی تنبیه و مجازات با اعطای برخی امتیازات که گشايش کاتال دیپلماتیک و شکل‌گیری ماجراهای مکفارلین بخشی از آن بود.

در این دوره استراتژی عراق حمله به نفتکش‌ها بود که به طور جدی پس از عملیات خیبر آغاز شد و در سال ۱۳۶۳ با دریافت هواپیماهای میراژ و موشک‌های اگزوست از فرانسه به اوج رسید. تلاش جدید عراق در این دوره به عنوان "جنگ نفتکش‌ها" مشهور شد. علاوه بر این، عراق برای نخستین بار از تسليحات شیمیایی به طور گسترده در عملیات خیبر استفاده کرد. هدف عراق در این مرحله از جنگ نفتکش‌ها، اقتصاد ایران بود و با جنگ شیمیایی در نظر داشت قدرت تهاجمی ایران را که بر نیروی انسانی متکی

بود مختل کند. پیش از این نیز عراق با جنگ شهرها بر آن بود تا مردم مناطق غیرنظمی را هدف گیرد.

استراتژی ایران در این دوره تغییر در سیاست خارجی با گسترش ارتباطات بین‌المللی بود. علاوه بر این، در استراتژی عملیاتی ایران تغییراتی روی داد و منطقه فاو در همین مرحله با اجرای عملیات والجر <sup>۸</sup> تصرف شد.

چنین تصور می‌شد که تغییرات جدید در عرصه سیاست خارجی و کسب پیروزی در چنین منطقه مهم فاو موازنۀ جنگ را به سود ایران تغییر خواهد داد ولی این مهم حاصل نشد بلکه دامنه فشارها به ایران افزایش یافت و ماجراهی مکفارلین نیز افشاء شد.

در این دوره ایران ضمن تلاش برای ثبات برتری حاصل از نبرد فاو با اجرای عملیات کربلای <sup>۴</sup> و سپس کربلای <sup>۵</sup>، استراتژی مقابله به مثل در جنگ نفتکش‌ها را برگزید و دامنه درگیری در منطقه خلیج‌فارس گسترش یافت. در عین حال برای پایان دادن به جنگ هیچ‌گونه تحولی ایجاد نشد و این مرحله از جنگ نیز به اتمام رسید. در واقع تعادل قوا مانع از پیروزی ایران شد.

فصل چهارم (پایان جنگ) بیانگر ظهور عوامل و زمینه‌های پایان جنگ است. این دوره با پیروزی در عملیات کربلای <sup>۵</sup> در دی‌ماه ۱۳۶۵ آغاز شد و با گسترش درگیری در خلیج‌فارس از همین زمان ادامه یافت و سرانجام در مرداد ۱۳۶۷ با برقراری آتش‌بس به پایان رسید. در این مرحله با تشدید فشار بین‌المللی به ایران از راه تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ و افزایش فشار نظامی به ایران با گشايش جبهه جدید در خلیج‌فارس و درگیری ایران و امریکا، شمارش معکوس برای پایان جنگ آغاز شده بود.

استراتژی ایران در برابر وضعیت جدید، صلح از طریق سازمان ملل بود. به همین دلیل قطعنامه ۵۹۸ نه تأیید و نه رد شد بلکه ایران با دبیرکل برای جابه‌جایی در بندهای قطعنامه ۵۹۸ و اجرایی شدن آن مذاکرات را آغاز کرد. نگرانی از حضور امریکا در خلیج‌فارس موجب مقابله ایران با امریکا و درگیری محدود میان دو کشور شد. همچنین بن‌بست جنگ در جنوب سبب

شد تا ایران منطقه شمال غرب را با هدف اتصال به منطقه استقرار معارضان کُرد عراقی و گشاپیش جبهه جدید در این منطقه انتخاب کند. در نیمه دوم سال ۱۳۶۶ بخش مهمی از توان نظامی ایران در این منطقه به کار رفت و عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه آخرین تلاش نظامی ایران بود که به منزله اجرای عملیات بزرگ در اسفند سال ۱۳۶۶ تلقی شد.

اهداف عراق در این دوره گسترش درگیری در خلیج فارس برای بین‌المللی کردن جنگ و در نهایت پایان دادن به آن بود. لذا حضور امریکا در خلیج فارس و درگیری ایران و امریکا و همچنین تصویب قطعنامه ۵۹۸ از نظر عراق به منزله فراهم شدن زمینه‌های پایان جنگ بود.

در دوره پایانی جنگ، عراق به دلیل برخورداری از تجهیزات انبوه و پیشرفت، افزایش قدرت و توان رزمی، از نظر نظامی بر ایران برتری داشت. به همین دلیل در حملات موشکی به تهران، با مشاوره روس‌ها، استراتژی خود را با هدف تعیین سرنوشت جنگ در زمین، از دفاع به حمله تغییر داد. فاو نقطه آغاز تلاش عراق برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده بود. این مهم در فروردین ۱۳۶۷ تحقق یافت و توازن نظامی و تعادل روحی - روانی به نفع عراق تغییر کرد.

ادامه این وضعیت و نگرانی ایران از تداوم حملات عراق به خاک ایران سبب شد تا با اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب جمهوری اسلامی ایران و عقبنشینی از همه مناطق تصرف شده، اوضاع سیاسی - نظامی به سود ایران تغییر کند.

عراق بر پایه ارزیابی از وضعیت جدید حملات خود را در منطقه جنوب آغاز کرد و منافقین نیز با حمایت ارتش عراق حمله به کرمانشاه را آغاز کردند. واکنش نظامی ایران در جبهه‌های جنگ و فشار بین‌المللی سبب گردید سرانجام عراق با برقراری آتش‌بس موافقت کند و به این ترتیب جنگ ایران و عراق به پایان رسید.

defamoghadgas.ir

## فصل اول

### روش و چارچوب نظری

- ✓ بیان مسئله
- ✓ بررسی دو دیدگاه (هاشمی و رضایی)
- ✓ ملاحظات نظری درباره استراتژی
- ✓ روش تحقیق
- ✓ ضمیمه: بررسی دیدگاهها

## روش و چارچوب نظری

بیان مسئله

جنگ از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که بر اثر زمینه‌ها و عوامل مختلف، در شرایط خاصی آغاز می‌شود، تحت تأثیر مجموعه‌ای از متغیرها ادامه می‌یابد و سرانجام به پایان می‌رسد. بیشترین مباحث تحلیلی و نظری در حوزه مباحث روابط بین‌الملل اهمیت جنگ و پیامدها و ضرورت جلوگیری از آن است. در عین حال، جنگ‌ها با حیات سیاسی - اجتماعی جوامع پیوند خورده‌اند و همچنان تکرار می‌شوند.

برخلاف آنکه درباره علل وقوع جنگ و نیز جلوگیری از آن مباحث بسیار مطرح و نظریه‌پردازی شده، از پایان دادن به جنگ کمتر بحث شده است.<sup>\*</sup> به همین دلیل گفته می‌شود: "می‌دانیم که جنگ‌ها معمولاً چگونه آغاز می‌شوند اما شک دارم کسی در جهان باشد که چگونگی خاتمه دادن به آنها را بداند."<sup>(۱)</sup>

در میان پرسش‌های موجود درباره جنگ ایران و عراق سه موضوع اساسی شامل "علل آغاز جنگ"، "تداوی آن پس از فتح خرم‌شهر" و "نحوه پایان آن" در مقایسه با سایر پرسش‌ها اهمیت بیشتری دارد. در عین حال، اجماع و توافق موجود در جامعه ایران و در سطح بین‌المللی درباره ماهیت رژیم بعث و شخصیت صدام، از میزان توجه به آغاز جنگ، کاسته است. همچنین گرچه از علت ادامه جنگ و طولانی شدن آن پرسش می‌شود، نحوه پایان یافتن

\* رالف کینگ بر این نظر است که رویکرد مطالعات جنگ از تمرکز بر عوامل جنگ به ختم آن تغییر کرده است. (ماهیت نگاه، شهریور ۱۳۸۱، ش، ۲۶، ص ۵)

جنگ نیز سؤال برانگیز است. در هر صورت به علت "ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر"، در مقایسه با دو پرسش دیگر، بیشتر توجه شده است، حال آنکه به لحاظ نظامی - سیاسی و استراتژیک آغاز و پایان جنگ حائز اهمیت بیشتری است.

پیش از این در سایر مجلدات این مجموعه، پرسش‌های جنگ و علت شکل‌گیری و ماهیت آن در جلد اول نقد و بررسی شد و سپس به پرسش علل وقوع جنگ تحت عنوان "اجتناب ناپذیری جنگ" در جلد دوم پاسخ داده شد و "علل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر" در جلد سوم بررسی شد و اینک در آخرین جلد از مجموعه چهار جلدی نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، "نحوه پایان دادن به جنگ"، بررسی می‌شود.

پرسش سوم بر روش پایان جنگ متمرکز است. برای کالبد شکافی آن، باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که مسئله اساسی و نقطه کانونی پرسش بر چه موضوع و مسائلی متمرکز است؟ به عبارت دیگر، آیا منظور این است که چرا جنگ تمام شد و باید همچنان به جنگ ادامه می‌دادیم؟ اگر اصل اتمام جنگ را بر اساس این قاعده بپذیریم که هر جنگی همان‌گونه که آغاز می‌یابد، باید پایان داشته باشد بنابراین، پرسش بر نحوه پایان جنگ و نه اتمام جنگ، متمرکز است. بر این اساس باید بررسی کرد که نحوه پایان جنگ چگونه بود که حال این‌گونه از آن پرسیده می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام موافقت خود با اتمام جنگ زمینه پایان یافتن جنگ را فراهم ساخت. حال آیا مسئله، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است؟ با توجه به اینکه جنگ‌ها بر اثر بن‌بست سیاسی آغاز می‌شوند، ولی سرانجام با روش سیاسی یا پیروزی نظامی به پایان می‌رسند، این سؤال مطرح است که جمهوری اسلامی ایران که از راه نظامی می‌توانست بر عراق پیروز شود چرا با روش سیاسی به جنگ خاتمه داد؟ به عبارت دیگر، این باور و اعتقاد وجود داشت که جنگ باید با پیروزی نظامی بر عراق به پایان برسد اما با پذیرش قطعنامه و اتمام جنگ با روش سیاسی،

نوعی تغییر استراتژی حاصل شد و بدلیل ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد<sup>\*</sup> سؤال‌انگیز شده است؟

توجه به واقعیات سیاسی - نظامی ماههای پایانی جنگ تا اندازه‌ای علت پرسش از نحوه پایان جنگ را مشخص می‌کند. قطعنامه ۵۹۸ در تیر ماه ۱۳۶۶ تصویب شد ولی ایران آن را یک سال بعد در تیرماه ۱۳۶۷ پذیرفت؛ در موقعیتی که عراق با حملات نظامی، اکثر مناطقی را که قوای نظامی ایران در سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ تصرف کرده بودند، پس گرفته بود. این توضیح نشان می‌دهد تحولات نظامی و برخی ملاحظات سیاسی - اجتماعی در ماههای پایانی جنگ موجب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان دادن به جنگ شد. برخلاف تصورات موجود، این تحولات براساس توان نظامی ایران و عراق صورت گرفت و به همین دلیل موجب ایجاد شکاف میان واقعیات و تصورات و باورها شد. پیروزی‌های نظامی عراق، شوک سیاسی - روانی بر جامعه ایران وارد کرد<sup>\*\*</sup> و در نتیجه، موازنۀ نظامی به سود عراق تغییر کرد و ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به جنگ پایان داد.

واکنش رزمندگان و مردم و بیانیه امام خمینی درباره تصمیم جمهوری اسلامی یا تعبیر ایشان از پذیرش قطعنامه به "نوشیدن جام زهر"، بیان‌کننده احساسات و ابهامات در واقعه پایان جنگ است.

بنابراین، ابهام در ماهیت تحولات نظامی در ماههای پایانی جنگ و نیز روش سیاسی ایران برای پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه، پرسشی اساسی است؛ بدین معنا که اگر قرار بود جنگ با پذیرش قطعنامه به اتمام برسد چرا در زمان تصویب قطعنامه در تیرماه ۱۳۶۶، که برتری نظامی با ایران بود، این اقدام صورت نگرفت؟

\* شعارهایی که در طول جنگ داده شد انتظاراتی را به وجود آورد که با واقعیات ماههای پایانی جنگ و نحوه پایان جنگ در تناقض بود و لذا ابهام و پرسش‌هایی را درباره نتیجه خاتمه جنگ به وجود آورد.

\*\* روند ناکامی‌های نظامی پس از فتح خرمشهر موجب بحث درباره نحوه بیان واقعیت‌های جنگ شد و سرانجام برای جلوگیری از بهره‌برداری دشمن، از بیان واقعیات خودداری شد.

(نگاه کنید به آرامش و چالش، ص ۴۰)

در این میان پرسش‌های دیگری نیز هست که کمتر بدان توجه می‌شود؛ نخست آنکه تحولات نظامی در ماههای پایانی جنگ به چه علت بود؟ در واقع، اگر علت اصلی پایان دادن به جنگ متأثر از تغییر موازنۀ نظامی به زیان ایران بود، این تحول چگونه و تحت چه شرایطی ایجاد شد و در صحنه نظامی جنگ تحقق یافت؟ آیا این موضوع برای ایران قابل ارزیابی و پیش‌بینی بود؟ آیا مجدداً امکان داشت موازنۀ به سود ایران تغییر کند؟ در صورت پاسخ مثبت یا منفی، دلایل و مستندات آن چیست؟

همچنین در وضعیتی که ایران در موضع تهاجمی و برتر بود چرا همانند آنچه عراق با اقدامات نظامی در فاصله چهار ماه انجام داد، به یک پیروزی نظامی قاطع برای پایان دادن به جنگ نتوانست دست یابد؟

تا کنون تحلیل‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی از چگونگی پایان جنگ ارائه شده است که بیشتر ناظر بر مسائل مختلفی مانند: روند تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح خرمشهر، تصورات و برداشت‌های ایران و عراق از جنگ و استراتژی دو کشور، تصمیمات و اقدامات طرفین، ماهیت تحولات سیاسی - نظامی در ماههای پایانی جنگ و اقدام ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ پیامدهای اتمام جنگ در داخل ایران و در سطح منطقه و مسائلی از این قبیل می‌باشد. در حالی که حجم و دامنه تحلیل و تفسیرها نسبتاً گسترده است ولی هیچ‌کدام از موضوعات، دستمایه تحقیقات و نظریه‌پردازی قرار نگرفته است.

### بررسی دو دیدگاه

نظر به اینکه تحلیل و تفسیرهای صاحب‌نظران داخلی و خارجی برداشت و ارزیابی از روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ و پایان آن را بیان می‌کند و ادبیات تولید شده در این زمینه نیز در شکل‌گیری اذهان و باورهای جامعه نقش و تأثیر دارد به بخشی از آنها اشاره می‌شود. البته برای اینکه بحث طولانی و در تسلسل مطالب خلل ایجاد نشود بخشی از نظریات در ضمیمه

فصل اول قرار گرفته است و در ادامه بحث تنها دیدگاه‌های آقای هاشمی و آقای رضایی بررسی می‌شود.

### دیدگاه آقای هاشمی

آقای هاشمی رفسنجانی که فرمانده عالی جنگ بود در تصمیم‌گیری‌های کشور بویژه جنگ نقش و تأثیر استثنایی داشت. بررسی دیدگاه و نظریات ایشان درباره مسائل جنگ پس از فتح خرمشهر حائز اهمیت است. ایشان بلافاصله پس از اتمام عملیات رمضان، در نماز جمعه تهران اظهار کرد: «همان طور که در روزهای اول گفتم در مرزها نمی‌ایستیم و وارد خاک عراق می‌شویم و به حرفمن عمل کردم». ایشان اضافه کرد: «دو، سه هفته‌ای ایستادیم، مهلت دادیم، اخطار کردیم و خواستیم توجه کنند، که گوش شنوا نبود، نه کشورهای حامی عراق، نه غیرمعهدها، نه دولت‌های مسلمان توجه کردند و نه خود عراق». آقای هاشمی بر پایه این ملاحظات و تصمیم‌گیری ایران می‌گوید: «ما هم آن کار اساسی و راه نهایی را در پیش گرفتیم و آن این بود که برای رسیدن به اهدافمان وارد خاک عراق شویم». <sup>(۲)</sup> آقای هاشمی که یکی از تصمیم‌گیرندگان بود دلایل این اقدام را توضیح می‌دهد و می‌گوید:

«از نظر بندۀ به عنوان یکی از تصمیم‌گیرها، سه دلیل اساسی برای ورود به خاک عراق مطرح است که دلایل فرعی زیادی هم پشت این سه دلیل اصلی وجود دارد. اولین دلیل ما بایان دادن به جنگ است. ما جنگ را تشدید کردیم برای اینکه آن را تمام کنیم. این بزرگ‌ترین هدف است.»<sup>(۳)</sup>

آقای هاشمی دلایل استراتژی جدید ایران را توضیح می‌دهد و می‌گوید: «اگر در مرزهایمان می‌ماندیم، نه به ما خسارت می‌دادند، نه حاضر بودند یک قدم از برنامه‌هایی که دارند عقبنشینی کنند، همه چیز به همان وضعی که مطلوب آنهاست ادامه پیدا می‌کرد و ما دو راه بیشتر برایمان نمانده بود. یا ذلیلانه خواست آنها را بپذیریم، جنگ را خاتمه دهیم و بگوییم به خانه‌هایمان باز می‌گردیم. و فرض دیگر اینکه ما هم بزنیم به دریا و جنگ را

تمام کنیم. تمام کردن جنگ هم این طور است که الان شروع کرده‌ایم.»<sup>(۴)</sup> ایشان در توضیح سیاست‌های امریکا درباره جنگ می‌گوید:

«اگر امریکا می‌گوید جنگ باید تمام بشود، دروغ می‌گوید. به خدا قسم دروغ

می‌گوید. آنها می‌خواهند سال‌ها این جنگ باشد، متنها به شکل نه جنگ - نه

صلح. این عالی ترین و مطلوب‌ترین وضعی است که در منطقه می‌خواهند.»<sup>(۵)</sup>

آقای هاشمی هدف دوم برای ورود به داخل خاک عراق را دریافت خسارت ذکر می‌کند. درباره هدف سوم می‌گوید: مردم منطقه و مردم عراق آزاد و راحت باشند. ایشان مجدداً در پایان خطبه اهداف و ترتیب آن را جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید:

«این سه هدف، عمدۀ ما، در ورود به خاک عراق است که به ترتیب: اول پایان

جنگ، دوم گرفتن حقوق و سوم آزادی مردم عراق [و تشکیل] حکومتی مردمی

[در این کشور می‌باشد].»<sup>(۶)</sup>

عملیات رمضان با هدف پایان دادن به جنگ و سایر اهدافی که آقای هاشمی اشاره می‌کند آغاز شد ولی به پیروزی نرسید و به همین دلیل جنگ به مدت شش سال ادامه یافت. آقای هاشمی بعدها عملیات رمضان را تحلیل می‌کند و می‌گوید: «تحلیل این بود که از نظر نظامی پیروز می‌شویم، اما موضع را پیش‌بینی نمی‌کردیم.»<sup>(۷)</sup>

در ادامه جنگ پس از فتح خرم‌شهر و ناکامی عملیات رمضان، همچنان استراتژی ایران برای پایان دادن به جنگ متکی بر کسب پیروزی در یک عملیات و سپس پایان دادن به جنگ بود. آقای هاشمی در این باره می‌گوید: «من یک نظریه داشتم که جایی را بگیریم و جنگ را تمام کنیم.»<sup>(۸)</sup> ایشان در عین حال توضیح می‌دهد که امام تفکر دیگری داشت: «امام مایل نبود درباره جنگ کسی با ایشان حرفی بزند، ذهنیت عمومی امام این بود که عراق آزاد شود.»<sup>(۹)</sup> امام می‌گفتند: «بروید تا ریشه فتنه در آنجا کنده شود.»<sup>(۱۰)\*</sup>

\* آقای شمخانی آیجه را امام بیان می‌کرد و تفکرات آقای هاشمی و باورهای سپاه را چنین توضیح می‌دهد: «امام می‌گفت: جنگ، جنگ تا رفع فتنه؛ سپاه معتقد بود: جنگ، جنگ تا پیروزی و آقای

آقای هاشمی با توجه به سیاستی که داشت و با توجه به واقعیات جنگ معتقد بود که ما باید منطقه‌ای را از دشمن می‌گرفتیم تا قدرت چانه‌زنی داشته باشیم و تا این حاصل نمی‌شد نمی‌توانستیم حرفری بزنیم؛ بنابراین از نظر ایشان کسب پیروزی نظامی امری مهم بود. آقای هاشمی مسئولیت بخش‌های یک عملیات را چنین برشمرد: عملیات نظامی را رزمندگان اجرا می‌کردند و سپاه با توجه به روحیه تهاجمی، بولوزر جنگ بود. پیشنهادها درباره عملیات در جلسه سران سه قوه مطرح می‌شد و ما به امام می‌گفتیم: بنابراین فرماندهی واقعی در جبهه بود و ما تدارک کننده بودیم.<sup>(۱۱)</sup>

ایشان می‌گوید این روند، عملیاتی را تصویب و از آن حمایت می‌کرد که "اهداف استراتژیک"<sup>(۱۲)</sup> داشته باشد تا بر اساس آن بتوان نظریه کسب پیروزی و چانه‌زنی برای اتمام جنگ را پیگیری کرد. مجموعاً در شش سال جنگ از نظر ایشان چهار یا پنج عملیات اهداف استراتژیک داشت.<sup>(۱۳)</sup> آقای هاشمی در این زمینه می‌گوید:

«در عملیات والفجر مقدماتی من نبودم (به عنوان فرمانده عالی جنگ) اما چیزی که بشود جنگ را تمام کرد نمی‌دانم وجود داشت یا خیر؟ عملیات خیر را با این هدف دنبال کردیم و فکر می‌کردیم که این همان عملیاتی است که ما می‌خواستیم ولی مشکل الحاق نیروها به وجود آمد. در عملیات فاو در ذهنم این بود که برویم ام القصر را بگیریم و رابطه عراق را با دریا قطع کنیم که نشد. عملیات کربلای ۵ برای ما نقطه اوج بود که نشد.

در (منطقه عملیاتی) غرب فکر کردیم می‌شود که نشد. ما فکر می‌کردیم اگر برویم به منطقه غرب کشور دشمن هوشیار نیست و آب سد دریندیخان حریبه‌ای برای تهدید جدی عراق است و اگر به کرکوک برسیم با کردها هماهنگ می‌کنیم و نفت شمال عراق را قطع می‌کنیم.<sup>(۱۴)</sup>

---

هاشمی می‌گفت: جنگ، جنگ با یک پیروزی.» (اصحابه اختصاصی، ۱۳۸۰/۱/۲۱) این توضیحات ناظر بر این معنا است که درباره تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، تدریجاً دیدگاه جدیدی ایجاد شد که تأثیر آن در سطوح مختلف و در نتیجه کلی جنگ غیرقابل تردید است.

آقای هاشمی در ارزیابی مجموعه عملیاتی که به منظور پایان دادن به جنگ انجام شد می‌گوید: «در همه اینها ناموفق بودیم، در حد ضربه زدن و ادامه جنگ موفق بودیم ولی به اهداف نرسیدیم.»<sup>(۱۵)</sup>

با این توضیح در واقع طی شش سال جنگ، سلسله عملیات‌هایی که انجام شد تنها وضع موجود را حفظ کرد درحالی که هدف کسب پیروزی و پایان دادن به جنگ بود. آقای هاشمی بر این نظر است که استراتژی ایشان مبنی بر تصرف یک منطقه با اهمیت و پایان دادن به جنگ صحیح بود ولی کاستی‌ها و ناتوانی نیروهای نظامی مانع از تحقق آن شد؛ زیرا کلیه عملیات‌هایی که پیشنهاد می‌شد و ایشان تصویب و حمایت می‌کرد، اهداف استراتژیک داشت و در صورت تحقق اهداف، پایان دادن به جنگ ممکن می‌شد لیکن نیروهای نظامی قادر به تأمین این اهداف نبودند.\*

برداشت آقای هاشمی از مقدورات کشور برای پشتیبانی از جنگ در تخصیص منابع برای جنگ تأثیر داشت. آقای هاشمی برای اثبات صحت

\* نیروهای نظامی بویژه سپاه در برابر این تحلیل معتقدند که فقدان استراتژی نظامی و تأکید بر اجرای یک عملیات برای پایان دادن به جنگ عامل ناکامی بود. برای اثبات این موضوع چنین استدلال می‌شود که ما باید پس از فتح خرم‌شهر همانند قبل از آن، که برای آزادسازی مناطق اشغالی، مجموعه‌ای از عملیات را طراحی و اجرا کردیم و مضل ماناطق اشغالی حل شد، برای پایان دادن به جنگ نیز به پیروزی قاطع نیاز داشتیم و این مهم با استراتژی نظامی و طراحی و اجرای مجموعه عملیات ممکن بود. سردار غلامعلی رشید درباره این موضوع می‌گوید: «پس از عملیات بدر به این نتیجه رسیدیم که با این روش نمی‌شود در جنگ به پیروزی رسید. طرحی را تهیه کردیم تا با ۱۵۰۰ گردان برای حمله به سه هدف در سراسر جبهه طی یکسال و نیم به دشمن حمله کنیم. هدف بصره با پانصد گردان، هدف کرکوک با چهارصد و بیست و ششصد گردان. انجام هر نیروهای را هم نمی‌توانیم تأمین کنیم.» (صاحب‌الحق اخلاقی، ۱۳۸۰/۴/۱۹) با این توضیح دو موضوع به میان می‌آید؛ یکی مسئله پشتیبانی کشور در جنگ و دیگر موضوع تصمیم‌گیری برای پایان دادن به جنگ است. درباره پشتیبانی از جنگ پس از عملیات بدر آقای هاشمی در تابستان سال ۱۳۶۴ در جمع فرماندهان سپاه و ارتش صراحتاً اعلام کرد: «توان کشور برای ادامه جنگ محدود است.» ایشان همچنین درباره ضرورت کسب پیروزی برای پایان دادن به جنگ گفت: «زمان امروز برای ما بسیار مهم است چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی‌پذیرد.» ایشان اضافه کرد: «عملیات ناموفق به صلاح ما نیست، این یک اصل است. انجام عملیات با تمام امکانات لازم تا آینحای که من می‌دانم مقدور نخواهد بود. عملیاتی را پیشنهاد کنید تا بتوانیم بپذیریم.» (آغاز تا پایان، ص ۹۷ تا ۹۹)

ارزیابی خود از مقدورات کشور ضمن اشاره به اینکه "ظرفیت کشور محدود بود" می‌گوید «در آخر جنگ هم به همین نتیجه رسیدیم.» ایشان با اشاره به نامه نخست وزیر وقت به امام می‌گوید: «دولت به امام نامه داد\*\* که نمی‌شود.»<sup>(۱۶)</sup> نکته مهم در اظهارات آقای هاشمی این موضوع است که می‌گوید: «آنچه سپاه و دولت در نامه به امام نوشتند اگر پنج سال قبل می‌گفتند امام تصمیم می‌گرفت و جنگ را تمام می‌کرد. نامه سپاه به امام، معلومات (اطلاعات) امام را بهم ریخت.»<sup>(۱۷)</sup>

در واقع، آقای هاشمی علت طولانی شدن جنگ را چند عامل می‌داند: نخست آنکه عملیات نظامی اهداف استراتژیک را تأمین نمی‌کرد. مقدورات کشور هم برای تدارکات بیشتر محدود بود. در نتیجه، عملیات نظامی با ضربات محدود بر عراق تنها برای حفظ موازنۀ موجود کارکرد داشت و تغییر موازنۀ مستلزم افزایش پشتیبانی از جنگ بود که از نظر آقای هاشمی ممکن نبود. بنابراین وضعيت به تداوم جنگ منجر شد. علاوه بر این، تبدیل عملیات‌های نظامی ایران به عملیات سالانه علاوه بر عامل پشتیبانی، متأثر از معضل نیروهای داوطلب بود که به تناسب فصل به جبهه می‌آمدند و همین امر در تنظیم زمان عملیات‌ها تأثیر داشت، لذا میان عملیات‌ها فاصله ایجاد می‌شد و دشمن از این موضوع استفاده می‌کرد؛<sup>(۱۸)</sup> زیرا دشمن در فرصت به دست آمده، نیروها و تجهیزات خود را بازسازی و تقویت می‌کرد.

علاوه بر این، ایشان می‌گوید: «دو عامل اساسی وجود داشت که تصمیم مناسبی برای پایان دادن به جنگ گرفته نشد. یکی سپاه بود که طرح پایان دادن به جنگ از نظر سپاه چیزی شبیه کفر بود. مسئله بعدی امام بود که لحظه‌ای اجازه نمی‌داد درباره ختم جنگ بحث کنیم. در مجلس هم عده‌ای

\* سردار رشید در حاشیه این متن و توضیح نامه نخست وزیر وقت و فرمانده وقت سپاه به امام نوشته است: این کار (نوشتن هر دو نامه) بنا به خواسته آقای هاشمی نوشته شد برای پایان دادن به جنگ.

\*\* متأسفانه به متن نامه نخست وزیر و فرمانده سپاه به امام دسترسی نداشتم. در صورت دستیابی به نامه آن را چاپ خواهیم کرد.

بودند بهنام "مجمع عقلاً" و آقای روحانی اکه برای پایان دادن به جنگ فعالیت می‌کردند، امام آنها را سر جایشان نشاند.<sup>(۱۹)</sup> همچنین به مراکز بین‌المللی و قدرت‌ها اعتمادی وجود نداشت و هیچ‌کس هم مصلحت نمی‌دید که جنگ این جوری تمام شود.<sup>(۲۰)</sup>

در هر صورت جنگ بر اثر تحولات نظامی - سیاسی به پایان رسید. آقای هاشمی درباره دلایل ایران برای پایان دادن به جنگ معتقد است امکانات عراق برای حمله به شهرها یکی از عوامل مهم ختم جنگ بود.<sup>(۲۱)</sup> در این روند استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی بویژه در حلبچه نگران کننده بود. چنانکه «وقتی حلبچه را دیدم جنگ برایم خیلی وحشتناک جلوه کرد.»<sup>(۲۲)</sup> ایشان با اشاره به این موضوع می‌گوید: «این مورد را باید مهم‌ترین عامل پذیرش قطعنامه از طرف امام حساب کنیم.»<sup>(۲۳)</sup> آقای هاشمی در توضیح دیگری می‌گوید: «اگر عراق به سلاح‌های شیمیایی نرسیده بود و از سلاح لیزری برای زدن مناطق و موشک به تهران و هوایپیمای دوربرد برای زدن برق نکا استفاده نمی‌کرد ما باز هم می‌توانستیم ادامه بدهیم. ما از کارهای خارج از جبهه عراق لطمہ خوردیم.»<sup>(۲۴)</sup> علاوه بر این، حمله عراق به نفتکش‌ها و تلاش برای متوقف کردن تولید نفت ایران نیز در پذیرش قطعنامه مؤثر بود و مهم‌تر از آن «دولت رسماً نامه نوشت به امام، یعنی وزرای اقتصادی نامه نوشتند به امام که دیگر نمی‌توانیم از لحاظ اقتصادی جنگ را پشتیبانی کنیم. سپاه هم نامه‌ای به امام نوشت که اگر می‌خواهید ما بجنگیم و عملیات موفق داشته باشیم نیازهای ما را تأمین کنید. نیازمندی‌هایشان را دادند که فوق العاده بزرگ بود. امام با توجه به این ملاحظات سرانجام قبول کردند قطعنامه را بپذیریم.»<sup>(۲۵)</sup>

### دیدگاه آقای رضایی

آقای محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران، تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر را از این منظر مورد توجه قرار می‌دهد که مسئله اصلی کشور پس از فتح خرمشهر، نحوه پایان دادن به جنگ بود؛ زیرا با آزادسازی مناطق

اشغالی موضوع اصلی "پایان جنگ" بود. بنابراین، تمام بحث‌ها بلا فاصله پس از فتح خرمشهر بر چگونگی پایان دادن به جنگ متمرکز شد و جلساتی که در ابتداء در خدمت امام خمینی برگزار شد در همین زمینه بود.<sup>(۲۶)</sup>

آقای رضایی شش سال تحولات جنگ را در چارچوب "استراتژی ایران بررسی می‌کند. از نظر ایشان "پیروزی در خرمشهر به معنای تغییر در ماهیت جنگ" بود؛ زیرا موازنۀ قوا بین ما و عراق را بر هم زد و ما در موضع برتر قرار گرفتیم.<sup>(۲۷)</sup> پیامدهای این برتری، تغییر نگرش بین‌المللی نسبت به توانمندی عراق بود لذا حامیان عراق مردد و ناامید شدند.<sup>(۲۸)</sup> این موضوع نیز روشن شد که براحتی نمی‌توانند به ایران اسلامی حمله کنند.<sup>(۲۹)</sup> مهم‌ترین تأثیر فتح خرمشهر تغییر مسئله اساسی جنگ بود که از تسليم ایران و پیروزی عراق به پیروزی ایران و تسليم عراق تبدیل شد.<sup>(۳۰)</sup> چنین پدیده‌ای آرایش نیروها و استراتژی ایران و عراق را تغییر داد.

عراق در استراتژی جنگی خود بازنگری کرد و در لاک دفاعی فرو رفت<sup>(۳۱)</sup> و حمایت بین‌المللی از عراق افزایش یافت و این موضوع حتی بر سلاح‌هایی که حامیان جهانی صدام به وی اعطای کردند تأثیر گذاشت.<sup>(۳۲)</sup> عراق بعد از آزادی خرمشهر در چند جبهه با ایران می‌جنگید: در جنگ زمینی، در خلیج فارس، در شهرها و نیز در منطقه کردستان. در حقیقت ایران بعد از آزادی خرمشهر در چهار جبهه با عراقی‌ها درگیر بود.<sup>(۳۳)</sup> به عبارت دیگر، تغییر موازنۀ نظامی و ماهیت تلاش‌های جدید ایران برای ادامه جنگ موجب شد تا عراق و حامیان آن استراتژی "مهار توانمندی نظامی ایران" را در دستور کار خود قرار دهنند. مهار ایران، جوهر سیاست‌ها و استراتژی جدید عراق و سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را در حمایت از عراق تشکیل داد و همین موضوع در روند جنگ و پایان آن تأثیر سرنوشت‌ساز داشت.

تغییر استراتژی ایران با تأثیر از تحولات سیاسی - نظامی و با هدف پایان دادن به جنگ از موضع برتر، باعث شد تا در جلسه مسئولان با امام برای

ادامه جنگ تصمیم‌گیری شود.\* ماهیت استراتژی جدید ایران بر مبنای پیروزی‌هایی که در آزادسازی مناطق اشغالی به دست آمده بود و همچنین احتمال تداوم آن پیروزی‌ها و متقاعد ساختن حامیان عراق به پذیرفتن خواسته‌های ایران شکل گرفت. چنانکه آقای رضایی سه ماه پس از عملیات رمضان می‌گوید: «ما فکر می‌کردیم که جنگ تمام می‌شود و دشمن نیز برای حفظ منافع خود تسلیم می‌شود و می‌پذیرد ولی آنها هر نوع پیشروی را برای جمهوری اسلامی غیر قابل قبول و خطرناک می‌دانند و تسلیم نمی‌شوند.»<sup>(۳۴)</sup> دوگانگی استراتژی ایران در جنگ، اصطلاحی است که برای اولین بار آقای رضایی برای توضیح تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از فتح خرمشهر استفاده کرد. در تعریف ایشان استراتژی دوگانه، متأثر از ادراکی متفاوت در دو سطح سیاسی و نظامی است.<sup>(۳۵)</sup> با این توضیح که استراتژی امری ذهنی است و دوگانگی ابتدا در ذهن و بعد در عمل ایجاد می‌شود. دوگانگی به معنای دو نظریه متفاوت برای حل یک مسئله است.<sup>(۳۶)</sup> اگر ادراک مشترک حاصل شود عزم ملی به وجود می‌آید؛ در غیر این صورت دوگانگی در استراتژی، به معنای نداشتن استراتژی است؛ زیرا موجب تجزیه قدرت می‌شود. در مقابل، وحدت در استراتژی، استراتژی ملی را شکل می‌دهد و در استراتژی ملی در کل کشور تکیه‌گاه اصلی برای پایان دادن به جنگ تعیین و با اجماع و توافق اجرا می‌شود.

در ادامه آقای رضایی می‌افزاید: پس از فتح خرمشهر در کشور برای پایان دادن به جنگ دو استراتژی شامل استراتژی امام و استراتژی رسمی دولت وجود داشت. استراتژی امام، نبرد برای سقوط صدام و حزب بعث بود. در کنار

\* آقای ولایتی در گفت‌وگو با روزنامه کیهان ضمن تکذیب مخالفت امام با توقف جنگ، می‌گوید: «خدمت امام منتقل شد اگر قرار است ما سرمیم‌های خودمان را آزاد کنیم، غرامتی بگیریم، باید اهرمی در دست داشته باشیم تا روزی که می‌نشینیم و مذاکره می‌کنیم، بتوانیم از موضع قدرت سخن بگوییم نه از موضع ضعف لذا حضرت امام رضایت دادند و به این ترتیب نقاطی از خاک عراق اشغال شد مثل فاو و مجنون و جاهای دیگر. پس امام به هیچ وجه نگفته بودند که جنگ بعد از فتح خرمشهر متوقف بشود.» (روزنامه کیهان، ۱۳۸۱/۷/۱، ص ۱۲)

سیاست امام، سیاست دیگری پیدا شد که نبرد برای کسب صلح را دنبال می‌کرد.<sup>(۳۷)</sup> هدف امام سقوط بغداد بود و این هدف با استراتژی نظامی قابل تحقق بود ولی این باور در مسئولان نبود و می‌گفتند: اگر بغداد را هم بگیریم فایده‌ای ندارد و بمب اتمی بر سر ما می‌زنند.<sup>(۳۸)</sup> وی در جای دیگری در توضیح این موضوع می‌گوید: «شاید هم همین طور می‌شد اگر ما می‌رفتیم بغداد را می‌گرفتیم به ایران بمب اتم می‌زدند و مسائلی به وجود می‌آمد.» ایشان ضمن اینکه معتقد است باید درباره درستی یا نادرستی این تحلیل در فرصت دیگری بحث کرد بر این موضوع تأکید می‌کند که توانایی‌های رزمندگان ما بیش از آن چیزی بود که در صحنه مشهود بود و قبل از اینکه دشمن مانع ما باشد خودمان مانع خودمان بودیم.<sup>(۳۹)</sup>

وی معتقد است که اگر کشور در چارچوب استراتژی امام عمل می‌کرد جنگ زودتر تمام می‌شد: «من دو، سه بار جاهای مختلف گفتم\* که اگر ما با استراتژی امام حرکت کرده بودیم جنگ به جای اینکه هشت سال طول بکشد کمتر از پنج سال تمام می‌شد اما با فتحی بسیار بزرگتر که به سقوط صدام منجر می‌شد. اتفاقاً همین استراتژی محافظه کارانه ادامه نبرد برای تحمیل صلح، باعث شد که ما نتوانیم جنگ را زودتر تمام کنیم و جنگ طولانی شد.»<sup>(۴۰)</sup>

آقای رضایی تأثیر دوگانگی در استراتژی را در دو حوزه دیپلماسی و نحوه نگرش برای پایان دادن به جنگ، بررسی می‌کند و می‌گوید: «در مورد پایان جنگ دو نظریه وجود داشت؛ یک نظریه این بود که ما تا به دستاورده محکم و مطمئنی به لحظه بین‌المللی نرسیدیم، نمی‌باید جنگ را رها کنیم. صاحبان نظریه دوم اظهار می‌داشتند ما شرایط آتش‌بس را بپذیریم و پس از آن دنبال این باشیم که در عرصه بین‌المللی به حقوق خود دست یابیم. موافقان آتش‌بس می‌گفتند که ما نخست آتش‌بس برقرار کنیم، به‌دنبال آن مجامع

\* ایشان در برنامه تلویزیونی "سجاده آتش" می‌گوید: دوستان ما معتقد به جنگ نبودند و گزنه ما جنگ را همان سال پنجم تمام کرده بودیم. (زمستان ۱۳۷۷، شبکه اول)

جهانی به دعاوی ایران توجه خواهند داشت، اما برخی دیگر معتقد بودند که آتشبس و توقف جنگ می‌بایست به طور همزمان صورت گیرد، چون مجتمع بین‌المللی قابل اعتماد نیستند.»<sup>(۴۱)</sup>

آقای رضایی در تداوم این نگرش به کلیت جنگ و راه حل برای اتمام آن، معتقد بود در حوزه دیپلماسی هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشت: «دو دیپلماسی، شامل دیپلماسی انقلابی و دیپلماسی رسمی کشور فعال بود. در دیپلماسی رسمی کشور که وزارت امور خارجه، دولت، مجلس و عمدتاً قوای سه‌گانه پیگیری می‌کردند، عموماً دنبال این بودند که جنگ زودتر تمام بشود و با همه کشورها هم صحبت می‌کردند. سیاست دیگر، سیاست نیروهای انقلاب و امام بود که می‌گفتند جز با زور نمی‌توانیم حقوقمن را بگیریم و این زمانی انجام می‌شود که آنها بفهمند ما قدرت داریم و در موضع دست بالایی قرار داریم.»<sup>(۴۲)</sup>

بررسی و توجه به نقش و جایگاه امام خمینی در بحث دوگانگی استراتژی موضوع مهمی است. از نظر محسن رضایی، امام از دوگانگی موجود در استراتژی اطلاع داشتند و لذا در مدیریت جنگ سقف و هدف نهایی را سقوط بغداد و کف و حداقل را ثبیت مرزها، تعیین متجاوز، دریافت غرامت و بازگشت اسرا تعیین کردند و امام هرگز از کف عدول نکردند.<sup>(۴۳)</sup>

درباره عملیات‌های نظامی ایشان می‌گوید: «استراتژی جنگ به جای اینکه به شکل طرح‌ریزی سلسله عملیات باشد به طرح‌ریزی یک عملیات محدود شد.»<sup>(۴۴)</sup> درواقع، عملیات‌های نظامی پس از فتح خرمشهر به استراتژی سیاسی وصل شد؛ زیرا استراتژی نظامی وجود نداشت. وی برای توضیح این موضوع دوره جنگ، قبل و بعداز فتح خرمشهر، را مقایسه می‌کند: «در دوره اول هدف، آزادسازی مناطق اشغالی بود که با استراتژی نظامی و طراحی سلسله عملیات اجرا شد و با موفقیت همراه بود. پس از فتح خرمشهر به دلیل اینکه استراتژی سیاسی حاکم بود برای یک عملیات برنامه‌ریزی می‌شد.»<sup>(۴۵)</sup> «از آزادی خرمشهر به این طرف همیشه برای یک عملیات آماده می‌شدیم تا ببینیم این

عملیات جنگ را تمام می کند یا نه. در حالی که اگر سیاست رسمی کشور خاتمه دادن به جنگ از راه نظامی بود، خوب باید ده عملیات طراحی و همه کشور را وارد جنگ می کردیم و با این کار جنگ زودتر تمام می شد.<sup>(۴۶)</sup> از نظر آقای رضایی استراتژی پیروزی بر اساس یک عملیات، موجب طولانی شدن جنگ شد ضمن اینکه توان و امکانات کشور به جای آنکه در فاصله ای کوتاه برای هدف مشخص بسیج و به کار گرفته شود و پیروزی قاطع کسب شود، در درازمدت به فرسایش و اضمحلال دچار شد بدون اینکه پیروزی قاطع حاصل شود.<sup>\*</sup> ضمن اینکه دشمن براساس درک ماهیت این استراتژی و برای مخدوش کردن دستاوردهای سیاسی - نظامی حاصل از پیروزی در یک عملیات، حملات به شهرها و انهدام زیرساخت اقتصادی و صنعتی کشور را افزایش داده، هزینه های پیروزی را بالا می برد و با دستاوردها موازن می کرد و مانع از تغییر در موازنۀ جنگ و پایان آن می شد.<sup>(۴۷)</sup>

دو گانگی در استراتژی سبب شد استراتژی نظامی برای سقوط بغداد پیگیری نشود درحالی که پایان دادن به جنگ نیز بدون کسب پیروزی ممکن نبود، به همین دلیل، نقطه اتصال و اشتراک دو تفکر، توافق بر اجرای عملیات نظامی با تضمین پیروزی بود. حال آنکه این پیروزی ها بی نتیجه و تأثیر قطعی با پیروزی قاطع نظامی بود. به همین دلیل، پس از عملیات بدر با

\* آقای رضایی در سال ۱۳۶۴ به هنگام طراحی عملیات فاو در جلسه با فرماندهان طی یک جمع بندی از روند جنگ می گوید: سال اول جنگ می خواستیم با شیوه دشمن بجنگیم لذا شکست خوردم. در سال دوم، جنگ جدیدی را طرح کردیم که دشمن فکر آن را نکرده بود (و پیروز شدیم). سال سوم و چهارم که دشمن (روش ما را) فهمید روی جنگ مطالعه کرد، شیمیابی به کار گرفت (و ما را متوقف کرد). رفتیم در هور جایی که توان دشمن ضعیف بود. ما هور را به عنوان یک گذر در نظر داشتم و قصدمان نبود آنجا بمانیم ولی به هر حال نوع جدیدی از جنگ بود که وارد آن شدیم. در خیر می خواستیم بالاصله به نشه برسیم و عقبه دشمن را بگیریم. این فرصت می داد ما ابتکار عمل را به دست بگیریم. ما یک جنگ انقلابی و مردمی داریم، اگر توان مناسب با این جنگ را بتوانیم ادامه بدھیم موفق خواهیم بود. وی اضافه کرد: آنچه امام می فرماید استمرار جنگ و ادامه جنگ است اگر امام اطلاع پیدا کند که سپاه می گوید تا امکانات نیاید نمی جنگد بدترین خاطره تلخ (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش انتخاب منطقه فدک، مهر ۱۳۶۵، ص ۱۲۶)

در ک جدید از وضعیت سیاسی - نظامی جنگ، طرح جدیدی را سپاه برای اجرای عملیات در کل منطقه جنوب ارائه کرد که مسئولان نپذیرفتند\* و نتیجه آن بحث‌ها تنها اجرای یک عملیات در منطقه فاو بود.<sup>(۴۸)</sup>

آقای رضایی همچنین معتقد است به دلیل اینکه در طراحی استراتژی، تهدید را باید در نظر گرفت و بر پایه ماهیت آن باید تصمیم‌گیری کرد، اگر ما تحولات احتمالی نظامی عراق را پیش‌بینی می‌کردیم باید زودتر به جنگ خاتمه می‌دادیم.<sup>(۴۹)</sup> ایشان می‌گوید: «من در فروردین ۱۳۶۶ احتمال تحرک نظامی ارتش عراق را پیش‌بینی می‌کردم و به همین دلیل در این مورد به امام نامه نوشتم و سند آن موجود است.»<sup>(۵۰)</sup> «با این حال، اگر در شهریور سال ۱۳۶۶ قطعنامه را می‌پذیرفتیم مناسب بود؛ زیرا تا اندازه‌ای بر بندۀ‌های قطعنامه ۵۹۸ چانه‌زنی شده بود و از سوی دیگر، برتری نظامی با ایران بود و متکی بر مناطق تصرف شده، در مقایسه با آنچه بعدها اتفاق افتاد، به نحو مناسب‌تری امکان اتمام جنگ وجود داشت.»<sup>(۵۱)</sup>

### ملاحظات نظری درباره استراتژی

ماهیت پیچیده و لایه‌های پنهان عوامل مؤثر بر نحوه پایان جنگ ایران و عراق، دیدگاه‌ها و پرسش‌های متفاوت و گوناگونی را به وجود آورده است. آنچه تاکنون در تبیین واقعیات یا پاسخ به پرسش‌ها بیان شده است با نیازها و ضرورت‌ها تناسب ندارد. در نتیجه، انتخاب روش مناسب برای بررسی نحوه پایان جنگ تا اندازه‌ای دشوار است.

در این تحقیق فرض بر این است که موضوع و مسئله اساسی و محوری شش سال پس از فتح خرمشهر، "پایان دادن به جنگ" است. پیامدهای پیروزی ایران بر عراق به دلیل تعمیق و گسترش اهداف انقلابی ایران، جبهه گسترده‌ای را برای مقابله و مهار پیروزی‌های این کشور به وجود آورد. در این

\* در همان جلساتی که برای تصمیم‌گیری درباره پیشنهاد سپاه و سازماندهی ۱۵۰۰ گردان بحث می‌شد، گفته شد کشور قادر نیست حتی بند پوتین این نیروها را تأمین کند. بعداً در گفت‌وگوی اختصاصی آقای هاشمی می‌گوید: کشور از نظر ظرفیت بودجه بیش از این امکانات نداشت، مگر کشور را منهدم می‌کردیم.<sup>(۱۳۸۰/۱/۲۱)</sup>

چالش و رویارویی تدریجیاً سرنوشت نهایی جنگ و فرایند پایان آن شکل گرفت و تحقق یافت.

هم‌اکنون رویکرد غالب در انتقاد از علت طولانی شدن جنگ پس از فتح خرمشهر بر دو موضوع متمرکز است: یکی تصمیم‌گیری ایران پس از فتح خرمشهر و دیگری واکنش اولیه ایران در برابر تصویب قطعنامه ۵۹۸. این تصویر وجود دارد که ایران پس از فتح خرمشهر می‌توانست با گرفتن غرامت به جنگ خاتمه دهد. غیر از این، پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ مجدداً فرصتی فراهم شد تا جنگ خاتمه یابد ولی ایران از پذیرش قطعنامه خودداری کرد و سرانجام یک‌سال بعد، پس از پیدایش وضعیت جدید نظامی در جبهه‌ها، سرانجام قطعنامه را پذیرفت.

در این رویکرد، اهداف، تصمیم‌گیری، استراتژی و تلاش‌های سیاسی - نظامی ایران در کانون توجهات و در نتیجه نقد قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این رویکرد بیشتر به موضوع و مسائل از درون و با ملاحظات سیاسی توجه می‌کند به همین دلیل جامعیت ندارد. به عبارت دیگر، با رویکرد درونی و بدون توجه به سایر ابعاد و ملاحظات نمی‌توان روند تحولات جنگ را پس از فتح خرمشهر برای روشن کردن این موضوع که چرا جنگ این‌گونه به پایان رسید، بررسی کرد.

در پاسخ به پرسش "چرایی و چگونگی" پایان یافتن جنگ‌ها از نظر تئوری خلاً وجود دارد ولی در مطالعات اخیر تمرکز بر عوامل شروع جنگ جای خود را به موضوع ختم جنگ داده است.<sup>(۵۲)</sup> در این زمینه چهار تئوری درباره پایان جنگ وجود دارد که به آن اشاره می‌شود:

- نظریه پیروزی و شکست؛ در این نظریه جنگ تنها زمانی به پایان می‌رسد که یکی بر دیگری پیروز شود. در این نظریه تأکید بر "برنده و بازنده" است که معیار آن تصرف سرزمین، سقوط دولت، تعداد اسرا، انهدام

---

\* این بحث با استفاده از جلسه گزارش پایان نامه دکتری آقای مصطفی زهرانی درباره پایان جنگ تهییه و تنظیم شده است.

تجهیزات و کسب غنایم می‌باشد. نمونه اخیر این نوع پایان جنگ، پیروزی امریکا بر عراق و سقوط صدام است.

۲- نظریه سود و زیان؛ در این نظریه افزایش هزینه‌ها در مقایسه با دستاوردها می‌تواند موجب پایان دادن به جنگ شود. عراق در جنگ با ایران حمله به مراکز غیرنظامی و نفتکش‌ها و استفاده از سلاح‌های شیمیایی را با همین هدف دنبال می‌کرد. امریکایی‌ها نیز استراتژی جدیدی را به نام "از بین بردن اصل امید" طراحی و اجرا کردند تا برای ایران مشخص شود که هزینه ادامه جنگ و کسب هر پیروزی، بیشتر از دستاوردهای آن است. این روش در تعیین فرایند نهایی جنگ و تصمیم ایران برای پایان دادن به جنگ مؤثر بود.

۳- نظریه تغییر رهبری؛ این نظریه با ملاحظاتی همراه است. همان‌گونه که درباره موقع جنگ بر نقش رهبری یا رهبران تأکید می‌شود در پایان دادن به آن نیز به این موضوع توجه شده است. فرض بر این است که در کادر رهبری دو گروه بازها و کبوترها وجود دارند که طرفدار جنگ یا صلح هستند. وقتی جنگ روند تصاعدی به خود گرفت از طریق تقویت و حمایت از کبوترها می‌توان به جنگ پایان داد. برخی از صاحب‌نظران و تحلیلگران درباره ماهیت ماجرا مک فارلین معتقدند که امریکا برای پایان دادن به جنگ به دنبال تماس با میانه‌روها در داخل ایران بود.

۴- تغییر نظام دوم؛ "کوهن" در نظریه پارادایم معتقد است تمام علوم تحت تأثیر پارادایم‌های مختلف قرار دارند. مثلاً در فیزیک جاذبه پارادایم مسلط است، در اقتصاد عرضه و تقاضا و در سایر علوم نیز به همین ترتیب است. روانشناسی رهبران می‌گوید پارادایمی در ذهن اشخاص شکل می‌گیرد که آنها را رها نمی‌کند، جنگ یک راه حل است وقتی با شکست به نتیجه نرسید پارادایم ذهنی رهبران تغییر می‌کند و به سمت صلح حرکت می‌کنند. براساس این نظریه، نظام اول برای جنگ است و نظام دوم برای صلح. ساز و کارهای تغییر پارادایم شامل، اطلاعات جدید، تغییر شرایط، جایه‌جایی آدم‌ها

و نقش‌ها است. در مجموع وقتی ادامه جنگ ارزش‌های کانونی را به خطر اندازد به تغییر پارادایم منجر می‌شود.

با این توضیحات آیا پایان جنگ ایران و عراق را که جنگی جهان سومی بود با ویژگی‌ها و اختصاصاتش می‌توان در چارچوب این تئوری‌ها بررسی کرد؟ جنگ ایران و عراق در روندی هشت ساله با فراز و فرود زیاد، تحت تأثیر مداخله قدرت‌های بزرگ، تأثیر فرهنگ‌ها و عقاید، بافت و ترکیب نیروها و نوع آموزش و سلاح‌ها و سایر عوامل دیگر جریان داشته است لذا توضیح آن در چارچوب نظریه‌ایی واحد تا اندازه‌ای دشوار است.

بر پایه این ملاحظات و با فرض اینکه تحولات جنگ در شش سال حاصل اهداف استراتژی و اقدامات بازیگران مختلف به ویژه ایران و عراق است، در نتیجه، به استراتژی و اقدامات ایران و عراق که نقطه ثقل و کانون تحولات جنگ بودند توجه شده است. به نظر می‌رسد با تمرکز بر استراتژی و اقدامات ایران و عراق می‌توان ماهیت تحولات سیاسی - نظامی جنگ و علت طولانی شدن آن و مهمتر از همه نحوه پایان جنگ را تا اندازه‌ای درک و تبیین کرد.

براین‌ساس، در این کتاب به مفهوم استراتژی که چارچوب‌نظری برای تحلیل و تبیین تفکرات، تصمیمات و رفتارهای ایران و عراق است توجه شده است.

(الف) مفهوم استراتژی در بستر تحولات تاریخی و بر اثر کاربرد وسیع در حوزه‌های مختلف به تدریج دستخوش تغییر شده است.\* مفهوم اولیه استراتژی به "هنر فرماندهان" نظامی یا "هنر و ظرایف جنگ"\*\*\* دلالت می‌کرد، لذا فرمانده لشکر لقب "استراتژ" داشت. تغییر ابزار و روش‌های

\* جان بیلیس و جیمز ویرتر در کتاب استراتژی در جهان معاصر به این پرسش که مفهوضات فلسفی محققان، نظامیان و سیاستمداران در خصوص استراتژی چیست؟ پاسخ می‌دهند و می‌نویسند: استراتژیست‌های معاصر در غرب به سنت فکری مشابهی تعلق دارند. آنان به مجموعه‌ای از مفهوضات درباره ماهیت سیاست بین‌الملل و گونه‌ای از منطق که توجیه‌گر مسائل سیاسی - نظامی است، باور دارند. این مفهوضات اغلب در قالب ریالیسم فرار دارد. اگر چه میان رئالیست‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد، اما دیدگاه‌ها و مفهوضات آنان تقریباً مشابه یکدیگر است. این موارد را می‌توان تحت عنوانی ماهیت انسان، آثارشی و قدرت، حقوق بین‌الملل، اخلاقیات و نهادها، دسته‌بندی کرد.

(ترجمه کابک خبری - انتشارات ابرار عاصمی، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۵ و ۲۶)

\*\* جومینی پس از مشاهده جنگ‌های ناپلئون کتابی را تحت عنوان هنر و ظرایف جنگ نوشت.

جنگ از سنتی به مدرن بر این مفهوم نیز تأثیر گذاشت. علاوه بر این استفاده مفهوم استراتژی در سایر حوزه‌ها بهویژه در امور اقتصادی و مدیریتی موجب توسعه این مفهوم و برداشت‌ها و تعاریف متفاوت از آن شده است.

نظر به اینکه مفاهیم امری ذهنی و با ادراک واقعیت‌ها مرتبط‌اند و از سویی در پاسخ به نیازها در حوزه نظر و عمل به وجود می‌آیند لذا تعریف واحد از مفاهیم بهویژه استراتژی و تعیین مرزها و کارکردهای آن تا اندازه‌ای دشوار است؛ به همین دلیل نباید مفاهیم را محدود و محصور کرد و لازم است برای توسعه و تکامل آن انعطاف نشان داد. بهویژه اینکه گفته می‌شود در دوره جدید برای تعریف مفاهیم، بحران معنا وجود دارد.

در ادامه بحث، رویکردهای موجود به استراتژی و تعریف آن در یک دسته‌بندی کلی با تأثیر از نظریه مینتسبرگ بر مبنای پاسخ به پرسش‌های مختلف بررسی شده است:<sup>\*</sup>

### ۱- برای رسیدن به هدف چگونه باید عمل کرد؟

در پاسخ به این پرسش بر استراتژی به مفهوم plan (نقشه) تأکید می‌شود. در این تعریف برای عمل به نقشه و برنامه نیاز است تا سلسله اعمال برای تأمین اهداف طراحی شود. در واقع استراتژی طرح و اندیشه قبل از عمل و برای نیل به اهداف است.

### ۲- برای عمل، به چه تدبیر و تمهیداتی نیاز است؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به معنای palecy (سیاست) خطوط کلی و راهنمای برای عمل است. برای تأمین اهداف بر خطمشی و چارچوب‌های کلی تأکید می‌شود. در اینجا مفهوم استراتژی شأن اندیشه‌ای و نظری دارد و پشتونه‌ساز عمل است. به عبارت دیگر، مبانی و منطق و چارچوب کلی عمل را توضیح می‌دهد و مشخص می‌کند.

\* این بحث حاصل استفاده از کتاب خانم سعیده لطفیان (استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک)، گزارش تهیه شده به همت مؤسسه تحقیقاتی وزارت دفاع برای تهییه استراتژی امنیت ملی، گفت‌وگوی اختصاصی با دکتر حسینی‌تاش جانشین محترم وزیر دفاع و جلسات متعدد با سردار رشید جانشین محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌باشد.

### ۳- مقصود کجاست و به کجا باید رفت؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به معنای perspective (چشم انداز) است. در واقع تصورات ذهنی پایدار از جهان ترسیم می‌شود و شکل‌گیری اندیشه جمعی و دیدگاه مشترک ساماندهی و هدایت امکانات و توانمندی‌ها را به سمت چشم‌اندازهای ترسیم شده، موجب می‌شود.

### ۴- استراتژی برای چه چیزی است؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به مفهوم position (موقعیت) ناظر به تلاش برای دستیابی موقعیت برتر است. درواقع، هدف در صحنه عمل و برآیند نهایی رسیدن به اهداف و تأمین آن که همانا کسب برتری و حفظ آن می‌باشد.

### ۵- استراتژی چگونه انتخاب می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به مفهوم pattern (الگو و راهنمای عمل) است. الگوی رفتاری و شیوه‌های موفق به عنوان الگو برای عمل انتخاب می‌شود. در واقع با بررسی برآیند نهایی حاصل از عمل و ارزیابی آنچه در عمل صورت گرفته است و میزان موفقیت آن در دستیابی به اهداف، الگوهای عمل انتخاب می‌شود.

این توضیحات نشان می‌دهد که عوامل متفاوتی در ایجاد رویکردهای مختلف در تعریف مفهوم استراتژی نقش و تأثیر دارد که به آن اشاره می‌شود:

۱- مفهوم و کاربرد استراتژی. گاهی در پاسخ به این پرسش که استراتژی چیست و چه کاربردی دارد و چگونه حاصل می‌شود، مفهوم تعریف می‌شود. در این چارچوب تأکید و توجه به ضرورت الگو، نظام و ساماندهی امکانات در رسیدن به اهداف و ایجاد تناسب میان اهداف و امکانات بوده است.

۲- ضرورت عمل و چگونگی آن. گاهی در پاسخ به این پرسش که چه باید کرد؟ هدف و مقصد چیست و چگونه می‌توان عمل کرد و موفق شد؟ مفهوم استراتژی تعریف می‌شود. در این چارچوب نقشه و الگوهای عمل بیشتر مورد توجه است.

۳- تحلیل یک واقعه یا موضوع مهم. گاهی وقوع یک رخداد یا موضوع مهم موجب طرح پرسش از علت و منشا آن می‌شود و اینکه نتیجه از چه عواملی

متأثر است؟ در پاسخ به این پرسش مفهوم استراتژی به معنای بررسی تفکر، رفتار، تصمیمات و برآیند نهایی سلسله اعمال است. به همین دلیل استراتژی با بررسی آنچه عمل شده و تجزیه و تحلیل آن تبیین می‌شود.

با این توضیح مقدماتی به ملاحظات مورد نظر درباره استراتژی اشاره خواهد شد. کلازویتز استراتژی را "هنر به کارگیری نیرو به عنوان ابزار نیل به اهداف جنگ" می‌داند. مولتکه استراتژی را "انطباق عملی ابزار در اختیار یک ژنرال برای نیل به هدف" تعریف می‌کند. لیدل هارت "استراتژی را هنر توزیع و به کارگیری ابزار نظامی برای تأمین اهداف سیاسی" می‌داند. آندره بوفر می‌گوید: «استراتژی هنر برخورد نیروها است. هنر برخورد دو اراده که برای حل اختلافات خود از زور استفاده می‌کنند.»<sup>(۵۲)</sup> در اندیشه‌های استراتژیک معاصر در امریکا تعریف متداول از استراتژی عبارت است از: "علم، فن یا طرح برای تشکیل، تجهیز و به کارگیری نیروهای نظامی یک ملت یا یک اتحاد موقتی از ملت‌ها به منظور حفظ منافعش در برابر دشمنان بالفعل، بالقوه یا صرفاً تصوری." در فرهنگ لغات و بستر درباره استراتژی آمده است: "علم و هنر به کار گرفتن نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی، نظامی یک ملت یا گروهی از ملت‌ها برای حداکثر حمایت از سیاست‌های اخذ شده در جنگ یا صلح." در فرهنگ و بستر استراتژی به این صورت هم تعریف می‌شود "علم برنامه‌ریزی و نظارت بر عملیات نظامی".<sup>(۵۳)</sup>

دو مفهوم "علم و هنر" برای توضیح ماهیت استراتژی، در تفکرات رئالیست‌ها معنای متفاوتی دارد. واقع گرایان معتقدند باید با دستیابی به توانمندی‌های نظامی و ثروت، قدرتمند شد. استراتژی قوی، استراتژی است که این موارد را کاملاً مد نظر دارد. در این حالت استراتژی هنر است، هنری که بیشتر به امر تولید قدرت<sup>\*</sup> توجه دارد تا استفاده از آن. این امر نیازمند

---

\* واقع گرایان می‌گویند قدرت پدیده‌ای چند بعدی است که هر دو مؤلفه نظامی و غیرنظامی را دارد. نظریه‌پردازان واقع گرا چارچوب‌هایی برای دسته‌بندی عناصر قدرت ملی تدوین کرده‌اند. این گونه توانایی‌ها نه تنها نیروهای نظامی بلکه سطوح تکنولوژی، جمعیت، منابع طبیعی، عوامل جغرافیایی،

نگرش استادانه به قدرت است که تنها در روابط سیاسی وجود دارد. مبنای این روابط آن است که بازیگران می‌توانند رفتار دیگران را بر اساس منافع خود شکل دهند.<sup>(۵۵)</sup> در دیدگاه واقع‌گرایی ساختاری این اعتقاد وجود دارد که آنچه مهم است تعاملات میان نوع تعریف ما از جهان و نوع عمل ما بر اساس این تعریف است. از این منظر، استراتژی باید تصویری شفاف از پویایی روابط میان هدف و وسیله ارائه نماید.<sup>(۵۶)</sup>

ب) جوهر استراتژی بر تعامل میان هدف و وسیله استوار است. کالین گری در کتاب خود می‌نویسد: «استراتژی ایده دو جانبه است، ویژگی دو پهلوی آن در بردارنده برقراری توازن میان امکانات و اهداف ملی و تعامل رقابتی میان عملکرد نیروهای خودی و دشمن است».<sup>(۵۷)</sup> هدف در جنگ متأثر از سیاست است و وسیله در واقع به کارگیری زور و قدرت نظامی است. چنانکه کلازویتز، مولتکه، لیدل هارت و آندره بوفر همگی اشاره به کاربرد قدرت نظامی در اهداف جنگ دارند. در واقع استراتژی کاربرد قدرت نظامی برای کسب اهداف سیاسی است. به عبارت دقیق‌تر، استراتژی تئوری و عمل استفاده و تهدید به استفاده از قدرت سازماندهی شده برای کسب اهداف و مقاصد سیاسی است<sup>(۵۸)</sup> (گری ۱۹۹۹م). کیسینجر در توضیح به هم‌پیوستگی جنگ و سیاست (ابزار و هدف)، می‌گوید: "جداکردن استراتژی و سیاست ممکن نیست. قدرت نظامی باعث کاربرد حداکثر قدرت می‌شود و همین امر دیپلماسی را وارد عمل می‌کند."<sup>(۵۹)</sup> توضیح کیسینجر به این معنا است که چون قدرت نظامی باعث به کارگیری حداکثر قدرت می‌شود در نتیجه، بر اثر پیامدهای چنین موضوعی فعالیت‌های دیپلماتیک افزایش می‌یابد.

---

شكل حکومت، رهبری سیاسی، استراتژی و ایدئولوژی را نیز در بر می‌گیرند. به طور خلاصه، قدرت مرکب از عوامل کیفی و کمی است. کارآیی قدرت به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها، از یک طرف با اهدافی که برای تحقق آنها از قدرت استفاده می‌شود و از طرف دیگر، با وسائل موجود در دسترس سایر بازیگرانی که قدرت، مهانگ با آنان یا علیه آنان به کار می‌رود رابطه‌ای ضروری دارد. (جیمز دوئرتی و رابرت فالترزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ص ۱۴۴)

ج) در شرایط سیاسی و پیچیده ابعاد و بهم پیوستگی‌های موجود در استراتژی، در ایجاد توازن میان اهداف و ابزار، استراتژی را به پدیده‌ایی بسیار پویا و متتحول تبدیل کرده است. پویایی در استراتژی بیش از آنکه در مفهوم و تکامل آن باشد، متأثر از نقش و تأثیر واقعی استراتژی در صحنه رویارویی دو اراده در برابر هم است.

کلازویتر در توضیح سرنوشت جنگ به پویایی استراتژی اشاره می‌کند و معتقد است: «نبرد یا لشکرکشی آینده همان قدر به تصمیم خود او بستگی دارد که به تصمیم حریف.»<sup>(۴۰)</sup> تغییر در استراتژی و اهداف نیز متأثر از رویارویی دو اراده متفاوت در جنگ است. "در جریان نبرد، حتی مصمم‌ترین فرماندهان نیز برای جلوگیری از نابودی کامل ارتش خود ممکن است مجبور شود، شکلی از جنگ (هدف و استراتژی آن) را به شکلی دیگر تبدیل کند."<sup>(۴۱)</sup> آلترا سمیت در این زمینه می‌نویسد: وقتی جنگ‌ها طولانی می‌شوند، کشورها با وضعیت احتمالی متفاوتی مواجه می‌شوند و در نتیجه استراتژی‌های مختلفی را انتخاب می‌کنند.<sup>(۴۲)</sup> بنابراین، استراتژی ماهیتی متتحول و پویا دارد و بر اثر تغییر اوضاع صورت‌های جدیدی به خود می‌گیرد. به همین دلیل، نمی‌توان در جنگی طولانی از ثبات در استراتژی سخن گفت، بلکه باید در شرایط مختلف برای تأمین اهداف، استراتژی‌های متفاوتی را برگزید.

د) نقش و تأثیر استراتژی و مهم‌تر از آن اهمیت و ضرورت آن متأثر از این امر است که به نوشته دانیل موران "با کاربرد زور در جهت دفاع از منافع یک جامعه سر و کار دارد."<sup>(۴۳)</sup> این موضوع ابزاری بودن جنگ را بیان می‌کند که کلازویتر بیش از این، به آن اشاره و تأکید می‌کند. بنابراین، چگونگی سازماندهی و استفاده از نیروی نظامی در جهت اهداف و منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک در واقع منطق و عمل جنگ را توضیح می‌دهد.<sup>(۴۴)</sup> در عین حال این مهم بر ضرورت استراتژی تصریح می‌کند؛ زیرا جنگ اقدام سازمان یافته اجتماعی است و استراتژی که محاسبه کاربرد خشونت در جهت هدف خاص است، امری لازم و ضروری برای آن محسوب می‌شود.<sup>(۴۵)</sup>

جان پیترز می‌گوید: اهمیت استراتژی از این حقیقت ناشی می‌شود که ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی یک ملت با وجود کاربردهای مختلف، باید برای یک هدف مشخص و مشترک سیاسی استفاده شود. پیدا کردن بهترین راه، که این همه را در یک نقطه به هم برساند، وظیفه استراتژی است، طبیعتاً، ملتی مدرن، منابع خود را مناسب با استراتژی‌های چندگانه طراحی می‌کند.<sup>(۶۶)</sup>

لارنس فریدمن از زاویه دیگری به اهمیت استراتژی توجه کرده است: "استراتژی از آن جهت اهمیت دارد که معتقد است انسان‌ها و گروه‌ها یا دولت‌ها همگی با انتخاب‌های واقعی مواجهند و این تصمیمات را بر اساس منطقی خاص اتخاذ می‌کنند. استراتژی یک بازیگر را بر اساس منافع خاص آن بازیگر تحلیل می‌کند."<sup>(۶۷)</sup>

با این توضیح، استراتژی برخلاف نظری، اقدامی است پرخطر، چرا که یک جامعه یا گروهی از انسان‌ها از آن متأثر می‌شوند. بنابراین مسئولیت آن بسیار بالا است. عمل استراتژیک علیه مخالفان با بسیج منابع و انسان در جهت اهداف دولت است. اگر اهداف درست مشخص نشود، طرح و نقشه استراتژیک درست درک نمی‌شود، منابع در دسترس نخواهد بود و استراتژی شکست می‌خورد و مسئولیت این شکست بر عهده استراتئیست‌ها است.<sup>(۶۸)</sup>

یکی از دلایل اهمیت استراتژی این موضوع است که با ابزارهای مختلف برای دستیابی به هدف رو به رو است و از دیگر سو، انتخاب بهترین راه برای رسیدن به هدف وظيفة استراتژی مطلوب است. در نتیجه، استراتژی باید تصمیم و انتخابی واقعی و درست بگیرد.<sup>(۶۹)</sup> از این منظر، مفهوم استراتژی فراتر از طرح و برنامه بلکه الگوی تصمیم‌گیری است. در نتیجه، باید میان طرح استراتژیک و استراتژی تفاوت قائل شد. طرح استراتژیک از قبل تهیه می‌شود و مبنای عمل است ولی آنچه عمل شد به معنای "جاافتادگی الگوی تصمیمات" گفته می‌شود.<sup>(۷۰)</sup> خانم لطفیان در این زمینه می‌نویسد: استراتژی، الگوی است در دسته‌ای از تصمیمات یا کارها، و این الگو از

استراتژی‌های طرح شده که از قوه به فعل آورده شده‌اند (یعنی عملی شده‌اند) و نیز استراتژی‌های طرح نشده (و پیش‌بینی نشده) منتج شده است.<sup>(۷۱)</sup>

با این توضیح برای بررسی استراتژی‌ها تصورات، اهداف و طرح‌های قبل از عمل مهم نیست. استراتژی استخراج یک موضوع بعد از عمل است نه ماقبل از آن. یعنی قبل از عمل نمی‌شود گفت که استراتژی چیست؟ می‌شود گفت طرح استراتژیک چیست؟<sup>(۷۲)\*</sup>

هـ) گزینش استراتژی مطلوب بر حسب میزان "هزینه و دستاوردها" صورت می‌گیرد. در واقع، نقطه نقل تصمیم‌گیری در انتخاب استراتژی ایجاد موازنۀ میان هزینه‌ها و دستاوردها برای تأمین اهداف است. استراتژی‌های معطوف به "کمترین هزینه‌ها، بالاترین دستاوردها" و سریع‌ترین زمان پایان پذیرفتن، به محاسبات مستمری نیاز دارد<sup>(۷۳)</sup> و درصورتی که این استراتژی موفق نشود نتیجهً معکوس خواهد داشت، بدین معنا که "بالاترین هزینه‌ها، با کمترین دستاورد" و طولانی‌ترین زمان ممکن همراه خواهد شد.

بالا بردن سطح مخاصمات در مناقشهٔ سیاسی یا نظامی، که تصاعد در جنگ نامیده می‌شود، با افزایش دادن خشونت به امیدِ کسب نتیجهٔ مطلوب،<sup>(۷۴)</sup> صورت دیگری از استراتژی است که "بالاترین هزینه برای کسب بیشترین دستاورد" است. در واقع، وقتی هزینهٔ جنگ بیشتر و نتیجهٔ نامطمئن‌تر شود سطح اجبار و زور بالا می‌رود. تصاعد معمولاً نتیجهٔ تصمیمات رزمی (جنگی) یکی از طرفین است که تحت تأثیر اقدامات طرف دیگر، اتخاذ‌می‌شود.<sup>(۷۵)</sup> خصوصیت افزایش تصاعد در جنگ و گسترش آن این است که می‌تواند خود را بر هدف جنگ تحمیل نماید<sup>(۷۶)</sup> و در نتیجهٔ بر تغییر وضعیت و تغییر استراتژی‌ها اثر می‌گذارد. کلازویتز بر این نظر است که روند

\* درباره این موضوع آقای حسینی تاش معتقد است جنگ ما جنگی بود که استراتژی با عملش حتی طرح استراتژیک با عملش با هم بوده است. اجرای طرح‌های قبلی موبه می‌بوده است. ضمن عمل همان موقع استراتژی را انجام می‌دادیم. بنابراین، برای استخراج استراتژی می‌توانیم به تحلیل پدیده متکی باشیم. تحلیل تصمیمات، بناهایی است که گذاشته می‌شود برای عمل.  
(تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق - دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۱۲۴)

تصاعد در جنگ به این معنا است که دشمن آمادگی داشته باشد حداکثر جدّ و جهد را در راه رسیدن به هدفش به کار ببرد، شما هم چاره‌ای جز مقابله به مثل ندارید؛ بنابراین، باید عروج منطقی به مرحله "جنگ تام" را پذیرفت.<sup>(۷۷)</sup> این توضیح نشان می‌دهد چگونه ماهیت استراتژی طرفین درگیر در جنگ تدریجیاً تحت تأثیر اهداف و رفتار یکدیگر و تغییر اوضاع می‌تواند دگرگون شود. فرضًا وقتی تعادل دشمن بر هم خورد و قابلیت دفاعی خود را از دست داد،<sup>(۷۸)</sup> منطق نظامی ایجاب می‌کند با استفاده از فرصت به حملات ادامه داد و با تمام قوا به دشمن ضربه زد.<sup>(۷۹)</sup> متقابلاً برای مقابله با این وضعیت از حداکثر توان برای پاسخ‌دادن به دشمن استفاده می‌شود. در چنین وضعیتی تا اندازه‌ای کنترل جنگ دشوار می‌شود؛ زیرا تصاعد در جنگ به معنای آغاز شمارش معکوس برای تصمیم‌گیری نهایی و پایان دادن به جنگ است. آلترا اسمیت در این زمینه می‌نویسد: «در جریان هر یک از اقدامات متقابلی که کشورها مکرراً انجام می‌دهند یکی از طرفین ممکن است از دیگری امتیاز کسب کند. امتیازات یک کشور ممکن است در طول زمان جمع شود تا به مرحله تفوق کامل بر دشمن برسد. همچنان که اگر جنگ در حالت توازن باقی بماند این موفقیت‌ها بی‌اثر می‌گردد. اقدامات متقابل کشورها علیه یکدیگر آنقدر ادامه می‌یابد تا یکی از طرفین به چنان موفقیتی برسد که طرف مقابل دیگر توان مقاومت نداشته باشد. یا اینکه یک طرف تصمیم بگیرد متأثر که جنگ‌نماید. به‌زبان ساده، کشورها تا آن زمان می‌جنگند که یکی از آنها دیگری را به‌طور قطعی شکست دهد یا اینکه یکی از آنها تسليم شود.»<sup>(۸۰)</sup>

و) بر اثر تحولات در جنگ، در استراتژی بر پایه درک متفاوت از شرایط و تهدیدات، دوگانگی به وجودمی‌آید و این امر به ارائه ایده‌ها و نظریات متفاوتی برای تصمیم‌گیری و حل مسائل منجر می‌شود. تشدید جنگ و طولانی شدن آن گرچه از عوامل مختلف بویژه استراتژی و رفتار طرفین در جنگ متأثر است ولی همین پدیده به ظهور دوگانگی در استراتژی منجر می‌شود که به معنای ارائه‌دادن طرح‌ها و راه‌حل‌های متفاوت برای تصمیم‌گیری است.

بدیهی است بهترین استراتژی آن است که از نظر جامعیت و قطعیت بسیار قوی باشد.<sup>(۸۱)</sup> اگر استراتژی این مشخصه را نداشته باشد و دچار دوگانگی شود بهدلیل تجزیه قدرت، زیان‌های جبران‌ناپذیری خواهد داشت؛ زیرا تصمیم‌گیری منسجم از بین می‌رود و در حالی که کشور هزینه‌بالایی را متحمل می‌شود دستاوردهای مناسبی کسب نخواهد کرد و تدریجًا توانایی ملی برای ادامه جنگ تضعیف خواهد شد و جنگ با پیروزی دشمن به پایان می‌رسد.

از نظر نویسنده ضمن پذیرفتن آنچه صاحب‌نظران درباره مفهوم استراتژی بیان کرده‌اند، این مفهوم با تعریف زیر مورد استفاده قرار گرفته است: استراتژی روش کاربرد ابزار و مقدورات نظامی برای نیل به اهداف سیاسی است که علاوه بر تعیین اولویت‌ها، تناسب لازم را میان اهداف و ابزار و مقدورات برقرار می‌سازد. استراتژی در برآیند ارزیابی تهدیدات و تعیین اهداف شکل می‌گیرد و به مثابه چارچوب و راهنمای کلی برای سلسه اقدامات و رفتارها، نظم و انسجام لازم را در عرصه نظر و عمل، در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کند. استراتژی و به تبع آن تصمیمات استراتژیک بازیگران در جنگ، نقش اساسی در تغییرات و در نتیجه، در پیروزی یا شکست دارد. همین امر، ضرورت تجزیه و تحلیل تغییر و تحولات جنگ و بررسی فرایند نهایی آن را در چارچوب استراتژی آشکار می‌سازد.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر با هدف توصیف به معنای گزارش و تحلیل روندهای منتهی به پایان جنگ و تبیین به معنای کشف چرایی و چگونگی نحوه پایان جنگ، دنبال می‌شود. جمع‌آوری داده‌ها در این بررسی از طریق تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای برای بررسی روندها، تصمیم‌گیری و اقدامات ایران و عراق در حدفاصل پس از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ تا برقراری آتش‌بس در مرداد ۱۳۶۷ در چارچوب مفهوم استراتژی، انجام خواهد شد. چنانکه روشن است واحد تحلیل در این بررسی استراتژی ایران و عراق در دو عرصه سیاسی و نظامی در جنگ است.

## ضمیمه فصل اول: بودسی دیدگاه‌ها

۱- افرایم کارش<sup>\*</sup> با توجه به برآیند نهایی جنگ ایران و عراق و ماهیت درگیری‌ها و نتایج آن معتقد است: «مبالغه‌آمیز نخواهد بود اگر گفته شود هر دو ابرقدرت<sup>\*\*</sup> عراق را از نابودی حتمی نجات بخشیده‌اند. اتحاد جماهیر شوروی با تأمین سلاح و تدارکات جنگی مورد نیاز در موقع بحرانی و ایالات متحده امریکا با خودداری از تحويل سلاح‌های تهاجمی به ایران به این امر کمک شایانی کرده‌اند.» وی سپس اضافه می‌کند: «ایران با وجود اینکه سلاح‌هایی را از منابع گوتاگون به دست آورد و جنگ را ادامه داد، لیکن خارج از توان این کشور بود که نیروهای خود را تا آن حد تجدید سلاح کند و سازمان دهد که موجب چیرگی بر عراق گردد.»<sup>(۸۲)</sup>

کارش همچنین با اشاره به عوامل و متغیرهای مختلف در جنگ معتقد است: «جنگ ایران و عراق تأثیر قطعی روحیه ملی را در ادامه جنگ به خوبی نشان داد. این جنگ به صورت برخورد طولانی تمایلات ملی درآمده و بافت اجتماعی دو طرف متخاصل و وضعیت روحیه ملی آنها را منعکس می‌سازد.»<sup>(۸۳)</sup> وی در توضیح این موضوع می‌گوید در مراحل اولیه جنگ، روحیه ملی ایرانیان موجب عقب‌نشینی‌های عراق شد ولی با ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، روحیه جنگی عراق به هنگام دفاع از سرزمینشان در حد بسیار زیادی به موقوفیت‌های تدافعی عراق منجر شد. وی سپس نتیجه می‌گیرد:

«جنگ نشان داد که در سطح عملیاتی، روحیه اهمیت دارد اما شرط کافی برای

اتخاذ تصمیم نظامی نمی‌باشد اگرچه برای ادامه یک جنگ طولانی روحیه

\* افرایم کارش، یهودی، از محققان و تحلیلگران امور نظامی و استراتژیک است که جنگ ایران و عراق را در مقالات و کتب متعددی بررسی کرده است که در این بررسی به برخی از منابعی که از نویسنده در اختیار بوده است انتقاد می‌شود.

(احتسابات‌پذیری جنگ، پاورقی ص ۶۲)

\*\* رالف کینگ در مقاله "جنگ ایران و عراق مفاهیم سیاسی" درباره ماهیت سیاست و قدرت‌های بزرگ در حمایت از عراق می‌نویسد: تا مادامی که حکومت ایران سبیز خود با هر دو ابرقدرت را حفظ می‌کند و دست از تفکر "دفاع" یا اشاعه انقلاب اسلامی برمنی دارد، بزرگ‌ترین منبع عراق، حمایت خارجی است.

(نشریه ادفعه بی‌پر، ترجمه خ.ج.ا، ۴/۲۱، ۱۴۷ ص، مهر ۱۳۶۶ و پژوهنامه بررسی جنگ تحمیلی

و بحران خلیج فارس، معاونت سیاسی ستاد کل، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۴۷)

فوق العاده حائز اهمیت است، لیکن ثابت شده که روحیه نمی‌تواند جانشین

مناسبی برای شایستگی عملیاتی باشد.<sup>(۸۴)</sup>

۲- آنتونی کردمزن<sup>\*</sup> بر این نظر است که «ایران به مفهوم کلاسیک نظامی قاطعانه شکست خورد.» وی درباره علت این شکست معتقد است: «بخشی به دلیل حمایت خارجی از عراق بود» و علت دیگر "باورهای ایدئولوژیک" و تلاش ایران برای کسب پیروزی بر اساس "هجوم امواج انسانی" بود.<sup>(۸۵)</sup> کردمزن معتقد است که تعداد بسیار کمی از جنگ‌های بدون استراتژی بزرگ پیروزی به همراه داشته‌اند. جنگ ایران و عراق نمونه‌ای کلاسیک از بهای سنگین فقدان استراتژی بزرگ است.<sup>(۸۶)</sup> وی در تجزیه و تحلیل نظامی عملیات‌های ایران و استراتژی این کشور معتقد است: «عملیات رمضان در ادامه الگوی "حملات توده‌ای" انجام شد. ایران نیرویی را به وجود آورد که می‌توانست تهدید جدی برای عراق باشد و خاک عراق را تصرف نماید. بنابراین، استراتژی اصلی ایران تلاش در جهت استفاده از چکش برای انهدام سندان بود. سرانجام ایران چکش نیروهایش را بر سندان دفاعی عراق فرود آورد ولی تنها به یکسری دستاوردهای سمبولیک دست یافتد و مجبور شد برای تجدید قوا و جبران ناتوانی‌های عملیاتی نیروهایش، ادامه عملیات‌ها را متوقف سازد.<sup>(۸۷)</sup> درنتیجه، عملیات‌های مکرر موجب تضعیف کادر فرماندهی، نیروی انسانی ماهر و تجهیزات نظامی این کشور شد و این عملیات‌ها ایران را از ابزار برتری خود محروم کرد، حمایت‌های مردمی را از جنگ کاهش داد، روحیه نظامیان را تضعیف نمود و نظام سربازگیری و فراخوانی نیروهارا مختل کرد.<sup>(۸۸)</sup> وی در ادامه می‌گوید: «بصره نقطه چرخش جنگ بود، زیرا چکش ایرانی‌ها را در مقابل سندان عراقی‌ها در هم شکست.»<sup>(۸۹)</sup> عملیات‌های کربلای ۸ و کربلای ۹ پایان نبردهای زمینی ایران در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۵ - ۱۳۶۶)

\* آنتونی کردمزن مدیر مؤسسه بررسی‌های استراتژیک در امریکا است. بررسی‌های نظامی بویژه در خاورمیانه در حوزه تخصص اوست. وی مقالات و کتاب‌های متعددی را در زمینه تحولات نظامی و جنگ ایران و عراق منتشر کرده که عمده آنها ترجمه شده است. (اجتباب‌ناپذیری جنگ - پاورقی ص ۷۰)

محسوب می‌شود و نشان‌دهندهٔ پایان تلاش ایران به جهت پیروزی در جنگ از طریق انجام عملیات‌های سرنوشت‌ساز بود. این عملیات‌ها این نکته را ثابت کرد که ایران تنها قدرت و توان دستیابی به پیروزی‌های تاکتیکی محدود را داشته ولی توانایی وارد آوردن ضربه‌ای استراتژیک را به عراق ندارد<sup>(۹۰)</sup> و موفقیت‌های تاکتیکی، هرگز به معنای موفقیت استراتژیکی نیست.<sup>(۹۱)</sup>

تداوی تلاش‌های نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ بویژه رویارویی با نیروهای امریکایی در خلیج فارس از نظر کردزمن "ارتکاب اشتباہ استراتژیک"<sup>(۹۲)</sup> بود؛ زیرا به انزوای فرایندهٔ دیپلماتیک و استراتژیک ایران منجر شد و بر توان ایران برای ادامه جنگ تأثیر خردکننده‌ای گذاشت که تأثیر تاکتیکی و استراتژیکی آن بسیار بیشتر از نبردهایی بود که درگیر شده بود.<sup>(۹۳)</sup>

کردزمن دربارهٔ کاربرد سلاح و سیستم‌ها معتقد است: «در این جنگ برخلاف جنگ‌های اعراب و اسرائیل، ایران و عراق قادر استراتژی و تاکتیک پیشرفته برای کاربرد مؤثر تکنولوژی موجود، تبدیل آن به یک نیروی رزمی کارآمد و اعمال کنترل و فرماندهی مؤثر بودند.»<sup>(۹۴)</sup> از نظر وی عراق میزان به کارگیری نیروی ایران را در جنگ، که در سخنان و اقدامات رهبران آن مشهود بود، نادیده می‌گرفت و ایران نیز از تشدید فشار در جنگ ناتوان بود.<sup>(۹۵)</sup> در هر صورت، هر دو کشور از تشدید فشار در جنگ ناتوان بودند؛ زیرا چنین اقدامی در صورتی نتیجهٔ خواهد داشت که فشار در میدان جنگ به نتایج استراتژیک منجر شود و طرف مقابل هیچ چاره و بدیلی بجز تسليم شدن نداشته باشد.

دربارهٔ تخصص‌گرایی در جنگ از نظر کردزمن، ایران با تمام شور و هیجان انقلابی خود این حقیقت را نتوانست دریابد که شور و هیجان زیاد، قدرت و توان آن کشور را در جنگی که به تخصص‌گرایی نظامی برای پیروزی در آن نیاز دارد، از بین می‌برد. در مقابل، عراق تخصص‌گرایی بسیاری را به دست آورد که در آغاز جنگ در اختیار نداشت، و همین امر او را در جنگ پیروز کرد.<sup>(۹۶)</sup>

رونده تحولات جنگ زمینه توازن را تغییر داد و باید به این تغییر توجه می شد. به نظر کردزمن احتمالاً ایران این روند و اهمیت آن را درک نکرد.<sup>(۹۷)</sup> کردزمن تحت عنوان درس های جنگ ایران و عراق، از نحوه به پایان رسیدن این جنگ نتیجه های می گیرد که مهم است. وی می نویسد:

«پایان جنگ ایران و عراق درس مهم دیگری را درباره جنگ نمایان ساخت و آن اینکه جنگ های محدودی با نابودی نیروهای دشمن پایان یافته اند. جنگ ها هنگامی پایان می یابند که ترکیبی از عوامل سیاسی و نظامی، توانایی دشمن را برای ادامه نبرد نابود سازد.»<sup>(۹۸)</sup>

۳- شهرام چوبین<sup>\*</sup> در بررسی خود می نویسد: «هیچ بخشی از جنگ همانند شیوه پایان یافتن آن برای ناظران، این چنین تعجب آور نبود.»<sup>(۹۹)</sup> وی سپس اضافه می کند: «در هر مقطعی از جنگ ایرانیان می توانستند جنگ را متوقف کنند و منطقی و سخاوتمند به نظر برسند ولی آنها صبر کردند تا وقتی که داشتند جنگ را می باختند آنگاه قطعنامه را پذیرفتند.»<sup>(۱۰۰)</sup> چوبین معتقد است: «ایران با دو دست بسته می جنگید، زیرا متحдан قابل اعتماد و ثروتمندی نداشت. به سیستم های تسلیحاتی سازگار با زرادخانه دسترسی نداشت و از فکر و نظر بهترین نیروهای آموزش دیده بهره نمی گرفت<sup>(۱۰۱)</sup> و هیچ تلاشی نمی کرد تا اهداف جنگ را با امکانات جنگی مطابقت دهد.»<sup>(۱۰۲)</sup> چوبین درباره سیاست های بین المللی ایران می نویسد: «به نظر می رسید جمهوری اسلامی سیستم بین المللی را به مبارزه طلبیده است و قصد تغییر آن را دارد و این هدف را بسیار جدی تصور می کرد و فشارهای خارجی بر او اثر جدی نداشت.»<sup>(۱۰۳)</sup> چوبین علت این موضوع را در پیوستگی جنگ با انقلاب و پیگیری اهداف انقلاب در جنگ دانسته است و می نویسد: «رها بران ایران واقعاً باور داشتند که در جنگ می توانند سور و نشاط انقلاب را به

\* شهرام چوبین، مدیر بخش پژوهش مرکز سیاست های امنیتی در ژنو است. تألیفات وی شامل سیاست خارجی ایران، ایران و عراق در زمان جنگ، اهداف سیاست امنیت ملی ایران، نقش قدرت های خارجی در امنیت خلیج فارس و موارد دیگر است. (اجتناب ناپذیری جنگ - پاورقی ص ۶۳)

نمایش گذارند و با رویارویی و غلبه بر مشکلات از طریق خودکفایی، پیام انقلاب و حقانیت خود را به اثبات رسانند. آنان در وضعیتی قرار نداشتند که از غرب یا نظامیان حرفه‌ای درس بگیرند. جنگ آنان مانند انقلاب آنان تجربه‌ایی منحصر به فرد در تاریخ جنگ‌ها بود و با ملاحظات یا محدودیت‌های واقع‌گرایانه پیوند نداشت.<sup>(۱۰۴)</sup>

چوبین روند تحولات جنگ را بررسی و بر این نکته تأکید می‌کند که ایران با اداره جنگ از تابستان ۱۳۶۲ به بعد خطا کرد، زیرا ایران قصد بیرون راندن عراق از مناطق اشغالی را نداشت، بلکه هدف ایران راندن عراقی‌ها تا بغداد بود.<sup>(۱۰۵)</sup> وی علت ناپایداری پیروزی‌های ایران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ را ناشی از ضعف و کاستی در استراتژی، تدارکات و پشتیبانی ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «پیروزی در فاو اگر با چند پیروزی مشابه دیگر همراه می‌شد می‌توانست جنگ را با سرعت به پایان رساند. رهبران سیاسی ایران آنچه را با دردناکی در میدان جنگ آموخته بودند به فراموشی سپردنده؛ یعنی موفقیت‌های ذره‌ای مبنای ناکافی برای رسیدن به پیروزی تمام عیاری بود که ایران برای دستیابی به اهداف بلندپروازانه خود نیازداشت.<sup>(۱۰۶)</sup>» وی در تشریح این وضعیت معتقد است: «رهبران ایران نتوانستند نوعی استراتژی تنظیم کنند تا میان اهداف جنگی (سقوط دشمن) با توانایی‌های نظامی از نظر تجهیزات، که با هر حمله‌ای کاهش می‌یافتد، ارتباط برقرار سازند. ایران باید برای رسیدن به اهداف جنگی، شکست قاطعی به نیروهای دشمن وارد می‌ساخت.<sup>(۱۰۷)</sup>»

چوبین سقوط فاو را نقطه عطفی می‌داند که از نظر نظامی، روحی و روانی تعادل را بر هم زد، زیرا فاو نماد عینی مهمی از موفقیت ایران در جنگ بود و از دست دادن آن عملاً ایران را پس از شش سال جنگ طولانی دست خالی نشان می‌داد.<sup>(۱۰۸)</sup> از نظر چوبین در این وضعیت آنچه می‌توانست موجب پایان دادن به جنگ شود این بود: « فقط استنباط اینکه ادامه جنگ موجودیت انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، آنان را به اتخاذ چنین تصمیمی می‌توانست وادار کند.<sup>(۱۰۹)</sup>»

از نظر چوین بی توجهی ایران به موازنۀ نظامی باعث جذایت جنگ برای عراق شد<sup>(۱۱۰)</sup> و شکاف بین اهداف و توامندی‌ها مرتب گسترده‌تر می‌شد و فرایندی را که به پایان یافتن جنگ منتهی شد سرعت بخشید.<sup>(۱۱۱)</sup>

۴- احمد زبیدی<sup>\*</sup> طی مقاله‌ای در بررسی روند تحولات جنگ علت طولانی شدن جنگ را فاصله انداختن میان عملیات‌های بزرگ، خصوصاً پس از سال ۱۹۸۲ م ذکر می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «رهبری ایران بدین ترتیب استباھی استراتژیک مرتكب شد؛ زیرا به نیروهای عراقی فرصت می‌داد تا ضایعات و تلفات را جبران و به آموزش، سازماندهی و تجهیز مجدد بپردازند. ایرانی‌ها فکر می‌کردند که ارتش عراق بدین ترتیب از هم پاشیده خواهد شد و آنها هیچ وظیفه‌ای ندارند جز ادامه دادن به وضع موجود تا نتیجه مطلوب حاصل شود.» وی در نقد تصورات ایران می‌نویسد: «تکیه بر این اصل بر مفاهیم غلط استوار بود؛ زیرا رهبری عراق دائم تسلیحات مدرن و جدید به دست می‌آورد و ضایعات خود را جبران می‌کرد در صورتی که امکانات ایرانیان روز به روز کاهش می‌یافت تا جایی که به پایین‌ترین حد خود در تاریخ جنگ رسید و ناگهان جنگ به نفع عراق تغییر یافت.»<sup>(۱۱۲)</sup>

احمد زبیدی که نظامی عراقی است اهمیت مرحلۀ جنگ از ژوئن ۱۹۸۲ م تا عملیات حلیچه را در ۱۹۸۸ م در این می‌داند که «ایرانی‌ها با عملیات تهاجمی سالانه، جنگ را دنبال می‌کردند و تدریجاً دریافتند که نفوذ کردن در نیروها و استحکامات عراق امری ساده نیست. با توجه به مسائل فوق در آغاز ایرانی‌ها حیرت‌زده و سپس دچار یأس از کسب پیروزی قاطع بر عراق شدند.»<sup>(۱۱۳)</sup>

۵- علی محمود جان اورکزئی<sup>\*\*</sup> جنگ ایران و عراق را شبیه جنگ جهانی اول دانسته است و سپس طرح پرسش می‌کند که «چرا این جنگ غیرقاطع

\* احمد زبیدی از فرماندهان ارتش عراق است که در عملیات فتح خرمشهر به اسارت درآمد و مدتی در ایران بود و پس از مدتی همکاری با ایران به سوریه سفر کرد و در آن کشور به فعالیت سیاسی عليه رژیم عراق پرداخت.

\*\* نامبرده سرهنگ ارتش پاکستان است.

بود؟» وی در ادامه با اشاره به وسائل دستیابی پیروزی مانند تانک، نیروهای مکانیزه، قدرت آتش، غافلگیری و شبیخون، مجدداً می‌پرسد: «چه چیز اشتباهی در جنگ وجود داشت؟» وی به طولانی شدن جنگ اشاره می‌کند و علت آن را ناتوانی بسیج نیروهای دو طرف برای اتخاذ تصمیمی درست ذکر می‌نماید؛<sup>(۱۱۴)</sup> البته وفیق سامرایی از دست دادن قدرت ابتکار عمل عراق را در طول هفت سال جنگ، عامل اصلی طولانی شدن جنگ می‌داند.<sup>(۱۱۵)</sup>

عَ پروفوسور رمضانی<sup>\*</sup> شکست‌های ایران در میدان جنگ و وضعیت اقتصادی - اجتماعی رو به خامت این کشور را عاملی نیرومند در پذیرش آتش‌بس و پایبندی جدی به روند صلح می‌داند و می‌نویسد: «تا پیش از بهمن ۱۳۶۵ رهبران ایران پی‌درپی وعده "پیروزی نهایی" می‌دادند و حتی یکبار مشخصاً از آغاز سال ۱۳۶۶ خورشیدی به عنوان روز پیروزی یاد کردند ولی برای نخستین بار ایران متوجه این واقعیت شد که نمی‌تواند در این جنگ پیروز شود.<sup>(۱۱۶)</sup> بنابراین، تصادفی نبود که در تیر ۱۳۶۶ ایران برای نخستین بار قطعنامه صادر شده سازمان ملل را به طور کامل رد نکرد. قطع نظر از میزان اهمیت شکست‌های بعدی که از آغاز فروردین ۱۳۶۷ در شبه جزیره فاو، جزایر مجnoon و شلمچه نصیب ایران شد این واقعیت به جای خود باقی است که مدت‌ها پیش از این شکست‌ها، ایران مذاکراتی طولانی را با خاوری پرزدکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، آغاز کرده بود.<sup>(۱۱۷)</sup>

رمضانی علل تصمیم‌گیری ایران را با مقایسه تأثیر موشک‌باران تهران و دشواری‌های اقتصادی بررسی می‌کند و می‌نویسد: «اگر دشواری‌های اقتصادی رو به تشدید ایران و بن‌بست‌های ظاهراً برطرف نشدنی در اصلاحات اجتماعی - اقتصادی آن کشور نبود، حتی مقارن شدن شکست‌های یاد شده با موشک‌باران شهرهای ایران با موشک‌های الحسین عراق در فاصله دهم

\* روح‌الله کارگر رمضانی استاد بازنیسته دانشگاه ویرجینیا در امریکا است و تألیفات وی شامل: ایران انقلابی، جالش‌ها و پاسخ در خاورمیانه، ایران و امریکا: الگویی از نفوذ و غیره است. اخیراً کتاب سیاست خارجی از این نویسنده در ایران ترجمه شده است.

<sup>(۱۱۷)</sup> اجتناب ناپذیری جنگ، ص ۶۴

اسفند ۱۳۶۶ تا ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ هم بعد بود ایران را وادار به پذیرش صحح کند.»<sup>(۱۱۸)</sup>

۷- انوشهروان احتشامی<sup>\*</sup> معتقد است، «ایران در نهایت به دو دلیل جنگ را باخت. اشتباهات فاحش این کشور هم در میادین نبرد و هم در عرصه دیپلماتیک و حمایت راهبردی و همین طور سیاستی که ایالات متحده و متحдан آن آمادگی ارائه آن را به عراق در حرکتش علیه جمهوری اسلامی داشتند. در آن زمان چنین تلقی می شد که ایران قادری است که تمام تلاش خود را می کند تا نقشه راهبردی منطقه را بر اساس معیارهای انقلاب اسلامی تغییر دهد. در نتیجه، صدام توانست با تبدیل نقاط ضعف ژئopolیتیک عراق به نقاط قوت نظامی به شکلی ماهرانه از هر دو دشمن خود در قرن بیستم یعنی امام خمینی و بوش پدر بیشتر عمر کند و بر خطر چیره شود.»<sup>(۱۱۹)</sup>

احتشامی سیاستهای امریکا را برسی می کند و می نویسد: «اگر چه جنگ مانع گسترش قدرت انقلابیون ایران می شد اما واشنگتن از دورنمای از کنترل خارج شدن این جنگ و تأثیر گذاردن آن بر روی ثبات کل منطقه طرفی نمی بست. ادامه جنگ بهای بیش از اندازه زیادی برای مهار انقلابیون ایران محسوب می شد.»<sup>(۱۲۰)</sup>

احتشامی درباره بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در افکار عمومی می نویسد: «بحث درباره نحوه هدایت جنگ نیز در شکل دادن به دیدگاههای عامه مردم و همین طور سیاست رسمی تر ایران در مقابل عراق سهیم است. عدهای در ایران که بر تعداد آنها افزوده می شود بر این اعتقادند که پذیرش بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ در ژوئیه ۱۹۸۸ م که آتش بس را بین ایران و عراق به ارمغان آورد، تنها معرف یک پیروزی نامطمئن برای جمهوری اسلامی بود؛ زیرا سرانجام هیچ یک از اهداف جنگی ایران تحقق نیافت. ایران نتوانست رژیم

---

\* انوشهروان احتشامی استاد روابط بین الملل در دانشگاه دورهای انجمن مطالعات خاورمیانه در انگلستان است که کتاب سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی) از اوی در ایران ترجمه شده است.

- عراق را سرنگون نماید و یک معاهده مرزی با عراق به امضا رساند، یا در عوضِ برقراری آتش‌بس از این کشور غرامت جنگی بگیرد.»<sup>(۱۲۱)</sup>
- ۸- محمدجواد لاریجانی، معاون وقت وزارت امور خارجه ایران، علاوه بر دیدگاهی که درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق دارد، در تعاملات ایران با سازمان ملل در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ نقش مهمی داشته است. وی معتقد است: «ایران بر خلاف همه قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت، قطعنامه ۵۹۸ را از ابتدا رد نکرد بلکه بر عکس با دبیرکل کار کردیم و یک متن به نام "طرح اجرایی دبیرکل برای قطعنامه ۵۹۸" تهیه شد و ما آن را پذیرفتیم. این طرح را دو بار شورای امنیت تصویب کرد.»<sup>(۱۲۲)</sup>
- وی بر این نظر است که زمانی که طرح اجرایی تهیه و تصویب شد هیچ کس به دنبال اجرای آن نبود بلکه امریکایی‌ها در صدد تحریم تسليحاتی و فشار بین‌المللی بر ایران بودند و ایران حتی اگر همان زمان قطعنامه را می‌پذیرفت هیچ کس در پی اجرای طرح نبود.<sup>(۱۲۳)</sup> در عین حال، بعدها آقای لاریجانی طی مصاحبه‌ای از تأخیر در پذیرش قطعنامه انتقاد کرد و گفت: «این تأخیر، منافع ملی ما را تهدید کرد.»<sup>(۱۲۴)</sup> وی در توضیح این موضوع گفت: «اگر ما قطعنامه را چند ماه زودتر می‌پذیرفتیم می‌توانستیم بابت پس‌دادن هر بخشی، امتیازات خوبی از عراقی‌ها بگیریم.»<sup>(۱۲۵)</sup> وی درباره علت تأخیر به تفاوت دیدگاه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک گروه سیاسی می‌گفت وضعیت اقتصادی جنگ را برای بیست سال تأمین می‌کند و گروه دیگری ادعای پیشروی تا بغداد را داشت. ولی چند وقت که گذشت عده‌ای گفتند جنگ از نظر اقتصادی ورشکسته است و دیگری ادعا کرد برای پیروزی نیازمند بمب اتمی هستیم.»<sup>(۱۲۶)</sup>
- ۹- احمد صدری، استاد دانشگاه و نویسنده، در مقاله خود می‌نویسد: «ایران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را در زمان تصویب آن در ژوئیه ۱۹۸۷م رد کرد و تنها در اوت سال ۱۹۸۸م، پس از آنکه ماشین جنگی عراق خطوط مقدم جبهه را با کاربرد شدید سلاح‌های شیمیایی در هم شکست و تهدید کرد که ایران را

از نو به اشغال خود در خواهد آورد، آنرا پذیرفت.» وی علت آن را "نشانه‌های فلچ سیاسی" ذکر می‌کند.<sup>(۱۲۷)</sup> وی معتقد است، این گونه تصمیم‌گیری و رفتار، حاصل تفکر ایده‌آلیستی، رمان蒂ک و انعطاف‌ناپذیر برای تغییر واقعیات جهان است که وقتی به بن‌بست رسید، به چنین نتایج و واکنش‌هایی منجر می‌شود.<sup>(۱۲۸)</sup>

فارغ از صحت و سقم مواضع و تحلیل‌ها، آنچه در این میان اهمیت دارد این است که دیدگاه‌های خارجی و یا کسانی که در خارج از ایران حضور دارند در مقایسه با دیدگاه تحلیلگران داخلی در ارائه مباحث، انسجام نظری و تحلیلی عمیق‌تری دارند. دیدگاه‌های داخلی بیشتر با "موقع گیری" و تحلیل سیاسی بیان می‌شود. حال آنکه در این زمینه، به تبیین و نظریه‌پردازی نیاز بیشتری وجود دارد.

## منابع و مأخذ فصل اول

- ۱- روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۱/۵، ص. ۵ گفت و گوی محمد الصباح وزیر مشاور در امور خارجه کویت با بی بی سی.
- ۲- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۱، بهار ۱۳۷۶، جلد دوم، ص. ۴۰۰، خطبه دوم، ۱۳۶۱/۰۵/۸.
- ۳- همان.
- ۴- همان، ص. ۴۰۲ و ۴۰۳.
- ۵- همان، ص. ۴۰۲.
- ۶- همان، ص. ۴۰۵ و ۴۰۶.
- ۷- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱/۲۱، ۱۳۸۰.
- ۸- همان.
- ۹- همان.
- ۱۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۱۱/۵، ص. ۱۵.
- ۱۱- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با اکبر هاشمی رفسنجانی، ۴/۱۹، ۱۳۸۰.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- همان.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- مأخذ.
- ۱۷- مأخذ.
- ۱۸- مأخذ.
- ۱۹- مأخذ.
- ۲۰- برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، ۱۳۷۸.
- ۲۱- مسعود سفیری، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها (گفت و گو با آقای هاشمی رفسنجانی)، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸، ص. ۱۰۹.
- ۲۲- همان، ص. ۱۰۹ و ۱۱۰.
- ۲۳- همان، ص. ۱۰۹ و ۱۱۰.
- ۲۴- مأخذ.
- ۲۵- مأخذ.
- ۲۶- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۱۳۸۱/۳/۳۰.
- ۲۷- ماهنامه صنایع هوایی، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۱۳۱، ص. ۳، مصاحبه محسن رضایی.
- ۲۸- همان.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- همان.
- ۳۱- همان.
- ۳۲- همان.
- ۳۳- محسن رضایی، سخترانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، خرداد ۱۳۷۹.
- ۳۴- جلسه قرارگاه مرکزی با شرکت فرماندهان قرارگاه کربلا و نجف، ۱۳۶۱/۸/۲۶، یادداشت شخصی سردار غلامعلی رشید.
- ۳۵- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۱۳۸۲/۶/۳.
- ۳۶- همان.
- ۳۷- مهدی بهداروند، ورود به داخل خاک عراق - ضرورت‌ها و دستاوردها، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، مهر ۱۳۸۱، ص. ۹۷ و ۹۸، به نقل از محسن رضایی.
- ۳۸- مأخذ.

- تحقیقات جنگ، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۹۴ و ۹۵.
- ۶۳- مأخذ، ۵۳، ص ۴۶.
- ۶۴- مأخذ، ۵۳، ص ۴۶.
- ۶۵- مأخذ، ۵۳، ص ۴۶.
- ۶۶- جان پیترز، "معماری نظامی امریکا بر پایه نظم نوین جهانی، ترجمه سیدحسین محمدی نجم، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.
- ۶۷- مأخذ، ۵۳، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.
- ۶۸- مأخذ، ۵۳، ص ۴۱۹.
- ۶۹- مأخذ، ۵۳، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.
- ۷۰- سیدعلی حسینی تاش، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۱/۲۴.
- ۷۱- مأخذ، ۵۴، ص ۷.
- ۷۲- مأخذ، ۷۰.
- ۷۳- جیمز دوئرتی - رابت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر قدس، ۱۳۷۶، ص ۵۴۵ و ۵۴۶.
- ۷۴- جفری الپیوت - رابت رجنبالد، فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک، ترجمه میرحسین رئیس‌زاده‌لنگرودی، انتشارات معین، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲.
- ۷۵- همان، ص ۲۸.
- ۷۶- مأخذ، ۵۳، ص ۵۷، به نقل از دانیل موران.
- ۷۷- مایکل هاوارد، کلازوپتر (و نظریه جنگ)، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات طرح‌نو، ۱۳۷۷، ص ۹۲.
- ۷۸- همان، ص ۸۳.
- ۷۹- همان، ص ۷۶.
- ۸۰- مأخذ، ۶۲، ص ۷۶.
- ۸۱- مأخذ، ۷۷، ص ۷۷ و ۷۸.
- ۸۲- افراهم کارش، "جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی"، نشریه ادلی بی‌پر، بهار ۱۳۷۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۶۶.
- ۳۹- روزنامه رسالت، ۱۳۸۰/۵/۳، ص ۶.
- ۴۰- مأخذ، ۳۳.
- ۴۱- روزنامه همشهری، ۱۳۸۲/۵/۶، ص ۱۴، به نقل از سایت بازتاب.
- ۴۲- برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷.
- ۴۳- مأخذ، ۳۵.
- ۴۴- مأخذ، ۳۹.
- ۴۵- مأخذ، ۴۲.
- ۴۶- مأخذ، ۴۲.
- ۴۷- مأخذ، ۳۵.
- ۴۸- مأخذ، ۳۵.
- ۴۹- مأخذ، ۳۵.
- ۵۰- مصاحبه اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۱۳۸۲/۵/۲۰.
- ۵۱- مأخذ، ۳۵.
- ۵۲- جکلولوی، "თئوری جنگ و صلح"، ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶، ص ۵ به نقل از کینگ، ۱۹۹۷.
- ۵۳- جان بیلیس و جیمز ویرتر، استراتژی در جهان معاصر، ترجمه کابک خیری، انتشارات ابرار معاصر، تهران، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۷.
- ۵۴- سعیده لطفیان، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴ و ۵.
- ۵۵- مأخذ، ۵۳، ص ۴۲۳، نتیجه‌گیری آینده مطالعات استراتژیک.
- ۵۶- مأخذ، ۵۳، ص ۴۲۳، نتیجه‌گیری آینده مطالعات استراتژیک.
- ۵۷- کالین گری، "سلاح جنگ افروز نیست"، ترجمه احمد علیخانی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸، ص ۶.
- ۵۸- مأخذ، ۵۳، ص ۲۲.
- ۵۹- مأخذ، ۵۳، ص ۲۳.
- ۶۰- وب‌گالی، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۸۶.
- ۶۱- همان.
- ۶۲- آلت اسمیت، "پیکار در نبردها - پیروزی در جنگ‌ها"، ترجمه صالح رضایی پیش‌رباط، فصلنامه امنیت ملی، مرکز مطالعات و

- ۹۹- مأخذ.
- ۱۱۱- روزنامه السفیر، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۸/۸/۲۹)، مقاله "جنگ خلیج فارس در بعد نظامی" احمد زبیدی، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، ۱۳۶۸/۱۰/۱۱، ص ۱۴.
- ۱۱۲- همان.
- ۱۱۳- همان، ص ۶ و ۷.
- ۱۱۴- سرهنگ علی محمدجان اورکزئی، مجله سنتر چاپ پاکستان، ۱۹۹۰، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، مهر ۱۳۶۹، ص ۹ و ۱۰.
- ۱۱۵- سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قاروی، مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.
- ۱۱۶- روح الله کارگر رمضانی، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۲ و ۷۳.
- ۱۱۷- همان، ص ۷۳.
- ۱۱۸- همان، ص ۷۳.
- ۱۱۹- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن رسانه‌های دنیا، شماره ۱۹۶۹، ۱۳۸۲/۷/۱۴، ص ۲۱، "روابط ایران و عراق پس از سدام"، اتوشیرون احتمامی، وشنگتن کوارتلی، امریکا، پاییز ۱۳۸۲، ترجمه علی شادرود.
- ۱۲۰- همان، ص ۲۱ و ۲۲.
- ۱۲۱- همان، ص ۲۱ و ۲۲.
- ۱۲۲- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۲۳، مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۲۳- همان.
- ۱۲۴- روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۷/۱۵، ص ۴، به نقل از روزنامه انتخاب، ۱۳۸۰/۶/۱۴.
- ۱۲۵- همان.
- ۱۲۶- همان.
- ۱۲۷- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن رسانه‌های دنیا، شماره ۱۹۴۵، ۱۳۸۲/۲/۱۵، ص ۲۹، "عالیم فلچ سیاسی: قضیه ایران"، احمد صدری، دیلی استار، ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ (۱۳۸۲/۲/۸)، مترجم مهدی ملکان.
- ۱۲۸- همان.
- ۸۳- همان.
- ۸۴- همان.
- ۸۵- آنتونی کردمن و آبراهام واکر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۱۹۶.
- ۸۶- همان، ص ۶۴۵.
- ۸۷- همان، ص ۱۷۶.
- ۸۸- همان، ص ۱۷۶.
- ۸۹- همان، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.
- ۹۰- همان، ص ۳۰۰.
- ۹۱- همان، ص ۱۷۶.
- ۹۲- همان، ص ۳۹۵.
- ۹۳- همان، ص ۳۹۵.
- ۹۴- همان، ص ۵۰۵.
- ۹۵- همان، ص ۲۰۱.
- ۹۶- همان، ص ۲۴۶.
- ۹۷- همان، ص ۱۹۶.
- ۹۸- همان، ص ۳۹۵.
- ۹۹- روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۱، ص ۷، مقاله "آخر جنگ"، شهرام چوبین، ترجمه جعفر خیرخواهان، قسمت اول.
- ۱۰۰- واحد مرکزی خبر، بولتن "رسانه‌های بیگانه"، ۱۳۸۰/۴/۲۸، ص ۲، رادیو آزادی، ۱۳۸۰/۴/۲۷، به نقل از شهرام چوبین.
- ۱۰۱- مأخذ.
- ۱۰۲- مأخذ.
- ۱۰۳- ایران و جنگ از تنگنا تا آتشبس، فصلنامه "بررسی‌های نظامی"، ویژه جنگ، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۲۰.
- ۱۰۴- مأخذ.
- ۱۰۵- مأخذ.
- ۱۰۶- مأخذ.
- ۱۰۷- مأخذ.
- ۱۰۸- روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۳، ص ۷، مقاله "آخر جنگ"، شهرام چوبین، ترجمه جعفر خیرخواهان، قسمت دوم.
- ۱۰۹- همان.
- ۱۱۰- همان.

## فصل دوم

### ناکامی در اتمام جنگ

- ✓ نگرانی از پیروزی ایران
- ✓ استراتژی ایران
- ✓ شکست عملیات رمضان
- ✓ استراتژی عراق
- ✓ گسترش روابط خارجی
- ✓ حمله به جزیره خارک
- ✓ تلاش ایران برای تعیین سرنوشت جنگ
- ✓ مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها
- ✓ تغییر در نگرش ایران به صلح
- ✓ نتیجه‌گیری فصل دوم

## ناکامی در اتمام جنگ

نگرانی از پیروزی ایران

تداوم شکست‌های نظامی عراق و متقابلاً پیروزی‌های ایران در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی، برداشت‌های موجود را نسبت به وضعیت جنگ و چشم‌اندازهای موازنۀ نظامی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و مواضع استراتژیک<sup>(۱)</sup> تغییر داد. تدریجاً این تصور به نحو گستردۀای ایجاد شده بود که توان نظامی عراق رو به ضعف نهاده است و با افزایش قدرت نظامی ایران، ادامۀ جنگ در خاک عراق به شکست عراق و پیروزی ایران منجرمی شود و در نتیجه بی‌ثباتی در منطقه گسترش می‌یابد. بر پایه همین ملاحظات، جلوگیری از شکست عراق و پیروزی ایران ضرورت یافت و سیاست مقابله‌جویانه‌ایی در حمایت از عراق برای مهار قدرت نظامی ایران و جلوگیری از ادامۀ جنگ شکل گرفت؛ چنانکه تمام مقامات امریکایی به این موضوع اشاره کردند.<sup>\*</sup> در عین حال، برای تأمین خواسته‌های ایران و پایان دادن به جنگ هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت. این موضوع تا اندازه‌ای ماهیت سیاست قدرت‌های بزرگ را درباره جنگ و برتری ایران و تبلیغاتی که صورت می‌گرفت بیان می‌کند. یکی از عوامل اصلی در تبلیغات رسانه‌ای و ترسیم خطر ایران برای منطقه مرکز بر موضوع ادامه دادن جنگ در خاک عراق بود. در همین چارچوب،

\* رادیو امریکا به نقل از روزنامۀ نیویورک تایمز چاپ امریکا می‌گوید: تمام مقام‌های امریکایی اعلام داشتند امریکا و دیگر کشورهای جهان از جمله عربستان سعودی، پاکستان، الجزایر در تمام طول دیروز از طریق اقدام‌ها و تماس‌های دیپلماتیک کوشیدند از تهاجم ارتش ایران به خاک عراق جلوگیری کنند.

جیمز بیل نیز می‌گوید: سیاست‌گذاران امریکایی از پیروزی ایران به خراس افتادند.

(عقاب و تثیر جلد دوم، ترجمه مهوش غلامی، انتشارات شهرآب، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۸۸)

عرانی‌ها بر خطر شیعیان برای تجزیه عراق تأکید می‌کردند و از قدرت‌های بزرگ، کویت و عربستان امتیاز می‌گرفتند. روزنامه وشنگتن پست بر این نظر بود که هدف اول ایران کشور عراق است. علت انتخاب این هدف وجود شیعیان<sup>\*</sup> ذکر می‌شد.<sup>(۱)</sup> با این تأکید که پس از عراق کشورهای محافظه‌کار خلیج‌فارس باید نگران باشند. نیویورک تایمز برخلاف وشنگتن پست که هدف ایران را توسعه‌طلبی ذکرمی‌کرد، در تحلیلی نوشت: «اهداف اولیه ایران محدود بوده و مجازات عراق و سرنگونی احتمالی رژیم صدام را در بر می‌گیرد.»<sup>(۲)</sup> روزنامه النهار، چاپ لبنان، نیز معتقد بود: «امام خمینی به جهادی مقدس به معنی کامل دست زده است.»<sup>(۳)</sup> مفسر رادیو لندن اعمال شروط مطلوب ایران را برای پایان دادن به جنگ هدف ایران ذکر می‌کند و می‌گوید: «همین موضوع باعث نگرانی اکثر کشورهای عربی در منطقه خلیج‌فارس و تشویش خاطر رهبران امریکا درباره ثبات خاورمیانه شده است.»<sup>(۴)</sup>

در واقع، اهداف ایران و پیامدهای حمله به عراق دو موضوعی است که بدان توجه شده است. از یک منظر تداوم حملات ایران و فشارهای پی‌درپی به رژیم صدام عامل ایجاد هرج‌ومرج در داخل عراق ذکر می‌شود و از سوی دیگر، موجب گسترش قشری‌گری مذهبی و بی‌ثباتی در منطقه‌ای که نفت آن مورد نیاز غرب است، خواهد شد.<sup>(۵)</sup>

---

\* در عین حالی که وجود شیعیان عراق برگ برنده ایران در داخل عراق بود ولی تجزیه جنگ نشان داد که قابلیت لازم برای بهره‌برداری از این موضوع وجود ندارد. عراقی‌ها نیز از این موضوع آگاه بودند ولی چنانکه شاهزاده خالدین سلطان می‌گوید: در خلال جنگ بزرگ‌ترین نگرانی صدام این بود که ممکن است ایران حامیان خود در جنوب عراق را برای تشکیل دولت انتقالی در بصره ترغیب کند و سپس دولت انتقالی از ایران دعوت کند که به بصره برود.(«جنگجوی صحرا»، مرداد سال ۱۳۷۴، خ.ج.ا، ۱۳۷۴/۵/۱۴، به نقل از خبرگزاری ملی عراق، بولتن خبرهای عراق ش.۸۳، ۱۳۷۴/۵/۱۷، ص.۱۳) درحالی که به نوشته اسپوپزیتو "اغلب شیعیان عراق که اکثریت بدنۀ ارتش عراق را تشکیل می‌دادند به ملت خود در مقابل هم کیشان‌شان در ایران وفادار ماندند."(انقلاب ایران - چشم انداز ده ساله، ترجمه نورالله قیصری، نامۀ پژوهش، فصلنامۀ تحقیقات فرهنگی، ش.۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص.۷۱) البته فشار سیستم امنیتی عراق در رفتار شیعیان تأثیر داشت و لذا بر اساس انتخابی آزادانه در برابر ایران اقدام به جنگ نمی‌کردند.

به نوشتهٔ وال استریت ژورنال: «ظاهراً هر دو ابرقدرت مخالف حمله هفت‌گذشتۀ ایران به عراق هستند، گرچه هر کدام دلایل جداگانه‌ای برای این کار دارد، ولی هر دو آنها از احتمال پیروزی یک ایران انقلابی اسلامی بر صدام حسین سوسیال بعضی و سرنگونی وی وحشت دارند.»<sup>(۷)</sup> ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، در دیدار با رهبران کنگره امریکا گفت: «تهاجم نیروهای ایران به عراق می‌تواند تمام منطقه را به خطر بیندازد.»<sup>(۸)</sup> کاسپر واينبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز گفت: «من تصور می‌کنم که ایرانی‌ها تهدیدی جدی علیه اسرائیل هستند.»<sup>(۹)</sup> گلد واتر، سناتور یهودی امریکا، تصريح کرد: «خطری که اینک متوجه عراق است در آینده دیگر کشورهای عربی منطقه را در بر خواهد گرفت. امریکا متعهد است در مقابل هرگونه تهدید ایران، از دوستان خود در منطقه بویژه اسرائیل حمایت کند.»<sup>(۱۰)</sup>

نشریات معترض امریکایی مانند نیویورک تایمز و واشنگتن پست نیز به نقل از مقامات امریکایی از پیروزی ایران و پیامدهای آن اظهار نگرانی کردند. واشنگتن پست از گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه و سقوط صدام نوشت<sup>(۱۱)</sup> و نیویورک تایمز درباره استقرار حکومتی بنیادگرای شبهیه ایران در عراق هشدار داد.<sup>(۱۲)</sup> تحقق چنین واقعیاتی از نظر مقامات امریکایی زیان‌های غیرقابل تصوری را برای امریکا به دنبال خواهد داشت. به نظر این مقامات تاکنون خطری به این شدت امریکا را در هیچ‌جا تهدید نکرده است.<sup>(۱۳)</sup>

تصور امریکایی‌ها از استراتژی ایران این بود که احتمالاً هدف اصلی ایران به دست آوردن اهرم فشار جدی برای دریافت غرامت صد میلیاردی از عراق است.<sup>(۱۴)</sup> چنین برداشتی نشان می‌دهد استراتژی ایران برای امریکایی‌ها تا اندازه‌ای آشکار شده بود و بخشی از اظهار نگرانی آنها تبلیغاتی برای افزایش فشار به ایران و تحت تأثیر قراردادن کشورهای منطقه بود.

نظر به اینکه امریکایی‌ها حمله ایران را اجتناب ناپذیر می‌دانستند،<sup>(۱۵)</sup> لذا ضمن موضع‌گیری و تبلیغات گسترده اعلام کردند نهایت کوشش خود را به کار خواهند برد تا ایران را از حمله به خاک عراق منصرف کنند.<sup>(۱۶)</sup> بر اساس

همین ملاحظات، امریکایی‌ها اعلام کردند آمده هستند با کشورهای منطقه مانور مشترک برگزار کنند.<sup>(۱۷)</sup> رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا نیز پیشنهاد کرد امریکا سلاح‌های مورد نیاز عراق را از طریق کشورهای حوزه خلیج فارس تأمین کند.<sup>(۱۸)</sup> وزیر خارجه وقت امریکا در مجلس سنای گفت: «امریکا مستقیماً عمل نمی‌کند اما باید به کشورهای دوست خود در منطقه اطمینان‌هایی بدهد.»<sup>(۱۹)</sup>

رادیو امریکا طی گفتاری رسمی دولت امریکا را اعلام کرد: «حمله ارتش ایران به خاک عراق احتمال و خطر درگیری نظامی در سرتاسر منطقه را گسترش داده است. جنگ بین دو کشور خاورمیانه برای دیگر کشورهای منطقه و درحقیقت برای جهان آشار و نتایجی به‌بار آورده است.»<sup>(۲۰)</sup> کوشش‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از گسترش جنگ یکی از راه حل‌هایی بود که بدان تأکید شد.<sup>(۲۱)</sup> سخنگوی دولت امریکا، لاری اسپیکس، نیز بر اهمیت استراتژیک ایران و بی‌طرفی امریکا تأکید کرد. واشنگتن پست با توجه به این امر نوشت: «امریکا باید با استفاده از نفوذ کشورها (ایران را) از تجاوز‌کاری منصرف ساخته و ضمن محدود کردن دامنه عملیات برای اختلاف‌هایشان آنها (ایران و عراق) را به پای میز مذاکره فرا خواند.»<sup>(۲۲)</sup> از نظر امریکا منافع غرب در خاتمه دادن به جنگ بود.<sup>(۲۳)</sup> به همین دلیل، به ایران فشار آورد تا از اجرای عملیات جلوگیری و پیامدهای آن را مهار کند.

علاوه بر امریکا برحی از کشورهای اروپایی نیز نگرانی خود را اعلام کردند. کلود شسون، وزیر خارجه وقت فرانسه، از رشد قدرت ایران در جنگ با عراق ابراز نگرانی کرد و افزود: «پیروزی ایران می‌تواند موازنۀ قدرت در خاورمیانه را برهم‌زند.»<sup>(۲۴)</sup> شاه اردن نیز در مصاحبه‌ای با مجله امریکایی تایم گفت: «پیروزی احتمالی ایران به ضرر منطقه و ملت عرب است و آینده عراق را، که آینده ملت اردن نیز هست، به خطر می‌اندازد.»<sup>(۲۵)</sup>

تحلیل رسانه‌های خبری از سیاست و مواضع امریکایی‌ها متاثر بود و بر پیروزی احتمالی ایران و پیامدهای آن تمکز داشت. روزنامه‌ای تایمز مالی در

سرمقاله خود با اشاره به اینکه تهدید ایران برای حمله به عراق نشان می‌دهد که رژیم انقلابی ایران به چه نیروی قدرتمندی تبدیل شده است اضافه می‌کند: «دو سال پیش به نظر می‌رسید که برخوردهای آشتی‌ناپذیرانه داخلی، حکومت [امام] خمینی را در آستانه سقوط نظامی و اقتصادی قرار داده است اما اکنون ایران در منطقه خلیج‌فارس نیروی غالب است و با منافع غرب در این منطقه دست و پنجه نرم می‌کند. غربی‌ها قدرت و قابلیت انقلاب بنیادگرایانه آیت‌الله خمینی را زمانی دراز دست کم گرفته بودند.»<sup>(۲۶)</sup> رادیو بی‌بی‌سی نیز به همین مفهوم اشاره می‌کند و می‌گوید: «مشکل اصلی برای سایر کشورهای جهان این است که تا پیش از این جنگ، قدرت انقلاب اسلامی را دست کم گرفته بودند. ایران علی‌رغم تمام مشکلات داخلی اعم از ضعف اقتصادی و مخالفت گروههای اقلیت در شرف ثبتیت مجدد قدرت خود در خاورمیانه است.»<sup>(۲۷)</sup>

روند پیروزی‌های ایران بیان‌کننده تغییر و تحولات اساسی در ابعاد سیاسی - اجتماعی و امنیتی در داخل ایران و ادامه آن به صحنه جنگ بود. ادامه این تحولات با توجه به حوادث احتمالی به نوشته نوول آبرزاوتر "تعادل استراتژیک را در منطقه" بر هم خواهد زد و پیش روی ایران در خاک عراق گام اول "حملات استراتژیک ایران" است.<sup>(۲۸)</sup> واشنگتن پست موقفيت ایران در سرنگونی صدام را به معنای از میان رفتن مرز میان جهان عرب و جهان مسلمان غیرعرب و تحریک شیعیان افراطی از کرانه‌های باختり خلیج‌فارس تا کشورهای خاوری دریای مدیترانه از ترکیه تا مصر، خواند.<sup>(۲۹)</sup> باری روبین نویسنده کتاب جنگ قدرت‌ها در ایران، در روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «پیروزی ایران بر عراق چهار خطر برای عربستان و سایر کشورهای کوچک‌تر محافظه‌کار منطقه دربردارد. اولین خطر حمله مستقیم ایران به این کشورها به خصوص کویت است. خطر دوم، افزایش تبلیغات براندازی و آموزش و کمک به انقلابیون سایر کشورها است. سومین خطر ایران، الهام انقلابیون کشورهای حاشیه خلیج‌فارس از انقلاب اسلامی ایران است و سرانجام اینکه

انتظار می‌رود ایران، که قوی‌ترین کشور منطقه است، بتواند به همسایگانش سیاست ضدامیریکایی خود را دیکته کند.»<sup>(۳۰)</sup>

امريكا در آستانه حمله ايران به عراق در وضعیت دشواری قرار داشت؛ زира حمله اسرائيل به لبنان واکنش اعراب را نسبت به اسرائيل و امريكا برانگیخت و پیروزی ايران بر عراق می‌توانست به گسترش انقلاب اسلامی در منطقه منجر شود. امريكا باید ضمن کنترل واکنش اعراب و نزدیکی به آنها<sup>\*</sup> پیشروی ايران را در خاک عراق مهار و متوقف می‌کرد. در اين ميان، بزرگ‌گردن خطر ايران برای کشورهای منطقه مهم‌ترین عامل مهار ايران بود. با اين توضیح "پیروزی اiran بر عراق" یا امتیاز دادن به اiran برای پایان دادن به جنگ هر دو به زیان منافع اmerica ارزیابی شد و لذا با آن مقابله شد. از نظر اmerica يا باید اiran در مرز متوقف می‌شد و از پیشروی خودداری می‌کرد<sup>\*\*</sup> يا با پذیرش آتش‌بس مذاکره با عراق را آغاز می‌کرد.

فارغ از تفسیر و تحلیل‌هایی که درباره اهداف و پیامدهای حمله اiran به عراق و سقوط احتمالی صدام ارائه می‌شد<sup>\*\*\*</sup> و همچنین آنچه درباره دشواری‌های مرحله جدید جنگ برای اiran و احتمال موفقیت عراق در دفاع از خود بیان می‌شد، رادیو اmerica براساس نظر برخی از تحلیلگران درباره علت تهاجم اiran به خاک عراق معتقد بود: «نیروهای اiran مغror از عملیات

\* باري روبين در مقاله خود در نیویورک تایمز درباره نگرانی اiran می‌نويسد: «iran شدیداً نگران اين است که پیروزی کونی اش در صورت گسترش جنگ، با مداخله احتمالی اmerica بر باد رود» وی سپس درباره ايجاد زمينه‌های مداخله اmerica می‌نويسد: «هر قدر که کشورهای حوزه خليج فارس از اiran هراس بيشتری داشته باشند ضرورت کسب حمایت از جانب اmerica را بيشتر درک می‌کنند.» (روزنامه جنگ، کتاب بیستم، عبور از مرز، ص ۳۴۳ - ۳۴۴، گزارش ۱۳۶۱/۴/۳۰)

\*\* واينبرگر، وزير خارجه وقت اmerica، می‌گويد: «گمان نمي کند [امام] خميني به علت تشنجهات ناشی از تهاجم اسرائيل به لبنان، انگيزه آغاز جنگ مرزی ميان دو کشور خاورميانه را كسب کرده باشد.» (خبرگزاریجمهوري اسلامي، "گزارش لحظه به لحظه" ش ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص ۲۸)

\*\*\* فضای رسانه‌اي درباره خطر پیروزی اiran و باور آن از سوی بازيگران منطقه‌اي و جهانی موجب شد تا صدام حمایت جهانی را كسب کند و همین امر عراق را در برابر فشارهای تهران حفظ کرد. با اتمام جنگ برتری عراق حاصل سرمایه‌گذاري غرب بود لذا گرفتار وضعیت شدند که خود به وجود آورده بودند.

نظمی خود در پایان ماه مه گذشته که بسرعت و نسبتاً بسهولت با بازپس‌گرفتن بندر خرمشهر بر حضور ارتش عراق در خاک ایران خاتمه دادند، به فکر هجوم نظامی به عراق افتادند.<sup>(۳۱)</sup> براساس نظر تحلیلگران ایران در خاک عراق با وضعی کاملاً جدید و متفاوت روبه رو خواهد شد؛<sup>(۳۲)</sup> زیرا باید در خاک دشمن بجنگد و همین مسئله در تدارک آنها موجب مشکلاتی خواهد شد.<sup>(۳۳)</sup> فرماندهی و کنترل نیروهای ایران نیز دشوارتر می‌شود.<sup>(۳۴)</sup> ضمن اینکه ایران برای پیشروی در داخل خاک عراق به نیروی زرهی نیاز دارد.<sup>(۳۵)</sup> ارزیابی مقاومت نیروهای عراقی به دلیل تغییر اوضاع و ادامه جنگ در خاک عراق مقداری خوش‌بینانه بود. به همین دلیل، پیش‌بینی می‌شد ارتش عراق در دفاع از سرزمین خود خشن‌تر و راسخ‌تر عمل کند.<sup>(۳۶)</sup> نیویورک تایمز نیز در تحلیلی نوشت: «احتمالاً در شرایط جدید، عراقی‌ها در خاک خود سخت‌تر خواهند جنگید.»<sup>(۳۷)</sup> بویژه اینکه اگر تسلیحات جدیدی را که فرانسوی‌ها به عراق تحويل داده‌اند آماده بهره‌برداری باشد، توانایی عراق برای دفاع افزایش خواهد یافت.<sup>(۳۸)</sup>

برهمین اساس تحلیلگران چنین پیش‌بینی می‌کردند که در صورت ادامه جنگ در خاک عراق پاره‌ای از ضعف‌های نیروهای نظامی ایران که تاکنون عیان نگشته ممکن است آشکار شود<sup>(۳۹)</sup> و تصور فروپاشی قوای نظامی عراق در برابر حملات ایران "نتیجه‌گیری زودرس و عجلانه‌ایی"<sup>(۴۰)</sup> است و لذا نمی‌توان نتیجه حمله ایران به خاک عراق را پیش‌بینی کرد.<sup>(۴۱)</sup> درباره تبلیغات رسانه‌ای با توجه به آنچه قبل از عملیات رمضان و پس از آن صورت گرفت آقای هاشمی بر این نظر بود که «این خط خبری دو مسیر را تعقیب می‌کند؛ اول اینکه جمهوری اسلامی را قدرتی نظامی و پدیده‌ایی جدید در منطقه معرفی می‌کند که قسمتی از این مسئله واقعیت است و آن اعتراض به قدرت نظامی ایران است که تاکنون از اظهار آن خودداری می‌کرند و قسمت دوم شیطنتی است که از این طریق می‌کوشند تا اعمال کنند و ایران را کشوری خطرناک جلوه دهند.»<sup>(۴۲)</sup>

## استراتژی ایران

عناصر و مؤلفه‌های اصلی در استراتژی ایران<sup>\*</sup> برای خاتمه‌دادن به جنگ نگرانی از تغییرات محیطی بود بویژه حمله اسرائیل به لبنان، عقب‌نشینی مشکوک عراق از بخشی از مناطق اشغالی و ادامه استقرار در مناطق استراتژیک، واکنش نامناسب سازمان ملل در تعیین متوازن و پرداخت غرامت به ایران و مهم‌تر از آن فضای روانی - تبلیغاتی درباره خطر ایران برای کشورهای منطقه و اشاره امریکا به تأثیر پیروزی‌های ایران بر منافع امریکا. شواهد و قرائن موجود، ایران را به این نتیجه رساند که اراده لازم برای اتمام جنگ بر اساس تأمین خواسته‌های ایران وجود ندارد، بلکه تمام تمهیدات لازم در حمایت از صدام و فشار به ایران و مهار پیروزی‌های این کشور سازماندهی شده است.

برای نخستین بار در سوم خرداد ۱۳۶۱ در حضور امام نسبت به تحولات تصمیم گرفته شد.<sup>\*\*</sup> برخی ابهامات در این زمینه سبب شد تا در جلسه دوم در تاریخ ششم خرداد همان سال مجدداً در این زمینه بحث شود. آقای هاشمی درباره این جلسه و نحوه تصمیم‌گیری توضیحاتی می‌دهد که، پاره‌ای از ابعاد این مسئله را روشن می‌سازد. ایشان می‌گوید: «برای تعیین تکلیف ادامه جنگ خدمت امام رفتیم جلسه‌ای بسیار مهم بود، بحث شد که چه بکنیم؟ آیا وارد خاک عراق شویم و جلوتر برویم یا اینکه نباید برویم؟»<sup>(۴۳)</sup> آقای هاشمی به نظر و دلایل مخالفت اولیه امام و در واقع به منطق حاکم بر این تصمیم‌گیری و بویژه تفکر و نظریات امام اشاره می‌کند و می‌گوید: «نظر ابتدایی ایشان این بود که ما نباید وارد خاک عراق شویم. دوم این بود که

\* تداوم جنگ پس از فتح خرم‌شهر به مدت شش سال منجر به درک غلطی درباره ماهیت این موضوع و نقش ایران شده است. بدین معنا که "استراتژی و اقدام ایران برای خاتمه دادن به جنگ" به موضوع "ادامه جنگ توسط ایران پس از فتح خرم‌شهر" تبدیل شده است. گرچه درظاهر آنچه واقع شده ادامه جنگ است محتوا و ماهیت این اقدام براساس تصمیم ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود و نه ادامه جنگ. ولی شکست در عملیات رمضان و به نتیجه مورد نظر نرسیدن، به ادامه جنگ و تفسیر اقدام ایران تحت عنوان "ادامه جنگ پس از فتح خرم‌شهر" منجر شد، درصورتی که اگر تنبیه عملیات رمضان پیروزی می‌شد می‌توانست مانع از شکل‌گیری این مفهوم شود.

\*\* این مباحث مفصل‌آ در جلد سوم این مجموعه (علل تداوم جنگ) گزارش شده است.

جنگ هم به هیچ نحوی نباید متوقف و سست شود.»<sup>(۴۴)</sup> با این توضیح امام از یکسو نسبت به ورود به خاک عراق نگران بود؛ زیرا می‌فرمودند: «اگر وارد خاک عراق شوید، اولاً مردم عراق که الان خیلی حمایت نمی‌کنند از ارتش صدام، ممکن است متعصبانه به خاطر کشورشان جلوی شما بایستند، ثانیاً اعراب به خاطر عواطف عربی و احساسات قومی که دارند با عراق هم‌صداتر می‌شوند، سوم اینکه دنیا و قدرت‌های استکباری شرق و غرب بهانه پیدا می‌کنند که مداخله کنند و چهارم اینکه مردم عراق آسیب می‌بینند.»<sup>(۴۵)</sup> از سوی دیگر، امام با توقف جنگ مخالف بود. به همین دلیل، امام استدلال نظامی‌ها را درباره مشکلات توقف در مرز به لحاظ نظامی پذیرفت. ضمن اینکه اگر جنگ متوقف می‌شد دلیلی وجود نداشت که عراق سوء استفاده نکند و ما سال‌ها در گیر جنگی فرسایشی و مذاکراتی طولانی نشویم، چنانکه آقای هاشمی اشاره می‌کند: «مردم ما در پنج استان آواره بودند و ادامه این وضعیت ابهامات زیادی داشت و نمی‌توانستند به شهرهای خود مراجعت کنند شورایی نمی‌توانست آن وضعیت را قبول کند.»<sup>(۴۶)</sup> نتیجه آن جلسه این شد که به طور محدود امام اجازه دادند وارد خاک عراق شویم [در منطقی] که یا اصلاً سکنه نداشته باشد یا ساکنانی جزئی داشته باشد، که خوب متواری می‌شوند و می‌روند.<sup>(۴۷)</sup> آقای هاشمی درباره استراتژی ایران پس از فتح خرم‌شهر می‌گوید:

«ما بعد از فتح خرم‌شهر سیاستی را اتخاذ کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و تواند تحمل کند در این صورت اگر جنگ هم متوقف بشود می‌توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.»<sup>(۴۸)</sup>

ایشان همچنین در جای دیگری می‌گوید:

«بنا داشتیم عملیاتی سرنوشت‌ساز انجام دهیم و نقطه‌ای حساس را از دشمن بگیریم و بعد به آتش بس تن دهیم. این استراتژی جنگ بود که می‌توانستیم آنرا اهرمی بسازیم و برای رسیدن به خواسته‌هایمان از آن استفاده کنیم.»<sup>(۴۹)</sup>

استراتژی اصلی ایران فشار نظامی بر عراق و متلاعده ساختن عراق و حامیان این کشور برای تأمین خواسته‌های ایران بود.<sup>\*</sup> با تصرف منطقه‌ایی با اهمیت و استراتژیک این هدف محقق می‌شد. آقای رضایی در این زمینه توضیح می‌دهد: «استراتژی ما کماکان این بود که به جنگمان ادامه بدھیم و یک جایی از دشمن بگیریم تا دشمن را وادار کنیم که پیروزی ما را تأیید کند تا جنگ را از طریق تحمیل اراده‌مان تمام بکنیم.»<sup>(۵۰)</sup> در واقع، ایران می‌خواست با یک پیروزی کسب اعتبار کند و نه تنها موقعیت برتر ایران را تضمین کند، بلکه با آن مانع از تجاوز مجدد به ایران شود.<sup>(۵۱)</sup> آقای هاشمی در توضیح دیگری می‌گوید: «ما در محفل سران کشور بحث می‌کردیم که راه ختم جنگ این است که یک ضربه کلاری وارد کنیم و جای حساسی از عراق را بگیریم و از طریق منطقه‌ای که گرو می‌گیریم، خواسته‌هایمان را تأمین و جنگ را تمام کنیم.» آقای هاشمی درباره تأثیر پیروزی در خرمشهر برای تصمیم‌گیری می‌گوید: «وقتی دیدیم این قدرت پیدا شده که در داخل خاک عراق هم یک ضربه شبیه به فتح خرمشهر بزنیم، این تفکر منطقی بود. فرض کنید اگر بصره را می‌گرفتیم یا اگر همین جاده بصره را قطع می‌کردیم مشکل جدی برای آنها پیدا می‌شد و حتی اگر آتش‌بس را می‌پذیرفتیم و در آنجا بودیم عراق نمی‌توانست تحمل کند و باستی برای خود فکری کند.»<sup>(۵۲)</sup>

به نظر می‌رسد ایران در میان بیم و امید از تهدیدات و فرصت‌ها و با در نظر گرفتن گزینه‌های مختلف برای پایان بخشیدن به جنگ تصمیم گرفت. در چارچوب این ملاحظات، منطقه عملیاتی شرق بصره انتخاب شد. ملاحظات امام برای خودداری از آسیب رساندن به مردم عراق همراه با اهمیت استراتژیک از مشخصه‌های این منطقه بود.<sup>\*\*</sup> در صورت پیروزی ایران در این منطقه تصور

\* رویتر طی تحلیلی به نقل از منابع سیاسی در تهران نوشته: رهبران روحانی در ایران معتقدند هر چقدر فشار بیشتری بر عراق وارد شود عراق وادار خواهد شد که امتیازات بیشتری به ایران واگذار کند. در این گزارش آمده است: ایران خواهان ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت جنگی است ولی کشورهای عربی پذیرفتنه‌اند ۲۵ میلیارد دلار به ایران بپردازند. دولت عراق هیچ تعهدی را نسبت به پرداخت غرامت به عهده نگرفته است.

\*\* آقای هاشمی می‌گوید: «وقتی در جلسه سران بحث کردیم و دلایل بیان شد امام گفتند: «در نقاطی وارد شوید که مردم آسیب نبینند». با این دستور و رهنمود، نظامی‌ها برای عملیات بعدی

می شد ایران در برابر دو وضعیت متفاوت ادامه یا توقف جنگ موقعیت مناسبی خواهد داشت.

منطق حاکم بر استراتژی ایران بنا به توضیح آقای هاشمی از استراتژی عراق پس از تهاجم به ایران و استقرار در مناطق اشغالی متأثر بود: «ذهنم را این گونه توجیه کردم که باید جایی را بگیریم تا با آن اهرم بر عراق فشار بیاوریم. درست، کاری که عراق می خواست با ما بکند. در آن صورت می توانستیم بگوییم خسارات ما را بدھند و متجاوز محاکمه شود؛ یعنی خواسته های خود را با جایی و اهرمی که در دست داشتیم، به دست بیاوریم.»<sup>(۵۳)</sup>

#### شکست عملیات رمضان

عملیات رمضان را در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ و پنجاه روز پس از فتح خرمشهر، نیروهای سپاه و ارتش در جبهه جنوب آغاز کردند. درباره سیاست های امریکا برای تبدیل جنگ به حالت فرسایشی و بی توجهی به خواسته های ایران نگرانی وجود داشت و این امر همراه با بی اعتمادی به اقدامات نظامی عراق بویژه تخلیه بخشی از مناطق اشغالی بر تفکر تصمیم گیرندگان سایه افکنده بود. در عین حال، این امیدواری وجود داشت که در ادامه پیروزی های مرحله قبل و ضعف روحیه و قوای نظامی عراق، عملیات رمضان به مثابه شوکی نظامی، عراق و حامیانش را در برابر خواسته های ایران تسليم خواهد کرد. یک روز پس از آغاز عملیات، امام خمینی در تاریخ ۲۳ تیر ماه با ارسال پیامی، ملت عراق را مورد خطاب قرار دادند.\* امام در این پیام تأکید کردند: «برادران مجاهد شما در دفاع از میهن خود و دفع حملات دشمن اسلام مجبور شدند به خاک عراق بیایند تا به خواست خداوند متعال ملت ستمدیده

منطقه بعد از خرمشهر تا دجله و فرات را انتخاب کردند که خالی از سکنه بود و از لحاظ نظامی جای ارزشمندی بود، ارزش استراتژیک داشت.» (وزنامه کهان، ۱۳۸۲/۱۱/۱۴، ص ۱۲)

\* بعدها صدام و برخی از رسانه های خبری به این موضوع اشاره کردند که واکنش مردم عراق در برابر عملیات رمضان، برخلاف تصویرات و انتظارات ایران بود. (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۳)

عراق را از شرّ حزبی که در طول سلطهٔ غیرمشروعش بر کشور اسلامی، آنچنان ضربه‌ها به این ملت شریف وارد کرده که قابل شمارش نیست، نجات دهنده.<sup>(۵۴)</sup> امام از ملت عراق خواستند که «به پاخیزید و با برادران صمیمی خود دست اخوت اسلامی دهید و این حکومت ستمگر را از صحنهٔ خارج کنید و خود با تضمین خود، حکومت اسلامی دلخواه را تشکیل دهید.» امام بخصوص از اهالی غیور بصرهٔ خواستند «به استقبال برادران مؤمن خود بیایید. فرصتی را که خداوند به شما عنایت نموده، غنیمت شمرده و مردانه قیام کنید و سرنوشت خویش را به دست گیرید.» امام اضافه کردند: «بدانید که روحیهٔ ارتش عراق به کلی از دست رفته است و اسلام امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید و برادران جان بر کف رزمnde جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است.<sup>(۵۵)</sup>

دربارهٔ اهداف عملیات رمضان آقای هاشمی به اهداف بلند<sup>(۵۶)</sup> عملیات اشاره می‌کند و می‌گوید: «در درجهٔ نخست، دفاع از شهرهای مهم و اقتصادی دو بندر آبادان و خرمشهر و خارج کردن این شهرها از زیر آتش، مورد نظر است.» آقای هاشمی معتقد است "تأمین حقوق ایران" و "تبیه متجاوز" هدف دوم و سوم ایران بود و هدف چهارم یکپارچه کردن جبههٔ شرقی جنگ با اسرائیل برای آزادی قدس بود.<sup>(۵۷)</sup>

آقای رضایی اهداف عملیات را به گونه‌ای دیگر توضیح می‌دهد. از نظر ایشان اولین هدف، شکست توطئهٔ طراحی شده برای نجات صدام و فرسایشی کردن جنگ است. هدف دوم، خارج کردن قسمتهایی از خاک ایران از زیر آتش ارتش عراق است. هدف سوم، تبیه متجاوز و هدف چهارم حذف صدام که مقدمه‌ای برای مبارزه با اسرائیل است.<sup>(۵۸)</sup>

در اطلاعیهٔ مشترک ارتش و سپاه نیز هدف عملیات، تکمیل امور دفاعی انقلاب اسلامی، دفع تجاوز توطئه‌های امپریالیسم از مرزهای میهان اسلامی و دور کردن آتش دشمن از شهرهای کشور ذکر شده است.<sup>(۵۹)</sup>

تأثیرات بههم پیوستگی جنگ و انقلاب در ترسیم اهداف عملیات رمضان قابل مشاهده است به طوری که طیفی نسبتاً وسیع را از دور کردن آتش توپخانه ارتش عراق از شهرهای ایران تا مشارکت در جبهه مبارزه با اسرائیل دربرمی‌گیرد. آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت، نیز دستیابی به صلح شرافتمدانه را با پیروزی کامل علیه متجاوزان هدف عملیات رمضان می‌داند.<sup>(۵۰)</sup>

اراده ایران برای تأمین خواسته‌های خود متکی بر قدرت نظامی و برتری سیاسی - نظامی حاصل از آزادسازی مناطق اشغالی بود و متقابلاً ناتوانی امریکا برای جلوگیری از ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق یا تأمین خواسته‌های ایران، این عملیات را "اجتناب ناپذیر"<sup>(۵۱)</sup> کرد. تصورات موجود مبنی بر اینکه نتیجه عملیات رمضان روند تحولات را می‌تواند تغییر دهد، بر حساسیت‌های موجود درباره عملیات رمضان افزود.

قبل از آشکار شدن نتایج اولیه عملیات رمضان موضوع مهم واکنش مردم عراق نسبت به پیام امام بود. آقای هاشمی ۲۴ ساعت پس از ارسال پیام امام، در کتاب خاطرات خود درباره جلسه با سید احمد آقا می‌نویسد: «احمد آقا هم عصر آمد و از اینکه بعد از بیانیه امام، موج<sup>\*</sup> مناسبی ایجاد نشده گله داشت.»<sup>(۵۲)</sup> در چنین فضایی چند روز پس از آغاز عملیات این موضوع تدریجی آشکار شد که پیش روی قوای نظامی ایران در خاک عراق با تغییرات حاصل از ادامه جنگ دشوار شده است. آقای هاشمی تنها چهار روز پس از آغاز عملیات در خاطرات خود می‌نویسد:

«با جبهه تماس گرفتم، جبهه آرام است و نیروهای ما نتوانستند به اهداف خود بررسند، عراق مقاومت می‌کند و بر حملات هوایی خود افزوده است. تعدادی در

\* امام در دو مرحله، ملت و ارتش عراق را مورد خطاب قرار دادند. مرحله اول، با تجاوز ارتش عراق به ایران بود. امام ملت عراق و ارتش این کشور را به سریعیجی و قیام علیه رژیم بعضی و صدام دعوت کردند که بازنایی نداشت. در مرحله دوم نیز امام از ملت عراق خواستند تا با استقبال از رزم‌مندگان برای رهایی از شر رژیم بعثت قیام کنند که هیچ واکنشی را ایجاد نکرد. در نتیجه امام تا پایان جنگ هیچ گونه سخن یا پیامی را خطاب به ملت یا ارتش عراق بیان نکردند.

حدود پانصد نفر هم از ما اسیر گرفته‌اند و گویا همین مقدار یا بیشتر هم شهید داده‌ایم، مجروح هم زیاد است. ماشین سنگین مثل لودر، بولدوزر و کمپرسی و ... می‌خواهند که قرار شد وزارت راه به آها بدهد. کم کم برای آنها که فشار می‌آورند که کار جنگ را با عملیات بی‌تأخر یکسره کنیم روشن می‌شود که کار به این آسانی نیست و دشمن در خاک خودش با انگیزه بیشتر دفاع می‌کند. توضیح این گونه مسائل برای عموم مناسب نیست چون باعث تضعیف روحیه رزمندگان و مردم می‌شود. خیلی‌ها هم هنوز به این باور نرسیده‌اند و فکر می‌کنند سیاستی در کار است که پیشروی عملیات کم است.»<sup>(۶۴)</sup>

گرچه خسارت قابل توجهی با ادامه عملیات رمضان به ارتش عراق وارد شد و حتی همین مسئله سبب گردید تا انهدام ارتش عراق هدف عملیات ذکر شود<sup>\*</sup> ولی آنچه انتظار می‌رفت با ادامه جنگ در خاک عراق واقع شود، تحقق نیافت. سخنگوی وقت دولت در گفت‌وگو با روزنامه‌کیهان تلویحاً ناکامی در عملیات را پذیرفت و گفت: «هر چند موفقیت عملیات رمضان در مقایسه با عملیات دیگر چون فتح خرمشهر کمتر است، این به معنی شکست این عملیات نیست، واقعیات این عملیات با عملیات دیگر متفاوت است و مشکلاتی نیز از قبیل ناآگاهی از سرزمین دشمن وجود دارد.» وی سپس تصریح کرد «هر چند به هدف اصلی خود نرسیده‌ایم لیکن این پیروزی‌ها در راستای رسیدن به هدف مورد نظر ما بود.»<sup>(۶۵)</sup>

شورای عالی دفاع به منظور تصمیم‌گیری درباره عملیات رمضان با حضور رئیس جمهور و کلیه اعضا تشکیل جلسه داد. آقای هاشمی نماینده امام در شورای عالی دفاع و سخنگوی آن پس از پایان جلسه گفت: «ما می‌خواهیم به

\* محسن رضایی فرمانده وقت سپاه در قرارگاه نصر و در جمع نیروهای رزمنده و ستادی درباره عملیات رمضان می‌گوید: در این عملیاتی که داریم به برادران باید عرض کنم ما ۷۰٪ تا تیکمان انهدام نیرو است و ۳۰٪ زمین است؛ البته اگر بتوانیم زمین را هم بگیریم و بمانیم برایمان خوب است اما هدف اصلی زمین نیست، هدف اصلی ما انهدام نیرو است و تا الان توانسته‌ایم با توکل به خدا، لشکرهای ۹ و ۵ عراق را از صحنه به کلی خارج کنیم.

(روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰، ص ۴۳۵ - ۴۳۶، گزارش ۱۳۶۱/۵/۸)

صدام و حامیانش بفهمانیم که پشت مرزها نخواهیم ایستاد» و «همان طور که نشان دادیم اگر لازم باشد، وارد خاک عراق نیز خواهیم شد.» «اولویتی برای خوزستان قائل بودیم که انجام شد.» و «در آینده خواهیم دید که چه نقاطی برای ما تقدم دارند.»<sup>(۶۵)</sup> ایشان در مورد زمان پایان دادن به جنگ گفت: «تاریخ دقیقی برای پایان جنگ نمی‌توان تعیین کرد ولی آنچه مسلم است جنگ طولانی نخواهد شد.»<sup>(۶۶)</sup>

آقای هاشمی با توجه به ناکامی در عملیات رمضان درباره محذورات ایران برای انجام دادن عملیات در خاک عراق، به موضوعی اشاره کرد که در واقع متأثر از استراتژی ایران و نوع هدف‌گذاری سیاسی - نظامی بود که با انتخاب منطقه عملیاتی شرق بصره دنبال می‌شد.

«مشکل ما این است که قصد آسیب رساندن به مردم عراق را نداریم ما اگر همانند عراق مناطق مسکونی و مردم را بمیاران می‌کردیم، اگر وارد بصره می‌شدیم و شهرهای العماره و خانقین را تصرف می‌کردیم یا لوله‌های توب خود را باز کرده و شهرهای عراق را گلوله باران می‌کردیم و دولت عراق متتحمل شمار زیادی مهاجر و آواره می‌شد، جنگ بسرعت پایان می‌یافتد، ولی ما نمی‌خواهیم مردم عراق صدمه بینند، سعی ما بر این است که با عملیات نظامی آن هم در نقاطی که کمتر آسیب بینند به اهداف خود برسیم، اما این تلاش و احتیاط هم حدی دارد و ما حق نداریم از جان نیروهای مؤمن و انقلابی خود زیاد استفاده کنیم، امیدواریم که عراق اخطار ما را جدی بگیرد و متتبه و تسليمی واقعیت‌ها شود و به جنگ خاتمه دهد.»<sup>(۶۷)</sup>

با زتاب‌ها و پیامدهای عملیات رمضان قابل توجه بود؛ زیرا به همان میزان که اجرای عملیات ایران حائز اهمیت بود، نتیجه عملیات نیز می‌توانست تأثیرات گسترده‌ای داشته باشد. دولت عراق با اطمینان از موفقیت خود از خبرنگاران خارجی دعوت کرد تا از جبهه‌های نبرد دیدن کنند.<sup>(۶۸)</sup> نیویورک تایمز نیز طی گزارشی نوشت: مقامات امریکایی می‌گویند نیروهای عراقی با یک ضد حمله موفق شده‌اند از پیشروی ایرانیان جلوگیری کنند و

آنها را به عقب برانند.<sup>(۶۹)</sup> بر اساس گزارش‌های ارسالی به واشنگتن نیروهای عراقی که اخیراً شکست‌های تحقیرآمیزی را متحمل شده بودند، بهتر از گذشته می‌جنگند.<sup>(۷۰)</sup> و حتی به گفته دیپلمات‌هایی که از جبهه‌ها بازدید کردند روحیه نیروهای مسلح عراق بر اثر موفقیت‌های اخیر قوی شده است.<sup>(۷۱)</sup> کردم من معتقد است پیروزی دفاعی عراق در مقابل تهاجم ایران نتایج استراتژیک مهمی داشت؛ زیرا نشان داد از صدام در داخل عراق پشتیبانی لازم می‌شود و شیعیان عراق آماده نیستند از ایران پشتیبانی نمایند.<sup>(۷۲)</sup> بر اثر موفقیت نیروهای عراق در برابر حملات ایران، چهره تار صدام، که حاصل شکست‌های متعددی از ایرانیان بود، در داخل عراق شفاف‌تر شد.<sup>(۷۳)</sup>

یکی از پیامدهای مهم موفقیت عراق در مهار تهاجم نظامی ایران رفع نگرانی کشورهای منطقه بود. نیویورکتایمز نوشت: "قدرت عراق در مقابل با تجاوز ایران وحشتی که خاورمیانه و غرب را در بر گرفته بود کاهش داده است."<sup>(۷۴)</sup> مارین زویس در مقاله خود نوشت: «هر چند هراس جدی در کشورهای منطقه از امواج انقلاب اسلامی وجود دارد، با این حال مادامی که نیروهای مسلح به پایداری خود در مقابل حملات ایران ادامه می‌دهند، توانایی ایران برای صدور انقلابش اندک خواهد بود.»<sup>(۷۵)</sup>

مفسر رادیو لندن نیز طی تحلیلی گفت: «هنگامی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند در کشورهای حوزه خلیج فارس بیم از پیروزی ایران و شکست عراق بالا گرفته بود؛ زیرا این کشورها بشدت از آثار شکست عراق و صدور انقلاب ایران در هراس بودند اما اینک به نظر می‌آید که ارتش ایران در حملات خود به داخل عراق موفقیت محدودی داشته است.»<sup>(۷۶)</sup>

اکنون می‌یست نیز در تعریف نسبت جنگ با انقلاب نوشت: "انقلاب ایران ممکن است برای تغذیه به جنگ دائمی احتیاج داشته باشد. تهاجم ایران تاکنون در شن متوقف است، غرب ممکن است احساس کند که می‌تواند آسوده خاطر باشد، چنانچه این تهاجم مجدداً روی غلطک بیفتد اکثر

کشورهای عربی برای جلوگیری از پیروزی سریع ایران به تکاپو خواهند افتاد و اطمینان حاصل خواهند نمود که اسلحه و قطعات یدکی به عراق رسانده شود. امریکا و متحداش باید اعراب را در کمک کردن به عراق یاری رسانند، لکن مراقب باشند که این تغییرات جزئی در سیاست‌شان را بیش از حد آشکار یا قاطع نسازند.<sup>(۷۷)</sup>

نتایج عملیات رمضان به گفته آقای هاشمی اولین شوک را به نیروهای ما وارد کرد که پیشروی در خاک عراق مانند پیشروی در خاک ایران نیست<sup>(۷۸)</sup> و تصورات موجود را تغییر داد. چنانکه فرمانده وقت سپاه در جلسه با فرماندهان گفت: ما واقعاً درباره جنگ فکر می‌کردیم که وقتی به مرزهایمان برسیم دیگر اینها خودشان می‌آیند صدام را برمی‌دارند و خسارات ما را می‌دهند، اما بعد دیدیم عجب، قضایا اینطور نیست.<sup>(۷۹)</sup> مقامات امریکایی نیز طی اظهار نظری صریح اعلام کردند: عراق با دفاع موقتی‌آمیز خود اوضاع جنگ را به نفع خود تغییر داده است.<sup>(۸۰)</sup> یک مقام وزارت خارجه امریکا نیز گفت: ایران با پیروزی آسان بر قوای عراق در داخل خاک خود و تخلیه نیروهای عراق از ایران فکر می‌کرد به پیروزی سریع عليه عراق خواهد رسید ولی به عقب رانده شد.<sup>(۸۱)</sup> نیویورک تایمز نوشت: «مقامات رژیم اسلامی چنین می‌پنداشتند که در خاک عراق نیز می‌توانند این پیروزی‌ها را دنبال کرده و با این برداشت بود که نیروهای ایران از مرز عراق گذشتند اما اکنون که نیروهای ایرانی ناچار به عقبنشینی شده‌اند ناگزیر خواهند بود تجدید سازمان دهنده تا بتوانند بار دیگر به عراق حمله کنند، اما تجدید سازمان ارش ایران در وضعیت کنونی بعيد به نظر می‌رسد.<sup>(۸۲)</sup>

اقدامات عراق در حمله به ایران یا تلفات در خرمشهر قابل مقایسه با برخی از ابعاد عملیات رمضان بود. کردزن من بر این نظر است که «تلفات و ضایعات ایران در این عملیات به قدری سنگین بود که می‌توان ادعا کرد که در عملیات رمضان تلفات نیروی انسانی ایران به مراتب بیشتر از تلفات عراق در خرمشهر بوده است. در واقع، این تلفات و ضایعات، ایران را مجبور کرد تا

عملیات‌های بزرگ خود را در طول تابستان متوقف سازد.»<sup>(۸۳)</sup> روزنامه‌النهار عملیات رمضان را با حمله عراق به ایران مقایسه کرد و نتیجه گرفت: «هر دو کشور در محاسبات خود اشتباه می‌کردند، نه اعراب خوزستان ایران از ارتشم عراق استقبال کردند و نه شیعیان نجف از ارتشم ایران حمایت نمودند.»<sup>(۸۴)</sup>

ناکامی در عملیات رمضان به انتشار برخی از گزارش‌های مبنی بر ایجاد اختلاف نظر در قادر رهبری ایران منجر شد. نیویورک‌تایمز نوشت عقبنشیینی نیروهای ایران احتمالاً از نظر سیاسی سر و صدای زیادی در بین مقامات ایرانی به وجود آورده است و موج نارضایتی را در ایران بیشتر کرد.<sup>(۸۵)</sup> روزنامه فرانکفورتر الگماينه زیتونک، چاپ آلمان، گروه‌های سیاسی داخل کشور را به میانه‌رو و تندر و تقسیم‌بندی کرد و نوشت: «تندروها می‌خواهند به جنگ ادامه دهند و گسترش خمینیستی را ادامه دهند.»<sup>(۸۶)</sup> افرایم کارش نیز تأکید کرد که شکست عملیات رمضان به یک سلسله مباحثات بین مقامات رهبری کننده منجر شده است و نوشت: میانه‌روها مخالف ادامه تهاجم به عراق هستند.<sup>(۸۷)</sup> همچنین به این موضوع اشاره شد که درباره فراخوانی داوطلبان جنگ اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در تفسیر عملیات رمضان نظریات متفاوتی بروز کرده است و برخی تصور می‌کنند پیروز شده‌اند؛ زیرا عراق را وادر به آغاز جنگی فرسایشی کرده‌اند که توان ادامه آن را ندارد.<sup>(۸۸)</sup> در چارچوب بررسی دیدگاه‌های مختلف نسبت به جنگ و ادامه آن تایمز، چاپ لندن، نوشت: «ناظران امریکایی در خلیج‌فارس معتقدند اقتدار آیت‌الله خمینی و دیگر رهبران تندر و ایران بر اثر حمله بیهوده و پر خرج آنها به عراق شدیداً کاهش یافته است.»<sup>(۸۹)</sup> ولی به گفته مقامات امریکایی شکست اخیر نیروهای ایرانی در جبهه بصره فعلاً ضربه سختی بر پیکر رژیم آیت‌الله خمینی وارد نخواهد کرد ولی اگر نیروهای ایرانی در آینده نتوانند این شکست را جبران کنند و در حمله احتمالی بعدی خود باز با شکست رو به رو شوند، موضع (امام) خمینی در داخل کشور به خطر خواهد افتاد.<sup>(۹۰)</sup> کریستوفر توماس، خبرنگار روزنامه تایمز، چاپ لندن، طی گزارشی به نقل از

تحلیلگران امریکایی به مسئله‌ای اشاره کرد که بسیار حائز اهمیت بود این تحلیلگران می‌گویند: «ناتوانی ایران به وارد آوردن خسارات عظیم به عراقی‌ها، به دیگر کشورهای منطقه خلیج‌فارس نشان داده است که این منطقه دارای آن غول نظامی که قادر به بی‌ثبات کردن آن و نشر اسلام ویژه خود باشد، نیست».»<sup>(۹۱)</sup>

نیویورک تایمز به نقل از کارشناسان نظامی طرح پرسش کرد که «ایرانی‌ها در دفاع از خاک خود با استفاده از "امواج انسانی" و "شور انقلابی" توانستند پیروز شوند. آیا در خاک عراق نیز با این تاکتیک پیروز خواهند شد یا خیر؟»<sup>(۹۲)</sup> دی‌ولت، چاپ آلمان، نیز نوشت: «امام خمینی برای انجام این عملیات ریسک بزرگی کرده است، اما ریسک کردن برای کسی که فقط پایبند انقلاب خدایی و تعصب مذهبی است، بزرگ جلوه نمی‌نماید.»<sup>(۹۳)</sup>

### استراتژی عراق

انهدام بخشی از قوای نظامی عراق در خاک ایران و سرانجام شکست و عقب‌نشینی ارتش عراق، به منزله تحولی استراتژیک در روند جنگ و شکست قطعی عراق بود؛ زیرا کلیه محاسبات این کشور را مبنی بر ناتوانی ایران برای بازپس‌گیری این مناطق بر هم زد و در نتیجه، استراتژی عراق برای استفاده از زمین در تحمیل صلح به ایران با شکست همراه شد و متقابلاً توانایی ارتش عراق برای دفاع در برابر قوای نظامی ایران و موقعیت برتر عراق با استقرار در خاک ایران، بر اثر شکست‌های نظامی به موضع ضعف و ضرورت تمرکز بر دفاع از خاک عراق، تبدیل شد.

پیدایش موقعیت جدید و ضرورت مهار و کنترل پیامدهای سیاسی - نظامی و امنیتی حاصل از شکست‌ها، اهداف و ماهیت استراتژی عراق را شکل داد. جلوگیری از ادامه شکست در برابر قوای نظامی ایران و خنثی‌سازی پیروزی‌های احتمالی ایران با گسترش صحنه جنگ، کنترل اوضاع داخلی و

بازسازی روابط خارجی عراق بخشی از فعالیت‌هایی بود که در این بررسی به آنها توجه خواهد شد.

با عقب‌نشینی<sup>\*</sup> ارتش عراق از خاک ایران، چرخش و تغییر در استراتژی عراق در جنگ آغاز شد. تصمیم به عقب‌نشینی بنابر توضیح صدام حسین با "مطالعه تمام شرایط و احتمالات" صورت گرفت.<sup>(۹۴)</sup> هدف اصلی از این اقدام "گرفتن بهانه ادامه جنگ از ایران" بود.<sup>(۹۵)</sup> صدام ادعا کرد پیش‌بینی می‌کردیم که ایران جنگ را ادامه دهد.<sup>(۹۶)</sup> وی در مصاحبه با /لوموند درباره عوامل نظامی مؤثر در تصمیم‌گیری ایران و تأثیر فتح خرمشهر می‌گوید: «هنگامی که تصور کردند که عراق در نبرد المحمراه بازنده شد اشتباه کردند. چرا که در حقیقت عراق بازنده المحمراه نبود، همانطور که ایران برزنه آن نبود. این نبرد شرایط نظامی - سیاسی و روانی خاص خود را داشت و این امر باعث شد که آنها را به اشتباه بیندازد».<sup>(۹۷)</sup>

عراقی‌ها چنین برداشت کردند که ایران با پیروزی در خرمشهر و تحلیلی که از شکست ارتش عراق و عقب‌نشینی از خاک خود داشت، برای تعمیق و گسترش پیروزی، به جنگ در خاک عراق ادامه خواهد داد.<sup>\*\*</sup> عملیات رمضان تحلیل و پیش‌بینی عراقی‌ها را اثبات کرد. اهداف عملیات رمضان از نظر عراقی‌ها "اشغال عراق و تغییر رژیم عراق و تشکیل رژیمی است که پیرو خمینی باشد و عراق را ایالت یا استانی تابع ایران اعلام نماید".<sup>(۹۸)</sup> بنابراین، عملیات رمضان برای عراق نتیجه‌ایی سرنوشت‌ساز داشت و عراقی‌ها سال دشواری را پشت سر گذاشتند. صدام می‌گوید: «سال ۱۹۸۲

\* عراق در تاریخ بیستم خرداد ۱۳۶۱ آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از خاک ایران اعلام و در تاریخ سی ام خرداد عقب‌نشینی را آغاز کرد. در این مرحله، عراق همچنان ۲۵۰۰ کیلومتر از مناطق حساس و استراتژیک شامل ارتفاعات و نفت شهر را در اختیار خود داشت.

\*\* صدام بعدها طی سخنانی به این موضوع اشاره کرد که تتابع عملیات‌های قبلی موجب تصمیم‌گیری ایران برای ادامه جنگ شد. وی می‌گوید: «... ما به شما گفتیم که شرایط نیروهای محمره شما را فرب ندهد که خیال کنید که خاک عراق را می‌توان به آسانی اشغال کرد و به شما گفتیم که با این توهمند اشتباه جدیدی در شناخت عراقی‌ها و شناخت اصول و مفاهیم عظیمی که آنان بدان ایمان دارند مرتکب می‌شوید». (بررسی تبلیغات عراق از قوات فاو، ص ۳۰، ۱۳۶۵/۵/۱۱)

(۱۳۶۱) برای ما سال خیلی دشواری بود.<sup>(۹۹)</sup> بعدها نیز در کنگره حزب بعثت گفته شد: «نبردهای شرق بصره یکی از نبردهای بسیار مهم و قهرمانانه نیروهای مسلح ماست و چنانکه فرماندهان پس از پایان کار کنگره برسی کردند، ارزش آن از لحاظ سیاسی و نظامی برابر است با تمام نبردهای ارتش عراق. درواقع، نتایج این نبرد تأثیر زیادی بر تمام عناصر مبارزه میان ما و رژیم خمینی داشت و موقعیت عربی و بین‌المللی عراق را مستحکم ساخت.»<sup>(۱۰۰)</sup> پس از عملیات رمضان عراقی‌ها معتقد بودند که ایران به جنگ ادامه خواهد داد. صدام طی سخنانی در همین زمینه می‌گوید: «دشمن از درس‌هایی که تا به حال در نبردهای شرق بصره به او داده‌ایم عبرت نگرفته است، بلکه همچنان در صدد آغاز حمله با شیوه‌های مختلف است.»<sup>\*</sup> وی اضافه کرد: «ممکن است ایران مناطق جدیدی را برای حمله جدید خود انتخاب کند.»<sup>(۱۰۱)</sup> وی گفت من به نیروهای عراقی توصیه می‌کنم که هرگز غفلت نکنند؛ زیرا دشمن از کوچک‌ترین غفلت ما استفاده می‌کند.<sup>(۱۰۲)</sup>

آنچه برای صدام پس از فتح خرم‌شهر حائز اهمیت و اصل مهم در تصمیم‌گیری و رفتارهای عراق بود، جلوگیری از پیروزی ایران بود. در واقع، هرگونه پیشروی در خاک عراق به مثابه ایجاد تزلزل و بی‌ثبتاتی در درون عراق و کاهش قدرت و اعتبار بین‌المللی عراق ارزیابی می‌شد. در گزارش کمیته روابط خارجی امریکا در این زمینه آمده است: «هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایستادگی در برابر حملات زمینی ایران است. عراقی‌ها در چارچوب این اولویت راهبردی دفاع مطلق بر روی زمین و حمله در سایر عرصه‌ها را برگزیدند.»<sup>(۱۰۳)</sup> دامن‌زدن به جنگ نفتکش‌ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و حمله به

\* عدنان خیرالله، معاون فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزیر دفاع عراق، طی سخنانی گفت: ایران بخش مرکزی جبهه جنگ را برای تهاجم به آن سوی مزهای عراق برگزیده است. (روزشمار جنگ، ۲۰، ص ۶۳۲ گزارش خبرگزاری فرانسه نیز طی گزارشی اعلام کرد عراقی‌ها عقیده دارند ایران به دنبال حمله جدید در منطقه جدید و با تاکتیک متفاوت از تاکتیک‌های قبلی است.

<sup>(۹۹)</sup> گزارش لحظه به لحظه، ش ۳۳، ۱۳۶۱/۵/۲۱، ص ۵

جزیره خارک با همین هدف دنبال شد.<sup>(۱۰۴)</sup> عراقی‌ها در تابستان سال ۱۹۸۲م (۱۳۶۱) "منطقه ممنوعه دریایی" تعیین کردند و هشدار دادند هر کشتی که در این نواحی یافت شود متخاصم تلقی و بدان حمله می‌شود.<sup>(۱۰۵)</sup> عراقی‌ها همچنین از طریق طارق عزیز با مسعود رجوی تماس گرفتند تا زمینه‌های همکاری را فراهم سازند.<sup>(۱۰۶)</sup> خطوط کلی استراتژی عراق تدریجیاً بر روند تحولات جنگ و تا اندازه‌ای بر نتیجه نهایی جنگ تأثیر گذاشت.

اوپساع داخلی عراق برای تقویت موقعیت صدام و حزب بعث ساماندهی شد، شورای فرماندهی انقلاب عراق در مناطق کردنشین عفو عمومی اعلام کرد و زندانیان سیاسی شامل کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها آزاد شدند.<sup>(۱۰۷)</sup> صدام به این وسیله موضع سیاسی و نظامی خود را مستحکم کرد.<sup>(۱۰۸)</sup> علاوه بر این عراق به دلیل کاهش صادرات نفت از روزانه ۲/۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰م به روزانه ۷۴۶ هزار بشکه در سال ۱۹۸۱م، به دنبال بر طرف ساختن بحران مالی بود. این موضوع سبب شد درآمد نفتی عراق از ۲۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰م به ۹ میلیارد دلار در دو سال بعد کاهش یابد. کاهش کمک مالی کشورهای خلیج‌فارس در تابستان سال ۱۹۸۲م در مجموع به تأخیر در پرداخت تعهدات مالی عراق منجر شد.<sup>(۱۰۹)</sup> چنانکه طارق عزیز برای تعویق پرداخت بدھی سیزده میلیارد فرانکی عراق به فرانسه، به این کشور سفر کرد و طی مصاحبه‌ای با /وموند اعلام کرد عراق حاضر است ۹۰٪ بدھی‌های مربوط به سال ۱۹۸۳م را به صورت نفت خام پرداخت کند.<sup>(۱۱۰)</sup>

طولانی شدن جنگ با احتمال تداوم آن پس از فتح خرم‌شهر و تلاش عراق برای پایان دادن به پروژه‌های عمرانی بویژه اتمام کارهای ساختمان اجلاس سال ۱۹۸۲م سران جنبش غیرمعتهدها در بغداد و ضرورت حفظ روحیه مردم در دوران جنگ، مشکلات مالی عراق را افزایش داد و در نتیجه، ذخایر مالی این کشور بسرعت تهی شد.<sup>(۱۱۱)</sup> به همین دلیل، پس از آنکه مشخص شد اجلاس جنبش عدم تعهد در بغداد برگزار نخواهد شد، دولت عراق مجبور شد با توجه به هزینه بالای جنگ از پانصد میلیون دلار تا یک میلیارد دلار در

ماه، اقتصادی‌تر عمل کند.<sup>(۱۱۲)</sup> در عین حال، عراق کوشید از کشورهای عربی وام بگیرد و تا اندازه‌ای بحران مالی خود را مهار و تعديل نماید.

ضرورت‌ها و نیازهای نظامی - سیاسی و اقتصادی عراق مستلزم این بود که نقش جدید تدافعی عراق در برابر تهاجمات ایران پس از فتح خرمشهر ترسیم و از طریق خطر ایران برای کشورهای منطقه بزرگ‌نمایی شود. صدام طی سخنانی که از رادیو صوت‌الجمahir پخش شد اعلام کرد: «ما که جناح شرقی میهن عربی هستیم نه تنها از عراق بلکه به نیابت از طرف امت عرب علیه طرح خطرناکی که هدف از آن انهدام ابیانه امت عرب و مبدل ساختن آن به ایالت‌های کوچک و رقیب طایفه‌ای که تابع نفوذ تلآویو و تهران است و تمامی نیروهای بین‌المللی که چشم طمع به ما دوخته‌اند، نبرد می‌کنیم و قربانی داده‌ایم.»<sup>(۱۱۳)</sup> نماینده عراق در سازمان ملل نیز طی مصاحبه با سی‌ان‌ان اعلام کرد، سربازان عراقی از ملیت عربی و عربیسم دفاع می‌کنند. وی اضافه کرد شیعیان عراق بیشتر از آن که طرفدار دولت ایران باشند از دولت عراق حمایت می‌کنند.<sup>(۱۱۴)</sup> همچنین روزنامه‌الجمهوریه، ارگان حزببعث عراق، با توجه به موقعیت عراق، از موضع کشورهای عربی انتقاد کرد و نوشت: «سکوت اعراب در مقابل تداوم حملات ایران به خاک عراق پذیرفتی نیست.»<sup>(۱۱۵)</sup> در حالی عراق این موضع را گرفته است که بنابر گزارش روزنامه بعد، چاپ سوریه، عراق در مجموع جنگ ۱۷۵ میلیارد دلار هزینه متحمل شد که ۴۲ میلیارد دلار آن را کشورهای عربی پرداخت کردند؛<sup>(۱۱۶)</sup> البته میزان کمک‌های پرداختی این کشورها بجز کویت دقیقاً مشخص نیست. احتمالاً میزان کمک‌های مذبور تا آخر سال ۱۹۸۱ میان هجده تا بیست میلیارد دلار بوده که در سال بعد از آن به ۲۳ تا ۲۵ میلیارد دلار افزایش یافته است.<sup>(۱۱۷)</sup> کشورهای عربی در مرحله جدید جنگ کمک‌های گسترده‌ای را به عراق آغاز کردند که بعدها افزایش یافت و حجم زیادی را به خود اختصاص داد. کمکی که در جنگ به عراق شد به نوشتۀ رالف کینگ انگیزه‌اش تمایل به جلوگیری از پیروزی ایران بود.<sup>(۱۱۸)</sup> همان‌گونه که شفیق ناظم الغبرا، استاد

دانشگاه کویت، می‌گوید: «پس از فتح خرمشهر عرب‌ها بر خود لرزیدند و بی‌صبرانه به حمایت از صدام پرداختند.»<sup>(۱۱۹)</sup>

دولت مصر با هزینهٔ امارات متحدهٔ عربی تجهیزات فراوانی بالغ بر چهارصد میلیون دلار به عراق فرستاد. کشورهای عربستان، اردن و کویت در مرداد همین سال جمعاً تعداد ۱۳۴۵ دستگاه خودرو حامل مهمات و انواع جنگ‌افزار به عراق تحويل دادند.

بنا به گزارش روزنامهٔ واشنگتن پست صدام از مصر نیروی تعلیم دیده درخواست کرد. به گفتهٔ معاون نخست وزیر و فرمانده ارتش خلق عراق به روزنامهٔ مصری اخبار الیوم، تعداد نیروهای مصری شاغل در ارتش عراق بین نهزار الی دههزار نفر است و این تعداد نیروی مصری معادل نیمی از مجموع کل نیروهای عرب است که در ارتش عراق به خدمت اشتغال دارند؛<sup>(۱۲۰)</sup> البته بعدها حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، در مصاحبه با فیگارو گفت: «یک بار از صدام حسین شنیدم که گفت هجدهزار سرباز مصری در کنار عراقی‌ها می‌جنگند.»<sup>(۱۲۱)</sup> همچنین عراق از اعراب خواست تا به مصر برای خروج از انزوا و رهایی از آثار قرارداد کمپ دیوید کمک کنند.<sup>(۱۲۲)</sup> در واقع، عراق با تکیه بر کمک مالی، تبلیغاتی - سیاسی و اعزام نیرو از کشورهای عربی، بویژه مصر در نظرداشت موازنۀ موجود میان ایران و عراق را به سود خود تغییر دهد.

### گسترش روابط خارجی

بازسازی روابط خارجی عراق بویژه با امریکا و غرب با این هدف طراحی و دنبال می‌شد که ادامۀ انزوای سیاسی عراق، این کشور را از پشتیبانی و حمایت‌های بین‌المللی محروم می‌کرد. در صورتی که عراق با جنگ نیابتی

\* پس از مخالفت مصر با اشغال کویت و تشدید اختلاف میان دو کشور و سرزنش عراق توسط مصر به خاطر جنگ با ایران، طارق عزیز در *الشوره* نوشت: «کسانی که امروز ما را به خاطر جنگ با ایران تقیح می‌کنند آن روزها ایران را مورد حمله قرار می‌دادند و آن را خطرب برای منطقه به حساب می‌آورند. در رژه بزرگ نظامی به مناسبت اولین سالروز آزادی فاو حسنی مبارک به بغداد آمد و در آن مراسم شرکت کرد.» (بولتن وزارت خارجه جمهوری، ش. ۱۲۰۰، ۱/۲۱، ۱۳۷۷/۱۰/۲۱، ص ۷۶)

علیه ایران و انقلاب اسلامی برای منافع غرب و افزایش دامنه فشار به ایران، به روابط گسترده سیاسی - اقتصادی و نظامی با جهان خارج نیاز داشت. به نظر می‌رسد پس از فتح خرمشهر مجموع اقدامات و تعاملات سیاسی در سطح منطقه و جهان، عراق را به این باور و نتیجه رساند که برای ادامه جنگ اراده‌ای وجود دارد. به همین دلیل، طه یاسین رمضان پس از شروع عملیات رمضان از رفتار دو ابرقدرت در جنگ انتقاد کرد و گفت: ابرقدرت‌ها از استمرار جنگ نفع می‌برند\* و به همین خاطر آن را متوقف نمی‌کنند.<sup>(۱۲۳)</sup> عراق برای خروج از آن وضعیت، گزینه دیگری جز گسترش مناسبات با جهان خارج نداشت. اقدامات عراق در مرحله جدید به گونه‌ای بود که روزنامه لارپوبیکا نوشت: «اخيراً رژيم عراق در تلاش است به سياست انزواگرایي و دروننگري خود - از نتائج جنگ با ايران - خاتمه دهد و در صحنه بين الملل فعال تر عمل نماید. رژيم عراق متوجه شده است که برای مقابله با رژيم اسلامي ايران، نبرد در صحنه بين الملل اهميت و عمق بيشرتري دارد.»<sup>(۱۲۴)</sup> صدام براساس سياست جديد عراق در مصاحبه با مجله تایم گفت: «من هیچ دشمنی شخصی با امریکا ندارم و می‌خواهم روابط خوبی با آن کشور داشته باشم». وی اضافه کرد در موقعیت کنونی، عراق باید با ابرقدرت‌ها مناسبات نیکویی داشته باشد. صدام به کمک کشورهای عربی اشاره و اعلام کرد که تاکنون بیست میلیارد دلار از کشورهای عرب دریافت داشته است. وی درباره منافع حیاتی امریکا در منطقه گفت: به اعتقاد من امریکا سه نوع منافع حیاتی در منطقه دارد: ۱- تجارت بازارگانی با دول محافظه کار عرب؛ ۲- گسترش روابط اقتصادی؛ ۳- وزنهای در مقابل نفوذ قدرت دیگر.

---

\* آقای محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه، بعدها در یک مصاحبه تلویزیونی با تحلیل از استراتژی امریکا در جنگ به این موضوع اشاره کرد که استراتژی امریکا اول این بود که با در دست داشتن سرزمین‌هایی از ایران، این کشور را به بازگشت به نظم بین المللی وادار سازد. با آزادی خرمشهر استراتژی امریکا شکست خورد و سیاست جدیدی را در پیش گرفت که در حقیقت شرایط نه جنگ و نه صلح بین ایران و عراق بود تا با ادامه به این وضعیت ایران دست به دامان سازمان‌های بین المللی بشود که حدود مرزی اش را تأمین کند و ... (ضبط برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷)

صدام به تکنولوژی امریکا و شوروی اشاره کرد و گفت: به اعتقاد من تکنولوژی امریکا و غرب بدون تردید پیشرفته‌تر از شوروی است که می‌تواند زمینه سیاسی مناسبی را برای همکاری آینده اعراب با امریکا به وجود آورد.<sup>(۱۲۵)</sup> اظهارات جدید صدام بازتاب گسترشده‌ای داشت. نیویورک تایمز نوشت: «شواهد کافی موجود است که از زمان ریاست جمهوری صدام، از لحن تندروی علیه امریکا کاسته شده و وی با کمی فاصله گرفتن از شوروی، به دنبال ایفای نقشی منطقه‌ای و بین‌المللی است.» در این مقاله با توجه به موفقیت نسبی عراق در دفاع در برابر قوای نظامی ایران آمده است: نقش عراق در منطقه در حال افزایش است و پیروزی‌های اخیر عراق در مقابله با ورود ایران به خاک عراق، نشان‌دهنده ثبات و توانایی عراق است. مجموعه اقدامات عراق در منطقه، نشان می‌دهد که این کشور تهدیدی برای منافع امریکا و هم پیمانانش نخواهد بود و بهتر است که امریکا روابط خود را با عراق برقرار کند.<sup>(۱۲۶)</sup>

امریکا نیز بر پایه احساس نگرانی از روند تحولات جنگ و پیروزی احتمالی ایران سیاست‌های خود را در مورد عراق تغییر داد. چنانکه با آغاز پیشروی نیروهای ایران در خاک عراق، نیکولاس ولیوتیس، که در وزارت خارجه امریکا به طرفداری از اعراب شهرت داشت، درباره پیشروی ایرانی‌ها در جبهه‌های جنگ به شولتز، وزیر امور خارجه، هشدار داد و گفت: «ایالات متحده امریکا باید بی سر و صدا از صدام حسین حمایت کند.» با عقب‌نشینی عراق از ایران در بهار سال ۱۳۶۱ این نگرانی در واشنگتن پدید آمد که مبادا عراق در نهایت بازنده جنگ شود. مشاهده ایران پیروزمندی که بخواهد انقلاب‌اش را به مرزهای غربی صادر کند و در قلب جهان عرب گسترش دهد آن چیزی نبود که امریکا می‌خواست.<sup>(۱۲۷)</sup> بعدها روزنامه واشنگتن پست درباره تغییر سیاست خارجی امریکا نوشت: «تا سال ۱۹۸۲ م واشنگتن تقریباً روابط مستقیم و مستحکم با صدام نداشت اما پس از آنکه در تابستان این سال موقعیت استراتژیکی جنگ به طور چشم‌گیری به نفع ایرانیان تغییر یافت و سربازان ایرانی تا چند کیلومتری بصره دومین شهر بزرگ عراق پیش آمدند،

به یکباره دولت امریکا صدام را اصلی ترین متحد خود در منطقه برگزید و طی دستورالعملی کمک به رژیم عراق را از اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده ساخت.<sup>(۱۲۸)</sup> مارتین ایندیک، سفیر پیشین امریکا در اسرائیل، نیز در گفت و گو با «الاهرام»<sup>(۱۲۹)</sup> می‌گوید: «زمانی که ایرانی‌ها به عراق حمله ور شدند نگران شدیم، بنابراین به او کمک کردیم.»

سخنگوی کاخ سفید پس از شروع عملیات رمضان نگرانی این کشور را نسبت به ثبات منطقه و خطر گسترش جنگ اعلام کرد.<sup>(۱۳۰)</sup> همچنین رادیو امریکا طی گفتاری که نظر رسمی دولت امریکا بود، گفت: «حفظ ثبات در خاورمیانه جنبه‌ای بنیادی و حیاتی دارد.» در ادامه این گفتار آمده است: «در گیری ایران و عراق این ویژگی را دارد که احتمالاً از آنچه اینک هست گسترش یابد و در نقاط دیگر خاورمیانه نیز تزلزل و بی‌ثباتی پدید آید.<sup>(۱۳۱)</sup> با آغاز در گیری نیروهای ایران در خاک عراق، این رویداد در گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا بررسی شد و راه تمایل بیشتر امریکا را به جانب عراق هموارساخت. در گزارش مذکور آمده بود: ایالات متحده امریکا گام‌هایی در مسیر پشتیبانی از عراق و ممانعت از پیروزی ایرانیان برداشته است.<sup>(۱۳۲)</sup>

در تداوم ضرورت حمایت امریکا از عراق، در تاریخ دوازدهم جولای ۱۹۸۳ م شورای امنیت ملی امریکا طی مصوبه شماره ۹۹ توصیه کرد که برای تقویت ثبات خلیج‌فارس حمایت نظامی و اطلاعاتی از عراق ضروری است.<sup>(۱۳۳)</sup> همچنین در نوامبر ۱۹۸۳ م شورای امنیت ملی امریکا طی دستورالعمل شماره ۱۱۴ تصویح کرد که «ایالات متحده هم اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران اتخاذ خواهد کرد.<sup>(۱۳۴)</sup> بر همین اساس امریکا برای کمک به عراق و در رفع محدودیت‌های موجود، نام این کشور را از فهرست کشورهای تروریست خارج کرد.<sup>(۱۳۵)</sup> امریکا از طریق کشورهای ثالث نظیر عربستان برای تقویت عراق اقدام کرد.<sup>(۱۳۶)</sup> همچنین امریکا به کشور امارات فشار آورد تا با اعطای وام‌های سنگین به بغداد برای واردات کالاهای امریکایی، کمک کند.<sup>(۱۳۷)</sup>

بعدها اریک رولو، سفیر سابق فرانسه در ترکیه، این خبر را افشا کرد که سیا در بغداد دفتر تأسیس کرده بود تا به طور منظم عکس‌هایی را که از طریق ماهواره تهییه می‌شد در اختیار عراق قرار دهند. به گزارش هوارد تیچر، عضو پیشین شورای امنیت ملی امریکا، امریکا با ارسال میلیاردها دلار اعتبار، در اختیار گذاشتن اطلاعات و پیشنهادها و تصاویر نظامی و نظارت مستقیم از طریق کشوری ثالث بر خریدهای تسليحاتی عراق، به عراق کمک شایانی کرد.<sup>(۱۲۸)</sup> به گفتهٔ وی ویلیام کیسی، مدیر سابق سیا، از طریق شرکتی در شیلی بمب‌های خوش‌ای در اختیار عراق قرار داد که در مقابله با هجوم ایرانی‌ها کاربرد مؤثری داشته است.<sup>(۱۲۹)</sup> بنابر گزارش مایکل دابس در واشنگتن پست، بررسی اسناد دولتی و گفت‌وگو با سیاستمداران گذشته نشان می‌دهد که حامیان اطلاعاتی و لجستیک امریکا در تحکیم دیوار دفاعی عراق علیه حملات ارتش ایران نقش حیاتی داشته‌اند.<sup>(۱۴۰)</sup>

روابط عراق با فرانسه گرچه از دهه هفتاد میلادی آغاز شد ولی بتدریج رو به گسترش نهاد. فرانسه منافع استراتژیک مشابه و انگیزه‌های مالی قوی در بقای رژیمی سکولار در عراق داشت و در صورت تغییر رژیم و جایگزینی آن با رژیمی تحت نفوذ ایران با خطر جدی روبرو می‌شد.<sup>(۱۴۱)</sup> فرانسه تنها در سال ۱۹۸۲ م چهل درصد از تسليحات خود را به عراق ارسال کرد.<sup>(۱۴۲)</sup> صدام با آشکار شدن علائم شکست عراق و احتمال پیشروی ایران در خاک عراق درباره روابط با فرانسه گفت: «روابط ما با فرانسه قابل اتكاء است، اما ما می‌خواهیم این روابط را گسترش دهیم». وی سپس اظهار تمایل کرد با میتران، رئیس جمهوری فرانسه، ملاقات کند.<sup>(۱۴۳)</sup>

تحلیل کشورهای غربی و فرانسه بر این پایه استوار بود که پیروزی ایران بر عراق جغرافیای سیاسی منطقه را دگرگون می‌نماید و علاوه بر اینکه حیات سیاسی رژیم‌های منطقه را در معرض نابودی قرار می‌دهد خسارات جبران‌ناپذیری نیز بر منافع غرب وارد می‌سازد. در این مرحله میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، اعلام کرد سیاست کشورش ایجاد موازنۀ در دنیا

عرب و فارس است و تأکید کرد که ما حاضر نیستیم عراق در مقابل ایران مغلوب شود.<sup>(۱۴۴)</sup>

بدین ترتیب، فرانسه حمایت خود را در جنگ از عراق اعلام کرد و کلود شسون، وزیر خارجه فرانسه، با آغاز عملیات رمضان در دیدار با وزیر خارجه عراق گفت: «هرگونه تهدید علیه وحدت ملی عراق، تهدیدی بی چون و چرا علیه ثبات منطقه خاورمیانه است.» دولت فرانسه نیز به ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق واکنش نشان داد و هیئت وزیران فرانسه با صدور بیانیه‌ای از خطرات ناشی از بی‌ثباتی در منطقه ابراز نگرانی کرد.<sup>(۱۴۵)</sup> بر همین اساس در حالی که هنوز عملیات رمضان ادامه داشت دولت فرانسه شصت فروند جنگنده پیشرفته میراث به حکومت عراق فروخت و میتران به عراق اطمینان داد از فروش سلاح به عراق پشتیبانی خواهد کرد.<sup>(۱۴۶)</sup> واگذاری "میراث اف ۱" و سایر تسليحاتی که به این کشور ارسال شد،<sup>(۱۴۷)</sup> قدرت هوایی عراق را به نحو بارزی افزایش داد.

عراق در حالی از فرانسه میراث تحويل گرفت که قدرت نیروی هوایی ایران بر اثر جنگ و تحریم و قطع رابطه با امریکا ضعیف شده بود و در نتیجه، عراق توانست با تجهیزاتی که از فرانسه گرفت از جمله موشک اگزوست، قدرت تهاجمی خود را برای عملیات هوایی افزایش دهد.<sup>(۱۴۸)</sup> در واقع، چنانکه میتران، رئیس جمهور پیشین فرانسه، به‌هنگام دیدار از مصر گفت: این کشور مایل نبود عراق در جنگ با ایران مغلوب شود و موازنۀ نظامی میان جهان عرب و ایران باید حفظ شود.<sup>(۱۴۹)</sup> وزیر خارجه وقت فرانسه نیز درباره انگیزه فرانسه از تحويل هوایی‌های "سوپر اتاندارد" به عراق گفت: «انگیزه دولت فرانسه دو عامل بوده است؛ یکی تمایلات صلح‌طلبانه عراق و عامل دوم، ایجاد موازنۀ نظامی در جنگ ایران و عراق است.»<sup>(۱۵۰)</sup>

تأثیر همکاری فرانسه با عراق در تقویت بنیه دفاعی این کشور به گونه‌ای بود که بلافضله با اتمام عملیات رمضان نشریه *المجله*، چاپ لندن، به نقل از منابع مطلع فرانسوی نوشت: «یکی از عوامل مهم و اساسی در موفقیت عراق برای

دفع حمله نیروهای ایرانی در بصره، استفاده نیروهای عراقی از سلاح‌های ساخت فرانسه بود از جمله هلی‌کوپترهای جنگی از نوع "غزال" که به موشک‌های "هوت" ضد زرهی و نیز به تیربار با آتش سریع، مجهز بودند. در این گزارش همچنین آمده است: «علاوه بر سلاح، اخیراً تعدادی از کارشناسان و تکنسین‌های نظامی فرانسه به عراق اعزام شده‌اند که مأموریت آنها نظارت بر اوضاع جاری در جبهه‌های جنگ است. ارزش سلاح‌هایی که فرانسه در این مرحله به عراق صادر کرد بالغ بر سه میلیارد فرانک فرانسه بود.»<sup>(۱۵۱)</sup>

در مجموع، روابط گسترشده عراق با امریکا، اروپا، شوروی و سایر کشورها علاوه بر اینکه این کشور را از حمایت سیاسی و تبلیغاتی بسیاری از کشورهای جهان برخوردار کرد، قدرت دفاعی عراق را در طول جنگ افزایش داد. کردزن من تأثیر عوامل مختلف در حفظ رژیم عراق و جلوگیری از پیروزی ایران را بررسی می‌کند و می‌نویسد: «با نگاهی به تاریخچه جنگ ایران و عراق در طول سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۴ (۱۳۶۳ - ۱۳۵۹) چنین برمی‌آید که اگر عراق به انبوی کمک‌های خارجی دسترسی نداشت و قدرت نظامی و اقتصادی ایران در نتیجه انقلاب تضعیف نشده بود و تهران با اتحاد جماهیر شوروی و غرب به دشمنی نمی‌پرداخت، ایران به احتمال زیاد در جنگ پیروز می‌شد. توانایی عراق برای ادامه بقا به همان اندازه که مرهون نیروهای نظامی این کشور است مرهون کویت، عربستان سعودی و سایر کشورهای دوست می‌باشد. توانایی عراق در دستیابی به برتری نظامی در جبهه‌های جنگ تا اندازه زیادی به ۴۵ تا ۴۵ میلیارد دلار کمک‌های نقدی و وام‌های خارجی بستگی داشت.»<sup>(۱۵۲)</sup>

### حمله به جزیره خارک

جزیره خارک با حدود ۳۲ کیلومتر عرض و ۶۰ کیلومتر طول، منطقه‌ایی نسبتاً بزرگ است و تمامی خطوط لوله‌ها و تأسیسات نفتی ایران در خارک پراکنده است. نود درصد صادرات نفتی ایران در زمان جنگ از این جزیره

صادر می شد. این امر خارک را هدفی کلیدی ساخت.<sup>(۱۵۳)</sup> عراق برای محدود کردن صدور نفت ایران، جزیره خارک را هدفی استراتژیک شناخت و با دریافت هوایپیماهای میراژ و موشک های اگزوست از فرانسه بلافاصله با آغاز عملیات رمضان، به جزیره خارک حمله کرد. همچنین در اوت ۱۹۸۲م، عراق "منطقه ممنوعه دریایی" اعلام کرد که تا ۶۵ کیلومتری جزیره خارک امتداد می یافتد و هشدار داد که به جزیره خارک، پایانه های عمدۀ صدور نفت ایران، نزدیک شود حمله می شود.<sup>(۱۵۴)</sup>

با آغاز حملات عراق به جزیره خارک، این جزیره منطقه جنگی اعلام شد و به دستور مسئولان نظامی مستقر در آن، کشتی های نفتکش در اسکله ها پهلو نگرفتند;<sup>(۱۵۵)</sup> زیرا بر اثر حملات عراق علاوه بر تأسیسات جزیره خارک و مخازن صادرات نفت، کشتی هایی که در اسکله در انتظار بارگیری نفت بودند آسیب دیدند. هشدار عراق به شرکت های حمل و نقل نفتی در جزیره خارک و سایر بنادر ایران در شمال خلیج فارس<sup>(۱۵۶)</sup> بتدریج موجب محدودیت و معضلات جدید برای صدور نفت ایران شد. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه برنامه های جدید عراق را حرکتی مرموز دانست که هدف آن تحت فشار قرار دادن ایران بود.<sup>(۱۵۷)</sup> به موازات محدودیت در صدور نفت ایران، عربستان صادرات نفت را افزایش داد و با فروش ارزان آن، در واقع پیامدهای حمله عراق را به خارک، از جمله قیمت نفت کنترل کرد. تا ایران را از لحاظ اقتصادی و از لحاظ منبع ارزی تحت فشار قرار دهند.<sup>(۱۵۸)</sup> حملات عراق به شهرها نیز پس از عملیات رمضان گسترش یافت.

با آشکار شدن نتایج عملیات رمضان صدام در گفت و گو با روزنامه /وموند علاوه بر اینکه اعتراف کرد که بخشی از اراضی ایران را در اختیار دارد درباره شروع حملات به خارک گفت: «ما راه حل دیگری نداشتیم برای حفظ شهرهای خود که مورد حمله قرار گرفته بودند.»<sup>(۱۵۹)</sup> وی همچنین در جمع ارتشیان عراق با تهدید ایران گفت: «چنانچه ایران به لجاجت خود ادامه دهد اهداف استراتژیکی آن، هدف هایی خواهد بود که جنگنده های ما و دیگر ابزارهای

جنگی، بین هدف‌های نظامی مورد هدف قرار خواهند داد و جزیره خارک به همراه تأسیسات نفتی‌اش و نفتکش‌هایی که در آن پهلو می‌گیرند یا از آن منطقه نفت حمل می‌کنند صرف نظر از ملیت آنها، هدف جنگنده‌های نیروی هوایی خواهند بود.»<sup>(۱۶۰)</sup> اظهارات صدام به معنای گشایش جبهه جدید و افزایش دامنه حملاتی بود که حمله به خارک تنها نقطه آغاز آن بود.

حمله عراق به خارک بازتابی گستردۀ داشت. خبرگزاری فرانسه از گشایش جبهه جدید عراق سخن گفت.<sup>(۱۶۱)</sup> لیبراسیون شکست عراق را در برابر نیروهای ایران و تلاش صدام برای به دست گیری ابتکار عمل در زمینه دریایی و نفتی علت این اقدام ذکر کرد.<sup>(۱۶۲)</sup> به گزارش خبرگزاری فرانسه عراقی‌ها متلاuded شدند تنها راه باقی‌مانده برای جلوگیری از ادامه جنگ ۲۳ ماهه، حمله به منابع ایران و کاهش دادن حداکثر صادرات نفتی ایران است.<sup>(۱۶۳)</sup> این اقدام عراق به معنای "گسترش جنگ"<sup>(۱۶۴)</sup> بود. بر اثر این اقدام عراق، حق بیمه تانکرهای نفت از ترمینال جزیره خارک به دو برابر افزایش یافت. بیمه لویدز افزایش حق بیمه را ضربه سختی برای ایرانیان دانست.<sup>(۱۶۵)</sup>

### تلاش ایران برای تعیین سرنوشت جنگ

ایران پس از عملیات رمضان، به دلیل تغییر اوضاع سیاسی - نظامی، گزینه دیگری جز ادامه جنگ و کسب پیروزی نظامی نداشت. نتیجه عملیات رمضان ایران را در موقعیت دشواری قرار داد؛ زیرا برتری سیاسی - نظامی و روانی ناشی از فتح خرمشهر را از دست داد و در عین حال امتیاز مهمی در اختیار نداشت تا متکی بر آن برای اتمام جنگ اقدام نماید. در عین حال، نتیجه عملیات رمضان نشان داد پیشروی در منطقه شرق بصره و کسب پیروزی بسیار دشوار است. بعدها وفیق سامرایی نیز در تحلیل خود از عملیات رمضان و تأثیر آن بر ایران نوشت: «نبردهای اول<sup>\*</sup> شرق بصره در هر

\* نبردهای مرحله اول در سال ۱۳۶۱ انجام گرفت و مرحله دوم در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ با عملیات‌های کربلای ۴، کربلای ۵ و کربلای ۸ انجام شد.

پنج مرحله آن، این احساس را در ایرانی‌ها به وجود آورد که باید به مناطق دیگر جبهه‌های جنگ بیندیشند تا ضمن کاهش زیان‌هایشان، نیروهای ما را در مناطق عملیاتی دیگر پراکنده سازند و شرایط لازم برای غافلگیری هم فراهم آید.»<sup>(۱۶۶)</sup>

ضرورت کسب پیروزی با انتخاب منطقه جدید به سلسله مباحثی برای "تعیین استراتژی جنگ" منجر شد. در این روند، به تجزیه و تحلیل عملیات رمضان و علت ناکامی در مقایسه با مرحله قبل آن، توجه شد. شهید صیاد‌شیرازی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، در یکی از جلسات درباره عملیات رمضان به نکاتی اشاره می‌کند که مهم است. وی می‌گوید: «ما در شروع عملیات رمضان، عملیاتی در خور جمهوری اسلامی آغاز کردیم که دشمن را کاملاً متزلزل کرد. اما بعد کم کم عملیات ما ضعیف شد. هر چه زمان جلو می‌رفت کارمان محدودتر می‌شد. در آخر دیگر طوری شده بود که پیشنهادها روی دو مثلث<sup>\*</sup> دور می‌زد». ایشان سپس چنین نتیجه می‌گیرد: «این نشان می‌داد که ما همچنان برای جنگ استقامت داریم و می‌خواهیم ادامه دهیم ولی توان ما و آن امکاناتی که داشتیم جوابگوی آن حرکتی که باید به هدف برسد نیست.»<sup>(۱۶۷)</sup>

در یکی دیگر از همین جلسات آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، با توجه به جایه‌جایی نیروهای دشمن به منطقه معتقد بود که "دیر جنبیدیم" و "باید یک هفته زودتر عمل می‌کردیم". شهید باقری، جانشین فرماندهی وقت نیروی زمینی سپاه، نیز معتقد بود ما از دشمن عقب افتادیم و به گفته آقای رضایی "هر چه تلاش کردیم نتوانستیم جبران کنیم". شهید باقری معتقد بود تردید در ادامه دادن یا توقف جنگ در نتیجه عملیات رمضان مؤثر بوده است. آقای رضایی با این توضیح اضافه می‌کند که "حادثه لبنان هم مؤثر بود" و نتیجه می‌گیرد "باید این را خدمت امام بگوییم".<sup>(۱۶۸)</sup> بعدها آقای رضایی نتیجه

\* مواضع دفاعی عراق در منطقه شرق بصره در عملیات رمضان به شکل مثلث بود.  
(روزنامه جنگ، ج ۲۰، ص ۴۰۵ و ۴۰۶) (۲۳۱)

عملیات رمضان را جمع‌بندی می‌کند و می‌گوید: «توان دشمن از عملیات طریق القدس افزایش یافت و در عملیات رمضان به ثمر نشست. ما در این زمینه نمی‌توانستیم بر دشمن غلبه کنیم ولی این موضوع را متوجه نشده بودیم. ما در عملیات رمضان در تاکتیک و مکان دشمن را غافلگیر نکردیم و در زمان جای بحث دارد! تلفات سنگین بر دشمن وارد کردیم ولی دور عملیات مانند گذشته در دست ما نبود و بعد هم به عملیات محدود روی آوردیم.»<sup>(۱۶۹)</sup>

آقای رضایی ضمن تجزیه و تحلیل عملیات رمضان، برای استفاده از نتایج این عملیات در طراحی استراتژی جدید معتقد است: «چند مسئله اساسی ما به نام اصول جنگ که در کلیه عملیات‌ها از آن استفاده می‌کردیم برای دشمن لو رفته است. مثلاً دشمن می‌داند ما در شب حمله می‌کنیم، ما متکی به موانع طبیعی یا مصنوعی (احداث خاکریز) هستیم، ما در روز کاری از دستمنان ساخته نیست، ما با تکیه بر نیروی پیاده حمله می‌کنیم؛ بنابراین، باید فکر کنیم و اصول جدیدی طراحی کنیم.»<sup>(۱۷۰)</sup>

در جلسه مشترک ارتش و سپاه پس از بررسی عملیات رمضان به این نتیجه رسیدند که برای تضمین موفقیت باید:

- ۱- زمان و فرصت کافی برای طرح ریزی پیش‌بینی شود (حداقل دو ماه).
  - ۲- افزایش توان انجام پذیرد.
  - ۳- به تجهیزات مناسب شامل تانک، نفربر و لودر و بولدوzer، توجه شود.<sup>(۱۷۱)</sup>
- در حالی که با تجزیه و تحلیل عملیات رمضان ضرورت‌های نظامی از جمله تغییر در تاکتیک‌ها و انتخاب زمین مناسب برای کسب پیروزی نظامی پیگیری می‌شد، ضرورت‌های سیاسی برای اجرای عملیات و کسب پیروزی، روند تصمیم‌گیری را تشدید و تسريع می‌کرد.<sup>(۱۷۲)</sup> با توجه به اینکه هدف کلی جنگ تنبیه متجاوز و سقوط صدام بود در سلسله مباحثی که برای پاسخ دادن به استراتژی جنگ و تعیین سرنوشت آن انجام شد این موضوع روشن شد که منطقه جنوب از نظر سیاسی و استراتژیک حائز اهمیت است و می‌تواند اهداف جنگ را تأمین کند بویژه اینکه اگر بتوانیم بصره را تصرف

کنیم، تأثیر سیاسی آن فوق العاده خواهد بود.<sup>(۱۷۳)</sup> در عین حال، برای افزایش توان و کسب زمان، می‌توان برخی عملیات‌های محدود در سایر مناطق، بویژه در منطقهٔ غرب انجام داد تا تمرکز دشمن در منطقهٔ جنوب از میان برود. بنابراین، هرگونه اقدام و تلاش در سایر مناطق در خدمت هدف کلی جنگ در منطقهٔ جنوب طراحی و پیش‌بینی می‌شد تا این نتایج حاصل شود: زمان لازم در اختیار نیروی خودی قرار گیرد تا توانش افزایش یابد و به کیفیت آموزش افزوده شود؛ عملیات در منطقهٔ غرب خطوط پدافندی گستردگی را بر دشمن تحمیل خواهد کرد؛ فضای جنگ حفظ می‌شود و با کسب پیروزی در این عملیات‌ها، مواضع سیاسی برتری برای ایران حاصل خواهد شد.<sup>(۱۷۴)</sup>

براساس یادداشت سردار غلامعلی رشید از جلسه مشترک ارتش و سپاه در قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در غرب، استراتژی کلی ایران در جنوب و غرب به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- به بصره در مقایسه با سایر مناطق اولویت بیشتری داده شود.
- ۲- در منطقهٔ جنوب امکان تصرف بصره وجود دارد.
- ۳- در منطقهٔ جنوب امکان به زانو درآوردن دشمن بیشتر است و اگر در این وضعیت (با پیروزی ایران) جنگ متوقف شود به سود جمهوری اسلامی ایران است.

۴- انهدام نیروهای زبده و کیفی دشمن در جنوب بیشتر ممکن است.<sup>(۱۷۵)</sup> استراتژی جدید در جلسهٔ شورای عالی دفاع بررسی شد و سه ماه زمان برای سازماندهی و آمادگی نیروها در نظر گرفته شد. آقای هاشمی در این جلسه تأکید کرد که با توجه به وضعیت ما بهتر است خواسته‌ها و شرایط خود را بر دشمن تحمیل کنیم و جنگ را به پایان برسانیم.<sup>(۱۷۶)</sup>

آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران به وضعیت دشوار جنگ و سخنان امام خمینی مبنی بر حضور مردم در جنگ به عنوان واجب کفایی\*

---

\* امام در پاسخ به استفقاء دربارهٔ کسانی که به تحصیل علوم انسانی اشتغال دارند یا در حال انجام وظیفه و خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند برای رفتن به جبهه فرمودند: «در حال حاضر تمام

توجه می کند<sup>(۱۷۷)</sup> و بر نظر و اعلام سران سپاه و ارتیش<sup>(۱۷۸)</sup> برای حضور جوانان در میدان های جنگ چنین تأکید کرد: «روزهای حساس و سرنوشت ساز آخرین حرکت مهم جنگ در پیش است.»<sup>(۱۷۹)</sup> توضیحات آقای هاشمی مفهوم "تعیین سرنوشت جنگ" با عملیات مسلم بن عقیل در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۹ در منطقه سومار انجام گرفت که هدف آن آزادسازی ارتفاعات در مرحله جدید جنگ پس از عملیات رمضان و به موازات مباحثی که درباره استراتژی جنگ صورت می گرفت عملیات مسلم بن عقیل در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۹ در منطقه سومار انجام گرفت که هدف آن آزادسازی ارتفاعات مشرف بر شهر سومار بود.

سردار غلامعلی رشید<sup>\*</sup> درباره اجرای عملیات در منطقه غرب معتقد بود: «باید از گسترش در دشت خودداری کنیم؛ زیرا این مسئله توان ما را می گیرد و خطوط پدافندی جدیدی را بر ما تحمیل خواهد کرد. علاوه بر این، می تواند این تصور را به وجود بیاورد که ما هدف بصره را نتوانستیم تأمین کنیم و به علت شکست در جنوب به منطقه غرب آمدہ ایم.» ایشان در عین حال اجرای عملیات را در منطقه غرب اجتناب ناپذیر می دانست و تأکید می کرد باید حتماً موفق شویم در غیر این صورت وضعیت ما بدتر خواهد شد.<sup>(۱۸۰)</sup> از نظر ایشان حرکت در غرب که تاکتیکی برای گرفتن زمان بود در چارچوب استراتژی کلی و تنها با تصرف ارتفاعات قابل قبول است؛<sup>(۱۸۱)</sup> زیرا با تسلط بر ارتفاعات، دشمن نیروهایش را از جنوب به غرب خواهد کشاند و در نتیجه یکی از هدف های اصلی عملیات در غرب که کاهش تراکم نیروهای دشمن در جنوب است تأمین خواهد شد.<sup>(۱۸۲)</sup> برای اساس میزان تأثیر گذاری عملیات مسلم بن عقیل برای جابه جایی نیروهای دشمن باید بررسی شود. ولی

---

افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند، باید به مقامات مسؤول مراجعه کنند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز دارد واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری مقدم است.» آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود می نویسد: «احمدآقا آمد و راجع به نظر اخیر امام که همه و دارندگان هر شغل موظفند که برای رفتن به جبهه مراجعه کنند تا اینکه "من به الکفایه" تأمین شود، صحبت شد قرار شد این نظریه کمی تعدیل شود تا مسئولان مشاغل حساس نزوند.»

(وزنامه جمهوری اسلامی، پس از بحران ۱۳۸۰/۲/۳۴، ص ۱۴، خاطرات شنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۱)

\* سردار غلامعلی رشید از فرماندهان جنگ است و در عملیات رمضان فرمانده قرارگاه فتح سپاه بود.

شواهد نشان می‌دهد این عملیات در عین حالی که به لحاظ نظامی و روحی - روانی پیامدهای مثبتی داشت لکن موجب جابه‌جایی نیروهای دشمن از جنوب به غرب نشد.

در ادامه تحرکات جدید، عملیات محرم در تاریخ دهم آبان ۱۳۶۱ در منطقه عمومی موسیان بر روی ارتفاعات حمرین آغاز شد. مسئله مهم در این عملیات دستتاوردهای آن بود که به آزادسازی ۷۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران و تصرف ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق از جمله بخشی از منطقه نفتی زبیدات و چاههای نفتی عراق در این منطقه منجر شد.<sup>(۱۸۳)</sup> در این عملیات، عراقی‌ها از گاز شیمیایی استفاده کردند. با گزارش آن به آقای هاشمی، ایشان این اقدام عراق را "شروع حرکتی خطرناک" نامید و تأکید کرد: «عراقی‌ها هر کاری از دستشان برآید نیازی خواهند داد و باید برای دفاع از این سلاح خطرناک فکری بکنیم».«<sup>(۱۸۴)</sup>

موفقیت در عملیات محرم و پیدایش دورنمای شهر العماره عراق از روی بلندی‌های جبال حمرین سبب گردید استراتژی جدید برای اجرای عملیات در غرب کشور با هدف جابه‌جایی نیروهای دشمن از جنوب به شمال و افزایش توان نظامی فراموش شود. چنانکه در جلسه با آقای هاشمی درباره تداوم و توسعه عملیات محرم و نیز آخرین تغییرات در سازمان رزم سپاه و استراتژی آینده جنگ بحث شد.<sup>(۱۸۵)</sup> بنابر گزارش آقای هاشمی، روز پانزده آبان شهید صیادشیرازی در ملاقات با ایشان راجع به حساسیت منطقه عملیات محرم گفت و گو می‌کند و تشکیل حکومت انقلابی - اسلامی در عراق و در منطقه و در شهر العماره و حلفائیه را در صورت توسعه مناطق آزاد شده، ممکن می‌داند و قرار می‌شود سریعاً ادامه عملیات محرم را تعقیب کنند.<sup>(۱۸۶)</sup> شهید صیادشیرازی در خاطرات خود درباره پیامد دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم می‌گوید: «دورنمای دو عملیات که انجام شد، نشان می‌داد که ما می‌توانیم با توان عمدتی که در دست داریم، عملیاتی گسترده را طرح‌ریزی کنیم».«<sup>(۱۸۷)</sup>

در واقع، نطفه عملیات گسترده در منطقه جنوب، که هدفش تعیین سرنوشت جنگ بود، براساس نتایج دو عملیات محدود، بویژه عملیات محروم در جبهه میانی، شکل گرفت و در جلسات ارتیش و سپاه بحث و بررسی استراتژی جنگ و عملیات گسترده آغاز شد.<sup>(۱۸۸)</sup>

در مباحث جدید که به نوعی ادامه بحث‌های قبلی درباره استراتژی جنگ بود، تحت تأثیر پیروزی‌های حاصل از دو عملیات مسلم‌بن عقیل در سومار و محروم در موسیان، فرماندهی وقت سپاه بر ضرورت "تغییر در شیوه جنگ"<sup>(۱۸۹)</sup> تأکید کرد و اهداف نظامی با رویکردنی استراتژیک و با هدف تعیین سرنوشت جنگ این گونه مطرح شد:

«پیشروی به نقاط زیر جنگ را به مرحله جدیدی می‌کشاند که بتوانیم

خواسته‌های خود را بر دشمن تحمیل کنیم: ۱- تصرف بصره (منطقه شرق بصره)؛

۲- تصرف منطقه العماره - علی‌غربی؛<sup>۳</sup> ۳- زیر آتش قرار دادن بغداد.»<sup>(۱۹۰)</sup>

نظر به اینکه پس از عملیات رمضان افزایش توان ضرورت یافت و اساساً با همین هدف عملیات‌های محدود طراحی شد، آقای رضایی به ضرورت تقویت توان رزمی و تناقض آن با محدودیت زمان اشاره و نتیجه‌گیری می‌کند: «در حال حاضر بایدهمین شیوه چندماه قبل را عمل کنیم». سپس ایشان خطاب به اعضای جلسه می‌گوید: «شیوه جنگ ما چگونه باشد، آیا باز مثل سابق عمل کنیم یا باید شیوه جنگ را تغییر دهیم و آیا زمانش رسیده است یا نه؟»<sup>(۱۹۱)</sup>

در مرحله جدید وضعیت سیاسی به نادیده گرفتن ملاحظات نظامی منجر شد و به تصرف منطقه العماره - علی‌غربی در یک طرح بزرگ نظامی و در ادامه پیروزی‌های عملیات محروم در جبال حمرین توجه شد. پس از بررسی‌های اولیه، طرح پیشنهادی فرماندهی وقت سپاه در جلسه شورای عالی دفاع، که در مجلس شورای اسلامی، تشکیل شد، ارائه شد. آقای هاشمی معتقد بود این طرح وسیع و مشکل است و مدتی وقت لازم دارد.<sup>(۱۹۲)</sup> نظر به همین ملاحظات طرح مقداری محدود شد ولی تصورات جدیدی را مبنی بر تعیین سرنوشت جنگ به وجود آورد؛ چنانکه آقای

هاشمی پس از گزارش شهید صیاد شیرازی، در دفتر یادداشت خود می‌نویسد: «به ظن قوی (این عملیات) سرنوشت‌ساز است.»<sup>(۱۹۳)</sup> به موازات تعمیق طراحی عملیات در منطقه العماره، تدریجیاً اختلاف نظری که پس از عملیات رمضان بین سپاه و ارتش ایجاد شده بود، آشکار شد.\* در گذشته، هماهنگی فرماندهی سپاه با فرماندهی نیروی زمینی ارتش در روند جنگ موجب تسريع می‌شد ولی با آشکار شدن اختلافات و تأثیرات آن، تدریجیاً دامنه اختلاف سپاه و ارتش به تهران کشیده شد. آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود در این زمینه می‌نویسد: «با آفای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. ایشان خواسته بود که امروز عصر در دفتر ایشان با آقایان صیاد شیرازی و محسن رضایی که برای مشورت در امری از جبهه آمدند مذاکره کنیم. شب درباره مطلب مهم آقایان صیادشیرازی و محسن رضایی پرسیدم و کار مهم آنها مشورت برای رفع اختلاف در طرح عملیات بود.»<sup>(۱۹۴)</sup> در حالی که این موضوع در روز جمعه ۸ بهمن ۱۳۶۱ و تنها ۹ روز قبل از آغاز عملیات رخ داده بود، مجدداً در تاریخ ۱۳ بهمن آقای هاشمی در دفتر خود می‌نویسد: «ظهر به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم آقای صیادشیرازی و محسن رضایی از جبهه آمدند. در نحوه عملیات آینده و نقطه آغاز، اختلاف داشتند. تا ساعت چهار بعد از ظهر مذاکره کردیم و تصمیم یک‌طرفه شد. آقای صیادشیرازی کوتاه آمد ولی آقای رضایی مقاومت کرد. به خاطر اینکه عمدۀ نیروهای رزمnde در اختیار سپاه است و با ملاحظات سیاسی و نیاز بسرعت بیشتر برگشتند.»<sup>(۱۹۵)</sup> سرانجام عملیات در دهۀ فجر و با نام والفجر در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۱۷ و با رمز یا الله آغاز شد. امیدواری اولیه برای تعیین سرنوشت جنگ در انتخاب زمان و نام عملیات بسیار مؤثر بود. علی‌رغم موفقیت اولیه، تدریجیاً گزارش‌های ارسالی به تهران ناکامی در عملیات را بیان می‌کرد. چنانکه دو

---

\* اختلاف نظر ارتش و سپاه از مرحله سوم و چهارم عملیات رمضان تدریجیاً درباره موضوعات مختلف شروع شد و تا پایان جنگ ادامه داشت. حضور دائمی و تفکیک منطقه عملیاتی و مأموریت سپاه و ارتش با هدف کاهش اختلافات انجام شد.

روز بعد از آغاز عملیات در جلسهٔ شورای عالی دفاع که در تاریخ ۱۹ بهمن در تهران تشکیل شد، آقای هاشمی در دفتر یادداشت خود می‌نویسد: «گزارش‌ها حاکی از محقق‌نشدن اهداف مرحله‌اول و توقف کار است.»<sup>(۱۹۶)</sup> بعدها شهید صیاد‌شیرازی در خاطرات خود دربارهٔ این عملیات می‌گوید: «عملیات والفجر مقدماتی، عملیاتی بود که در یک شب وضعیتش مشخص شد.»<sup>(۱۹۷)</sup>

آقای هاشمی در مقدمهٔ کتاب پس از بحران دربارهٔ این عملیات به موانع جدیدی که عراقی‌ها در مرحلهٔ جدید جنگ از آن استفاده می‌کردند و تجربه نداشتن رزم‌ندگان برای عبور از این موانع اشاره می‌کند و می‌نویسد: «البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوهٔ کلاسیک جنگ می‌اندیشید و دیگری بر شیوهٔ ابتکاری انقلابی و شهادت طلبانهٔ پای می‌فرشد.»<sup>(۱۹۸)</sup> در نتیجه عملیات والفجر مقدماتی موفق نبود.<sup>(۱۹۹)</sup>

افزایش انتظارات در مسئولان و مردم برای تعیین سرنوشت جنگ، با آشکار شدن نتایج عملیات والفجر، که با توجه به همین ملاحظه به "والفجر مقدماتی" تغییر نام یافت، سبب شد در مذاکرات مرحوم سید‌احمد‌آقا خمینی با آقای هاشمی بررسی شود. آقای هاشمی در این زمینه می‌نویسد: «قرار شد من مصاحبه‌ای بکنم و به گونه‌ای اخبار جنگ را بگویم که انتظارات مردم را که بر اثر تبلیغات روز اول حمله بالا رفته بود هدایت کنم و وضع موجود را توجیه نمایم و روحیه بدهم.»<sup>(۲۰۰)</sup>

ناکامی عملیات والفجر مقدماتی پیامدهای مهم داشت. نخست آنکه، نگرانی نسبت به نتیجهٔ عملیات سبب شد تا به نوشتهٔ آقای هاشمی دکتر روحانی از مجلس با اعزام بازرگان ضعف کار فرماندهی را تعقیب کند.<sup>(۲۰۱)</sup> همچنین اختلاف ارتش و سپاه را گسترش داد.\* چنانکه آقای هاشمی دربارهٔ جلسه در

\* آقای هاشمی بر این نظر است ناکامی در عملیات رمضان اولین شوک را بر نیروهای ما وارد کرد و همانجا اختلاف سپاه و ارتش در دو بعد فرماندهی جنگ و ساختار نظامی بروز کرد.  
(روزنامه کیهان، ۱۴/۱۱/۱۳۸۲، ص۱۲)

دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه و نیروی زمینی و رئیس جمهور و آقای موسوی اردبیلی می‌نویسد: «آقای صیاد (شیرازی) از سپاه گله داشت، اثر بدی روی ارتشی‌ها گذاشته چون تعداد نیروهای سپاه با حضور مردم از طریق بسیج کمی بیشتر از ارتش شده و سپاه می‌خواهد تصمیم‌گیرنده اصلی باشد.»<sup>(۲۰۲)</sup> ایشان همچنین درباره جلسه با دفتر مشاورت ارتش<sup>\*</sup> می‌نویسد: «عصر از دفتر مشاورت (ارتش) آمدند و گزارش‌ها و نظریاتی ارائه دادند» و «نگرانی ارتشی‌ها را از رشد سپاه گفتند.»<sup>(۲۰۳)</sup>

گسترش اختلافات ارتش و سپاه باعث شد تا ساختار جدید فرماندهی برای هماهنگی ارتش و سپاه ایجاد شود. آقای هاشمی درباره این موضوع در کتاب خاطرات خود از جلسه با مرحوم احمدآقا خمینی می‌نویسد: «عصر احمدآقا آمد و راجع به جنگ و وضع کشور و سپاه صحبت کردیم، برای سپردن اختیارات فرماندهی کل قوا به آقای خامنه‌ای، مشورت کرد نظر موافق دادم.»<sup>(۲۰۴)</sup> ایشان در جای دیگری می‌گوید: «به این نتیجه رسیدیم که باید کسی بالاتر از اینها (ارتش و سپاه) باشد که به اینها فرمان بدهد. این شخص از نظر همه ما امام بود ولی ایشان نمی‌خواستند وارد مسائل عملی جنگ شوند. بحث شد که کس دیگری باید من و آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شدیم آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور بودند و مصلحت نبود که ایشان به جبهه بروند. در حادثه ترور آسیب دیده بودند و وضع جسمی ایشان مناسب جنگ نبود. تعبیر دیگر امام<sup>(۲۰۵)</sup> این بود که مجلس دو نایب‌رئیس دارد و رئیس مجلس خودشان باید اداره کنند، لذا مرا انتخاب کردند.»<sup>(۲۰۶)</sup> آقای هاشمی در مقدمه کتاب پس از بحران نیز درباره تعیین فرماندهی عالی جنگ می‌نویسد: «در سال‌های بعد، امام به این نتیجه رسیدند که برای کل جنگ فرماندهی واحدی ایجاد کنند که همه نیروها را تحت امر داشته باشد و این قرعه به نام اینجانب افتاد که با حفظ مسئولیتم در مجلس، که خود کار مهم

---

\* در نهاد ریاست جمهوری دفتر نظامی تأسیس شده بود که امور ارتش و سپاه را پیگیری می‌کرد.

و سخت بود، این مسئولیت بعد از عملیات والفجر مقدماتی شروع شد و تا آخر جنگ ادامه داشت.<sup>(۲۰۶)</sup> ایشان در گفت‌وگوی دیگری می‌گوید: «پس از عملیات والفجر مقدماتی که موفق نبود، من به فرماندهی جنگ رفتم. مشکل هماهنگی ارتش و سپاه دوباره به وجود آمده بود.»<sup>(۲۰۷)</sup>

علاوه بر این، تصور پایان دادن به جنگ با پیروزی در یک عملیات تا اندازه‌ای مخدوش شد و آقای هاشمی در نماز جمعه تهران طی تحلیلی از اوضاع جنگ به سیاست جنگی ایران مبنی بر اینکه "حزب بعث باید برود" اشاره و اعلام کرد: این نکته را می‌گوییم که باید اکنون در میدان جنگ زیاد مقاومت کنیم. ممکن است جنگ طولانی باشد. این را می‌گوییم که ملت ایران، به خودش و عده ندهد که قضیه فردا یا پس‌فردا تمام می‌شود.<sup>(۲۰۸)</sup>

در عین حال، بلافاصله پس از اتمام عملیات والفجر مقدماتی و بررسی علل ناکامی آن در جلسه شورای عالی دفاع در اسفند ۱۳۶۱، تلاش برای اجرای عملیات سبب شد تا طرح نهایی را ارتش تا چند روز دیگر ارائه دهد.<sup>(۲۰۹)</sup> در واقع، عملیات والفجر مقدماتی براساس پیشنهاد سپاه انجام شد و پس از بررسی علل ناکامی عملیات، طرح عملیاتی والفجر ۱ را ارتش ارائه داد و پیشنهاد آن تصویب شد. شهید صیاد‌شیرازی در خاطرات خود در همین زمینه می‌گوید: «با یک جلسه فوری و فوق العاده در قرارگاه کربلا، به‌دلیل عملیات بعدی رفتیم و اسمش را هم والفجر ۱ گذاشتیم.»<sup>(۲۱۰)</sup>

عملیات والفجر ۱ در شمال غربی منطقه قبلى - ارتفاعات حمرین تا فکه - طراحی شد. هدف اصلی در این عملیات تک به جبال حمرین و تکمیل تصرف آن و تصرف جبل فوقی و سپس پیشروی در عمق بود.<sup>(۲۱۱)</sup> عملیات در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۱ آغاز شد. با توجه به نتایج عملیات والفجر مقدماتی، مقرر شد تا نتیجه عملیات روشن نشده است از اعلام عملیات و تبلیغات خودداری شود. در عین حال، با توجه به سروصدای عراقی‌ها، احمدآقا خمینی پیشنهاد کرد که خبر عملیات اعلام شود.<sup>(۲۱۲)</sup> سرنوشت عملیات والفجر ۱ همانند عملیات والفجر مقدماتی در روند جنگ و اتمام آن تأثیری نداشت.

در مرحله جدید، با حضور فرماندهان سپاه و ارتش، نخست وزیر و رئیس جمهور، وضعیت جنگ بررسی شد. آقای هاشمی در دفتر خود در این خصوص می‌نویسد: «برای عملیات بزرگ آینده، شش ماه وقت می‌خواستند که صحیح به نظر نرسید. از آنها خواستیم درباره عملیات کوچک برنامه‌ریزی کنند.»<sup>(۲۱۴)</sup> تداوم اختلاف ارتش و سپاه همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که آقای هاشمی در خاطرات خود به آن اشاره می‌کند و از تأثیرات آن در عملیات آینده می‌نویسد:

«شب در دفتر آقای خامنه‌ای برای جنگ جلسه‌ای داشتیم. فرمانده نیروی زمینی و محسن رضایی بر سر فرماندهی عملیات اختلاف دارند. صیاد‌شیرازی می‌خواهد وحدت فرماندهی باشد و آن هم از ارتش و برای سپاه گران است. قرار شد اولین عملیات را مثل گذشته مشترک انجام دهدن اگر خواستند، عملیات جداگانه‌ای هم داشته باشند. ولی صیاد نمی‌خواهد یا نمی‌تواند عملیات مستقل انجام دهد و سپاه موافق است. اختلاف فرماندهان جبهه، مشکل‌ساز شده است.»<sup>(۲۱۵)</sup>

در حالی که روند تحولات نظامی پس از فتح خرم‌شهر وضعیت مطلوبی نداشت بروز اختلاف میان سپاه و ارتش در نحوه طراحی و اجرای عملیات، دورنمای نامطلوبی را ترسیم می‌کرد و همین امر منشأ نگرانی<sup>\*</sup> در تهران بود. عملیات خیر را سپاه در پاسخ به ضرورت "شکستن بن‌بست تاکتیکی جنگ" و بلوغ دفاعی ایران<sup>(۲۱۶)</sup> طراحی کرد. آقای هاشمی در دفتر خود در این زمینه می‌نویسد: «ابتکار از سپاه بود. فرماندهی سپاه معتقد است با عملیات کلاسیک عادی، نمی‌شود دشمن را شکست داد و باید از نقاطی که دشمن غافل است به شیوهٔ خاص سپاه وارد عمل شد. مثل همین (منطقه)

---

\* آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب چالش و آرامش بارها در مقدمهٔ متن کتاب با اظهار نگرانی از اختلاف ارتش و سپاه به این موضوع اشاره می‌کند که تلاش برای رفع اختلافات و هماهنگی وقت زیادی را از ایشان و سایر مسئولان به خود اختصاص داد. دربارهٔ این موضوع در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

هور، جزیره (مجنون) و ... اما فرماندهی ارتش این گونه عملیات را با آموزش‌ها، تجربه‌ها، ابزار و پرسنل خود، منطبق نمی‌دانند و مایل نیستند در آن شرکت کنند. مستقلاً هم نمی‌توانند عملیات قابل توجهی انجام دهند. این تضاد، کار را به اینجا رسانده که فردی خارج از نیروهای مسلح - مثل من - مسئول هماهنگی و فرماندهی شود.»<sup>\*</sup> سپس ایشان نتیجه می‌گیرد: «دستور را عمل می‌کنند اما چون اعتقادی به آن ندارند، بازده مطلوبی ندارد.»<sup>(۲۱۷)</sup> از نظر آقای هاشمی عملیات خیر "اهداف بسیار مهم و استراتژیک" داشت؛ زیرا با استقرار نیروهای خودی در ساحل شرقی رودخانه دجله و قطع جاده بصره به بغداد و تصرف جزایر مجنون که ضامن تأمین غرامت ایران بود، اهرم مناسبی در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌داد تا خواسته‌های خود را تأمین کند و به جنگ پایان دهد.<sup>(۲۱۸)</sup>

ویژگی عملیات خیر و تفاوت آن با عملیات‌های پیشین علاوه بر اهداف و تغییر منطقه نبرد، بیشتر حاصل از غافلگیری تاکتیکی<sup>(۲۱۹)</sup> با عبور از مرداب‌های هورالهویزه بود. این تاکتیک می‌توانست ضمن ایجاد رخنه در خطوط دفاعی عراق<sup>(۲۲۰)</sup> حفظ منطقه تصرف شده را ممکن سازد. بنابراین، قبل از آغاز عملیات آقای هاشمی می‌گوید: «در مراسم دعا از خداوند درخواست کردم که این عملیات به گونه‌ای موفق شود تا بتوانیم با استفاده از دستاوردهای آن به جنگ خاتمه دهیم.»<sup>(۲۲۱)</sup> با آغاز عملیات نیز آقای هاشمی در خاطرات خود می‌نویسد: «اطلاع دادند که نیروهای ما با دشمن درگیر شده‌اند، خدا کند که موفق بشویم، کم کم دارد وضع دشوار می‌شود.»<sup>(۲۲۲)</sup> پس از آشکار شدن نتایج عملیات ایشان می‌نویسد:

«من در ذهن خودم، امید بسته بودم که با این عملیات، راه ختم جنگ را باز

کنم\*\*، به این صورت که با در دست داشتن نقاط استراتژیک، در صورت

آتش‌بس، بتوانیم خواسته‌های خودمان را تأمین کنیم.»<sup>(۲۲۳)</sup>

\* آقای هاشمی قبل از سفر به منطقه برای عملیات خیر حکم فرماندهی خود را از امام دریافت کرد.

\*\* آقای هاشمی در گفت‌و‌گو درباره جنگ با اشاره به اینکه قبل از عملیات در جمع فرماندهان

عملیات خیر، با وجود امتیازات و برجستگی‌های استراتژیک و تاکتیکی و غافلگیری دشمن، بهدلیل مشکلات موجود در پشتیبانی و ناهمانگی‌ها، پس از تصرف جزایر مجنون به پایان رسید. در این عملیات، دشمن برای نخستین بار از بمب شیمیایی به نحو گسترده‌ای استفاده کرد، به گونه‌ای که هزاران نفر تنها بر اثر اصابت بمب شیمیایی مجرروح شدند.<sup>(۲۲۴)</sup> اعزام مجروحان شیمیایی به کشورهای اروپایی بازتاب گسترده‌ای داشت.<sup>(۲۲۵)</sup>

از نظر ایران استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی به این معنا بود که حامیان صدام، دست او را برای هرگونه شرارت و جنایتی باز گذاشته‌اند.<sup>(۲۲۶)</sup> این موضوع تا اندازه‌ای از اهداف عملیات خیر و نتایج احتمالی آن متاثر بود. در این عملیات، چنانکه اشاره شد، تصرف جزایر مجنون تنها موفقیت ایران<sup>(۲۲۷)</sup> محسوب شد. درباره ذخیره نفت آن اختلاف نظر وجود داشت و از دو میلیارد تا هفت میلیارد بشکه پیش‌بینی می‌شد.<sup>(۲۲۸)</sup>

آقای هاشمی معتقد بود: «اگر بپذیرند که جزیره مجنون به عنوان خسارت جنگی مال ما باشد که ما از آن برداشت کنیم، ممکن است بپذیریم.»<sup>(۲۲۹)</sup>

ابتدا برای تکمیل عملیات خیر تلاش‌هایی صورت گرفت\* و حتی پس از بازگشت آقای هاشمی و آقای رضایی از جبهه به تهران جلساتی برگزار شد و لی چنانکه آقای هاشمی در خاطرات خود می‌نویسد: «آقای رضایی تردید داشت عملیات خیر را بشود ادامه داد.<sup>(۳۰)</sup> حتی پس از جلسه‌ای که با حضور فرماندهان نظامی و قرارگاه در دفتر رئیس جمهوری وقت برگزار شد مذاکره کردیم اما به جایی نرسیدیم. نه سپاه طرحی آورده بود و نه ارتش.

نظمی درباره ضرورت پایان دادن به جنگ گفته است "اگر یک پیروزی بزرگ به دست بیاوریم می‌توانیم با پیروزی به ختم جنگ برسیم" اضافه می‌کند: البته (عملیات) خیر چیز دیگری بود. جزیره مجنون یک ویژگی دیگر هم داشت و گفته می‌شد که مهم‌ترین منابع نفتی عراق در جزایر مجنون است و می‌تواند گروگان خسارات باشد. (روزنامه کهان، ۱۳۸۲/۱۱/۱۴، ص ۱۲)  
\* آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود درباره جلسه با دکتر ولایتی که از سفرالجزایر و رومانی آمده بود می‌نویسد: «من گفتم اگر بتوانیم عملیات خیر را به تمامی اهدافش برسانیم، با دست پر می‌توانیم به مذاکره برای ختم جنگ و احراق حقوقمان بپردازیم. خوشحال شد که چنین فکری وجود دارد.» (همان، ص ۵۴۴، دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۲)

آقایان (رحیم) صفوی و (موسوی) قویدل هم با اصل عمل در اطراف بصره - با این شرایط - موافق نبودند. سرهنگ صیاد هم بر همان وحدت فرماندهی تکیه می کرد و بالاخره با اوقات تلخی جدا شد و رفت.<sup>(۳۲۱)</sup>

به این ترتیب، عملیات خیر به پایان رسید در حالی که درباره ادامه آن با توجه به هوشیاری دشمن و تمرکز نیرو در منطقه و مهمتر از آن تحلیل رفتن توان نظامی ایران تردید وجود داشت و برای ادامه جنگ نیز پیشنهاد روشی ارائه نشد.

### مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها

در حالی که ایران برای تعیین سرنوشت جنگ اجرای عملیات نظامی را در زمین دنبال می کرد عراق برای مقابله با این وضعیت حمله به جزیره خارک و مناطق غیرنظامی را برنامه ریزی کرده بود. در نتیجه، پس از فتح خرمشهر عراق حمله به شهرها را از سر گرفت و به موازات آن حمله به خارک را آغاز کرد. حملات عراق به شهرها بویژه حمله موشکی به دزفول و حملات خمپاره‌ای به شهر اهواز و سایر مناطق مسکونی در دوره اول جنگ به صورت متناوب انجام می شد<sup>\*</sup> ولی با آغاز عملیات رمضان حمله به مناطق مسکونی و به افراد غیرنظامی به شکل جدید و گسترده‌ای از سر گرفته شد.

آقای هاشمی به استراتژی جدید عراق واکنش نشان می دهد و اشاره می کند به اینکه «دولت عراق با بمباران‌های مکرر بسیاری از شهرهای مرزی ما از جمله خرمآباد، همدان و باختران، تعداد زیادی از هموطنان ما را شهید و مجروح کرده است» و با وجود آنکه «بسیاری از شهرهای عراق در تیررس کامل ایران قرار دارد» ولی ما از گلوله‌باران شهرهای عراق به دلیل "رأفت اسلامی و مقاصد انسان‌دوستانه" خودداری کردہ‌ایم؛ زیرا «جمهوری اسلامی خود را با مردم عراق در حال جنگ نمی‌داند». <sup>(۳۲۲)</sup> امام با استناد به هدف و

\* حملات موشکی و هوایی‌ماهی عراق به دزفول از ابتدا تا پایان جنگ به صورت متناوب انجام می شد ولی برخی از مناطق مانند اهواز و شادگان به صورت محدود از ماههای اول جنگ با خمپاره هدف قرار می گرفت.

ماهیت تهاجمات عراق به مناطق غیرنظمامی، با تبیین ماهیت جنگ دفاعی جمهوری اسلامی فرمودند: «صدام مهاجم و ما همیشه در حال دفاع بوده‌ایم. ما بر حسب حکم اسلام و قرآن و عقل نمی‌توانیم که دفاع نکنیم، آنها هر روز به شهرهای ایران و بر روی مردم بی‌دفاع، بمب یا موشک‌می‌اندازند و تا زمانی که آنها اینگونه تجاوز می‌کنند، ما دفاع خواهیم کرد.»<sup>(۲۳۳)</sup> آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور وقت در نماز روز عید فطر به استراتژی جمهوری اسلامی استناد و بر این موضوع تأکید می‌کند که «ما حاضر نیستیم مقابله به مثل کنیم و دیگر شهرهای عراق را بمباران کنیم» و نتیجه می‌گیرد: «پس تنها راه چاره این است که برویم و آتش توپخانه دوربرد دشمن را یا خاموش کنیم یا آن را آنقدر عقب بزنیم که قادر به گلوله‌باران شهرها و روستاهای ما نباشد.»<sup>(۲۳۴)</sup>

استراتژی ایران نه تنها تأثیر بازدارنده بر عراق نداشت بلکه بر اثر ناکامی عملیات رمضان، تهاجمات عراق تشدید شد. علاوه بر این، مردم عراق به پیام امام برای قیام علیه رژیم بعث هیچ واکنشی از خود نشان ندادند. آقای هاشمی قبل از عملیات مسلم بن عقيل با پیام هشدارآمیز در خطبه‌های نماز جمعه گفت: «صدام و حامیان صدام گوششان را خوب باز کنند. اگر حرف‌های قبلی من را گوش نکرند حرفاهاي را که حالا می‌خواهم بزنم گوش کنند. ما امروز و اگر نشد تا چند روز دیگر در سراسر مرز، همه جا توپ‌های دورزن که تا ۵۰ کیلومتر داخل خاک عراق را می‌توانند زیر آتش بگیرد مستقر می‌کنیم.» ایشان مجدداً یادآوری کرد: «ما می‌خواهیم با شیوه‌ای بجنگیم و حقمان را بگیریم و صدام و حزب بعث را از منطقه بیرون کنیم که به قیمت آوارگی میلیون‌ها نفر از مردم عراق تمام نشود، برای ما در حرکت جنگمن این استراتژی و اصل است.»<sup>(۲۳۵)</sup>

پس از عملیات والفجر مقدماتی، آقای هاشمی با نگرانی از حملات عراق اعلام کرد: «این دیگر قابل قبول نیست که وضع جنگ طوری ادامه یابد که صدام جرئت داشته باشد شهری مثل دزفول را، هر وقت شهوت‌ش اقتضاء کرد زیر باران موشک بگیرد.» در عین حال، آقای هاشمی پاسخ ایران را تغییر در

استراتژی نظامی دانست و گفت: «حرکت‌های نظامی در میدان‌ها باید از حالت دفاعی بیرون بباید و به حالت احقاق حق، گرفتن حق، اصلاح جامعه عراق و باز کردن راهی برای اینکه مردم عراق بتوانند حقشان را از این ستمگرها بگیرند، تبدیل شود.»<sup>(۲۳۷)</sup> پس از عملیات والفجر ۱ نیز آقای هاشمی می‌گوید: «همراه رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور به خدمت امام رفتیم، راجع به حمله توپخانه به شهرهای عراق مشورت کردیم، امام مخالفت و امر به صبر کردند و گفتند: ما با مردم عراق طرف نیستیم.»<sup>(۲۳۸)</sup> بیست روز بعد آقای موسوی اردبیلی پس از جلسه با امام درباره اجرای فرمان هشت ماده‌ای امام، در حمله به شهرهای عراق به آقای هاشمی می‌گوید: «امام گفته‌اند باید در میدان بجنگیم و شهرها را نباید بزیم.»<sup>(۲۳۹)</sup> بعدها آقای هاشمی درباره نظر امام و دلیل مخالفت ایشان در ورود به داخل عراق و حمله به شهرهای عراق می‌گوید: «در عملیات رمضان و بعد از آن وقتی ما می‌خواستیم مقابله به مثل بکنیم ایشان می‌گفتند که مردم عراق با ما هستند. یکی از ادله‌ای که حضرت امام بیان می‌کردند که ما داخل خاک عراق نرویم این بود که می‌گفتند مردم اذیت می‌شوند و تعصب مردم آنها به نفع صدام نیست، بعداً به نفع صدام و علیه ما می‌شود؛ یعنی یکی از ملاحظات ایشان که موافق با داخل شدن ما در خاک عراق نبودند، این بود که مردم را با تعصب ملی - وطنی در مقابل خودمان قرار ندهیم و تا آخر هم این گونه فکر می‌کردند.»<sup>(۲۴۰)</sup>

گرچه تفکر امام مانع از حمله هواپیماهای عراقی به شهرها نشد و حتی دامنه حملات عراق تشدید شد و بعدها به تهران با موشک حمله کرد ولی منطق حاکم بر تفکر امام بر پایه همبستگی با مردم عراق و تفکیک میان رژیم عراق و مردم این کشور بود. امام مایل بود از شکاف موجود علیه رژیم عراق بهره‌برداری نماید و در عین حال از نزدیک شدن مردم عراق به رژیم بعثت مانع شود. تحقق این استراتژی با کسب پیروزی نظامی و با شکست قطعی دشمن از طریق عملیات نظامی ممکن بود. تا بدین‌وسیله رعب ناشی از قدرت

رژیم بعث در داخل عراق شکسته شود\* و مردم به مقابله با رژیم بعث اقدام نمایند. در صورتی که پس از عملیات رمضان از نظر نظامی امکان دستیابی به پیروزی و شکست قطعی دشمن رو به کاهش بود و عراق متقابلاً برای تشدید فشار به ایران در حال دریافت تجهیزات\*\* جدید نظامی و افزایش دامنه حملات به شهرها و مناطق غیرنظامی بود. عراق می‌کوشید تا با برخورداری از برتری هوایی، ایران را\*\*\* به پذیرش آتش‌بس یا صلح وادار نماید.<sup>(۲۴۱)</sup>

تداوی حملات عراق به شهرها وضعیت نگران کننده‌ای به وجود آورد. امام اظهار امیدواری کردند حضور مردم در صحنه بیشتر شود و "از جنگ خسته نشوند"<sup>(۲۴۲)</sup> و متقابلاً در برابر کسانی که "در خانه نشسته‌اند و می‌گویند مردم خسته شده‌اند از جنگ"<sup>(۲۴۳)</sup> با اشاره به واکنش مردم پس از اصابت موشک به مناطق مسکونی، از سردادن شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی"<sup>(۲۴۴)</sup> برای آمادگی روحی مردم استفاده کردند. از نظر امام جنگ با عراق "جنگ سرنوشت‌ساز"<sup>(۲۴۵)</sup> بود که در یک طرف، دشمن با همه تجهیزات و پشتیبانی همه قدرت‌ها به میدان آمده بود در حالی که ملت ایران بریده از قدرت‌های بزرگ و با اتكای به خدای بزرگ در میدان بود و "این جوان‌های ما هستند که باید این سرنوشت را به آخر برسانند"<sup>(۲۴۶)</sup> و هر چه زودتر جنگ را با پیروزی به پایان برسانیم.<sup>(۲۴۷)</sup>

در چارچوب همین ملاحظات، امام خمینی بر ضرورت ادامه جنگ تأکید و با سیاست مقابله به مثل موافقت کردند. به نوشته آقای هاشمی‌رفسنجانی: «بالاخره امام دیروز در ملاقات با رئیس جمهور از مخالفت دست برداشتند». <sup>(۲۴۸)</sup> زیرا عراق در حملات حریص‌تر شده و رفته‌رفته نارضایتی

\* این حادثه گرچه در دوره جنگ ایران با عراق واقع نشد ولی پس از شکست صدام در کویت، وقوع اتفاقه در عراق نمونه‌ای از تأثیرات پیروزی نظامی بر عراق بود.

\*\* درباره دریافت هوایی‌های سوپرانو دارد، میراث و موشک‌های اگزوست از فرانسه و سایر کشورها برای حمله به تأسیسات نفتی و مناطق غیرنظامی در صفحات بعد بحث خواهد شد.

\*\*\* امام نیز از ماهیت حملات عراق به شهرها همین تفسیر را داشتند: «صدام گمان کرده است با این نحو جایات می‌تواند صلح را بر ما تحمیل کند و حال آنکه هر یک از جنایات، او را از صلح دور و ما را مصمم‌تر می‌کند». <sup>(۲۴۹)</sup> صحفه نور، ج ۱۸، ص ۶۳، ۵/۲۰۱۳

مردم و نیروهای مسلح آشکار می‌شد.<sup>(۲۴۹)</sup> بنابراین قرار شد با "هدف بازدارندگی"<sup>(۲۵۰)</sup> مقابله به مثل صورت بگیرد. قرار شد قبل از موشک باران برای تخلیه مناطق مسکونی هشدار لازم به مردم عراق داده شود.<sup>(۲۵۱)</sup> بدین ترتیب با تغییر سیاست ایران از "سکوت" به "واکنش با هدف بازدارندگی" و همزمان با اعلام آقای هاشمی در نطق پیش از دستور در مجلس، گلوله باران سه شهر بصره، مندلی و خانقین با اخطار قبلی آغاز شد. اکثر نمایندگان مجلس این اقدام را با امضای بیانیه‌ای تأیید کردند و سیاست مقابله به مثل موجب خرسندي مردم شد.<sup>(۲۵۲)</sup>

### تغییر در نگرش ایران به صلح

حمایت قدرت‌های بزرگ از صدام و افزایش توانایی دفاعی ارتش عراق، استراتژی ایران را برای "دستیابی به صلح با تکیه بر یک پیروزی" با ناکامی همراه کرد. این موضوع هم در تفکر عملیاتی و تاکتیک‌های نظامی، تغییری تدریجی ایجاد کرد و هم در عرصه سیاسی که شامل روابط خارجی و نحوه نگرش به صلح بود تغییراتی بر جای نهاد. ادامه این روند در تعامل فعال ایران با دبیرکل سازمان ملل و سرانجام واکنش در برابر قطعنامه ۵۹۸ بسیار مؤثربود. با آشکار شدن نتایج عملیات رمضان آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه از سیاست قدرت‌های بزرگ در جنگ تحلیلی کرد و گفت: «برخلاف ادعاهایشان با همه وجود تمایل دارند که جنگ ایران و عراق سال‌ها بماند.» ایشان به اهداف منطقه‌ای دشمنان جمهوری اسلامی اشاره و اضافه کرد: «برنامه‌شان این است که جنگ ادامه یابد و دو کشور در برابر هم باشند.»<sup>(۲۵۳)</sup> آنها می‌خواهند این جنگ یک جوری بماند تا صدام باشد و ما هم باشیم، مقابل هم بجنگیم.<sup>(۲۵۴)</sup> آقای هاشمی ضمن تأکید بر اینکه «اگر امریکا می‌گوید جنگ تمام بشود دروغ می‌گوید»،<sup>(۲۵۵)</sup> مجدداً بر ضرورت و هدف عملیات رمضان اشاره کرد و گفت: «نه جنگ نه صلح، عالی‌ترین وضعی که در منطقه مطلوب اینهاست. اگر ما در مرزهایمان می‌ماندیم، همین بود نه به ما

خسارت می‌دادند و نه حاضر بودند یک قدم از برنامه‌هایی که دارند عقب‌نشینی کنند.»<sup>(۲۵۶)</sup>

امام خمینی نیز پس از عملیات رمضان مجدداً بر پیوستگی میان هجوم اسرائیل به لبنان با موضوع جنگ اشاره و تأکید کردند: «این مسئله‌ای بود که با طرح امریکا عمل شد. هدف از این طرح این بود که این جنگ هم ادامه پییدا بکند و بهره‌برداری را امریکا بکند.»<sup>(۲۵۷)</sup> «تا دولت مقتدر ایران سرگرم دفاع از کشور خود شود و اسرائیل غاصب مجال پیدا کند.»<sup>(۲۵۸)</sup> از نظر امام ابرقدرت‌ها نه شخص صدام را می‌خواهند نگه‌دارند و نه ما را می‌خواهند بکوبند بلکه آنها از اسلام می‌ترسند و اسلام را می‌خواهند بکوبند از این جهت با ما مخالفند و از او طرفداری می‌کنند.»<sup>(۲۵۹)</sup>

در عین حالی که این تصور به وجود آمده بود که امریکا با ادامه جنگ و طولانی شدن آن به دنبال اهداف خود در منطقه و هدف تجزیه قوای ایران و عراق است ولی برای اتمام جنگ موانع وجود داشت که بر پیچیدگی‌ها و دشواری‌های موجود می‌افزود. به همین دلیل، ایران در حالی که برای تأمین اهداف خود بر اقدام نظامی پاپشاری می‌کرد، همچنان بر شرایط اصولی خود برای پایان دادن به جنگ تأکید داشت. امام خمینی پس از عملیات رمضان ماهیت دفاعی جنگ و ادامه اشغال عراق بر برخی از مناطق ایران را توضیح دادند<sup>(۲۶۰)</sup> و فرمودند: «اشخاصی که عادل هستند ببینند ما چه می‌خواهیم. ما می‌گوییم این جنایتی کرده است، این جنایات باید جبران بشود، اگر ما دست از جنایتکار برداریم جانی هستیم، کمک به جنایت، خودش یک جنایتی است.»<sup>(۲۶۱)</sup> امام اعلام آمادگی کردند که «ما حاضریم صلح کنیم، ولی نمی‌شود متجاوز را مجازات نکرد و غرامت تجاوز را نگرفت؛ اسلام چنین اجازه‌ای به ما نمی‌دهد.»<sup>(۲۶۲)</sup> در واقع، مفهوم صلح از نظر امام مشخصه‌هایی داشت که به نظر می‌رسید دستیابی به صلح با صدام ممکن نباشد. امام با برداشتی که از شخصیت صدام داشت معتقد بود: «صدام یک جانی است که به هیچ یک از تعهداتی که می‌کند اعتبار نیست. او با دولت سابق (رزیم شاه)

با اینکه غیرقانونی بود تعهد کرده بود و او را به هم زد او هر روز عوض می‌کند افکارش را، یک انسانی نیست که بشود با او صلح کرد. شما گمان می‌کنید که اگر ما با صدام صلح کنیم به این صلح ادامه می‌دهد؟»<sup>(۲۶۳)</sup> به همین دلیل امام اظهار می‌کرد: «آن صلحی که ما می‌خواهیم، امثال صدام نمی‌توانند بفهمند چی است، آنها صلح‌ها را مثل صلح‌هایی می‌دانند که در زمان‌های سابق، دولت‌های متخاصل با هم صلح می‌کردند، در عین حال که صلح می‌کردند باطن‌شان در جنگ بود که چه وقت فرصت پیدا کنند و بچاپند همه را. صلح صدامی این سخن صلح است.»<sup>(۲۶۴)</sup> ایشان تأکید کردند: «ما صلح می‌خواهیم نه صلح صدامی را.»<sup>(۲۶۵)</sup> از نظر امام صدام و حامیانش می‌خواستند صدام به اسم صلح مهلت پیدا بکند و بعدها شرارت بکند.<sup>(۲۶۶)</sup> و چنین صلحی با طرح امریکا، صلحی امریکایی است و ملت ایران اگر می‌خواست صلح امریکایی بکند، همان اول از امریکا جدا نمی‌شد.<sup>(۲۶۷)</sup> طبیعتاً چنین صلحی را چنانکه امام خمینی می‌گوید: «شورای امنیت هم اگر بگوید، ما نمی‌پذیریم، همه عالم بگویند، ما اینطور صلح را نمی‌توانیم بپذیریم، هیچ عاقلی این صلح را نمی‌پذیرد. ما صلح را قبول داریم ولی صلح شرافتمندانه. صلحی که باید بفهمند متجاوز چه کرده است. صلحی که باید خسارت این کشور جبران شود.»<sup>(۲۶۸)</sup>

واکنش ایران در برابر تلاش و پیشنهادهای هیئت‌های میانجیگری در چارچوب اصول مورد نظر و با توجه به اوضاع سیاسی و نتایج عملیات‌های نظامی و موازنۀ موجود میان ایران و عراق صورت می‌گرفت. چنانکه در برابر نامه رئسی ا جمهور ترکیه، پاکستان و گینه برای میانجیگری و مذاکره در زمان عملیات رمضان جواب ایران طبق معمول گذشته بود و چنین تحلیل شد که این تلاش‌ها بیشتر برای گرفتن فرصت برای صدام به جهت تجدید قوا و پایین آوردن روحیه رزمندگان ما و ایجاد تردید در آنها در خصوص جدی بودن جنگ است.<sup>(۲۶۹)</sup> یکی از دلایل این نتیجه‌گیری این بود که عراق یا اعراب هیچ پیشنهاد جدی در جهت پرداختن غرامت و دادن امتیاز و مقصراً

دانستن صدام<sup>(۲۷۰)</sup> ارائه ندادند حال آنکه واکنش ایران در برابر تلاش الجزایر پس از عملیات رمضان - با توجه به نقشی که پیش از این الجزایر در پایان دادن به درگیری نظامی ایران و عراق با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ م داشت - مثبت بود. چنانکه آقای هاشمی در خاطرات خود می‌نویسد: «این بار نیز دولت الجزایر برای تلاش به منظور خاتمه جنگ اعلام آمادگی نموده است که ما نیز از آن استقبال می‌کنیم»<sup>(۲۷۱)</sup> مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، نیز همین موضع را در برابر تلاش الجزایر اعلام کرد.<sup>(۲۷۲)</sup> این امر سبب شد الجزایر به فعالیت‌های خود ادامه دهد،<sup>(۲۷۳)</sup> اما این تلاش‌ها نیز به نتیجه نرسید و حتی پس از بروز شایعه عقب‌نشینی ایران از شرط محاکمه و سقوط صدام<sup>\*</sup>، آقای هاشمی در نماز جمعه تهران اعلام کرد: «نقل کردند که وزیر خارجہ الجزایر به اینجا آمده و برگشته و گفته است که ایران روی سقوط صدام حرفی ندارد و فقط گرفتن غرامت مطرح است، نه اینگونه نیست».<sup>(۲۷۴)</sup> تدریجیاً تحولات سیاسی - نظامی رویکرد ایران را برای پایان دادن به جنگ تا اندازه‌ای تغییر داد. در واقع اگر پیش از این تنها بر "راحل نظامی" تأکید می‌شد در دوره جدید و با توجه به سلسله عملیات‌هایی که پس از فتح خرمشهر انجام شد آقای هاشمی تأکید کرد: «صلح را با جنگ نمی‌خواهیم تحمیل کنیم»<sup>(۲۷۵)</sup> به نوشته آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود «حتی پس از عملیات والفجر ۱ وقتی با احمدآقا (خمینی) راجع به جنگ صحبت شد نظرشان این بود که بهتر است به طرف برقراری صلح برویم». ضمن اینکه عراق و استکبار جهانی روند تبلیغاتی جدیدی را آغاز کردند تا ایران را جنگ طلب و عراق را صلح طلب معرفی کنند.<sup>(۲۷۶)</sup> امام نیز موضع جدیدی گرفتند و اعلام کردند: «با صدام صلح نمی‌کنیم ولی با شرایط، آتش‌بس و متارکه جنگ را می‌پذیریم».<sup>(۲۷۸)</sup> قرار شد بر اساس مصوبه شورای عالی دفاع،

\* تلاش‌های الجزایر به پیدایش این شایعه منجر شد که ایران از شرط محاکمه صدام دست برداشته است. با توجه به همین ملاحظات و احتمال پایان یافتن جنگ، سوری‌ها نگران شدند و سفارت سوریه تلاش وسیعی را برای روشن شدن این موضوع انجام داد.  
(روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۳/۱۳، ص ۱۱، خاطرات دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۱)

آقای هاشمی طی مصاحبه‌ای اعلام کند هر هیئت میانجیگری که پیشنهاد تازه‌ای ندارد به ایران نیاید.<sup>(۲۷۹)</sup> این ملاحظات ضمن اینکه بر ادامه فشار نظامی بر صدام تأکید شد<sup>(۲۸۰)</sup> در عرصه سیاست خارجی و تبلیغات ایران تدریجاً تغییراتی به وجود آورد. چنانکه درباره پیام فهد شاه عربستان و پیشنهادهای وی واکنش مثبتی صورت گرفت.<sup>(۲۸۱)</sup> آقای هاشمی تأیید امام را هم تا اندازه‌ای در این زمینه به دست آورد.<sup>(۲۸۲)</sup> همچنین مرحوم احمد آقا طی تماسی با آقای هاشمی به ایشان اطلاع داد امام با پیشنهاد قطع شعارمرگ بر امریکا و مرگ بر شوروی از رسانه‌های دولتی موافقت کرده‌اند. همچنین با محدود کردن راه‌پیمایی‌ها با این استدلال که کم کم جاذبه‌خود را از دست داده است و مردم با آن شور اوی شرکت نمی‌کنند مسئولان توافق کردند.<sup>(۲۸۳)</sup>

## نتیجه‌گیری فصل دوم

با فتح خرمشهر و آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی، که در اختیار ارتش عراق بود، ادامه یا خاتمه جنگ به موضوعی بسیار اساسی و جدی در رسانه‌ها و محافل تصمیم‌گیری ایران و عراق و سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شد.

پیامدهای پیروزی ایران بر عراق برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مخاطره‌آمیز بود؛ زیرا ظهور ایران انقلابی به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای موازنی را تغییر می‌داد و منافع غرب را به چالش می‌کشید. این موضوع در سیاست‌های امریکا و غرب در برخورد با ایران نکته‌ای اساسی بود. در این مرحله، حامیان عراق دو گزینه در پیش رو داشتند؛ نخست تأمین خواسته‌های ایران با مت加وز شناختن عراق و پرداخت غرامت به ایران بود. این گزینه به معنای به رسمیت شناختن برتری ایران بر عراق بود و در داخل عراق و در منطقه پیامدهای وسیع داشت در نتیجه پذیرفته نشد.

گزینه دوم، مهار پیروزی‌های ایران با خودداری از توجه به خواسته‌های ایران بود. این گزینه به موازات تبلیغات وسیع درباره خطر پیروزی‌های ایران

و فراهم‌سازی زمینه‌های کمک گستردہ به عراق انتخاب شد.

ایران در چنین وضعیتی دو گزینه پیش رو داشت؛ نخست آنکه با تأمین خواسته‌های خود به جنگ پایان دهد، تا به این وسیله با صلح عادلانه و رفع تهدیدات و جلوگیری از تکرار مجدد آن، امنیت ملی کشور را تأمین و تصمیم نماید یا با پذیرش پیشنهاد امریکا و غرب، ضمن اعلام موافقت با برقراری آتش‌بس، مذاکره با عراق را درباره موضوعات مورد اختلاف آغاز کند. نگرانی موجود در کشور از پیامدهای پذیرش آتش‌بس و مذاکره با عراق با توجه به تجربه کشورهای عربی با اسرائیل هماهنگ با امیدواری به پیروزی بر عراق در ادامه پیروزی‌های پیشین، سبب شد استراتژی جدید ایران با تصرف منطقه‌ایی با اهمیت و تبدیل آن به اهرم فشار به عراق و حامیانش برای خاتمه دادن به جنگ طراحی و اجرا شود.

عملیات رمضان به منزله آغاز مرحله جدید بود. در این مرحله، در حالی که ایران به دنبال تحقق اهداف خود برای پایان دادن به جنگ بود، عراق تحت حمایت بین‌المللی، استراتژی دفاع مطلق را برای مهار تهاجمات ایران برگزید تا بدین‌وسیله از چرخش استراتژیک در روند تحولات جنگ جلوگیری نماید. عراق در چارچوب این استراتژی برای گسترش روابط خارجی خود بویژه برقراری ارتباط با امریکا می‌کوشید و برای تحلیل توان اقتصادی ایران و در نتیجه افزایش هزینه ادامه جنگ برای ایران، به جزیره خارک حمله کرد.

ایران پس از آشکار شدن نتایج عملیات رمضان علی ناکامی خود را تجزیه و تحلیل کرد و مجدداً برای تعیین سرنوشت جنگ اقدامات نظامی خود را از سر گرفت. عملیات والفجر مقدماتی و سپس عملیات والفجر ۱ با این اهداف انجام شد ولی به نتیجه نرسید.

در این مرحله، نگرانی از ناکامی نظامی و فشار بر مردم با جنگ شهرها و حمله به جزیره خارک علاوه بر اینکه به اتخاذ سیاست مقابله به مثل در جنگ شهرها منجر شد، نگرش ایران درباره تلاش‌های صلح را تغییر داد.

## منابع و مأخذ فصل دوم

- ۱۹—مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۵۸.
- ۲۰—مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۸۹.
- ۲۱—مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۹۰.
- ۲۲—مأخذ ۲.
- ۲۳—مأخذ ۲، شماره ۵، نیویورک تایمز، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۴۲.
- ۲۴—مأخذ ۴، ص. ۳۲۱ و ۳۵۲، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۸.
- ۲۵—مأخذ ۲، شماره ۱۰، ۱۳۶۱/۴/۲۹، ص. ۳۶.
- ۲۶—مأخذ ۲، ص. ۵۹.
- ۲۷—مأخذ ۲، ص. ۵۹.
- ۲۸—مأخذ ۴، ص. ۳۵۱ و ۳۵۲، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۳۱.
- ۲۹—مأخذ ۴، ص. ۳۱ و ۳۱۱، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۷.
- ۳۰—مأخذ ۴، ص. ۳۴۳ و ۳۴۴، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۳۰.
- ۳۱—مأخذ ۲، ص. ۶۴، رادیو امریکا.
- ۳۲—مأخذ ۲، ص. ۶۴، رادیو امریکا.
- ۳۳—مأخذ ۴، ص. ۲۶۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۴.
- ۳۴—مأخذ ۲، ص. ۶۴، رادیو امریکا.
- ۳۵—مأخذ ۲، ص. ۶۵.
- ۳۶—مأخذ ۲، ص. ۶۴، رایو امریکا.
- ۳۷—مأخذ ۴، ص. ۲۶۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۴.
- ۳۸—مأخذ ۲، شماره ۵، نیویورک تایمز، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۳۹.
- ۳۹—مأخذ ۲، ص. ۶۴، رادیو امریکا.
- ۱—خبرگزاری دانشجویان (ایسنا)، ۱۳۸۱/۱۰/۱۱، مایکل دابس، واشنگتن پست.
- ۲—خبرگزاری جمهوری اسلامی، "ویرثنه" گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۳، ص. ۳۲.
- ۳—همان، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۵، ص. ۴۲.
- ۴—علی‌الله‌زادگان، روزنامه جنگ ایران و عراق، کتاب ۲۰: عبور از مرز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص. ۳۴۴، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۳۰.
- ۵—مأخذ ۲، ص. ۵۸.
- ۶—مأخذ ۲، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۶۱.
- ۷—مأخذ ۴، ص. ۳۲۳، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۸.
- ۸—مأخذ ۴، ص. ۲۵۳، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۳.
- ۹—مأخذ ۴، ص. ۴۰۹ و ۴۱۰، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۶.
- ۱۰—مأخذ ۴، ص. ۳۰۸، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۷.
- ۱۱—مأخذ ۴، ص. ۲۸۶ و ۲۸۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۵.
- ۱۲—مأخذ ۲، شماره ۲۷، ۱۳۶۱/۵/۱۵، ص. ۵.
- ۱۳—مأخذ ۲، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۳۵.
- ۱۴—مأخذ ۴، ص. ۲۳۵ و ۲۳۶، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۲، به نقل از روزنامه واشنگتن پست چاپ امریکا.
- ۱۵—مأخذ ۲، شماره ۴، ص. ۲۶.
- ۱۶—مأخذ ۲، شماره ۳، ۱۳۶۱/۴/۲۲، ص. ۱۶.
- ۱۷—مأخذ ۲، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص. ۱۱.
- ۱۸—مأخذ ۴، ص. ۲۷۸، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۵.

- و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴، گزارش ۱۳۶۱/۴/۲۷ روز ۵۸ - همان، ص ۲۱۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۱ ۵۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه "گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان"، شماره ۴/۲۳، ۱۳۶۱/۴/۲۳، ص ۱۷.
- ۶۰ - مأخذ ۵۷، ص ۲۶۸ و ۲۶۹، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۴ ۶۱ - مأخذ ۵۷، ص ۳۰۴، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۷ ۶۲ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۱۲، ص ۸، "پس از بحران"، خاطرات پنجشنبه ۱۳۶۱/۴/۲۴ ۶۳ - همان، خاطرات شنبه ۱۳۶۱/۴/۲۶ ۶۴ - مأخذ ۵۷، ص ۳۹۸، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۵ ۶۵ - مأخذ ۵۷، ص ۵۴۵ و ۵۴۶، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۴ ۶۶ - مأخذ ۵۷، ص ۵۴۶ و ۵۴۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۴ ۶۷ - مأخذ ۵۷، ص ۵۴۶ و ۵۴۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۴ ۶۸ - مأخذ ۵۹، شماره ۱۵۵، ۱۳۶۱/۵/۳، ص ۲. ۶۹ - مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص ۸۱، رادیو صدای امریکا.
- ۷۰ - مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص ۱۴، یونایتد پرس.
- ۷۱ - مأخذ ۵۹، شماره ۲۳، ۱۳۶۱/۵/۱۱، ص ۹، هفتنه‌نامه آبزرور چاپ لندن.
- ۷۲ - آنسوونی کردمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۷۸.
- ۴۰ - مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا به نقل از وال استریت ژورنال، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص ۸۷. ۴۱ - مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۱/۴/۲۴ ۴۲ - مأخذ ۴، ص ۳۰۴، گزارش روز ۱۳۶۱/۷/۲۴ ۴۳ - روزنامه رسالت، ۱۳۸۲/۲/۳۱، ص ۶. ۴۴ - همان. ۴۵ - همان. ۴۶ - همان. ۴۷ - همان. ۴۸ - محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، پاورقی، آقای هاشمی در جلسه قرارگاه خاتم الانبیاء، ۱۳۶۴/۱۰/۱۴ ۴۹ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲، سخنرانی آقای هاشمی در کنگره شهدای عرصه خیبر. ۵۰ - فصلنامه تاریخ جنگ، سال ششم، بهار ۱۳۷۶ شماره ۱۵، ص ۴۵، بررسی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با حضور فرماندهان ارشد سپاه. ۵۱ - فصلنامه نگین، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲، شماره ۴، ص ۱۱۱، محسن رضایی، ۱۳۶۱/۴/۲۱ ۵۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۱۱/۱۴، ص ۱۲، گفت و گو با آقای هاشمی. ۵۳ - همان. ۵۴ - صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۲۴. ۵۵ - همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵. ۵۶ - مأخذ ۵۲. ۵۷ - علی لطف الله زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۲۰: عبور از مرز، مرکز مطالعات

- ۷۳—مأخذ ۵۷، ص ۵۳۴، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۲، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.
- ۷۴—مأخذ ۵۹، شماره ۲۴۵، ۱۳۶۱/۵/۱۲، ص ۳.
- ۷۵—مأخذ ۵۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۰، نیویورک تایمز.
- ۷۶—مأخذ ۵۹، شماره ۱۸۵، ۱۳۶۱/۵/۶، ص ۱۸، رادیو لندن.
- ۷۷—مأخذ ۵۹، شماره ۱۴۰، ۱۳۶۱/۵/۲، ص ۲۱.
- ۷۸—روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۱۱/۱۴، ص ۱۲، گفت و گو با آقای هاشمی.
- ۷۹—مأخذ ۵۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۹.
- ۸۰—مأخذ ۵۹، شماره ۱۲۵، ۱۳۶۱/۴/۳۱، ص ۱۷.
- ۸۱—مأخذ ۵۹، شماره ۱۲۵، ۱۳۶۱/۴/۳۱، ص ۱۷.
- ۸۲—مأخذ ۵۹، رادیو امریکا.
- ۸۳—مأخذ ۷۲، ص ۱۷۶.
- ۸۴—مأخذ ۵۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۰.
- ۸۵—مأخذ ۵۹، شماره ۱۱۵، ۱۳۶۱/۴/۳۰، ص ۵۹، رادیو صدای امریکا.
- ۸۶—مأخذ ۵۹، شماره ۲۰۰، ۱۳۶۱/۵/۸، ص ۶۰.
- ۸۷—افرام کارشن، جنگ ایران و عراق یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلغی بی پر، بهار ۱۹۷۸، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تکثیر معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۹.
- ۸۸—مأخذ ۷۲، ص ۱۷۶.
- ۸۹—مأخذ ۵۹، شماره ۱۸۵، ۱۳۶۱/۵/۶، ص ۱۱.
- ۹۰—مأخذ ۵۹، شماره ۱۱۵، ۱۳۶۱/۴/۳۰، ص ۶۰، نیویورک تایمز، رادیو امریکا.
- ۹۱—مأخذ ۵۹، شماره ۱۸۵، ۱۳۶۱/۵/۶، ص ۱۱.
- ۹۲—مأخذ ۵۹، شماره ۸۵، ۱۳۶۱/۴/۲۷، ص ۲۳.
- ۹۳—مأخذ ۵۷، ص ۲۶۶ و ۲۶۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۴.
- ۹۴—مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص ۶۹.
- ۹۵—مأخذ ۵۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۱۵، سفیر عراق در عربستان در مصاحبه با الجزایر، چاپ عربستان.
- ۹۶—مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص ۶۹.
- ۹۷—مأخذ ۵۹، شماره ۱۷، ۱۳۶۱/۵/۵، ص ۳۸.
- ۹۸—خبرگزاری جمهوری اسلامی، مشروح نهمین کنگره حزب بعث رژیم عراق درباره جنگ، ۱۳۶۲/۲/۲۴، ص ۳۸ و ۳۹، رادیو بغداد، ۱۳۶۱/۱/۶.
- ۹۹—مرتضی منطقی، نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ۱۰۰—مأخذ ۵۹، ۱۳۶۱/۱/۶.
- ۱۰۱—مأخذ ۵۷، گزارش روز ۱۳۶۱/۵/۲۰.
- ۱۰۲—مأخذ ۵۹، شماره ۲۲۵، ۱۳۶۱/۵/۳۴، ص ۲.
- ۱۰۳—سخنان صدام در جمجم نظامیان عراقی.
- ۱۰۴—همان.
- ۱۰۵—آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۱) و حقوق جنگ ایرانی، ترجمه فصل دوم احمد سالاری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۴، ص ۶۹.
- ۱۰۶—روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۴، ص ۸، "پس از بحران"، پاورقی سخترانی آقای

- ۱۱۷—مأخذ، ۵۷، ص. ۲۷۶، گزارش روز  
۱۳۶۱/۴/۲۵
- ۱۱۸—مأخذ، ۱۱۱، ص. ۱۷۴
- ۱۱۹—شفیق ناظم الغبرا، سخنرانی در دفتر  
مطالعات وزارت خارجه، دی ۱۳۶۵.
- ۱۲۰—همان.
- ۱۲۱—روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۶/۲۵، ص. ۵
- ۱۲۲—مأخذ، ۵۷، ص. ۳۱۹، گزارش روز  
۱۳۶۱/۴/۲۸
- ۱۲۳—مأخذ، ۵۷، ص. ۳۱۹، گزارش روز  
۱۳۶۱/۴/۲۸
- ۱۲۴—مأخذ، ۵۷، ص. ۴۱۰، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۶
- ۱۲۵—مأخذ، ۵۹، شماره ۱۵۵، ۱۳۶۱/۵/۳، ص. ۲۵
- ۱۲۶—مأخذ، ۵۷، ص. ۵۵۲، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۱۴
- ۱۲۷—کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه  
احمد تدبین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا،  
تهران، ۱۳۷۳، ص. ۲۵۷.
- ۱۲۸—روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۷/۱۴، ص. ۸
- ۱۲۹—وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشریه  
رسانه‌های دنیا، بولتن ویژه "بازتاب حمله  
احتمالی امریکا به عراق"، شماره ۷،  
۹۵، ۱۳۸۱/۹/۲۰
- ۱۳۰—مأخذ، ۵۹، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۲۶
- ۱۳۱—مأخذ، ۵۹، شماره ۵، ۱۳۶۱/۴/۲۴، ص. ۹۰
- ۱۳۲—مأخذ، ۱۲۷
- ۱۳۳—روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۲/۲۶، ص. ۶
- ۱۳۴—روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴، ص. ۸
- ۱۳۵—مأخذ، ۵۷
- ۱۳۶—مأخذ، ۱۳۴.
- هاشمی درباره پیروزی انقلاب، سال ۱۳۶۱ و  
خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۱، دفتر نشر معارف  
انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی  
انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶، جلد سوم،  
ص. ۴۲۵، خطبه دوم، ۱۳۶۱/۱۱/۱۵
- ۱۰۷—مأخذ، ۵۷، ص. ۳۹۲، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۴، مجله لبنانی الشراح.
- ۱۰۸—مأخذ، ۵۹، شماره ۶، ص. ۳۴، خبرگزاری  
جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۴/۲۴
- ۱۰۹—فیلیپ رابینز، "اهداف، استراتژی‌ها و  
مشکلات عراق در جنگ"، گروه ترجمه  
ماهnamه نگاه، ماهnamه نگاه، شهریور ۱۳۸۱،  
شماره ۲۶، ص. ۴۹ و ۵۰.
- ۱۱۰—دکتر مجید بزرگمهری (عضو هیئت  
علمی کمیسیون ملی یونسکو در ایران)، "روابط  
ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی  
ایران"، مجله سیاسی - اقتصادی (اطلاعات)،  
شماره ۱۱۱ و ۱۱۲، ص. ۴۳.
- ۱۱۱—ویژه نامه "بررسی جنگ" (بحran  
خلیجفارس)، معاونت سیاسی ستادکل،  
مهر ۱۳۶۶، ص. ۱۴۳ و ۱۴۴، رالف کینگ، مقاله  
"جنگ ایران و عراق - مفاهیم سیاسی ۱۹۸۶  
— ۱۹۸۵"، خبرگزاری جمهوری اسلامی،  
۱۳۶۶/۴/۲۱، نقل از نشریه ادلنی بی پر واسته  
به مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک در  
لندن.
- ۱۱۲—همان، ص. ۱۴۴
- ۱۱۳—مأخذ، ۵۹، شماره ۷، ۱۳۶۱/۴/۲۶، ص. ۷۱
- ۱۱۴—مأخذ، ۵۷، ص. ۲۸۵ و ۲۸۶، گزارش روز  
۱۳۶۱/۴/۲۵
- ۱۱۵—مأخذ، ۵۷، ص. ۳۸۰، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۳
- ۱۱۶—مأخذ، ۵۷، ص. ۶۵۰، گزارش روز  
۱۳۶۱/۴/۲۸

- ۱۳۷- مأخذ، ۵۷۲ ص و ۵۷۱، ۱۵۹ گزارش روز
- ۱۳۸- مأخذ، ۱۳۴
- ۱۳۹- مأخذ، ۱۳۴
- ۱۴۰- مأخذ، ۱۳۴
- ۱۴۱- مأخذ، ۱۴۱
- ۱۴۲- مأخذ، ۱۴۲
- ۱۴۳- مأخذ، ۱۴۳
- ۱۴۴- کامیاب منافی، فرانسه، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۳
- ۱۴۵- مأخذ، ۱۴۵
- ۱۴۶- مأخذ، ۱۴۶
- ۱۴۷- مأخذ، ۱۴۷
- ۱۴۸- مأخذ، ۱۴۸
- ۱۴۹- مأخذ، ۱۱۰
- ۱۵۰- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۶۲، آرمش و چالش، به اهتمام مهدی هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱
- ۱۵۱- مأخذ، ۱۵۱
- ۱۵۲- مأخذ، ۱۵۲
- ۱۵۳- مأخذ، ۱۵۳
- ۱۵۴- مأخذ، ۱۵۴
- ۱۵۵- مأخذ، ۱۵۵
- ۱۵۶- مأخذ، ۱۵۶
- ۱۵۷- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۱، بهار ۱۳۷۶، جلد دوم، ۵۰۷
- ۱۵۸- همان، ۱۳۶۱/۶/۱۲
- ۱۵۹- مأخذ، ۵۷۲ ص و ۵۷۱، ۱۵۹
- ۱۶۰- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۲۳
- ۱۶۱- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۲۳
- ۱۶۲- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۲۶
- ۱۶۳- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۲۸
- ۱۶۴- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۲۶
- ۱۶۵- مأخذ، ۱۳۶۱/۴/۲۸
- ۱۶۶- سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی (تهران: مرکز فرهنگی سپاه، چاپ دوم، ۱۳۸۰)، ص. ۹۰
- ۱۶۷- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۱۲
- ۱۶۸- مأخذ، ۱۳۶۱/۵/۱۱
- ۱۶۹- محسن رضایی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۶/۲۶
- ۱۷۰- دفتر یادداشت سردار غلامعلی رشید، گزارش جلسه قرارگاه مرکزی کربلا، ۱۳۶۱/۶/۳
- ۱۷۱- همان، جلسه ۱۳۶۱/۶/۵
- ۱۷۲- همان، مهر، ۱۳۶۱/۶/۲۵
- ۱۷۳- همان، پس از جلسه ۱۳۶۱/۶/۲۵
- ۱۷۴- همان، جمع‌بندی پس از اتمام جلسه ۱۳۶۱/۶/۲۲
- ۱۷۵- همان، جمع‌بندی پس از اتمام جلسه ۱۳۶۱/۶/۲۲
- ۱۷۶- همان، گزارش برادر رضایی از جلسه شورای عالی دفاع، ۱۳۶۱/۶/۱۷

- ۱۷۷- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، جلد ۱۶، ص ۲۴۵/۱۷، ۱۳۶۱/۵/۱۷
- ۱۷۸- همان، ص ۲۷۵/۶/۹
- ۱۷۹- مأخذ ۱۵۷، ص ۵۰۹/۱۷
- ۱۸۰- مأخذ ۱۷۰، جمع‌بندی پس از جلسه ۱۳۶۱/۶/۲۲
- ۱۸۱- مأخذ ۱۷۰، جلسه در ستاد مرکزی سپاه، ساعت ۱۰ صبح ۱۳۶۱/۶/۲۸
- ۱۸۲- مأخذ ۱۷۰، جمع‌بندی پس از جلسه ۱۳۶۱/۶/۲۲
- ۱۸۳- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "گزارش ۳۸ عملیات بزرگ"، ابوالقاسم حبیبی، منتشر نشده، ص ۵۱.
- ۱۸۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۷
- ۱۸۵- مأخذ ۱۷۰، ۱۳۶۱/۸/۱۴، جلسه با حضور آقای هاشمی، محسن رضایی، رحیم صفوی و غلامعلی رشید.
- ۱۸۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۴
- ۱۸۷- ناگفته‌های جنگ، خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲.
- ۱۸۸- دفتر یادداشت سردار غلامعلی رشید، ستاد ناجا در تهران، ۱۳۶۱/۸/۱۷
- ۱۸۹- همان، ۱۳۶۱/۸/۱۴
- ۱۹۰- همان، ۱۳۶۱/۸/۱۴
- ۱۹۱- همان، ۱۳۶۱/۸/۱۴
- ۱۹۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۸
- ۱۹۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۳
- ۱۹۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۴
- ۱۹۵- همان، خاطرات ۱۳۶۱/۱۱/۱۳
- ۱۹۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۵
- ۱۹۷- "پس از بحران"، خاطرات ۱۳۶۱/۱۱/۱۹
- ۱۹۸- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۲/۱۷
- ۱۹۹- مسعود سفیری، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها - گفت‌وگو با آقای هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۹۲، ص ۱۳۷۸
- ۲۰۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۵
- ۲۰۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۷
- ۲۰۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۶
- ۲۰۳- "پس از بحران"، گزارش ۱۳۶۱/۱۱/۲۳
- ۲۰۴- همان، گزارش ۱۳۶۱/۱۱/۲۸
- ۲۰۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۱۱/۱۳، ص ۱۲، گفت‌وگو با آقای هاشمی.
- ۲۰۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۱۷
- ۲۰۷- مأخذ ۱۹۹، ۹۴، ص ۱۳۶۲/۱/۵
- ۲۰۸- مأخذ ۱۵۷، جلد سوم، ص ۴۷۱، خطبه دوم، ۱۳۶۱/۱۲/۶
- ۲۰۹- مأخذ ۱۵۷، جلد سوم، ص ۴۷۰ و ۴۷۱، خطبه دوم، ۱۳۶۱/۱۲/۶
- ۲۱۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۴/۱۱
- ۲۱۱- "پس از بحران"، دوشنبه، ۱۳۶۱/۱۲/۲۳
- ۲۱۲- مأخذ ۱۸۷، ص ۳۴۳.

- ۲۳۱—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۷، گزارش ۱۳۶۲/۱۲/۱۴
- ۲۳۲—مأخذ ۵۷۵، ص. ۳۰۵، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۲۷
- ۲۳۳—صحیفه نور، جلد ۱۷، ص. ۱۳، مأخذ ۱۳۶۱/۶/۱۷
- ۲۳۴—مأخذ ۵۷۸، ص. ۳۵۰، گزارش روز ۱۳۶۱/۴/۳۱
- ۲۳۵—مأخذ ۱۵۷، ص. ۷۱ و ۷۲، خطبه دوم، ۱۳۶۱/۷/۲
- ۲۳۶—مأخذ ۱۵۷، ص. ۳۲۰، ۱۳۶۱/۱۰/۳
- ۲۳۷—مأخذ ۱۵۷، ص. ۳۲۰، ۱۳۶۱/۱۰/۳
- ۲۳۸—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲، ۱۳۶۲/۲/۳
- ۲۳۹—مأخذ ۱۵۰، ص. ۸۳، ۱۳۶۲/۲/۲۴
- ۲۴۰—صاحبه اختصاصی نویسنده با آقای هاشمی، ۱۳۷۹/۱۲/۱
- ۲۴۱—مأخذ ۷۲۷، ص. ۱۸۲
- ۲۴۲—بنیاد حفظ و آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، عزت راز جاوانگی، ۱۳۷۴، ص. ۸۵
- ۲۴۳—صحیفه نور، جلد ۱۸، ص. ۶۹.
- ۲۴۴—همان.
- ۲۴۵—همان، ص. ۶۰.
- ۲۴۶—همان، ص. ۶.
- ۲۴۷—مأخذ ۲۴۲، ص. ۴۰، امام خمینی ۱۳۶۲/۳/۱۴
- ۲۴۸—مأخذ ۱۵۰، ص. ۴۸۱، گزارش ۱۳۶۲/۵/۱۷
- ۲۴۹—مأخذ ۱۵۰، ص. ۴۸۱، گزارش ۱۳۶۲/۱۱/۱۹
- ۲۵۰—مأخذ ۱۵۰، ص. ۴۸۱، گزارش ۱۳۶۲/۱۱/۱۹
- ۲۵۱—مأخذ ۱۵۰، ص. ۴۸۵، گزارش ۱۳۶۲/۱۱/۲۳
- ۲۵۲—مأخذ ۱۵۰، ص. ۴۸۵، گزارش ۱۳۶۲/۱۱/۲۳
- ۲۵۳—مأخذ ۱۵۷، ص. ۴۰۰ و ۴۰۱، خطبه دوم ۱۳۶۱/۵/۸
- ۲۱۲—محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص. ۵۶
- ۲۱۳—مأخذ ۱۵۰، ص. ۳۲ و ۳۳، گزارش ۱۳۶۲/۲/۴
- ۲۱۴—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۳، گزارش ۱۳۶۲/۲/۴
- ۲۱۵—مأخذ ۱۵۰، ص. ۸۵، گزارش ۱۳۶۲/۲/۲۶
- ۲۱۶—روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۰/۷/۵، ص. ۸، گفت و گو با سردار غلامعلی رشید جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح.
- ۲۱۷—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۱۴، گزارش جمعه ۱۳۶۲/۱۲/۵
- ۲۱۸—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۰۱ و ۵۰۲، دوشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۱۱
- ۲۱۹—مأخذ ۷۲۷، ص. ۲۰۸
- ۲۲۰—مأخذ ۷۲۷، ص. ۲۳۲
- ۲۲۱—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۰۷، گزارش چهارشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۳
- ۲۲۲—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۳، گزارش پنجشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۱۱
- ۲۲۳—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۲، گزارش پنجشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۱۱
- ۲۲۴—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۰، گزارش سهشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۹
- ۲۲۵—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۳۴ و ۵۳۵، گزارش شنبه ۱۳۶۲/۱۲/۲۰
- ۲۲۶—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۱۷ و ۵۱۸، گزارش دوشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۸
- ۲۲۷—مأخذ ۷۲۷، ص. ۲۱۱
- ۲۲۸—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۸ و ۵۲۹، گزارش ۱۳۶۲/۱۲/۱۶
- ۲۲۹—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۴ و ۵۲۵، گزارش ۱۳۶۲/۱۲/۱۳
- ۲۳۰—مأخذ ۱۵۰، ص. ۵۲۸، گزارش ۱۳۶۲/۱۲/۱۵

- ۲۷۱—مأخذ، ۵۷۵، ص. ۴۰۸، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۶
- ۲۷۲—مأخذ، ۵۷۵، ص. ۳۸۹، گزارش  
روز، ۱۳۶۱/۵/۴
- ۲۷۳—روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۱،  
"پس از بحران"، ۱۳۶۱/۷/۲۴
- ۲۷۴—مأخذ، ۱۵۷، جلد سوم، ص ۴۶۹ و ۴۷۰،  
خطبه دوم ۱۳۶۱/۱۲/۶
- ۲۷۵—مأخذ، ۲۵۷، جلد چهارم، ص ۴۵۶، خطبه  
دوم، ۱۳۶۲/۵/۲
- ۲۷۶—مأخذ، ۱۵۰، ص. ۷۰، گزارش ۱۳۶۲/۲/۱۷
- ۲۷۷—مأخذ، ۲۵۴، ص. ۶۷، خطبه دوم،  
۱۳۶۲/۷/۱
- ۲۷۸—روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۲،  
ص. ۸، گزارش ۱۳۶۱/۸/۱
- ۲۷۹—روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۲۳،  
ص. ۸، گزارش ۱۳۶۱/۸/۱۰
- ۲۸۰—مأخذ، ۵۷۵، ص. ۴۰۸، گزارش روز  
۱۳۶۱/۵/۶
- ۲۸۱—مأخذ، ۱۵۰، ص. ۳۵۵
- ۲۸۲—مأخذ، ۱۵۰، ص. ۳۸۹ و ۳۹۰، ۱۳۶۲/۱/۲۷
- ۲۸۳—مأخذ، ۱۵۰، ص. ۱۳۶۲/۱/۱۶، ۳۴۰
- ۲۵۴—خطبه های جمعه سال ۶۲، جلد پنجم،  
ص. ۱۱۱، خطبه دوم ۱۳۶۲/۷/۲۲
- ۲۵۵—خطبه ها و جماعات، حزب جمهوری  
اسلامی، جلد چهارم، دی ۱۳۶۲، خطبه دوم،  
۱۳۶۱/۵/۸
- ۲۵۶—همان.
- ۲۵۷—صحیفه نور، جلد ۱۷، ص. ۶/۱۴  
۱۳۶۱/۶/۱۴
- ۲۵۸—صحیفه نور، جلد ۱۸، ص. ۱۲۱،  
۱۳۶۲/۶/۳۱
- ۲۵۹—همان، ص. ۱۱۱، ۱۳۶۲/۶/۲۸، ۷—مأخذ، ۲۵۷،  
۷، ص. ۲۶۰
- ۲۶۰—مأخذ، ۲۵۷، ۷، ص. ۷
- ۲۶۱—مأخذ، ۲۵۷، ۷، ص. ۱۴
- ۲۶۲—مأخذ، ۲۵۷، ۱۴، ص. ۱۴
- ۲۶۳—مأخذ، ۲۵۸، ۲۲۱، ص. ۱۱/۲۸
- ۲۶۴—مأخذ، ۲۵۷، ۴۷، ص. ۴۷
- ۲۶۵—مأخذ، ۲۵۷، ۴۷، ص. ۴۷
- ۲۶۶—مأخذ، ۲۵۸، ۱۷۶، ص. ۹/۱۲
- ۲۶۷—مأخذ، ۲۴۲، ۵۰، ص. ۴۹ و ۴۰
- ۲۶۸—مأخذ، ۲۴۲، ۴۸، ص. ۱۳۶۲/۶/۱
- ۲۶۹—روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۳/۱۳،  
ص. ۱۱، "پس از بحران"، خاطرات ۱۳۶۱/۵/۱
- ۲۷۰—همان.

## فصل سوم

### برقراری موازن

- ✓ جنگ بدون برنده
- ✓ شکست امریکا در لبنان
- ✓ حمایت راهبردی امریکا از عراق
- ✓ کمک‌های اطلاعاتی به عراق
- ✓ کمک‌های مالی به عراق
- ✓ کمک‌های تسلیحاتی به عراق
- ✓ فشار - دیپلماسی در برابر ایران
- ✓ استراتژی عراق
- ✓ جنگ نفتکش‌ها
- ✓ جنگ شیمیایی
- ✓ استراتژی ایران
- ✓ سیاست خارجی درهای باز
- ✓ تغییر در استراتژی عملیاتی
- ✓ تصرف فاو
- ✓ پیشروی به سمت بصره
- ✓ مقابله به مثل در جنگ نفتکش‌ها
- ✓ مقابله به مثل در جنگ شهرها
- ✓ نتیجه‌گیری فصل سوم

## برقراری موازنه

### جنگ بدون برنده

چارچوب و مفاهیم اساسی "جنگ بدون برنده" که هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا، تنها هفت روز پس از تجاوز عراق به ایران طرح کرد از این امر کلی متأثر بود که سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، وضع موجود را در منطقه تغییر داده و منافع کلیه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای را به چالش گرفته است. ضرورت مهار و کنترل پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توافق و اجماع قدرت‌های بزرگ قرار گرفت و عراق در همین چارچوب و در خط مقدم مقابله با انقلاب و نظام ایران جنگ را آغاز کرد. افرایم کارش بر این نظر است که همین ملاحظات سبب شد تا از عراق حمایت کامل جهانی به عمل آید و به صدام حسین اجازه داده شود که ادعا کند عراق کشور خط مقدم در جنگ بین امت عرب و ایران انقلابی است. گروهی از کشورهای بسیار نامتجانس کوشیدند تا عراق را از شکست قطعی نجات بدهند.<sup>(۱)</sup>

امریکایی‌ها پس از آغاز جنگ مایل به پیروزی مطلق عراق بر ایران نبودند؛<sup>(۲)</sup> زیرا موقعیت ژئوپلیتیک ایران و بهره‌برداری احتمالی شوروی<sup>\*</sup> (پیشین) از فروپاشی ایران منافع غرب را به مخاطره می‌انداخت. بنابراین، راهبرد بنیادین امریکا در برابر جنگ ایران و عراق را هنری کیسینجر نظریه‌پرداز و وزیر خارجه اسبق امریکا با ارائه‌دادن مفهوم "جنگ بدون

\* بنابر تحلیل خانم شیرین هاتر، از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست امریکا در برابر ایران بر دو هدف متمن کرده است: مهار کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از تسلط شوروی بر ایران. (شیرین هاتر، فصلنامه فارسی‌افز، چاپ امریکا، هفته نامه ایران‌تاپ، چاپ خارج از کشور، ش ۹۴۷/۱۰/۲۲)

برنده" \* بیان کرد.<sup>(۳)</sup> کیسینجر بر این نظر بود که پیروزی کامل هر کدام از طرفین مתחاصم منافع کشورهای صنعتی و حتی شوروی را به خطر می‌اندازد؛ پیروزی ایران ثبات سیاسی و اقتصادی جهان و کشورهای منطقه را و پیروزی عراق عامل فشار بر کشورهای میانه و عرب بویژه کویت خواهد شد. به نوشته یکی از تحلیلگران، پیروزی ایران در جنگ با عراق علاوه بر تغییر موازنہ قوا در خلیج‌فارس، مطمئناً به ظهور نظمی اسلامی، که مرکزیت آن ایران است، می‌انجامید و این برای موقعیت شوروی در افغانستان و امنیت جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی شوروی، پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت.

آزادسازی مناطق اشغالی در سال دوم جنگ و شکست عراق در چندین عملیات پی‌درپی مجدد و ضعیتی را به وجود آورد که احتمال شکست قطعی عراق و تغییر در وضع موجود منطقه پیش‌بینی می‌شد. برهمین اساس کیسینجر در تیرماه ۱۳۶۱ و در آستانه عملیات رمضان طی مقاله‌ای در روزنامه «شنگن پست» با اشاره به تهدید منافع امریکا در منطقه و اهمیت "توازن قوا" یادآوری کرد: «این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش‌بس برقرار شود». <sup>(۴)</sup> تأکید بر "آتش‌بس" به این دلیل بود که از یکسو نسبت به عواقب گسترش پیروزی ایران بر عراق نگران بودند و پیش‌بینی لازم برای این موضوع به دلیل برتری‌های عراق صورت نگرفته بود و از سوی دیگر، دادن هرگونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری ایران در منطقه بود و این موضوع با منافع امریکا و غرب در تضاد بود. بنابراین، فشار برای "برقراری آتش‌بس" محور تلاش‌های سیاسی - تبلیغاتی امریکا قرار گرفت و هیچ‌گونه پیشنهاد مشخصی با در نظر گرفتن موقعیت برتر ایران و درخواست‌های این کشور، تهیه و ارائه نشد.

---

\* رالف کینگ در مقاله "جنگ ایران و عراق، مفاهیم سیاسی" نوشت: «مطمئناً می‌شود گفت که ناخوشایندی از اینکه عراق یا ایران دیگری را شکست دهد یک عقیده اساسی از زمان شروع جنگ بوده است.» [اویزه نامه "بررسی جنگ" (بحran خلیج‌فارس)، معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، مهر ۱۳۶۶ ص ۱۶۵]

وزیر خارجه وقت ایتالیا، جولیو اندرئوتی، در مصاحبه‌ای گفت: «راه حل ایده‌آل برای جنگ ایران و عراق این است که هیچ‌یک از طرفین جنگ فاتح نباشند.» (نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۹)

توقف عملیات‌های رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ تا اندازه‌ای نگرانی‌های اولیه امریکا را برطرف ساخت؛ زیرا عراق نشان داد در وضعیت جدید دفاعی و با توجه به حمایت‌های موجود در برابر تهاجمات ایران به مقاومت و مقابله و مهار و خنثی‌سازی آن قادر خواهد بود. در این دوره، سیاست‌های امریکا بر حل معضلات ناشی از اشغال بیروت توسط اسرائیل متتمرکز شد و چنانکه یک مقام وزارت خارجه امریکا بیان کرد: «مادامی که جنگ ایران و عراق بر متحدان ما در منطقه تأثیر نگذارد یا موازنۀ قدرت را بر هم نزند ما ذرّه‌ای اهمیت نمی‌دهیم.»<sup>(۵)</sup>

در واقع، نگرانی امریکا از پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر به مهار پیروزی‌های ایران منجر شد و در نتیجه، جنگ از وضعیتی پویا و تغییردهنده به جنگی فرسایشی تبدیل شد. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسید جنگ به بن‌بست رسیده است و عراق بر اثر از دست دادن بخش اعظم صادرات نفت خود با دشواری روبه‌رو خواهد شد.<sup>(۶)</sup> نگرانی از پیدایش این وضعیت<sup>\*</sup> همراه با وقوع دو حادثه انفجار مقر نیروهای امریکا در بیروت و عملیات خیر<sup>\*\*</sup> زمینه‌های تغییر سیاست امریکا را فراهم ساخت. مصباحی به تغییر سیاست امریکا، شوروی و مابقی کشورهای خارجی از منظر دیگری توجه کرده است و در این باره می‌نویسد: «پس از شکست در وادار کردن ایران از طریق اعمال فشار برای قبول یک راه حل از طریق مذاکره و مایل نبودن برای حمایت از مواضع ایران، شوروی و مابقی کشورهای خارجی در این نکته اتفاق نظر داشتند که به رغم تشدید گهگاه درگیری، این جنگ عملأً به بن‌بست رسیده و تا زمانی ادامه خواهد یافت که منابع اقتصادی و

\* امریکا پس از فتح خرمشهر کمک‌های گسترده اطلاعات نظامی و امنیتی را به عراق آغاز کرد که در فصل پیش توضیح داده شد. امریکا روابط بازرگانی با عراق را تشویق کرد و تسهیلاتی را برای صدور نفت عراق و متقابلاً ایجاد محدودیت برای ایران در همین زمینه‌ها آغاز کرد ولی همچنان نوعی نگرانی نسبت به احتمال شکست عراق وجود داشت.

\*\* درباره عملیات خیر در فصل قبل توضیح داده شد. مستلئه مهم این بود که تغییر تاکتیک ایران و حضور نیروهای ایران در شمال بصره و قطع جاده بصره – العماره رخنه نیروهای ایران را در خطوط دفاعی عراق بیان می‌کرد و این موضوع موجب نگرانی امریکا شد.

انسانی ایران تدریجاً تحلیل برود و تهران نهایتاً مجبور شود راحلی سیاسی را برگزیند».<sup>(۷)</sup>

### شکست امریکا در لبنان

تحولات جدید خاورمیانه از تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان و اشغال بیروت در سال ۱۳۶۱ متأثر بود. واکنش ایران به این حادثه و حضور نیروهای ایران در لبنان نقطه آغاز حضور و تأثیرگذاری ایران در صحنه معاذلات خاورمیانه و اسرائیل بود. پیوستگی تعاملات صحنه خاورمیانه با جنگ ایران و عراق برای امریکا در مدیریت و کنترل اوضاع چالش‌های فراوانی به وجود آورد.

رونده تحولات در لبنان و واکنش مردم لبنان بویژه شیعیان در برابر تجاوز اسرائیل، تدریجاً به حضور نیروهای امریکا در لبنان منجر شد. ضمن اینکه شعبه اطلاعات ارتش اسرائیل به این ارزیابی رسید که اگر اسرائیل توقف خود را طولانی کند ناخشنودی شیعیان به صورت مقاومت فعال در می‌آید.<sup>(۸)</sup> در این روند در بامداد روز یکشنبه ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲/۸/۱) مرکز تفنگداران امریکا در کنار فرودگاه بین‌المللی بیروت و مقر چتربازان فرانسوی عضو نیروهای چند ملیتی، طی دو عملیات شهادت طلبانه و با دو کامیون حاوی بمب منفجر شد. ۲۴۱ تفنگدار و چترباز کشته و دهها نفر دیگر مجرح شدند.<sup>(۹)</sup> همچنین در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲/۸/۱۳) یک کامیون مواد منفجره، ساختمان مدرسه شجره در شهر صور را، که به یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیل تبدیل شده بود، منهدم کرد. در این عملیات شهادت طلبانه ۲۹ \* افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند.<sup>(۱۰)</sup>

فؤاد عجمی، یکی از نویسندگان امریکایی لبنانی‌الاصل، بعدها درباره تأثیر تجاوز اسرائیل به لبنان در احیاء جامعه شیعی نوشت: «با از میان بردن قدرت

\* در کتاب جنگ‌های نهانی اسرائیل درباره تعداد کشته شدگان اسرائیل نوشته شده است: "حدود سی اسرائیلی از جمله پنج افسر اطلاعاتی کشته شدند." (ص ۴۷۸ - ۴۷۷)

فلسطینیان در تابستان ۱۹۸۲م، اسرائیل کاری برای شیعیان کرد که خود شیعیان نمی‌توانستند آن را به اجرا درآورند.<sup>(۱۱)</sup>

آقای هاشمی در نماز جمعه تهران بیان کرد: «تحولات خاورمیانه موضع امریکا را تضعیف کرده و امریکا در جنگ عراق، حالت دفاعی به خودش گرفته است، قضیه به لبنان کشیده شده و در معرض خطر بستن تنگه هرمز قرار گرفته‌اند، حالتی که آدم خیال می‌کند امریکا حسابی در این مبارزه با ایران باخته، اما این معنایش این نیست که حالا امریکا به زانو در آمده و کار تمام شده است.<sup>(۱۲)</sup>

امریکایی‌ها بلافضله ایران را متهم کردند که در این انفجار دست داشته‌اند و تهدید به انتقام نمودند.<sup>(۱۳)</sup> آقای هاشمی به موضع گیری و تهدیدات امریکا پاسخ داد و این اظهارات را بیان کننده ضعف یک ابرقدرت دانست که می‌گوید: «ما در کاخ الیزه و در کاخ سفید جلسه تشکیل می‌دهیم برای اینکه از ایران چه انتقامی بگیریم.<sup>(۱۴)</sup> ایشان اضافه کرد: «چه می‌توانید بکنید، اولاً ما که نبودیم، حالا اگر بودیم، شما چه می‌توانستید بکنید؟ شما در لبنان هم کاری نمی‌توانید بکنید.<sup>(۱۵)</sup> آقای هاشمی به ماهیت این اقدام و واکنش‌های احتمالی امریکا توجه کرد و اعلام کرد: «ما هر وقت خواستیم با امریکایی‌ها بجنگیم اعلام می‌کنیم با شما می‌خواهیم بجنگیم، اعلان جنگ می‌کنیم و هر جا هم امریکایی ببینیم، یا منافع امریکایی ببینیم، آن را می‌زنیم و ما به آن روز نرسیدیم.<sup>(۱۶)</sup>

نتیجه تحولات نظامی در لبنان به شکست امریکا و اسرائیل منجر شد چنانکه در بهمن ۱۳۶۲ نیروهای امریکا، انگلیس و ایتالیا و در اسفند ۱۳۶۲ نیروهای فرانسه خاک لبنان را ترک کردند.<sup>(۱۷)</sup> ویلیام کیسی، رئیس وقت سازمان سیا، طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: «انتظار دارم اقدامات تلافی جویانه علیه ایران صورت بگیرد.<sup>(۱۸)</sup> با شکست نیروهای مداخله‌گر در لبنان، مسلمانان غرب بیروت را تصرف کردند.<sup>(۱۹)</sup> اسرائیل بر اثر این تحولات در وضعیت نامناسبی قرار گرفت؛ زیرا از یکسو حملات چریکی را نمی‌توانست خنثی کند و از

سوی دیگر، برای تنبیه دسته جمعی مردم لبنان نمی‌توانست آنها را اخراج کند، در نتیجه، برای نیروهای اسرائیل شکست اجتناب‌ناپذیر بود.<sup>(۲۰)</sup> چنانکه سرانجام در خرداد ۱۳۶۴ به جنوب لبنان و تا رودخانه لیتانی و ارتفاعات مشرف بر شهرهای صور و صیدا و بقاع غربی عقب‌نشینی کردند.<sup>(۲۱)</sup>

شکست امریکا در لبنان استراتژی و سیاست‌های آن کشور را به شکل بنیادین تحت تأثیر قرار داد چنانکه گرسیک می‌نویسد: «امریکا جانب عراق را گرفت. این سیاست ضد ایرانی به دلیل مداخله احتمالی ایران در بمب‌گذاری‌های تروریستی در سفارتخانه‌های ایالات متحده در بیروت و کویت به اوج شدت رسید.»<sup>(۲۲)</sup> رامسفلد، نماینده ویژه ریگان، که بنا به درخواست شخص ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، در آذر ۱۳۶۲ به چند کشور خاورمیانه سفر کرد و با رهبران آنها از جمله صدام گفت‌وگو کرد، بعدها درباره این سفر و گفت‌وگو با صدام<sup>\*</sup> گفت: «آن دیدار همزمان با جنگ عراق و ایران بود و ۲۴۱ نفر از تفنگداران دریایی ما کشته شده بودند.»<sup>(۲۳)</sup> وی اضافه کرد: «قرار بود سوری‌ها را زیر فشار بگذاریم تا از لبنان خارج شوند و به کشتار امریکایی‌ها در پایگاه‌های دریایی پایان داده شود.»<sup>(۲۴)</sup>

### حمایت راهبردی امریکا از عراق

نظر به اینکه جنبه مهم سیاست امریکا جلوگیری یا حداقل پرهیز از تغییر جهت اساسی شتاب‌آلود در موازنۀ قدرت منطقه‌ای بود،<sup>(۲۵)</sup> به نظر می‌رسد شکست در لبنان و احتمال شکست عراق در برابر ایران، به نگرانی امریکا منجر شد. چنانکه رالف کینگ می‌نویسد: «در اوآخر سال ۱۹۸۳م، اوضاع موجود

\* تشدید تنش میان امریکا و عراق به افشای سفر محترمانه رامسفلد به عراق و گفت‌وگو با صدام منجر شد و همین امر به مصاحبه رامسفلد وزیر دفاع امریکا با شبکه خبری C.N.N نیوزرویک، چاپ امریکا، در توضیح این سفر نوشته: «رامسفلد می‌دانست که صدام قاتل جنایتکار است و از تروریست‌ها حمایت کرده و برای ساخت سلاح هسته‌ای تلاش می‌کند اما بزرگ‌ترین نگرانی امریکا ایران بود نه عراق و دولت ریگان از آن بیم داشت که انقلابیون ایران که شاه را سرنگون کرده بودند، به خاورمیانه و چاههای حیاتی نفت آن مسلط شوند.»  
(روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص۵)

به نحو غمباری تغییر کرده بود و به مقامات رسمی خلیج (فارس) به طور خصوصی اطلاع داده شده بود که پیروزی ایران مغایر با منافع امریکا است و این احساس را علناً در ژانویه ۱۹۸۴ م رئیس جمهور ریگان ابراز کرد.<sup>(۲۶)</sup> کمیته روابط خارجی سنای امریکا گزارشی از اوضاع منطقه تهیه کرد و آن را به هیئت وزیران ارائه داد و نوشت: «پیروزی ایران که تا همین اواخر بسیار محتمل به نظر می‌رسید منافع امریکا را تهدید می‌کند. یک ایران پیروزی تهدید نظامی مستقیمی نسبت به کویت و دیگر کشورهای خلیج (فارس) که از عراق پشتیبانی می‌کردد، خواهد بود.» در ادامه آمده است: «پیروزی نظامی ایران نه تنها به ایران فرصت خواهد داد تا انقلاب خود را از طریق تبلیغات رخنه و خرابکاری صادر نماید، بلکه این کشور صرفاً با بهدست آوردن پیروزی، نمونه‌ای برای بنیادگراییان در دیگر کشورهای اسلامی خواهد بود.<sup>(۲۷)</sup> بر پایه همین ملاحظات و با توجه به شکست امریکا در خاورمیانه و خطر سقوط صدام، ریگان طی فرمان شماره ۱۳۹ مورخ پنجم آوریل ۱۹۸۴ م از دولت می‌خواهد "راهی برای اجتناب از فروپاشی عراق پیدا کند."<sup>(۲۸)</sup> همچنین در ژانویه ۱۹۸۴ م مقام‌های رسمی امریکا اعلام کردند پس از بحث و گفت‌و‌گو با متحدان اروپایی و کشورهای خلیج‌فارس طرح‌های نظامی اضطراری گسترش‌های را برای رویارویی با بحرانی که ایجاد شده است پیش‌بینی کردند.<sup>(۲۹)</sup> براساس این طرح، ریگان در جلسه شورای امنیت ملی کاخ سفید در ماه مارس به مشاوران خود دستور داد تا برای پیاده کردن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی ایالات متحده در منطقه خلیج‌فارس طرحی اضطراری تهیه کنند. این طرح در صورتی که جنگ ایران و عراق از کنترل خارج می‌شد، به مرحله اجرا در می‌آمد. بعدها بخشی از این طرح‌های اضطراری در مطبوعات غرب منتشر شد که شامل موارد زیر بود:

- ۱- محاصره دریایی احتمالی پایانه نفتی خارک؛
- ۲- مین‌گذاری بنادر ایران در خلیج‌فارس؛
- ۳- حملات کماندویی به پایگاه‌های نظامی ایران.<sup>(۳۰)</sup>

نشریه‌الموقع/[العربي] نیز نوشت: امریکا برای پیشگیری از وقوع احتمالات مخاطره‌آمیز به ایجاد نیرویی نظامی برای مقابله با تحولات خلیج‌فارس ناچار شد.<sup>(۳۱)</sup>

در واقع، چنانکه پیش از این اشاره شد "جنگ بدون برنده" و جلوگیری از پیروزی هر یک از طرفین بر دیگری، اصلی اساسی برای امریکا و غرب بود و بعضی اوقات با احتمال پیروزی یکی از طرفین و شکست دیگری، سیاست‌های امریکا و غرب در جنگ ایران و عراق تغییر می‌کرد. با تحولات جدید این دیدگاه و اصل اساسی به نوشتۀ ر. هیوم، "تبديل به سیاست"<sup>(۳۲)</sup> و به نفع عراق و به زیان ایران شد.

کاسپر واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، خطاب به کنگره امریکا توضیحاتی داد که عوامل مؤثر را در تعیین چارچوب و خطوط کلی سیاست‌های جدید امریکا در حمایت از عراق بیان می‌کرد. وی گفت: مداخله ایران در انفجارات بیروت تأیید کننده این امر است که امریکا باید به عراق کمک کند.<sup>(۳۳)</sup> امریکا بر اثر تحولات جدید "راهنمایی‌های استراتژیک عملی"<sup>(۳۴)</sup> در اختیار عراق قرار داد و توافقات جدیدی میان دو کشور صورت گرفت. از نظر مقامات امریکایی، عراق درباره روابط با سوریه و نگرش به اسرائیل مواضع و دیدگاه خود را تغییر داده بود. چنانکه هیگ وزیر خارجه وقت امریکا به کنگره اعلام کرد: «عراق تمایل به شوروی را تا حدی تغییر داده است.»<sup>(۳۵)</sup> براساس همین ملاحظات معاون هیگ به بغداد رفت تا بر سر موضوع منافع دو جانبه با مقامات بر جستۀ عراق به مذاکره بنشینند.<sup>(۳۶)</sup> همچنین واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، نیز در ضرورت کمک به عراق، به کنگره توضیحاتی داد و گفت: «در رفتار عراق نسبت به اسرائیل تغییر و تحولاتی به چشم می‌خورد؛ زیرا صدام حسین شخصاً گفت که دیگر عراق را جزو کشورهای خط مقدم علیه اسرائیل نمی‌شناسد. حتی صدام حسین اظهار امیدواری کرد از سرگیری روابط عراق با ایالات متحده می‌تواند حمایت عراق از روند صلح با اسرائیل را ترفیع و ترقی دهد.»<sup>(۳۷)</sup>

مذاکرات بغداد و واشنگتن و ملاقات نمایندگان دو کشور در اروپا و امریکا سبب شد طرفین درباره قرارداد الجزایر، که مورد قبول عراق بود و میان صدام و شاه امضا شده بود، توافق کنند و این امر به معنی بازگشت خلیج فارس به وضع قبل از جنگ بود. واشنگتن پذیرفت که به عراق کمک کند و راه حلی برای پایان جنگ بباید.<sup>(۳۸)</sup> بنابر سندی که بعدها منتشر شد امریکا برای جلوگیری از پیروزی ایران به حکومت صدام تعهد داده بود.<sup>(۳۹)</sup>

سفر رامسفلد، نماینده ویژه ریگان، در دو مرحله به عراق و ملاقات با صدام و سایر مسئولان عراقی بسیار حائز اهمیت بود. رامسفلد در سفر اول در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۶۲ و متعاقب انفجار سفارت امریکا در بیروت، پیام ریگان را به صدام تحويل داد. در این ملاقات بر ضرورت گفت و گو بین مسئولان عراقی و امریکایی برای رسیدن به تفاهم کامل متقابل در برابر مسائل منطقه‌ای تأکید شد. صدام خاطرنشان کرد که کشورش تمامی دارد تمایل نیروهای خارجی از لبنان خارج شوند! خبرگزاری فرانسه سفر رامسفلد را نخستین گام در بهبود روابط میان دو کشور ارزیابی کرد ضمن اینکه صدام پیش از این برای بهبود روابط با امریکا اظهار آمادگی کرده بود.<sup>(۴۰)</sup> سفر دوم رامسفلد زمانی انجام گرفت که صدام در عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد و امریکا نسبت به این موضوع واکنش نشان نداد. حتی رامسفلد در این سفر به بغداد رفت<sup>\*</sup> تا به صدام اطمینان بدهد که انتقاد عمومی از عراق در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، بر تلاش واشنگتن برای بهبود روابط بین دو کشور تأثیری نخواهد داشت.<sup>(۴۱)</sup>

صدام در دیدار اول رامسفلد از عراق و مذاکراتی که داشتند گفت: امریکا می‌تواند جلوی فروش سلاح را به ایران بگیرد و در آن صورت هر نوع

\* رامسفلد بعدها ضمن اظهار شگفتی از طرح شدن سفر وی به عراق می‌گوید: در حال حاضر هم مواردی هست که امریکا به طور رسمی و خصوصی به کشوری درباره رفتارش اعتراض می‌کند، اما در سطوحی بسیار خوب با آن کشور تعامل دارد. وی اضافه کرد اتخاذ این دیپلماسی و ادامه روابط با کشورهایی که طبق خواست امریکا رفتار نمی‌کردند در تاریخ متداول است.

(سایت دریچه، ۲۰۰۳/۱۲/۲۹، به نقل از خبرگزاری آلمان، ۱۳۸۲/۱۰/۸)

رابطه‌ای میان دو ملت بزرگ امریکا و عراق ممکن می‌شود.<sup>(۴۲)</sup> بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنا امریکا، احتمالاً تحریم فروش تسلیحات مهم‌ترین علت گرمی روابط ایالات متحده با عراق است.<sup>(۴۳)</sup> به نوشته تیمرمن مذاکره درباره این موضوع که قبلاً طارق عزیز با شولتز در امریکا انجام داده بود و رامسفلد با صدام در عراق انجام داد، برنامه‌ریزان سیاست امریکا را مت怯عده ساخت که به هر نحو ممکن جلوی صدور اسلحه را به ایران<sup>\*</sup> بگیرند.<sup>(۴۴)</sup> تام میلر، یکی از دیپلمات‌های هیئت همراه رامسفلد در بغداد، می‌گوید: «این تفکر قبلاً مطرح شده بود، اما حالا دیگر وقت آن رسیده بود که این فکر به مرحله عمل درآید. باید به عراقی‌ها ثابت می‌کردیم که ما صمیمانه خواهان پایان یافتن جنگ هستیم.»<sup>(۴۵)</sup>

به نوشته سید فاروق حسنات امریکا از طریق کمک به عراق حداقل سه هدف را دنبال می‌کرد:

- ۱- برای ایران به جهت ایفای نقش تعیین‌کننده در خلیج‌فارس مانع ایجاد کنند.

- ۲- به متحдан عرب خود درخصوص قدرت نظامی امریکا در منطقه اطمینان بدهند.

- ۳- سرمایه‌گذاری‌های عظیم در خلیج‌فارس از جمله بازار تقریباً انحصاری کالاهای مصرفی و همچنین بازار متحدان اروپای غربی، خاور دور و ژاپن را حفظ کنند.<sup>(۴۶)</sup>

سیاست امریکا در این مرحله بر چهار محور اساسی شامل: "چشم پوشی از فروش تسلیحات امریکایی به عراق از طریق کشور ثالث"، "مدخله برای تسهیل دستیابی عراق به کمک مالی"، "متقدعد سازی هم‌پیمانان به نفوذختن تسلیحات به ایران" و "سرپوش نهادن تبلیغاتی بر بی‌اعتنایی عراق به منشورهای بین‌المللی"<sup>(۴۷)</sup> تکیه داشت.

\* امریکا برای جلوگیری از صدور اسلحه به ایران عملیات "استانچ" (به معنای پایداری) را طراحی و اجرا کرد.

وفیق سامرایی، رئیس اسبق اطلاعات نظامی عراق، بعدها پس از خارج شدن از عراق در مصاحبه با *الحیات* و درباره کمک‌های امریکا به عراق گفت: «به نظر من ایالات متحده به صدام کمک‌نمی‌کرد بلکه به جبهه‌ای که رو در روی ایران ایستاده بود کمک می‌کرد. کمک‌های امریکا اساساً عبارت بود از: ۱- ارائه اطلاعات گستردۀ ای که ماهواره، ابزارهای الکترونیکی و نیروی انسانی فراهم می‌کرد.

۲- کشورهای منطقه را به ارائه دادن کمک‌های مالی به عراق ترغیب می‌کرد.  
۳- محاصرۀ رژیم ایران و از دست یافتن این رژیم به سلاح‌های مهم جلوگیری می‌کرد.<sup>(۴۸)</sup>

در ادامۀ بحث برای روشن شدن ابعاد کمک‌های امریکا و سایر کشورها به عراق، که براساس اجماع و توافق<sup>\*</sup> صورت می‌گرفت در سه زمینۀ اطلاعاتی، مالی و تسليحاتی اشاره خواهد شد.

### ۱- کمک‌های اطلاعاتی به عراق

اطلاعات نظامی از عوامل اساسی و مؤثر در پیروزی در جنگ است. در صحنه رویارویی نیروی ای از اهداف و نیت و توانمندی دشمن و به طور کلی عنصر اطلاعات و غافلگیری و متقابلاً امکان فریب و پنهان‌سازی، اصلی اساسی برای دستیابی به پیروزی و شکست دشمن است. در واقع، تسلط اطلاعاتی بر دشمن می‌تواند توان و خلاقیت دشمن را در طرح‌های تهاجمی تحت تأثیر قرار دهد؛ به همین دلیل، در آرایش نیروها، هدف گیری، طراحی عملیات و محورهای پیشروی، اطلاعات از دشمن و متقابلاً

\* کمیته روابط خارجی سنای امریکا در گزارش خود می‌نویسد: «در حال حاضر امریکا و شوروی در خلیج فارس هدفهای مشترکی دارند. هر دو، تا اندازه‌ای در جنگ از عراق حمایت می‌کنند، هر دو رسیدن به توافقی درباره جنگ را از راه مذاکره ترجیح می‌دهند».

(انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، دی ماه ۱۳۶۳، ص ۲۱) کلودشسون، وزیر خارجه اسبق فرانسه، بعدها در مصاحبه‌ای تلویزیونی گفت: «اعضای دائمی شورای امنیت در تصمیمی اعلام نشده در زمینۀ حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند».

(ما/اعتراف می‌کیم، ص ۱۳۷)

پنهانسازی در برابر دشمن با فریب و غافلگیری، شرط اولیه و اساسی جنگ است که در انسان از آغاز شکل‌گیری روحیه مخاصمه‌جویی و طراحی جنگ به شکل‌های متفاوت وجود داشته است.

عراق از ابتدای جنگ مورد حمایت اطلاعاتی بسیاری از کشورها بود. در واقع، مواضع سیاسی کشورها و اجماع موجود در حمایت از عراق در عرصه نظامی عراق، می‌گوید تقریباً بخش اعظم دستگاه‌های اطلاعاتی جهان اطلاعات خود را به ما می‌دادند.<sup>(۴۹)</sup> وی از کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، اردن، کشورهای خلیج (فارس)، ترکیه، هند و حتی پاکستان نام می‌برد.<sup>(۵۰)</sup> و درباره شوروی (پیشین) به سابقه روابط اطلاعاتی دو کشور از سال ۱۹۷۴ اشاره می‌کند<sup>(۵۱)</sup> و می‌گوید در نیشت دوم مبادله اطلاعاتی در مه ۱۹۷۹ در مسکو سرویس اطلاعاتی شوروی، از تأمین نیازهای اطلاعاتی عراق خودداری کرد ولی ما از یک منبع در سرویس اطلاعاتی روسیه استفاده کردیم و با ابتکار عمل شخص وی بخشی از نیازهای اطلاعاتی خود را دریافت کردیم.<sup>(۵۲)</sup>

در این‌باره وفیق سامرایی می‌گوید: روسیه اطلاعات نظامی مربوط به نیروهای مسلح کشورهای خلیج‌فارس و نیز اطلاعات مربوط به ترکیه، ایران و اسرائیل را در اختیار صدام قرار داده بود. وی اضافه می‌کند: من خودم شخصاً برای چنین مأموریتی بارها عازم مسکو شدم.<sup>(۵۳)</sup> روس‌ها با توجه به سطح کمک‌های ارائه شده به عراق بر این نظر بودند که ایران توانایی ندارد شکافی عمده در خطوط دفاعی مستحکم عراق ایجاد کند.

روابط اطلاعاتی عراق و امریکا در طول هشت سال جنگ متأثر از اوضاع و عوامل مختلف، از نظر سطح و کیفیت اطلاعات ارسالی امریکا به عراق، به سه دوره کلی تقسیم می‌شود.

قبل از آغاز جنگ، طبق گزارش فاینشال تایمز در پائیز ۱۹۸۰ اطلاعات سرویس اطلاعاتی امریکا و تصاویر ماهواره‌ای حاکی از آن بود که نیروهای ایرانی بسرعت از هم فرو خواهند پاشید. طبق گزارش این روزنامه این

اطلاعات و تصاویر از طریق کشوری ثالث در اختیار صدام گذاشته شد. در این میان، علاوه بر نقشی که متحдан امریکا مانند مصر، اردن و عربستان بر عهده داشتند مقامات رژیم سابق<sup>\*</sup> اطلاعاتی از اوضاع ایران در اختیار عراق قرار می‌دادند که بیشتر به معنای اعلام حمایت ضمنی امریکا برای حمله عراق به ایران ارزیابی می‌شد. با آغاز جنگ، امریکا از پیامدهای جنگ و گسترش آن در منطقه نگرانی داشت بنابراین، در اوایل اکتبر ۱۹۸۰م واشنگتن چهار فروند آواکس را مأمور عملیات در خلیج فارس کرد تا با استفاده از قلمرو عربستان و تحت فرماندهی امریکا، اوضاع منطقه را کنترل نماید.<sup>(۵۶)</sup> ارتباط نداشتن امریکا با ایران و عراق و ضرورت مدیریت پیامدهای جنگ ایران و عراق در استفاده امریکا از هواپیماهای آواکس تأثیر بسزایی داشت.

در مرحله دوم دولت ریگان در سال ۱۹۸۱م با فروش پنج فروند آواکس به عربستان موافقت کرد<sup>(۵۷)</sup> و مجموعاً نه فروند از این هواپیما در عربستان مستقر شد که با ناوہای مoshکاندار، زمناوها و ناوشکن‌های نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس و با هواپیماهای اف۱۴ و اف۱۸ مستقر بر عرش ناوہای هواپیمابر، ارتباط الکترونیک داشت.<sup>(۵۸)</sup> در واقع، پروره آواکس‌ها در عربستان محور یک سیستم به هم پیوسته منطقه‌ای بود که پنجاه میلیارد دلار هزینه داشت<sup>(۵۹)</sup> و اطلاعات ارزشمندی را برای امریکا جمع‌آوری می‌کرد. بعدها صدام صریحاً در اظهاراتی اعلام کرد: «ما در عراق از اطلاعات آواکس‌ها سود بردۀ ایم.»<sup>(۶۰)</sup>

عرائی‌ها همچنین در این مرحله، از برخی اطلاعات متحدان امریکا در منطقه استفاده می‌کردند؛ چنانکه وفیق سامرایی می‌گوید: در سال ۱۹۸۱م و پس از پناهندگی هواپیمای ایرانی به مصر، عراق کوشید تا از این خلبان اطلاعاتی بگیرد و مصر نیز از این موضوع استقبال کرد و بنابراین، زمینه همکاری عراق با مصر فراهم شد. وی می‌گوید: مجموعه اطلاعات راجع به

---

\* گری‌سیک می‌گوید: «عراق برخی اطلاعات نادرست درباره اوضاع ایران را از مقامات رژیم سابق گرفته بود. این افراد نظری همه تبعیدیان سیاسی درباره آشفتگی اوضاع کشور اغراق می‌کردند. رژیم آیت‌الله خمینی نشان داده که توانایی فوق العاده‌ای را برای تحمل هرج و مرج دارد.» خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، ۱۳۶۶/۷/۳۰، ص. ۷۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۶۶/۷/۹)

ایران را که مصری‌ها در اختیار عراق قرار می‌دادند به نظر می‌رسید از امریکا گرفته بودند.<sup>(۶۱)</sup>

در این مرحله، دامنه کمک و همکاری اطلاعاتی امریکا و متحдан این کشور و سایر کشورها از عراق تا اندازه‌ای محدود بود. در واقع، عراق پس از تجاوز، در خاک ایران مستقر بود ولی در عین حال توان لازم را برای پیشروی مجدد در عمق خاک ایران نداشت ضمن اینکه قوای نظامی ایران نیز تا زمانی که مدیریت و فرماندهی جنگ در اختیار بنی صدر و نیروهای کلاسیک بود برای انهدام نیروهای عراق و عقب راندن آنها از موضع اشغالی توانایی لازم را نداشت. در نتیجه، وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی - نظامی جنگ هیچ‌گونه نگرانی خاصی را برای حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق ایجاد نمی‌کرد و به همین دلیل دامنه کمک و همکاری‌های اطلاعاتی محدود بود.

در مرحله دوم، با تحولات جدید در صحنه نظامی جنگ و پیروزی‌های نظامی ایران و شکست ارتش عراق، کمک اطلاعاتی امریکا به عراق آغاز شد. نخستین اقدام امریکا در این زمینه پس از عملیات فتح‌المبین و با این هدف آغازشد که عراق از قدرت و توانایی پیش‌بینی تهاجمات ایران برخوردار شود.<sup>(۶۲)</sup> چنانکه از اوخر مارس ۱۹۸۲م نخستین نشست اطلاعاتی هیئت اعزامی امریکا به عراق که شامل تیمی سه نفره بود، در عراق برگزار شد. اطلاعات ارائه شده، به وسیله تجهیزات فنی و منابع انسانی تهیه شده بود. مهم‌ترین بخش آن عکس‌های ماهواره‌ای از اهداف نظامی و محل استقرار نیروهای ایران بود. وفیق سامرایی درباره ویژگی این عکس‌ها می‌گوید: «ما براحتی می‌توانستیم تصویر سربازانی که در پادگان آموزشی ایران در حال آموزش نظامی بودند مشاهده کنیم. ماهواره‌ها کلیه تحرکات ایرانی‌ها را در جبهه‌ها برای ما زیر ذره‌بین گرفته بودند، از حرکت تانک‌ها و توپ‌ها و قایقهای در هورها و در سواحل تا جابه‌جا شدن قرارگاه‌ها و ذخیره کردن تجهیزات پل‌سازی. ماهواره‌ها نتایج حملات هوایی و موشکی ما را نیز گزارش می‌دادند.»<sup>(۶۳)</sup>

در این مرحله، هیچ افسر یا کارمند امریکایی در عراق مستقر نبود، بلکه اطلاعات در جلسات و نشستهای تبادل اطلاعاتی یا از طریق کشورهای عربی در اختیار عراق قرار می‌گرفت و نیازهای عراق برای آگاهی از آرایش نظامی ایران، تسلیحات، نقل و انتقال و بسیج نیروها و اهداف ایران از این طریق تأمین می‌شد.<sup>(۶۴)</sup>

کمک‌های اطلاعاتی امریکا به عراق در افزایش اعتماد به نفس در روحیه صدام و ارتش عراق و افزایش توانایی این کشور برای مقابله با اقدامات نظامی ایران نتایج آشکاری داشت و نتیجه عملیات رمضان تا اندازه‌ای تحت تأثیر کمک اطلاعاتی امریکا به عراق بود. عراق شکست‌های مرحله قبل را ارزیابی کرد و به تاکتیک‌های ایران برای اجرای عملیات شبانه و رخنه و پیشروی در خطوط عراق پی برد ولی این موضوع به تنها‌ی نمی‌توانست خطوط دفاعی عراق را در برابر تهاجمات ایران حفظ کند. در واقع، حسین پادشاه اردن یکی از مهم‌ترین واسطه‌های بین بغداد و واشنگتن بود. وی قبل از جنگ و بویژه قبل از برقراری رابطه امریکا و عراق در نوامبر ۱۹۸۴ م علاوه بر اینکه اطلاعات ارسالی از امریکا را به عراق منتقل می‌کرد، برای متحد کردن رهبران عرب علیه ایران می‌کوشید و بنابر گزارش به دست آمده از سفارت امریکا در امان وی به سفیر امریکا در این کشور گفته بود عراقی‌ها از حمایت سیاسی امریکا و همچنین همکاری مختصر ایالات متحده امریکا در خلال جنگ با ایران بسیار خرسند هستند.<sup>(۶۵)</sup>

رژیم عراق برای اینکه غافلگیر نشود و با ایجاد استحکامات و آرایش مناسب از آمادگی دفاعی برخوردار شود به اطلاعات نیاز داشت تا مانع از سقوط خطوط دفاعی ارتش خود شود؛<sup>(۶۶)</sup> زیرا رژیم صدام به این نتیجه رسیده بود که خط دفاعی ارتش عراق نباید بشکند. برای این کار باید کار مهندسی دو ساله را در مدت ۴۵ روز انجام می‌داد. این مهم حاصل نمی‌شد مگر آنکه عراق از اهداف و مقاصد ایران اطلاعات لازم را داشته باشد. بنابراین، اطلاعات برای دشمن اهمیت فوق العاده‌ای پیدا کرد<sup>(۶۷)</sup> و این مهم از طریق کمک

اطلاعاتی امریکا به عراق حل شد. در نتیجه، دشمن در فاصله پس از فتح خرمشهر تا عملیات خیبر امکان رخنه را از ایران گرفت و خطوط دفاعی را سریع تشكیل داد و تحکیم کرد. تحول عظیم در اطلاعات دشمن پس از فتح خرمشهر موجب برتری عراق شد و با تشكیل خطوط دفاعی و مقابله با رخنه قوای ایران، امکان پیشروی و در نتیجه پیروزی را از ایران گرفت. پیامد سیاسی این تحول نظامی علاوه بر آنکه تردیدهای موجود درباره قدرت دفاعی عراق را تا اندازه‌ای برطرف کرد، نگرانی امریکا را از ادامه جنگ در خاک عراق و پیروزی احتمالی ایران کاهش داد.

مرحله سوم همکاری اطلاعاتی عراق و امریکا متعاقب تحول سیاسی و نظامی در دو صحنۀ جنگ ایران و عراق با عملیات خیبر و شکست امریکا و اسرائیل در لبنان آغاز شد. سفر رامسفلد، نماینده ویژه ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، به عراق و مذاکراتی که صورت گرفت زمینه تجدید روابط امریکا و عراق و گسترش و تعمیق روابط اطلاعاتی دو کشور را ایجاد کرد.<sup>(۴۸)</sup> چنانکه برای نخستین بار افسران رابط در سفارت امریکا در بغداد مستقر شدند و فعالیت خود را آغاز کردند.<sup>(۴۹)</sup> علاوه بر تصاویر ماهواره‌ای که همچنان در اختیار عراق بود<sup>(۵۰)</sup> گزارش‌های هفتگی و گاه دو گزارش در هفته و گاهی حتی گزارش‌های تقریباً روزانه درباره تحرکات نیروهای ایران با استفاده از ماهواره و دستگاه‌های بی‌سیم \*جاسوسی استراتژیک و سایر وسائل فنی و منابع انسانی در اختیار عراق قرار می‌گرفت.<sup>(۵۱)</sup>

در این مرحله، عراق بشدت به کمک‌های اطلاعاتی امریکا\*\* نیازمند بود و برای کسب آن می‌کوشید. چنانکه شاهزاده بندر، سفیر عربستان سعودی در

\* وفق سامرایی می‌گوید ما از نظر اطلاعات به دلیل همسایگی با ایران مشکلی نداشتمیم و حتی افرادی را در داخل ایران داشتیم که مجهر به دستگاه‌های بی‌سیم بودند و می‌توانستند با کسب اطلاعات، ساعت به ساعت به ما گزارش کنند. (مصالحه با/جزیره، قسط، یاس، نو، ۱۳۸۱/۱۲/۶، ص ۱۴)

\*\* سامرایی می‌گوید: یک بار صدام از من سوال کرد آیا می‌توانیم از سازمان سپا بی‌نیاز شویم؟ به او گفتم اطلاعاتی را از دست می‌دهیم که در حال حاضر به آنها احتیاج داریم؛ زیرا آنها توانایی زیادی در جمع‌آوری اطلاعات در مدت بسیار کوتاه دارند و ما در وضعیت کوتی چین قدرتی نداریم. (مصالحه با/حیات، فرماندهی نصر، ۱۳۷۷/۱/۲۶، ص ۱۷)

امريكا، می گويد: صدام در جنگ خود با ايران بويژه در سال های آخر مرتباً از ما می خواست که واسطه بشويم و از امريکايیها<sup>\*</sup> بخواهيم به اتفاق ديگر قدرت های غربي، عراق را در عملياتش ياري دهنده. عراق از ما می خواست که از نيروهای نظامي امريكا بخواهيم در زمينه اطلاعات جاسوسی، مشاورت، ارائه طرح يا هر وسیله ممکن ديگر آنها را در جنگ با ايرانيها ياري دهنده.<sup>(۷۲)</sup>

ابعاد همکاری کمک های اطلاعاتی امريكا به عراق همچنان پنهان است و تنها بعضی مواقع به پاره ای از موارد آن به صورت محدود اشاره می شود. عراقی ها برخی از اقدامات نظامی خود را در جنگ، با هدایت اطلاعاتی و به درخواست امريكا انجام می دادند. ميدل/يست/ينترنشنال بعدها نوشت يك افسر عالي رتبه امريكا در بغداد، به طراحان در انتخاب اهدافي که هواپيماهای عراقی باید در ايران بمباران کنند کمک می کند.<sup>(۷۳)</sup> همچنين عراق پس از گرفتن اطلاعات و نقشه آن از امريكا<sup>(۷۴)</sup> با بمبهای ليزری هدایت شونده فرانسه،<sup>(۷۵)</sup> به نيزوگاه نکا حمله کرد. پس از تجاوز عراق به کويت و تشديد مناقشات عراق و امريكا، راديو عراق اعلام کرد: بمباران شهرهای ايران در عمق خاک اين کشور با تحريك مستقيم امريكا انجام می گرفت.<sup>(۷۶)</sup>

حمله عراق به فاو در اواخر فروردين سال ۱۳۶۷ براساس اطلاعات نظامي محروماني امريكا به عراق انجام گرفت و همین مسئله، تهاجم گسترده عراق را به مواضع ايران ممکن ساخت. علاوه بر اين، امريکايیها سيسitem های راداري ايران را مختل کردنده و اين موضوع به معنای حمایت نظامي امريكا از عمليات عراق بود.<sup>(۷۷)</sup> بعدها وفق ساميابي با توضيح خود بخش ديگري از ابعاد اين موضوع را روشن می کند. وي می گويد: وابسته نظامي امريكا در بغداد برای گفت و گو نزد من آمد. او می خواست اطلاعاتی را درخصوص خطوط تماس

---

\* سفير عربستان در امريكا، شاهزاده بندر، توضيحاتي را که درباره درخواست های عراق از امريكا به واسطه عربستان مطرح می کند بعد از تجاوز عراق به کويت و شعارهای ضد امريکايی عراق بود. لذا وي با اشاره به اين موضوع می گويد: آيا امريکايیها در آن وقت وطن پرست بودند و اکنون امپرياليست؟

بین نیروهای ما و نیروهای ایران در منطقه فاو کسب کند. ما فکر می کردیم امریکایی‌ها قصد دارند ضربه نیرومندی به ایران در این منطقه وارد سازند.<sup>(۷۸)</sup> پس از تجاوز عراق به کویت و تنش در روابط امریکا و عراق، سفیر عراق در امریکا در مصاحبه با شبکهٔ تلویزیونی ای.بی.سی مدعی شد امریکا در طول جنگ، از تحرکات نیروهای ایرانی در جبهه‌ها، اطلاعات نظامی غلط به عراق می‌داده است!<sup>(۷۹)</sup>

## ۲- کمک‌های مالی به عراق

قدرت دفاعی عراق در برابر تهاجمات ایران تا اندازه‌ای از توان اقتصادی این کشور متاثر بود، عراق به دلایلی چون محدودیت حاصل از کاهش صدور نفت و افزایش هزینه‌های جنگ طولانی و ضرورت خرید تجهیزات نظامی به کمک‌های اقتصادی نیازمند شد.

نگرانی‌های موجود پس از فتح خرمشهر و شکست عراق تدریج‌آمد. کمک‌های اقتصادی به عراق را افزایش داد. ترکیب قدرت اقتصادی عراق در این دوره حاصل درآمدهای داخلی، کمک‌های کشورهای خلیج‌فارس و وام‌های بلندمدت<sup>(۸۰)</sup> و اعتبارات مالی کشورهای جهان<sup>\*</sup> بود.

حجم کمک‌های مالی به عراق روشن نیست ولی انتشار برخی آمار و ارقام نشان می‌دهد این کمک‌ها بسیار بوده است. در این میان کمک کشورهای خلیج‌فارس بیش از سایر کشورها بوده است. وفیق سامرایی می‌گوید بیش از ۴۵ میلیارد دلار را کشورهای خلیج‌فارس دادند که بیش از نیمی را عربستان سعودی پرداخت. عراق بدون در اختیار داشتن چنین پول هنگفتی قدرت ادامه جنگ را نداشت. اگر کمک‌های مختلف به‌سوی عراق سرازیر نمی‌شد، قطعاً رژیم صدام حسین در سال ۱۹۸۲م یعنی سال شکست‌های فراغیر، سرنگون شده بود.<sup>(۸۱)</sup> ابوغازله، وزیر دفاع پیشین مصر، معتقد است حجم

\* تنها در سال ۱۹۸۵م عراق حدود ۶۰٪ کل درآمد نفتی اش را به خرید جنگ افزار و تکنولوژی ساخت سلاح اختصاص داد.

(۷۸) سوداگری مرگ، ص ۴۴۳.

کمک‌ها بیشتر بوده است. وی می‌گوید تنها عربستان و کویت شصت میلیارد دلار به عراق کمک کردند.<sup>(۸۲)</sup> شیخ صباح، سفیر کویت در امریکا، پس از حمله عراق به کشورش و اشغال آن، درباره حجم کمک‌ها گفت: کویت چهارده میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از شانزده میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی به ماشین جنگی عراق کمک کرد. وی اضافه کرد ما بیش از نیازمان نفت صادر می‌کردیم تا به صدام در جنگ کمک نماییم. بنابر این توضیح تنها کویت سی میلیارد دلار به عراق کمک کرده است.<sup>(۸۳)</sup>

پس از اینکه عراق کویت را اشغال کرد بحث‌های جدیدی درباره میزان کمک‌های کشورهای خلیج فارس و ابعاد آن به میان آمد که مهم بود.<sup>\*</sup> فهد، شاه عربستان، در پاسخ به عراق که گفته بود ما در جنگ با ایران افراد خود را فدا کردیم گفت: ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی، در این فدایکاری سهیم بودیم.<sup>(۸۴)</sup> وی اضافه می‌کند: واقعیت امر این است که اگر ما نبودیم عراق نمی‌توانست از نیروهای امریکایی یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره‌مند شود. صدام همیشه معتقد بود که بزرگ‌ترین خدمت ما به او جلب کمک و همکاری‌های امریکا در طول جنگ بود.<sup>(۸۵)</sup>

اعطای اعتبارات مالی امریکا به رژیم عراق به صورت رسمی پس از فتح خرمشهر آغاز شد و در آذر ۱۳۶۱ برای نخستین بار به مبلغ سیصد میلیون دلار برای خرید برنج و گندم در اختیار رژیم عراق قرار گرفت<sup>(۸۶)</sup> و تدریجاً افزایش یافت به گونه‌ای که در مجموع بیش از پنج میلیارد دلار در اختیار عراق قرار گرفت.<sup>(۸۷)</sup>

کمک‌های نظامی و غیرنظامی فرانسه به عراق در اول جنگ به گفته کلودسشون، وزیر خارجه وقت فرانسه، بنابه درخواست برخی از اعضاء دائمی شورای امنیت در تصمیمی اعلام نشده در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران بود.<sup>(۸۸)</sup> روزنامه‌ای کسپرس و روزنامه‌ای لوموند جمع آن را

---

\* وزیر خارجه مغرب می‌گوید: عراق فقط ۸۳ میلیارد دلار از کشورهای عربی کمک گرفته است.

پنجاه میلیارد فرانک ذکر می کنند ولی روزنامہ دوپاری هشتاد میلیارد فرانک ارزیابی می کند.<sup>(۸۹)</sup> این موضوع را یکی از دلایل حمایت فرانسه از عراق ذکر می کنند.<sup>(۹۰)</sup> فرانسه با توجه به مشکلات عراق برای باز پرداخت بدھی خود در چندین مرحله با تعویق باز پرداخت های عراق موافقت کرد و در عین حال، اعتبارات جدید برای خرید تسليحات در اختیار این کشور قرار داد.<sup>(۹۱)</sup>

در مجموع، کمک های اقتصادی برای رژیم عراق در دو زمینه آثار و پیامدهای مثبت داشت. در درجه نخست برای خرید تجهیزات توانایی عراق افزایش یافت. علاوه بر این، وضعیت منحصر به فردی برای نیروهای مسلح و مردم عراق فراهم شد. دستیابی شهروندان به بهترین مواد غذایی، پوشاسک و دیگر ملزمات با قیمتی ناچیز در جنگ، امری عادی بود. چنین اقداماتی، از نظر روانی ادامه جنگ را با تمام مصیبت ها و رنجش هایش پذیرفتی می کرد.

### ۳- کمک های تسليحاتی به عراق

دولت امریکا برای جلوگیری از شکست عراق و کمک تسليحاتی به این کشور دو گزینه پیش رو داشت؛ یا تحрیم های اعمال شده بر ضد عراق را لغو کند که کنگره به دلیل پیشینه عراق در زمینه حقوق بشر و تروریسم با این اقدام موافق نبود، یا اینکه تسليحات از طریق کشوری ثالث به عراق ارسال شود.<sup>(۹۲)</sup> ایلگتون، مسئول منافع امریکا در بغداد، ضمن اینکه دولت ریگان را به تغییر سیاست در برابر عراق تشویق کرد در اکتبر سال ۱۹۸۳ م سناریویی را طراحی نمود که تجهیزات امریکایی نیز از طریق کشورهای ثالث از جمله مصر به عراق ارسال شود.<sup>(۹۴)</sup> در این زمان امریکا متلاعده شده بود که دشمنی اش با ایران عمیق تر از دشمنی اش با عراق است و به عبارت دیگر، خطر ایران برای منافعش از خطری که عراق آن را تهدید می کند بزرگ تر است.<sup>(۹۵)</sup>

رئیس سیا، ویلیام کیسی، شخصاً برنامه ای را رهبری می کرد تا سلاح های نظامی و مهمات و وسایل نقلیه کافی در اختیار عراق قرار بگیرد که بتواند در جنگ با ایران بازنش نباشد. طبق دستور محرومانه MSDD ایالات متحده امریکا

از یک طرف می‌باشد حرکت جنگی رژیم عراق را با قرار دادن میلیون‌ها دلار اعتبار در اختیار آن حمایت کند و از طرف دیگر، با تهیه کردن اطلاعات ضروری نظامی و مطلع کردن عراقی‌ها از آن و بالاخره باهدایت کردن کشورهای ثالث برای فروش اسلحه به عراق آن کشور را تقویت کند تا حدی که اطمینان حاصل شود که عراق سلاح‌های نظامی به قدر کفایت در اختیار دارد.<sup>(۹۶)</sup>

بنابراین، امریکایی‌ها به صورت محدود برخی سلاح‌های ساخت امریکا را به عراق ارسال کردند و مقداری را هم از طریق کشورهای ثالث مانند مصر در اختیار عراق قرار دادند. علاوه بر این، کشورهای ثالث را برای ارسال تسليحات به عراق تشویق کردند.

ارسال سلاح‌های امریکایی در این دوره<sup>\*</sup> بنابر اطلاعاتی که تاکنون منتشر شده است از جمله براساس نوشته روزنامه وشنگتن پست شامل موارد زیر بوده است: دولت امریکا در پنج سال گذشته معادل ۱/۵ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیک، انواع ماشین‌آلات، دستگاه‌های حساس و کامپیوترهای فوق العاده قوی که در امر تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای نقش حساس دارند به دولت عراق فروخته است.<sup>(۹۷)</sup>

همچنین سازمان سیا در زمان ریاست ویلیام کیسی، شرکت "کاردون" را در ساختن و فروش بمبهای خوش‌های و مهمات دیگر به عراق مجاز دانسته است و آن را تأیید و مساعدت می‌کرد.<sup>(۹۸)</sup> امریکایی‌ها هلی کوپتر نوع "بل" در اختیار عراق قرار دادند که برای مقاصد نظامی استفاده می‌شد.<sup>(۹۹)</sup>

در دهه ۱۹۸۰م، نگرانی امریکا از پیروزی ایران و به مخاطره افتادن ثبات رژیم‌های متعدد امریکا در حاشیه خلیج فارس،<sup>(۱۰۰)</sup> سبب شد تا امریکا آگاهانه اجازه دهد کمیته انرژی اتمی عراق موادی را وارد کند که برای ساخت سلاح‌های میکروبی استفاده می‌شود.<sup>(۱۰۱)</sup>

\* بعدها پس از تنش در مناسابات عراق و امریکا رادیو عراق گفت: «امریکا برای ضربه زدن به این نظام (جمهوری اسلامی ایران) از هیچ کمکی به عراق دریغ نورزیده و برای این منظور انواع جنگ‌افزارهای پیشرفته را نیز در اختیار عراق قرار داده است.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۱۴، ص ۱۲)

امريكا مشتاق بود کہ ساير کشورها به عراق کمک کنند<sup>(۱۰۲)</sup> و يکي از دلایلی که نمی خواست سلاح ساخت امريكا را به عراق تحويل بدهد اين بود که تولید و تهیء اسلحه های ساخت غير امريکائي برای رفع احتياجات عراق کافی بود.<sup>(۱۰۳)</sup> بعدها پس از تنش در روابط امريكا و عراق و انتشار اخباری مبنی بر نقش امريكا در تقويت عراق، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امريكا، اعلام کرد ميزان همکاري دو کشور محدود بوده است، اما اکنون تفسيرهایي را می خوانيم که می گويند ما بوديم که صدام حسين را خلق کردیم. امريكا بود که به حزب بعث عراق قدرت داد. من فکر می کنم که اين حرفها چرند است! درباره ميزان همکاري امريكا و عراق بسیار غلو شده است. صدام حسين موقعیت رهبری خود را در طول سال های سال غرس کرده و کسانی که به او اسلحه و تجهیزات نظامی می دادند و این قدرت را برای عراق به وجود آوردن عمدتاً اروپایي ها و بويژه فرانسوی ها و شوروی ها بودند.<sup>(۱۰۴)</sup>

فرانسه در میان کشورهای اروپایي و حتی در مقایسه با شوروی (سابق) کمک های بسیار زياد و تعیین کننده ای در اختیار عراق قرار داد. گرچه تصمیم گيري درباره دادن امتياز نظامي تعیین کننده به رژيم بغداد تصمیمي همگانی بود.<sup>(۱۰۵)</sup> بنابر گزارشي در فاصله سال های ۱۹۷۷م تا ۱۹۸۰م فرانسه معادل چهار مiliارد دلار اسلحه به عراق داد<sup>(۱۰۶)</sup> و در سال های ۱۹۸۶م تا ۱۹۸۸م فرانسه  $\frac{5}{6}$ \* مiliارد دلار از جمله هواپيماهای جنگی، هلی كوبتر، تانک، توپ، موشك هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت.<sup>(۱۰۷)</sup> در حالی که، پيش از اين در فاصله سال های ۱۹۸۲م و ۱۹۸۳م مبلغ ۴۱ مiliارد فرانك سلاح به عراق ارسال کرد. مشکلات مالي عراق برای باز پرداخت هزينة دریافت سلاح سبب شد تا عربستان سعودی موافقت خود را برای فروش نفت از جانب عراق به فرانسه اعلام کند.<sup>(۱۰۸)</sup> سلاح های دریافتی غير از هواپيماهای ميراژ، شامل موشك های اگزوست، هات، ميلان، هلی كوبتر های

\* فرانسه در همين فاصله زمانی  $\frac{9}{3}$  مiliارد دلار سلاح به عراق تحويل داد.  
(محى الدین مصباحی، ص ۲۲۳)

سوپرفسون الوت، گازل و تانکهای ام - ایکس و توپهای ۱۵۵ میلی متری خودکار بود.<sup>(۱۰۹)</sup> تدریجًا حجم تسلیحات ارسالی از فرانسه به عراق آنقدر زیاد بود که در اواسط سال ۱۹۸۶ م حتى هواپیماهای غیرنظمی خطوط هوایی بغداد - پاریس نیز به حمل جنگافزار پرداختند. در سال ۱۹۸۶ م سازمانهای اطلاعاتی فرانسه برآورد کردند اگر فرانسه فقط سه هفته سلاح به عراق ارسال نکند، آن کشور شکست خواهد خورد.<sup>(۱۱۰)</sup> صدام در ژوئیه ۱۹۸۰ م و به مناسبت سالگرد روی کار آمدن حزب بعث به روزنامه‌نگاران فرانسوی گفت: «حالا هنگامی که شوروی از تحويل سلاح به ما خودداری می‌کند ما درمانده نمی‌شویم به جای دیگر و خاصه به فرانسه رجوع می‌کنیم.»<sup>(۱۱۱)</sup>

فرانسوی‌ها علاوه بر نقشی که در تجهیز تأسیسات اتمی عراق داشتند در زمان ریاست جمهوری والری ژیسکاردستن، نماینده خود را به عراق فرستادند؛ او با عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق، ملاقات کرد و به او اطلاع داد که فرانسه به صورت جدی زمینه‌های اعطای بمب اتمی\* را به عراق بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبور کردن ایران به توقف جنگ این بمب را به هدف مشخصی\*\* پرتاب کرد.<sup>(۱۱۲)</sup> بنابر گزارش امیر طاهری که به عنوان نویسنده و گزارشگر سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای غربی مشهور است حتی در سال ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲) یک اسکادران از بمباافکن‌های سنگین فرانسه، با آرم ارتش عراق به بمباران نیروگاه هسته‌ای بوشهر اقدام نمودند.<sup>(۱۱۳)</sup> در مقایسه با فرانسه کمک‌های تسلیحاتی سایر کشورهای اروپایی کمتر بود. شرکت‌های انگلیسی گرچه رسماً از فروش اسلحه، مهمات یا هر چیز دیگری به عراق، که موجب طولانی شدن جنگ شود، ممنوع شده بودند ولی تنها ارقام تجارت رسمی بریتانیا را که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) ارائه داده است

\* بنابر برخی گزارش‌ها، شوروی تعهد می‌کند در جهت احیای عهدنامه دولتی میان مسکو و بغداد یک راکتور اتمی جدید برای عراق بسازد. (انگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، ص. ۷۷۵، به نقل از خاچا از کوت ۶۳/۲/۲)

\*\* وفیق سامرایی می‌گوید: من نسخه‌ای از گزارشی که در این خصوص نوشته و با اعضاء وزیر دفاع برای صدام ارسال شده بود در گاوشنده خودم در شعبه اطلاعات ایران نگهداری می‌کردم. (ویژه‌نامه دروازه نسرفی، ص ۱۴۳)

نشان می دهد که این کشور تنها طی چهار سال بعد از قرارداد با عراق، بیش از ۱/۵ میلیارد دلار کالای تکنولوژی پیشرفته به عراق صادر کرده است<sup>(۱۱۴)</sup> و سلاح‌های ارسالی از سال ۱۹۸۰م تا ۱۹۸۷م بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار بوده است.<sup>(۱۱۵)</sup> آلمان هم مانند فرانسه متحده استراتژیک عراق بود، اما برخلاف فرانسه، اتحاد استراتژیک آلمان و عراق چندان علنی نبود. یکی از دلایل این پنهان‌کاری واکنش خشمگینانه ایران بود.<sup>(۱۱۶)</sup> بنابر گزارش مجلهٔ شپیگل امروزه ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق به تولید موشک‌های دوربرد اسکاد - بی قادر نبوده است. تکنولوژی پیشرفته آلمان این امکان را به بغداد داد که بُرد موشک‌های اسکاد را به ششصد کیلومتر افزایش دهد.<sup>(۱۱۷)</sup> کمک‌های آلمان به عراق در ساخت و تولید سلاح‌های شیمیایی غیرقابل انکار است. علاوه بر این، آلمان‌ها اطلاعات حاصل از مداوای مجروحان شیمیایی ایران را در آلمان برای افزایش و بهبود اثر سلاح‌های شیمیایی عراق، در اختیار این کشور قرار می‌دادند.<sup>(۱۱۸)</sup>

برزیل یکی از متحдан امریکا و تولیدکننده سلاح در جهان است. به گفته سفیر برزیل در یکی از کشورهای غربی، در دههٔ ۸۰ و ۹۰ میلادی هرچه به عراق دادیم یا امریکایی‌ها از ما خواستند یا کلام مطلع<sup>\*</sup> بودند. \*\* ایتالیایی‌ها نیز به عراق اسلحه صادر کردند که امریکا آن را نادیده می‌گرفت.<sup>(۱۱۹)</sup> به گفته سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، این کشور در تجهیز و افزایش قدرت ارتش عراق بسیار سهیم بوده است.<sup>(۱۲۰)</sup>

چین در حالی که روابط گسترده‌ای با ایران داشت\*\*\* سلاح به عراق صادر می‌کرد چنانکه از ۱۹۸۰م تا ۱۹۸۷م جمعاً ۳/۹ میلیارد دلار سلاح به عراق ارسال کرد.<sup>(۱۲۱)</sup>

\* تنش در روابط عراق و امریکا در برابر صادرکنندگان سلاح به عراق موجب واکنش شد، لذا این توضیحات بر این اساس صورت گرفته است که امریکایی‌ها مطلع بودند ولی حالا سر و صدا می‌کنند.

\*\* منبع محفوظ است.  
\*\*\* از ۱۹۸۰م تا ۱۹۸۷م چین مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار به ایران سلاح صادر کرد. (کامرون رهیوم، ص ۱۰۱) در صورتی که به عراق نزدیک سه برابر آن سلاح ارسال کرد.

گرچه شوروی (سابق) در چارچوب توافق و اجماع کلی برای تقویت عراق به آن کشور تسليحات ارسال می‌کرد، ولی ملاحظات دیگری نیز در نظر داشت. روابط سنتی با عراق و همچنین مواضع ضد امریکایی انقلاب ایران مواردی است که در طول جنگ در مناسبات شوروی با ایران و عراق نقش مؤثری داشت.

شوروی‌ها در ابتدا و آنچه به صورت آشکار اعلام کردند مخالف حمله عراق به ایران بودند و به همین دلیل، فروش سلاح را به عراق تحریم کردند؛ البته عراقی‌ها تحریم تسليحاتی شوروی را بی‌هیچ خسارتخانی پشت سر گذاشتند؛ زیرا دلالان عراقی از کشورهای بلوک شرق مثل لهستان و آلمان شرقی سلاح‌های مورد نیاز را تهیه می‌کردند.<sup>(۱۲۲)</sup> علاوه بر این، رابطه عراق با فرانسه و تسليحات فرانسوی نیازهای عراق را برطرف می‌کرد.

سیاست روس‌ها پس از فتح خرم‌شهر به نفع عراق تغییر کرد. چرخش جدید در سیاست‌های مسکو نتیجه ارزیابی مجدد آنها از تأثیرات پیروزی ایران در جنگ و فرصت‌ها و خطراتی بود که چنین تحولی می‌توانست در برداشته باشد.<sup>(۱۲۳)</sup> بنابراین، در سال ۱۹۸۲م شوروی موضع محظاطانه‌اش را مبنی بر بی‌طرفی در جنگ رها کرد و محموله‌های فوق العاده عظیم تسليحاتی به عراق تحویل داد. فقط در نیمه‌اول سال ۱۹۸۴ بازپرداخت ۲/۵ میلیارد دلار را تمدید کرد و اعتبار تازه‌ای به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار به عراق واگذار نمود.<sup>(۱۲۴)</sup>

در نوامبر ۱۹۸۲م ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مشاور نظامی به عراق بازگشتند و در پایگاه‌ها و فرودگاه‌ها مستقر شدند. ۴۰۰ تانک تی ۵۵، ۵۵ تانک تی ۷۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی موشک گراد، فراگ ۷، سام ۹ و اسکاد -بی در راه بود. جنگنده‌های میگ ۲۵ شناسایی و هلی‌کوپترهای توپدار اف ای ۲۴ نیز به عراق تحویل داده شد.<sup>(۱۲۵)</sup>

نکته قابل توجه این بود که پس از سال ۱۹۸۲م و از سرگیری مناسبات عراق و شوروی، عراقی‌ها در ازای آزادکردن اعضای حزب کمونیست از شوروی خواستند تا قراردادهایی را که قبل از آغاز جنگ امضاء شده بود، اجرا

کند و شوروی هم ضمن ارسال سلاح، متعهد شد در صورت در هم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق و پیش روی ایرانی ها به سوی بغداد یا بصره، بمب خوشهاي در اختیار عراق قرار دهد.<sup>(۱۲۶)</sup>

روس ها در مرحله جدید جمعاً حدود شصت درصد از تجهیزات موردنیاز عراق را تأمین کردند<sup>(۱۲۷)</sup> و پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار سلاح هایی را که بین سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ عراق از کشورهای جهان خریده بود، روس ها در اختیار رژیم عراق قرار دادند.<sup>(۱۲۸)</sup> به گفته رئیس هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل، مسکو امیدوار بود سیاست فروش تسليحات جنگی آن کشور به عراق، ایران را وادار سازد که در صدد حل و فصل جنگ از راه گفت و گو<sup>\*</sup> برآید.<sup>(۱۲۹)</sup>

بر اساس گزارش هایی که روزنامه / خبار مسکو، منتشر کرد سلاح های روسی که از سال ۱۹۸۳ م تا ۱۹۸۸ م در اختیار عراق قرار گرفت به این شرح بود: «۵۰۰ دستگاه تانک تی ۷۲، ۱۰۰۰ دستگاه تانک تی ۶۲، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد سیصد کیلومتر، ۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹، ۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۱، ۳۰ فروند هواپیمای شکاری سوخی ۲۵، ۵۰ فروند جنگنده شکاری سوخی ۲۰، همچنین روس ها به عراق اجازه دادند تا تانک تی ۷۲ را تولید کند که اقدام بی سابقه ای بود.<sup>(۱۳۰)</sup> تأمین سلاح به این میزان برای عراق، این کشور را قادر ساخت تا تقریباً نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ م به ۴۵ لشکر\*\* در سال ۱۹۸۸ م افزایش دهد.<sup>(۱۳۱)</sup> تسليحات شوروی برای عراق سرنوشت ساز بود؛ زیرا عراق با تکیه بر این تسليحات سرانجام توانست استراتژی تدافعی خود را رها سازد و به جنگ تهاجمی متوجه شود و بتواند ابتکار عمل را روی زمین به

\* مسئله شوروی تنها پایان دادن به جنگ نبود، بلکه مواضع ایران در باره افغانستان نیز موجب ناخستینی روس ها بود. چنانکه آقای هاشمی طی سخنرانی گفت ما می دانیم هفتاد تا هشتاد درصد تسليحات عراق از آن روس ها است و از ما عصبانی هستند و به صراحت می گویند: افغانستان در برابر عراق!<sup>(۱۳۲)</sup>

\*\* عراق در سال ۱۳۶۷ بیش از پنجاه لشکر در اختیار داشت.

دست گیرد. نتیجه این تغییر در موازنۀ نظامی، در تصمیم ایران برای قبول قطعنامه ۵۹۸ عامل اصلی بود.<sup>(۱۳۲)</sup> مسئولان عراقی نیز بر این باور بودند که سلاح‌های پیشرفته فرانسوی و روسی به عراق اطمینان داده است که می‌تواند از موضع دفاعی آرام، به حالتی تهاجمی تغییر جهت دهد.<sup>(۱۳۳)</sup>

### فشار - دیپلماسی در برابر ایران

امریکا در حالی که عراق را تحت حمایت سیاست‌های راهبردی خود قرار داده بود، با ایران سیاست دو وجهی را دنبال کرد که به "فشار - دیپلماسی" مشهور شد. در چارچوب این سیاست تهدید - تطمیع، که به معنای در نظر گرفتن مجازات همراه با اعطای امتیازات بود، به موازات فشار، برخی گشایش‌های دیپلماتیک از مسیرهای مختلف بویژه آلمان و ژاپن دنبال می‌شد تا علاوه بر مهار پیامدهای احتمالی فشار و بهره‌برداری سوری (سابق)، تدریجیاً اهداف مورد نظر امریکا به ایران منتقل و پیگیری شود.

فشار به ایران بر پایه نگرانی از پیروزی این کشور و جلوگیری از شکست احتمالی عراق دنبال می‌شد. چارچوب و خطوط کلی این سیاست را در سال ۱۳۶۲ بنیاد گذشت، وابسته به محافظه کاران طراحی و به ریگان پیشنهاد کرد. هدف اصلی این سیاست از میان بدن "اصل امید" بود که با ایجاد کردن محدودیت در منابع ارزی ایران، جلوگیری از فروش سلاح به ایران که به "عملیات استانچ" مشهور شد\* و ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران دنبال می‌شد.<sup>(۱۳۴)</sup> امریکا می‌کوشید با این سیاست ضمن تقویت عراق، میان نیازهای نظامی و اهداف سیاسی ایران شکاف ایجاد کند<sup>(۱۳۵)</sup> تا سرانجام علاوه بر مهار و کنترل پیروزی‌های ایران، این کشور را برای اتمام جنگ متقدعاً نماید. در واقع، تلاش برای کاهش توان اقتصادی ایران بر پایه این تحلیل و هدف دنبال شد که ایران تازمانی که با صدور نفت و تهیه ارز قدرت اقتصادی دارد

---

\* نگاه کنید به پاورقی کتاب از آغاز تا پایان، ص ۹۰ و ۹۱.

می تواند با تهیه سلاح از بازار سیاه و تهیه مایحتاج عمومی، جنگ را اداره کند. در نتیجه، کاهش توان اقتصادی ایران با ایجاد محدودیت در فروش نفت و تهیه ارز و همچنین جلوگیری از تهیه سلاح با اجرای عملیات استانچ، تدریجیاً توان ایران را فرسوده خواهد کرد و ایران با نامیدی از کسب پیروزی، به جنگ خاتمه خواهد داد.

ریگان در ماه می ۱۹۸۴م (اردیبهشت ۱۳۶۳) خطوط کلی تضعیف توان اقتصادی ایران را توضیح می دهد و بیان می کند: «فکر می کنم همیشه پذیرفته ایم که در زمان جنگ، اگر بتوان از نظر اقتصادی صدمه وارد آورد بازار گانی و تجارت دشمن هدف منصفانه ای خواهد بود.»<sup>(۱۳۶)</sup> همچنین بعدها وزیر خارجه امریکا در چارچوب همین سیاست اعلام کرد: «کاستن توان نظامی ایران می تواند به دستیابی راه حلی از طریق مذاکره کمک کند.»<sup>(۱۳۷)</sup> امریکا برای کاهش توان اقتصادی ایران، عراق را در حمله به اهداف اقتصادی ایران تحریک کرد. آغازده، وزیر نفت وقت ایران، در این زمینه می گوید: «ما در قضیه مک فارلین متوجه شدیم به عراق اعلام شده بود که شما اگر بتوانید منابع انرژی ایران را از کار بیندازید موفقیت بسیار بالایی برای پایان جنگ یا موفقیت در جنگ در پیش خواهید داشت.»<sup>(۱۳۸)</sup> البته بعدها با افشاء ماجراهای موسوم به مک فارلین امریکایی ها اعتراف کردند که به عراق برای حمله به تأسیسات حیاتی ایران اطلاعات می دادند.<sup>(۱۳۹)</sup>

مایکل لدین، از افرادی که در ماجراهای مک فارلین نقش داشت، بعدها در گفت و گو با [الوطن](#) [العربی](#) به این موضوع اشاره کرد و گفت: «ایرانی ها در برابر آزادی گروگان ها از ما اطلاعات می خواستند و ما نیز که نمی خواستیم آنها جنگ را ببرند همان اطلاعات را به عراقی ها هم دادیم.»<sup>(۱۴۰)</sup>

ماهیت رفتار دوگانه امریکا با ایران از عوامل متفاوتی متأثر بود. در این خصوص، ضرورت اتخاذ سیاست گشايش در برابر ایران و منطق حاکم بر آن در تحلیل هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا و از طراحان و صاحب نظران سیاست خارجی این کشور، در روزنامه [واشنگتن پست](#) بیان شده است:

«نفع امریکا در جلوگیری از سقوط دول مقتدر عرب است که آن هم مستلزم عقیم گذاشتن ایران است، اما از طرفی ایران ضعیف نیز به نفع شوروی خواهد بود. ایران محور طبیعی برای اهداف روسیه در پیشروی به سوی اقیانوس هند است. غرب باید از شکست عراق جلوگیری کند، اما نه به نحوی که ایران از هم پیاشد. ایران یکپارچه که سیاست ملی معتل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی کردن ایران تا موقعی درست است که تهران را متعصب‌های توسعه‌طلب رهبری کنند. لذا امریکا باید دروازه‌ها را به تهران بیندد، مگر یک جوّ واقعیت‌گرایی بر تهران حکم‌فرما شود. به عقیده من سیاست عاقلانه امریکا باید دو طریق را به موازات هم پیماید. ایستادگی در برابر توسعه‌طلبی‌های ایرانی‌ها، همگام با برقراری رابطه سازنده، آنگاه که واقعیت‌ها خودشان را نشان بدهند.»<sup>(۱۴۱)</sup>

کیسینجر پیروزی ایران بر عراق را در ادامه پیروزی انقلاب اسلامی و به منزله تقویت پرستیز عقاید اسلامی را دیکال ضد غرب ارزیابی می‌کند که از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد یافت.<sup>(۱۴۲)</sup> در عین حال، ایران از شمال با شوروی (سابق) همسایه بود و مرز مشترک داشت و با اشغال افغانستان خطر شوروی افزایش یافته بود. در نتیجه، در صورت تشدید و گسترش فشارها هرگونه بی‌ثباتی و فروپاشی ایران به منزله بهره‌برداری روس‌ها ارزیابی می‌شد.<sup>(۱۴۳)</sup> در برخی تحلیل‌ها حتی به این نکته اشاره می‌شد که در صورت شکست ایران در برابر عراق، ایران در معرض خطر حمله شوروی قرار خواهد گرفت.<sup>(۱۴۴)</sup>

کیسینجر با مقایسه ایران با چین در سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ م توصیه کرد سیاست‌های تحریک‌آمیز نباید موجب از دست رفتن فرصت‌ها شود.<sup>(۱۴۵)</sup> ارزیابی سازمان سیا در سال ۱۹۸۵ م مبنی بر اینکه "هر ابرقدرتی که زودتر به ایران برسد در موقعیت نیرومندی برای حذف دیگری قرار خواهد گرفت"،<sup>(۱۴۶)</sup> ملاحظات حاکم بر رفتار امریکا را در برابر ایران افزایش داد.

به نوشته رالف کینگ حتی در سال ۱۹۸۴م درحالی که امریکا پیروزی ایران را با منافع غرب مغایر می‌دانست و برخی طرح‌های عملیات ضربتی برای کمک به عراق پیش‌بینی شده بود، پنتاقون ریگان را از عواقب این امر با توجه به انفجار مقر امریکا در بیروت بر حذر داشت.<sup>(۱۴۷)</sup> متقابلاً این تصور برای امریکایی‌ها به وجود آمد که از طریق مصالحه با تهران بر رفتار شیعیان در لبنان می‌توان تأثیر گذاشت.<sup>(۱۴۸)</sup>

به دلیل ظهور دیدگاه‌های جدید درباره سیاست‌های اقتصادی، خارجی و جنگ در ایران، خبرگزاری‌ها از وجود گروهی اقلیت در اطراف امام خمینی گزارش دادند که طرفدار انعام مذاکرات برای رسیدن به صلح هستند.<sup>(۱۴۹)</sup> مجموعه این عوامل امریکا را در تعامل با ایران به رویکرد جدیدی کشاند. انتشار پاره‌ای از اخبار و گزارش‌ها به این معنا بود که "رهبری ایران بی ثبات و کم دوام است و احتمال اینکه رهبران میانه‌رو به قدرت باز گردند افزایش یافته است."<sup>(۱۵۰)</sup> همچنین لیبراسیون روابط ایران و فرانسه را تحلیل می‌کند و می‌نویسد: «کاخ الیزه و وزارت خارجه فرانسه بر این مسئله اتفاق نظر دارند که مبارزه بر سر قدرت آنقدر شدید است که یک جناح خاص نمی‌تواند سیاست نزدیکی با فرانسه یا مجموعاً غرب را در پیش گیرد.»<sup>(۱۵۱)</sup>

کمیته روابط خارجی سای امریکا نیز در گزارشی نوشت: «بعضی از رهبران اصلی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه ادامه اقدامات نظامی بیش از حد زیاد است. تردید ایران در شروع حمله به بصره تا اندازه‌ای نشان دهنده این نگرانی است.»<sup>(۱۵۲)</sup> همچنین وزیر خارجه ژاپن در ملاقات با طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق، به وی می‌گوید: «در ایران دو گروه سرسخت و میانه‌رو و با دو عقیده مختلف وجود دارد. دسته دوم که امیدوار است جنگ از راه‌های صلح‌آمیز پایان یابد برای برقراری صلح به ژاپن و کشورهای غربی نزدیک شده است و ژاپن فکر می‌کند تشویق گروه میانه‌رو در ایران می‌تواند به پایان یافتن جنگ منتهی شود.»<sup>(۱۵۳)</sup>

مجموع این ملاحظات به گفته گری سیک سبب شد «دولت ریگان دریچه‌ای استراتژیک به طرف ایران باز کند.»<sup>(۱۵۴)</sup> این اقدام امریکا بعدها به

ماجرای مک فارلین مشهور شد. در واقع تلاش امریکا برای مذاکرات پنهانی با ایران یکی از برجسته‌ترین رخدادهای سیاسی دوران جنگ و اقدام سیاسی امریکا در برابر ایران بود که هنوز اهداف، ماهیت و محتوای مذاکرات تا اندازه‌ای مبهم و پرسش برانگیز است ولی هدف آن پایان دادن به جنگ بود. پس از آنکه موضوع مذاکرات پنهانی ایران و امریکا در آبان ۱۳۶۵ آشکار شد، لاری اسپیکس، سخنگوی کاخ سفید، درباره این موضوع به تلاش برای توسعه روابط با ایران و معامله با این کشور اشاره کرد و گفت: «هدف نهایی ما این است که روابط با کشوری داشته باشیم که در خاورمیانه از اهمیت استراتژیک زیادی برخوردار است.»<sup>(۱۵۵)</sup> ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، درباره علت این اقدام به دلیل اهمیت و پیامدهای تلاش امریکا برای برقراری رابطه با ایران در نطقی تلویزیونی توضیحاتی داد که محور گزارش خبری رسانه‌های دنیا قرار گرفت. وی گفت:

«اکنون هجده ماه است\* که طی یک ابتکار سیاسی محramانه ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده‌ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده‌ترین و بهترین دلایل را در اختیار داریم: ۱- تجدید روابط با ایران؛ ۲- اقدامی شرافتمدانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله ایران و عراق؛ ۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری؛ ۴- تأثیر در بازگشت تمامی گروگان‌ها.»<sup>(۱۵۶)</sup>

ریگان درباره ضرورت گشودن کانال‌های ارتباط مستقیم و محramانه با ایران که به نوشته نشریه فارین ریپورت، چاپ لندن، بر اساس گزارش سری کیسینجر به ریگان انجام شد، توضیحاتی می‌دهد و می‌گوید:<sup>(۱۵۷)</sup>

«بدون همکاری ایران به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس قادر نیستیم. بدون رضایت ایران امکان برقراری صلحی بادوام در خاورمیانه وجود ندارد. در جریان مذاکرات محramانه‌ای که داشتیم من اجازه انتقال مقدار کوچکی از

---

\* نطق تلویزیونی ریگان در تاریخ شانزده آبان ۱۳۶۵، سه روز پس از اینکه آقای هاشمی در مراسم سیزده آبان در سفارت سابق امریکا این روابط را افشا کرد، انجام شد. اشاره به هجده ماه نشان می‌دهد مذاکرات و تماس‌ها از تیرماه ۱۳۶۴ آغاز شده است.

تسليحات دفاعی و قطعات یدکی را برای سیستم دفاعی ایران دادم. هدف من مقاعد کردن تهران به این بود که به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصوصت بین ما جای خود را به روابط تسليحاتی بدهد. تمامی این تسليحات در مجموع نمی‌تواند تأثیری بر نتیجه جنگ شش ساله بین عراق و ایران داشته باشد و همچنین نمی‌تواند به هیچ وجه به تعادل نظامی بین دو طرف تأثیری داشته باشد. از زمانی که دولت امریکا با ایران در تماس قرار گرفته، هیچ‌گونه شواهدی دال بر اینکه دولت ایران در اقدامات تروریستی علیه امریکا همدستی کرده باشد، وجود ندارد.

اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمدانهای برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم را به منطقه متوقف سازد. مانعی عمدۀ بر سر راه این اهداف، نبود یک مذاکره و قطع ارتباط بین ما بود. این به دلیل اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در صدد کاوش برای یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم.»<sup>(۱۵۸)</sup>

آشکار شدن ماهیت روابط پنهانی ایران و امریکا پیامدهای گسترده‌ای داشت که مهم‌ترین وجه آن ادامۀ جنگ و تشدید و گسترش آن بود. ضمن اینکه دوگانگی\* در رفتار امریکا در برابر ایران و عراق اعتبار سیاست‌های امریکا را در نزد متحдан جهانی و منطقه‌ای این کشور و در ایران و عراق بشدت مخدوش کرد.<sup>\*\*</sup>

### استراتژی عراق

\* هیوم در کتاب خود می‌نویسد: شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه همزمان با ملاقات سرهنگ نورث با مامور ایرانی در فرانکفورت، ویلیام کیسی، رئیس سیا، با طارق عزیز ملاقات کرد و از وی درباره رضایت عراق از اطلاعاتی که امریکا در اختیار آنها قرار می‌داد سؤال کرد. همچنین وی از عراق خواست که به اهداف اقتصادی در عمق خاک ایران حمله کند. (سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ص: ۱۲۵) همچنین امریکا با عربستان سعودی برای کاهش قیمت نفت همکاری می‌کرد.

(دکتر رضا رئیسی طوسی، ص: ۳۹)

\*\* کردمن در کتاب خود می‌نویسد: بازتاب افسای ارسال اسلحه به ایران به بی اعتبری عملیات استانچه منجر شد و فشارهای زیادی را بر امریکا وارد آورد تا بار دیگر قدرت و اعتبارش را در خلیج فارس تجدید نماید. (ص: ۲۷۷ - ۲۷۸)

عملیات خبیر خطوط دفاعی عراق را در برابر تاکتیک و خلاقیت نظامی ایران آسیب‌پذیر نشان داد در عین حال توانمندی ایران را برای ادامه جنگ با دستیابی به پیروزی‌های نسبی بیان کرد. علاوه بر این، عراق در حمله به تأسیسات نفتی ایران در جزیره خارک نتوانست مانع از صدور نفت ایران بشود. از سوی دیگر، توان اقتصادی عراق تدریجاً رو به کاهش بود، طوری که نگرانی حامیانش را برانگیخت. به نوشته کردمن عایدات عراق از ۲۱/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۸) و ۲۶/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰م (۱۳۵۹) به ۱۰/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱م (۱۳۶۰)، ۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲م (۱۳۶۱) و ۹/۶۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳م (۱۳۶۲) سقوط کرد.<sup>(۱۵۹)</sup>

چشم‌انداز جنگ طولانی با کاهش توان اقتصادی عراق و شکست احتمالی این کشور، استراتژی عراق را تحت تأثیر قرار داد و به همسویی و انطباق استراتژیک میان عراق و امریکا منجر شد. عراق تحت حمایت‌های راهبردی امریکا، خطوط کلی استراتژی خود را با هدف پایان دادن به جنگ تغییر داد. کمیته روابط خارجی کنگره امریکا در گزارش رسمی از منطقه درباره استراتژی عراق می‌نویسد:

«هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایجادگی در برابر حملات زمینی ایران، دامن زدن به جنگ نفتکش‌ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و احتمال حمله به جزیره خارک می‌باشد.»<sup>(۱۶۰)</sup>  
 عراق از سال ۱۳۶۳ به این نتیجه رسیده بود که احتمال دارد قادر به ادامه جنگ فرسایشی - دفاعی نباشد.<sup>(۱۶۱)</sup> ضمن اینکه جنگ در خشکی به نتایج قطعی نرسیده بود.<sup>(۱۶۲)</sup> بنابراین، استراتژی عراق در مرحله جدید دو رکن اساسی و کلی داشت. نخست، جلوگیری از پیروزی ایران با حفظ مواضع دفاعی و دیگری کاهش توان اقتصادی ایران و بین‌المللی کردن جنگ بود. کمیته روابط خارجی امریکا در همین زمینه در گزارش خود می‌نویسد:

«اینگونه مشهود است که عراق استراتژی دفاعی خود را بر اساس ضرورت و تمایل به حفظ منابع انسانی محدودتر تنظیم نموده است. عراقی‌ها ظاهراً امیدوارند ضمن حفظ موضع دفاعی، از طریق بین‌المللی بر ایران فشار آورند تا با یک راه حل موافقت نماید. به نظر می‌رسد استراتژی عراق آن باشد که جامعه بین‌المللی را متقادع نماید که به ایران فشار اقتصادی وارد آورند و از پر شدن مجدد انبارهای تجهیزات نظامی خالی شده، جلوگیری نمایند.»<sup>(۱۶۳)</sup>

عراق برای حفظ موضع دفاعی خود و مهار پیروزی احتمالی ایران توان دفاعی‌اش را با خرید تجهیزات و گسترش سازمان و توان تولید سلاح‌های شیمیایی افزایش داد که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد. عراقی‌ها معتقد بودند که برای پایان دادن به جنگ باید علاوه بر جلوگیری از پیروزی نظامی، ایران را تحت فشار قرار دهند. طارق عزیز در این زمینه می‌گوید:

«در ادامه، اعمال فشار به ایران بهترین راه و روش پایان دادن به جنگ است.»<sup>(۱۶۴)</sup>

وی می‌گوید: برخی معتقدند این روش نتایج معکوسی به دنبال داشته ولی تجربه ثابت کرده است که گفت‌وگوی آرام با ایرانی‌ها نتایج مطلوبی نداشته و نخواهد داشت. بهتر است این تاکتیک را تغییر داده و از تاکتیک اعمال فشارهای سیاسی و انواع فشارها استفاده نمود تا ایران متوجه اشتباه خود بشود. در نتیجه، به فکر راه حل عاقلانه‌ای برای پایان دادن به این درگیری باشد.<sup>(۱۶۵)</sup>

روزنامه‌ای جمهوریه چاپ بغداد درباره انواع فشارها می‌نویسد: «عراق تصمیم گرفته است که جنگی تمام عیار را تعقیب کند. باید بدانید احساسی وجود ندارد، شهر و جبهه، کارخانه و منزل، پادگان و پارک برای ما یکی است.\* همه را ویران می‌کنیم و امکاناتش را هم داریم.»<sup>(۱۶۶)</sup>

\* درباره جنگ شهرها در فصل بعد توضیح داده خواهد شد.

صدام روش‌های کسب پیروزی را توضیح می‌دهد و طی سخنانی می‌گوید: «پیروزی امکان ندارد از یک کanal عبور نماید، بلکه از کانال‌های مختلفی و از طریق به کارگیری همه نیروها در جهت هدف حاصل می‌شود.»<sup>(۱۶۷)</sup> براین اساس، صدام به خلبانان عراقی خطاب می‌کند و می‌گوید: «از هم‌اکنون نصف کار جبهه‌ها به عهده خلبانان و نصف دیگر بر عهده نیروهای دیگر است.»<sup>(۱۶۸)</sup> استراتژی جدید عراق برای پایان دادن به جنگ افزایش فشار به ایران، دستیابی به صلح از طریق افزایش نارضایتی در درون ایران و همچنین تحریک افکار بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ برای پایان دادن به جنگ بود. صدام طی سخنانی اوضاع اقتصادی ایران را تحلیل می‌کند و می‌گوید: «رژیم ایران تمام عایدات فروش نفت خود را در راه به حرکت درآوردن ماشین جنگی اش خرج می‌کند و در شرایط فعلی هرگونه افزایش توانایی ایران برای ایران در مقایسه با درآمد نفتی عراق به معنای افزایش توانایی ایران برای ادامه تجاوز و تهدید علیه امنیت و ثبات منطقه است. لذا این مسئله با امنیت ملی عراق رابطه حساس و مهمی دارد.»<sup>(۱۶۹)</sup> بنابراین، عراق به شریان‌های اقتصادی و حیاتی ایران حمله کرد تا توان اقتصادی و روحی این کشور را تضعیف کند. در این زمینه، جیمز بیل می‌نویسد: «عراق در صدد بود روحبه و توانایی ایران را برای مقاومت از طریق حملات گسترده موشکی، هوایی و شیمیایی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی از بین ببرد.»<sup>(۱۷۰)</sup> روزنامه لیبراسیون نیز درباره هدف عراق می‌نویسد: «عراق در صدد وارد آوردن فشار هر چه بیشتر بر مردم ایران است تا موجبات نارضایتی هر بیشتر آنها را از جنگ فراهم آورد.»<sup>(۱۷۱)</sup> در واقع، عراقی‌ها تصور می‌کردند فشار اقتصادی به مردم در داخل و فشار به مسئولان<sup>\*</sup>، پایان دادن به جنگ را موجب می‌شود.

\* صدام طی نامه سرگشاده به مسئولان جمهوری اسلامی که در روزنامه «الشوره» به چاپ رسید می‌نویسد: «با افزایش حملات هوایی نیروی هوایی عظیم ما علیه شریان‌های اقتصادی و حیاتی ایران و پس از اینکه قیمت نفت به حدی کاهش پیدا کرد که ذخیره‌های ارزی شما دیگر کفایت تهیی و سایل و تجهیزات نظامی مورد نیاز و تئیه حداقل مایحتاج را نمی‌کنند...» (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۲۳۳)

چنانکه صدام در مصحابهای در پاسخ به این سؤال که جنگ چه وقت تمام می‌شود؟ پاسخ می‌دهد: «زمانی که فریاد و شعار ضد جنگ در داخل ایران بلند شود.»<sup>(۱۷۲)</sup>

اظهارات و تحلیل مقامات و رسانه‌های عراقی درباره هدف عراق از حمله به نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی ایران مهم است. صدام می‌گوید: «نوبت ماست تا اهداف نظامی و اقتصادی ایران را برای متوقف ساختن جنگ و استقرار صلح منهدم کنیم.»<sup>(۱۷۳)</sup> روزنامه‌الجمهوریه می‌نویسد: «نابودسازی نفتکش‌ها و تأسیسات جزیره خارک و دیگر ترمیمال‌های ایران به جهت وادار ساختن ایران به قبول صلح است.»<sup>(۱۷۴)</sup> رادیو صوت الجماهیر نیز می‌گوید: «ما هر بار روش جدیدی را برای درهم شکستن متجاوزان به کار می‌بریم تا اینکه ایران صلح را بالاجبار بپذیرد.»<sup>(۱۷۵)</sup>

عراقی‌ها به موازات دنبال کردن فشار به ایران برای تشویق و تحمیل "صلح از درون" با حمله به نفتکش‌ها و گسترش جنگ و بین‌المللی کردن آن به دنبال "صلح از بیرون" نیز بودند. در کتاب جنگ ایران و عراق ۱۹۸۱ م - ۱۹۸۰ م در این زمینه آمده است: «عراق "بین‌المللی کردن جنگ" را با این هدف و امید دنبال می‌کرد که دولتهای ثالثی که اثرپذیر بودند راهی کارآمد برای خاتمه بخشیدن به درگیری بیابند.»<sup>(۱۷۶)</sup> در واقع، به نوشته کردزمن «عراق به این نتیجه رسید که قادر به بسیج افکار عمومی\* به طرفداری از صلح\*\* نیست مگر اینکه بتواند جنگ را گسترش دهد. این مسئله دقیقاً به معنای درگیر کردن کشورهای جنوبی خلیج (فارس) و نیز کشورهای غربی وارد کننده نفت در جنگ بود.»<sup>(۱۷۷)</sup>

\* صدام درباره افکار عمومی و اهمیت آن می‌گوید: ما نباید به سیاست شکست خورده حکام ایران که برای افکار عمومی جهان و عراق هیچ ارزش و اهمیتی قائل نیستند متول شویم؛ زیرا ما در عصری زندگی می‌کنیم که تأثیرات افکار عمومی از مرزها گذشته است. (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۱۲)

\*\* صدام درباره سیاست تبلیغاتی عراق برای نشان دادن تمایل این کشور به صلح، ضمن نقد سیاست‌های ایران تأکید می‌کند ناکامی شما شکست در زمینه استراتژی شماها است و پیروزی حتمی از آن استراتژی ما می‌باشد. (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۲۷)

عراق واکنش ایران در برابر حمله به نفتکش‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و احتمال گسترش جنگ و تحریک قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را برای مداخله و پایان دادن به جنگ پیش‌بینی می‌کرد. عراق مایل بود ایران را به مسدود کردن تنگه هرمز و قطع عرضه نفت به غرب تحریک کند.<sup>(۱۷۸)</sup> چنانکه طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق، می‌گوید: «هدف عراق از بحران خلیج فارس آن است که ایران را وادار سازد تا تنگه هرمز را - که امریکا و عده بسته نشدنش را داده بود - مسدود نماید.»<sup>(۱۷۹)</sup> با توجه به اینکه عراق در خلیج فارس پایگاهی نداشت ایران قادر به یافتن اهداف عراقی در دریا نبود و در نتیجه یا باید در برابر فشار عراق بدون قید و شرط تسلیم می‌شد یا کشورهای خلیج فارس را تهدید می‌کرد<sup>(۱۸۰)</sup> و به غرب درباره بسته شدن تنگه هرمز و قطع ارسال نفت هشدار می‌داد. واکنش ایران به بسته شدن تنگه هرمز<sup>(۱۸۱)</sup> نشان داد عراق محاسبه درستی کرده بود.<sup>(۱۸۲)</sup>

عراق استراتژی جدید خود را با موافقت امریکا دنبال می‌کرد؛<sup>\*</sup> زیرا به نوشته کردمن امریکا از تأثیر پیروزی ایران بر ثبات کشورهای جنوبی خلیج (فارس) بیش از تأثیر اقدامات عراق بر امر نفت بیمناک بود.<sup>(۱۸۳)</sup> طارق عزیز نیز برای شولتز، وزیر خارجه وقت امریکا، استدلال می‌کرد حمله به نفتکش‌ها به جای اینکه به طولانی شدن جنگ منجر شود سبب پایان یافتن آن خواهد شد؛ زیرا اگر ایران پول نفت نداشته باشد که اسلحه مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه به قیمت‌های گزاف بخرد، دست از جنگ خواهد کشید.<sup>(۱۸۴)</sup> شولتز به طارق عزیز قول داد تا با فرانسویان در این باره صحبت کند.

ادامه این روند سبب شد تا به گفتۀ هوارد تیچر، عضو اداره امنیت ملی امریکا در سال ۱۹۸۶ م (۱۳۶۵)، ریگان پیامی محرمانه به صدام حسين بفرستد تا عراق جنگ هوایی خود را شروع کند و ایران را بمباران هوایی نماید. این پیغام را بوش، معاون ریگان، به مبارک، رئیس جمهور مصر، اعلام کرد و او آن

\* بنابر گزارش‌هایی که وجود داشت شیخ صباح الاحمد امیر کویت به هیئت ایران اظهار کرد که صدام درباره جنگ مشغول رسیدن به توافق‌هایی با شوروی‌ها بود. (آغاز تا پایان، پاورقی ص ۱۲۲)

را به اطلاع صدام رساند. هوارد تیچر می‌گوید: «من در ملاقات‌های متعدد با رؤسای اروپایی و خاورمیانه‌ای حاضر بودم که در همه آنها راهنمایی‌های عملی و استراتژیک ارائه و ابلاغ می‌شد.»<sup>(۱۸۵)</sup>

### جنگ نفتکش‌ها

آغاز جنگ نفتکش‌ها چشم‌انداز جدیدی را به وجود آورد که بیانگر تشدید در گیری و شکل گیری جنگ دریایی بود. بعد از آغاز جنگ در سال ۱۳۵۹ جنگ نفتکش‌ها با ساختار کلی جنگ در خلیج فارس چنان درآمیخته بود که تفکیک جنگ دریایی از روند کلی جنگ غیرممکن بود.<sup>(۱۸۶)</sup> چنانکه عراق برای اولین بار به ترمinal نفتی ایران در جزیره خارک در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ م (۲ مهر ۱۳۵۹) حمله کرد و بیست روز بعد تعدادی از مخازن سوخت را در تهران مورد حمله قرار داد و قبل از آن نیز ۱۵۰ مخزن ذخیره نفت را در آبادان به آتش کشید. تهاجمات عراق تولید پالایشگاه‌های آبادان، تهران، شیراز و کرمانشاه را به کمتر از نصف تقلیل داد.<sup>(۱۸۷)</sup> در عین حال، آنچه "جنگ نفتکش‌ها" نامیده شد روند متفاوتی بر تأثیرگذاری آغاز جنگ در خلیج فارس داشت. تمایل عراق به گسترش جنگ با حمله به اهداف استراتژیک ایران<sup>(۱۸۸)</sup> در جزیره خارک و کشتی‌های در حال بارگیری یا تردد به این جزیره، آغاز شد.

جنگ نفتکش‌ها با عملیات رمضان و حمله عراق به جزیره خارک شروع شد و در تعیین نتیجه نهایی جنگ ایران و عراق به عاملی تحریک‌کننده تبدیل شد.<sup>(۱۸۹)</sup> بدین صورت که پس از ناکامی اولیه عراق در حمله به خارک در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، دور جدیدی از حملات عراق از سال ۱۳۶۳ آغاز شد و آنچه مورد نظر عراق بود در واقع در سال ۱۳۶۵ تحقق یافت و پیامدهای آن با اسکورت نفتکش‌ها در سال ۱۳۶۶ آشکار گردید و جنگ بر اثر گسترش و تشدید آن با مداخله قدرت‌های بزرگ در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید.

تا پایان سال ۱۳۶۲ کلیه تلاش‌های عراق بر این موضوع متمرکز بود که کارایی جزیره خارک را برای صدور نفت ایران مختل کند.<sup>(۱۹۰)</sup> ولی تعدد نقاط بارگیری، که برای ۶/۵ میلیون بشکه در روز طراحی شده بود و تأسیسات محافظت شده به ایران اجازه می‌داد از هدر رفتن نفت اجتناب کند و بلافاصله از یک نقطه بارگیری به نقطه دیگر روی آورد. نقاط بارگیری مورد اصابت قرار گرفته نیز نسبتاً بسادگی تعمیر می‌شدند و این امر تلاش عراق را برای وارد آوردن آسیب جدی برای اخلاق ایجاد کامل صادرات نفت ایران با شکست همراه کرد.<sup>(۱۹۱)</sup> اما از سال ۱۳۶۳ به بعد تحولی در وضعیت منطقه ایجاد شد؛ زیرا عراقی‌ها برای قطع صادرات نفت ایران حوزه عملیاتی را تا منطقه شمال قطر گسترش دادند و به صورت آشکار از دولت فرانسه هوایی‌سپاهی سوپر اتاندارد و موشک‌های اگزوست دریافت کردند تا توان دریایی خود را افزایش دهند. پیش از این، عراقی‌ها با موشک‌های ساحل به دریا یا با هواییما و هلی‌کوپترهای معمولی به اهداف دریایی حمله می‌کردند و این حملات دقیق نبود، اما عراقی‌ها با گرفتن موشک‌های ضد کشتی اگزوست، که قیمت هر یک از آنها بیش از یک میلیون دلار بود، فعالیت گستردگی را آغاز کردند و در مجموع تا پایان جنگ جمعاً ۱۲۰۰ فروند موشک اگزوست استفاده کردند.<sup>(۱۹۲)</sup>

عراق برای تحقق اهداف خود در حمله به تأسیسات نفتی و نفتکش‌های ایران، به سلاح‌های جدید و گسترش عملیات هوایی نیاز داشت. برای این منظور، طارق عزیز در پایان سال ۱۳۶۲ تقاضای خرید پنج فروند هوایی‌سپاهی سوپر اتاندارد، مجهر به موشک‌های اگزوست را تسلیم پاریس کرد. فرانسه اجازه داد خلبانان عراقی به طور محترمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر "برست" آموزش ببینند.<sup>(۱۹۳)</sup> هوایی‌سپاهی سوپر اتاندارد که علی‌رغم اعتراضات ایران به عراق تحويل داده شد،<sup>(۱۹۴)</sup> به گفته وفیق سامرایی نیروی

---

\* روزنامه‌ومانتیه، ارگان حزب کمونیست فرانسه، طی گزارشی نوشته: طی ده سال فرانسه هزار موشک اگزوست تحويل عراق داده است. (۱۹۵) /اعتراف می‌کنیم، ص ۵۸

هوایی عراق را متحول کرد.<sup>(۱۹۵)</sup> به نوشته نشریه‌ایی امریکایی، به نقل از منبع خود در وزارت دفاع فرانسه، حتی خلبانان فرانسوی نیروهای عراقی را در جنگ نفتکش‌ها یاری دادند.<sup>(۱۹۶)</sup> در عین حال، وفیق سامرا بی می‌گوید: «متوقف نمودن صادرات نفت ایران، به علت محدودیت توانایی هوایی ما و همچنین دوردست بودن بسیاری از اهداف ایرانی‌ها، خارج از توان ما بود.»<sup>(۱۹۷)</sup> کردزمن در این زمینه می‌نویسد: «ضعف و ناتوانی عراق در رسیدن به اهداف استراتژیک، از فقدان تکنولوژی ریشه می‌گرفت. هوایی‌ها از عراق قادر شعاع دید و برد کافی و دقیق بودند. موشک‌های ضد کشتی این کشور به اندازه کافی قدرت تخریب نداشتند تا بسرعت در بدنه کشتی‌ها فرو رفته و آنها را از هم بپاشند. عراقی‌ها همچنین هیچ‌گونه هوایی‌مایی گشت دریابی در اختیار نداشتند. علاوه بر این، ناتوانی عراق از نداشتن سازمان نظامی و فرماندهی مناسب ناشی می‌شد. عراق در به کارگیری قدرت هوایی خود به تعداد سورتی پروازهای کافی برای دستیابی به قدرت تخریب کامل، در نابودی هدفی معین، ناتوان بود. در نهایت اینکه عراق نتوانست از هیچ یک از امکانات بسیار پیشرفته خود نتایج استراتژیک سیاسی عمدتی به دست آورد.»<sup>(۱۹۸)</sup>

مرحله جدید حملات عراق در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ متعاقب روابط جدید عراق با امریکا آغاز شد و در نتیجه عراق سطح استراتژی حمله به اهداف مهم خود را ارتقاء داد.<sup>(۱۹۹)</sup> در این مرحله، تجهیزات ارسالی به عراق از نظر حجم و کیفیت تغییرات اساسی کرد. فرانسه به درخواست‌های جدید عراق برای دریافت ۲۴ فروند میراژ<sup>\*</sup> پاسخ مثبت داد و ژاک شیراک، نخستوزیر وقت فرانسه، طی مصاحبه‌ای ضمن پایبندی فرانسه به قرارداد با

---

\* تبیهمن در کتاب خود می‌نویسد از مصاحبه‌هایی که با مقامات دولتی و دلال‌های اسلحه داشتم، فرانسویان نخستین جنگنده بمب افکن‌های میراژ را هنگامی به عراق تحویل دادند که گروگان‌های امریکایی تهران را ترک کردند. در این زمان چهار فروند میراژ با هدایت خلبانان نیروی هوایی فرانسه وارد قبرس شدند و از آنجا خلبانان عراقی هوایی‌ها را به عراق بردن و بعدها ایرانی‌ها شنیدند و اعتراض کردند.

(سوداگری مرگ، ص ۱۹۳)

عراق گفت: «در صورتی که در جبهه کشورهای عربی شکاف بیفتد، بنیادگرایی اسلامی در تمامی کشورهای مدیترانه و شاید تا ساحل اقیانوس اطلس گسترش می‌یابد.»<sup>(۲۰۰)</sup>

تحویل هواپیماهای میراز اف - ۱ ساخت فرانسه به عراق که در مقایسه با هواپیماهای شوروی تجهیزات پیشرفته‌تری داشت، بهبود در وضعیت موشک‌های هوا با سوار کردن موشک‌های "ماژیک" ساخت فرانسه در هواپیماهای میگ ۲۱ عراقی و اجاره کردن هواپیماهای سوبر اتاندارد در اوایل سال ۱۹۸۴ م که به موشک‌های آگروست هوا - دریا مجهز بودند، توانایی نیروی هوایی عراق را برای هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و بویژه خطوط نفتی ایران افزایش داد.<sup>(۲۰۱)</sup>

همچنین اتحاد شوروی با هواپیمای میگ ۲۵ و دو نوع جنگنده گشتی - شناسایی، نیروی هوایی عراق را تجهیز کرد. این امر در زمینه فعالیت‌های گشتی - شناسایی و تصویربرداری هوایی جهشی بزرگ و فraigیر ایجاد نمود.<sup>(۲۰۲)</sup>

علاوه بر تغییرات در هواپیماها، تاکتیک‌ها و آموزش هوایی عراق، متخصصان هندی و فرانسوی به آرامی آموزش و طرح‌ریزی عملیاتی نیروهای عراقی را بهبود بخشیدند.<sup>(۲۰۳)</sup> به گفته وفیق سامرایی در سال ۱۳۶۵ حملات عراق به اهداف اقتصادی، مؤثرتر از پیش بود؛ زیرا با استفاده از تصویربرداری هوایی و تشویق کسانی که با ما برای بازدید از محل بمباران شده و تعیین میزان ضرر و زیان‌های وارده همکاری می‌کردند، میزان قدرت ضربه واردہ را می‌توانستیم ارزیابی کنیم. علاوه بر آن، از اطلاعاتی که ماهواره‌های جاسوسی می‌گرفتند نیز بهره‌برداری می‌کردیم.<sup>(۲۰۴)</sup>

توانمندی عراق در مرحله جدید سبب شد در سال ۱۳۶۵ صدام طی سخنانی اعلام کند: «قدرت نظامی عراق به طور مداوم پیشرفت می‌کند و راه را برای حمله به هدف‌هایی در عمق ایران، که قبلاً خارج از بُرد بودند، باز می‌کند.»<sup>(۲۰۵)</sup> برای اولین بار هواپیماهای میراز اف - ۱ عراق به پالایشگاه

اصفهان حمله کردند و موفق به بمباران آن شدند. اهمیت این عملیات سبب شد کارشناسان امریکایی به بغداد بیایند و اطلاعات راجع به چگونگی اجرای این عملیات را که نیاز به سوختگیری در حین پرواز داشت، خواستار شوند.<sup>(۲۰۶)</sup> همچنین عراقی‌ها پالایشگاه نفت تبریز را در مرداد ۱۳۶۵ بمباران کردند.<sup>(۲۰۷)</sup> حملات عراق به جزیره لارک و سیری<sup>(۲۰۸)</sup> در تابستان سال ۱۳۶۵ بیان کننده تحول اساسی در حملات هوایی عراق و استفاده از روش سوختگیری در آسمان برای حمله به اهداف در عمق خاک ایران بود.

در جنگ نفتکش‌ها در حالی که در سه سال اول جنگ تنها به ۴۸ کشتی بازرگانی حمله شده بود، در سال ۱۳۶۳ به ۷۱<sup>\*</sup> کشتی بازرگانی حمله شد<sup>(۲۰۹)</sup> و در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ مجموعاً بیش از ۱۲۰ هدف مورد حمله قرار گرفت. تلفات انسانی سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ جمیعاً ۱۷۸ نفر بود.<sup>(۲۱۰)</sup>

عراق با حمله به نفتکش‌ها و تأسیسات نفتی، صادرات ایران را کاهش داد. ایران در سال ۱۳۶۳ به میزان ۱/۳۶ میلیون بشکه، سال ۱۳۶۴ به میزان ۱/۸ میلیون بشکه و در سال ۱۳۶۵ به میزان ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز صادر کرد. درآمد نفتی ایران ۱۰/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ و ۱۲/۵۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۴ و ۶/۸۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ بود. در سال ۱۳۶۵ علاوه بر کاهش صدور نفت ایران، به دلیل کاهش قیمت نفت عملاً درآمد نفتی ایران به کمترین میزان در سال‌های جنگ رسید. این وضعیت نشان می‌دهد اقتصاد ایران بر اثر حملات عراق تضعیف شد.<sup>(۲۱۱)</sup> در نتیجه، ایران علاوه بر تحمل هزینه‌های بسیار، مجبور شد در قیمت نفت تخفیف‌های زیادی بدهد تا با امکان ادامه فروش نفت، همچنان از درآمدهای نفتی برخوردار شود.

صدام در سال ۱۳۶۵ ضمن اشاره به اینکه قدرت نیروی هوایی عراق افزایش یافته‌است و به هدف‌هایی حمله می‌کند که قبلًاً ممکن نبود،<sup>(۲۱۲)</sup> اعلام

\* کردزن آمار ۳۷ هدف را تأکید می‌کند.  
\*\* فرمانده نیروی دریایی عراق اعلام کرد: از ابتدای جنگ تا سال ۱۳۶۵ جمیعاً ۵۸ نفتکش ایرانی، ۴۰۰ کشتی تجاری و ۸۵ کشتی تدارکاتی را منهدم نموده است.

کرد ضربات مؤثر نیروی هوایی بر نقاط حیاتی، قدرت اقتصادی دشمن را ضعیف و متزلزل کرده و آن را درآستانه ورشکستگی و نابودی قرار داده است.<sup>(۲۱۳)</sup> وی خطاب به ایران ادعا کرد زمان به نفع آنها نیست، بلکه بر ضد آنهاست.<sup>(۲۱۴)</sup>

### جنگ شیمیایی

عراق برای تهیه و تولید سلاح‌های شیمیایی به موازات اقدام برای دستیابی به سلاح اتمی<sup>\*</sup> از دهه ۱۹۷۰ میلادی تلاش خود را آغاز کرد. ارتش عراق پس از تجاوز به ایران، ابتدا این سلاح‌ها را با هدف دفاعی و به صورت محدود در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ به کار گرفت ولی از سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ تولید و استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی با هدف دفاعی - تهاجمی به نحو شگفت‌انگیزی افزایش یافت. چنانکه حملات شیمیایی عراق از ۵۰ مورد حمله در سال آغاز جنگ به ۴۵ مورد در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. بیشترین حملات در هنگام عملیات کربلای ۵ و عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره صورت گرفت، ولی بیشترین مصدوم در عملیات والفجر ۱۰ با بمباران حلبچه و اساساً پس از سال ۱۳۶۶ بود. تعداد مصدومان از صفر در اوایل سال ۱۳۵۹ آغاز و به دوازده هزار نفر در سال ۱۳۶۶ افزایش یافت.

عراق از انواع گاز‌ها شامل خردل، اعصاب، سیانور، فسفری، خفه‌کننده، و تهوع‌آور استفاده کرد. نیمی از حملات با استفاده از گاز خردل صورت گرفت و دیگر حملات بیشتر با گاز اعصاب و سیانور انجام شد. گازها را عموماً هواپیماها حمل و استفاده می‌کردند. دو سوم حملات با هواپیما بود و مابقی با خمپاره‌انداز و توپخانه انجام می‌شد.<sup>(۲۱۵)</sup>

هدف عراق از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی جلوگیری از پیشروی ناگهانی قوای نظامی ایران در موضع و استحکامات عراق و مهار پیامدهای

\* دکتر حسین شهرستانی از دانشمندان هسته‌ای عراق درباره تلاش عراق برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای می‌گوید: «صدام از اویل تاستان ۱۹۸۰ م به فکر ساخت سلاح هسته‌ای افتاد، وی معتقد بود که این سلاح بازوی توانایی برای تغییر نقشه خاورمیانه خواهد بود.» (بولتن وزارت خارجه، ۱۳۸۱/۱۲/۴، ش ۳۷۴ ص ۶)

سیاسی - استراتژیک آن بود. عراقی‌ها به تأثیرات روحی - روانی سلاح‌های شیمیایی و آثار کاربرد آن در ایجاد پراکندگی در نیروها و از میان بردن قدرت مقاومت یا پیشروی آنها و اخلال در سازمان رزم،<sup>(۲۱۶)</sup> توجه کردند.

نظر به اینکه قدرت نظامی ایران در تهاجم به عراق اتکاء بر نیروهای پیاده و اجرای عملیات شبانه بود، لذا عراقی‌ها به دلیل ناتوانی در برابر این تاکتیک‌ها، برای جلوگیری از پیشروی نیروها و ایجاد پراکندگی در میان آنها از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کردند. خدیر حمزه، رئیس پیشین طرح‌های هسته‌ای عراق، درباره تأثیر این سلاح بر نیروهای ایران می‌گوید: «در جنگ طولانی عراق با ایران، روشن شد که به وحشت انداختن نیروهای ایران از طریق استفاده از سلاح شیمیایی، به مراتب مؤثرتر از تمام توپخانه و بمباران هوایی بود که ما می‌توانستیم به کار ببریم».<sup>(۲۱۷)</sup> به همین دلیل، وفیق سامرایی می‌گوید: «اگر کاربرد این سلاح‌ها نبود اوضاع به ضرر ما شکل می‌گرفت».<sup>(۲۱۸)</sup> در ادامه بحث ابتدا به تهیه و تولید عوامل شیمیایی و سپس به کارگیری آن در مراحل مختلف جنگ اشاره خواهد شد.

### تهیه و تولید عوامل و جنگ‌افزار شیمیایی

آن دسته از مواد یا ترکیبات شیمیایی که در صورت انتشار مناسب و تأثیر شیمیایی، به مرگ، آسیب و ناتوانی در انسان، حیوان و یا از بین رفتن گیاه منجر می‌شود، "عوامل شیمیایی" می‌نامند. وسائل کاربرد این مواد را "جنگ‌افزار شیمیایی" می‌گویند. عوامل شیمیایی را با توجه به مشخصات و آثار فیزیکی به چهار دستهٔ عمدۀ تقسیم می‌کنند:

- ۱- ناتوان کننده‌ها، که سبب کاهش توان رزمی نیروهای مقابل می‌شود و قدرت جنگیدن را از نیروها سلب می‌کند.
- ۲- عوامل زیان بخش، که ایذاء دشمن را موجب می‌شود و آنها را به ستهه در می‌آورد و با ضایعات پوستی و آثار دراز مدت بویژه سلطان همراه است.

۳- عوامل کشنده، که شامل اعصاب، خفه‌کننده سمی و خون است. گاز اعصاب سبب از کار افتادن نیروی محرکه و مختل شدن سیستم اعصاب می‌شود. خفه‌کننده موجب خفگی و مرگ می‌شود و پس از جذب شدن در خون آثار سمی خود را ظاهر می‌کند.

۴- عوامل ضد گیاه، که بر درختان و گیاهان اثر می‌گذارد و آنها را خشک می‌کند و از بارور شدن خاک و رویش گیاهان جلوگیری می‌کند.<sup>(۱۹)</sup>

عراقی‌ها برای دستیابی به توان شیمیایی اقدامات زیر را انجام دادند:

۱- مناسبات تجاری با کشورهای غربی برقرار کردند تا فن‌آوری، مواد و تجهیزات مربوط به جنگ‌افزار شیمیایی را خریداری کنند.

۲- با شرکت‌های تولید کننده وسایل شیمیایی در آلمان غربی قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون بستند.

۳- ترکیبات شیمیایی مربوط به تولید عوامل اعصاب را از کشورهای غربی بویژه آلمان و هند خریداری کردند.

۴- کارخانه‌های ساخت و تولید جنگ‌افزار شیمیایی را بویژه در شهر سامرا تأسیس کردند.

برنامه سلاح‌های کشتار جمعی عراق به گفته دکتر حسین شهرستانی، از دانشمندان هسته‌ای عراق، از سال ۱۹۸۰ م (۱۳۵۹) آغاز شد و در بخش شیمیایی در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱) با کمک تعدادی از شرکت‌های امریکایی با استفاده از گاز اعصاب و سارین توسعه یافت.<sup>(۲۰)</sup> ولی اقدام عراق برای کسب توانمندی BW (بیولوژیک) به نوشته دکتر گراهان پی‌یرسون، از محققان ساخت عوامل جنگ‌های بیولوژیک در دپارتمان صلح دانشگاه برادفورد انگلیس، از سال ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳) آغاز شد و یک سال بعد در ۱۹۷۵ م (۱۳۵۴) اجرای ۷۸ پروژه تحقیق و توسعه را در مرکز آل سلمان آغاز کرد. عراق در سال ۱۹۸۵ م (۱۳۶۵) به تولید انبوه عوامل میکروبی سیاه رخم و سم بوتولیسم قادر بود.<sup>(۲۱)</sup> جیمز ولسی، رئیس سابق سازمان سیا، معتقد است میکروب سیاه رخم در بسیاری از آزمایشگاه‌های امریکا قابل

دسترسی بود و آن را کشورهای مختلف و از جمله عراق در سال‌های ۱۹۸۰ توزیع کردند.<sup>(۲۲۲)</sup>

عراق برای حل مشکلات نظامی اش، متعاقب شکست‌ها، جنگ شیمیایی را برگزید و از تکنولوژی و ذخایر شیمیایی استفاده کرد.<sup>(۲۲۳)</sup> وفیق سامرایی می‌گوید: «به دنبال وارد آمدن تلفات سنگین به صفوف نیروهای ما و احساس نیاز به سلاح بازدارنده، که رهبران ایران را از تداوم جنگ باز دارد، اندیشه دستیابی به سلاح‌های شیمیایی شکل گرفت.»<sup>(۲۲۴)</sup> نظریات کارشناسی برخی از کشورها از جمله کارشناسان شیمیایی شوروی (سابق) سبب شد تا عراق به استفاده از این سلاح‌ها توجه کند.<sup>(۲۲۵)</sup> در سال ۱۳۶۱ وزارت صنایع و پتروشیمی دولت عراق برای خرید پانصد هزار کیلوگرم مواد شیمیایی موسوم به "تیئودیگلیکون" برای تولید عوامل غیراعصاب به شرکتی در بلژیک سفارش داده شد. کشنده‌گی گاز خردل ده تا صد بار کمتر از عوامل ساده اعصاب است، اما تولید و کاربرد و رها کردن آن در عملیاتی واقعی بسیار آسان است. مجروحان گاز خردل به مقدار زیادی خدمات و پشتیبانی نیاز خواهند داشت. قرار گرفتن در معرض گاز خردل برای مدتی کوتاه می‌تواند سبب کوری یا بروز تاول‌های چهار تا شش هفت‌های شود. بنابراین، از نظر عراق گاز خردل در مقابله با نیروهای پیاده ایران که اغلب مدت طولانی در مناطق آلوده در حالت ایستا می‌مانندند و امکانات پزشکی پشت جبهه نسبتاً محدودی داشتند، برتری زیادی را نصیب عراق می‌کرد.<sup>(۲۲۶)</sup>

عراق تا اواخر سال ۱۳۶۴ حدود ده تن از انواع گازها را در یک ماه تولید می‌کرد که در اواخر سال ۱۳۶۵ این ظرفیت تولید به بیش از پنجاه تن در ماه افزایش یافت و در پایان سال ۱۳۶۷ عراق می‌توانست بیش از هفتاد تن گاز خردل\* و شش تن از هر یک از گازهای تابون و سارین تولید کند.<sup>(۲۲۷)</sup>

---

\* دکتر گراهان بی‌پرسون از بریتانیا درباره گاز خردل می‌گوید: گاز خردل پوست بدن را مورد حمله قرار می‌دهد و تاول بزرگی ایجاد می‌کند و اگر کسی تنفس کند دستگاه دم زدن او را مورد حمله قرار می‌دهد و بعد تا مغز استخوان نفوذ می‌کند و به مرگ منجر می‌شود. (سوداگری مرگ، ص ۲۷۴)

توانمندی عراق در تولید گازهای شیمیایی با مشارکت و حمایت بسیاری از شرکت‌های امریکایی و اروپایی و سایر کشورها ایجادشد. پس از تجاوز عراق به کویت و افزایش تنش میان امریکا و عراق، با تحقیقاتی که انجام‌شد و گزارشی که عراق به سازمان ملل ارسال کرد بنابر یک گزارش عراق از آلمان، امریکا و انگلیس تجهیزات نظامی دریافت می‌کرد که آلمان با ۲۷ شرکت خصوصی و دولتی بیشترین سهم را در برنامه نظامی عراق داشت و امریکا با ۲۴ شرکت و انگلیس با ۱۱ شرکت فعال مشارکت داشتند.<sup>(۳۸)</sup> روزنامه «کترونیکی القبس» از قول کارشناسان و گزارش ارسالی از عراق آمار دیگری را ارائه کرده است: بنابر این گزارش ۹۲ شرکت آلمانی، عراق را به سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای مجهز کردند و در رأس تأمین کنندگان ۲۲ شرکت امریکایی، ۲۳ شرکت انگلیسی، ۲۱ شرکت فرانسوی، ۱۸ شرکت اتریشی، ۱۱ شرکت بلژیکی، ۱۵ شرکت ایتالیایی، ۱۳ شرکت سوئیسی، ۷ شرکت اسپانیایی، ۳ شرکت ژاپنی، ۴ شرکت هندی، ۵ شرکت کره‌ای و ۳ شرکت چینی و تعدادی از شرکت‌های آرژانتینی، بربادی، مصری، اردنی و ۴۰ شرکت روسی و اوکراینی در لیست فروشنده‌گان سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای به عراق قرار دارند.<sup>(۳۹)</sup> درباره شرکت‌ها و کشورهایی که عراق را در ساخت سلاح شیمیایی کمک کردند، رادیو امریکا با اشاره به گزارش سازمان خبرهای دفاعی خاورمیانه در پاریس به رقم ۲۰۰ شرکت در ۲۱ کشور جهان اشاره می‌کند و رئیس مرکز وزینتال در پاریس درباره این گزارش می‌گوید: در گزارش از ۲۰۷ شرکت نام برده می‌شود که ۸۶ شرکت آلمانی هستند. گزارش مورد بحث همچنین از ۱۸ شرکت امریکایی، که دولت صدام از تجهیزات و فراورده‌های آنها برای مقاصد نظامی استفاده کرده است، نام می‌برد.<sup>(۴۰)</sup>

### به کارگیری در جنگ

افزایش توانمندی عراق در تهیه و تولید عوامل جنگ‌افزار شیمیایی همراه با نگرانی از شکست و طولانی شدن جنگ سبب شد تا عراق پس از عملیات

والفجر ۱ برای نخستین بار از طریق رادیو "صوت الجماهیر" در یکی از برنامه‌های خود به استفاده از سلاح‌های شیمیایی تهدید کند. در این برنامه گفته شد ما کسانی را که به خود اجازه می‌دهند به مزه‌های ما نزدیک شوند، نابود می‌کنیم. ما داروی نابودی آنان را در اختیار داریم و از آن علیه هرگونه حشراتی که قصد تجاوز به خاک مقدس ما را دارند استفاده خواهیم کرد.<sup>(۲۳۱)</sup>

برای نخستین بار در مقایسه با گذشته، عراق به شکل جدیدتری از هواپیما و توپخانه و از سلاح‌های شیمیایی در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج عمران استفاده کرد. خلبانی اسیر در اعترافات خود تصريح کرد که با هواپیمای سوخو ۲۲، بمب‌های شیمیایی را حمل و در منطقه حاج عمران فرو ریخته است.<sup>(۲۳۲)</sup>

در عملیات خیبر در جزایر مجنون (سال ۱۳۶۲) عراق به نحو کاملاً متفاوتی با گذشته از عوامل شیمیایی با استفاده از هواپیما و توپخانه در چهارده مورد به طور گسترده استفاده کرد.<sup>(۲۳۳)</sup> در این عملیات ۲۷۰۰ نفر از نیروهای ایران مجرح شدند.<sup>(۲۳۴)</sup>

عراق در عملیات بدر در سال ۱۳۶۳ علاوه بر گاز اعصاب و تاول‌زا از سیانور و عامل خون نیز استفاده کرد.<sup>(۲۳۵)</sup> عراق در این عملیات به جاده‌ها، عقبه‌ها، قرارگاه‌ها، اورژانس‌ها و اسکله‌ها حمله کرد. هشتم فخری، فرمانده سپاه سوم عراق، پس از عملیات بدر طی مصاحبه‌ای گفت کشورش حق استفاده از سلاح شیمیایی را برای خود محفوظ نگه می‌دارد.<sup>(۲۳۶)</sup> رادیو بغداد نیز اعلام کرد: «در برابر اصرار ایران بر ادامه جنگ، عراق مجاز خواهد بود با هر اسلحه خطناک و سوزاننده‌ای از خود دفاع کند».<sup>(۲۳۷)</sup>

نحوه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در عملیات خیبر و بدر در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ نشان می‌داد عراق به صورت فزاینده‌ای گروه‌های جنگ شیمیایی خود را در قالب نیرویی نخبه در آورده است و تدریجیاً وسایل هدف‌گیری و پرتاپ را با پیش‌بینی "الگوهای جهت باد" بهبود بخشید که آثار آن در سال‌های بعد بویژه در حلبچه آشکار شد. عراق در این مرحله،

علاوه بر گاز خردل از گازهای اعصاب استفاده کرد که تأثیر عمدتی بر افزایش تلفات ایران داشت. همچنین عراق با افزایش تولید گازهای سارین وتابون، در عملیات فاو در سال ۱۳۶۵ به نحو گسترهای از این گازها استفاده کرد.<sup>(۲۳۸)</sup>

مجامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ در استفاده گسترده عراق از سلاح‌های شیمیایی سکوت اختیار کردند و تنها در ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) اولین واکنش را شورای امنیت از خود نشان داد ولی عراق به آن بی‌توجهی کرد.<sup>(۲۳۹)</sup>

پس از عملیات خیر - که سوم اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد - سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد عراق در جنگ از گاز سمی استفاده کرده است.<sup>(۲۴۰)</sup> در پی آن نیز امریکایی‌ها در مارس ۱۹۸۴ م (اسفند ۱۳۶۲) به کارگیری سلاح شیمیایی را محکوم کردند.<sup>(۲۴۱)</sup> واکنش امریکا در برابر عراق در حالی صورت گرفت که امریکا به دلیل نگرانی از شکست عراق در جنگ و شکست امریکا در خاورمیانه به دنبال برقراری ارتباط با عراق بود. به همین دلیل، جاناتان هوو، از اداره سیاسی - نظامی وزارت خارجه در نامه مورخ ۱ نوامبر ۱۹۸۳ م خطاب به جرج شولتز نوشت: «عراق به صورت روزمره از سلاح شیمیایی استفاده می‌کند و برای حفظ اعتبار سیاست‌مان در خصوص سلاح‌های شیمیایی باید به این مسئله اشاره کنیم». ولی برای کاخ سفید اهمیت صدام در مقابله با ایران بیش از اینها بود، لذا در فرمان ریاست جمهوری شماره ۱۱۴ مورخ ۲۶ نوامبر همان سال که به امضاء ریگان رسید اشاره‌ای به این مسئله نشد.<sup>(۲۴۲)</sup> درنتیجه، پس از آنکه امریکا عراق را در استفاده از سلاح شیمیایی محکوم کرد بلافصله رامسفلد در سفر دوم خود به عراق در فروردین ۱۳۶۳ مایل بود به صدام توضیح بدهد که این موضع گیری به گسترش مناسبات دو کشور ارتباطی ندارد. آرمیتاژ بعدها در همین زمینه می‌گوید: «انگیزه اصلی واشنگتن به برقراری رابطه با عراق و نگرانی از پیروزی ایران در جنگ با عراق سبب شد دولت امریکا واکنش درخور توجهی

نشان ندهد.»<sup>(۲۴۳)</sup> روزنامه «الشرق الاوسط» به نقل از سند محرمانه‌ای در گزارش خود می‌نویسد: «رضایت پنهانی امریکایی‌ها در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی کاملاً واضح و مشهود است و آن همسو با منافع امریکا ذکر شده است. همچنین صدام به استفاده از این سلاح تحریک و تشویق شده است.»<sup>(۲۴۴)</sup>

دولت انگلیس نیز با وجود درخواست ایران برای محکوم کردن عراق در کاربرد سلاح‌های شیمیایی، هیچ واکنشی نشان نداد و این اتهام را رد کرد و یک نماینده مجلس انگلیس گفت: «ما از جار خود را از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی به هر دو طرف متخاصل اعلام کرده‌ایم!»<sup>(۲۴۵)</sup> یک مقام وزارت خارجه انگلیس نیز اعلام کرد: «دولت انگلیس مقررات صادرات مواد شیمیایی به ایران و عراق را سخت‌تر کرد.»<sup>(۲۴۶)</sup>

استفاده از سلاح‌های شیمیایی به صورت تدریجی علاوه بر اینکه عنصری جدید را وارد معادلات نظامی کرد بر روند جنگ و نتایج عملیات‌ها تأثیر مهمی داشت. بنابر گزارش جمهوری اسلامی به کنفرانس خلع سلاح، تعداد حملات شیمیایی عراق از دی ماه ۱۳۵۹ تا اسفند ۱۳۶۶ جمعاً ۲۴۲ مورد بود که قربانیان آن ۴۴ هزار نفر ذکر شده است.<sup>(۲۴۷)</sup> همچنین بنابر گزارش موجود عراق شش هزار بمب شیمیایی\* در جنگ علیه ایران به کار گرفت.<sup>(۲۴۸)</sup>

در مجموع، کاربرد سلاح شیمیایی تأثیر عمده‌ای از نظر تلفات، ضایعات و تضعیف روحیه نظامیان و مردم ایران بر جنگ گذاشت.<sup>(۲۴۹)</sup> کردن من درباره درس‌های استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ می‌نویسد: «وقتی نیروهای نظامی احساس کنند بی‌دفاع هستند ممکن است با تحمل تلفات محدود از

---

\* بغداد در پاسخ به هانس بلیکس، رئیس بازرگان تسلیحاتی، درباره شش هزار بمب شیمیایی مندرج در یک سند، مدارکی را نشان داده است که در جنگ علیه ایران به کار برده است.

(روزنامه آفتاب، ۸۱/۱۰/۵)

مقاومت دست کشیده و فرار کنند. مردمی که از حملات شیمیایی در هراسند، ممکن است براحتی از حمایت از جنگ دست بردارند.»<sup>(۲۵۰)</sup>  
استراتژی ایران

در ایران پس از عملیات خیبر در سطح استراتژی سیاسی و نظامی پرسش و تردیدهایی جدیدی به وجود آمد. علی‌رغم نگرانی امریکا از احتمال شکاف در خطوط دفاعی عراق و شکست سیاسی - نظامی در لبنان، به نظر می‌رسید ایران قدرت نظامی لازم را برای دستیابی به پیروزی بر عراق ندارد و در عین حال، ادامه جنگ برای ایران با توجه به افزایش فشارهای سیاسی - اقتصادی و بین‌المللی مخاطره‌آمیز بود.

حمایت‌های همه‌جانبه از عراق پس از فتح خرم‌شهر توان نظامی عراق را بسیار افزایش داد. سازمان رزم عراق نیز با تشکیل یگان‌های جدید گسترش یافت. به همین دلیل، به نظر می‌رسید تعادل نظامی به سود عراق تغییر یافته باشد. بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا، مقامات عراقی نسبت به سال قبل با اعتماد به نفس بیشتری درباره جنگ سخن می‌گویند و بخوبی در برابر حملات مکرر ایران مقاومت نموده‌اند.<sup>(۲۵۱)</sup>

در حالی که به نظر می‌رسید اگر ایران بتواند همزمان در چندین نقطه از جبهه حمله کند عراق آسیب‌پذیر خواهد بود،<sup>(۲۵۲)</sup> ولی توان نظمی ایران با اهداف و ضرورت‌های مورد نیاز تناسب نداشت و عراقی‌ها نیز با توجه به افزایش فاصله زمانی اجرای عملیات‌های بزرگ ایران که در گذشته حداکثر تا سه ماه به طول می‌انجامید و پس از والفجر ۱ به یازده ماه افزایش یافت، چنین نتیجه‌گرفتندکه از قدرت تهاجمی ایران کاسته شده است. متقابلاً "عراقی‌ها نیز گرچه در دفاع در برابر حملات ایران نسبتاً موفق بودند ولی از ضعف‌های عمدۀ عراق ناتوانی آنها در ضد حمله بود."<sup>(۲۵۳)</sup>

کردزمن در تجزیه و تحلیل تأثیر عملیات خیبر و بدر بر رهبری عراق و ایران نتیجه می‌گیرد: «پیروزی‌های اولیه این باور را در ایرانیان به وجود آورد که می‌توانند بر برتری تسليحاتی و تکنولوژی عراق فائق آیند، در صورتی که

در نقطه مناسب دست به حمله بزنند و از شور انقلابی بخوبی بهره گیرند و به نقطه مورد هدف فشار وارد نمایند. ایران باور داشت که در جنگ فرسایشی و قرار دادن عراق در موقعیتی که دیگر قادر به ادامه جنگ نباشد، موفق بوده است. عراق نیز به سهم خود به این نتیجه رسیده بود که استراتژی و تاکتیک‌های اصلی‌اش درست بوده و کشور همچنان می‌تواند بر تکنولوژی، ضد حملات و موضع پدافندی ثابت خود متکی باشد. به همین دلیل، عراق بیش از هر چیز بر افزایش اتکاء به تکنولوژی اصرار می‌ورزید.<sup>(۲۵۴)</sup> از نظر کردزمن وضعیت فعلی هیچ‌گونه شانسی برای پیروزی هیچ یک از طرفین ندارد.<sup>(۲۵۵)</sup>

پس از عملیات خیبر آقای هاشمی رفسنجانی درباره تجزیه و تحلیل وضعیت سیاسی - نظامی و ضرورت تصمیم‌گیری، در جمع فرماندهان ارتش و سپاه توضیحاتی می‌دهد که مهم است. ایشان می‌گوید: «ما الان وضع امکانات و درآمدمان نمی‌کشد، بسختی خودمان را تجهیز یا کالایی را فراهم می‌کنیم. مدتی است زیر خط قرمز قرار داریم. از نظر نظامی و امکانات مربوطه مشکل داریم، الان فشار اقتصادی می‌آورند و نفت ما را نمی‌خرند. الان ما از موضع ضعیفی حرکت می‌کنیم و ظرف دو ماه گذشته قدرت خرید ما مقدار زیادی پایین آمده، امکان فروش نفت در آن سطحی که می‌خواهیم نیست. اینها در طول زمان برای کشور مشکل است.»<sup>(۲۵۶)</sup> ایشان اضافه کرد: «دشمن محاسبه کرده و امکان ارزی ما را می‌داند. بعد از زدن کشتی‌ها درآمد ما پایین آمده، ۲/۵ میلیون بشکه صدور نفت به زیر ۲ میلیون رسیده، قیمت هر بشکه ۲۴ دلار است که ۲/۵ دلار ارزانتر شده است. اسکله خارک زده شده و خسارت زیادی داشته است و فشار دشمن روز به روز بر ما بیشتر خواهد شد.»<sup>(۲۵۷)</sup>

آقای هاشمی پس از تجزیه و تحلیل اوضاع اقتصادی و بیان کاهش توان کشور برای اداره جنگ، درباره تأثیر عملیات نظامی می‌گوید: «تا یک ضربه می‌زنیم شرایطمان بهتر می‌شود، اما رکود که پیدا می‌شود، وضع کم کم بدتر

می شود. ممکن است روزی به جایی برسیم که زانو بزنیم، کشور نتواند خودش را برساند آن وقت افتخارات جنگمان از دستمان می رود و حماسه ای که در دنیا خلق کردیم، نخواهیم داشت و دشمن نیز همانند غول می ماند.»<sup>(۲۵۸)</sup>

در چنین وضعیتی از نظر آقای هاشمی زمان برای تصمیم گیری بسیار مهم است؛ چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی پذیرد و لذا به مرور بر ما فشار می آورد.<sup>(۲۵۹)</sup> ایشان با توجه به بحث هایی که درباره اجرای عملیات صورت گرفت در جمع فرماندهان جنگ گفت: «چند راه حل وجود دارد. با اعتبار نظامی که داریم جنگ را تمام کنیم و همه دست ما را می بوسند. اگر کسی نظرش این است که نمی شود بجنگیم، حالا باید تصمیم گرفت. اگر بخواهید بجنگید، باید یک طرح به تمام معنا کاملی پیدا کنیم که در آن طرح پیروز بشویم. می توانیم چنین طرح کامل سرنوشت سازی تهیه بکنیم یا نه؟» سپس آقای هاشمی به تصوری که از توان نظامی ارتش و سپاه داشت اشاره می کند و می گوید: «من تصورم از شما این بوده که ۵۰ کیلومتر می توانید جلو بروید لکن در طلائیه ۱۳ کیلومتر بیشتر جلو نرفتید.»<sup>(۲۶۰)</sup>

آقای هاشمی پس از اینکه نظریات ارتش و سپاه را جمع بندی کرد ضمن تشکر از شجاعت اخلاقی فرماندهان سپاه، به عناصر اصلی استراتژی ایران، که پس از فتح خرمشهر انتخاب شد، تأکید کرد: «اگر از این همه نیرو که در اینجا جمع کرده ایم بتوانیم یک خطی مقابل دشمن بکشیم (از کنار ارونده تا نزدیک مرز کویت) زحمات چهار ساله جنگ اینجا به نتیجه می رسد. اگر موفق به شکافتن موضع دشمن بشویم بعد از آن به جنگ مهمی نیاز نداریم؛ شکل جغرافیایی جنگ عوض خواهد شد. ما دیگر هیچ عجله ای برای هیچ کاری نداریم. عربستان تحت فشار قرار می گیرد که امکاناتش را برای پایان

\* آقای هاشمی در جلسه قرارگاه خاتم درباره استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر می گوید: «ما بعد از فتح خرمشهر سیاستی را انتخاب کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و نتواند تحمل کند. در این صورت اگر جنگ متوقف هم بشود ما می توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.» (نووار شماره ۳۶۴، ۱۰/۱۴/۴۰، پاورفی از آغاز تا پایان، ص ۳۰)

گرفتن جنگ به خدمت بگیرد. اگر بتوانید خط را قطع کنید دیگر جنگ نخواهد بود.»<sup>(۲۶۱)</sup> آقای هاشمی بر این نظر بود که در صورت کسب پیروزی، جنگ از نظر نظامی به پایان خواهد رسید و کار در جبهه سیاسی دنبال خواهد شد. چنانکه می‌گوید: «ما به پیروزی خواهیم رسید و مقدماتش در حال فراهم شدن است. قدم‌های بعدی ما سیاسی - نظامی است، نظامی محدود است.»<sup>(۲۶۲)</sup>

تجزیه و تحلیل آقای هاشمی از اوضاع سیاسی - نظامی<sup>\*</sup> و اقتصادی ضرورت تغییر در استراتژی جنگ و انتخاب گزینه‌های جدید را بیان می‌کرد به عبارت دیگر، امکان پیگیری اهداف و استراتژی که پس از فتح خرمشهر انتخاب شده بود، با توجه به تغییر در وضعیت سیاسی - نظامی و اقتصادی ایران و عراق، ممکن نبود. ولی به نظر می‌رسید آقای هاشمی همچنان به استراتژی پیشین تأکید دارد. متقابلاً این تفکر وجود داشت که مشکل اساسی، استراتژی جنگ است که ماهیتاً سیاسی است و برای عملیات گسترده و جنگ دراز مدت پشتیبانی لازم صورت نمی‌گیرد و نتیجه روزمرگی در اجرای عملیات نظامی موجب فرسایش توان و ناکامی‌های پی‌درپی شده است.

در هر صورت، این اتفاق نظر وجود داشت که ادامه جنگ با وضعیت کنونی ممکن نیست. در نتیجه، در عرصه سیاسی و نظامی تغییراتی صورت گرفت که آثار و پیامدهای آن تدریجیاً، بویژه در سال ۱۳۶۵، آشکار شد. در حوزه سیاست خارجی تغییرات جدیدی به وجود آمد که به "سیاست درهای باز" مشهور شد که یکی از پیامدهای آن شکل‌گیری روابط پنهانی و مذاکرات ایران و امریکا بود.

\* ارزیابی و جمع‌بندی جدید آقای هاشمی از توان نظامی موجود ارتش و سپاه بر پایه نتیجه عملیات خبر بوده است و بحث و بررسی برای تصمیم‌گیری درباره عملیات جدید در منطقه فاو، که امام بتازگی ایشان را به عنوان فرمانده عالی جنگ منصوب کرده بود، مهم بود و در ادراک و تصمیمات ایشان نقش تعیین کننده‌ای داشت.

## سیاست خارجی درهای باز\*

در سیاست خارجی ایران رویکرد جدیدی شکل گرفت که متأثر از عوامل مختلفی بود. طولانی شدن جنگ و گسترش دامنه آن با افزایش فشار به ایران و متقابلاً ناتوانی ایران برای کسب پیروزی در جنگ، تدریجاً گزینه‌های جدیدی را در حوزه سیاست خارجی فرا روی تصمیم‌گیرندگان قرار داد. آقای رضایی می‌گوید: «برداشت جدید از توان نظامی ایران به گونه‌ای بود که حتی بعضًا از ما خواسته می‌شد که اگر توانایی جنگ نداریم برویم به امام بگوییم که نمی‌توانیم بجنگیم، این ایده‌آل و آرزوی کسانی بود که احساس می‌کردند واقعًا نمی‌شود جنگید. این تفکر از کجا حاصل شده بود؟ از اینکه احساس ناتوانی در جنگ می‌شد.»<sup>(۲۶۳)</sup>

علاوه بر این، بر عادی‌سازی روابط با کشورها تأکید می‌شد: «روابط با هر کشوری عادی می‌شود مگر دلیل خاصی آن را محدود کند.»<sup>(۲۶۴)</sup> همچنین درباره ضرورت فعالیت ایران در مجتمع بین‌المللی چنین استدلال می‌شد که «لازمه دیپلماسی ارتباط است اگر ما نباشیم در غیاب ما سرنوشت ما رقم زده می‌شود ولی اگر باشیم به قدر لیاقت و کارمنان در تعیین سرنوشتمن دخالت خواهیم داشت.»<sup>(۲۶۵)</sup> چنانکه وزیر خارجه وقت ایران در مجلس شورای اسلامی بر همین موضوع تأکید کرد.<sup>(۲۶۶)</sup>

در این مرحله، ماهیت قدرت عراق تجزیه و تحلیل شد و این نتیجه‌گرفته شد که کمک‌های تسليحاتی فرانسه و حمایت‌های مالی کشورهای عربی و همکاری گسترده عراق با شوروی (سابق) و امریکا موقعیت بی‌نظیری را برای عراق در عرصه‌های نظامی - سیاسی و بین‌المللی به وجود آورده است. تغییر توازن نظامی به سود عراق و دشواری‌های کسب پیروزی بر عراق و مهم‌تر از آن اجماع و توافق بین‌المللی در حمایتِ این کشور برای حمله به مناطق

\* در سال ۱۳۶۳ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه مباحثی را در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان "سیاست درهای باز" طرح کرد که بخشی از نتایج آن در کتاب مقولاتی در سیاست خارجی نوشته محمدجواد لایجانی و گزارش سمینار در سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۶۴ منتشر شد.

غیرنظامی ایران، انهدام زیرساخت‌ها و منابع اقتصادی ایران و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، مجموعاً ایران را در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود که تحقق استراتژی این کشور ممکن نبود.

در پی این ارزیابی، با فرانسه روابط جدیدی به وجود آمد و بهبود مناسبات با عربستان موجب شد تا سعود الفیصل به ایران سفر کند و روس‌ها نیز موضع جدیدی را اتخاذ کردند. چنانکه از تحويل موشك اس - ۱۲ به عراق خودداری کردند و متقابلاً امکان دستیابی به موشك اسکاد را برای ایران از طریق لیبی فراهم کردند. روس‌ها همچنین مسئله حزب توده را مسئله داخلی ایران ذکر کردند.<sup>(۲۶۷)</sup>

همچنین گسترش همکاری با دبیرکل سازمان ملل، تحرک سازمان ملل را افزایش داد و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را در جنگ در فروردین ۱۳۶۴ محکوم کرد. آقای هاشمی به این اقدام سازمان ملل واکنش نشان داد و گفت برای اولین بار است که در سازمان ملل به واقعیت جنگ توجه می‌شود.<sup>(۲۶۸)</sup>

سفر گنشر، وزیر خارجه وقت آلمان، به ایران در تیرماه ۱۳۶۳ نقطه آغاز مناسبات جدید ایران با اروپا بود و بویژه زمینه مذاکره پنهانی میان ایران و امریکا و نقش فعال ایران را در حل معضل گروگان‌گیری غربی‌ها در لبنان شکل داد.

گزارش آقای هاشمی در نماز جمعه تهران از نتیجه سفر گنشر به ایران، تا اندازه‌ای محورهای مذاکره و سطح تعاملات دو کشور و نقش جدید ایران را آشکار می‌کند. در این ملاقات گنشر گفت: «ما چند مسئله داریم یکی جنگ است، یکی حقوق بشر و یکی روابط خودمان». آقای هاشمی در پاسخ گفته است: «ما گفتیم اتفاقاً هر سه مسئله خوب است. درباره مسئله جنگ توضیحاتی دادیم که همین نتیجه شد که عراق متجاوز شد.»<sup>(۲۶۹)</sup> راه حل‌های پایان جنگ نیز در این ملاقات مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت و آقای هاشمی در مصاحبه با خبرنگاران آلمانی در این باره گفت: «وزیر خارجه آلمان با صراحت پذیرفت که رژیم عراق متجاوز است و اگر این نظر رسماً و به طور صریح اعلام شود تحولی است.» گنشر نیز گفت: «برای درک مسائل

انقلاب و مردم انقلابی، خواهان مذاکرات سیاسی با مسئولان جمهوری اسلامی هستیم.»<sup>(۳۷۰)</sup> با توجه به روند مذاکرات، آقای هاشمی در نماز جمعه تهران گفت: «وضع عراق مثل وضع سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران است. مجموعه شرایط صدام امروز مثل شرایط محمدرضا پهلوی در اوخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ است.»<sup>(۳۷۱)</sup>

بر اساس این مذاکرات برای ایران این تصور به وجود آمد که تغییرات جدیدی در غرب درباره نگرش به ایران و جنگ ایران و عراق به وجود آمده است و توافق برای حذف صدام ممکن است. آقای هاشمی پذیرفتن این نکته را که صدام متجاوز است دلیل صحت این تحلیل می‌داند. ایشان می‌گوید: «یک مدتها بود این مسئله می‌آید که دنیا و کشورهای همسایه، عاقل شده باشند و بپذیرند که حزب بعثت به پای میز محکمه کشیده شود و از حکومت خلع شود و ملت عراق آزاد شود و جمهوری اسلامی هم به حق خود برسد.»<sup>(۳۷۲)</sup> ایشان معتقد بود: «سیاست ایران صلح پایدار است و اگر حزب بعث در بغداد باشد می‌خواهد از جنایات چند سال گذشته خود دفاع کند و اگر اعتراض کند به اینکه مقصراست باز هم نمی‌تواند بماند؛ بنابراین، با ماندن صدام و حزب بعث، محال است در منطقه صلح پایدار به وجود آید. ما باید ریشه این تشنج را قطع کنیم. کشورهای همسایه این مسئله را بپذیرند و آماده باشند و با ما همکاری کنند تا ریشه این فشار برداشته شود و صلح پایدار تحقق یابد و ما هم به حق خود برسیم.»<sup>(۳۷۳)</sup>

با فرض صحت ارزیابی ایران درباره موافقت حامیان صدام برای حذف وی، به نظر می‌رسید تحولی اساسی دارد روی می‌دهد. در واقع، اگر این تمایل و توافق پس از فتح خرمشهر حاصل می‌شد، زمینه روانی - سیاسی و حقوقی اتمام جنگ فراهم می‌شد، لیکن برداشت حامیان صدام از قدرت نظامی ایران، احتمال پیروزی این کشور و پیامدهای آن در داخل عراق و در سطح منطقه از شکل‌گیری زمینه اتمام جنگ مانع شد. ولی به نظر می‌رسد توقف پیشروی ایران تا اندازه‌ای نگرانی‌های اولیه را برطرف کرد.

در عین حال، برخی از موضع و اظهار نظرها مهم بود. آقای هاشمی قبل از سفر به چهار کشور سوریه، لیبی، چین و ژاپن در تابستان سال ۱۳۶۴ طی تحلیلی به کشورهایی که عراق را برای جنگ تحریک کردند، به آن سلاح دادند و از حزب بعث حمایت کردند تا سقوط نکند اشاره کرد و گفت: «آن روزی که مطمئن بشوند جمهوری اسلامی می‌خواهد پیروز شود ممکن است هرچه دارند نیز به کاربرند.»<sup>(۲۷۴)</sup> آقای هاشمی درباره چالش موجود و ماهیت سیاست‌های ایران و حامیان عراق می‌گوید: «هدف ما اسقاط نظام صدام و حاکمیت اسلام در منطقه است و هدف دشمن جلوگیری از این است و با حالت دفاعی قصد دارد جمهوری اسلامی را در مرزهای خودش محدود کند.»<sup>(۲۷۵)</sup>

آقای هاشمی پس از عملیات بدر به موضوعی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد روند تعاملات حاصل از سیاست خارجی ایران، دارد نتیجه می‌دهد. ایشان خطاب به مردم به وعده ایران درباره سقوط صدام اشاره می‌کند و می‌گوید: «آن کاری که ما تا به حال وعده می‌دادیم یکی از مقدمات مهمش، شرایط داخلی عراق و شرایط بین‌المللی بود»<sup>(۲۷۶)</sup> که در حال فراهم شدن است.» ایشان درباره شرایط داخلی می‌گوید: «اطلاعات فراوانی در دست ما هست که الان در رده بالای نظامی، رده‌های بالای اقتصادی و حزب بعث مسئله به طور جدی مطرح است که تا کی باید به خاطر صدام و چند نفر این همه مشکلات را تحمل بکنیم؟» ایشان اضافه می‌کند: «این مسئله الان در بغداد مسئله‌ای بسیار جدی است. از آن هم بالاتر در کشورهای حامی بغداد این مسئله مطرح هست، آمده‌اند و با ما مطرح کرده‌اند که شما با رفتن صدام راضی می‌شوید یا چیزهای دیگری می‌خواهید؟»<sup>(۲۷۷)</sup>

آقای هاشمی پس از اتمام سفر به چهار کشور سوریه، لیبی، چین و ژاپن درباره نتیجه این سفر و تأثیر آن بر سرنوشت انقلاب و اسلام<sup>(۲۷۸)</sup> و اهدافی که طرفین داشتند<sup>(۲۷۹)</sup> گفت: «در سوریه و لیبی هدف "توسعه روابط" بود و درباره سرنوشت و آینده انقلاب و حکومت آینده و مسائل مردم آن کشور با هم مشورت کردیم تا در برابر حوادث عراق غافلگیر نشویم.»<sup>(۲۸۰)</sup>

در سفر به سوریه با توجه به حادثه گروگان گیری هواپیمای امریکایی تی.دبليو.ای (T.W.A)، آقای هاشمی برای حل این موضوع وساطت کرد که بازتاب آن بسیار وسیع بود. آقای هاشمی بعدها درباره تأثیر این سفر و نقش ایران در آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان در مصاحبه‌ای می‌گوید: «تورگوت اوزال از ترکیه، دبیرکل سازمان ملل متحد آقای خاویر پرزدکوئیار و نخست وزیر ژاپن با ما صحبت کردند که شما از نفوذ خودتان در لبنان استفاده کنید و مشکل گروگان‌های امریکایی را حل کنید.»<sup>(۲۸۱)</sup> آقای هاشمی درباره واکنش امریکا از اقدام ایران می‌گوید: «وعدد هم دادند که اگر این کار انجام شود، امریکا اقدامات بزرگی \* به نفع ایران خواهد کرد.»<sup>(۲۸۲)</sup> به نظر می‌رسد پیامدهای دیپلماتیک در این سفر و آنچه قبل و بعد از آن صورت گرفت، ایران را مقاعده کرد که کار بزرگ برداشت صدام است که انجام خواهد شد.

آقای هاشمی سفر به چین و ژاپن را "تحرک دیپلماسی خارجی" دانست، زیرا در دنیا ایران را طرفدار تروریسم می‌دانستند و قدرت نظامی عراق را بزرگ جلوه می‌دادند و ما را در دنیا منزوی معرفی کرده بودند که ما از لحاظ سیاست جهانی، در دنیا مقبولیت نداریم و دنیا ما را قبول ندارد.<sup>(۲۸۳)</sup> به همین دلیل هر کشوری ممکن بود فکر بکند آیا مصلحت است روابط اقتصادی، دوستی سیاسی و آمد و رفت با جمهوری اسلامی داشته باشد.<sup>(۲۸۴)</sup>

ایشان به ضرورت خروج ایران از انزوا اشاره می‌کند و می‌گوید: «با مشورت امام و تصمیم گیری با حضور ریاست جمهور، نخست وزیر و ریاست دیوان عالی کشور به نتیجه رسیدیم با توجه به گذشته و آنچه در پیش داریم و مسائل جنگ، نیاز داریم با دوستان جدی و سالمی در دنیا همکاری بکنیم. در تشخیص ما چین و ژاپن دو کشوری بودند که می‌توانستند برای ما دوستان و همکاران صمیمی باشند.<sup>(۲۸۵)</sup> در این سفر با ارائه توضیحاتی، تأکید کردیم راه صحیح ختم ریشه‌ای جنگ است<sup>(۲۸۶)</sup> و این با آتش بس حل نمی‌شود.

\* به نظر می‌رسید ایران برداشت خاصی از اقدامات بزرگ داشت ولی نظر امریکایی‌ها چیز دیگری بوده است.

آنان قانع شدند کہ ہیچ راهی جز اینکه ریشہ جنگ در منطقہ خاورمیانہ سوزاندہ بشود و امنیت واقعی در منطقہ به وجود بیاید، وجود ندارد<sup>(۲۸۸)</sup> و آنها فهمیدند ما قصد کشورگشایی نداریم، قصد اشغال اراضی دیگران<sup>(۲۸۹)</sup> را نداریم و این برایشان جالب و جذاب بود۔»<sup>(۲۹۰)</sup>

آقای هاشمی دستاورد این سفر را خروج ایران از فضای روانی - سیاسی پیشین و دستیابی به نوعی توافق درباره مسائل کلی منطقه و آینده عراق ارزیابی کرد. ایشان مدتی بعد گفت: «از ملاقات‌ها و مذاکره‌ها و اطلاعات پشت پرده‌ای که ما از جاهای مختلفی داریم، معلوم می‌شود مسئله‌ای که باید برای آینده عراق فکری کرد الان به طور جدی دارد در دنیا مطرح می‌شود و این شاید از دستاوردهای مرحله جدید جنگ باشد。»<sup>(۲۹۱)</sup>

### تفییر در استراتژی عملیاتی

نتیجهٔ عملیات خیر بیش از آنکه در عرصهٔ نظامی تأثیرگذار باشد و در استراتژی عملیاتی، تاکتیک‌ها و میزان پشتیبانی و تخصیص نیرو و امکانات تغییر ایجاد کند، به تغییر در عرصهٔ سیاست خارجی منجر شد. در عین حال، پیشرفت کار در عرصهٔ دیپلماسی، بدون موفقیت در عرصهٔ نظامی ممکن نبود و در واقع، موقعیت سیاسی ایران از پیروزی نظامی متأثر بود.

در حالی که تلاش‌های دیپلماتیک با مذاکرات پنهان دنبال می‌شد و ایران به این نتیجهٔ رسیده بود که احتمال توافق بر حذف صدام وجود دارد، فشار برای اجرای عملیات سبب شد تا اندازه‌ای نتایج اولیه حاصل از عملیات خیر و ضرورت تغییرات اساسی، نادیده گرفته شود. در واقع، چنین تصور شد که با امکانات موجود می‌توان عملیات انجام داد و در صورت پیروزی در عملیات، روند پیشرفت در عرصهٔ سیاسی برای حذف صدام تسريع خواهد شد. آقای هاشمی در همین زمینهٔ می‌گوید: «به نظر ما این طور می‌آید بدون یک پیروزی قاطع نظامی و بدون اینکه آنها مایوس شوند از اینکه بتوانند صدام را از دست ما نجات دهند، آمده پذیرش انقلاب اسلامی در عراق و پیروزی ملت

عراق نخواهند شد لذا ما باید خود را برای نجات مردم عراق و کیفر دادن متجاوز و جنگ افروز آماده کنیم که آن ضربهٔ نهایی نظامی را اول وارد کنیم و بعد نتیجهٔ سیاسی و انقلابی را بتوانیم از آن بگیریم.»<sup>(۲۹۲)</sup>

عملیات بدر بر اساس پیوستگی اهداف سیاسی جنگ با اقدامات نظامی طراحی و در اسفند ۱۳۶۳ اجرا شد. فرمانده وقت سپاه پس از عملیات بدر درباره این موضوع می‌گوید: «انتخاب منطقه هور برای اجرای عملیات بدر اساساً به این دلیل بود که باید می‌جنگیدیم و اگر متوقف می‌شدیم کلاف سردرگم بنبست جنگ پیچیده‌تر می‌شد.» ایشان اضافه می‌کند: «باید به هر قیمتی شده می‌جنگیدیم، توقف در جنگ فرو رفتن در منجلاب را به دنبال داشت.»<sup>(۲۹۳)</sup>

برخلاف عملیات خیبر که انتخاب منطقه، به منزلهٔ غافلگیری در تاکتیک و مکان بود، عملیات بدر هدفش پیش روی در شرق و غرب رودخانهٔ دجله بود که به نوعی در ادامهٔ عملیات خیبر و بیشتر برای رفع نارسایی‌های عمدۀ تاکتیکی و عملیاتی<sup>(۲۹۴)</sup> انجام شد و لذا از نظر تاکتیکی، مکان و احتمالاً زمان غافلگیری وجود نداشت و به فاصلۀ یک سال دشمن با تشکیل سپاه ششم و مسلح کردن زمین منطقه کاملاً آماده بود.

عملیات بدر در وضعیتی با ناکامی همراه شد که در آستانهٔ عملیات، عراق برای اولین بار جنگ شهرها را با حمله به تهران آغاز کرد. صدام پیش از این دربارهٔ شرایط عراق و هدف از حمله به شهرها گفت: «ما دو راه بیشتر نداریم یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئلهٔ جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم.»<sup>(۲۹۵)</sup> بنابراین، پیروزی در عملیات بدر با استقرار نیروها در کنار رودخانهٔ دجله و دسترسی به هورهای پشت منطقه و تهدید بصره، می‌توانست علاوه بر تحقق استراتژی ایران،<sup>(۲۹۶)</sup> پیامدهای حملۀ عراق را به شهرها خنثی کند، ولی به گفتهٔ فرمانده وقت سپاه، تفوق استراتژیک دشمن مانع از پیروزی‌های اولیه شد و اگر نیرو و امکانات داشتیم وضعیت تفاوت می‌کرد.<sup>(۲۹۷)</sup>

شکست در عملیات بدر به دلیل تحلیلی که از دلایل اجرای آن وجود داشت و همچنین پیامدهای سیاسی - نظامی آن، صرفاً شکست در یک عملیات ارزیابی نشد، بلکه به منزله شکست در استراتژی حرکت محدود و شتابزده بود. این استراتژی بر اساس خط مشی کلی جنگ پس از فتح خرمشهر دنبال می‌شد.<sup>(۹۸)</sup> بدین شکل که بدون تأمین نیازهای مورد نظر برای اجرای عملیات گستردۀ، بر تضمین کسب پیروزی تأکید و فشار وارد می‌شد.

پس از عملیات بدر، مباحثت گستردۀای در سپاه با حضور فرماندهان جنگ صورت گرفت و بر اساس تجربیات عملیات‌های رمضان، والفتحها و حتی خیر و بدر این نتیجه حاصل شد که با مقدورات و امکانات حاضر، عملیات گستردۀ نمی‌توانیم داشته باشیم<sup>(۹۹)</sup> و ادامۀ جنگ به روش پیشین و بر اساس استراتژی دستیابی به یک پیروزی به بن‌بست رسیده است.<sup>(۱۰۰)</sup> غلامعلی رشید در این زمینه چنین جمع‌بندی می‌کند: «مسئولان جنگ می‌گویند جنگ، جنگ تا یک پیروزی و سه سال است که ما بر این خط عمل کرده‌ایم. ما در این خط به بن‌بست رسیدیم. اگر باز هم اینگونه حرکت کنیم، باز هم نتیجه همان است.»<sup>(۱۰۱)</sup>

طی مباحثت طولانی وضعیت موجود تجزیه و تحلیل و بر این موضوع تأکید شد که در وضعیت ادامۀ نبرد باید تغییراتی انجام پذیرد شامل:

- تغییر در استراتژی جنگ؛

- ایجاد فرماندهی واحد در جنگ؛

- گسترش سازمان رزم؛

- افزایش توان از جهت امکانات، تجهیزات و نیرو.<sup>(۱۰۲)</sup>

کاهش توان ایران در برابر عراق از نظر نظامی دو پیامد اساسی داشت؛ نخست آنکه غافلگیری و تجزیه قوای دشمن ممکن نبود. همچنین در صورت پیروزی با شکستن خطوط دفاعی دشمن، به دلیل ضعف توان و امکانات، امکان استفاده از این پیروزی وجود نداشت و دشمن بلاfacile با تمرکز قوا مناطق تصرف شده را بازپس می‌گرفت.

توان دشمن پس از عملیات بدر مجددًا بازبینی شد و نتایج زیر حاصل گردید:

قبل از آغاز جنگ توان نیروی زمینی دشمن شامل سه سپاه و دوازده تیپ مستقل بود ولی در طول پنج سال جنگ علی‌رغم خساراتی که متحمل شد با احضار متولدان ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۷ تیپ‌های جدید سه رقمی با سریال‌های ۵۰۰، ۶۰۰ و ۷۰۰ تشکیل داد و تعداد سپاه‌های خود را از سه به هفت سپاه افزایش داد.<sup>(۳۰۳)</sup> به گونه‌ای که مجموع نیروهای پیاده ارتش عراق به ۵۵۰ گردان با ۱۲۰ گردان توپخانه رسید.<sup>(۳۰۴)</sup>

در حالی که جمعیت ایران سه برابر عراق بود و همین موضوع از نظر کارشناسان به معنای توان ایران برای ادامه جنگ طولانی و برتری این کشور بر عراق ارزیابی می‌شد، ولی در عمل عراق با گسترش سازمان رزم و جذب و سازماندهی نیرو، برتری بسیاری بر ایران پیدا کرد. در حالی که ما حداکثر با صد گردان نیرو حمله می‌کردیم، دشمن قادر بود با سیصد گردان نیروی آزاد با ما مقابله کند. توان سپاه حداکثر هشتاد گردان نیرو بود که برای هفت روز جنگ کارایی داشت و در اوضاعی که توان ما به اتمام می‌رسید دشمن با بیست تا سی لشکر حملات خود را آغاز می‌کرد.<sup>(۳۰۵)</sup>

در سایر زمینه‌ها نیز دشمن برتری‌های مهمی داشت. اگر ایران در عملیات صد هزار گلوله مصرف می‌کرد، دشمن با یک تا دو میلیون گلوله جواب می‌داد. آسمان هم مطلقاً در اختیار دشمن بود.<sup>(۳۰۶)</sup>

بنابراین چنین نتیجه گرفته شد که ایران با این توان نمی‌تواند دشمن را غافل گیرکند و قطعاً باید توان آن دو تا سه برابر شود تا با بخشی از آن دشمن را فریب‌بهده و با بخش دیگر به طور جدی علیه دشمن عملیات کند.<sup>(۳۰۷)</sup> این مهم بدون اینکه کشور وارد جنگ شود و پشتیبانی افزایش یابد ممکن نبود.<sup>(۳۰۸)</sup> در واقع، در برابر برتری دشمن باید علاوه بر افزایش توان و مقدورات و نیرو، قوای دشمن در چند جبهه تجزیه می‌شد.<sup>(۳۰۹)</sup>

البته مباحثی که بعد از عملیات بدر انجام شد چند نتیجه دیگر هم داشت. نخست آنکه، ابهام و تردید درباره استراتژی تا اندازه‌ای برطرف شد. بدین معنا که تأکید شد شتابزدگی‌ها کنار گذاشته شود؛ زیرا آثار منفی این شتابزدگی

به گفته فرمانده وقت سپاه این بود که "یعنی بدو، بدو، دو ماه دیگر عملیات انجام بده."<sup>(۳۱۰)</sup> در جنگ مهم‌ترین عامل و مشکل ابهام و تردید در استراتژی بود و اینکه نهایت جنگ کجاست؟ زیرا برخی نهایت را بصره و سليمانیه می‌دانستند و بعضی می‌گفتند تا جاده (بصره - العماره) برسیم کافی است و آن موقع از طریق فعالیت سیاسی ادامه بدهیم.<sup>(۳۱۱)</sup> نظر امام بر سرعت در جنگ و استمرار عملیات بود. آقای رضایی درباره نظر امام می‌گوید:

«امام به استمرار عملیات توجه داشتند. استمرار عملیات یعنی اینکه جنگ برای ما یک عملیات باشد خیلی فرق می‌کند. استمرار عملیات یعنی اینکه جنگ برای ما یک انقلاب است و این انقلاب باید ادامه پیدا کند، باید حیات داشته باشد، استمرار عملیات و کوتاه کردن زمان استراتژی، نه کوتاه کردن زمان یک عملیات.»<sup>(۳۱۲)</sup>

با توجه به ضرورت ادامه جنگ و در عین حال اجتناب از شتابزدگی و با تأکید بر نظر امام برای استمرار عملیات نتیجه‌گیری شد:

«جنگ باید ادامه پیدا کند یا با عملیات محدود، یا با عملیات بزرگ یا با ترکیبی از عملیات‌های منظم و نامنظم. چرخه جنگ باید مرتب در جریان باشد. روزی ده اسیر، ماهی دویست اسیر، دو ماه یک حمله، بیست روز یک حمله اما همه این حملات و حرکات باید نظم داشته باشد و هدفی را دنبال کند.»<sup>(۳۱۳)</sup>

برای جلوگیری از تکرار مسائل گذشته بر استقلال بیشتر سپاه از ارتش تأکید شد.<sup>(۳۱۴)</sup> نظر بر این بود که سپاه و ارتش مستقل و جداگانه همکاری کنند. سپاه و ارتش طرح‌هایشان را بدنهند و فرماندهی تصمیم بگیرد.<sup>(۳۱۵)</sup> آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود (آرامش و چالش) با توجه به توضیحاتی که فرماندهی وقت ارتش و سپاه از جنگ ارائه کردند چنین نتیجه‌گیری می‌کند: «اختلاف نظرها جدی است، دو شیوه کاملاً مختلف در یک عملیات واحد وجود دارد.»<sup>(۳۱۶)</sup> آقای رضایی درباره جلسه‌ای با حضور فرماندهان سپاه و ارتش در حضور مسئولان می‌گوید:

«در آن جلسه سرهنگ شیرازی گفت مانند توافقیم بجنگیم، در فرماندهی وحدت نیست، باید مسئله را ریشه‌ای حل کرد. آقایان هاشمی و سیداحمد آقا

که منظور ایشان را در کرده بودند گفتند اینطور نمی‌شود که سپاه زیر امر ارتش باشد.<sup>(۳۱۷)</sup>

آقای هاشمی نیز در همین زمینه می‌گوید:

«سرهنگ شیرازی معتقد است ارتش فرماندهی جبهه را داشته باشد و سپاه زیر فرمان آنها عمل کند، ولی عملی نیست، اکثریت با سپاه است. امام هم با تلحی دستور رفع اختلافات را داده‌اند.<sup>(۳۱۸)</sup>

سرانجام پس از بحث‌هایی که صورت گرفت آقای هاشمی طرحی ارائه داد که ارتش و سپاه دو عملیات به طور جداگانه<sup>\*</sup> انجام دهند.<sup>(۳۱۹)</sup> در ادامه این روند در شهریور ۱۳۶۴ امام دستور دادند تا نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی سپاه تشکیل شود؛ در این فرمان آمده است:

«با توجه به اینکه در اصل ۱۵۰ قانون اساسی ادامه نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است و نظر به اینکه انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی، زمینی، هوایی امکان‌پذیر نیست، شما مأموریت دارید هرچه سریع‌تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی قوی نمایید تا در موارد لازم با همکاری و هماهنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور حفاظت نمایند.<sup>(۳۲۰)</sup>

سپاه بر اساس نقد و بررسی وضعیت نظامی و استراتژی جنگ و با توجه به اینکه امام به استمرار عملیات تأکید کردند، مجموعه پیشنهادهای خود را تهییه و برای تصمیم‌گیری به شورای عالی دفاع ارائه کرد. درباره توان در دو بعد سازمان رزم و امکانات و تجهیزات برای ادامه جنگ ۵۰ لشکر و برای

\* آقای رضایی فرمانده پیشین سپاه، بعدها درباره نتیجه این تصمیم‌گیری می‌گوید: «از عملیات بدر به این طرف تصمیم گرفتیم که برادران ارتش خودشان به تنها بجنگند، سپاه هم خودش به تنها بجنگد. نتیجه این تغییر در فرماندهی یک بار دیگر پیروزی‌هایی را برای ما به دست آورد؛ یعنی عملیات فاو، عملیات شلمچه، عملیات والقفبر<sup>۱۰</sup>، همه اینها در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ اتفاق افتاد که بعد از تغییر و تحولی در درون جبهه‌ها این پیروزی‌ها به دست آمد.» (ضبط برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷)

شکست کامل عراق ۱۲۰ لشکر (۱۲۰۰ گردان) پیش‌بینی شد.<sup>(۳۲۱)</sup> افزایش توان به ۳۰۰ گردان نیز به عنوان حداقل توان برای ادامه جنگ در نظر گرفته شد که اگر تأمین شود پس از هفت سال جنگ، حداکثر بصره یا سلیمانیه تأمین می‌شود تا مقاصد سیاسی مورد نظر مسئولان سیاسی محقق شود.<sup>(۳۲۲)</sup> در واقع، به مسئولان توضیح داده شد که اگر مصمم به پیروزی در جنگ هستید با این نوع بسیج امکانات و نیرو نمی‌شود و باید خیز بزرگتری برداریم و ۲۰۰ تا ۶۰۰ گردان بسیج کنیم.<sup>(۳۲۳)</sup>

رویکرد جدید سپاه به جنگ با نقد و بررسی استراتژی جنگ و برنامه‌ریزی و تأکید بر جنگ درازمدت برای تحقق اهداف جنگ در چارچوب نظریات امام، واکنش‌هایی را به همراه داشت. نخست آنکه درباره توان کشور گفته شد که کشور نمی‌تواند جنگ درازمدت را تحمل کند.<sup>(۳۲۴)</sup> دوم اینکه بحث درباره استراتژی به سپاه ارتباطی ندارد.<sup>(۳۲۵)</sup> علاوه بر این، گفته شد سپاه با طرح این مباحث نمی‌خواهد بجنگد.<sup>(۳۲۶)</sup> سپاه نیز متقابلاً برای افزایش ارتباط با مسئولان کشور، تلاش خود را گسترش داد و درباره مسائل جنگ نیز فرمانده سپاه در نامه‌ای به امام وضعیت را توضیح داد. مجموع این عوامل در کنار ضرورت اجرای عملیات و کسب پیروزی، که مورد توافق بود، سبب شد تا از سپاه خواسته شود نیازهای خود را برای اجرای عملیات ارائه دهد.<sup>(۳۲۷)</sup>

## تصrif فاو

تصمیم‌گیری برای طراحی و اجرای عملیات فاو<sup>\*</sup> حاصل تلاقی دو روند سیاسی و نظامی بود که پس از عملیات بدر آغاز شد. در چارچوب روند سیاسی، مذاکره برای تأمین خواسته‌های ایران برای پایان دادن به جنگ بویژه حذف یا محکمه صدام<sup>\*\*</sup> موجب شد تا بر کسب یک پیروزی برای

\* برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به /ز خرم‌شهر تا فاو، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، سال ۱۳۶۷.

\*\* آقای هاشمی بر این نظر بود که محکمه یا حذف صدام به دلیل پیامدهای آن یکسان است و این امر می‌تواند موجب پایان دادن به جنگ شود.

تبیت موقعیت ایران تأکید شود. در روند نظامی نیز، بر اساس نظر امام ضرورت استمرار جنگ و پاسخ به فشارهای سیاسی - نظامی دشمن، به طراحی عملیات گسترده برای تصرف منطقه فاو منجر شد.

پاره‌ای از تغییرات و ملاحظات برای طراحی عملیات فاو با توجه به سلسله میاختی که در بهار و تابستان سال ۱۳۶۴ صورت گرفت، به طراحی عملیات والفجر<sup>۸</sup> انجامید. بسیاری از فرماندهان نظامی همچنان با شتابزدگی در طراحی و اجرای عملیات مخالف بودند، در حالی که بر خلاف مواضع پیشین، فرماندهی سپاه برای مقاومت‌سازی فرماندهان می‌کوشید. به گفته غلامعلی رشید، آقای رضایی فرمانده وقت سپاه نامه‌ای به امام نوشت مبنی بر اینکه اگر با این توان پیش برویم و آقایان بدون اینکه معتقد به تغییر اصولی باشند و نظرشان برنگردد و ما با همین توان فعلی به جنگ ادامه بدهیم، بجز خسارت، تلفات و ضایعات هیچ چیز عایدمان نخواهد شد.<sup>(۳۲۸)</sup> ایشان حتی با صراحة در نامه نوشت: «ما پیشنهادات را خدمت آقایان بیان کردیم و اینها باز هم معتقد به تغییر و دگرگونی اساسی در مملکت نیستند و می‌خواهند جنگ را با همین وضعیت پیش ببرند».<sup>(۳۲۹)</sup>

عملیات مورد نظر مسئولان با هدف فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی بر عراق برای سقوط صدام، پیش روی محدود در یک منطقه نیست بلکه باید پیش روی گسترده در منطقه‌ای استراتژیک صورت پذیرد.<sup>(۳۳۰)</sup> چنین تصور می‌شد در منطقه جنوب تنها بصره این ارزش و اهمیت را دارد.<sup>(۳۳۱)</sup> ولی با توان و راه کارهای موجود دستیابی به بصره و اجرای عملیات در این منطقه ممکن نیست. با توجه به بررسی‌هایی که در تابستان ۱۳۶۳ برای اجرای عملیات در منطقه فاو انجام گرفته بود،<sup>\*</sup> این منطقه مجددًا برای اجرای عملیات محدود با ۲۵ الی ۳۰ گردان پیشنهاد شد.<sup>(۳۳۲)</sup>

---

\* در تابستان ۱۳۶۳ منطقه رویه روی خسروآباد برای عملیات انتخاب شد ولی پس از بحث و بررسی عملیات انجام نشد.

در تداوم این بررسی‌ها مجدداً در مهر سال ۱۳۶۴ به منطقه فاو توجه شد. با این تفاوت که به جای عملیات محدود بر عملیات گسترده تأکید شد، آقای رشید بر این نظر است که فشار به سپاه و واکنش به استراتژی و نظریات پیشنهادی این نهاد جوئی به وجود آورد که موجب شد آقای رضایی برای اینکه تسليم نشود اعلام کند چند عملیات محدود داریم و یک عملیات بزرگ در فاو؛ البته ما این اعتقاد را نداشتیم ولی ایشان پیشنهاد را داده بود.<sup>(۳۳)</sup> درباره اهمیت این منطقه آقای هاشمی استدلال می‌کرد اگر در آن طرف آب (اروند) بمانیم به دنیا فشار سیاسی وارد خواهیم ساخت و هدف‌های بعدی ما سیاسی - نظامی است. نظامی محدود است و ما در آینده، دیگر عملیات بزرگی نیاز نداریم. اگر بتوانیم خودمان را به ام‌القصر برسانیم و در آنجا بایستیم این عملیات آخر ما خواهد بود و شصت درصد خواسته‌هایمان را خواهیم گرفت.<sup>(۳۴)</sup> بعدها آقای هاشمی درباره عملیات فاو با صراحة گفت: «آن عملیات را برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم و فکر می‌کردیم اگر فاو را بگیریم و تا ام‌القصر برویم<sup>\*</sup> و رابطه عراق را با دریا قطع کنیم می‌توانیم آنجا صورت تحقق این هدف می‌توانیم خواسته‌های بحق خودمان را بگیریم.»<sup>(۳۵)</sup>

در میان بحث‌هایی که فرماندهان سپاه با آقای رضایی داشتند ایشان با توجه به اینکه از تغییراتی که در اهداف سیاسی عملیات و مذاکرات آن انجام گرفته بود مطلع بود خطاب به آنها گفت: «یک استراتژی جنگ این است: انجام عملیاتی مؤثر و اصرار روی اهداف عادلانه جنگ از طریق سیاسی، که اکثریت قاطع مسئولان همین فکر را دارند و لذا هر فکر مخالف این را، اصلًا جنگ نمی‌دانند.» سپس ایشان خطاب به فرماندهان گفت: «استراتژی شما برای مسئولان قابل قبول نیست. بنابراین، یا نمی‌پذیرند یا اگر سکوت کنند

---

\* در طراحی عملیات فاو هیچ‌گاه برای پیشروی به سمت ام‌القصر و تصرف آن بحث نشد.

نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد و توان رزمی ما بالا نمی‌رود و مشکلاتی پیدا خواهد شد.»<sup>(۳۶)</sup> وی اضافه کرد: «با توجه به تجربیاتی که در شش ماه گذشته داریم انجام ندادن عملیات بزرگ تخریبیش بیشتر از انجام عملیات‌های بزرگ و شکست خورده است. تأثیر سیاسی انجام ندادن عملیات بزرگ بدلتر از انجام عملیات بزرگ شکست خورده است.»<sup>(۳۷)</sup>

آقای رضایی به ملاحظات نظامی که مورد نظر فرماندهان سپاه بود توجه کرد و گفت: «شما چشمانتان را (بر موانع موجود) بیندید و بگویید شرایط ادامه نبرد چیست؟»<sup>(۳۸)</sup> آقای رشید هم در همین زمینه می‌گوید: «وقتی بر اثر جوشازی‌ها، ایشان نامهٔ پیشنهاد عملیات فاو را نوشت، من گفتم برادر محسن، این عملیات شرایط می‌خواهد این طور نمی‌شود. ایشان شرایط را هم نوشت.»<sup>(۳۹)</sup>

آقای رضایی پس از عملیات فاو در مصاحبه با راویان جنگ دربارهٔ ضرورت توجه به شرایط مورد نیاز می‌گوید: «ما به این نتیجه رسیده بودیم که بایستی بدون کم و کاست از اتمام عوامل مؤثر برای یک عملیات، استفاده کرد و هیچ چیز را فدای چیز دیگری نکنیم.»<sup>(۴۰)</sup> شرایط برای اجرای عملیات فاو به شرح زیر اعلام شد:

- ۱- حداقل ۱۵۰ گردان نیرو؛ زیرا هیچ هدف ارزشمندی را در جنوب بدون ۱۵۰ گردان نمی‌شود تأمین کرد؛
  - ۲- بیش از یک میلیون گلوله توپ؛
  - ۳- سلاح ضد زره به اندازه کافی؛ حداقل سه هزار موشک تاونیاز است؛
  - ۴- اجرای عملیات پشتیبانی سپاه در جزیره مینو؛\*
  - ۵- مشارکت مؤثر نیروی هوایی ارتش برای پشتیبانی از عملیات.<sup>(۴۱)</sup>
- سرانجام پس از فراهم شدن بخشی از شرایط مورد نظر سپاه، عملیات فاو در تاریخ ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ آغاز شد و به مدت هفتاد روز طول کشید. با

---

\* ارتش قرار بود در منطقهٔ شلمچه عملیاتی را با هدف پشتیبانی از عملیات فاو انجام دهد. سپاه از اجرای این عملیات و موفقیت آن مأیوس بود، لذا بر اجرای عملیات سپاه در جزیره مینو پافشاری می‌شد.

این پیروزی، ایران برای نخستین بار از امتیاز نظامی برخوردار شد؛ زیرا یکی از برجسته‌ترین پیروزی‌های نظامی ایران پس از فتح خرمشهر حاصل شد.<sup>(۳۴۲)</sup> قدرت فرماندهی سپاه برای کنترل هواپی، پدافند و هوانیروز آشکار شد.<sup>(۳۴۳)</sup> اعتماد به نفس حاصل از این پیروزی در تمام سطوح سیاسی - نظامی و جامعه مشاهده می‌شد. وضعیت جنگ، که رو به ضعف و سستی نهاده بود، مجددًا تغییر کرد و متقابلاً اعتبار سیاسی و توانایی نظامی عراق زیر سؤال رفت. این عملیات نخستین پیروزی نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر در جنگ بود که سپاه پاسداران پس از صدور فرمان امام برای تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه آن را تحقق داد.

عراقی‌ها برای بازپس‌گیری فاو تلاش گستردۀای کردند و سرانجام پس از ناکامی، لطیف جاسم در مصاحبه با القبس اعلام کرد تصرف فاو به حدی آشکار است که دیگر نمی‌توانستیم آن را منکر شویم. عدنان خیرالله، وزیر دفاع عراق، نیز اعلام کرد بازپس‌گیری شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است. ماهر عبدالرشید نیز گفت: ایرانیان در عملیات جاری از روش‌های نظامی نوینی استفاده کرده‌اند.<sup>(۳۴۴)</sup> بر اساس نظر تحلیلگران پیروزی ایران در این عملیات اعتماد به نفس صدام را متزلزل کرد.<sup>(۳۴۵)</sup> همچنین به توانایی عراق در مهار تهاجماتی مشابه و متوالی تردید شد و این پیروزی مهم روانی برای ایران بود.

کشورهای خلیج‌فارس از پیروزی ایران و موقعیت جدید این کشور دچار حیرت و شگفتی شدند<sup>(۳۴۶)</sup> و چنین تصور کردند که سرنوشت جنگ دارد تعیین می‌شود.<sup>(۳۴۷)</sup> پیروزی ایران فقط به زمان بستگی داشت.<sup>(۳۴۸)</sup> آقای هاشمی بر این نظر بود که آینده عراق در همینجا تعیین می‌شود. ایشان معتقد بود عراق دو راه بیشتر ندارد؛ یا باید ارتش عراق مرتب نیرو وارد کند و در این منطقه بجنگد و این به معنای ناتوان شدن ارتش عراق است. یا منطقه را رها کنند که در واقع این به معنای تحقق خواسته‌ها و اهداف ایران است.<sup>(۳۴۹)</sup>

دکتر روحانی بر این نظر است که بعد از فاو با پیروزی بزرگی که به دست آمد و قطع راه دریایی عراق، زمان مناسبی برای پایان دادن به جنگ بود.<sup>(۳۵۰)</sup> مک فارلین بعدها درباره مفهوم موازنۀ قوا و محتوای مذاکراتی که انجام گرفته بود درباره احتمال پیروزی ایران گفت: «حداقل از بهار ۱۳۶۵ به بعد مصلحت طلبان (پرآگماتیست‌های) ایران می‌دانستند که امریکا<sup>\*</sup> حاضر است انقلاب ایران را در داخل مرزهای آن بپذیرد و با تهران به نوعی سازش برسد.» وی اضافه کرد: «آنها (ایرانیان) همچنین می‌دانستند که ما هیچ‌گاه به آنها اجازه نخواهیم داد که بر عراق پیروز شوند.»<sup>(۳۵۱)</sup> جرج بوش معاون ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، پس از سفر هشت روزه به منطقه اعلام کرد: «امریکا نمی‌خواهد نظاره‌گر این مسئله باشد که ایران با گسترش جنگ روند توازن قدرت در منطقه را تغییر دهد.»<sup>(۳۵۲)</sup>

پیروزی در عملیات فاو و پیامدهای آن در واقع آزمونی بسیار اساسی و جدی برای استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر بود. چرا که تصور می‌شد با پیروزی در منطقه‌ایی با اهمیت می‌توان با روش‌های سیاسی خواسته‌های ایران را تأمین کرد. ولی افزایش فشار به ایران نشان داد ارزیابی و محاسباتی که صورت گرفته است صحت ندارد.

با پیروزی ایران در فاو معادله جدید برقرار شد. گرچه ایران منطقه با اهمیتی را تصرف کرد، چنانکه روشن است به دلیل هفتاد روز جنگ شدید و تمرکز قوای دشمن و هوشیاری عراق نسبت به اهداف و سمت تهاجم ایران، ادامه پیشروی ممکن نبود و لذا نیروهای ایران در منطقه متوقف شدند.<sup>(۳۵۳)</sup> درنتیجه، دشمن زمان لازم را به دست آورد تا توان نظامی خود را بازسازی

\* لاری اسپیکس دستیار شورای امنیت ملی امریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر درباره دیدگاه‌های موجود در ایران می‌گوید: «گروه‌هایی در رده‌های بالای کادر رهبری ایران هستند که خواهان خروج از اینزا و همکاری با کشورهای دیگر هستند؛ زیرا انقلاب را در خطر می‌بینند.» وی اضافه کرد: «احتمالاً عناصر رادیکال در ایران برای متوقف ساختن تلاش‌های محرمانه ایالات متحده برای ایجاد رابطه با گروه‌های میاندور، به افسایی ماجراهی "ایران کتر" (مک‌فارلین) پرداخته‌اند.»  
نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۸۹ به نقل از رادیو امریکا، (۶۷/۱/۳۱)

کند؛ البته عراقی‌ها نیز گرچه پیشروی ایران را متوقف کردند با وجود اقداماتی که انجام دادند نتوانستند منطقه را از نیروهای ایران باز پس گیرند. در نتیجه، موازنہ نظامی ظرفی برقرار شد. بدین معنا که ایران با این پیروزی نظامی و روحیه و موقعیت حاصل از آن به دنبال پیروزی بر عراق بود.<sup>(۳۵۴)</sup> نتیجه منطقی این وضعیت این بود که ایران شکست نمی‌خورد و عراق نیز پیروز نمی‌شود. این امر ماهیت فرسایشی جنگ را بیان می‌کرد که به شکل جدیدی آشکار شد.

عراق برای تحت تأثیر قرار دادن برتری ایران پس از فاو دو اقدام اساسی انجام داد: نخست آنکه، سلسله تهاجماتی را طراحی و اجرا کرد که به "دفاع متحرک" مشهور شد.<sup>(۳۵۵)</sup> علاوه بر این، به زیرساخت‌های اقتصادی ایران به نحو بی‌سابقه‌ای حمله کرد. آقای هاشمی اقدام دوم عراق را "جنگ اقتصادی" نامید که هدفش تحلیل بنیه اقتصادی ایران و جلوگیری از امکان ادامه جنگ بود.<sup>(۳۵۶)</sup> براساس اطلاعات موجود، اقدامات جدید عراق با هدایت اطلاعاتی و راهبردی امریکا انجام گرفت.

ماهیت نظامی عملیات فاو نوعی موازنہ جدید نظامی میان دو کشور برقرار کرد. برتری روحی - روانی ایران و در مقابل پیامدهای روانی شکست فاو برای ارتش عراق، موجب نگرانی امریکا شد. در واقع، فاو نقطه آغاز رویارویی ایران و امریکا بود که بعدها ابعاد سیاسی - نظامی آن با افشاء ماجراهای مکفارلین و به هنگام اسکورت نفتکش‌ها آشکار شد.

### پیشروی به سمت بصره

رخدادهای سیاسی - نظامی پس از عملیات فاو نشان داد که در عین حالی که فتح فاو برجسته‌ترین پیروزی نظامی ایران پس از فتح خرمشهر بود، ولی استراتژی ایران را به چالش گرفت و تصورات موجود مبنی بر تصرف یک منطقه با اهمیت برای پایان دادن به جنگ را مخدوش کرد. اظهارات آقای رضایی درباره بی‌نتیجه بودن تعامل با امریکا مهم است. ایشان می‌گوید: «در

دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی، تورگوت اوزال و نخست وزیر ژاپن به ما گفتند اگر شما به آزادی گروگان‌ها در لبنان کمک کنید، امریکا نیز سیاست خود را تغییر خواهد داد، اما پس از تحقق این امر هیچ اتفاقی نیفتاد.<sup>(۳۵۷)</sup>

علاوه بر این، تصور می‌شد در روند مذاکرات پنهان و همکاری‌های جدید ایران و امریکا نوعی آمادگی برای حذف صدام وجود دارد، ولی انتشار پاره‌ای از گزارش‌ها مبنی بر اینکه امریکا اطلاعاتی را به عراق ارسال می‌کرده است ماهیت سیاست امریکا را در چارچوب "جنگ بدون برنده" آشکار کرد.<sup>(۳۵۸)</sup> حتی روزنامه نیویورک تایمز در همان زمان به نقل از مقامات وزارت خارجۀ امریکا درباره هدف امریکا از ارائه اطلاعات به عراق نوشت: «این اطلاعات برای جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در اختیار عراق قرارداده‌می‌شد.<sup>(۳۵۹)</sup>

ایران در وضعیت جدید دو گزینه در پیش رو داشت: در برابر فشار و نادیده گرفتن برتری حاصل از عملیات فاو منفعل باشد یا برای گسترش و تعمیق پیروزی با هدف پایان دادن به جنگ پافشاری کند. در این مرحله، عراق و امریکا به دنبال تشدید فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ بودند. چنانکه حمید شعبان، فرمانده وقت نیروی هوایی عراق، گفت: «سال جاری تحول قطعی و سریع به خود خواهد دید که به پایان یافتن جنگ به نفع عراق منجر خواهد شد. اولین مرحله از طرح شکست ایران با انهدام کلیه منابع انرژی این کشور بخصوص منابع نفتی آن کامل خواهد شد.<sup>(۳۶۰)</sup>» چنانکه روشن است در این سال قیمت نفت به زیر ده دلار رسید و درآمد نفتی ایران پنجاه درصد کاهش یافت.

سیاست خارجی امریکا چنانکه شولتز اعلام کرد تلاش برای جلوگیری از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود.<sup>(۳۶۱)</sup> شولتز در این زمینه گفت: «هدف پایان دادن جنگ است، بدون اینکه جنگ طرف بازنشده یا پیروز داشته باشند.<sup>(۳۶۲)</sup>

ایران گزینه دوم را برگزید. آقای هاشمی علت این انتخاب را توضیح می‌دهد و می‌گوید: «در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی

بهتر از اینکه تسريع کنیم در پیشبرد جنگ به چشم نمی خورد»<sup>(۳۶۳)</sup> ایشان اضافه کرد: «وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم، وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم»<sup>(۳۶۴)</sup>.

در پی این نگرش، مجدداً در کشور فضای جدیدی برای تعیین سرنوشت جنگ به وجود آمد. آقای رضايی در توضیح این مفهوم می گويد: «سال سرنوشت قطعاً سال آخر معنی ندارد. ضمن اینکه می تواند سال آخر هم در آن مفهوم داشته باشد. سال سرنوشت به این معنا است که اگر ما امسال جهشی در امر جنگ پیدا نکنیم عواقب بسیار سختی در پیش داریم. اگر امسال (۱۳۶۵) و اوایل سال آینده ما به پیروزی های قطعی برسیم وضع خیلی خوب است، اگر سریع قدم برنداریم و با کندی پیش برویم شرایط آینده خیلی دشوار خواهد بود»<sup>(۳۶۵)</sup>.

امام نیز همانند گذشته با توجه به مجموع ملاحظات و شرایط تأکید داشتند: «در جبهه ها هیچ نگذارید دشمن آرامش پیدا کند، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز زیادتر می کند و شما را به رحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید، الان در اضطراب هستند نگذارید که آنها از اضطراب بیرون بیایند»<sup>(۳۶۶)</sup>.

سپاه بر اساس رهنمودهای امام و ضرورت های سیاسی - نظامی علاوه بر مقاومت در برابر عملیات های نظامی دشمن که تحت عنوان "استراتژی دفاع متحرك" انجام گرفت، عملیات های کربلای ۱ را برای بازپس گیری شهر مهران (۱۳۶۵/۴/۹)، کربلای ۲ را در حاج عمران (۱۳۶۵/۶/۱۰)، کربلای ۳ را روی اسکله العمیه (۱۳۶۵/۶/۱۰)، فتح ۱ را در عمق خاک عراق (۱۳۶۵/۷/۱۹) و تعدادی عملیات دیگر انجام داد. در عین حال، تعیین سرنوشت جنگ مستلزم عملیاتی گسترده و پیروزی در یک منطقه با اهمیت بود. در چارچوب همین ملاحظه و با توجه به استقرار نیروها در منطقه

جنوب و در فاو، برای انتخاب منطقه بحث و بررسی‌های زیادی انجام شد. نظر به اینکه در منطقهٔ فاو به دلیل هوشیاری دشمن پیشروی به سمت بصره و ام القصر ممکن نبود، لذا منطقه‌ای در حد فاصل پنج‌ضلعی در شمال شلمچه تا چهار کیلومتری انتهای جنوبی جزیرهٔ مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصب با هدف پیشروی به سمت بصره انتخاب شد.\*

به نظر می‌رسید با تاکتیک ویژه برای عبور از حدفاصل جزاير بوارین و ام‌الراساص برای مسدود کردن عقبهٔ لشکر هفتم و عبور از خط حد سپاه سوم و سپاه هفتم ارتش عراق، دستیابی به پیروزی ممکن باشد؛ زیرا زمین برای نیروهای خودی قابل پدافند و برای دشمن پاکسازی آن دشوار بود و قوای دشمن را تجزیه می‌کرد.

با امیدواری زیادی که برای کسب پیروزی در این عملیات وجود داشت، عملیات کربلای ۴ در سوم دی ماه ۱۳۶۵ آغاز شد ولی به دلیل هوشیاری دشمن ۲۴ ساعت بعد متوقف شد. در این مرحله غلبه بر پیامدهای سیاسی - نظامی شکست عملیات کربلای ۴ بسیار دشوار بود.

در تجزیه و تحلیل علت شکست عملیات نقش جدید امریکا بیش از گذشته آشکار شد؛ زیرا این باور برای ایران وجود داشت که عملیات لو رفته است.<sup>(۳۶۷)</sup> بعدها وفیق سامرایی گفت: «ما قبل از شروع حمله از آن آگاه بودیم.»<sup>(۳۶۸)</sup> وی معتقد است: «اگر این آگاهی را نداشتیم قطعاً بصره اشغال می‌شد و بغداد هم در معرض تهدید قرار می‌گرفت.»<sup>(۳۶۹)</sup> بعدها عذرخواهی خیرالله درباره اهداف ایران توضیحاتی می‌دهد که مهم است. وی می‌گوید: «هدف ایران شهر بصره بود. ایرانی‌ها اگر موفق می‌شدند هدف‌های خود را تحقق بخشنند ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می‌کردند و تمام فاو و خورعبدالله و شمال بصره را به اشغال خود درمی‌آوردند. علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه‌های لازم را طرح کردیم.»<sup>(۳۷۰)</sup> وی سپس

---

\* برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به گزارش طرح ریزی عملیات کربلای ۴، نوشته راوی قرارگاه خاتم داد رنجبر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

با توجه به اطلاعاتی که امریکا در اختیار این کشور قرارداده بود گفت: «ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می‌کنیم.»<sup>(۳۷۱)</sup>

عملیات کربلای۵\* در پاسخ به شرایط و ضرورت‌های موجود و غلبه بر پیامدهای شکست عملیات کربلای۴، طی کمتر از دو هفته پس از توقف این عملیات، طراحی و در ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵ در منطقهٔ شرق بصره اجرا شد. بر اساس شواهد و قرائن موجود، عراق برای تغییر موازنۀ نظامی به دنبال حمله به منطقهٔ فاو و بازپس‌گیری آن بود، لذا با عملیات کربلای۵ غافلگیر شد و در نتیجه، پیشروی نیروهای ایران در منطقهٔ شرق بصره ممکن شد.

عملیات کربلای۵ به نظر کارشناسان به مرتب مهم‌تر و بهتر از عملیات کربلای۴ انجام شد.<sup>(۳۷۲)</sup> واکنش نسبت به پیامدهای عملیات کربلای۵ تا اندازه‌ای شبیه فتح خرمشهر بود. امریکا برای جلوگیری از شکست عراق با سقوط بصره، ناو هواپیمابر جان اف کنی در روانۀ خلیج‌فارس کرد.<sup>(۳۷۳)</sup> روزنامه‌های دی‌ولت، اشپیگل و زود دویچه سایپونگ نوشتند امریکا با شش گردن و ششصد هواپیمای جنگی آماده است تا در صورت سقوط بصره با ایران وارد جنگ شود.<sup>(۳۷۴)</sup>

روس‌ها برای بهره‌برداری از بی‌اعتباری سیاست‌های امریکا در منطقه، پس از افشاری ماجراهی مک فارلین و جلوگیری از شکست عراق واکنش نشان دادند. هیئت نمایندگی شوروی (سابق) در سازمان ملل طی بیانیه‌ای در هشتم ژانویه ۱۹۸۶م از حملۀ ایران انتقاد کرد و خواستار حل و فصل مسالمت‌آمیز جنگ شد.<sup>(۳۷۵)</sup> شوروی‌ها اظهار امیدواری کردند با سیاست فروش تسليحات جنگی به عراق، ایران به حل و فصل جنگ از راه گفت و گو وادر شود. گورباقف نیز گفت: «این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد و هر چه زودتر این اقدام صورت گیرد بهتر خواهد بود، راه دیگری وجود ندارد.»<sup>(۳۷۶)</sup>

---

\* برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به نبرد در شرق بصره، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

میتران، رئیس جمهور اسبق فرانسه، با توجه به نتایج احتمالی پیروزی ایران گفت: «پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می‌تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را بر هم زند». <sup>(۳۷۷)</sup> سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل نیز گفت: «هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی، این بر هم زننده وضع موجود در منطقه و زیر پا گذارنده حقوق و عرف بین‌المللی نیست». <sup>(۳۷۸)</sup>

عملیات کربلای ۵ به زعم برخی تحلیلگران نظامی "نقطه چرخش در جنگ" <sup>(۳۷۹)</sup> و به منزله "آخرین نفس‌های تلاش برای ختم جنگ از طریق راه حل نظامی بود". <sup>(۳۸۰)</sup> از نظر شهرام چوبین، ایران تجربیاتی که در میادین جنگ آموخته بود پس از فاو فراموش کرد؛ زیرا موقیت‌های جزئی برای دستیابی به پیروزی مطلق و وصول اهداف جنگی که فقط با انهدام کامل دشمن قابل دسترسی بود، کافی به نظر نمی‌رسید. <sup>(۳۸۱)</sup> به گمان وی، پیش روی به سوی بصره برای ایران بسیار پر هزینه بود و نمی‌توانست تداوم یابد و حتی با تسخیر احتمالی بصره هم رژیم عراق ساقط نمی‌شد. <sup>(۳۸۲)</sup>

بنابراین، با وجود پیروزی‌های نسبی، احتمال به دست آوردن پیروزی قطعی کاهاش می‌یافتد و در عین حال، ایران در وضعیتی قرار گرفته بود که به ادامه جنگ فرسایشی قادر نبود؛ زیرا عراق با تشدید فشار به ایران و گسترش جنگ و بین‌المللی کردن آن ادامه جنگ را برای ایران دشوار کرده بود. <sup>(۳۸۳)</sup>

در واقع، عملیات کربلای ۵، چنانکه سردار رشید می‌گوید، به ما نشان داد که جنگ سخت است. <sup>(۳۸۴)</sup> آقای هاشمی نیز در گفت‌وگوی اختصاصی می‌گوید: «بهترین تجربه ما در جنگ، در شلمچه بود. آنقدر به هم نزدیک بودیم که انگار با مشت به صورت هم می‌زدیم. آنها هم واقعاً دفاع کردند.» سپس ایشان می‌گوید: «خارجی‌ها هم حساس شدند. از آنجا به بعد امریکایی‌ها تصمیم گرفتند وارد (جنگ) شوند، این عملیات تجربه‌ای بود که برای من روشن کرد نمی‌شود.» <sup>(۳۸۵)</sup>

از نظر نظامی نتیجہ عملیات کربلای ۵ با عملیات فاو یکسان بود. گرچہ نشان داد ماشین جنگی ایران قدرتمند است<sup>(۳۸۶)</sup> و در صورتی که بخوبی تدارک شود عراق را شکست می‌دهد،<sup>(۳۸۷)</sup> ولی همان توازن پیشین تداوم یافت. بدین معنا که ایران نتوانست عراق را شکست دهد و عراق نیز به عقب راندن نیروهای ایران از مناطق تصرف شده قادر نبود. در عمل پیروزی‌های نسبی حاصل از این وضعیت برای ایران با پیشروی و برای عراق با مهار آن، ماهیت جنگ را فرسایشی می‌کرد؛ زیرا هیچ یک از دو کشور قدرت دستیابی به پیروزی نظامی و پایان دادن به جنگ را نداشتند.

آقای رضایی بعدها درباره وضعیت نظامی ایران پس از عملیات کربلای ۵ می‌گوید بر اثر این عملیات بخش قابل توجهی از توان سپاه در منطقه فاو، جزایر مجنون و شلمچه زمین گیر شد. استراتژی کشور برای کشاندن امکانات شکست خورده بود و جنگ در جنوب به بنبست رسید؛ زیرا غافلگیری ممکن نبود. ایشان می‌گوید به امام نامه نوشتند که اگر کشور وارد جنگ نشود، عراق حملاتش را علیه ما شروع می‌کند.<sup>(۳۸۸)</sup> آقای شمخانی معتقد است ما در آن وضعیت سه راه حل داشتیم؛ پدافند در برابر تهاجمات احتمالی عراق، حمله به مناطق حساس و راه حل سوم صلح بود.<sup>(۳۸۹)</sup>

وفیق سامرایی می‌گوید: «نبردهای شرق بصره این احساس را در ایرانی‌ها به وجود آورد که باید به مناطق دیگر جبهه‌های جنگ بیندیشند تا ضمن کاهش زیان‌هایشان، نیروهای ما را در مناطق عملیاتی دیگر پراکنده سازند و شرایط لازم برای غافلگیری فراهم آید.»<sup>(۳۹۰)</sup>

آقای رضایی فرمانده وقت سپاه در این خصوص تأکید کرد عملیات آینده مجموعه‌ای از عملیات محدود و عملیات بزرگ‌تر خواهد بود. برای عملیات گسترده تسليح نیروهای مردمی در داخل عراق با هدف ایجاد جبهه‌ایی جدید، انجام خواهد شد.<sup>(۳۹۱)</sup>

### مقابله به مثل در جنگ نفتکش‌ها

استراتژی ایران محدود کردن جنگ بر روی زمین بود تا با کسب پیروزی در جبهه‌ها و فشار به عراق و متقدعاً سازی حامیان این کشور، زمینهٔ پایان دادن به جنگ را فراهم سازد. در مقابل عراق به دلیل نگرانی از افزایش فشار ایران و شکسته شدن خطوط دفاعی‌اش و اجتناب از شکست، در صدد گسترش جنگ در هوا با حمله به مناطق غیرنظامی بویژه تهران و در دریا با حمله به نفتکش‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی بود. عراقی‌ها تصور می‌کردند قطع منابع ارزی ایران و فشار روانی به مردم، سرانجام ایران را برای پایان دادن به جنگ متقادع خواهد کرد.

سیاست ایران درباره مردم عراق و تفکیک مردم از رژیم بعث و همچنین نقش تاریخی ثبات‌بخشی ایران در خلیج فارس و نیاز به امنیت در منطقه برای صدور نفت، سبب شد تا ابتدا ایران در برابر حملات عراق به نفتکش‌ها و شهرها هیچ واکنشی نشان ندهد ولی ضرورت جلوگیری از افزایش فشار عراق به ایران و بازداشت آن کشور موجب شد تا سیاست مقابله به مثل را اتخاذ کند. آقای هاشمی دربارهٔ ماهیت این سیاست می‌گوید: «در بقیه مسائلی هم که در سایهٔ جنگ پیش می‌آید، سیاست ما همین است، همان سیاست قصاص اسلامی و همان سیاست مقابله به مثل که در کل دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.»<sup>(۳۹۲)</sup>

سیاست مقابله به مثل در خلیج فارس از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. چنانکه در سال‌های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ علی رغم حملات عراق به خارک و نفتکش‌ها (جمعاً ۳۸ مورد) ایران هیچ گونه واکنشی از خود نشان نداد.<sup>(۳۹۳)</sup> از نیمة دوم سال ۱۳۶۲ با انتشار گزارش تحويل هوایی‌مای سوپر اتاندارد به عراق، نگرانی ایران افزایش یافت. مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، پس از اتمام جلسه هیئت دولت گفت: «اگر خلیج فارس برای ایران ناامن شود، برای همه کشورها ناامن خواهد شد.»<sup>(۳۹۴)</sup> آقای هاشمی نیز بر این نظر بود: «تحويل سوپر اتاندارد به عراق برای ضربه زدن به منابع حیاتی ایران و چشم‌پوشی این کشور از حقوق

حتمی خود در خلیج‌فارس و تسلیم در برابر دشمنان است».<sup>(۳۹۵)</sup> در واقع، استکبار جهانی مایل نیست جنگ آن طوری که ما می‌خواهیم تمام شود.<sup>(۳۹۶)</sup> به همین دلیل ایران با هدف بازدارندگی<sup>\*</sup> موضوع مسدود کردن تنگه هرمز را مطرح کرد. امام خمینی خطاب به کشورهای منطقه و کشورهایی که از نفت استفاده می‌کنند هشدار داد دولت ایران با قدرت تنگه هرمز را مسدود می‌کند<sup>(۳۹۷)</sup> و اگر عراق منابع ما را بزند هیچ‌کس رنگ نفت را نخواهد دید.<sup>(۳۹۸)</sup> آقای هاشمی پس از موضع گیری امام توضیح داد که ما باید تلاش کنیم این وضع در خلیج‌فارس پیش نیاید چون برای ما هم خوب نیست تنگه هرمز بسته شود<sup>(۳۹۹)</sup> ولی اگر اینجا (خلیج‌فارس) به درد ما نخورد همه دنیا محروم می‌شوند.<sup>(۴۰۰)</sup>

ادامه روند حملات عراق و هشدارهای تهدیدآمیز ایران بر دامنه نگرانی‌ها افزود و این موضوع از اهداف و خواسته‌های عراق بود. لذا، آقای هاشمی هشدارهای ایران را تعديل کرد و گفت: «حتی اگر نصف نفت ما را هم بزند مصلحتمان نیست تنگه هرمز را ببندیم».«<sup>(۴۰۱)</sup> ایشان معتقد بود دو سناریو طراحی شده است. فرض بر این است که ایران یا ساكت می‌ماند که در محاصره خفه می‌شود یا تنگه هرمز را می‌بندد که با زمینه‌چینی‌هایی که شده است کشوری ماجراجو و بحران‌آفرین در دنیا معرفی می‌شود.<sup>(۴۰۲)</sup>

نظر به اینکه ماهیت سیاست‌های آشوب‌طلبانه حزب بعثت – به دلیل نگرانی از شکست در جنگ – منشاً بحران‌آفرینی در خلیج‌فارس ارزیابی می‌شد<sup>(۴۰۳)</sup> لذا از قرار گرفتن در مسیر سیاست‌های عراق اجتناب شد. رالف کینگ نیز در همین زمینه می‌نویسد: «در سال ۱۹۸۴ م (۱۳۶۳) برای ایران روشن شده بود که حملات عراق به نفتکش‌ها به این دلیل طراحی شده

\* آقای هاشمی در کارنامه و خاطرات خود می‌نویسد: «ساعت یازده خدمت امام رسیدم، راجع به جنگ و مسائل دیگر مذاکره و مشورت کردم. موافقت کردند که به خاطر ترساندن غرب از ماجراجویی در خلیج‌فارس و به خاطر داشتن امکانات در صورت درگیر شدن در تنگه هرمز و بسته شدن راههای ورود و خروج نیازمندی‌ها به ایجاد روابط خوب با شوروی اقدام کنیم». (آرماش و چاوش، ص. ۳۷۱، خاطرات شنبه، ۲۱ آبان ۱۳۶۲)

است که ایران را به نوعی اقدام تلافی جویانه تحریک کند که این ایالات متحده (و شاید متحdan عمدۀ آن) را به مداخله کردن<sup>\*</sup> فرا می خواند و ایران بروشنى متوجه شد که تنها راه ممکن "نشردن" دست آنهاست.<sup>(۴۰.۴)</sup>

ایران در تحلیلی که از اهداف و ماهیت سیاست‌های عراق داشت به جای مسدود کردن تنگۀ هرمز سیاست جدیدی را اتخاذ کرد و در اردیبهشت ۱۳۶۳ اولین اقدام انتقامی ایران، حملۀ متقابل به نفتکشی کویتی بود.<sup>(۴۰.۵)</sup> در این مرحله از اقدامات دریایی و هوایی ارتش برای مقابله به مثل استفاده می‌شد.<sup>(۴۰.۶)</sup> در مجموع در سال ۱۳۶۳ عراق به ۵۳ نفتکش حمله کرد درحالی که واکنش ایران حمله به ۱۸ نفتکش بود.<sup>(۴۰.۷)</sup>

آقای هاشمی در تبیین سیاست مقابله به مثل ایران طی تحلیلی گفت: «در دریا ما خیلی صبر کردیم، عراقی‌ها بر این سیاست بودند که محیط زیست را آلوده کنند، کشتی‌ها و بنادر را بزنند و چاه‌های نفت را هدف قرار دهند، ولی ما صبر کردیم. اگر عراق در این راه تنها بود ممکن بود که ما به کاری اقدام نکنیم، ولی دیدیم که عراق تنها نیست. پول، موشک‌ها، اطلاعات نظامی و حتی مسیر هواپیماها را کشورهای مجاور یا ابرقدرت‌ها به او می‌دادند. کسانی که در خلیج‌فارس به اندازه عراق منافعی دارند آنها در آلوده شدن آب‌ها یا نامن شدن مسیرها شریک هستند. لذا هنگامی که به این نقطه رسیدیم سیاست "ضریب مقابله ضربیه" را اعلام کردیم. از عهده آن هم برآمدیم و تا آخر هم برمی‌آییم.<sup>(۴۰.۸)</sup>

در تابستان سال ۱۳۶۴ عراق موج جدیدی از حملات گسترده را به خارک از سر گرفت؛ چنانکه شصت بار حملۀ هوایی در این دوره شش ماهه ثبت شد. با این حملات، نگرانی‌های ایران تشدید شد؛ زیرا علاوه بر خساراتی که متحمل شده بود سیاست مقابله به مثل تأثیر چندانی نداشت. در این مرحله،

\* بنابر برخی گزارش‌ها امریکا قول داده بود به هر قیمتی آبراه استراتژیک خلیج‌فارس را باز نگه‌دارد، ناو هواپیمابر رنجر امریکا بر اساس پیش‌بینی بحران در خلیج‌فارس از امریکای مرکزی به اقیانوس هند آمد و انگلیس ناو هواپیمابر "ایتونیسیبل" را به منطقه فرستاد.

(خطبه‌های جمعه، ج پنجم، ص ۸۹ و ۸۸، گزارش خبرگزاری یونایتدپرس)

عراق ۳۳ نفتکش و ایران ۱۴ نفتکش را مورد هدف قرارداد.<sup>(۴۰۹)</sup> درنتیجه، ایران بازرگانی از کشتی‌ها را در تنگه هرمز آغاز کرد.<sup>(۴۱۰)</sup> مجدداً ایران سیاست‌های خود را اعلام کرد: «روزی که ما نتوانیم نفت از خلیج فارس صادر کنیم، خلیج فارس برای هیچ کس نباید آماده صدور نفت باشد.<sup>(۴۱۱)</sup> یک کشتی از ما زده شود کشتی دیگری هم زده می‌شود، حالا از هر کس می‌خواهد باشد.<sup>(۴۱۲)</sup>

در شهریور ۱۳۶۴ فرمان امام برای تشکیل سه نیرو در سپاه نقطه عطفی در گسترش فعالیت‌های سپاه در منطقه خلیج فارس بود تا با امکانات کم و با روش‌های جدید و کم هزینه سیاست‌های مقابله‌به‌مثل را دنبال کند.<sup>(۴۱۳)</sup> آقای هاشمی همچنان برای نظر بود که هدف عراق از فشار اقتصادی تضعیف قدرت مالی ایران است تا به ادامه جنگ قادر نباشد و از موضع ضعف پای میز مذاکره بنشیند و از خواسته‌های خود از جمله گرفتن خسارت خودداری کند.<sup>(۴۱۴)</sup> در عین حال، ایشان توضیح داد ما با کشتی‌زنی و نالمنی در خلیج فارس مخالفیم و همان لحظه که احساس کنیم عراقی‌ها نمی‌زنند ما هم نمی‌زنیم.<sup>(۴۱۵)</sup>

در سال ۱۳۶۵ سپاه به عرصه مقابله به مثل وارد شد و در حالی که عراق به ۶۶ نفتکش حمله کرد ایران ۴۱ نفتکش را مورد حمله قرار داد. در واقع، تعداد حملات در سال ۱۳۶۴ تنها ۴۷ مورد بود ولی در سال بعد به ۱۰۷ مورد افزایش یافت.<sup>(۴۱۶)</sup> علاوه بر این، سپاه در سال ۱۳۶۵ با عملیات کربلای ۳، اسکله العمیه را تصرف و عراق را برای مدتی از این پایگاه دریایی خود محروم کرد.<sup>(۴۱۷)</sup>

در سال ۱۳۶۵ به موازات افزایش حملات به نفتکش‌ها در مقایسه با سال قبل، قیمت نفت نیز به نحو بی‌سابقه‌ای کاهش یافت چنانکه از ۲۶ دلار به ۶ دلار رسید. درآمد ارزی ایران در این سال تنها شش میلیارد دلار بود<sup>(۴۱۸)</sup> که بخش اعظم آن برای ادامه جنگ استفاده می‌شد.\*

\* آقای خاتمی در سال ۱۳۷۵ در جلسه با حزب الله مجلس طی گزارشی می‌گوید: در سال ۱۳۶۵ درآمد ارزی کشور بالاتر از پنج میلیارد دلار بود که دولت سه میلیارد را به نیروهای مسلح اختصاص داد و کشور با دو میلیارد دلار اداره شد. (وزنامه/طلاعات، ۱۳۷۵/۱۲/۹)

### مقابله به مثل در جنگ شهرها

سیاست مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها، پس از تحمل فشار اولیه حمله به شهرها صورت گرفت؛ زیرا ایران به این نقطه رسید که این مسئله باعث ضعف در جبهه‌ها می‌شود<sup>(۴۱)</sup> و هیچ راهی جز اینکه ما چند جا را بزنیم نداشتمیم که این را اسلام هم برای ما تجویز می‌کرد.<sup>(۴۲)</sup> طرح آنها این بود که بحرانی درست کنند تا حمایت مردم کم شود و مردم شعار جنگ جنگ تا پیروزی<sup>\*</sup> سر ندهند.

سیاست مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها<sup>\*</sup> ابتدا در شهرهای مرزی عراق انجام شد و حملات هوایی‌ماهی عراق به تهران در اسفند ۱۳۶۳، به تغییر روش و هدف ایران منجر شد. گرچه حملات عراق به شهرهای ایران بویژه شهرهای مرزی از ابتدای جنگ انجام می‌شد، لیکن حمله به تهران اوضاع را پیچیده‌تر کرد و نظم زندگی حاکم بر تهران را بر هم زد. به همین دلیل آقای هاشمی با تلخی از جنگ شهرها یاد کرد و گفت: «من اعتراف می‌کنم که در درون جنگ هیچ حالتی بدتر از همین ده پانزده روز زدن شهرها برای ما پیش نیامده که ما جنگ داریم»، ایشان اضافه کرد: «سربازها در جبهه می‌جنگند ولی مردمی که در شهرها هستند بعضی هایشان اصلاً با جنگ مخالفند، بعضی موافقند، مریض و غیره هست و ...».<sup>(۴۲)</sup>

بر همین اساس، اولین موشك ایران در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ و همزمان با عملیات بدر و درحالی که عراق موج جدیدی از حملات به شهرها و تهران را از سر گرفته بود، به بانک راfeldin در بغداد اصابت کرد.<sup>(۴۳)</sup> عراقی‌ها از این

\* صدام قبل از عملیات بدر طی سخنانی که از رادیو بغداد پخش شد گفت: ما دو راه بیشتر نداریم یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئله جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم.

\*\* افرایم کارشن درباره مفهوم جنگ شهرها در کتاب خود می‌نویسد: عدم موفقیت ایران برای نفوذ در خطوط دفاعی عراق موجب عدم تحرک جنگ شد بلکه از سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) عراق تهدید کرد تمام شهرهای ایران را مورد حمله قرار خواهد داد و به غیرنظامیان یک هفتنه مهلت داد تا شهرها را تخلیه کنند. ایران تحت تأثیر این تهدید قرار نگرفت و اعلام کرد مقابله به مثل خواهد کرد. حملات عراق و پاسخ ایران منجر به منازعات شد که به نام اولین "جنگ شهرها" موسوم شد.

(جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی، ص ۳۰ و ۳۱)

حمله غافلگیر شدند و یک مقام بلند پایه عراقی در مکالمه تلفنی با خبرنگار امریکا حمله موشکی ایران به بغداد را تکذیب کرد و گفت: «خرابکاران ایرانی یک بمب در داخل ساختمان بانک کار گذاشته بودند که به ساختمان آسیب رساند ولی کسی را مجروح نکرد.»<sup>(۴۲۴)</sup> حتی سخنگوی وزارت خارجه امریکا در واشنگتن نیز گفت ما چنین برداشت می‌کنیم که انفجار بغداد انفجاری داخلی بوده است و نه یک بمباران.<sup>(۴۲۵)</sup> مطبوعات کویت نیز نوشتند پرتاب موشک به بغداد صرفاً یک ادعا است.<sup>(۴۲۶)</sup>

پس از بررسی‌های اولیه، عراقی‌ها واقعیت جدید را پذیرفتند و همین مسئله حملات جدید عراق را متوقف کرد. درباره نوع موشک، خبرگزاری آلمان غربی اعلام کرد، سوریه و لیبی موشک‌های اسکاد ساخت شوروی را در اختیار ایران قرار داده‌اند.<sup>(۴۲۷)</sup> روزنامه القبس، چاپ کویت، نیز به نقل از مقامات پنتاقون نوشت موشک‌های زمین به زمین ساخت شوروی از نوع اسکاد است که از لیبی گرفته شده است.<sup>(۴۲۸)</sup>

حملات موشکی به شهرهای بغداد، بصره و العماره هر چند محدود بود، لیکن موازنۀ جدیدی را در جنگ شهرها برقرار کرد که عراق آن را پیش‌بینی نمی‌کرد و به نظر می‌رسید ادامه این وضعیت با طولانی شدن زمان و افزایش حجم حملات ایران به شهرهای عراق، آن کشور را از حمله به شهرها باز خواهد داشت در غیر این صورت، عراق باید عامل جدیدی را در جنگ شهرها وارد معادله کند.\*

برای تقویت و تحکیم بازداشت عراق در جنگ شهرها و منصرف ساختن آن کشور از حمله مجدد به شهرها و با توجه به اینکه هدف این است که مردم را از پشت جبهه عقب بزنند<sup>(۴۲۹)</sup> آقای هاشمی پیشنهاد کرد: «در روز قدس آنها یک طرفدار جنگ هستند، آنها یک عقیده دارند این جنگ باید ادامه پیدا کند، آن روز بیرون بیایند تا دشمنان ما بفهمند که طرفدار جنگ

---

\* تلاش عراق برای دستیابی به موشک برای حمله به تهران بر اساس همین تجربه دنبال می‌شد.

در مملکت زیادترند یا طرفداران خانواده پهلوی و دیگران.»<sup>(۴۳۰)</sup> آقای هاشمی معتقد بود این دعوت و واکنش مردم برای این است که «هم خودمان را بشناسیم؛ هم مردمان را بشناسیم؛ هم دیگران ما را بشناسند.»<sup>(۴۳۱)</sup>

واکنش مردم در روز قدس، که بیش از حد تصور و انتظار بود، همراه با پیامد دستیابی ایران به موشك و حمله به شهرهای بزرگ عراق و تهدید ایران به پاسخ مجدد به حملات عراق بویژه موشك باران بصره،<sup>(۴۳۲)\*</sup> حملات عراق را به تهران متوقف کرد.

عکس العمل ایران در برابر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی که با عملیات خیبر به صورت گسترده و آشکار آغاز شد چنین بود: «ما متعهدیم که بمب شیمیایی استفاده نکنیم اما اگر آنها ادامه بدهند آیا می‌شود صبر کرد؟»<sup>(۴۳۳)</sup> اینگونه نخواهد بود که به دشمن اجازه بدھیم در این میدان هر چه که می‌خواهد بتازد.<sup>(۴۳۴)</sup> بدانید مسئله بمب‌های شیمیایی از لحاظ ساختن کار چندان دشواری نیست.<sup>(۴۳۵)</sup>

در عین حال، محدودیت‌های اخلاقی - اعتقادی و فنی ایران مانع از به کارگیری سلاح‌های شیمیایی شد. ولی عراق دامنه حملات شیمیایی خود را با افزایش توان فنی و با استفاده از حمایت‌ها و توافق بین‌المللی، بویژه امریکا گسترش داد که حمله‌شیمیایی به شهر حلبچه نقطه اوج خیانت رژیم عراق بود.

### نتیجه‌گیری فصل سوم

عزم و اراده و توان نسبی و روحیه تهاجمی قوای نظامی ایران برای ادامه جنگ با حمله به مواضع و استحکامات عراق در مناطق مختلف، همراه با تحولات جدید در خاورمیانه از جمله انفجار در مقرهای نیروهای امریکایی، فرانسوی و اسرائیلی در لبنان، نگرانی‌های جدید را به وجود آورد و در نتیجه،

---

\* عراق در اسفند سال ۱۳۶۶ با دستیابی به موشك از طریق شوروی، دور جدیدی از حملات خود را به تهران از سر گرفت.

امريكا در چارچوب استراتژي جنگ بدون برنده، اهداف و سياست های راهبردي جديدي را در برابر عراق و ايران برگزید.

حمایت راهبردی امريكا از عراق، علاوه بر حمایت های سياسی - تبلیغاتی شامل موارد مختلفی بود. کمک ها و حمایت های اطلاعاتی امريكا و ساير کشورها توانمندی اطلاعاتي عراق را در برابر ايران بسیار افزایش داد. با پیروزی ايران در عملیات فتح المبین کمک های اطلاعاتی امريكا به عراق با برگزاری نشست اطلاعاتی و استقرار دفتر سازمان سیا در بغداد آغاز شد.

پس از عملیات خیر و افزایش نگرانی امريكا از شکست عراق و در پی انفجار مقر نیروهای امريکايی در بيروت، حمایت امريكا از عراق ابعاد تازه ای به خود گرفت و ارسال عکس های ماهواره ای همراه با گزارش هفتگی در اين مرحله آغاز شد. بعدها اين موضوع فاش شد که حتی حملات عراق به مراکز و تأسیسات اقتصادي ايران با تحریک و اطلاعات امريكا انجام شده است.

حجم کمک های مالي به عراق هنوز کاملاً روشن نشده است ولی اين مبلغ در مجموع بيش از ۱۲۰ ميليارد دلار بوده است. امريكا و ساير کشورهای غربی همراه با کشورهای خليج فارس، کمک های مالي و اعتباری گسترده ای را در اختیار عراق قرار دادند تا عراق نيازمندی های خود را تأمین نماید.

كمک های تسلیحاتی را بيشتر شوروی (سابق)، فرانسه و يوگسلافی و ساير کشورها انجام دادند. اين امر علاوه بر تقویت قدرت دفاعي عراق، با انباشت تجهیزات، زمينه تغيير استراتژي عراق را فراهم ساخت.

امريكا سياست دیپلماسي - فشار را برای ايران برگزید. بدین معنا که با فشار به ايران توانمندی و قدرت تأثیرگذاري ايران بر روند جنگ و تحولات منطقه را مهار کند. همزمان امريکايی ها به دنبال گشايش باب مذاكره بودند. در چارچوب همین سياست ماجrai مکفارلين برای پایان دادن به جنگ و تأثیرگذاشتن بر تحولات سياسی ايران پس از اتمام جنگ دنبال می شد.

عراق از پیروزی های نسي ايران در برخی از مناطق، نگران بود و استراتژي اش در اين دوره اتمام جنگ بود. لذا هدف عراق از حمله به

نفتکش‌ها بین‌المللی کردن جنگ بود و به کارگیری گسترده سلاح‌های شیمیایی برای مهار پیروزی‌های ایران و حملات جدید به شهرها برای گسترش نارضایتی از ادامه جنگ در داخل کشور و شکل‌گیری "صلح از درون" بود.

ایران در مرحله جدید از فرسایشی شدن جنگ نگران بود ضمن اینکه حملات عراق و استفاده این کشور از سلاح‌های شیمیایی و حمله به نفتکش‌ها، گسترش یافت. به همین دلیل، ایران در ادامه استراتژی پیشین و پاره‌ای تغییرات در عرصه‌های مختلف، عملیات فاو را همراه با مذاکره پنهانی با امریکا دنبال کرد. چشم‌انداز جنگ فرسایشی با پیروزی در فاو تغییر یافت و امکان مجدد تغییر موازنۀ به سود ایران، واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخت.

در این روند افشاری ماجرا مکفارلین و نگرانی امریکا از واکنش کشورهای منطقه و بهره‌برداری شوروی (سابق) سبب شد تا دامنه حمایت‌ها از عراق و فشار به ایران به نحو گسترده‌ای افزایش یابد، به گونه‌ای که شش‌ماه نخست سال ۱۳۶۵ از نظر فشارها با هیچ دوره‌ای از جنگ قابل مقایسه نبود.

به نظر می‌رسید پیروزی در فاو می‌تواند به معنای تحقق استراتژی ایران برای پایان دادن به جنگ باشد اما پیامدهای تصرف فاو نشان داد این استراتژی پاسخگو نیست. در عین حال، تلاش برای تعیین سرنوشت جنگ به اجرای عملیات‌های کربلای ۴، کربلای ۵ و کربلای ۸ منجر شد که هیچ‌کدام برای پایان دادن به جنگ نتیجه مطلوبی نداشت. در عین حال، آنچه بعدها در عرصه سیاسی و نظامی انجام شد تا اندازه‌ای از نگرانی نسبت به گسترش دامنه جنگ و پیروزی احتمالی ایران متأثر بود.

### منابع و مأخذ فصل سوم

- ۱۴- مأخذ ۱۴
- ۱۵- مأخذ ۱۲، ص ۲۰۷.
- ۱۶- مأخذ ۱۲، ص ۲۰۹.
- ۱۷- مأخذ ۹، ص ۹۱.
- ۱۸- خطبه‌های جمیع سال ۶۳، جلد ۶، ۱۳۷۶، ص ۳۸۹ و ۳۹۰.
- ۱۹- مأخذ ۱۳، ص ۴۸۹.
- ۲۰- مأخذ ۸، ص ۴۸۰.
- ۲۱- مأخذ ۹، ص ۹۶.
- ۲۲- روزنامه نشاط، ۱۳۷۸/۴/۶، شماره ۱۹۵، ص ۶، گری سیک؛ اجلس ایران در قرن ۲۱، قبرس، نیکوزیا ۲۸ تا ۳۰ خرداد ۱۳۷۸.
- ۲۳- مصاحبه راسفلد با CNN، ۱۳۸۱/۶/۳۱، (در روزنامه‌ها بازتاب داشت).
- ۲۴- همان.
- ۲۵- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران، ویژه‌نامه "بررسی جنگ" (بحران خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۶۶، رالف کینگ، جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶.
- ۲۶- همان.
- ۲۷- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "کارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا"، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دی ۱۳۶۳، ص ۱۷.
- ۲۸- روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۲/۲۶، ص ۶، ایل فولیو.
- ۲۹- مجله ایران فردا، سال سوم، شماره ۱۶، ص ۳۳، دکتر رضا رئیسی طوسی، استراتژی امریکا - تضعیف توان ملی ایران.
- ۳۰- خطبه‌های جمیع سال ۶۴، جلد ۸، ۱۳۷۷، ص ۷۰ و ۷۱.
- ۳۱- همان، ص ۳۳.
- ۱- افایم کارش، جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفری پی‌پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷۳.
- ۲- نک: جنگ بازیابی ثبات، محمد درودیان.
- ۳- نک: خونین شهر تا خرمشهر، محمد درودیان.
- ۴- محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.
- ۵- روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۷/۱، ص ۱۲، مقاله امریکا و جنگ ایران و عراق، ترجمه گلاره اسدی.
- ۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۲/۱۰/۱۳، ص ۱۳، واشنگتن پست، ۱۳۶۲/۱۰/۱۲.
- ۷- دبیرخانه کفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۲۲۹.
- ۸- یان بلک، بنی موریس، جنگ‌های نهانی اسرائیل، ترجمه جمشید زنگنه، نشر فرهنگ، ۱۳۷۲، ص ۴۸.
- ۹- دکتر مسعود اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی - تاریخچه حزب الله لبنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۷۹، ص ۸۴.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- مأخذ ۸، ص ۴۷۷ و ۴۷۸.
- ۱۲- خطبه‌های جمیع سال ۶۲، جلد پنجم، ص ۲۰۶ و ۲۰۷، خطبه دوم، ۱۳۶۲/۸/۱۳.
- ۱۳- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۶۲، آرامش و چالش، به اهتمام مهدی هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷ و ۳۴۸، خاطرات ۱۳۶۲/۸/۱.

- ۴۸— بولتن فرماندهی قرارگاه نصر، ۱۳۷۷/۱/۲۶ ص. ۱۵.
- ۴۹— روزنامه یاسنو، ۱۳۸۱/۱۲/۶، ص. ۱۴. گفت و گوی وفیق السامرایی با شبکه تلویزیونی الجزیره قطر.
- ۵۰— سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، تهران: مرکز فرهنگی سپاه، چاپ دوم ۱۳۸۰، ص. ۱۴۲ و ۱۴۳.
- ۵۱— روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۶/۵/۸، ص. ۱۲. مصاحبه وفیق السامرایی با روزنامه الحیات.
- ۵۲— مأخذ. ۵۰.
- ۵۳— روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۱/۸، ص. ۲.
- ۵۴— مأخذ. ۷، ص. ۲۲۴. محی الدین مصباحی، چارچوب موضع شوروی.
- ۵۵— روزنامه کیهان، ۱۳۸۲/۸/۱۱، ص. ۱۲. پایگاه اینترنتی الحیات.
- ۵۶— معاونت فرهنگی و تبلیغاتی ستاد فرماندهی کل قوا، حماسه مقاومت، جلد ۱، ۱۳۶۸، ص. ۳۹۹، جواستورک سردبیر نشریه میدل آیست ریپورت، مریپر ریپورت، شهریور ۱۳۶۶، آواکس‌ها در خلیج فارس، ترجمه مهران مجیدی.
- ۵۷— همان.
- ۵۸— همان.
- ۵۹— همان.
- ۶۰— خطبه‌های سال ۱۳۷۶، ۵۳، ص. ۱۲۳.
- اردیبهشت. ۱۳۶۳.
- ۶۱— مأخذ. ۵۰. ص. ۱۸۹.
- ۶۲— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۲/۱۲/۲۶، خبرگزاری فرانسه ۱۳۶۲/۱۲/۲۵، به نقل از شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس. امریکا.
- ۶۳— مأخذ. ۵۰. ص. ۱۳۹.
- ۶۴— مأخذ. ۱۲. ص. ۵۰.
- ۶۵— بولتن گزیده رسانه‌های خارجی، شماره ۶۵، ۱۳۸۲/۱۰/۴، ۴۴۴.
- ۶۶— گفت و گوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۱۳۸۲/۹/۱۷.
- ۶۷— همان.
- ۳۲— کامرون ر. هیوم، سازمان ملل متحد - ایران و عراق، ترجمه‌هشتنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران، ۱۳۷۶، ص. ۸۶.
- ۳۳— روابط عمومی فرمانده کل سپاه، تحولات یک ساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان - شهریور ۶۳ تا شهریور ۶۴، ۱۳۶۴، ص. ۳. نشریه مسلم‌میدیا چاپ لندن، ژانویه ۱۹۸۵.
- ۳۴— هوارد تیچر، عضو اداره امنیت ملی امریکا ۱۹۷۰، مسئول امور خاورمیانه و امور سیاسی و نظامی، "لایحه دفاعیه جمهوری اسلامی ایران در سکوهای نفت"، ۲. ۳۵— مأخذ. ۳۳، ص. ۱.
- ۳۶— مأخذ. ۳۳، ص. ۱.
- ۳۷— مأخذ. ۳۳، ص. ۳.
- ۳۸— ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شهریور و مهر، ۱۳۸۰ و ۱۵۰، شماره ۱۵۰ و ۱۶، ص. ۱۹ و ۱۹، استفانسی پلیتر - داگلاس وی جاتسون، استراتژی جنگ ایران و عراق و روش‌های آن.
- ۳۹— رادیو فردا، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴، به نقل از روزنامه الشرق‌الاوست.
- ۴۰— روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۹/۳۰، ص. ۳.
- ۴۱— روزنامه همشهری، ۱۳۸۲/۹/۳۰، ص. ۱ و ۲۳، روزنامه واشنگتن پست، ۱۳۸۲/۹/۲۸.
- ۴۲— کتاب آتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص. ۲۸۳.
- ۴۳— مأخذ. ۲۷، ص. ۱۸.
- ۴۴— مأخذ. ۷۴.
- ۴۵— مأخذ. ۴۲.
- ۴۶— مأخذ. ۷، ص. ۴۳۷، سیدفاروق حسنات، جنگ در خلیج فارس و نقش ابرقدرت‌ها.
- ۴۷— وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بولتن رسانه‌های دنیا"، ۱۳۸۲/۷/۷، شماره ۱۹۶۸، ص. ۷۲ و ۷۴. خالد اکبری، امریکا بدون حل مسئله ایران از خلیج فارس خارج نخواهد شد، الحیات، ۱۳۸۲/۶/۲۷، ترجمه محمدحسین زوارکعبه.

- ۶۸- ماهنامه خبری- تحلیلی نهضت، سال دوم، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۸۰، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۲۵، دکتر احمد اعتماد، استراتژی امنیت ملی امریکا در قبال عراق، به نقل از دریا سالار ویلیام استارمن رئیس وقت آژانس امنیت ملی امریکا.
- ۶۹- مأخذ ۵۰، ص ۱۲. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. صدام چگونه صدام شد؟، ترجمه نیلوفر قدیری، نیوزویک.
- ۷۰- مأخذ ۴۹، ص ۱۴. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. صدام چگونه صدام شد؟، ترجمه نیلوفر قدیری، نیوزویک.
- ۷۱- مأخذ ۱۱، ص ۷۲. نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحده، بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا، شماره ۲ و ۳، مرداد ۱۳۶۹، ص ۲ از بخش ۳، شاهزاده بندر در کنفرانس مطبوعاتی، ۱۳ اوت ۱۹۹۰، سفارت سعودی در واشنگتن.
- ۷۲- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن "رویداها"، شماره ۱۲۴، ص ۱۰. روزنامه همشهری، ۱۳۶۵/۹/۲۶، ص ۱۱. مرتضی منطقی، نگاهی به ۱ سال جنگ تbaghtani، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵، ساندی تلگراف.
- ۷۳- همان، ص ۲۲۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۵/۱۱/۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۴/۱۴، ص ۱۶. روزنامه یاسنو، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ص ۶. یونایتدپرس.
- ۷۴- مأخذ ۷۳، شماره ۳۰۳، مصاحبه سفیر امریکا در عراق، ۱۳۶۹/۵/۲۹. روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۷، ص ۱۶. گفت و گوی ابوغزاله با رادیو کویت.
- ۷۵- مأخذ ۵۰، ص ۱۵۸. روزنامه یاسنو، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ص ۶. روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۶/۲۲، ص ۱۶. محسن صفری، ما اعتراف می‌کنیم، حوزه هنری، ۱۳۷۰، ص ۶۲. خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۳۶۹/۵/۲۳.
- ۷۶- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه یاسنو، ۱۳۸۲/۲/۱۳، ص ۶. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۷۷- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۷۸- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۷۹- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۰- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۱- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۲- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۳- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۴- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۵- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۶- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۷- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۸- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۸۹- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۰- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۱- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۲- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۳- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۴- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۵- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۶- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۷- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۸- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۹۹- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۰- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۱- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۲- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۳- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۴- رادیو امریکا، ۱۳۶۹/۷/۲، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۵- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۶- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۷- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۸- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.
- ۱۰۹- مأخذ ۵۰، ص ۳. روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ص ۵. نیوزویک.

- ۱۳۴ - محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۹۰ و ۹۱، ص. ۹۰ و ۹۱.
- ۱۳۵ - فصلنامه بررسی های نظامی، شماره ۱۰، تاسیستان، ۱۳۷۱، ص. ۱۲۶، شهرام چوبین، مقاله ایران و جنگ از تنگنا تا آتش بس.
- ۱۳۶ - آندره گاتری و ناتالیو رونزیتی، جنگ ایران و عراق - ۱۹۸۱ (۱۹۸۰) و حقوق جنگ دریابی، ترجمه فصل سوم سعید تائب، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۲.
- ۱۳۷ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۵/۲۷، ص. ۱۲.
- ۱۳۸ - جزوی کنفرانس شماره ۲، گزارش سخنرانی آقازاده در ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۶۹/۶/۲۵.
- ۱۳۹ - روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۹/۲۹، سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۸.
- ۱۴۰ - تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۲/۱/۱۰، شماره ۲۹۰-B/۱۰-۲۱-۱۲.
- ۱۴۱ - مأخذ، ۱۳۴۴، ص. ۱۲۴ و ۱۲۵.
- ۱۴۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷، ص. ۱۶.
- ۱۴۳ - همان.
- ۱۴۴ - مأخذ، ۱۳۵۵، ص. ۱۰۹، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.
- ۱۴۵ - مأخذ، ۱۴۲.
- ۱۴۶ - روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۷/۱۱، امریکا و جنگ ایران و عراق، Zmay، ترجمه گلاده اسدی.
- ۱۴۷ - مأخذ، ۲۵.
- ۱۴۸ - مأخذ، ۱۳۵۵، ص. ۱۹۰، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.
- ۱۴۹ - مأخذ، ۷۴، ص. ۳۹۰.
- ۱۵۰ - مأخذ، ۱۳۵۵، ص. ۱۹۰، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.
- ۱۵۱ - مأخذ، ۳۸۹، ص. ۱۳۶۳/۹/۵.
- ۱۵۲ - مأخذ، ۳۳، ص. ۴۸.
- ۱۵۳ - روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، عملیات خیر و پیامدهای جهانی آن، آبان ۱۳۶۳، ص. ۲۲.
- ۱۱۰ - مأخذ، ۴۲، ص. ۴۵۳.
- ۱۱۱ - مأخذ، ۴۲، ص. ۱۷۸.
- ۱۱۲ - مأخذ، ۵۰، ص. ۱۴۳.
- ۱۱۳ - ماهنامه چشم انداز ایران، آذر و دی ۱۳۸۲، شماره ۲۳، ص. ۱۰۵، نشنال ریویو، ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ (۱۳۸۲/۸/۱۹).
- ۱۱۴ - مأخذ، ۴۲، ص. ۴۷۷.
- ۱۱۵ - مأخذ، ۳۲، ص. ۹۸.
- ۱۱۶ - مأخذ، ۴۲، ص. ۳۱۸.
- ۱۱۷ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱/۲۳، ص. ۱۶.
- ۱۱۸ - گفت و گوی اختصاصی نویسنده با سردار فتح الله جعفری، سال ۱۳۷۸.
- ۱۱۹ - مأخذ، ۷۴، ص. ۱۸۳.
- ۱۲۰ - مأخذ، ۸۴، ص. ۷۳.
- ۱۲۱ - مأخذ، ۳۲، ص. ۱۰۱.
- ۱۲۲ - مأخذ، ۴۲، ص. ۱۷۸.
- ۱۲۳ - مأخذ، ۷۴، ص. ۲۲۶، محی الدین مصباحی.
- ۱۲۴ - معاونت سیاسی ستاد کل، ویژه نامه "بررسی جنگ" (بیان خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص. ۵۳، رابت پس زوہالس و مایکل جی رمز، مقاله تجدید نبرد در خلیج فارس، فصلنامه جهان سوم، ۱۹۸۶، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۱۱/۲۱.
- ۱۲۵ - مأخذ، ۴۲، ص. ۲۴۹.
- ۱۲۶ - مأخذ، ۷۴، ص. ۲۷۲ و ۲۷۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن، ۱۳۶۱/۸/۱۴.
- ۱۲۷ - مأخذ، ۷۴، ص. ۴۱۸، جیمز بیل، جنگ، انقلاب و رواییه.
- ۱۲۸ - مأخذ، ۸۴، ص. ۶۳.
- ۱۲۹ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۱۰/۲۰، ص. ۱۲، رادیو امریکا، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹.
- ۱۳۰ - بنیاد حفظ و آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، حماسه مقاومت، جلد سوم، ۱۳۷۵/۷/۵، ص. ۵۴، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۰/۷/۴، ص. ۱۱.
- ۱۳۱ - مأخذ، ۷۴، ص. ۲۳۴.
- ۱۳۲ - مأخذ، ۷۴، ص. ۲۳۶، محی الدین مصباحی.
- ۱۳۳ - مأخذ، ۷۴، ص. ۳۷۰.

- ۱۷۶- مأخذ، ۱۳۶، ص. ۶۳
- ۱۷۷- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۱۹۸
- ۱۷۸- مأخذ، ص. ۱۵۴، ایزابت گاملن و پال راجرز.
- ۱۷۹- مأخذ، ۶، ص. ۱۶۰
- ۱۸۰- روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۳، ص. ۷، شهرام چوبین، صلح پس از جنگ، قسمت دوم، ترجمه جعفر خیرخواهان.
- ۱۸۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش‌های ویژه، ۱/۱۵، ۱۳۶۲/۱/۱۴، از بغداد، ۱۳۶۳/۱/۴
- ۱۸۲- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۱۹۸
- ۱۸۳- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۰۱ و ۲۰۲.
- ۱۸۴- مأخذ، ۴۲، ص. ۲۷۷
- ۱۸۵- مأخذ، ۳۴.
- ۱۸۶- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۵۸۵
- ۱۸۷- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۱۱۳ تا ۱۱۵.
- ۱۸۸- افایم کارشن، جنگ ایران و عراق- یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفی پی‌پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات، ص ۷۱ و ۷۲.
- ۱۸۹- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۵۸۴
- ۱۹۰- سردار علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه، سمینار نقش سپاه در امنیت و دفاع از کشور، مقاله نقش سپاه در امنیت خلیج فارس، کتاب منتخب مقالاتی به اهتمام میرعلی محمد نژاد، نیروی زمینی سپاه، ۱۳۷۵، ص. ۹۳
- ۱۹۱- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۴۵.
- ۱۹۲- مأخذ، ۱۹۰
- ۱۹۳- مأخذ، ۱۹۳
- ۱۹۴- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۰۰
- ۱۹۵- مأخذ، ۵، ص. ۱۷۸ و ۱۷۹.
- ۱۹۶- مأخذ، ۶، ص. ۲۳۵
- ۱۹۷- مأخذ، ۵، ص. ۱۷۹
- ۱۹۸- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۲۵
- ۱۹۹- مأخذ، ۸، ص. ۳۲.
- ۲۰۰- مأخذ، ۸۹.
- ۱۵۴- روزنامه نشاط، ۱۳۷۸/۴/۶، گری سیک، اجلس ایران در قرن ۲۱، قبرس - نیکوزیا، ۲۸ تا ۳۰ خرداد.
- ۱۵۵- روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۸/۲۷، ص. ۱۶
- ۱۵۶- مأخذ، ۱۳۴، ص. ۱۶۲
- ۱۵۷- مأخذ، ۱۳۴، ص. ۱۶۲
- ۱۵۸- روزنامه ابرار، ۱۳۶۵/۸/۲۴، واشنگتن، نقط تلویزیونی ریگان رئیس جمهور وقت امریکا.
- ۱۵۹- آتنوئی کردمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص. ۲۱۵
- ۱۶۰- مأخذ، ۱۳۴/۴، ص. ۱۰۷
- ۱۶۱- مأخذ، ۱۵۹، ص. ۳۹۰
- ۱۶۲- مأخذ، ۱۳۶، ص. ۶۹ و ۷۰.
- ۱۶۳- مأخذ، ۲۷، ص. ۱۳.
- ۱۶۴- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، ویژه‌نامه "بررسی جنگ" (بحران خلیج فارس)، ص. ۲۳، طارق عزیز در لندن، ۱۳۶۴/۹/۲۵
- ۱۶۵- همان.
- ۱۶۶- محسن غلامی، "فشارهای داخلی و بین‌المللی اقتصادی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت" پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۲۴، ص. ۹۱.
- ۱۶۷- دبیرخانه موقعت تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا براساس سخنرانی صدام در روزنامه یومیه الشوره، چاپ عراق، ص. ۸۴ و ۸۵.
- ۱۶۸- همان، ص. ۱۲۵.
- ۱۶۹- همان، ص. ۵۶ و ۵۷.
- ۱۷۰- مأخذ، ۱۷۷، ص. ۴۱۷.
- ۱۷۱- مأخذ، ۷۴، ص. ۲۴۶.
- ۱۷۲- مأخذ، ۱۶۷، ص. ۶۱.
- ۱۷۳- مأخذ، ۱۶۷، ص. ۱۰۵.
- ۱۷۴- مأخذ، ۷۴، ص. ۲۱۵.
- ۱۷۵- مأخذ، ۷۴، ص. ۲۶۵.

۱۶۳. مأخذ، ۵۰، ص. ۲۲۴
۱۶. مأخذ، ۲۱۶، ص. ۲۲۵
۵۶۸. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۲۶
۵۷۰. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۲۷
- ۱۳۸۱/۱۰/۷. سایت خبری بارتل، ۲۲۸
۲۲۹. فرماندهی قرارگاه نصر، نشریه "خبرهای عراق"، ۱۳۸۱/۹/۲۴، شماره ۱۶۳۵، ص. ۷.
۲۳۰. مأخذ، ۱۱۵، ص. ۸۴، رادیو امریکا، ۱۳۶۹/۷/۱۱
۲۳۱. مأخذ، ۷۴، ص. ۲۰۸ و ۲۰۹، صوت‌الجمahir، ۱۳۶۲/۲/۳
۲۳۲. دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص. ۳۵۸ تا ۳۶۴، مقاله نگاهی به استفاده رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی، ستاد تبلیغات جنگ - شورای عالی دفاع، ۲۳۳. همان.
۲۳۴. مأخذ، ۲۱۶، ص. ۱۶ و ۱۷.
۲۳۵. مأخذ، ۲۳۴
۲۳۶. مأخذ، ۲۱۶، ص. ۱۷ و ۵۴.
۲۳۷. مأخذ، ۲۵۸ و ۲۵۷، ص. ۷۴، بخش فارسی رادیو بغداد، ۱۳۶۴/۱/۲۴
۲۳۸. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۳۹۲
۲۳۹. مأخذ، ۲۱۶، ص. ۷۵
۲۴۰. مأخذ، ۲۱۶، ص. ۵۵ و ۵۶.
۲۴۱. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۵۷۴ و ۵۷۵.
۲۴۲. روزنامه انتخاب، ۱۳۸۱/۱۲/۲۶، ایل فولیو.
۲۴۳. مأخذ، ۸۴، ص. ۱۳۳.
۲۴۴. مأخذ، ۶۵، ص. ۳۰ و ۴.
۲۴۵. فصلنامه امنیت ملی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۸، ص. ۱۰۵، آ، دکتر محمد رضا سعیدآبادی، روابط ایران و انگلستان در طول جنگ ۸ ساله، ترجمه پرسا کریمی‌نیا.
۲۴۶. مأخذ، ۵۰، ص. ۲۴۷
۲۴۷. مأخذ، ۱۴۴، ص. ۴۸ و ۴۹.
۲۴۸. روزنامه آفتاب، ۱۳۸۱/۱۰/۵، آ، ص. ۱۰.
۲۴۹. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۶۳.
۲۵۰. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۵۷۷.
۲۰۱. مأخذ، ۵۰، ص. ۱۳۸.
۲۰۲. مأخذ، ۵، ص. ۱۳۸.
۲۰۳. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۴۱.
۲۰۴. مأخذ، ۵۰، ص. ۱۶۶.
۲۰۵. مأخذ، ۱۶۷، ص. ۱۰۵.
۲۰۶. مأخذ، ۵، ص. ۱۰۶ و ۱۰۷.
۲۰۷. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۷۰.
۲۰۸. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۲۷۹ و ۲۸۳.
۲۰۹. نیروی دریایی سپاه پاسداران، ماهنامه "خلیج‌فارس و امنیت"، سال اول، شماره ۴، مرداد ۱۳۷۹، ص. ۲۰، عملیات برجستون، اینترنت، ۱۳۷۸/۱۱/۶، ترجمه سعید سعادت‌حسینی دمایی.
۲۱۰. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۶۰۰.
۲۱۱. مأخذ، ۱۸۸، ص. ۳۳.
۲۱۲. مأخذ، ۱۶۷، ص. ۲۳۳.
۲۱۳. مأخذ، ۱۶۷، ص. ۱۳۶۵/۴/۲۶.
۲۱۴. مأخذ، ۱۶۷، ص. ۱۳۶۵/۱۰/۱۷.
۲۱۵. مأخذ، ۷، ص. ۳۶۴ و ۳۶۵.
۲۱۶. سید قاسم زمانی، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عليه جمهوری اسلامی ایران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، پاییز ۱۳۷۶، ص. ۲۰ و ۲۱.
۲۱۷. تلکس وبزه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۲۳، روزنامه وال استریت زورنال.
۲۱۸. مأخذ، ۵، ص. ۱۶۳.
۲۱۹. حسین علایی و بابک خواجه کاووسی، صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۱، ص. ۴۷ تا ۵۰.
۲۲۰. بولتن وزارت خارجه، شماره ۳۷۴، ۱۳۸۱/۱۲/۴، ص. ۶.
۲۲۱. دکتر محمود توکلی، توانمندی و توسعه تسلیحات بیولوژیک عراق، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص. ۱۳۴ و ۱۳۵.
۲۲۲. روزنامه حیات نو، ۱۳۸۰/۸/۱، آ، ص. ۸.
۲۲۳. مأخذ، ۱۵۹، ص. ۵۶۷ و ۵۶۸.

- ۲۷۵—همان، ص ۶۴ و ۶۷، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۱/۹
- ۲۷۶—همان، ص ۵۷، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۱/۹
- ۲۷۷—همان، ص ۵۷، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۱/۹
- ۲۷۸—همان، ص ۲۶۳، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۴/۲۱
- ۲۷۹—همان، ص ۲۶۴، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۴/۲۱
- ۲۸۰—همان، ص ۲۶۴، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۴/۲۱
- ۲۸۱—مسعود سفیری، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، گفت‌و‌گو با هاشمی‌رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۶۱.
- ۲۸۲—همان.
- ۲۸۳—همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.
- ۲۸۴—همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.
- ۲۸۵—همان، ص ۲۶۷.
- ۲۸۶—همان، ص ۲۷۲.
- ۲۸۷—همان، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.
- ۲۸۸—همان، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.
- ۲۸۹—همان، ص ۲۷۳.
- ۲۹۰—همان، ص ۲۷۳.
- ۲۹۱—همان، ص ۲۴۳ و ۳۴۴.
- ۲۹۲—خطبه‌های جمعه سال ۶۳، جلد ۷، ۱۳۶۳/۷/۶
- ۲۹۳—مأخذ، ۱۳۷۷، ص ۳۹ و ۴۰، خطبه دوم، ۱۳۶۳/۷/۶
- ۲۹۴—مأخذ، ۱۳۶۳/۷/۶
- ۲۹۵—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۱۱۰.
- ۲۹۶—مأخذ، ۲۶۳، ص ۲۵.
- ۲۹۷—مأخذ، ۲۶۳، ص ۲۵.
- ۲۹۸—مأخذ، ۲۵۶، ص ۲۹۰ و ۳۰۰.
- ۲۹۹—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۸، رحیم صفوی.
- ۳۰۰—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.
- ۳۰۱—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.
- ۳۰۲—مأخذ، ۲۵۶، ص ۲۹.
- ۳۰۳—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۵، پاورقی.
- ۳۰۴—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۳ و ۳۴.
- ۳۰۵—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۶ و ۳۷، غلامعلی رشید.
- ۳۰۶—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۶ و ۳۷، غلامعلی رشید.
- ۳۰۷—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.
- ۳۰۸—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۹، رحیم صفوی.
- ۳۰۹—مأخذ، ۲۵۶، ص ۳۷ و ۳۸.
- ۲۲۱—مأخذ، ۲۷، ص ۲۷
- ۲۲۲—مأخذ، ۱۳۶۳، ص ۱۹، آنتونی کردن، بحران خلیج فارس و منافع استراتژیک، تحلیل نظامی چاپ امریکا، تابستان ۱۹۸۴.
- ۲۲۳—همان.
- ۲۲۴—مأخذ، ۱۵۹، ص ۲۳۴.
- ۲۲۵—مأخذ، ۱۳۶۳، ص ۱۳، امریکن افرز چاپ امریکا، تابستان ۱۹۸۴.
- ۲۲۶—مأخذ، ۱۳۶۴/۲/۲۶
- ۲۲۷—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۹۷.
- ۲۲۸—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۹۷.
- ۲۲۹—نشریه تاریخ جنگ، "گزارش والفجر ۸ انجام نشده"، محمد درودیان، دفتر سیاسی سپاه پاسداران، آذر ۱۳۶۳، آقای هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۶۳/۵/۳۰.
- ۲۳۰—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۹۸ و ۹۹.
- ۲۳۱—مأخذ، ۲۵۹، ص ۱۱۳.
- ۲۳۲—مأخذ، ۲۵۹، ص ۱۱۳.
- ۲۳۳—مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه راویان با فرمانده وقت سپاه، ۱۳۶۵/۵/۳
- ۲۳۴—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۱۲۲، محمد جواد لاریجانی.
- ۲۳۵—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۱۲۲، سیروس ناصری.
- ۲۳۶—مأخذ، ۱۳۴۴، ص ۱۲۲، سیروس ناصری.
- ۲۳۷—نک آغاز تا پایان، ص ۱۲۱ و ۱۲۰.
- ۲۳۸—همان، ص ۱۲۳.
- ۲۳۹—خطبه‌های جمعه سال ۶۳، ص ۳۰۴.
- ۲۴۰—خطبه دوم، ۱۳۶۳/۵/۵
- ۲۴۱—همان، ص ۲۶۳.
- ۲۴۲—همان، ص ۲۶۳.
- ۲۴۳—همان، ص ۲۶۳.
- ۲۴۴—همان، ص ۲۶۳.
- ۲۴۵—همان، ص ۲۷۴.
- ۲۴۶—همان، ص ۲۷۴.
- ۲۴۷—همان، ص ۲۷۴.
- ۲۴۸—همان، ص ۲۷۴.
- ۲۴۹—خطبه‌های جمعه سال ۶۴، ص ۳۰۴.
- ۲۵۰—خطبه دوم، ۱۳۶۳/۴/۱۵
- ۲۵۱—همان، ص ۳۳۸.
- ۲۵۲—روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گریده مطبوعات جهان"، دی ۱۳۶۳، ص ۱۹.
- ۲۵۳—همان.
- ۲۵۴—مأخذ، ۱۳۶۴/۲/۲۰
- ۲۵۵—مأخذ، ۱۳۶۴/۲/۲۰، امریکن افرز چاپ امریکا، تابستان ۱۹۸۴.
- ۲۵۶—مأخذ، ۱۳۶۴/۲/۲۶
- ۲۵۷—مأخذ، ۱۳۴۴/۲/۲۶
- ۲۵۸—مأخذ، ۱۳۴۴/۲/۲۶.
- ۲۵۹—مأخذ، ۱۳۴۴/۲/۲۶
- ۲۶۰—مأخذ، ۱۳۴۴/۲/۲۶.
- ۲۶۱—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۱۶.
- ۲۶۲—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۱۶.
- ۲۶۳—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۱۶.
- ۲۶۴—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۲۲.
- ۲۶۵—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۲۲.
- ۲۶۶—مأخذ، ۱۳۶۳/۵/۱۲۲.
- ۲۶۷—نک آغاز تا پایان، ص ۱۲۱ و ۱۲۰.
- ۲۶۸—همان، ص ۱۲۳.
- ۲۶۹—خطبه‌های جمعه سال ۶۴، ص ۳۰۴.
- ۲۷۰—خطبه دوم، ۱۳۶۳/۵/۵
- ۲۷۱—همان، ص ۲۶۳.
- ۲۷۲—همان، ص ۳۳۸.
- ۲۷۳—همان، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.
- ۲۷۴—خطبه‌های جمعه سال ۶۴، ص ۳۰۴.
- ۲۷۵—همان، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

- ۳۴۱— مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،  
گزارش "انتخاب منطقه عملیاتی فدک" ، مهر  
۲۵، ص. ۱۳۶۵
- ۳۴۲— مأخذ ۱۸۸، ص ۳۵ و ۳۶ .  
۳۴۳— دوره عالی جنگ، سپاه، ۱۳۷۴/۷/۱۳
- سربدار رحیم صفوی.
- ۳۴۴— محمد درودیان، *فتوت شلمچه*، مرکز  
مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم  
۲۶، تا ۲۴، ص ۱۳۸۱
- ۳۴۵— مأخذ ۱۸۸، ص ۳۴ و ۳۵ .  
۳۴۶— مأخذ ۱۸۸، ص ۳۵ و ۳۶ .
- ۳۴۷— مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،  
فصلنامه نگین ایران، سال اول، شماره ۱،  
تابستان ۱۳۸۱، ص ۹۱، جوزفای کشیشیان،  
مقاله شورای همکاری خلیج فارس و جنگ  
ایران و عراق.
- ۳۴۸— روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۱،  
ص ۷، شهرام چوبین، آخر جنگ.
- ۳۴۹— خطبه‌های جمعه سال ۱۴، جلد ۹،  
تابستان ۱۳۷۸، ص ۳۴۲، خطبه ۴ دوم،  
۱۳۶۴/۱۲/۲
- ۳۵۰— برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه  
اول، پاییز ۱۳۷۸، دبیرشورای عالی امنیت ملی.
- ۳۵۱— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
"گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۳۲، ۱۳۶۷/۵/۸،  
ص ۱۴ و ۱۵، لندن، ۱۳۶۷/۵/۷
- ۳۵۲— محمد درودیان، *آغاز تا پایان*، مرکز  
مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم،  
۱۳۸۰، ص. ۱۵۰.
- ۳۵۳— مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ  
ماهنشامه نگاه، شهریور و مهر ۱۳۸۰، شماره ۱۵  
و ۱۶، ص ۲۰، استفان سی پلیتیر و  
داگلاس وی جانسون، استراتژی جنگ ایران و  
عراق و درس‌های برگرفته از آن.
- ۳۵۴— مأخذ ۱۶۵، ص ۱۲۴
- ۳۵۵— برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به *فتوت*  
*شلمچه*.
- ۳۵۶— مأخذ ۳۴۹، ص ۱۳۳، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۸/۲۴
- ۳۵۷— روزنامه همبستگی، ۱۳۸۲/۱/۲۷، ص ۳.
- ۳۱۰— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲ .  
۳۱۱— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲ .  
۳۱۲— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲ .  
۳۱۳— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲ .  
۳۱۴— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۱ و ۶۲ .  
۳۱۵— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۳ .
- ۳۱۶— کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی،  
سال ۱۳۶۲، آرامش و چالش، به اهتمام مهدی  
هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱،  
۱۳۶۲/۱۲/۲۲، ص ۵۲۴
- ۳۱۷— مأخذ ۲۵۶، ص ۵۱ .  
۳۱۸— مأخذ ۳۱۶، ص ۴۴۴ و ۴۳۵ .  
۳۱۹— مأخذ ۲۵۶، ص ۵۱ .
- ۳۲۰— صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۲۲۸،  
۱۳۶۴/۶/۲۶
- ۳۲۱— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸ و ۳۹ .  
۳۲۲— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۹ و ۴۰ .
- ۳۲۳— روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۰/۷/۵، ص ۸ .
- ۳۲۴— گفت‌و‌گو با سردار غلامعلی رشید.  
۳۲۵— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۶ و ۶۷ .
- ۳۲۵— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۷، آقای حسینی تاش  
به نقل از دکتر روحانی نماینده وقت مجلس  
شورای اسلامی.
- ۳۲۶— مأخذ ۲۵۶، ص ۳۹ و ۴۰، پاورقی.
- ۳۲۷— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۹ و ۷۰ .
- ۳۲۸— مأخذ ۲۵۶، ص ۷۱ و ۷۲ .
- ۳۲۹— مأخذ ۲۵۶، ص ۷۱ و ۷۲ .
- ۳۳۰— مأخذ ۲۵۶، ص ۴۱، سردار رحیم صفوی.
- ۳۳۱— مأخذ ۲۵۶، ص ۴۴ .
- ۳۳۲— مأخذ ۲۵۶، ص ۴۴ .
- ۳۳۳— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۸، سردار غلامعلی رشید.
- ۳۳۴— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۹ و ۷۰، پاورقی.
- ۳۳۵— روزنامه کیهان، ۱۳۸۱/۷/۳، ص ۲ .
- ۳۳۵— مصاحبه آقای هاشمی با شبکه خبر سیمای  
جمهوری اسلامی.
- ۳۳۶— مأخذ ۲۵۶، ص ۷۴ .
- ۳۳۷— مأخذ ۲۵۶، ص ۷۵ .
- ۳۳۸— مأخذ ۲۵۶، ص ۲۸ .
- ۳۳۹— مأخذ ۲۵۶، ص ۶۸ .
- ۳۴۰— مأخذ ۲۶۳، ص ۲۳ .

- ۳۸۱- مأخذ، ۱۳۵، ص ۱۲۴ و ۱۲۵،  
۳۸۲- مأخذ، ۱۳۵، ص ۱۲۷،  
۳۸۳- مأخذ، ۱۳۵، ص ۱۲۵،  
۳۸۴- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با سردار  
غلامعلی رشید، جاشین رئیس ستاد کل  
نیروهای مسلح، ۱۱۱/۱، ۱۳۸۰.  
۳۸۵- گفت و گوی اختصاصی نویسنده با آقای  
هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹/۷/۱۱، ۱۳۷۹.  
۳۸۶- کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه  
احمد تدين، مؤسس خدمات فرهنگی رسا،  
۴۷۸، ص ۱۳۷۳.  
۳۸۷- مأخذ، ۱۵۹، ص ۲۹۳.  
۳۸۸- دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۱۱/۱۲،  
محسن رضایی.  
۳۸۹- همان.  
۳۹۰- مأخذ، ۵، ص ۹۰.  
۳۹۱- مأخذ، ۱۵۹، ص ۲۹۳.  
۳۹۲- خطبه‌های جمعه سال، ۶۳، تابستان  
۱۳۶۳/۵/۲۶، ص ۲۳۹ و ۴۴۰، خطبه دوم،  
۳۹۳- مأخذ، ۲۴۵، ص ۱۰۹.  
۳۹۴- خطبه‌های جمعه سال، ۶۲، جلد پنجم،  
بهار ۱۳۷۶، جای اول، ص ۸۹.  
۳۹۵- همان، ص ۱۶۶ و ۱۶۷، خطبه عربی،  
۱۳۶۲/۷/۲۹.  
۳۹۶- همان، ص ۱۰۸، خطبه دوم،  
۱۳۶۲/۷/۲۲.  
۳۹۷- صحیفه نور، جلد ۱، ص ۱۲۲،  
۱۳۶۲/۶/۳۱.  
۳۹۸- همان، ص ۱۱۲، ۱۳۶۲/۶/۲۸.  
۳۹۹- مأخذ، ۳۹۴، ص ۵۷، خطبه اول،  
۱۳۶۲/۷/۲.  
۴۰۰- مأخذ، ۳۹۴، ص ۱۱۶ و ۱۱۷، خطبه دوم،  
۱۳۶۲/۷/۲۲.  
۴۰۱- مأخذ، ۳۹۴، ص ۱۱۵، خطبه دوم،  
۱۳۶۲/۷/۲۲.  
۴۰۲- مأخذ، ۳۹۲، ص ۲۷۰، ترجمه خطبه عربی.  
۴۰۳- مأخذ، ۳۹۲، ص ۱۴۸، خطبه دوم،  
۱۳۶۳/۲/۲۸.  
۴۰۴- مأخذ، ۲۵، ص ۱۷۶.  
۴۰۵- مأخذ، ۳۲ و ۳۳، ص ۱۸۸.
- ۳۵۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
گزارش‌های ویژه، ۱۰/۲۳، ۱۳۶۵/۱۰/۲۲،  
رادیو امریکا، ۱۰/۲۲، ۱۳۶۵/۱۰/۲۲،  
همان، ص ۱۰۲.  
۳۵۹- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۷۰.  
۳۶۰- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۶۹.  
۳۶۱- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۶۹.  
۳۶۲- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۶۹.  
۳۶۳- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۶۱.  
۳۶۴- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.  
۳۶۵- مأخذ، ۲۶۳، ۱۴۷، ۱۴۶ و ۱۴۵.  
۳۶۶- صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۳،  
۱۳۶۵/۴/۲۸.  
۳۶۷- روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲،  
سخنرانی آقای هاشمی در همایش شهدای  
عرضه خیری.  
۳۶۸- روزنامه یاس نو، ۱۳۸۱/۱۲/۶،  
گفت و گوی اختصاصی با شبکه الجزیره.  
۳۶۹- همان.  
۳۷۰- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران،  
بولتن "بررسی"، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶،  
ص ۱۱۴ و ۱۱۳.  
۳۷۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
گزارش‌های ویژه، شماره ۲۸۷، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱،  
فرانسه از بغداد.  
۳۷۲- مأخذ، ۱۵۹، ص ۲۸۵.  
۳۷۳- مأخذ، ۷۴، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، به نقل از  
رادیو اسرائیل، ۱۳۶۵/۱۰/۲۸.  
۳۷۴- مأخذ، ۷۴، ص ۴۰۱ و ۴۰۰، به نقل از  
خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن  
۱۳۶۵/۱۱/۲ و از استکهلم ۱۳۶۵/۱۰/۲۹.  
۳۷۵- کامرون، رهیوم، سازمان ملل متحد -  
ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی  
ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی  
تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۲۹.  
۳۷۶- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۷۵.  
۳۷۷- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۷۶.  
۳۷۸- مأخذ، ۳۵۲، ص ۱۷۶.  
۳۷۹- مأخذ، ۱۵۹، ص ۳۰۰.  
۳۸۰- مأخذ، ۱۳۵، ص ۱۲۷.

- ۴۲۱\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۴۷ و ۴۸، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۱/۹
- ۴۲۲\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۹۱، ۱۳۶۴/۱/۱۶
- ۴۲۳\_— انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، گذری بر پنجمین سال جنگ تح�یلی،  
۱۳۶۳/۱۲/۲۳
- ۴۲۴\_— همان.
- ۴۲۵\_— همان.
- ۴۲۶\_— همان.
- ۴۲۷\_— همان.
- ۴۲۸\_— همان.
- ۴۲۹\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.
- ۴۳۰\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.
- ۴۳۱\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.
- ۴۳۲\_— مأخذ، ۳۹۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲، خطبه دوم،  
۱۳۶۲/۳/۲۵
- ۴۳۳\_— خطبه‌های جمعه سال ۶۳، جلد ۶،  
۱۳۶۳/۱/۳
- ۴۳۴\_— همان، ص ۳۳۹ و ۳۴۰، خطبه دوم،  
۱۳۶۳/۵/۲۶
- ۴۳۵\_— همان.
- ۴۰۶\_— مأخذ، ۱۹۰، ص ۹۴
- ۴۰۷\_— مأخذ، ۲۴۵، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
- ۴۰۸\_— مأخذ، ۳۹۲.
- ۴۰۹\_— مأخذ، ۲۴۵، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
- ۴۱۰\_— مأخذ، ۱۸۸، ص ۳۵
- ۴۱۱\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۴۲۴ و ۴۲۵، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۶/۲۲
- ۴۱۲\_— مأخذ، ۳۴۹، ص ۱۹۹، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۹/۲۲
- ۴۱۳\_— مأخذ، ۱۹۰، ص ۷۵.
- ۴۱۴\_— مأخذ، ۳۴۹، ص ۲۱ و ۲۲، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۷/۱۲
- ۴۱۵\_— مأخذ، ۲۷۴، ص ۵۸ و ۵۹، خطبه دوم،  
۱۳۶۴/۱/۹
- ۴۱۶\_— مأخذ، ۳۷۵، ص ۱۲۳.
- ۴۱۷\_— مأخذ، ۱۹۰، ص ۹۵.
- ۴۱۸\_— مأخذ، ۱۶۶، ص ۱۲۹، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۴/۱۸، ص ۱۶
- ۴۱۹\_— مأخذ، ۳۹۲، ص ۲۶، خطبه دوم،  
۱۳۶۳/۱/۳
- ۴۲۰\_— مأخذ، ۳۹۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲، خطبه دوم،  
۱۳۶۳/۳/۲۵

## فصل چهارم

### پایان جنگ

- ✓ تشدید فشار بین‌المللی و نظامی به ایران
- ✓ استراتژی ایران
- ✓ صلح از طریق سازمان ملل
- ✓ مقابله با امریکا در خلیج فارس
- ✓ گسترش جنگ در شمال‌غرب
- ✓ استراتژی عراق
- ✓ کسب برتری نظامی
- ✓ اتخاذ روش تهاجمی
- ✓ بازپس‌گیری مناطق تصرف شده
- ✓ برقراری آتش‌بس
- ✓ نتیجه‌گیری فصل چهارم

## پایان جنگ

### تشدید فشار بین‌المللی<sup>\*</sup> و نظامی به ایران

قدرت‌های بزرگ در سال ۱۳۶۵ برای حفظ موازنۀ قوا در جنگ و برای جلوگیری از برتری ایران بر عراق کوشیدند.<sup>\*\*</sup> پیامدهای این استراتژی، که بر پایه توافق بین‌المللی برای حفظ وضع موجود در منطقه اتخاذ شد،<sup>(۱)</sup> مشخصه‌های جنگ را در سال ۱۳۶۶ شکل داد و روند جدیدی را در سطح بین‌المللی و منطقه و میان ایران و عراق به وجود آورد که زمینه‌های خاتمه جنگ در بستر همین تحولات شکل گرفت.

در عین حالی که ایران از پیروزی قطعی بر عراق تا اندازه‌ای نالمید شده بود، از مداخله خارجی نیز نگران بود<sup>(۲)</sup> و تنها می‌کوشید تا با به مخاطره انداختن وضعیت نظامی عراق، حامیان این کشور را برای حذف صدام متلاuded سازد. در واقع، مفهوم پیروزی از نظر ایران<sup>(۳)</sup> صدام را متجاوز دانستن و حذف او و پرداخت غرامت به ایران بود و برای تحقق این هدف بر اجرای عملیات نظامی و کسب پیروزی تکیه داشت. نتیجه عملیات کربلای ۵ بنابر نظر پروفوسور

\* آتنوی کردزمن در کتاب خود می‌نویسد: «جنگ ایران و عراق در مقطع پایانی خود نیز مشخصه بین‌المللی جدیدی یافت و آن زمانی بود که امریکا و شوروی برای تضمین جریان نفت خلیج فارس وارد منطقه شدند. این اقدام عملاً به برخوردهای دریایی بین ایران و امریکا، برای تأمین امنیت خطوط کشتیرانی دولت‌های جنوب خلیج فارس انجامید. همزمان با اقدامات امریکا، سازمان ملل نیز نقش مهمی را در خلال حادثی که به برقراری آتش‌بس در جنگ متنه شد ایفا کرد.»

(درس‌هایی از جنگ مدرن، چ. دوم، جنگ ایران و عراق، ص ۲۱)

\*\* رادیو لندن پس از اتمام جنگ طی تحلیلی می‌گوید: «غرب به طور کلی به عراق کمک کرد تا بتواند در جنگ با ایران برتری نظامی خود را به دست بیاورد و مانع از به هم خوردن موازنۀ قدرت در منطقه به نفع ایران شود.» (ما اعتراف می‌کیم، ص ۵۷، بی.بی.سی ۱۳۶۹/۵/۳)

رمضانی حتی ایران را از دستیابی به این نوع پیروزی محروم کرد.<sup>(۴)</sup> چنانکه پس از کربلا<sup>۵</sup>، منطقه عملیاتی ایران از جنوب به شمال غرب منتقل شد. عراق که قدرت ایران را بر پایه برتری نیروی انسانی و برخورداری از منابع ارزی برای خرید تسلیحات و تأمین نیازهای اقتصادی می‌دانست به زیرساخت‌های اقتصادی ایران و نفتکش‌های حامل نفت ایران حملات وسیعی کرد ولی با این اقدامات نتوانست ایران را به پذیرش آتش‌بس متقادع سازد؛<sup>(۶)</sup> زیرا فشارها به اندازه‌ای نبود که قدرت ادامه جنگ را از ایران سلب کند. از طرفی، ایران با دستیابی به پیروزی نسبی و متقابلاً عراق با ناتوانی در حفظ مواضع دفاعی خود یا عقب راندن نیروهای ایران از مواضع تصرف شده، معادله‌ای را برقرار کردند که نشان می‌داد هرگز به برقراری آتش‌بس و انجام مذاکرات منتهی نخواهد شد؛<sup>(۷)</sup> زیرا به نوشته کردزم: «این جنگ به کشمکش مابین توانایی عراق در استفاده از قدرت هوایی برای تضعیف اقتصاد ایران از سویی و توانایی ایران در استفاده از نیروی زمینی به جهت تهاجم به داخل عراق از سویی دیگر تبدیل شد.»<sup>(۸)</sup>

برخی از تحلیلگران بر این نظر بودند که تا زمانی که تعادل قدرت‌های نظامی میان دو کشور عراق و ایران پایر جا باشد و همچنین تا زمانی که هر دو کشور مذکور از تئوری‌های استراتژیکی معین پیروی می‌نمایند وضع استراتژیک جنگ هرگز تغییر نمی‌کند؛ زیرا استراتژی تهاجمی ایران که توفیق آن ممکن نیست و استراتژی دفاعی عراق که درانتظار برقرار کردن صلح به سر می‌برد، در برابر یکدیگر قرار دارند.<sup>(۹)</sup> محی الدین مصباحی معتقد است روس‌ها نیز تدریجیاً به این نتیجه رسیدند که جنگ ایران و عراق به وضعیت "پات استراتژیک" رسیده است و تا فرسایش نهایی منابع اقتصادی و انسانی ایران که آن را مجبور می‌سازد توافقی دیپلماتیک را پذیرد ادامه خواهد یافت.<sup>(۱۰)</sup>

برخی دیگر از تحلیلگران معتقد بودند قدرت ایران از تعهد و ایمان قوی به ادامه جنگ تشکیل شده است و این امر نه تنها برای سیستم‌های تسلیحاتی، قطعات یدکی و آموزش جایگزین مناسبی نیست<sup>(۱۱)</sup> در جنگ طولانی دوام

آنها را نمی‌توان پیش‌بینی کرد و در دراز مدت خستگی روزافزون عامل خط‌نراکی می‌تواند باشد.<sup>(۱۱)</sup> آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در زمان شاه، در همین زمینه می‌گوید:

«تغییرات در روحیه مردم ایران تنها عاملی است که اگر اتفاق بیفتد باعث شکست ایرانیان خواهد شد. تا زمانی که انقلاب وجود دارد، که دارد و خواهد داشت، تا زمانی که آیت‌الله خمینی وجود دارد که دارد و تا زمانی که روحیه انقلابی مردم ایران وجود داشته باشد، که دارد، جنگ ادامه خواهد داشت. به نظر من تا انقلاب و حمایت مردمی از آن و از شخص امام وجود دارد جنگ ادامه پیدا می‌کند. دو گروه در ایران وجود دارند؛ گروهی خواستار صدور انقلاب و تندرو و گروه دیگر خواستار نظم بخشیدن در داخل است. اگر جنگ با پیروزی نظامی تمام شود گروه اول قدرت را قبضه می‌کند و ...»<sup>(۱۲)</sup>

شولتز، وزیر خارجه وقت امریکا، بر این نظر بود که باید به ایران فشار وارد کرد؛ زیرا کاستن از توان نظامی ایران، که طرف سرکش این جنگ است، راه حل از طریق مذاکره را می‌تواند میسر سازد.\* وی افزود هدف ما پایان دادن به این جنگ است بدون اینکه جنگ مذکور طرف پیروز یا بازندهای داشته باشد.<sup>(۱۳)</sup> به همین دلیل بخشی از کوشش‌های امریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق سعی در بازداشت شرکت‌ها از خرید نفت و تجارت با ایران بود تا درآمد ایران کاهش یابد.<sup>(۱۴)</sup> امریکا با این روش به دنبال برقراری موازنۀ استراتژیک برای خنثی کردن ایران و در عین حال تضمین جریان نفت بود.<sup>(۱۵)</sup>

ارزیابی عراق از وضعیت موجود و ضرورت تغییر در روند حاکم بر جنگ و فراهم‌سازی زمینه خاتمه جنگ تا اندازه‌ای متفاوت بود و البته به آن کمتر توجه شد. در واقع، فضای کلیشه‌ای حاکم بر جنگ مبنی بر احتمال پیروزی

\* رابت هاتر از مسئولان سابق شورای امنیت ملی امریکا پس از اتمام جنگ ایران و عراق و حمله عراق به کویت در مصاحبه تلویزیونی C.N.N گفت: «ما در محاسبات خود درباره توان نظامی ایران دچار اشتباه شدیم و برای اجتناب از پیروزی ایران در جنگ بسرعت به سمت عراق گرایش یافتیم.» (ما/اعتراف می‌کیم، ص ۱۳۷، به نقل از روزنامۀ جمهوری اسلامی ۱۳۶۹/۶/۱۱)

ایران و آسیب‌پذیری عراق، از توجه به تغییر در برخی روندها و ارزیابی عراق از اوضاع مانع شده بود.

صدام معتقد بود پیروزی در جنگ نه تنها به عوامل مستقیم که به عوامل قبل از جنگ نیز بستگی دارد و این پیروزی هنگامی محقق می‌شود که جنگ بخوبی اداره شود.<sup>(۱۶)</sup> وی هدف ایران را در جنگ تحلیل می‌کند و می‌گوید: «مسئولان ایران همچنین تصور کرده‌اند کشور آنها با جمعیتی معادل سه برابر عراق بر عراق برتری دارد و این کشور را فرسوده می‌سازد.<sup>(۱۷)</sup> ایرانی‌ها به این امید که عراق در طول زمان ضعیف شود به تجاوزات خود ادامه دادند.<sup>(۱۸)</sup> در صورتی که ما خود را برای جنگ آماده کرده‌ایم گویی که جنگ همیشه خواهد بود.<sup>(۱۹)</sup>

صدام اوضاع ایران را تحلیل می‌کرد و می‌گفت هر چه زمان می‌گذرد نیروهای معارض و مخالف در ایران رو به افزونی می‌گذارند و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد و پیچیده‌تر می‌شود.<sup>(۲۰)</sup> وی همچنین در مصاحبه با *السیاسته*، چاپ کویت، گفت: «آنچه در ایران روی خواهد داد این است که ایران یکباره پوسیده و مانند لباسی که بید آن را می‌زنند یا بسیار کهنه می‌شود، ناگهان در بدن صاحبش پاره می‌شود، زمانی فرا می‌رسد که ایران بر حسب زمان‌بندی تدریجی ضعیف نمی‌شود، بلکه به طور کلی یکباره می‌پسد و دیگر به ادامه حیات قادر نیست ایران تمام قوای خود را به تحلیل خواهد برد به گونه‌ای که قدرت تداوم بر حرکت در هر مرحله‌ای از مراحل، ناگهان متوقف می‌شود.<sup>(۲۱)</sup>

صدام به پیشرفت قوای نظامی ایران در خاک عراق توجه کرد و گفت: «اکنون ایرانی‌ها اینجا و آنجا در خاک عراق هستند لیکن روزی خواهد آمد که می‌گویند تو را به خدا بیایید و خاکتان را بگیرید و ما را مبتلا نکنید. من نمی‌دانم چگونه آن روز را نمی‌بینند که بخوبی واضح است. ما و آنها هستیم و آن روز را خواهیم دید.<sup>(۲۲)</sup>

صدام در مصاحبه با //سیاسه، با توجه به تصویب قطعنامه ۵۹۸، به سؤال خبرنگار که می‌پرسد آیا جنگ تمام شده است یا نه؟ پاسخ می‌دهد: به صورت ظاهري نه، اما در واقع چرا. وی چنین می‌گوید: «اما آیا به معنای دیگر جنگ پایان یافته یا نه؟ جواب این است که تجاوز مایه گرفته از خمینیسم<sup>\*</sup> در هم شکسته شده<sup>\*\*</sup> و این آن چیزی است که آن را با یقین کامل می‌گوییم.»<sup>(۲۳)</sup>

صدام بر این نظر است که ادامه جنگ، انرژی و توان ایران را فرسوده کرده است و هر چند مناطقی از خاک عراق در تصرف نیروهای ایران است ولی این وضعیت ادامه نمی‌یابد و سرانجام نیروهای ایران از این مناطق عقبنشینی می‌کنند. نکته مهم این است که صدام معتقد بود در قبال از دست دادن این مناطق، هدف و مأموریتی را که ائتلاف بین‌المللی برای مهار انقلاب ایران بر عهده‌اش گذاشته بودند، بخوبی انجام داده است و به این اعتبار عراق پیروز شده است.

در عین حال، از وضعیت کنونی خارج شدن و فراهم شدن زمینه‌های خاتمه جنگ معرض و پرسشی اساسی بود و به نظر می‌رسید "تفییر اساسی در موازنۀ نظامی جنگ به نفع عراق به صورت شرط اولیۀ پایان سریع جنگ درآمده است."<sup>(۲۴)</sup> عراقی‌ها در چارچوب رهنمودها و کمک‌های راهبردی سوری و غرب، استراتژی دفاعی خود را به استراتژی تهاجمی تغییر دادند و تنها در انتظار فرصت مناسب برای آغاز تهاجمات و تغییر در موازنۀ نظامی بودند.

ادامۀ جنگ ایران و عراق همراه با گسترش و پیروزی احتمالی آن، مهم‌ترین عامل نگرانی امریکا و سایر حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق بود. سردبیر نیویورک تایمز طی تحلیلی در همین زمینه می‌نویسد: «مسئله اصلی در منطقه، احتمال موفقیت ایران در جنگ و بحران ناشی از آن است.»<sup>(۲۵)</sup> برای پایان دادن به جنگ برخی منابع غربی تأکید می‌کردند: «فشار تدریجی

\* منظور موج انقلاب اسلامی است.

\*\* سرنوشت صدام، که ابزار قدرت‌های بزرگ برای مقابله با انقلاب بود، موجب چنین تصوراتی برای صدام شد. ولی امروز سرنوشت عراق و صدام نشان می‌دهد این تحلیل تا چه اندازه صحت دارد.

کلید مقاعد ساختن ایران به آغاز مذاکرات صلح است.»<sup>(۴۶)</sup> و «غرب فقط یک راه در پیش رو دارد و آن انجام دادن تلاش‌های بیشتر نظامی و دیپلماتیک و احتمالاً هماهنگی با مسکو برای خاتمه جنگ است.»<sup>(۴۷)</sup> رالف کینگ بر این نظر بود که راهبرد ایالات متحده از سه جنبهٔ وابسته به هم تشکیل شده است: تعهدات علنی مکرر در مورد آزادی عبور و مرور دربایی از طریق تنگه هرمز، اطمینان دادن مجدد به متحдан محلی و حفظ موازنۀ قدرت منطقه‌ای. در کنار این جنبه‌ها، به محدود کردن منافع بالقوه شوروی نیز نیاز است.<sup>(۴۸)</sup>

واین برگر وزیر دفاع وقت امریکا، درباره اهداف و سیاست‌های امریکا توضیحاتی داد که مهم بود. وی گفت سیاست امریکا در دو جهت بوده است؛ از یک طرف، کلیهٔ تلاش‌های دیپلماتیک را که در جهت پایان دادن به جنگ صورت می‌گیرد، تشویق و تعقیب و از تلاش‌هایی که جلوی ایران را در ادامه جنگ می‌گیرد حمایت می‌کند و از طرف دیگر، می‌کوشد تا از کشورهای غیرمحاربی که با ادامه و گسترش جنگ تهدید می‌شوند، پشتیبانی نماید.<sup>(۴۹)</sup> وی همچنین دربارهٔ مناسبات امریکا با ایران و ضرورت تشدید فشار به ایران گفت: امریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ با عراق پیروز شود. ما می‌باشیم به خاطر موقعیت استراتژیک ایران با آن رابطه داشته باشیم ولی قبل از این باید دولت متفاوتی در ایران روی کار بیاید.<sup>(۵۰)</sup>

امریکا در مرحلهٔ جدید، از طریق شورای امنیت تلاش‌های بین‌المللی گستردگی را برای تصویب قطعنامه جدید با هدف پایان دادن به جنگ آغاز کرد. علاوه بر این، برای فشار نظامی به ایران برای "درگیری مستقیم و محدود" نیروهای خود را به خلیج‌فارس اعزام کرد. امریکا با موانع و چالش‌هایی روبرو بود؛ از جمله با حضور نظامی در خلیج‌فارس در سازمان ملل همگرایی برای صدور قطعنامه را کاهش می‌داد. به همین دلیل، حضور گسترده امریکا در خلیج‌فارس و مداخله نظامی تحت عنوان اسکورت نفتکش‌ها و تضمین رفت و آمد کشتی‌های تجاری و نفتی صورت گرفت.

تلاش بین‌المللی امریکا برای پایان دادن به جنگ با درخواست ریگان در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۷ م و مجدداً با بیانیه مورخ ۲۳ ژانویه، انجام گرفت.\* وی از شولتز، وزیر خارجه امریکا، خواست تا رهبری اقدامات بین‌المللی به منظور کشاندن ایران بر سر میز مذاکره را به عهده گیرد.<sup>(۳۱)</sup> بعدها روزنامه فرانسوی لو蒙د این موضوع را فاش کرد که پس از ده، پانزده روز از آغاز عملیات کربلای ۵، در حد فاصل ژانویه تا فوریه ۱۹۸۷ م (دی ۱۳۶۵ تا فروردین ۱۳۶۶) اعضای دائمی شورای امنیت برای نزدیک ساختن نظرهای خویش به یکدیگر بیش از سیزده جلسه برگزار کردند.<sup>(۳۲)</sup> واینبرگر، وزیر دفاع امریکا، ضمن اشاره به تلاش گسترده امریکا در شورای امنیت از ژانویه ۱۹۸۷ م به این موضوع اشاره کرد که پنج عضو دائم توافق دارند که جنگ بیش از اندازه طول انجامیده است و باید اقدامات بین‌المللی جدی‌تری صورت گیرد تا دو طرف به این جنگ پایان بخشنند. وی اضافه کرد: برای رسیدن به این منظور ایالات متحده قویاً از اعمال اقدامات اجباری علیه ایران حمایت می‌کند.<sup>(۳۳)</sup>

استراتژی امریکا برای برقراری صلح\*\* سبب شد تا سرانجام قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ با پانزده رأی موافق و بدون رأی مخالف و ممتنع به تصویب برسد.<sup>(۳۴)</sup> یک روز پس از تصویب قطعنامه، اسکورت نفتکش‌ها با پرچم امریکا در خلیج فارس آغاز شد. امریکا برای موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ علاوه بر استفاده از اهرم نظامی حضور در منطقه خلیج فارس و تهدیدات جدید، برای تصویب قطعنامه دوم با هدف تحریم ایران تلاش خود را آغاز کرد. مخالفت شوروی با تحریم تسليحاتی ایران و مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل مانع از موفقیت امریکا و توافق اعضای شورای امنیت شد. آرماکاست، معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا، به مسکو سفر کرد تا موافقت شوروی‌ها را به دست آورد ولی موفقیتی به دست نیاورد.<sup>(۳۵)</sup>

\* رادیو امریکا پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ در سی تیرماه ۱۳۶۶ گفت: «قطعنامه پس از شش ماه مذاکره و تبادل نظر در مقر سازمان ملل و در پایتخت‌های عمدۀ جهان تهییه و تنظیم شد.»

(خ. آ، نشریه‌گزارش‌های پیزه، ش. ۱۲۳، یخش فارسی رادیو امریکا، ۱۵۰ ص ۶۶/۴/۲۹)

\*\* پرسفسور روح‌الله کارگر رمضانی معتقد است تا زمانی که سقوط بصره در ژانویه ۱۹۸۷ م قطعی نشد بود، کابینه ریگان استراتژی صلح را به طور جدی دنبال نمی‌کرد.

اسکورت نفتکش‌ها با پرچم امریکا گسترش درگیری را در خلیج فارس تداوم بخشدید. عراق حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری ایران را با هدف تضعیف بنیه اقتصادی ایران دنبال می‌کرد. واکنش ایران در برابر اقدامات عراق تدریجیاً دامنه و حجم درگیری‌ها را افزایش داد.

علاوه بر این، موقعیت نظامی ایران پس از تصرف منطقه فاو<sup>\*</sup> کویت را نگران کرد که ایران نسبت به حمایت‌های آن کشور از عراق واکنش نشان دهد و در وضعیتی که ایران پیروزی جدیدی در منطقه شرق بصره به دست آورد و عراق مرحله سوم جنگ نفتکش‌ها را شروع کرد، دولت کویت در تاریخ سیزده ژانویه ۱۹۸۷م (۲۳ دی ۱۳۶۵) از سفارت امریکا درخواست کرد تا نفتکش‌های کویت با نصب پرچم امریکا از حمایت دریایی این کشور برخوردار شوند. کویت به شوروی هم درخواست مشابهی داد.<sup>(۳۶)</sup> کویت همانند امریکا خطرات ناشی از تغییر پرچم را ارزیابی نکرده بود؛ زیرا این کشور مطمئن بود ایران با مجموعه تضمین‌های شوروی و امریکا مقابله نخواهد کرد.<sup>(۳۷)</sup>

امریکا برای پاسخ دادن به درخواست کویت و کنترل روند رو به گسترش جنگ و مقابله با پیروزی احتمالی ایران، با چالش‌های زیادی روبرو بود. برخی از ناظران معتقد بودند رویارویی مستقیم نظامی امریکا با ایران، احتمالاً سریع‌ترین راه برای پایان دادن به جنگ عراق و ایران خواهد بود؛<sup>(۳۸)</sup> زیرا بر اثر این رویارویی و گشايش جبهه دوم در جنگ، قدرت نظامی ایران تحلیل می‌رود و به جای رفتار تهاجمی در خلیج فارس، موضع دفاعی اتخاذ خواهد کرد.<sup>(۳۹)</sup> روس‌ها نیز معتقد بودند امریکایی‌ها به دنبال وارد آوردن ضربات مستقیم به ایران هستند<sup>(۴۰)</sup> تا بدین وسیله به جنگ خاتمه دهند.

\* الیزابت گاملن و پال راجرز در مقاله خود در این مورد می‌نویسنده: «به نظر می‌رسد بین درخواست کویت و وضعیت جنگ زمینی ایران و عراق ارتباطی وجود داشت. در فوریه ۱۹۸۶م ایران شبه جزیره فاو را، که بخش مهمی از سرزمین عراق است، تصرف کرد. در نتیجه، نیروهای ایران برای اولین بار در نزدیکی مرز کویت قرار گرفتند... احتمالاً دلیل درخواست مساعد کویت برای محافظت از صادراتش بیشتر برای جلب توجه بین‌المللی به جنگ بود که امنیت این کشور را به مخاطره (كتاب بازناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ج ۲۰، ص ۱۶۱) می‌انداخت.»

کیسینجر معتقد بود برافراشتن پرچم امریکا بر فراز کشتی‌های کویتی به معنای پشتیبانی آشکار از عراق تعبیر می‌شود و همین امر ماهیتاً تعهد نامحدود امریکا تلقی می‌شود. وی می‌نویسد: «گرایش نظامی به سود عراق تنها هنگامی مفهوم داشت که آمد و رفت کشتی‌ها را در خلیج فارس، ایران به گونه‌ای جدی و آشکار تهدید می‌کرد و اقدامات آن کشور نتایج قاطع در سرنوشت جنگ به بار می‌آورد. در حال حاضر، نه نوع و ماهیت جنگ دریایی ایران و عراق و نه آمار کشتی‌های از دست رفته بر این امر صحه نمی‌گذارد.»<sup>(۴۱)</sup>

کیسینجر با این توضیحات ماهیت و اهداف امریکا را نقد و بررسی می‌کند. در واقع، اگر نفتکش‌ها به دلیل مخاطرات جدی برای آمد و شد کشتی‌ها اسکورت می‌شوند، مداخله مستقیم امریکا علاوه بر اینکه تعهدات نامحدود ایجاد می‌کند، حمایت از عراق تلقی می‌شود که عامل اصلی حمله به کشتی‌های تجاری و نفتی است. کیسینجر در همین مقاله به تناقض موجود در اقدام امریکا توجه می‌کند. بدین معنا که اگر هدف تصمین آمد و شد کشتی‌ها است چرا این امر با حمایت از عراق همراه است که بیشترین اخلال را در رفت و آمد کشتی‌ها ایجاد کرده است؟<sup>(۴۲)</sup> وی سپس نتیجه می‌گیرد که اگر ایالات متحده به این قصد چتر حمایت خود را بر فراز کشتی‌های کویتی می‌گستراند تا در نتیجه نهایی جنگ تأثیر بگذارد، این تنها منطق قابل درک است ولی باید آماده پذیرش پیامدهای عملکرد خود نیز باشد. از نظر کیسینجر حضور امریکا در خلیج فارس نوعی به مبارزه خواندن نظامی ایران تلقی می‌شود و پرستیز نظامی امریکا درگیر پیامد جنگ زمینی در این کشور خواهد شد.<sup>(۴۳)</sup>

طراحان نظامی امریکا با فرض اقدام ایران برای بستن تنگه هرمز بر این باور بودند که می‌توانند هرگونه تلاش ایران برای بستن تنگه هرمز یا جلوگیری از صدور نفت از منطقه را در عرض چند روز خنثی کنند. امریکایی‌ها این نتیجه‌گیری را حاصل چهار عامل می‌دانستند: محدودیت هواپیماهای

عملیاتی ایران؛ کارایی محدود موشک‌های زمین به هوای ضد کشتی ایران؛ امکان انهدام مواضع توپخانه ایران در نزدیکی تنگه هرمز؛ عرض و عمق زیاد تنگه هرمز نشان می‌دهد مسدود کردن آن بسادگی ممکن نیست.<sup>(۴۴)</sup>

ریگان نیز استدلال می‌کرد ایران به کشتی‌های حامل پرچم قدرت‌های بزرگ تاکنون حمله نکرده و بعيد است چنین کاری بکند. به علاوه، ایران قدرت دریایی و هوایی متعارف برای مقابله با نیروی دریایی امریکا را ندارد.<sup>(۴۵)</sup> مورفی، معاون وزارت خارجه امریکا، نیز طی مصاحبه‌ای گفت: «علی‌رغم غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار ایران، احتمال حمله این کشور به کشتی‌هایی که پرچم امریکا را حمل می‌کنند وجود ندارد.»<sup>(۴۶)</sup>

چنانکه روش است تصمیم‌گیری برای اسکورت با هدف فشار نظامی به ایران از طریق مقابله سنجیده<sup>(۴۷)</sup> برای محدود کردن توانایی ایران و پایان دادن به جنگ بود و چنین پیش‌بینی می‌شد که ایران در برابر این اقدام، برای واکنش قدرت لازم را ندارد و سرانجام در برابر این فشار تسلیم خواهد شد و با پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جنگ با ابتکار عمل امریکا به پایان خواهد رسید.

سرانجام بنابر توافقنامه رسمی کویت و امریکا در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۸۷م (۱۳۶۶ فروردین ۱۳۶۶) برای تغییر پرچم کشتی‌ها،<sup>(۴۸)\*</sup> در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۸۷م (۳۰ تیر ۱۳۶۶) اولین پرچم امریکا بر نفتکش‌های کویتی برافراشته شد<sup>(۴۹)</sup> و نخستین کاروان تحت اسکورت بر اساس برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده در ۲۲ جولای ۱۹۸۷م (۳۱ تیر ۱۳۶۶) وارد خلیج فارس شد.<sup>(۵۰)</sup>

برخورد نفتکش بریجتون با مین، پیش‌درآمد برخورد های میان نیروهای ایران و امریکا بود.<sup>(۵۱)</sup> چنانکه در هشتم اکتبر (شانزده مهر ۱۳۶۶) هلی کوپترهای امریکایی به قایق‌های ایرانی تیراندازی کردند<sup>(۵۲)</sup> و متقابلاً ایران

\* کردزم معتقد است چهار عامل دولت ریگان را در حمایت از تغییر پرچم به شتاب وداداشت: نخست مقابله با نفوذ شوروی؛ دوم اجیای مجدد نفوذ امریکا در منطقه بعد از سقوط شاه؛ سوم، مقابله با تلاش ایران برای استقرار موشک کرم ابریشم در منطقه و چهارم ریگان معتقد بود ایران تا کنون به کشتی‌های حامل پرچم قدرت‌های بزرگ حمله نکرده و قدرت دریایی و هوایی متعارف برای مقابله با نیروی دریایی امریکا را ندارد. (ص ۳۱۱ - ۳۱۲)

نیز اعلام کرد در تاریخ ۲۲ نوامبر (اول آذر) به چهار فروند هلی کوپتر امریکا تیراندازی کرده است.<sup>(۵۳)</sup> امریکا همچنین سکوهای نفتی ایران را مورد تهاجم قرار داد.<sup>(۵۴)</sup> بسیاری از ناظران و تحلیلگران، رویارویی ایران و امریکا را نشان دهنده فشار امریکا و متحداش برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه و ترک عملیات نظامی و ورود به مرحله سیاسی و دیپلماسی ذکر کردند.<sup>(۵۵)</sup>

حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس نه تنها در خاتمه دادن به جنگ و ایجاد امنیت برای آمد و شد کشتی‌ها تأثیری نداشت بلکه دامنه درگیری‌ها را نیز تشدید کرد؛ البته برخی معتقدند اگر امریکا اقدامی نمی‌کرد با تهدید جدی گسترش نفوذ شوروی مواجه می‌شد و برخورد امریکا با ایران تأثیر عمده‌ای در خاتمه دادن به جنگ و مجبور کردن ایران به پذیرش آتش‌بس داشت.<sup>(۵۶)</sup> برژینسکی بر این نظر بود که با اسکورت نفتکش‌ها اوضاع در خلیج فارس با ثبات‌تر شده و جنگ نفس‌های آخرش را می‌کشد و ایران در کرده است که نمی‌تواند پیروز شود.<sup>(۵۷)</sup>

### استراتژی ایران

هزینه‌ها و دستاوردهای جنگ در سال ۱۳۶۵ و مشاهده دشواری‌های پیش روی نظامی در موضع و استحکامات عراق و پیامدهای آن تدریجاً ذهنیت و اراده ایران را برای پایان دادن به جنگ شکل داد. در این سال، حجم و دامنه فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی به ایران در مقایسه با گذشته افزایش بسیار داشت؛ زیرا درآمد ارزی ایران بر اثر حملات عراق به نفتکش‌ها بشدت کاهش یافت.\* دیپلماسی پنهانی ایران و امریکا با افشاءی آن آسیب

\* عدنان مزارعی در بررسی اقتصاد ایران بعد از انقلاب می‌نویسد: «کاهش عمومی قیمت‌های نفت و خسارات واردہ بر ظرفیت صدور نفت ایران به سبب جنگ با عراق به افت بسیار درآمدهای نفتی انجامید. روشن است به رغم افزایش درآمدهای نفتی بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس و افت شتابان قیمت نفت از سال ۱۳۶۵، بسرعت درآمدهای نفتی ایران را کاهش داد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی در حدود ۴۰٪ سال ۱۳۵۶ بود».

(نگاه کنید به مجله فرهنگ و توسعه، شماره ۲۶)

دید و همین امر به افزایش حمایت‌های امریکا از عراق منجر شد. علاوه بر این، بسیج منابع برای تعیین سرنوشت جنگ در سال ۱۳۶۵، نه تنها به نتیجه نرسید بلکه هزینه و تلفات سنگینی را بر ایران تحمیل کرد که جایگزینی آن بهدلیل وضعیت اقتصادی کشور دشوار بود.

فرایند جدید در کنار این واقعیت که ایران با پیروزی‌های نسبی به درهم‌شکستن خطوط دفاعی عراق و رخنه در آن قادر است همراه با پیامدهای گسترش دامنه جنگ در خلیج‌فارس، تدریج‌آغاز حمایان عراق را متقاعد کرد که برای پایان دادن به جنگ باید خواسته‌های ایران را تأمین کنند و بدون تحقق این مهم، خاتمه دادن به جنگ ممکن نیست.\*

در عین حال و با وجود تغییرات جدید در باورها و تصورات بازیگران و ظهور واقعیات جدید سیاسی - نظامی، پایان دادن به جنگ پس از هفت سال دشوار و احتمالاً با هزینه و پیامدهای سیاسی همراه بود. توضیحات برخی از صاحب‌نظران و تحلیلگران مهم است. چوبین معتقد است در پاییز سال ۱۳۶۶ ایران از راه حل نظامی برای خاتمه جنگ نالمید شده بود اما هنوز از راه حلی دیپلماتیک برای خلاصی از جنگ دور بود؛<sup>(۵۸)</sup> زیرا پایان دادن به جنگ از طریق سیاسی به منزله تغییر و چرخشی در استراتژی ایران ارزیابی می‌شد که به آسانی ممکن نبود. این تغییر با نادیده گرفتن حذف صدام ممکن بود؛ حال آنکه شعار و استراتژی ایران حذف صدام با تکیه بر پیروزی نظامی بود. چنین اقدامی "هزینه سیاسی"<sup>(۵۹)</sup> به همراه داشت. شائول بخاش نیز طی تحلیلی گفت: «ایران دیگر نمی‌تواند جنگ را ببرد، ولی پذیرفتن صلح هم چندان کار آسانی نیست؛ زیرا سال‌های سال است که فدایکاری‌های عظیمی شده، مردم ایران بار سنگین جنگ را به دوش کشیده و کشته و مجروح و معلولین فراوانی داده‌اند.»<sup>(۶۰)</sup> جیمز بیل نیز می‌گوید: «قطعنامه

\* آقای هاشمی می‌گوید: «با تدبیر امام در تداوم جنگ آنقدر پیش رفتیم و کار را به جایی رساندیم که سازمان ملل پذیرفت حق ما را بدهد.» (اصحاح روزنامه/ ایران، ۱۳۷۸/۱۱/۷، ص ۶) و آقای رضایی می‌گوید: «برای جلوگیری از شکست عراق، پیشنهاد صلح را نوشتند.» (اصحاح روزنامه کیهان، ۱۳۷۸/۱۱/۱۶، ص ۸)

اصرار داشت که قبل از تعیین مسئولیت شروع جنگ، باید آتش بس برقرار بشود، کاملاً آشکار بود که ایران نمی‌توانست این وضع را بپذیرد.<sup>(۶۱)</sup> خبرگزاری فرانسه نیز طی تحلیلی از جنگ و دشواری‌های آن برای ایران نوشت: «ادامه عملیات جنگی، دشواری عظیمی برای ایران ایجاد می‌کند. جنگ فرسایشی ادامه می‌باید تا شاید راه حل دیپلماتیک یا سیاسی به دست آید یا اینکه به امید دست یافتن به پیروزی نظامی فعالیت‌های جنگی گسترش باید. نخستین شق، این خطر را در بر دارد که عراق با دامن زدن به بحران خلیج فارس یا از سرگیری جنگ شهرها، بر فشارهای خود بیفراید. شق دوم، آثار بسیار نامطلوبی بر اقتصاد کشور دارد که هم‌اکنون دستخوش بحران است و به نحو دردناکی مسئله تأمین اسلحه را که نقطه ضعف ایران در جنگ است، مطرح می‌سازد. رهبران ایران هر یک از این دو راه را که انتخاب کنند بر این امر وقوف دارند که هر نوع افزایش هزینه جنگ افزایش هزینه زندگی را موجب می‌شود که نخستین قربانیان آن دقیقاً آن دسته از مردم هستند که نیروی بسیج را تشکیل می‌دهند.<sup>(۶۲)</sup>

در عین حال تأمین کردن بخشی از خواسته‌های ایران مبنی بر "تعیین متجاوز" و پرداخت خسارت می‌توانست ایران را برای پایان دادن به جنگ متقاعد سازد. تلاش سازمان ملل در واقع برای تحقق همین اهداف بود که ایران به آن واکنش مثبت نشان داد.

همراه با تلاش‌های سازمان ملل از طریق تماس دیرکل با ایران و گرفتن نظریات این کشور، افزایش حضور تدریجی امریکا در خلیج فارس برای ایران نگران کننده بود و به سود عراق ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، تغییر در رویکرد سازمان ملل به خواسته‌های ایران برای پایان دادن به جنگ با سیاست تهدید و ارعاب امریکا برای حضور در خلیج فارس و فشار به ایران در تنافق بود و پرسش و ابهام در تصمیم‌گیرندگان به وجود آورد. برخی بر این نظر بودند که حضور امریکا به دلیل نگرانی آن کشور از شکست عراق است و

لذا برای کنترل اوضاع و فشار به ایران چنین اقدامی صورت می‌گیرد.<sup>\*</sup> برخی دیگر، اعتقاد داشتند اقدام امریکا برای حمایت نظامی از قطعنامه سازمان ملل و فشار به ایران برای پذیرفتن آن است. محمدجواد لاریجانی، معاون بین‌المللی وقت وزارت خارجه، درباره ماهیت تحولات و تصورات موجود می‌گوید: «پیش از صدور قطعنامه ۵۹۸، تمامی قطب‌های قدرت جهان چند کار همزمان را سازماندهی کردند. اول فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که در آن سرزنش، تنبیه و تحریم ایران به لحاظ تسليحاتی و اقتصادی منظور شد. دوم، حضور نظامی ترساننده‌ای در خلیج‌فارس که تمامی قدرت‌ها در آن شرکت داشته باشد. برداشت کلی این بود که زمان مداخله قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ فرا رسیده است و در نتیجه، تصویر سیاسی منطقه به نظر آنها باید تغییر کند و نباید بیش از این فرصت را از دست داد.»<sup>(۶۳)</sup>

بر همین اساس، ایران علاوه بر تلاش سیاسی برای پایان دادن به جنگ، با حضور نظامی امریکا در خلیج‌فارس مقابله کرد و استراتژی ادامه جنگ را در منطقه شمال‌غرب طراحی و اجرا کرد که در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

### صلح از طریق سازمان ملل \*\*

واکنش مثبت ایران به تلاش‌های سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، متأثر از چند مسئله اساسی بود. نخست آنکه برای

\* آقای رضایی فرمانده وقت سپاه به هنگام حضور در قرارگاه خاتم بر همین نظر بود و در عین حالی که از علت اقدام امریکا می‌پرسید ولی به این تحلیل نیز توجه داشت و آن را طرح می‌کرد؛ البته بعد از اتمام جنگ آقای رضایی در مصاحبه با کیهان به این تحلیل اشاره کرد که امریکا حضور نظامی اش را در منطقه، پشتونه و پیشنهاد صلح سازمان ملل قرار داد.<sup>(۱۹) (پهمین، ۱۳۷۸، ص ۸)</sup>

\*\* آقای ولایتی وزیر خارجه وقت در مصاحبه با روزنامه کیهان در پاسخ به کسانی که درباره واکنش ایران به قطعنامه ۵۹۸ و تأخیر در پذیرش آن انتقاد می‌کنند، توضیحاتی داد که به تلاش و همکاری ایران در تصویب قطعنامه ناظم بود. نکتهٔ حائز اهمیت این است که ایشان کار با سازمان ملل را به منزله پذیرش «صلح از طریق سازمان ملل» ذکر می‌کند.<sup>(روزنامه کیهان، ۱۳۸۱/۷/۱، ص ۱۲)</sup>

ایران پایان دادن به جنگ با تکیه بر پیروزی نظامی تدریجاً دشوار شد. بر همین اساس، آقای هاشمی اظهار کرد اگر بغداد را هم بگیریم با بمب اتم به ما حمله خواهند کرد. در واقع، این تصور ایجاد شده بود که امکان پیروزی نظامی بر عراق ضعیف است و حتی اگر حاصل شود دنیا این پیروزی را به رسمیت نمی‌شناسد و واکنش نشان خواهد داد. ثانیاً از سال ۱۳۶۳ به حضور فعال در عرصه سیاسی و بین‌المللی تأکید شد و همکاری با برخی از کشورها و بویژه دبیرکل سازمان ملل آغاز و دنبال شد و نتایج مثبتی را هم در پی داشت. ثالثاً برای کلیه بازیگران و ایران و عراق این تصور و اجماع کلی به وجود آمد که زمان پایان دادن به جنگ فرا رسیده است. مهم‌تر از همه اینکه رویکرد سازمان ملل به خواسته‌های ایران تغییر کرد و همین موضوع، زمینه مناسبی را برای واکنش مثبت و همکاری ایران فراهم کرد.

وزیر خارجه وقت ایران درباره نقش ایران در تصویب قطعنامه ۵۹۸ می‌گوید: «ما از همان ابتدا در پخت و پز قطعنامه ۵۹۸ مداخله داشتیم و اگر ما آن را قبول ندادستیم اصلاً به طرف آن نمی‌رفتیم.» وی درباره واسطه ایران برای کار با غربی‌ها و شورای امنیت می‌گوید: «واسطه ما با غربی‌ها و شورای امنیت در آن مقطع نماینده آلمان در سازمان ملل بود. ما از طریق نماینده آلمان، سفیر و نماینده دائمی آلمان در سازمان ملل متحد کارهای ایمان را دنبال می‌کردیم.»<sup>(۴۴)</sup> ایشان بند شش قطعنامه را مبنی بر تعیین مت加وز حاصل تلاش ایران ذکر می‌کند.

قطعنامه ۵۹۸ سرانجام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۶ در شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آراء تصویب شد. پاسخ ایران به درخواست سازمان ملل درباره اعلام پذیرش قطعنامه و برقراری آتش‌بس در کانون فعالیت‌های سیاسی و بین‌المللی قرار گرفت. ایران چون در تنظیم بندهای قطعنامه بویژه تشکیل کمیته برای تعیین مت加وز<sup>(۴۵)</sup> نقش داشت، به آن واکنش مثبت نشان داد.\*

---

\* برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب‌های ارشلمچه تا حلچه و پایان جنگ.

سفیر وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ حاوی موادی منطقی است و می‌تواند خواسته‌های قانونی ایران را پاسخگو باشد.<sup>(۶۶)</sup> معاون وقت وزیر خارجه ایران نیز اعلام کرد تهران با تلاش‌هایی که هدف آن به ارمغان آوردن صلح در منطقه است همکاری خواهد کرد.<sup>(۶۷)</sup>

ایران به ترتیب بندهای قطعنامه به دلیل "تقدم آتش‌بس" بر "تشکیل کمیته تعیین متجاوز"، اعتراض کرد. هنگام سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران، آقای هاشمی این موضوع را برای ایشان روشن کرد که تا وقتی متجاوز معرفی نشده است ایران آتش‌بس را نخواهد پذیرفت؛<sup>(۶۸)</sup> زیرا پس از گذشت هفت سال از جنگ و تصوراتی که درباره ماهیت آتش‌بس و پیامدهای آن وجود داشت،<sup>\*</sup> اتخاذ این تصمیم و اقدام آن برای ایران بسادگی ممکن نبود. یکی از تحلیلگران در همان زمان گفت: «آشکار است که پذیرش آتش‌بس بدون برکناری صدام حسین و عراق را متجاوز ندانستن برای ایران بسیار دشوار است.»<sup>(۶۹)</sup> وی همچنین گفت: «جنگی که هفت سال طول کشید و ریشه‌ای ۲۵ ساله دارد نمی‌تواند طبق درخواست امریکا طی چند روز تمام شود. اگر به ایران فرصت داده شود و برای حفظ آبروی آن راهی پیدا شود ایران برای نخستین بار به همکاری برای حل مسئله جنگ مایل خواهد بود. ولی اگر امریکا و سایر کشورها بخواهند ایران را تحقیر کنند و چنین به نظر رسد که ایران شکست خورده است و یک کشور انقلابی واقعی نیست، ایران همکاری نمی‌کند.»<sup>(۷۰)</sup> ایندیپنڈنت، چاپ انگلیس، نیز نوشت: «قدرت‌های جهانی اکنون باید برای ایجاد تحول در طرز تفکر ایران نسبت به جنگ و نشاندن منطق به جای خونخواهی تسهیلاتی فراهم کنند.» در این مقاله تأکید شده است: «متجاوز شناخته شدن عراق می‌تواند سرآغاز مذاکرات پیرامون مرزها و پرداخت غرامت باشد.»<sup>(۷۱)</sup>

---

\* علی محمد بشارتی، قائم مقام اسبق وزارت خارجه، طی گفت‌وگوی اختصاصی با نویسنده به این موضوع اشاره کرد که ما تجربه جنگ اعراب و اسرائیل را در ژوئن ۱۹۶۷ داشتیم لذا به آتش‌بس اعتماد نداشتم و تصور می‌کردیم از این طریق امکان تأمین خواسته‌های ایران وجود ندارد. (۱۳۷۸/۹/۱۰)

ایران برای گذار از وضعیت سیاسی جدیدی که در صحنه بین‌المللی و با فشار به این کشور آغاز شده بود، در پاسخ به قطعنامه ۵۹۸ ضمن بی‌اعتنایی به درخواست آتش‌بس، از رد کامل آن خودداری کرد.\* امریکا به موضع ایران واکنش نشان داد و با حضور نظامی در خلیج فارس و تلاش برای تصویب قطعنامه جدید در سازمان ملل با هدف تحریم تسلیحاتی، فشار به ایران را افزایش داد. ایران در مقابله با سیاست‌ها و تلاش‌های امریکا اقداماتی کرد که مهم بود. پذیرش مشروط قطعنامه، امریکا را از نظر سیاسی در موضع بدی قرار داد؛ زیرا امریکا تصور می‌کرد که اگر ایران قطعنامه را رد کند می‌تواند شورای امنیت را در برابر ایران به عکس العمل وادر سازد.<sup>(۷۲)</sup>

ایران ابتدا با دبیرکل برای پیشرفت در روند اجرایی شدن قطعنامه ۵۹۸ همکاری کرد. ولایتی می‌گوید: «ما با قطعنامه ۵۹۸ مبنای قانونی پیدا کردیم برای کار با دبیرکل و توافقاتی شد که بخشی قابل بیان است و بخشی بیان کردنی نیست.»<sup>(۷۳)</sup> متقابلاً سازمان ملل اگر می‌خواست در پایان دادن به جنگ موققیتی به دست آورد می‌باید با توجه به خواسته‌های ایران و تأمین نظریات این کشور عمل کند. این موضوع زمینه را برای تداوم فعالیت‌های دبیرکل فراهم ساخت.<sup>(۷۴)</sup>

وزیر خارجه وقت ایران درباره روش و ضرورت کار با دبیرکل سازمان ملل می‌گوید: «ما می‌خواستیم بنشینیم جزئیات اجرایی قطعنامه را به نتیجه برسانیم. اگر ما جنگ را متوقف می‌کردیم و عراق سر میز مذاکره می‌نشست با این ویژگی‌های غیرقابل پیش‌بینی که عراق داشت، معلوم نبود که از پشت میز مذاکره چه نتیجه‌های به دست می‌آمد. ما می‌گفتیم که تکلیف همه چیز باید روش بشود. دبیرکل سازمان ملل هم همین را می‌خواست. طرح اجرایی دبیرکل می‌خواست روش نکند، چه روزی آتش‌بس؟ چه روزی کامل شدن عقب‌نشینی؟ و چه روزی مبادله اسرا صورت می‌گیرد؟ در غیراین صورت خود قطعنامه اجرا کردنی نبود.»<sup>(۷۵)</sup>

\* چوبن می‌گوید: بی‌میلی ایران به رد کردن کامل قطعنامه شورای امنیت و تلاش برای اصلاح آن نیز شانه‌ای از تغییر در گرایش بود.

با سفر دبیرکل به تهران برای تهیه طرح اجرایی قطعنامه ۵۹۸، ایران نظریاتش را برای جابه‌جایی در بندها بیان کرد که همان تشکیل کمیته‌ای برای تعیین متجاوز و تقدم آن بر آتش‌بس بود.<sup>(۷۶)</sup> همچنین با مذاکراتی که انجام گرفت دبیرکل طی نامه‌ای به هر دو کشور اعلام کرد که پیش از هرگونه مذاکراتی باید گروهی تخصصی تشکیل شود تا بر جزئیات از جمله موارد تخلف از قراردادهای بین‌المللی بحث شود تا قدمهای اصلی را برداریم. این پیشنهاد هم با مخالفت دولت عراق مواجه شد.<sup>(۷۷)</sup>

دبیرکل سازمان ملل در پاریس پس از بازگشت از سفر چهار روزه به ایران و عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد این مأموریت را به تقاضای شورای امنیت سازمان ملل به پایان رساندم و دیدارهایی در بالاترین سطوح ممکن انجام دادم.<sup>(۷۸)</sup> وی گزارش خود را به شورای امنیت تسلیم کرد و به خبرنگاران گفت آنچه من به اعضا شورا گفته‌ام محترمانه است ولی مأموریتم مفید بوده است.<sup>(۷۹)</sup>

همکاری ایران با دبیرکل برای اجرایی شدن قطعنامه ۵۹۸ به معنای پذیرش قطعنامه بود و بازتاب گزارش دبیرکل به شورای امنیت سازمان ملل، امریکا را در تصویب قطعنامه جدید برای تحریم تسلیحاتی ایران شکست داد. علاوه بر این، تعاملات جدید ایران با شوروی بویژه توافق دو کشور درباره مخالفت با حضور امریکا در خلیج فارس، که پس از مذاکرات محمد جواد لاریجانی در مسکو، گراسیموف آن را اعلام کرد،<sup>(۸۰)</sup> در مخالفت شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران<sup>(۸۱)</sup> تأثیر بسزایی داشت و لذا امریکا به دلیل مخالفت شوروی و وتوی هرگونه قطعنامه جدید، تلاش‌های خود را در سازمان ملل متوقف کرد. چنانکه شولتز، وزیر خارجه وقت امریکا، گفت: «امریکا موافقت کرده است وقت بیشتری برای دیپلماسی به شورای امنیت بدهد تا شاید بتواند به آتش‌بس در جنگ ایران و عراق دست یابد». وی پس از ملاقات با وزیران امور خارجه چهار عضو دائمی شورای امنیت به خبرنگاران گفت: ما به دنبال مجازات نیستیم. ما در جستجوی این هستیم که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شود.<sup>(۸۲)</sup>

### مقابله با امریکا در خلیج فارس

ایران در برابر وقایع و رخدادهای منطقه خلیج فارس واکنش نشان داد و معتقد بود که "امنیت خلیج فارس تفکیک‌ناپذیر است. یا امنیت برای همه وجود دارد یا برای هیچ‌کس امنیتی در کار نخواهد بود."<sup>(۸۳)</sup> بخش عمده صدور نفت ایران از خلیج فارس صورت می‌گرفت و عراق برای قطع منبع عمده درآمد ایران و وادار کردن آن به پذیرش پیشنهادهای صلح، به نفتکش‌هایی که مقصد و مبداء آنها پایانه‌های ایران بود، حمله می‌کرد. ایران در واکنش به این رخدادها بر اساس "اصل تفکیک‌ناپذیری امنیت در خلیج فارس" رفتار می‌کرد<sup>(۸۴)</sup> و رسماً اعلام کرد اگر ایران به صدور نفت خود از تنگه هرمز قادر نباشد آن را خواهد بست.<sup>\*</sup>

مخاطرات مسدود شدن تنگه هرمز و ابعاد بین‌المللی آن و درگیرشدن ایران در جبهه‌ایی جدید سبب شد ایران خط مشی خود را در بستن تنگه هرمز تعديل کند تا از تحقق استراتژی عراق برای بین‌المللی شدن جنگ مانع شود.<sup>(۸۵)</sup> ولی تدریجاً گسترش دامنه حملات عراق و زمینه‌سازی امریکا برای گسترش حضور نظامی در خلیج فارس، ایران را در وضعیت دشواری قرار داد. برخی از تحلیلگران، مانند شائول بخاش، معتقد بودند ایران در برابر جنگ و صلح قرار گرفته است و باید یکی را برگزینند.<sup>(۸۶)</sup> چوبین نیز معتقد بود ایران یا باید «بی‌قید و شرط تسليم شود یا کشورهای خلیج فارس را تهدید کند؛ زیرا هر دو ابرقدرت فشار می‌آورند تا جنگ مهار شود و پایان باید و ایران قادر نیست موقعیت خود را برای مانور بین ابرقدرت‌ها بهبود بخشد.»<sup>(۸۷)</sup>

تصور ایران بر این بود که بر اثر فشارهای نظامی بر عراق و ناتوانی این کشور، ایران در موقعیت برتر قرار گرفته است و کلیه فشارها برای مقابله با ایران و حفظ رژیم عراق است. آقای هاشمی در این زمینه می‌گوید: «زمانی

\* آقای هاشمی درباره سیاست ایران می‌گوید: «سیاست مقابله به مثل را انتخاب کردیم - هر جا که آنها یک کشتنی می‌زندند، یک کشتنی آنها زده می‌شد. اگر بندر ما را می‌زندند، متقابلاً بندر زده می‌شند.» (گفت‌وگو با روزنامه همشهری درباره دفاع مقدس، سیاست، دیپلماسی و اقتصاد، سهشنبه ۱ مهر ۱۳۸۲، ص ۲۱)

که حامیان عراق احساس کردند ما عراق را شکست می‌دهیم امریکا، روسیه، همسایگان جنوبی ما، فرانسه همه به این فکر افتادند که با کمک بیشتر به عراق نگذارند شکست بخورد. معلوم شد که ما فقط با عراق طرف نیستیم و در شرایط نهایی که پیروزی است خیلی‌ها ممکن است وارد جنگ شوند و امریکا علناً وارد جنگ شد.<sup>(۸۸)</sup> ایشان هدف امریکا را از حضور در خلیج‌فارس و اسکورت نفتکش‌ها تشریح کرد: «امریکا مجبور شد وارد جنگ بشود، رسمآ وارد جنگ شد، پرچمش را زد روی نفتکش‌های کویت که ما جرئت نکنیم به کشتی‌های حامل پرچم امریکا حمله کنیم.<sup>(۸۹)</sup> منطق حاکم بر رفتار امریکا از نظر ایران جلوگیری از پیروزی این کشور بود و در واقع امریکا به جای عراق می‌جنگید.<sup>(۹۰)</sup>

ایران قبل از آغاز اسکورت نفتکش‌ها با پرچم امریکا، اعلام کرد: «اگر عراق شرارت نکند و کشتی ما را نزنند از طرف ما تعرض به هیچ کشتی نمی‌شود خواه این کشتی پرچم امریکا یا پرچم کشور دیگری را داشته باشد.<sup>(۹۱)</sup> پس از قطعی شدن حضور امریکا، بنابر توضیح فرمانده وقت سپاه مسئولان خدمت امام رفتند و گفتند که ناوگان امریکا چند ساعت دیگر می‌آید از تنگه هرمز رد می‌شود، ما چه کار کنیم؟ امام فرمودند اگر من جای شما باشم همان اولی را با آربی‌جی می‌زنم.<sup>\*</sup> به محض اینکه امام این را به آقایان می‌گویند، آقایان می‌گویند شما هر چه دستور دهید. امام فرمودند نه من چیزی را نمی‌خواهم به شما تحمیل کنم<sup>\*\*</sup>، شما باید خودتان تصمیم بگیرید.<sup>(۹۲)</sup>

\* آقای ولایتی در مصاحبه با روزنامه‌کیهان در این‌باره می‌گوید: «من جزئیات این جریان خاطر نیست که امام فرموده باشند کشتی را بزنید و کسی بگوید که نه نزنید... در این مورد خاص بند به خاطر نمی‌آورم که از سوی امام چیزی به شورای عالی دفاع ابلاغ شده باشد و مقابلاً شورای عالی دفاع استدلال دیگری کرده باشد.» (۱۲۱۳۸۱/۷/۱)

\*\* آقای رضابی در گفت‌و‌گو با ایسنا همین موضوع را به نحو دیگری بیان کرده‌اند: پس از حضور نیروهای امریکا در منطقه، جلسه‌ای با حضور امام تشکیل شد که من در آن جلسه حضور نداشتم. امام در آن جلسه فرموده بودند که اگر من به جای شما بودم نخستین ناو امریکایی را که وارد منطقه شد می‌زدم. آقایان گفته بودند که شما رهبر هستید، فرمان بدیده تا اجرآ شود و امام پاسخ داده بودند که نمی‌خواهم مستله‌ای را تحمیل کنم، اگر به جای شما بودم ناو را می‌زدم.

(روزنامه صبح/مرزو، ۱۴/۱۲/۱۳۷۸، ص ۱۶)

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران همانند امریکایی‌ها معتقد بودند که ایران در برابر اسکورت نفتکش‌ها واکنش نشان نخواهد داد و تلافی خود را به حملات لفظی محدود خواهد کرد<sup>(۹۳)</sup> و تلاش می‌کند از بهانهٔ حضور قدرت‌های خارجی در خلیج فارس استفاده کند تا بدین‌وسیله وضع خود را توجیه کند و بگوید به خاطر وجود این قدرت‌ها در خلیج فارس است که ما نمی‌توانیم در جنگ پیروز شویم.<sup>(۹۴)</sup>

کردزمن معتقد است غیر ممکن است بفهمیم که ایرانیان علی‌رغم ضعف‌شان تا چه اندازه ترغیب شده‌اند تا با اقدامی نظامی اراده امریکا را محک بزنند.<sup>(۹۵)</sup> ولی با فرا رسیدن بهار سال ۱۳۶۶ ایران شک و تردید خود را کنار گذاشت تا به برتری عراق در جنگ نفتکش‌ها پایان دهد.<sup>(۹۶)</sup>

امکانات و توانمندی ایران برای مقابله با حضور امریکا در خلیج فارس تا اندازه‌ای محدود بود و ایران بخوبی درک کرده بود نباید در نبرد مستقیم با امریکا شرکت کند به‌همین دلیل نوع جدیدی از جنگ را طراحی کرد که برخی به نام جنگ "چریکی - دریایی"<sup>\*</sup> از آن یاد کردند و بعدها آن را "نبرد نامتقارن"<sup>\*\*</sup> نامیدند. بی‌میلی امریکا به درگیری و نگرانی از تلفات و همچنانی حضور ناوگان دریایی امریکا که از اهداف بزرگ دریایی محسوب می‌شد، همه از نکات مورد توجه ایران در خلیج فارس بودند.

ایران با داشتن قایقهای سبک و تندرو<sup>\*\*\*</sup> با قدرت مانور بسیار بالا، توانایی مین‌ریزی<sup>(۹۷)</sup> در آبهای خلیج فارس، موشک‌های<sup>\*\*\*\*</sup> کرم ابریشم<sup>(۹۸)</sup> و

\* کردزمن، ص ۳۲۱.

\*\* ستاد مشترک ارتش امریکا جنگ نامتقارن را این گونه تعریف کرده است: «به کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمعتارف برای خشی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه». (جنگ نامتقارن، کتب مکتبی، دورهٔ عالی جنگ سپاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۴ و ۵)

\*\*\* آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، می‌گوید وقتی عراق به نفتکش‌های ما حمله کرد قایقهای تندرو را ابداع کردیم. (فضیط برنامه تلویزیونی سجاده آتش - شکوه اول، زمستان ۱۳۷۷)

\*\*\*\* پس از اعلام برخورداری ایران از موشک‌های کرم ابریشم مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، در مصاحبه‌ای گفت: «پس از فتح فال رسمًا قدرت خود را در استفاده از موشک‌های ساحل به دریا اعلام کردیم.» (آخرین تلاش‌ها در جنوب، ص ۲۹، ۱/۱۵، ۱۳۶۶)

استفاده از آنها با اتکاء بر منطقهٔ فاو<sup>(۹۹)</sup> و اعمال فشار به حامیان منطقه‌ای عراق بویژه کویت و عربستان قدرت مهمی به شمار می‌آمد.

در این مرحله، به دلیل تشكیل سه نیروی دریایی، هوایی و زمینی سپاه با فرمان امام در شهریور ۱۳۶۴ و مهمتراز آن ضرورت برخورد مناسب با تهدیدات عراق و امریکا در منطقهٔ خلیج‌فارس، سپاه نقش محوری در مقابله با امریکا داشت.\* در همان زمان، رادیو امریکا به تغییرات جدید و نقش سپاه توجه کرد و گفت: «تا یک سال قبل رژیم اسلامی ایران برای حمله به کشتی‌ها از هلی‌کوپتره جت‌های جنگنده و کشتی‌های جنگی استفاده می‌کرد». سپس با توجه به وجود قایق‌های تندرو می‌گوید: «تحلیلگران با توجه به این امر که ظاهراً فقط پاسداران انقلاب به این قایق‌ها سوار می‌شوند، بر این اعتقادند که کاربرد این قایق‌ها دادن نقش به پاسداران در جنگ نفتکش‌ها است.»<sup>(۱۰۰)</sup>

کردزنمن نیز می‌نویسد: «در این زمان تهدیدات ایران فقط به موشک‌هایش محدود نمی‌شد بلکه بیشتر به توانایی‌های نیروی دریایی جدید که با سپاه پاسداران انقلاب ایجاد شده بود، مربوط می‌شد.»<sup>(۱۰۱)</sup> حتی دربارهٔ پایگاه‌ها و شیوهٔ عملیاتی سپاه، کردزنمن می‌نویسد: بسیاری از حملات قایق‌های تندرو از یک پایگاه سپاه در نزدیکی بحرین و عربستان هدایت می‌شد و این پایگاه در جزیرهٔ کوچک فارسی در اواسط راه، بین سواحل ایرانی و شمال عربستان‌ سعودی بود. واحدهای نیروی دریایی سپاه همچنین از یک سکوی نفتی در نزدیکی جزایر سیری، ابوموسی و لارک استفاده می‌کردند. شیوهٔ حمله آنها به این صورت بود که ابتدا هویت و قصد نفتکش را شناسایی می‌کردند و سپس چند ساعت بعد بر می‌گشتند و آنرا مورد حمله قرار می‌دادند. آنها در چنین حملاتی معمولاً از مسلسل و موشک استفاده می‌کردند و از آنجایی که این سلاح‌ها خسارات جدی به کشتی وارد نمی‌کرد آشکارا اقامتگاه خدمه‌را هدف قرار می‌دادند.<sup>(۱۰۲)</sup>

---

\* سردار علایی، فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه، می‌گوید: «در وسط عملیات کربلای ۵ آقای هاشمی مرا خواست و گفت: آمادگی دارید در خلیج‌فارس فعالیت کنید؛ پاسخ مثبت دادیم و بررسی و طراحی‌ها را آغاز کردیم.»

با شروع اسکورت نفتکش‌ها در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۶، در اولین گام، نفتکش بریجتون با مین اصابت کرد و این به منزله آغاز رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس بود.\* امام بلا فاصله طی سخنانی اظهار کرد:

«مطمئن باشند که ادامه جولان در خلیج فارس، منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می‌دهد. دنیا اگر خودش را آماده بحران نفت و به هم خوردن همه معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است ما هم

آماده‌ایم و کمربندها را محکم بسته‌ایم و همه چیز برای عملیات آماده است.»<sup>(۱۰۳)</sup>

آقای هاشمی نیز گفت: «ما گفته‌یم اگر کشتی ما ضربه بیند کشتی شرکای عراق ضربه می‌خورد. ما مسئولیت هیچ حمله‌ای را بر عهده نمی‌گیریم.»<sup>(۱۰۴)</sup>

برخی از تحلیلگران معتقدند حادثه کشتی بریجتون از لحاظ سیاسی به ضرر امریکا تمام شد و اگر ایران اشتباهات بعدی تلافی‌جویانه را مرتکب نمی‌شد این ضرر بیشتر می‌شد.<sup>(۱۰۵)</sup> در هر صورت، درگیری ایران و امریکا با حملات متقابل ادامه یافت. در این مرحله، گرچه امریکا هدفش اسکورت نفتکش‌ها و تأمین امنیت آمد و شد کشتی‌ها در خلیج فارس بود ولی آمارها نشان می‌دهد دامنه درگیری‌ها در مقایسه با گذشته افزایش یافته.<sup>(۱۰۶)</sup>

در حالی که در سال ۱۹۸۶م (۱۳۶۵) جمعاً به ۱۱۱ هدف دریایی حمله شد ولی در سال ۱۹۸۷م (۱۳۶۶) این آمار به ۱۷۹ هدف افزایش یافته؛ از این تعداد ۸۸ هدف را عراق و ۹۱ هدف را ایران مورد حمله قرار داد در حالی که این آمار در سال قبل، ۶۶ هدف از سوی عراق و ۴۵ هدف از سوی ایران بود.<sup>(۱۰۷)</sup> علاوه بر این، انفجار دفتر هوابپیمایی پان‌امریکن در کویت<sup>(۱۰۸)</sup> و اصابت موشک به بندر الاحمدی کویت<sup>(۱۰۹)</sup> نشان داد حضور امریکا به دلیل اهداف و ماهیت آن، نالمنی بیشتری را به دنبال دارد.

### گسترش جنگ در شمال غرب

\* کردزمن معتقد است قبل از این رویارویی، ایران به دو موفقیت محدود ولی مهم در قبال امریکا دست یافته بود، نخست گروگان‌گیری پس از اشغال سفارت امریکا در تهران و دیگری خروج نیروهای امریکا از لبنان بعد از وقوع انفجار در سفارت امریکا و خروج تفنگداران امریکایی از پایگاه‌های نظامی نظامی بیروت بود. (ص ۳۲۵ - ۳۲۶)

جنگ در سال ۱۳۶۵ برای ایران در جبهه‌های زمینی پیامدهای استراتژیک و سرنوشت‌ساز داشت؛ زیرا استراتژی عملیاتی ایران در منطقه جنوب به بن‌بست رسید و اجرای عملیات گسترده، همانند سال‌های قبل ممکن نبود. شاید همین موضوع از دلایل تمرکز توان فرماندهی و عملیاتی ایران در مقابله با امریکا در برابر اسکورت نفتکش‌ها بود. آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، درباره تأثیرات جنگ در سال ۱۳۶۵ بر روند آن و کاهش توانایی ایران معتقد است بخش بسیاری از توان سپاه با استقرار در مناطق فاو و شلمچه زمین‌گیر شد<sup>\*</sup>، استراتژی کشور برای بسیج امکانات شکست خورد و در جنوب به بن‌بست رسیدیم و دشمن را نتوانستیم غافلگیر کنیم.<sup>(۱۱۰)</sup>

پیش از این، بن‌بست در عملیات رمضان، عملیات والفرج ۱ را در منطقه رملی در مقابل شهر العماره عراق موجب شد. نتایج عملیات‌های یاد شده موجب طراحی تاکتیک عملیات آبی - خاکی در منطقه هور شد (عملیات خیر و بدر) و پس از آن، عبور از رودخانه اروند در عملیات فاو و عملیات کربلای ۴ طراحی و اجرا شد. عملیات کربلای ۵ بازگشت مجدد به منطقه شرق بصره بود که پس از عملیات تکمیلی کربلای ۸ امکان پیشروی در این منطقه از میان رفت. آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، در این زمینه و در مقابله با بن‌بست در استراتژی عملیاتی می‌گوید: «ما وقتی می‌دیدیم در خشکی نمی‌توانیم پیروزی به دست بیاوریم کل روند جنگ را تغییر می‌دادیم، جنگ‌های آبی آغاز می‌شد. این جنگ‌های در آب به ما دو سه سال فرصت می‌داد، وقتی می‌دیدیم در جنگ‌های آبی با مشکلاتی مواجه شدیم می‌رفتیم جنگ کوهستان را انجام می‌دادیم.»<sup>(۱۱۱)</sup>

در تمام مناطق عملیاتی در جنوب، یک تا دو بار عملیات انجام شده بود که دشمن بلافصله نسبت به تاکتیک عملیات و جهت پیشروی با هوشیاری و تمرکز قوا از پیشروی نیروها مانع می‌شد. ادامه عملیات در چنین مناطقی به

---

\* در دوره‌ای که ارتش و سپاه عملیات مشترک انجام می‌دادند ارتش پس از تصرف منطقه در خطوط دفاعی مستقر می‌شد. در مرحله جدید، هر منطقه‌ای را که سپاه تصرف می‌کرد برای حفظ آن نیرو مستقر می‌کرد. این امر تدریجاً نیروهای سپاه را در مناطق تصرف شده زمین‌گیر کرد.

دلیل افزایش تلفات و دست نیافتن به اهداف، ممکن نبود. در مرحله جدید، علاوه بر کاهش و تجزیه توان در مقایسه با گذشته، به دلیل گذشت هفت سال از جنگ، دیگر زمان برای پاسخ دادن به بن بست جدید وجود نداشت.

در عین حال پیش‌بینی مشکلات جنگ در جنوب و ضرورت گشايش جبهه جدید سبب شد در سال ۱۳۶۵ عملیات فتح<sup>۵</sup> برای گسترش جنگ در داخل عراق و درگیر کردن ارتش عراق در منطقه شمال و در عمق خاک اين کشور طرح ریزی شود<sup>(۱۲)</sup> که همراه با عملیات کربلای ۱۰ در اردیبهشت ۱۳۶۶ انجام شد. در واقع، دو عملیات فتح<sup>۵</sup> و کربلای ۱۰ بر اساس استراتژی نظامی جدید ایران و با توجه به انسداد جبهه‌های جنوب انجام شد.<sup>(۱۳)</sup>

در ادامه روند جدید و در حالی که بخش عمده فرماندهی، تفکر و نیروهای سپاه درگیر مقابله با حضور امریکا در خلیج فارس بود فرمانده وقت سپاه طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: «طرح‌های نظامی ایران برای سال آتی معطوف به یک تهاجم عمده استثنایی همچون گذشته نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از عملیات محدود است که یک سلسله عملیات بزرگ را به دنبال خواهد داشت و ما طرح‌هایی برای آموزش و تسليح نیروهای مردمی مخالف داخلی [عراق] داریم و این، جبهه جدیدی است که در جنگ با عراق باز کرده‌ایم.»<sup>(۱۴)</sup>

در واقع، اصرار سپاه در طراحی و اجرای عملیات و شکستن بن بست عملیات در جنوب از چند اصل کلی متأثر بود: نخست، ضرورت تداوم جنگ و جلوگیری از ایجاد رکود، برخوردار شدن از ابتکار عمل در برابر دشمن با انتقال جنگ از جنوب به شمال و گشودن جبهه جدید و تجزیه قوای دشمن و مهم‌تر از همه به دست آوردن زمان برای یافتن راه کاری جدید در منطقه جنوب بود.<sup>(۱۵)</sup>

در طول سال ۱۳۶۶ به موازات حضور سپاه در دریا و مقابله با امریکا، عملیات‌های محدود نصر، فتح و بیت المقدس<sup>(۱۶)</sup> انجام شد. ولی هیچ یک بر وضعیت کلی جنگ تأثیر نگذاشت و پیشروی عمدہ‌ای به دست نیامد تا ایران را به بهره‌گیری از آن قادر سازد.<sup>(۱۷)</sup> کردزن من درباره منطقه جدیدی که

عملیات در آنجا انجام می‌شد می‌گوید: «ایران در منطقه‌ای دست به عملیات می‌زد که برای ماه‌ها پیروزی‌های مشابه هیچ‌گونه موفقیت واقعی استراتژیک برای آن در پی نداشت. در واقع، زمین منطقه چنان صعب‌العبور بود که دولت ایران نمی‌توانست به آسانی حملات خود را در شمال ادامه دهد و یکسری پیروزی‌های مداوم را به رخ مردم ایران بکشد.»<sup>(۱۱۸)</sup>

در زمستان سال ۱۳۶۶ که درگیری در منطقه خلیج‌فارس کاهش یافت مابقی توان و امکانات سپاه از دریا به منطقه شمال‌غرب منتقل شد که نتیجه آن طراحی و اجرای عملیات والفجر ۱۰ بود.<sup>(۱۱۹)</sup> عراق در برابر این عملیات، هیچ‌گونه واکنش شدیدی همانند گذشته انجام نداد و تنها با بمباران شیمیایی تلفات بسیار وحشتناکی به وجود آورد. تغییر رفتار عراق بیانگر این بود که استراتژی این کشور از تدافعی به تهاجمی تغییر یافته است که آثار آن در بهار سال ۱۳۶۷ آشکار شد.

### استراتژی عراق

ماهیت رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ در سال ۱۳۶۵ و نتایج و پیامدهای آن برای عراق اهمیت داشت و عناصر اصلی استراتژی عراق را برای پایان دادن به جنگ شکل داد. برای نخستین بار در خرداد ۱۳۶۶ صدام طی یک ارزیابی گفت: روند تمام عواملی که احتمالاً موجب خاتمه بخشیدن به جنگ خواهد شد به طور رضایت‌بخشی به نفع عراق است. از نظر وی، عوامل مذکور شامل اوضاع جهان عرب، روابط بین‌المللی، موقعیت قوی‌تر عراق از نظر نظامی و افکار عمومی مردم ایران بود.<sup>(۱۲۰)</sup> صدام یک ماه بعد و در آستانه صدور قطعنامه ۵۹۸ و آغاز اسکورت نفتکش‌های کویت با پرچم امریکا، در مصاحبه با روزنامه‌نگاران یوگسلاوی درباره عوامل مؤثر در خاتمه جنگ می‌گوید: «ما همیشه اعتقاد داشته و داریم که روزی جنگ به پایان خواهد رسید و صلح فراگیر برقرار خواهد شد. لذا مسئله جنگ و صلح در جهان امروز منحصر به طرف‌های درگیر یا دو رژیم هدایت کننده دو ارتش مתחاخص نیست. در این

خصوص هر گونه بهبود در افکار عمومی مردم ایران علیه جنگ می‌تواند موضع دستگاه حاکم را در ادامه جنگ به ضعف بکشاند و نیز هر گونه بهبود شرایط جهانی خصوصاً در ارتباط با کشورهای بزرگ می‌تواند در پایان بخشیدن به جنگ مؤثر باشد.»<sup>(۱۲۱)</sup>

صدام در بهمن سال ۱۳۶۶ در پاسخ به این سؤال که چه عواملی سبب خاتمه جنگ می‌شود در یک جمع‌بندی می‌گوید:

۱- پایداری عراق و درهم شکسته شدن تمامی تلاش‌ها بدون آنکه بتواند به نتیجه‌ای برسد و (با پیروزی نسبی ایران) شکست را بپوشاند. ۲- اعراب، موضعی جدی اتخاذ کردند چون از یک سو نظر معنوی و عملی بر پایداری عراق تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، زیربنای روانی و فکری فرد یا شهروند ایرانی را متزلزل می‌سازد و هنگامی که بینند که باید با تمامی اعراب خصوصت کنند، در شعار ادامه جنگ تجدید نظر خواهند کرد. ۳- موضع بین‌المللی در قدردانی از ما است.»<sup>(۱۲۲)</sup>

در همین چارچوب، صدام مجدد نقش عراق را در جنگ با ایران برای جهان عرب تبیین می‌کند و می‌گوید عراق به خاطر موقعیت جغرافیایی خود در برابر تجاوز ایران ایستاده است<sup>(۱۲۳)</sup> و عراق به نیابت از کشورهای عربی از مرزهای خود دفاع می‌کند.<sup>(۱۲۴)</sup> باید اهمیت این جنگ را نزد مردم روشن‌فکر و تحصیل‌کرده در کشورهای عربی تبلیغ کرد تا عمق این مسئله را درک کنند.<sup>(۱۲۵)</sup> از نظر وی، عراق عامل ثبات سیاسی در منطقه است<sup>(۱۲۶)</sup> و اگر این دیوار پولادین شکاف بردارد، بنیان مسلمانان و اعراب در هر نقطه‌ای شکاف خواهد برداشت.<sup>(۱۲۷)</sup>

صدام وضعیت کلی جنگ و موقعیت ایران را ارزیابی و تأکید می‌کند ایران از تمامی ابتكارات آشکار و پنهان استفاده کرده و شکست خورده است.<sup>(۱۲۸)</sup>

اهداف ایران در سال‌های اول تا هشتم جنگ تحقیق پیدا نکرده است و پیش‌بینی نمی‌شود که در سال‌های دیگر تحقق یابد.<sup>(۱۲۹)</sup> وی معتقد است ایرانی‌ها اگر پیروزی‌های نظامی و اهداف مهمی به دست آورند ممکن است

جهالتshan بیشتر شود و موج آنها حتی به شکل وحشتناکی خارج از جبهه را نیز فرا گیرد و این امر تاکنون که وارد سال هشتم جنگ شده‌ایم محقق نشده است<sup>(۱۳۰)</sup> و اگر ایران به پیروزی مهمن در جبهه دست می‌بافت "موج خمینیسم" از جبهه‌های جنگ به خارج سرایت می‌کرد<sup>\*</sup> و مشکلاتی برای جهان عرب و اسلام به وجود می‌آورد و موج تندری آنان در خارج از جبهه‌ها و در سرتاسر منطقه نفوذ می‌کرد.<sup>(۱۳۱)</sup> در حالی که میل به جنگیدن در نزد ایرانی‌ها نقصان یافته و در عراقی‌ها افزایش یافته است.<sup>(۱۳۲)</sup>

واکنش قدرت‌های بزرگ به درگیری در خلیج‌فارس برای عراق اهمیت داشت و از عوامل مؤثر در پایان دادن به جنگ ارزیابی می‌شد. عراق حمله به نفتکش‌های ایران را با این هدف دنبال می‌کرد که علاوه بر محروم کردن ایران از درآمدهای ارزی، این کشور را تحیریک کند تا به اقدام تلافی‌جویانه دست بزند و امریکا را در جنگ بیشتر درگیر کند؛<sup>(۱۳۳)</sup> زیرا ایران نمی‌توانست به اهداف عراق حمله کند در نتیجه، کشته‌های سایر کشورها هدف در دسترس ایران بود و حمله به این کشته‌ها زمینه مداخله بیشتر قدرت‌ها را سبب می‌شد.<sup>(۱۳۴)</sup>

عراق در حالی که میان "امنیت در خلیج‌فارس و مسئله قطع جنگ" رابطه طریفی برقرار کرده بود، این موضوع را تکذیب می‌کرد.<sup>(۱۳۵)</sup> صدام معتقد بود: «ابرقدرت‌ها خواهان درگیر شدن در جنگی بین‌المللی در خلیج‌فارس نیستند»<sup>(۱۳۶)</sup> و «ادامه جنگ به دلیل سستی جامعه جهانی در اتخاذ تصمیمات به جهت تحقق عملی قطعنامه<sup>\*</sup> است.»<sup>(۱۳۷)</sup> بر همین اساس، صدام

\* صدام در حالی که از خطر پیروزی ایران و گسترش انقلاب برای ارتعاب و امتیازگیری از کشورهای عربی و بین‌المللی استفاده می‌کرد، در عین حال مایل بود از موقعیت و نقش عراق در شکست انقلاب ایران بهره‌برداری کند. وی به مجله *الوطن العربي* می‌گوید: «حق صادر کردن انقلاب و تهدید کشورهای عربی با ارتش بیست میلیونی، که رهبران ایران درباره آن سخن گفته‌اند، ادعایی شکست خورده است که بر حق نیست و با عقل و منطق مطابقت ندارد. ما از دیرزمان گفتم این ادعا شکست خورده و خواهد خورد و این به منزله پیروزی عراق است».

<sup>(۱۳۵)</sup> تکاهمی به هشت سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۴، صوت‌الجمahir ۱۳۶۲/۶/۲۱ و ۱۳۶۴/۹/۱۲

\* عراق درباره تغییر سیاست قدرت‌های بزرگ در مورد قطعنامه ۵۹۸ نگران بود؛ زیرا واکنش این قدرت‌ها درباره موضع ایران برای تغییر و جابه‌جایی در بندهای قطعنامه به منزله کاهش فشار به

می‌گوید ما به قدرت‌های بین‌المللی گفتیم ادامه جنگ در این منطقه حساس  
حتماً به عواقب وخیمی کشیده خواهد شد و شما زمانی با وضعیت سخت و  
خطرناکی مواجه خواهید شد که عملًا نمی‌توانید آن را کنترل نمایید.<sup>(۱۳۸)</sup>

عراق برای ختم جنگ به ایجاد نالمنی در خلیج‌فارس پرداخت و حملات  
خود را تشدید کرد. صدام درباره واکنش ایران در برابر حضور امریکا در  
خلیج‌فارس به نکته‌ای اشاره می‌کند که اهمیت دارد. وی می‌گوید: «ایرانیان  
در برخورد نظامی با امریکا ترسو و ناتوان هستند و قادر نیستند با امریکا  
برخوردی عملی داشته باشند». وی سپس اضافه می‌کند: «ایرانی‌ها تنها در  
یک حالت ممکن است با امریکا برخورد کنند و آن زمانی است که تصمیم  
بگیرند که به دلایلی شکست نظامی بخورند تا به تمامی دنیا بگویند که آنان  
از عراق شکست نخوردن، بلکه در مصاف با امریکا، این قدرت جهانی، شکست  
خورده‌اند.<sup>(۱۳۹)</sup>

به نظر می‌رسد سیاست‌های تبلیغاتی عراق با اهداف این کشور متفاوت بود  
و در عین حال از ماهیت واکنش‌های ایران در برابر حضور نیروهای امریکا در  
خلیج‌فارس ارزیابی درستی نداشت. در مجموع، عراق از حضور نیروهای  
امریکا در خلیج‌فارس بسیار خرسند بود و به گفته شاهزاده بندر، سفیر وقت  
سعودی در امریکا، صدام اسکورت نفتکش‌های کویت با پرچم امریکا را  
«بزرگ‌ترین خدمت یک برادر به برادر دیگر خطاب» می‌کرد.<sup>(۱۴۰)</sup> ضمن اینکه

ایران و ادامه جنگ بود، صدام در این مورد می‌گوید: «در محافل بین‌المللی امروز به مسائلی تکیه  
می‌شود که بعضی از آنها عمده و برخی دیگر احتمالاً از روی غفلت است.» (خج، نشریه ش ۱۴۶/۶/۲۲،  
ص ۲۲) عراق از دعوت سازمان ملل به آتش‌بس فوری در جنگ ایران و عراق استقبال  
می‌کند ولی هرگز این موضع ایران را که عراق باید متوجه شناخته و مجازات شود نخواهد پذیرفت.  
(خج، نشریه ش ۱۴۶/۶/۲۹، ص ۱۷) طارق عزیز در نامه به دبیر کل سازمان ملل نوشت: ما قطعنامه  
را قابل چانه زدن یا امری انتخابی نمی‌دانیم و آن را به صورت کلی غیرتقریب تفسیر کرده‌ایم.  
(۱۳۶۶/۱۱/۷) صدام حتی در نامه سرگشاده به ایران شرایط صلح را طی پنج بند شامل عقب‌نشینی  
کامل، تبادل اسراء، امضای معاهده صلح و عدم تجاوز، مداخله نداشتن در شئون داخلی یکدیگر و  
مشارکت ایران و عراق در استقرار امنیت در منطقه اعلام کرد. (نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۲۷۹،  
۱۳۶۶/۵/۲۲) البته صدام در دیدار با گروهی از دانشجویان مقیم کویت می‌گوید: ما با صدور قطعنامه  
۵۹۸ در شورای رهبری بحث کردیم و من گفتم ایران این بار نه قطعنامه را رد می‌کند و نه قبول  
می‌کند. (بررسی تبلیغات از قلواتا فاو، ص ۱۷۵/۶/۸)

افسران امریکایی که برای جلوگیری از حملات احتمالی هواپیماهای عراقی به کشتی‌های امریکایی در بغداد مستقر شدند در نهایت، به عراق در انجام حملات دوربرد علیه اهداف کلیدی ایران کمک می‌کردند<sup>(۱۴۱)</sup> و این امر برای عراقی‌ها بسیار ارزشمند بود.

ارزیابی هفتنه‌نامه *الحوار\**، چاپ پاریس، که به نفع رژیم عراق مطلب می‌نوشت مهم بود و دیدگاه عراق را از اوضاع نشان می‌داد. در این هفتنه‌نامه آمده است: دلایل نشان می‌دهد که شدت گرفتن بحران در منطقه خلیج (فارس) و حضور روزافرون کشتی‌های جنگی ابرقدرت‌ها به نفع عراق و به زیان ایران و در مجموع گذشت زمان به نفع عراق است.<sup>(۱۴۲)</sup>

عراق روند تحولات سیاسی - نظامی در جنگ و بهبود کلیه عوامل را به سود خود ارزیابی کرد و استراتژی جدیدی را برای پایان دادن به جنگ در پیش گرفت. نقطهٔ ثقل استراتژی جدید عراق برتری نظامی بر ایران بود. عراق حملات جدید خود را با موشک‌باران تهران در اسفند ۱۳۶۶ و سپس بمباران شیمیایی شهر حلبچه آغاز کرد و پس از آن، کوشید مناطقی را که ایران تصرف کرده بود بازپس گیرد. نتیجه تحولات نظامی به معنای برتری عراق بود.

### کسب برتری نظامی

ارتش عراق تدریجیاً با افزایش و آموزش نیرو و گسترش سازمان رزم و خرید و ساخت تجهیزات مورد نیاز، برتری بارزی یافت و برتری سه بر یک ایران را از نظر جمعیت<sup>(۱۴۳)</sup> تحت تأثیر قرار داد. تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۱۳۶۶ و اینکه تلاش‌های ایران برای مقابله با فشارهای بین‌المللی و نیروهای امریکا در خلیج فارس متمرکز شد، برای عراق فضای تنفس حیاتی فراهم آورد تا از آن برای سازماندهی کامل نیروها و قابلیت‌های جدیدش بهره‌برداری کند.<sup>(۱۴۴)</sup> علاوه بر این، در حالی که در سال ۱۳۶۵ درگیری نظامی ایران و عراق روی زمین تشدید شد، ایران فرصت بازسازی نداشت

\* در منبع نوشته شده *الحوار* و مشخص نیست که منظور *الحوار* است یا هفتنه‌نامه دیگر.

ولی عراق این فرصت را داشت. صدام به این موضوع اعتراف می‌کند و در اثبات برتری عراق می‌گوید: «تمام افرادی که دشمن وارد نبرد (کربلای<sup>۵</sup>) کرد، نیست و نابود یا اسیر شدند، اما در مقابل، ارتش عراق توسعه کمی و کیفی پیدا کرد و در حال حاضر که دشمن نتوانسته است نیروهای مورد نیازش را بسیج کند باید عراقیان عزم خود را جزم کنند و آن را به حد اعلای خود برسانند؛ زیرا نبرد آینده به یاری خدا نبردی است که باید در آن نتایجی را که هشت سال برای آن نبرد کردیم، بچینیم.»<sup>(۱۴۵)</sup> وی در موقعیتی دیگر می‌گوید: «ما تعداد افرادمان را زیاد کرده‌ایم به طوری که نسبت به سال گذشته بیشتر هستند و این مقداری که زیاد کرده‌ایم از جهت کمیت و کیفیت برتری ویژه‌ای دارند.»<sup>(۱۴۶)</sup>

عراق از ابتدای جنگ و حتی قبل از جنگ هر سال به فراخوانی نیروها اقدام می‌کرد. در گذشته، این اقدام یک نوبت در سال انجام می‌شد ولی تدریجیًّا به سه نوبت افزایش یافت که در اواسط ماههای چهارم، هشتم و دوازدهم صورت می‌گرفت. در هر مرحله، در حدود صد هزار نفر از متولدین جدید خود را به حوزه‌های نظام وظیفه معرفی و در مجموع سیصد هزار نفر در پادگان‌های آموزشی حاضر می‌شدند.<sup>(۱۴۷)\*</sup>

اقدام عراق در رسانه‌ها نیز بارتاب داشت. فیگارو طی گزارشی نوشت: «عراق ده درصد از کل جمعیت، شامل بیست درصد مردان عراق را بسیج کرده است.»<sup>(۱۴۸)</sup> در حالی که ایران به دلیل کاهش فراخوانی نیرو به انجام دادن تهاجم معمول زمستانی خود قادر نیست.<sup>(۱۴۹)</sup> کردم من این اقدام عراق را استفاده از درس‌های جنگ برای تجدید سازمان.<sup>(۱۵۰)</sup> با گسترش تدریجی نیروها به صورت حرفة‌ای تفسیر کرد.<sup>(۱۵۱)</sup> موضوع مهم در گسترش سازمان ارتش عراق از سیزده لشکر در آغاز جنگ به پنجاه لشکر در سال ۱۳۶۶<sup>(۱۵۲)</sup>، افزایش نیروهای گارد جمهوری از شش تیپ به شانزده تا هفده تیپ مکانیزه با مجموع حدود ۲۵۰۰ نفر مجهز به

---

\* قابل توجه‌اینکه ارتش عراق در حالی سرباز جدیدی گرفت که سربازان قبلی را ترخیص نمی‌کرد، طوری که بسیاری از سربازان عراقی از ابتدای جنگ تا پایان آن بالاچار در یگان‌های رزم مشغول خدمت بودند.

تجهیزات زرهی از قبیل تانک‌های تی ۷۲ بود.<sup>(۱۵۳)</sup> عراق از این نیروها برای ضدحمله‌های موفقیت‌آمیز استفاده می‌کرد.<sup>(۱۵۴)</sup> تشکیل نیروهای نخبه گارد اهمیت داشت و صدام نیز در سخنرانی خود به آن اشاره کرد و گفت گارد ریاست جمهوری و ارتش توسعه یافتند. همچنین سطح آموزشی این دو، از سطح نیروهای "حصادالاکبر" (عملیات دروی بزرگ، اوایل سال ۱۳۶۶) بهتر شده است.<sup>(۱۵۵)</sup> عراق با توسعه نیروهای گارد از نیروی ضربتی برخوردار شد تا برای ضدحمله و تغییر در شیوه جنگی دفاع ثابت خود استفاده کند.<sup>(۱۵۶)</sup>

در مجموع، روند افزایش سازمان ارتش عراق به این صورت بود که در سال‌های ۱۳۶۰ دو لشکر، سال ۱۳۶۱ پنج لشکر، سال ۱۳۶۲ سه لشکر، سال ۱۳۶۳ نه لشکر، سال ۱۳۶۴ پنج لشکر، سال ۱۳۶۵ ده لشکر، و سال ۱۳۶۶ پنج لشکر تشکیل داد.<sup>(۱۵۷)</sup> در واقع در سال‌های ۱۳۶۳، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ عراق جمعاً سی لشکر و در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ جمعاً پنج سپاه جدید تشکیل داد که دو سپاه یکم و ویژه گارد از آن جمله است.

ارتش عراق تمرینات آموزشی گسترده‌ای را در طول سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶) انجام داد. برای آموزش‌های رزم مرکب عراق نیروهای خود را از خطوط مقدم عقب کشید.<sup>(۱۵۸)</sup> برخی افسران عراقی در رده گردان و گروهان برای آموزش زرهی به چکسلواکی اعزام شدند و یک رده بالاتر برای تیپ به روسیه اعزام شدند.<sup>(۱۵۹)</sup>

عراق همچنین برای افزایش قدرت جابه‌جایی نیروهای ایش تعداد تریلرهای تانک‌بر و کامیون را از هزار دستگاه به ۱۵۰۰ دستگاه افزایش داد و شبکه جاده‌ای وسیعی را ایجاد کرد.<sup>(۱۶۰)</sup> دشمن در منطقه جنوب از فرست استفاده کرد و بر استحکام رده‌های پدافندی افزود و سنگرهای جدیدی را احداث و سنگرهای قدیمی را ترمیم کرد.<sup>(۱۶۱)</sup>

تجهیزات نظامی عراق به نحو قابل توجهی افزایش یافت. عراق چهارصد<sup>(۱۶۲)</sup> تا پانصد<sup>(۱۶۳)</sup> فروند انواع هواپیمای پشتیبانی و تهاجمی داشت.\* تعداد تانک‌های عراق ۴۵۰۰ دستگاه بود.<sup>(۱۶۴)</sup> تعداد توپ‌های عراق نزدیک به ۲۸۰۰ عراده بود درحالی که ایران ۱۷۵۰ عراده توپ داشت.<sup>(۱۶۵)</sup>

در مجموع، عوامل تعیین کننده مانند حجم نیرو و یگان‌های رزمی، تعداد هواپیما و خودروهای زرهی و توپخانه و قدرت پشتیبانی و جایگزینی تجهیزات و نیروی انسانی نشان می‌داد تعادل قدرت نظامی به سود عراق تغییر کرده است.<sup>(۱۶۶)</sup> و حتی برخی تحلیلگران پیش‌بینی کردند عراق ممکن است سرانجام به صورت قدرت نظامی ترسناک خاورمیانه از این جنگ سربآورد.<sup>(۱۶۷)</sup>

عراقي‌ها نيز از برتری خود آگاه بودند و بر آن تأکيد می‌كردند؛ چنانکه صدام در مصاحبه با روزنامه کويتي السياسيه اعلام کرد: «عراق در تمام زمينه‌های سياسي و نظامي در حال حاضر قوي تر از ساليان گذشته است و امكانات نظامي آن حداقل از شش ماه قبل دو برابر شده است.»<sup>(۱۶۸)</sup> سعدون حمادي، سفير وقت عراق در سازمان ملل، نيز برای جنگ طولاني اعلام آمادگي کرد و گفت: «دلایلی در دست داريم که توانايی‌های نظامی ايران واقعاً به انتهای خود رسیده است.»<sup>(۱۶۹)</sup> مجموع اين وضعیت موجب شد تا کردمون بر این نکته تأکید کند که «عراق بتدریج میزانی از توان را که برای شکست دادن ایران نیاز داشت به دست آورده است.»<sup>(۱۷۰)</sup>

### اتخاذ روش تهاجمی

افزایش مداخله قدرت‌های بزرگ در جنگ و تصویب قطعنامه ۵۹۸ هر چند دامنه و حجم فشار بين‌المللی و سياسي - اقتصادي را به ايران افزایش داد ولی در پایان دادن به جنگ تأثیری نداشت. عراق با تکيه بر قدرت نظامي و برتری بر ايران برای تغيير روند جنگ تدریجاً استراتژي خود را از تدافعی به

\* برخی از منابع به رقم ششصد هواپیما اشاره کرده‌اند مانند *المجله*، چاپ انگلیس.

تهاجمی تغییر داد.<sup>\*</sup> مصباحی بر این نظر است که از زمستان سال ۱۳۶۶ با تکمیل سازماندهی مجدد ماشین جنگی عراق، صحنه برای تغییر سیاست نظامی عراق از "دفاع متحرک" به استراتژی "تهاجمی" آماده شده بود. این تغییر بنابر تحلیل الکساندر کولیکو، کارشناس برجسته سوری، به این دلیل انجام شد که دفاع متحرک عراق در برابر عملیات ایران در فاو کارایی خود را از دست داد. عراق برای تغییر استراتژی باید علاوه بر تغییر در شیوه فرماندهی در جنگ، توان نظامی خود را افزایش می‌داد.<sup>(۱۷۱)</sup>

کردزن من نیز درباره ضرورت تغییر در استراتژی عراق معتقد است: «عراق با این مشکل استراتژیک و تاکتیکی روبه‌رو بود که نیروهای زمینی آن نمی‌توانستند با میخکوب شدن در سر جای خود بسادگی در به شکست کشاندن ایران توفیقی به دست آورند.»<sup>(۱۷۲)</sup> صدام درباره این موضوع می‌گوید: «نیروهای عراق به همان روش سابق خود جنگ می‌کردند. مدت‌ها گذشت و هیچ پیشرفتی در جبهه‌ها حاصل نکردیم و تلفات ما در آن موقع بیش از حال حاضر بود. ولی ارتش عراق به همین روال باقی نماند و در سال‌های بعد توانایی خود را بیش از سال‌های گذشته دید و توانست خودش را از نظر روحی و ایمان تقویت و به نقش خویش اعتماد پیدا کند.»<sup>(۱۷۳)</sup> درباره اصلاح در سیستم فرماندهی صدام می‌گوید: «علت این خسارات‌های بزرگ این است که ما با ارتش خود می‌جنگیم و ارتش دارای قوانین و ضوابط خاصی است و یکی از این ضوابط منتظر زمان بودن است. بنابراین، هنگامی که در زمان خاصی فرمان نمی‌رسد اثر بدی بر نیروهای مسلح نظامی ما می‌گذارد.» وی اضافه می‌کند: «هنگامی که فرمان در نظام هرمی ارتش نمی‌رسد یا در لحظه مناسب با دقت نمی‌رسد قربانی‌های زیادی می‌دهیم.»<sup>(۱۷۴)</sup>

\* در مقاله "استراتژی جنگ ایران و عراق و درس‌های برگرفته از آن" نوشته شده است عراق پس از عقب‌نشینی به پشت مرزهای خود در سال ۱۹۸۲، نیازمند یک استراتژی بود و از سال ۱۹۸۴ استراتژی دفاع استتا را انتخاب کرد تا در مقابل حملات ایران بایستد ولی نداشتن اعتماد به فرماندهان مانع از تغییر استراتژی شد. تدریجاً وقتی فرماندهان عراقی اعتماد صدام را جلب کردند و شناخت بهتری از نیروهای خود یافتند حملات خود را آغاز کردند.

(ماهنشانه نگاه، شماره ۱۵ و ۱۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۸)

سرلشکر وفیق سامرایی نیز درباره وضعیت نظامی ارتش عراق و مشکلات آن در کتاب خود می‌نویسد: «ما ابتکار عمل را (در جبهه‌ها) از دست داده بودیم و منتظر می‌نشستیم تا ایرانی‌ها عملیات خود را انجام دهند و قربانی بدھیم. لازم بود که برنامه نظامی خود را از دفاع ساکن به حمله تغییر دهیم و حتی اندیشه دفاع فعال را نیز کنار بگذاریم.»<sup>(۱۷۵)</sup>

عراق تدریجیاً تغییراتی به وجود آورد و آمادگی لازم را برای جلوگیری از غافلگیری در منطقه جنوب<sup>(۱۷۶)</sup> و کنترل تحرکات نظامی ایران در خطوط درگیری کسب کرد و با عمق بخشیدن به خطوط پدافندی و ایجاد خطوط مواصلاتی برای تحرک بخشیدن به مانور و پشتیبانی از نیروهای رزمی،<sup>(۱۷۷)</sup> مانور تمرینی و آموزش از نوع دفاع و پاتک را انجام داد.<sup>(۱۷۸)</sup> عدنان خیرالله، وزیر وقت دفاع عراق، در سخنانی اعلام کرد: «عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین‌های خود خارج سازد و ایران بزودی جای پای به دست آمده در خاک عراق را از دست خواهد داد.»<sup>(۱۷۹)</sup> صدام نیز اعلام کرد: «در عملیات آینده ایرانیان را از آبهای بین‌المللی و آبهای خودمان بیرون می‌کنیم.»<sup>(۱۸۰)</sup>

در حالی که عراق تحرکات نظامی وسیعی را برای تغییر استراتژی خود از دفاع به حمله انجام می‌داد اسناد موجود در برآورد و تحلیل از حرکت‌های دشمن نشان می‌دهد امکان حمله دشمن همانند آنچه بعدها با بازپس‌گیری فاو آغاز شده بود پیش‌بینی نمی‌شد. در بررسی عملکرد دشمن در سورد مانورهای تمرینی و آموزشی برای دفاع و حمله به دو احتمال که شامل بالا بردن آمادگی رزمی یگان‌های موجود در منطقه جنوب و تکمیل آموزش‌های ناقص یگان‌ها در مناطق حساس بود، توجه شد.<sup>(۱۸۱)</sup>

شروع حملات موشکی عراق به تهران در اسفند ۱۳۶۶ و سپس واکنش به عملیات والفجر ۱۰ با بمباران شیمیایی منطقه حلچه، آغاز استراتژی تهاجمی عراق بود که با تهاجم به فاو و بازپس‌گیری آن ادامه یافت و گسترش پیدا کرد.

استفاده عراق از موشک در حمله به تهران کاملاً خافل‌گیر کننده بود<sup>\*</sup> و باعث شگفتی کارشناسان غرب شد<sup>(۱۸۲)</sup> و بیشتر در چارچوب ادامه جنگ شهرها و ابزار جدید ارزیابی شد، حال آنکه عراق در واکنش به سرانجام قطعنامه ۵۹۸ و اسکورت نفتکش‌ها به دنبال اجرای استراتژی جدیدی بود. به نظر می‌رسد عراق با حملات موشکی به تهران، به دنبال تضعیف روحیه مردم ایران و کاهش حمایت عمومی از جنگ<sup>(۱۸۳)</sup> و فشار سیاسی بر ایران بود.<sup>(۱۸۴)</sup> به گفته وفیق سامرایی، عراقی‌ها حتی طرح حمله شیمیایی به شهر تهران را تهیه کرده بودند که برخی ملاحظات از جمله گسترش عمودی بناهای شهر و مهم‌تر از آن بروز تحول در وضعیت نظامی جنگ به نفع عراق، مانع از اجرای آن شد. در اوج موشک‌باران تهران رفتار شوروی‌ها قابل توجه بود. آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران، می‌گوید: «به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم چرا به عراقی‌ها موشک می‌دهید. گفت شما دست از حمایت مجاهدان افغانی بردارید،<sup>\*\*</sup> تا ما هم موشک ندهیم، معامله خوبی نیست؟»<sup>(۱۸۵)</sup> علاوه بر این، در همین ایام لبیبایی‌ها که موشک‌های ایران را علیه هوایپیماهای عراقی شلیک می‌کردند از شلیک موشک امتناع کردند<sup>\*\*\*</sup> و به نظر می‌رسید این اقدام با روس‌ها هماهنگ شده بود.

حملات شیمیایی عراق به حلبچه نیز به لحاظ اهداف و روش آن بسیار اهمیت داشت. استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی اساساً با هدف ایجاد

\* دکتر حسین دهقان، جانشین پیشین وزیر دفاع، می‌گوید: در جلسه با دکتر روحانی به ایشان گفتم عراق موشک دارد ولی نمی‌پدیرفتند. با شلیک اولین موشک به تهران تصور می‌شد هولیپیما آمده و فرمانده وقت نیروی هوایی می‌گفت: با هاواییما تا قم می‌آیند و سپس موشک به تهران شلیک می‌کنند. سرانجام یک موشک منفجر نشده را که اسکاد بود و روس‌ها اصلاح کرده بودند نشان دادیم.

\*\* کیانوری، دبیر کل حزب توده، در گفت‌وگو با روزنامه جمهوری اسلامی در تأیید این خبر می‌گوید: «روس‌ها - از طریق وزیر خارجه شوروی - صریحاً به آقای ولایتی می‌گویند شما به محض اینکه حمایت از افغان‌ها را قطع کنید، ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می‌کنیم.» (۱۳۷۱/۱۱/۶)

\*\*\* بنابر توضیح آقای حسین دهقان به دلیل پیش‌بینی قبلی، آمادگی لازم ایجاد شده بود و لذا پس از امتناع لبیبایی‌ها از شلیک و اخلاق در سیستم موشکی، دو روز بعد اولین موشک آماده شلیک شد. (گفت و گوی اختصاصی ۱۳۸۲/۶/۲۹)

وحشت در نیروهای ایران طراحی شده بود.<sup>(۱۸۶)</sup> اما جنایت حلبچه را بنابر توضیح و فیق سامرا یی پنجاه هواپیمای جنگنده عراق با دستور مستقیم صدام اجرا کردنده و هر یک از هواپیماها چهار بمب شیمیایی حمل می کردند<sup>(۱۸۷)</sup> که حاوی گاز وی ایکس (V.X) بود\* و هدف آن مقابله با استراتژی جدید ایران برای پیش روی در عمق خاک عراق، در منطقه شمال غرب با همکاری اکراد معارض بود.

#### باز پس گیری مناطق تصرف شده\*\*

عراق در حالی که با حملات موشکی به تهران و سایر شهرها و شایعه استفاده از بمب شیمیایی وضعیت روحی - روانی مردم را تا اندازه ای تحت تأثیر قرار داده بود و با بمباران حلبچه علاوه بر مقابله با استراتژی جدید ایران در منطقه شمال غرب، مجدداً توجه جهانی را بر جنگ ایران و عراق متمرکز کرد، نیروهای نظامی خود را برای باز پس گیری مناطق تصرف شده آماده کرد.

تغییر استراتژی عراق از تدافعی به تهاجمی و آغاز حمله به مواضع و استحکامات دفاعی ایران با خطر و هزینه بزرگی همراه بود؛ زیرا در صورت شکست، علاوه بر اینکه بخشی از قوای نظامی عراق منهدم می شد، از نظر روحی و روانی وضعیت دشواری برای ارتش عراق ایجاد می شد و در صورت تهاجم ایران به سد دربندیخان یا تهدید بصره،<sup>(۱۸۸)</sup> احتمال شکست عراق وجود داشت. عراق به تجربه شکست در استراتژی دفاع متحرک پس از عملیات فاو در سال ۱۳۶۵ و پیامدهای سیاسی - نظامی و روانی آن توجه کرده بود.

هدف عملیاتی عراق آزادسازی فاو بود؛ زیرا آثار بسیار جدی و اساسی بر موازنۀ نظامی داشت.<sup>(۱۸۹)</sup> به همین دلیل، عراق برای اطمینان از اهداف عملیاتی ایران و تمرکز قوای نظامی این کشور در منطقه شمال غرب

\* گاز وی ایکس پس از استنشاق بالا فاصله موجب مرگ می شود.  
\*\* برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب پایان جنگ.

اطلاعاتی از سرویس‌های اطلاعاتی سیا به دست آورد\* مبنی بر اینکه ایران بخشی از تپخانه خود را از منطقه شرق اروند عقب کشیده است.<sup>(۱۹۰)</sup> صدام در اوخر اسفند ۱۳۶۶ از منطقه سپاه اول عراق بازدید کرد<sup>(۱۹۱)</sup> تا از تمرکز قوای ایران در منطقه شمال‌غرب اطمینان حاصل کند.

عراق براساس اطلاعاتی که کسب کرده بود نه تنها در برابر عملیات والجر ۱۰ واکنش نظامی نشان نداد، حتی اعلام کرد برای اولین بار در تاریخ ما می‌خواهیم ایرانی‌ها حمله کنند.<sup>(۱۹۲)</sup> این موضوع از این جهت اهمیت داشت که ایران با انجام آن در واقع عملیات سالانه‌اش را اجرا می‌کرد و نیروها پس از انجام دادن این عملیات به شهرهای خود مراجعت می‌کردند و سازماندهی نظامی ایران بر هم می‌خورد و آمادگی آنها برای واکنش در برابر تهاجم ارتش عراق کم می‌شد.

برخی شواهد و قرائن نشان می‌دهد علاوه بر همکاری اطلاعاتی و عملیاتی امریکا\*\* با عراق برای بازپس‌گیری فاو، عملیات نظامی امریکا در خلیج‌فارس نیز بخشی از تلاشی مشترک برای بر هم زدن تمرکز ایران بود. کردمان درباره این موضوع در کتاب خود می‌نویسد: «در چهارده آوریل (۲۵ فروردین ۱۳۶۶) گروه طراحی امنیت ملی (NSPG) در کاخ‌سفید تشکیل جلسه‌داد و به راههای گوناگون توجه کرد. در نهایت تصمیم گرفته شد به سه سکوی نفتی ایران که نیروی دریایی سپاه پاسداران از آن استفاده می‌کرد، حمله شود. گروه

\* تدکابل تهیه کننده برنامه جنگ مخفی امریکا علیه ایران در شبکه تلویزیونی ای‌بی‌سی امریکا می‌گوید: «اطلاعات جاسوسی امریکا به افسران ستاد ارتش عراق این امکان را داد که به طور موفقیت‌آمیز نقشه بازپس‌گیری شبه جزیره حیاتی فاو را طراحی و اجرا کنند. این اطلاعات را افسر اطلاعاتی ارشد امریکا، که اکنون بازنشسته شده، داده است.» (ترجمه خ. ج. ۱۳۸۱/۴/۱۸، ص ۱۶)

\*\* روزنامه لوس‌آنجلس تایمز، چاپ امریکا، به نقل از یک متخصص خاورمیانه در انسیتیوی بنیاد کارنگی می‌نویسد: «کابینه ریگان در زمینه تعیین استراتژی برای بازپس‌گیری جزیره فاو برای مدت بیش از یک سال را رژیم عراق همکاری داشت. مقامات نظامی امریکا در این مدت با عراق و احدهای برگزیده نظامی صدام همکاری گسترشده‌ای داشتند. کمک‌های امریکا به عراق که مکمل کمک‌های دریافتی این کشور از مصر، اردن و فرانسه بود شامل ارائه تاکتیک‌های نظامی برای بازپس‌گیری فاو و ماقتسازی این شبه جزیره برای نشان دادن محل استقرار نیروهای ایرانی نیز بود.» (ما/اعتراف می‌کنیم، ص ۶۰)

طرح ریزی امنیت ملی این راهکار را به این دلیل انتخاب کرده بود تا از هرگونه حمله به اهداف زمینی در ایران خودداری کند. ریگان پیش‌نویس طرح‌های عملیاتی را در همان روز و سپس طرح حمله پیشنهادی را طی نشستی در ساعت ۸:۳۰ بعدازظهر هفده آوریل (۲۸ فروردین) تصویب کرد.<sup>(۱۹۳)</sup>

قبل از حمله امریکا به سه سکوی نفتی ایران، که همزمان با حمله عراق به فاو صورت گرفت، به گفتهٔ وفیق سامرایی یکی از وابستگان نظامی امریکا در بغداد برای گفت‌و‌گو نزد وی می‌آید و اطلاعاتی را درباره خطوط تماس نیروهای ایران و عراق در منطقهٔ فاو درخواست می‌کند. به گفتهٔ سامرایی عراقی‌ها به این نتیجه رسیدند که امریکا قصد دارد در این منطقه ضربه مهلكی به نیروهای ایران بزند.<sup>(۱۹۴)</sup>

عراق منطقهٔ فاو را در فاصلهٔ ۳۶ ساعت و با استفاده از اطلاعات امریکا<sup>\*</sup> و غافلگیری ایران بهدلیل تمرکز نیروها در منطقهٔ شمال‌غرب و با استفاده از گاز وی‌ایکس<sup>(۱۹۵)</sup> بازپس‌گرفت.<sup>\*\*</sup> ایران در تهاجم عراق به فاو علاوه بر غافلگیری اطلاعاتی و تاکتیکی در مورد تغییر استراتژی عراق نیز غافلگیر شده بود. ضمن اینکه عقب‌ماندگی در سطح استراتژیک و تغییر تعادل نظامی به سود عراق نیز مهار تهاجمات را برای ایران دشوار کرده بود.

صدام در پی بازپس‌گیری فاو، دربارهٔ وضعیت کلی جنگ و موقعیت ایران و عراق گفت: «قدرت عراق پس از گذشت هشت سال جنگ به مراتب از روزهای نخست جنگ بیشتر شده و نظم و هماهنگی نیروها در جبهه‌های جنگ از سال‌های اول و دوم و سوم جنگ بهتر شده است، در حالی که در نزد ایرانیان این حالت بر عکس بوده است. ایرانیان در مقایسه با سال‌های نخست جنگ ضعیفتر شدند. بنابراین، ما مطمئن هستیم که در آینده زمان به نفع

\* آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت، بعدها درباره سقوط فاو گفت: «من وقتی قضیه فاو اتفاق افتاد؛ یعنی آنها فاو را گرفتند، شکل کار به بنده نشان می‌داد که این کار عراق و کمک کارهای عمومولی اش نیست ...» (۱۳۷۲/۶/۲۹)

\*\* خدیر حمزه عتقد است: اگر عراق از گاز وی‌ایکس برای آلوده کردن خطوط تدارکاتی ایران استفاده نمی‌کرد، قادر به تصرف فاو نبود.

عراق خواهد بود، چون وضعیت چند ساله اخیر این را ثابت می‌کند.»<sup>(۱۹۶)</sup> وی همچنین معتقد بود نقش ابرقدرت‌ها<sup>\*</sup> به عنوان عامل مهم در جهت تسريع در خاتمه جنگ یا طولانی کردن آن مؤثر بوده است.<sup>(۱۹۷)</sup>

عراق پس از فاو مناطق شلمچه و جزایر مجنون را نیز بازپس‌گرفت. لطیف جاسم، وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق، در جلسه با نمایندگان رسانه‌های خارجی گفت: «نیروهای ما توانستند فاو را در ۳۵ ساعت آزاد کنند، نیروهای شلمچه ۸ ساعت، همچنین آزادسازی جزایر مجنون و هور هویزه ۸ ساعت به درازا کشید.»<sup>(۱۹۸)</sup> حرکت سریع و استراتژیک<sup>(۱۹۹)</sup> عراق در برخی رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشت. تایمز مالی، چاپ انگلیس، نوشت: «برتری نسبی ایران به خاطر روحیه قوی آنها در ادامه جنگ بود و اکنون با از دست دادن آن، توازن جنگ تغییر کرده است. ایرانی‌ها نه می‌توانند بر اساس شرایط محدود خود به جنگ ادامه دهند و نه به دستیابی به راه حلی بر اساس حداقل شروط خود من جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسين، امید دارند.»<sup>(۲۰۰)</sup> رادیو لندن نیز طی تحلیلی گفت: «عراق مدتی است از توانایی سازمان ملل دایر بر تحمیل صلح به ایران ناامید شده است و اخیراً فقط بر توان نظامی خود تأکید می‌کند تا ایران را تعقیب کند و در جنگ پیروز شود.»<sup>(۲۰۱)</sup>

ارزیابی عراقی‌ها از ماهیت تغییرات و پیامدهای آن قابل توجه بود؛ زیرا این برداشت‌ها در تصمیم و رفتار عراقی‌ها پس از اینکه ایران قطعنامه ۵۹۸ پذیرفت تأثیر بسزایی داشت. صدام معتقد بود آنچه در صحنه نظامی جنگ حاصل شده است تنها به معنای پیروزی نظامی نیست<sup>(۲۰۲)</sup> بلکه حاصل رویارویی دو تفکر مختلف است و بزرگ‌ترین دستاورد آن شکست کامل بنیان

\* صدام امریکا را متهم کرد از طریق ماهواره‌هایش درباره تدارکات عراق برای انجام تهاجم در جزایر مجنون اطلاعاتی به دست آورد و در اختیار ایران قرار داده است؛ زیرا ایرانی‌ها منتظر عراقی‌ها بودند. (نشریه خ.ج.ا. ش ۱۰۶، ۴/۹، ص ۱۳۶۷) درواقع، عراق به این موضوع اشاره می‌کند که نقش ابرقدرت‌ها در روند جنگ می‌تواند برای مقابله با وضعیت عراق یا ادامه فشار به ایران مؤثر باشد.

ایدئولوژیکی رژیم ایران است.<sup>(۲۰۳)</sup> ایران در میدان رویارویی پایگاه فکری خود را در برابر پایگاه فکری عراقی‌ها از دست داد و در جنگ شکست خورد.<sup>(۲۰۴)</sup> به همین دلیل صدام معتقد بود شکست‌هایی که حاصل شده، شکست در نبرد نیست تا آنها را اصلاح کنند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است.<sup>(۲۰۵)</sup> شکست فنی یا بی‌نظمی در اداره یا نقص عملیاتی یا تدارکاتی و فنی نیست که اصلاح‌پذیر باشد.<sup>(۲۰۶)</sup>

برخی از رسانه‌ها این موضوع را مطرح کردند که جنگ برندۀ نظامی دارد و عراق در جنگ پیروز شده است و ایران نمی‌تواند هیچ برنامۀ فوری برای مقابله نظامی با عراق تدارک ببیند.<sup>(۲۰۷)</sup> روزنامۀ کویتی *الانباء* نوشت: «شمارش معکوس برای خاتمه دادن به جنگ و رژیم ایران آغاز شد و پایان این دو نزدیک شده است یا چه بسا قریب الوقوع است.»<sup>(۲۰۸)</sup> روزنامۀ *الشوره*، چاپ عراق، نیز نوشت: «پیروزی‌های چشمگیر نیروهای عراق نه تنها به خاتمه سریع جنگ بلکه حتی به خاتمه عمر رژیم ایران منجر می‌شود. ایران جنگ را به طور کلی باخته است و دیگر قادر نیست در برابر هرگونه تهاجم عراق ایستادگی نماید و سرنوشت هر نبرد نظامی آینده میان ایران و عراق قطعاً به نفع عراق قدرتمند و پیروز پایان خواهد یافت.»<sup>(۲۰۹)</sup> صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی ضمن اظهار امیدواری به اینکه هشتاد و سال جنگ، آخرین سال آن باشد گفت که حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده و عراق از جنگ طلبی حکام ایران بیم ندارد. وی ایران را تهدید کرد و گفت: «حکام ایران باید این خصوصیت را ادراک کنند که عراقی‌ها می‌توانند دشمن را در داخل خاکش در جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین‌های ملی در هم بکوبند.»<sup>(۲۱۰)</sup>

موضوع مهم این است که گرچه منافقین (سازمان مجاهدین خلق) پس از اینکه ایران قطعنامۀ ۵۹۸ را پذیرفت در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۶۷ به خاک ایران حمله کردند ولی صدام با تحلیل وضعیت نظامی ایران و تهدید به پیشروی در خاک ایران در تاریخ هشتم تیرماه می‌گوید: «مدتی دیگر می‌بینید که

مجاهدین خلق به عمق بیشتری در دل ایران نفوذ می‌کنند.»<sup>(۲۱۱)</sup> برهمین اساس، بلاfacilه پس از اینکه ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت به گفتهٔ وفیق سامرایی، سرلشکر فاضل البراک تکریتی، مدیر سروپس‌های اطلاعاتی، و سپهبد ستاد صابرالدوری و مسعود رجوی، رئیس سازمان، برای بحث و بررسی درباره چگونگی پیشروی سریع و عمیق نیروهای این سازمان از خانقین به سمت تهران، برای در دست گرفتن قدرت در این کشور با پشتیبانی محدود نیروهای مسلح عراقی، در کاخ ریاست جمهوری تشکیل جلسه دادند. در حضور شخص صدام درباره ابعاد این عملیات و پیامدهای احتمالی آن بحث و تبادل نظر طولانی شد. البراک به اجرای این عملیات مایل نبود. مسعود رجوی به صدام گفت: «مطمئن باشید که سازمان من ظرف چند ساعت وارد تهران در دویست و پنجاه کیلومتری مرز خواهد شد!» صدام سرانجام با اجرای این عملیات موافقت کرد.<sup>(۲۱۲)</sup> و گفت: «شاید این فرصتی طلایی برای نابودسازی رژیم فعلی (ایران) باشد!»<sup>(۲۱۳)</sup>

### برقراری آتش‌بس

در برابر حملات ارتش عراق مواضع و استحکامات دفاعی ایران در داخل خاک عراق فروپاشید و معادلات سیاسی - نظامی صحنهٔ جنگ را تغییر داد.\* پیروزی‌های نظامی عراق در ماه‌های پایان جنگ فرسایش توان نظامی ایران و متقابلاً افزایش توان نظامی عراق را بیان می‌کرد. سقوط فاو روند جنگ و موازنۀ موجود را به سود عراق تغییر داد.

مناطق تصرف شده برگ برنده ایران برای اعمال فشار به عراق و حامیانش برای تأمین خواسته‌های خود مبنی بر تعیین متجاوز و پرداخت غرامت بود.

\* جمز بیل درباره بازتاب شکست‌های ایران می‌گوید: «اگرچه ضدحمله‌های عراق در سال ۱۹۸۸ به پس گرفتن برخی از مناطق منجر شد که قبلاً از دست داده بود، لیکن قابل تصویر نبود که ایران در جنگ شکست بخورد. علی‌رغم حملات عظیم و بی‌سابقه موشکی و هوایی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی و استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در بهار ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) این ایران بود، و نه عراق، که کلید پایان جنگ طولانی و تلح را در دست داشت.» (بازشناسی جبهه‌های تجاوز و دفاع، ج. دوم ص ۴۱۵)

از دست دادن این مناطق و روحیه تهاجمی ارتش عراق نمودار وضعیت جدیدی بود که به تصمیم‌گیری نیاز داشت؛ زیرا به گفته دیپلمات‌ها و تحلیلگران، ایران دو راه بیشتر در پیش رو نداشت؛ یکی ادامه جنگی که دیگر نمی‌توانست برنده آن باشد و دیگر، حفظ انقلاب اسلامی در وضعیتی که تزلزل سیاسی روزافزون موجودیت آن را به خطر انداخته است.<sup>(۲۱۴)</sup>

حرکت در میدان نظامی متکی بر پیروزی به پایان رسیده بود و ایران که پیش از این در مذاکره درباره قطعنامه ۵۹۸ موضع برتر نظامی داشت، بر اثر تحولات نظامی با محدودیت‌های جدید روبه‌رو شد که باید میان شکست و مخاطره موجودیت سیاسی یا آتش‌بس و مذاکره یکی را برمی‌گزید. آقای هاشمی درباره این شرایط و پذیرش این موضوع که باید به جنگ خاتمه داده می‌شد می‌گوید: «تحولات میدان جنگ، از جمله بمباران شیمیایی حلبچه به این منجر شد که نیروهای نظامی ما بفهمند در این مورد دیگر نمی‌توانند بجتنگند. من به قرارگاه رفتم و آقای رضایی که فرمانده سپاه بود، لیستی تهیه کرده بود و گفت: اگر بخواهیم جنگ را ادامه بدهیم با توجه به ضعیف شدن تدارکات باید اقلام این لیست را به ما بدهید آن لیست اکنون موجود است، خیلی مفصل بود (گفته شد) سه سال هم وقت برای بازسازی نیروها نیاز است که بتوان علاوه بر عملیات نظامی، دست به عملیات تهاجمی زد.»<sup>(۲۱۵)</sup>

تصمیم‌گیری در پاسخ به وضعیت جدید ضرورت یافت. حدود چهل نفر از مسئولان سیاسی و نظامی کشور، که طبق نظر امام انتخاب شده بودند، اجتماع کردند و در جلسه مهمی، که از هشت صبح تا پاسی از شب ادامه پیدا کرد،<sup>\*</sup> بحث بسیار مفصلی را درباره وضعیت نظامی و اقتصادی کشور انجام دادند و در نهایت، خدمت امام پیشنهاد دادند که قطعنامه ۵۹۸ پذیرفته شود.<sup>(۲۱۶)</sup> پس از این جلسه مسئولان خدمت امام رسیدند و گزارش

---

\* سردار غلامعلی رشید از کسانی بود که در جلسه حضور داشت. وی معتقد است این جلسه پس از موافقت امام با پذیرش قطعنامه و با هدف توجیه مسئولان کشور و روش اعلام این موضوع و کنترل اوضاع تشکیل شد.

جلسه را تقدیم کردند. آقای هاشمی در این زمینه می‌گوید: «در آن جلسه ما به این نتیجه رسیدیم که باید آتشبس را بپذیریم و به صورت دسته جمعی پیش امام رفتیم. خدمت امام که رسیدیم موضوع پذیرش آتشبس را مطرح کردیم. امام هم قبلًا نامه آقای محسن رضایی و نامه دولت را دیده بود.\* ایشان هم آمادگی داشتند لذا پیشنهاد ما را تأیید کردند.»<sup>(۲۱۷)</sup> آقای هاشمی درباره گفت و گو با امام و در ضرورت برقراری آتشبس و استدلال آن می‌گوید: بحث و گفت و گو کردیم که اولاً امریکا نمی‌گذارد ما بر عراق پیروز شویم؛ ثانیاً اگر جنگ ادامه یابد پیشرفتی نخواهیم داشت و فقط کشته‌های دو طرف افزایش می‌یابد. دیگر نمی‌توانیم مثل گذشته به عملیات خود ادامه بدهیم. امام گفتند با این مستندات و آثار، چاره‌ای جز پذیرش آتشبس نداریم.<sup>(۲۱۸)</sup> نیمه شب تصمیم ایران برای پذیرش قطعنامه به سازمان ملل اعلام شد<sup>(۲۱۹)</sup> و دبیر کل سازمان ملل بر این موضوع صحه گذاشت که ایران قطعنامه ۵۹۸ را بدون قید و شرط<sup>\*\*</sup> پذیرفته است.<sup>(۲۲۰)</sup>

پس از تصمیم به برقراری آتشبس با پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸، درباره روش اعلام این تصمیم به مردم بحث شد؛ زیرا به نظر می‌رسید اهداف و شعارها در هشت سال جنگ انتظارات و توقعاتی را در جامعه به وجود آورده است که خاتمه جنگ با این شیوه موجب واکنش خواهد شد و پیش‌بینی می‌شد ممکن است موجب تفرقه شود.<sup>(۲۲۱)</sup> چنانکه در جلسه تصمیم‌گیری سران برخی از مسئولان پرسشی مطرح کردند بر این اساس که باید بینیم بعد از فتح خرمشهر چه مسیری را در پیش گرفتیم که به این ذلت منجر شد؟\*\*\* به دلیل پیامد این گونه واکنش‌ها آقا سید احمد اجازه نداد بحث شود.<sup>(۲۲۲)</sup>

\* آقای هاشمی می‌گوید مشکل ما از اینجا شروع شد که دولت به امام نامه نوشت و رسمًا اعلام کرد که ما دیگر نمی‌توانیم هزینه جنگ را بدهیم.

\*\* آقای هاشمی در کفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع به توافقی اشاره کرد که البته بعدها با اعلام

صدام به عنوان متجاوز اجرا شد. ایشان می‌گوید: قبول قطعنامه به خاطر این بود که به ما قول تعیین متجاوز را دادند و اعلام کردند در این خصوص جدی هستند.

(روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۵/۲۰، پایان نامه محسن غلامی، ص۲-۱۶۳)

\*\*\* امام در پیام خود درباره پرسش‌های موجود در مورد جنگ نوشتند: در این روزها ممکن است

آقای هاشمی درباره روش اعلام برقراری آتش بس می گوید: «من به امام پیشنهاد کردم این موضوع را به عنوان فرمانده جنگ مطرح کنیم: امام فرمودند که من می گویم: ما گفتیم که شما در جنگ مسئولیتی نداشتید فقط سیاست جنگ را می گفتید جنگ را ما مدیریت می کردیم.»<sup>(۲۳)</sup> امام این موضوع را نپذیرفتند و نظر به ملاحظاتی که وجود داشت با صدور پیامی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اعلام کردند. امام در پیام خود بر این موضوع تأکید کردند که «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوzi و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم.»<sup>(۲۴)</sup> امام همچنین اشاره کردند: «البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می رسیدیم.»<sup>(۲۵)</sup> و «من باز می گوییم که قبول این مسئله برای من از زهر کشندتر است ولی راضی به رضای خدایم و برای رضای او این جرעה را نوشیدم.»<sup>(۲۶)</sup> بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق متعاقب تحولات سیاسی - نظامی پس از اعلام ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سرانجام در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به پایان رسید و آتش بس برقرار شد.

#### نتیجه گیری فصل چهارم

گسترش دامنه جنگ، با تشدید درگیری در منطقه خلیج فارس و تداوم عملیات ایران پس از فتح فاو و ناکامی عراق در آنچه به نام دفاع متحرک

بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و نایابدها کنند که هر چند این مسئله به خود ارزشی بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.  
(۲۹) ۱۳۶۷/۴/۲۹، صفحه نور، ج. ۲۰، ص ۲۴۰

برای بازپس‌گیری فاو و سایر مناطق انجام داد، تدریجاً اراده بین‌المللی را برای پایان دادن به جنگ تقویت کرد.

پیامد چنین تحولی در درجه نخست افزایش فشار بر ایران بود که در عرصه سیاسی - بین‌المللی با تصویب قطعنامه ۵۹۸ و در عرصه نظامی با حضور گسترده نیروهای نظامی امریکا در خلیج‌فارس و اسکورت نفتکش‌های کویت آشکار شد.

استراتژی ایران در برابر تحولات جدید دوگانه بود؛ بدین معنا که در برابر قطعنامه ۵۹۸، ایران از تغییرات جدید و تفاوت این قطعنامه با سایر قطعنامه‌ها، استقبال کرد و لذا آن را کاملاً رد نکرد و برای اجرای قطعنامه از طریق همکاری با دیگر کل و جابه‌جایی در بندهای قطعنامه تلاش کرد.

ایران در برابر حضور امریکا در خلیج‌فارس، بهدلیل نگرانی از اهداف و نیات امریکا و پیامدهای اسکورت نفتکش‌ها در حمایت از عراق، استراتژی مقابله را برگزید و همین امر درگیری محدود ایران و امریکا و تمرکز بخشی از توان ایران را برای مقابله با امریکا موجب شد.

ایران برای ادامه جنگ، بهدلیل بن‌بست در منطقه جنوب، گسترش جنگ را در منطقه شمال‌غرب برای گشايش جبهه جدید و همکاری با معارضان گرد عراقی مورد توجه قرار داد. تحقق اهداف ایران در منطقه شمال‌غرب، به این کشور فرصت می‌داد تا مجدداً جنگ را در منطقه جنوب در فرصت مناسب و با غافلگیری دنبال کند.

عراقی‌ها روند جنگ را بهدلیل بن‌بست عملیاتی ایران در منطقه جنوب، صدور قطعنامه ۵۹۸ و حضور امریکا در خلیج‌فارس و تشدید درگیری میان ایران و امریکا، به سود خود ارزیابی می‌کردند. فرصت تمرکز توان سیاسی - نظامی ایران برای درگیری با امریکا در خلیج‌فارس و ناتوانی از اجرای عملیات در منطقه جنوب، موقعیت را برای تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند فراهم ساخت.

عراق تدریجاً با انباشت تجهیزات روبرو شده بود و لذا برای شکستن بن‌بست جنگ با کمک مستشاری روس‌ها استراتژی خود را تغییر داد. پس از

اجرای عملیات سالانه ایران فرصت و زمان لازم برای تحقق استراتژی جدید عراق فراهم شد، تا عراقی‌ها نسبت به منطقه مورد نظر ایران و تخلیه توان ایران اطمینان حاصل نمایند. آغاز حملات موشکی عراق به شهرها و بویژه تهران از نظر روانی نگرانی گستردگی در ایران ایجاد کرد.

پس از اجرای عملیات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه، عراقی‌ها با اطمینان از اجرای عملیات سالانه ایران، حمله به فاو را - که از مدت‌ها قبل طراحی شده بود - با کمک اطلاعات امریکا و همزمان با حمله امریکا به سکوهای نفتی ایران، آغاز کردند. سقوط فاو موازنۀ روحی - روانی را، که عراق مدت‌ها به دنبال آن بود، به نفع این کشور تغییر داد و همین امر منشأ ادامه حملات عراق به سایر مناطق و بازپس‌گیری آن بود.

بدین ترتیب، عراق پس از بازپس‌گیری مناطق خود و تهدید مجدد خاک ایران، موقعیتی را به وجود آورد که ایران جز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ گزینه دیگری نداشت. ضمن اینکه حمله ناو امریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس و تهدید عراق به استفاده از سلاح شیمیایی برای حمله به شهرهای ایران و تهران و سایر ملاحظات در اتخاذ این تصمیم نقش اساسی داشت.

پذیرش قطعنامه از جانب ایران و متقابلاً حملات منافقین و ارتش عراق از منطقه غرب و جنوب، اوضاع بین‌المللی و داخلی ایران را به زیان عراق تغییر داد و همین امر، منشأ فشار بین‌المللی به عراق و بسیج نیرو به جبهه‌ها بود. برآیند تحولات اخیر و شکست منافقین و عراق سبب شد تا عراق نیز موافقت خود را با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و در نتیجه برقراری آتش‌بس اعلام کند.

## منابع و مأخذ فصل چهارم

- ۱۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۵/۹/۲۷، ص. ۱۶
- ۱۴- مرتضی منطقی، نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص. ۳۹۳ و ۳۹۴، به نقل از واشنگتن پست، ۱۳۶۵/۸/۵
- ۱۵- محسن صفری، ما اعتراف می‌کنیم، حوزه هنری، ۱۳۷۰، ص. ۵۸، رادیو امریکا، ۱۳۶۹/۵/۱۵
- ۱۶- دیرخانه موقع تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، براساس سخنرانی‌های صدام در روزنامه یومیه الشوره، چاپ عراق، ص. ۸۷، سخنرانی صدام در مراسم اعطای مдал به فرماندهان در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۲۱
- ۱۷- مأخذ، ۱۴، ص. ۲۴۸ و ۲۴۹.
- ۱۸- مأخذ، ۱۶، ص. ۲۳۱، سخنرانی صدام در دبیرستان الکندي بغداد، ۱۳۶۶/۱۰/۳
- ۱۹- مأخذ، ۱۶، ص. ۱۱۱.
- ۲۰- مأخذ، ۱۶، ص. ۲۲۸، سخنرانی در مدرسه الکندي.
- ۲۱- مأخذ، ۱۶، ص. ۲۵۶/۱۵، ۱۳۶۶/۷/۱۵
- ۲۲- مأخذ، ۱۶، ص. ۲۵۶/۲/۳، ۱۳۶۶/۷/۱۵
- ۲۳- مأخذ، ۱۶، ص. ۱۴۳، ۱۳۶۶/۷/۱۵
- ۲۴- دیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، پارشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص. ۲۳۳، محی الدین مصباحی.
- ۲۵- محمدحسین جمشیدی، محمود یزدانفام، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب، ۴۷، آخرین تلاش‌ها در جنوب، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص. ۲۷.
- ۲۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۶۵/۱۰، ۱۳۶۶/۶/۱۰، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۶/۹
- ۱- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران، ویژه‌نامه "بررسی جنگ" (بحran خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص. ۱۷۱، رالف کینگ، جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶.
- ۲- همان، ص. ۱۵۷ و ۱۷۳ و ۱۷۴.
- ۳- افرایم کارشن، جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفی پی‌پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص. ۷۴.
- ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۸۸/۷/۲، ۱۳۶۶/۷/۲، رادیو ای‌سی، ۱۳۶۶/۷/۱، ص. ۳۹ و ۴۰.
- ۵- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گریده مطبوعات جهان"، نیمه دوم دی ۱۳۶۳، ص. ۳۳، مجله المستقبل، چاپ فرانسه، ۷ دسامبر ۱۹۸۵.
- ۶- همان.
- ۷- آنتونی کردزمون و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص. ۲۷۰.
- ۸- مأخذ، ۱۴، ص. ۱۴، المجله چاپ انگلستان، آوریل ۱۹۸۵، آینده جنگ، به قلم تحلیلگر نظامی المجله.
- ۹- محی الدین مصباحی، اتحاد جماهیر شوروی سابق و جنگ ایران و عراق از بیزنس تا گوریاچف، فصل هشتم، ترجمه قرارگاه نصر، ص. ۱۴.
- ۱۰- روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۳، ص. ۷، شهرام چوبین، صلح پس از جنگ، قسمت دوم، ترجمه جعفر خیرخواهان.
- ۱۱- مأخذ، ۱۲- رادیو لندن، ۱۳۶۷/۱/۱۲

- ۴۹- مأخذ، ۷، ص. ۳۳۲.  
 ۵۰- مأخذ، ۷، ص. ۲۳۵.  
 ۵۱- آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۱-۱۹۹۰) و حقوق جنگ دریابی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۷.  
 ۵۲- همان، ص. ۱۲۷ و ۱۲۸.  
 ۵۳- مأخذ، ۷، ص. ۳۸۲ و ۳۸۳.  
 ۵۴- محسن غلامی، "فشارهای داخلی و بین‌المللی اقتصادی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت"، پایان نامه کارشناسی علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۴، ص. ۱۱۷ و ۱۱۸.  
 ۵۵- همان، ص. ۱۳۲ و ۱۳۳، نقل از پی‌بر زیان، داستان اوپک، ترجمه عبدالراض غفرانی، فراندیش، ص. ۴۴۳ و ۴۴۴.  
 ۵۶- مأخذ، ۷، ص. ۶۲۵ و ۶۲۶.  
 ۵۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۹۱۰، ۱۳۶۶/۷/۵، ص. ۳۹ و ۴۰، تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۴.  
 ۵۸- فصلنامه "بررسی‌های نظامی"، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱، ص. ۱۲۹، شهرام چوبین، مقاله ایران و جنگ از تئگنا تا آتش‌بس.  
 ۵۹- همان.  
 ۶۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۰۵، ۱۳۶۶/۷/۱۹، ص. ۱۳ و ۱۴، رادیو امریکا، ۱۳۶۶/۷/۱۷.  
 ۶۱- مأخذ، ۷، ص. ۴۱۸.  
 ۶۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۸۵، ۱۳۶۶/۶/۳۰، ص. ۱۲۶۶/۶/۲۹.  
 ۶۳- مأخذ، ۷، ص. ۱۴۸، به نقل از تحرک بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، دی ۱۳۶۶، ص. ۱۳ و ۱۴.  
 ۶۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۱/۷/۱، ص. ۱۲.  
 ۶۵- مصاحبه جعفر محلاتی نماینده ایران در سازمان ملل، ۱۳۶۷/۲/۲۶.
- ۲۷- کامرون ر.هیوم، سازمان ملل متحد- ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران، ۱۳۷۶، ص. ۱۴۶.  
 ۲۸- همان، ص. ۱۶۴.  
 ۲۹- محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص. ۱۰۱ و ۱۰۰.  
 ۳۰- مأخذ، ۷، ص. ۲۸۵ و ۲۹۰.  
 ۳۱- مأخذ، ۷، ص. ۱۴۵.  
 ۳۲- مأخذ، ۷، ص. ۲۵۵.  
 ۳۳- مأخذ، ۷، ص. ۱۰۲.  
 ۳۴- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب پایان جنگ، محمد درودیان.  
 ۳۵- مأخذ، ۷، ص. ۳۶.  
 ۳۶- مأخذ، ۷، ص. ۳۱۱.  
 ۳۷- مأخذ، ۷، ص. ۳۱۳.  
 ۳۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۸، ۱۳۶۶/۴/۲۵، ص. ۱۹ و ۲۰، رادیو مسکو، ۱۳۶۶/۶/۲۴، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.  
 ۳۹- همان، ص. ۲۰.  
 ۴۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۰، ۱۳۶۶/۴/۱، ص. ۱۲ و ۱۳، رادیو مسکو، ۱۳۶۶/۴/۶.  
 ۴۱- معاونت سیاسی ستاد کل، ویژه‌نامه "جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس"، مهر ۱۳۶۶، ص. ۲۹، روزنامه لوس‌آنجلس‌تاپر، ترجمه کهان چاپ‌لندن، ۱۹۸۷، مقاله دیپلماسی و جنگ تحمیلی.  
 ۴۲- همان، ص. ۲۹.  
 ۴۳- همان، ص. ۲۹ و ۳۰.  
 ۴۴- مأخذ، ۷، ص. ۲۰۲.  
 ۴۵- مأخذ، ۷، ص. ۳۱۲.  
 ۴۶- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، گاهشمار جنگ ایران و عراق - ۱۹۸۷ (دی ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶)، ترجمه پیروز ایزدی، ۱۳۷۷، ص. ۷۵.  
 ۴۷- مأخذ، ۷، ص. ۶۲۸.  
 ۴۸- مأخذ، ۷، ص. ۳۱۳.

- ۶۶— روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۷/۲۰، ص ۱۸.
- ۶۷— مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان بی سی.
- ۶۸— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۵۸۰، ۱۳۶۶/۶/۳، ص ۶.
- ۶۹— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۷۶۰، ۱۳۶۶/۶/۲۱، ص ۱۳.
- ۷۰— همان، ص ۹، مصاحبه امیر طاهری با رادیویی بی‌بی‌سی، ۱۳۶۶/۶/۲۰.
- ۷۱— همان، ص ۹.
- ۷۲— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۸۱۰، ۱۳۶۶/۶/۲۶، ص ۱۳، لندن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۶/۲۵.
- ۷۳— روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۲۶، ص ۱۶، جعفر محلاتی.
- ۷۴— علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحملی عراق علیه / ایران، دفترنشروهندگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲، به نقل از سعید رجایی خراسانی سفیر وقت ایران در سازمان ملل.
- ۷۵— روزنامه کیهان، ۱۳۸۱/۷/۱، ص ۱۲.
- ۷۶— روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۲۶، ص ۱۶، جعفر محلاتی.
- ۷۷— همان.
- ۷۸— مأخذ ۲۱، ص ۹.
- ۷۹— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۸۲۰، ۱۳۶۶/۷/۲۱، ص ۷ و ۸.
- ۸۰— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۷۴۰، ۱۳۶۶/۶/۱۹، ص ۱۰.
- ۸۱— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۲۳۰، ۱۳۶۶/۸/۷، ص ۳۶.
- ۸۲— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۹۱۰، ۱۳۶۶/۷/۵، ص ۲۲ و ۲۳، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۶/۷/۴.
- ۸۳— مأخذ ۵۱، ص ۳۶ و ۳۷، نامه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد، ۲۵ می ۱۹۸۴.
- ۸۴— مأخذ ۵۱، ص ۲۶ و ۳۷، نامه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد، ۲۵ می ۱۹۸۴.
- ۸۵— مأخذ ۱۰.
- ۸۶— مأخذ ۶۰، ص ۱۲، رادیو امریکا، ۱۳۶۶/۷/۱۷.
- ۸۷— مأخذ ۱۰.
- ۸۸— روزنامه عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۱۱/۹، ص ۹، گفت و گو با الجزیره.
- ۸۹— روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۷/۹، ص ۲، خطبه دوم.
- ۹۰— مسعود سفیری، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، گفت و گو با آقای هاشمی رفسنجانی، نشریه، ۱۳۸۰، تهران، ص ۹۶ و ۹۷.
- ۹۱— مأخذ ۵۴، ص ۱۱۰، به نقل از کیهان هوایی، ۱۳۶۶/۴/۲۴.
- ۹۲— محسن رضایی، سخنرانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، خرداد ۱۳۷۹.
- ۹۳— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۶/۷/۳، ص ۴۸، شهرام چوبین.
- ۹۴— همان.
- ۹۵— مأخذ ۷، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.
- ۹۶— مأخذ ۷، ص ۳۲۱.
- ۹۷— مأخذ ۷، ص ۳۱۹.
- ۹۸— مأخذ ۷، ص ۳۱۸.
- ۹۹— سردار رحیم صفوی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۶۶/۷/۱۳.
- ۱۰۰— خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۰، ۱۳۶۶/۷/۲۱، ص ۳۴ و ۳۵، رادیو امریکا، ۱۳۶۶/۷/۲۰.
- ۱۰۱— مأخذ ۷، ص ۳۱۸.
- ۱۰۲— مأخذ ۷، ص ۳۲۲.
- ۱۰۳— صحیفه سور، جلد ۳۰، ص ۱۲۱، ۱۳۶۶/۵/۶.
- ۱۰۴— مأخذ ۵۴، ص ۱۱۰، کیهان هوایی، ۷ مرداد ۱۳۶۷.
- ۱۰۵— مأخذ ۷، ص ۶۲۱ و ۶۲۰.
- ۱۰۶— مأخذ ۷، ص ۶۰۰.
- ۱۰۷— مأخذ ۲۴، ص ۱۵۷، الیزابت گاملن و پال راجرز.

- ۱۳۳- معاونت سیاسی ستاد کل، "ویژه نامه جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس"، مهر ۱۳۶۶، ص ۴۷ و ۴۸، رابت پس زو هالس و مایکل جی رمز، ۱۳۴- مأخذ ۵۸، ص ۱۲۷، ۱۳۵- مأخذ ۱۲۱، ص ۲۱۳، ۱۳۶۶/۵/۹، ۱۳۶- مأخذ ۱۲۱، ص ۲۱۰، ۱۳۶۴/۴/۳، ۱۳۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۴۲، ۱۳۶۶/۱۲/۶، ۱۵- مصاحبه صدام با سردبیران نشریات کویت، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵، ۱۳۸- مأخذ ۱۲۱، ص ۰۹، ۱۳۶۶/۴/۲۶، ۱۳۹- مأخذ ۱۲۱، ص ۲۶۵، صدام در مصاحبه با خبرنگاران کویتی، ۱۳۶۶/۷/۲۰، ۱۴۰- نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، "بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا"، شماره ۲ و ۳، مرداد ۱۳۶۹، ص ۲ از ۲۰، بخش سوم.
- ۱۴۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۷۱/۴/۱۸، ۱۱- گزارش جنگ مخفی امریکا علیه ایران، شبکه ای‌بی‌سی امریکا، ۱۳۷۱/۴/۱۰، تهیه کننده تدابیل، از تهیه کنندگان سرشناس برنامه‌های سیاسی.
- ۱۴۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۵۱، ۱۳۶۶/۵/۱۷، ۱۲- مأخذ ۵۸، ص ۱۲۶، ۱۴۳- آتنوئی کردمن و آبراهام واگنر، ۱۴۴- آتنوئی کردمن و آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۳۹۴.
- ۱۴۵- مرتضی منطقی، نگاهی به ۱ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۸، رادیو صوت‌الجمahir، ۱۳۶۶/۱۰/۳
- ۱۴۶- همان، ص ۱۰/۱۴، ۱۴۷- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش ترتیب نیرو - وضعیت دشمن در ۱۴۸- مأخذ ۷، ص ۳۷۸، ۱۴۹- مأخذ ۷، ص ۳۷۷ و ۱۵۰- محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۵۱- برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷، ۱۵۲- مأخذ ۲، ص ۲۲۵، ۱۵۳- مأخذ ۲، ص ۱۷۱ و ۱۵۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۴/۸، ۱۵۵- مأخذ ۱۱۰، ص ۱۹۳، ۱۵۶- مأخذ ۱۱، ص ۱۹۳، ۱۵۷- مأخذ ۷، ص ۴۱۳، ۱۵۸- مأخذ ۷، ص ۳۱۷، ۱۵۹- نگاه کنید به شلمجه تا حلیجه ص ۲۱۷ تا ۲۲۲، ۱۶۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۶/۲/۲۷، ۱۶۱- روزنامه بوریا، ۱۳۶۶/۳/۲۶، ۱۶۲- دیرخانه موقع تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فواید فاو، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، براساس سخنرانی‌های صدام در روزنامه یومیه الشوره، چاپ عراق، ص ۱۳۶۶/۴/۳، ۲۱۰، ۱۶۳- همان، ص ۱۳۶۶/۱۱/۸، ۲۱۲- همان، ص ۱۳۶۶/۷/۲۷، ۱۶۴- همان، ص ۱۳۶۷/۷/۲۷، ۱۶۵- همان، ص ۱۳۶۶/۱۱/۹، ۱۶۶- همان، ص ۱۳۶۶/۵/۹، ۱۶۷- همان، ص ۱۳۶۵/۱۲/۳، ۱۶۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۶۳، ۱۳۶۶/۶/۸، ۱۶۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۲۱۷، ۱۳۶۶/۷/۲۱، ۱۷۰- ص ۱۰ و ۱۱۰- مأخذ ۱۲۱، ۱۳۶۶/۷/۱۷، ۱۳۶۶- مأخذ ۱۲۱، ۱۳۶۶/۷/۲۰، ۱۳۶۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۹۷، ۱۳۶۶/۴/۴، ۱۳۶۶- خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۶/۴/۳

- مناطق غرب اروند، شرق بصره، شرق دجله، از  
چزابه تا چنگوله، معاون اطلاعاتی قرارگاه  
کربلا، ص. ۱۰
- ۱۶۸- مأخذ ۱۰۰، ص. ۱۱، کویت، خبرگزاری  
جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۷/۲۰
- ۱۶۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
"گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۳۰، ۱۳۶۵/۵/۶  
ص. ۲۴، نیویورک، خبرگزاری فرانسه،  
۱۳۶۶/۵/۵
- ۱۷۰- مأخذ ۱۴۴، ص. ۶۴۶
- ۱۷۱- محمد درودیان، پایان جنگ، مرکز  
مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۰،  
ص. ۲۱ و ۲۰.
- ۱۷۲- مأخذ ۱۴۴، ص. ۲۲۸.
- ۱۷۳- نگاه کنید به ۱ سال جنگ تبلیغاتی،  
ص. ۲۷۱ و ۲۷۲. (مأخذ ۱۴۵)
- ۱۷۴- مأخذ ۱۲۱، ۱۳۶۶/۳/۲۱، ص. ۸۶.
- ۱۷۵- سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی  
دروازه‌شرقی، ترجمه عدنان قارونی، مرکز  
فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص. ۱۱۴.
- ۱۷۶- مأخذ ۱۶۱، ۱۱۴، ص.
- ۱۷۷- مأخذ ۱۶۱، ۱۳۰، ص.
- ۱۷۸- مأخذ ۱۶۱، ۸۳، ص.
- ۱۷۹- مأخذ ۱۶۱، ۱۳۶، ص.
- ۱۸۰- مأخذ ۱۶۱، ۱۳۶، ص.
- ۱۸۱- مأخذ ۱۶۱، ۸۳، ص.
- ۱۸۲- مأخذ ۱۴۴، ۴۰۳، ص.
- ۱۸۳- مأخذ ۱۴۴، ۵۰۶، ص.
- ۱۸۴- مأخذ ۱۴۴، ۵۵۲، ص.
- ۱۸۵- مأخذ ۱۷۲، ۱۶۳ و ۱۶۴، ص.
- ۱۸۶- تلکس ویژه خبرگزاری جمهوری  
اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۲۲، خدیر حمزه رئیس  
پیشین طرح هسته‌ای عراق، وال استریت  
ژورنال.
- ۱۸۷- مصاحبه با مجله الحیات، فرماندهی  
نصر، ۱۳۷۷/۱/۲۶، ص. ۲۳.
- ۱۸۸- مأخذ ۱۷۵، ۱۱۵، ص.
- ۱۸۹- مأخذ ۱۷۵، ۱۱۳ و ۱۱۲، ص.
- ۱۹۰- مأخذ ۱۷۵، ۱۱۳ و ۱۱۲، ص.
- ۱۹۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
"گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۶۰، ۱۳۶۶/۱۲/۲۴  
ص. ۵، خبرگزاری عراق،  
۱۳۶۶/۱۲/۲۳
- مناطق غرب اروند، شرق بصره، شرق دجله، از  
چزابه تا چنگوله، معاون اطلاعاتی قرارگاه  
کربلا، ص. ۱۴۵
- ۱۴۸- مأخذ ۱۴۵، ص. ۲۳۳.
- ۱۴۹- مأخذ ۱۴۵، ص. ۳۳۳، رادیو بغداد،  
۱۳۶۶/۱۱/۱۴
- ۱۵۰- مأخذ ۱۴۴، ص. ۴۵۶.
- ۱۵۱- مأخذ ۱۴۴، ۶۹، ص.
- ۱۵۲- احمد الزبیدی (سرهنگ سابق ستاد  
ارتش عراق)، مقاله جنگ خلیج در ابعاد  
نظاری، روزنامه السفیر، ۱۹۸۹/۱۱/۲۰
- (۱۳۶۸/۸/۲۹) سفارت جمهوری اسلامی در  
بیروت، ۱۳۶۸/۱۰/۱۱، ص. ۱.
- ۱۵۳- مأخذ ۱۴۴، ۲۷۱، ص.
- ۱۵۴- مأخذ ۱۴۴، ۳۹۱، ص.
- ۱۵۵- مأخذ ۱۲۱، ۱۰۹ و ۱۰۸، ص.
- ۱۵۶- مأخذ ۱۴۴، ۲۷۱، ص.
- ۱۵۷- معاونت اطلاعات نیروی زمینی  
سپاه پاسداران، تحریشی بر وضعیت ارتش عراق  
در ده سال گذشته، دی ۱۳۷۰، ص. ۸.
- ۱۵۸- مأخذ ۱۴۴، ۳۹۲، ص.
- ۱۵۹- گفت‌وگو با سردار فتح الله جعفری،  
۱۳۷۸/۲/۲۷
- ۱۶۰- مأخذ ۱۴۴، ۳۹۳ و ۳۹۴، ص.
- ۱۶۱- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عملکرد  
دشمن در سال ۱۳۶۶، ص. ۲۶.
- ۱۶۲- بولتن مرکز استراتژیک دفاعی، سال  
سوم، تابستان ۱۳۶۷، شماره ۳۳، ص. ۱۳.
- دیلیپ هیرو، میدل ایست، لندن، ۱۹۹۶.
- ۱۶۳- مأخذ ۱۴۴، ۴۸۱، ص.
- ۱۶۴- مأخذ ۱۴۴، ۴۸۱، ص.
- ۱۶۵- مأخذ ۱۶۲.
- ۱۶۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
"گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۴۷، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱  
ص. ۳۷ و ۳۸، بی‌سی،  
۱۳۶۶/۱۲/۱۰.
- ۱۶۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه  
"گزارش‌های ویژه"، شماره ۳۴۹، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳  
ص. ۱۲، رادیو امریکا به نقل از  
نیویورک تایمز، ۱۳۶۶/۱۲/۱۲

- ۱۹۶- همان، ص ۵ و ۶.  
 ۱۹۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۲۸۵، ۱۳۶۷/۵/۴، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۳۳، واشنگتن پست.
- ۱۹۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۹۹، ۱۳۶۷/۴/۶، ۱۳۶۷/۴/۱۵، ص ۱۹، خبرگزاری روپرتر، ۱۳۶۷/۴/۵، ۱۳۶۷/۴/۷، همان، ص ۴ و ۵.  
 ۱۹۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۱، ۱۳۶۷/۴/۸، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۷، همان، ص ۵.  
 ۲۰۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۲، ۱۳۶۷/۴/۹، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۶۵ و ۶۶.  
 ۲۰۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۳، رادیو لندن، ۱۳۶۷/۴/۶، ۱۳۶۷/۱۲/۱۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۴، ۱۳۶۷/۴/۲۱، ۱۳۶۷/۱۲/۱۰، سردبیر تایمز مالی.  
 ۲۰۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۵، ۱۳۶۷/۵/۲۴، رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۵/۲۳.  
 ۲۰۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۶، ۱۳۶۷/۵/۹، ۱۳۶۷/۱۲/۱۴، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۵/۸.  
 ۲۰۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۷، ۱۳۶۷/۴/۱۶، ۱۳۶۷/۱۲/۱۳، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۱۵، ص ۳ و ۴، سخنانی صدام در جمع وزرای ورزش جوانان کشورهای عرب.  
 ۲۰۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۸، ۱۳۶۷/۴/۱۲، ۱۳۶۷/۱۲/۱۳، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۴/۱۱.
- ۲۰۶- همان، ص ۵ و ۶.  
 ۲۰۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۲۸۵، ۱۳۶۷/۵/۴، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۳۳، واشنگتن پست.  
 ۲۰۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۹۹، ۱۳۶۷/۴/۶، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۹، خبرگزاری روپرتر، ۱۳۶۷/۴/۵، ۱۳۶۷/۴/۷، همان، ص ۴ و ۵.  
 ۲۰۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۱، ۱۳۶۷/۴/۸، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۷، همان، ص ۵.  
 ۲۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۲، ۱۳۶۷/۴/۹، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۶۵ و ۶۶.  
 ۲۱۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۳، ۱۳۶۷/۴/۱۰، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.  
 ۲۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۴، ۱۳۶۷/۴/۱۱، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۲۹ و ۱۲۸.  
 ۲۱۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۵، ۱۳۶۷/۴/۱۲، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۲۸ و ۱۲۷.  
 ۲۱۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۶، ۱۳۶۷/۴/۱۳، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۲۷ و ۱۲۶.  
 ۲۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۷، ۱۳۶۷/۴/۱۴، ۱۳۶۷/۱۲/۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۲۵.  
 ۲۱۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۸، ۱۳۶۷/۴/۱۵، ۱۳۶۷/۱۲/۱۶، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۱۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۰۹، ۱۳۶۷/۴/۱۶، ۱۳۶۷/۱۲/۱۷، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۰، ۱۳۶۷/۴/۱۷، ۱۳۶۷/۱۲/۱۸، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۱۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۱، ۱۳۶۷/۴/۱۸، ۱۳۶۷/۱۲/۱۹، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۲، ۱۳۶۷/۴/۱۹، ۱۳۶۷/۱۲/۲۰، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۳، ۱۳۶۷/۴/۲۰، ۱۳۶۷/۱۲/۲۱، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۴، ۱۳۶۷/۴/۲۱، ۱۳۶۷/۱۲/۲۲، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۵، ۱۳۶۷/۴/۲۲، ۱۳۶۷/۱۲/۲۳، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۶، ۱۳۶۷/۴/۲۳، ۱۳۶۷/۱۲/۲۴، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۷، ۱۳۶۷/۴/۲۴، ۱۳۶۷/۱۲/۲۵، چفت‌وگو با آفای هاشمی.  
 ۲۲۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۱۸، ۱۳۶۷/۴/۲۵، ۱۳۶۷/۱۲/۲۶، چفت‌وگو با آفای هاشمی.

## نتیجه‌گیری

درباره "نحوه پایان جنگ" تاکنون پرسش‌ها، پاسخ‌ها، تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی ارائه شده است. با وجود این در کانون این مباحث و مجادلات، از اصل خاتمه دادن به جنگ پرسش نمی‌شود؛ بلکه روش آن را نقد و بررسی می‌کنند. تصور می‌شد جنگ با پیروزی نظامی ایران و سقوط صدام به پایان برسد، ولی نه تنها این مهم واقع نشد، بلکه ضعف ما در حفظ مناطق تصرف شده در ماههای پایانی جنگ، سرنوشت جنگ را تغییر داد و ایران با پذیرش آتش‌بس جنگ را خاتمه داد.

امام خمینی برای مهار پیامدهای پذیرش قطعنامه و واکنش‌های احتمالی، توضیح علت این تصمیم‌گیری را به آینده واگذار کردند. تاکنون تلاش برای تبیین "چرایی و چگونگی پایان جنگ" طرح چند نظریه و تحلیل را موجب شده است. نقش دشمنان خارجی در حمایت از عراق و واگذاری کلیه کمک‌های اطلاعاتی، مالی و تسليحاتی و در مقابل، تحریم تسليحاتی و اقتصادی ایران همراه با فشارهای بین‌المللی به این کشور نظریه‌ابی را تبیین کرده و اطلاعات نسبتاً گسترده‌ای در چارچوب این تحلیل انتشار یافته است. تنش میان صدام با امریکا پس از اشغال کویت و انتشار برخی اطلاعات، در تعمیق این نظریه نقش بسزایی داشته است.

نظریه دیگری که اخیراً مطرح شده است، بر عوامل نظامی و اقتصادی تأکید می‌کند. عامل اقتصادی در گذشته هم بیان می‌شد ولی نامه دولت به امام درباره ناتوانی برای پشتیبانی از جنگ موضوع جدیدی است. اخیراً درباره عوامل نظامی، علاوه بر اشاره به نامه فرمانده وقت سپاه برای درخواست

امکنانات بر این موضوع تأکید می‌شود که پیروزی‌های نظامی برای پشتیبانی از تلاش‌های سیاسی کافی نبود.

از طرف دیگر، در پاسخ به نظریه فوق، به استراتژی سیاسی جنگ و میزان پشتیبانی کشور از تلاش‌های نظامی، انتقاد می‌شود و آن را از عوامل مؤثر در طولانی شدن جنگ و نحوه پایان آن می‌دانند.

اپوزیسیون در انتقاد از علل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، "مدیریت و تصمیم‌گیری" در جنگ را مورد توجه و نقد قرار داده است و بر این موضوع تأکید می‌کند که ایران باید قطعنامه ۵۹۸ را پس از تصویب می‌پذیرفت و این تأخیر اشتباه بود؛ زیرا با تغییر اوضاع نظامی، ایران در موقعیت نامطلوب، قطعنامه را پذیرفت.

مباحث و مجادلات و نقدها و بررسی‌هایی که درباره علل جنگ می‌شود جوهری سیاسی دارد. به همین دلیل، آنچه تاکنون مطرح شده است به لحاظ اطلاعات، تحلیل و نظریه‌پردازی برای تبیین گذشته و ارائه راه حل برای آینده کاستی‌های گسترده و عمیقی دارد. به نظر می‌رسد تا زمانی که انگیزه سیاسی بر نقد و بررسی و پاسخ‌ها غلبه دارد دستیابی به تبیینی جامع و کارآمد از تحولات جنگ دور از دسترس خواهد بود.

درباره پایان جنگ، در مباحث روابط بین‌الملل خلائی تئوریک وجود دارد ولی اخیراً بر چهار نظریه "پیروزی یا شکست"، "تغییر رهبری"، "سود و زیان" و "تغییر پارادایم، نظم دوم" تأکید می‌شود. ولی به نظر می‌رسد پایان یافتن جنگ ایران و عراق را بر اساس هیچ‌یک از این نظریه‌ها به صورت قطعی و سرنوشت‌ساز نمی‌توان تبیین کرد. بر اساس شواهد و قرائنی در چارچوب برخی نظریه‌ها به طور نسبی می‌توان تحولات جنگ را تبیین کرد. روش تحقیق در این کتاب بررسی تحولات جنگ با تأکید بر استراتژی ایران و عراق در حدفاصل فتح خرمشهر تا پایان جنگ است. فرض بر این است که عوامل مختلفی در تعیین نهایی سرنوشت جنگ نقش و تأثیر داشته است ولی پیروزی عراق در ماه‌های پایانی جنگ تأثیر قطعی و نهایی در

تصمیم‌گیری ایران گذاشت و این موضوع را می‌توان در چارچوب استراتژی ایران و عراق بررسی کرد. با تأکید بر استراتژی ایران و عراق تا اندازه‌ای به منطق و روش تحولات جنگ توجه و به سایر متغیرها هم اشاره شده است. استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر تصرف یک منطقه با اهمیت بود که ادامه جنگ را برای عراق و حامیانش دشوار نماید و در نتیجه با تأمین خواسته‌های ایران جنگ به پایان برسد.

استراتژی عراق، دفاع مطلق بر روی زمین و تضعیف بنیه اقتصادی ایران بود که با حمله به خارک و نفتکش‌ها و جنگ شهرها برای تضعیف پشت جبهه ایران آن را دنبال می‌کرد. عراق تصور می‌کرد ناکامی نظامی ایران و تحلیل قوای این کشور همراه با مداخله قدرت‌های خارجی و فشار به ایران سرانجام به خاتمه یافتن جنگ می‌انجامد.

محور استراتژی ایران پیروزی در منطقه‌ایی حساس و استراتژی عراق جلوگیری از پیشروی قوای نظامی ایران و دفاع از موضع خود بود. استراتژی سیاسی ایران متقاعدساختن حامیان عراق و تعامل با آنها و استراتژی عراق کسب حمایت بیشتر و فراهم‌سازی مداخله قدرت‌ها و افزایش فشار به ایران بود.

عنصر خارجی در استراتژی ایران با تعامل بیشتر، به توافق ضمنی برای حذف صدام منجر شد و عراق زمینه مداخله نظامی قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس و درگیری ایران و امریکا و فشار سیاسی و بین‌المللی به ایران را فراهم کرد.

سال ۱۳۶۵ در شکل‌گیری روند نهایی جنگ تأثیری سرنوشت‌ساز داشت. پیروزی ایران در عملیات فاو، دفاع در برابر استراتژی دفاع متحرک عراق و اجرای سلسله عملیات کربلا، بویژه طراحی و اجرای عملیات کربلای<sup>۴</sup> و کربلای<sup>۵</sup> به منزله اوج و تکامل پیروزی نظامی ایران بود. این پیروزی‌ها نشان داد خطوط دفاعی عراق آسیب‌پذیر است و عراق حتی با دست زدن به دفاع متحرک به تغییر موازنۀ نظامی قادر نیست.

با وجود پیروزی‌های نظامی در سال ۱۳۶۵ استراتژی ایران در نقطه اوج خود با بن‌بست رو به رو شد. در واقع، اگر قرار بود ایران با پیروزی نظامی به جنگ پایان دهد باید با این پیروزی‌ها، استراتژی ایران به نتیجه می‌رسید. حال آنکه نه تنها این امر واقع نشد بلکه با افشاءی ماجراهای مکفارلین در آبان ۱۳۶۵ معادلات سیاسی - نظامی جنگ تحت تأثیر این واقعه تغییر کرد.

استراتژی عراق هم در سال ۱۳۶۵ به بن‌بست رسید؛ زیرا از دست دادن فاو و شرق بصره و شکست استراتژی دفاع متحرک نشان داد سرنوشت جنگ روی زمین تعیین می‌شود و عراق استراتژی مناسبی برای کسب پیروزی در زمین ندارد.

آثار و پیامدهای بن‌بست در استراتژی ایران و عراق در سال ۱۳۶۶ آشکار شد. فشار سیاسی - نظامی بین‌المللی بر ایران نیز متغیری جدید و تعیین کننده بود که وارد معادلات جنگ شد. درگیری ایران و امریکا در خلیج‌فارس و بن‌بست تاکتیکی ایران در منطقه جنوب، ایران را در وضعیت دشواری قرار داد. عراق از فرصت استفاده کرد و با افزایش توان نظامی و با کمک مستشاری روس‌ها استراتژی خود را از تدافعی به تهاجمی تغییر داد. عراق روند جدیدی را با حمله موشکی به تهران آغاز کرد و با بمباران حلچه، با استراتژی جدید ایران در شمال‌غرب، که پیش روی در عمق خاک عراق با کمک اکراد معارض بود، مقابله کرد و سپس با بازپس‌گیری فاو تعادل نظامی - سیاسی و روانی را به سود خود تغییر داد.

بازپس‌گیری مناطق تصرف شده بوسیله عراق که در حکم شوک نظامی بود و نیز برخی تهدیدات و فشارهای خارجی و همچنین قول مساعد به ایران مبنی بر اینکه عراق متجاوز شناخته شود موجب شد ایران آتش‌بس و خاتمه جنگ را بپذیرد.

## فهرست منابع کتاب (گفت و گوهای اختصاصی، کتاب‌ها و نشریات، رسانه‌ها)

گفت و گوهای اختصاصی نویسنده:

- شهبازی، عبدالله
- بیات، کاوه
- طهماسبی(هانتر)، شیرین
- برتوی، مهدی
- فرهی، فریده
- توسیلی، غلام عباس
- کارگر رمضانی، روح الله
- ثقفی، مراد
- لطفیان، سعیده
- رضایی خراسانی، سعید
- مصباحی، محی الدین
- رشید، غلامعلی
- موسوی، میرحسین
- رضایی، محسن
- میلانی، محسن
- سحابی، عزت الله
- هاشمی رفسنجانی، اکبر
- شمخانی، علی

کتاب‌ها و نشریات(مقالات، گفت و گوها، سخنرانی‌ها):

- احتشامی، انوشیروان، "روابط ایران و عراق پس از صدام"، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن "رسانه‌های دنیا"، شماره ۱۹۶۹، ۱۳۸۲/۷/۱۴.
- احمد الزبیدی (سرهنگ سابق ستاد ارتش عراق)، مقاله "جنگ خلیج در ابعاد نظامی"، روزنامه السفیر، ۱۹۸۹/۱۱/۲۰، ۱۳۶۸/۸/۲۹.
- اسداللهی، مسعود، از مقاومت تا پیروزی، تاریخچه حزب الله لبنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور، تابستان ۱۳۷۹.
- اعتماد، احمد، "استراتژی امنیت ملی امریکا در قبال عراق"، ماهنامه خبری-تحلیلی نهضت، سال دوم، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۸۰، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- افرایم کارش، جنگ ایران و عراق: یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفری بی‌پر، بهار ۱۹۷۸، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تکثیر معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح.
- آلترا اسمیت، "پیکار در نبردها - پیروزی در جنگ‌ها"، ترجمه صالح رضایی پیش‌رباط، فصلنامه امنیت ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸.
- السامرایی، وفیق، مصاحبه اختصاصی با شبکه الجزیره قطر، روزنامه پاس نو، ۱۳۸۱/۱۲/۶.
- السامرایی، وفیق، مصاحبه با روزنامه الحیات، بولتن خبرهای عراق، فرماندهی نصر، ۱۳۷۷/۱/۲۶.
- السامرایی، وفیق، ویرانی دروازه شرقی، ترجمة عدنان قارونی، مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷.
- آنتونی، کردزمن و آبراهام، واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، منتشر نشد.
- آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۴.

- بزرگمهری، مجید، "روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی ایران"، مجله سیاسی - اقتصادی (اطلاعات)، شماره ۱۱۱ و ۱۱۲.
- بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، عزت راز جاودانگی، به کوشش قاسم فروغی، تهران، ۱۳۷۴.
- بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، حمامه مقاومت، جلد سوم، ۱۳۷۵/۷/۵.
- بهادروند، مهدی، ورود به خاک عراق، ضرورت‌ها و دستاوردها، تحت نظرات محمدجعفر اسدی، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، مهر ۱۳۸۱.
- تولایی، محمود، "توامندی و توسعه تسليحات بیولوژیک عراق"، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- تیمرمن، کنت آر، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳.
- جان بیلیس و جیمز ویرتر، استراتژی در جهان معاصر، ترجمه کاپک خبیری، انتشارات ابرار معاصر، تهران، بهار ۱۳۸۲.
- جان پیترز، معماری نظامی امریکا بر پایه نظم نوین جهانی، ترجمه سیدحسین محمدی‌نجم، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸.
- جفری ام. الیوت و رابرت رجنبالد، فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک، ترجمه میرحسین رئیس‌زاده‌نگوودی، انتشارات معین، ۱۳۷۳.
- جک لوبی، "تئوری‌های جنگ و صلح"، ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶.
- جوزف. ای. کشیشیان، "شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق"، فصلنامه نگین ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱.
- جیمز بیل، مقاله "جنگ، انقلاب و روایی: قدرت ایران در خلیج فارس"، بازنگاری جنبه‌های تجاوز و دفاع، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، تهران، ۱۳۶۸، جلد دوم.
- جیمز دوئرتی و رابت فالترگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر قدس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶، جلد اول و دوم.
- چوبین، شهرام، مقاله "آخر جنگ"، ترجمه جعفر خیرخواهان، روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۷/۱.
- حبیبی، ابوالقاسم، "گزارش ۳۸ عملیات بزرگ"، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، منتشر نشده.
- حزب جمهوری اسلامی، خطبه‌ها و جمعه‌ها، تهران، ۱۳۶۲، جلد چهارم.
- حسینی تاش، سیدعلی، "تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق"، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۱/۲۴.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "مشروع نهمین کنگره حزببعث رژیم عراق درباره جنگ"، ۱۳۶۲/۲/۲۴.
- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، "گاهشمار جنگ ایران و عراق - ۱۹۸۷" (دی ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶)، ترجمه پیروز ایزدی، ۱۳۷۷.

- دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، جلد اول و دوم.
- دبیرخانه موقت تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، سال ۱۳۶۸.
- درودیان، محمد، "گزارش والفجر ۸ انجام نشده"، نشریه تاریخ جنگ، دفتر سیاسی سپاه پاسداران، آذر ۱۳۶۳.
- درودیان، محمد، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰.
- درودیان، محمد، پایان جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- درودیان، محمد، جنگ، بازیابی ثبات، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۸.
- درودیان، محمد، خوین شهر تا خرمشه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، خرداد ۱۳۷۳.
- درودیان، محمد، شلمجه تا حلجه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- درودیان، محمد، فاو تا شلمجه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.
- دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ناگفته‌های جنگ، خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی، ۱۳۷۸.
- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن "رویدادها"، شماره ۱۲۴، ۱۳۶۵/۹/۲۶.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۱، بهار ۱۳۷۶، جلد دوم و سوم.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۲، بهار ۱۳۷۶، جلد ۴ و ۵.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۳، تابستان ۱۳۷۶، جلد ۶.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، ۱۳۷۷، جلد ۷.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، ۱۳۷۷، جلد ۸.
- دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۴، تابستان ۱۳۷۸، جلد ۹.
- دفتر نشر معارف انقلاب، آرامش و چالش، کارنامه و خاطرات هاشمی‌رفسنجانی، سال ۱۳۶۲، به اهتمام مهدی هاشمی، ۱۳۸۱.
- رالف کینگ، "جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶"، معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران، ویژه‌نامه "بررسی جنگ" (بحران خلیج‌فارس)، مهر ۱۳۶۶.
- رئیسی طوسی، رضا، "استراتژی امریکا، تضعیف توان ملی ایران"، مجله ایران فردا، سال سوم، شماره ۱۶.
- رشید، غلامعلی، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات، ۱۳۸۰/۷/۵.

- رشید، غلامعلی، یادداشت‌های شخصی، ۱۳۶۱/۶/۳، ۱۳۶۱/۶/۵، ۱۳۶۱/۶/۷، ۱۳۶۱/۶/۲۲، ۱۳۶۱/۶/۲۸، ۱۳۶۱/۶/۲۵
- رضایی، محسن، بازدید از خبرگزاری دانشجویان (ایستا)، روزنامه صبح/مروز، ۱۳۶۱/۸/۱۴، ۱۳۶۱/۸/۱۷، ۱۳۶۱/۸/۲۶ و ۱۳۶۱/۸/۲۵
- رضایی، محسن، سخنرانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (دافتوس)، خرداد ۱۳۷۸/۱۲/۱۴
- رضایی، محسن، سلسله درس‌های دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۶/۲۶، ۱۳۷۴/۱۱/۱۲
- رضایی، محسن، ضبط برنامه تلویزیونی "سجاده آتش"، شبکه اول، زمستان ۷۷ و مرداد ۱۳۷۸
- روابط عمومی فرمانده کل سپاه، "تحولات یک ساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان - شهریور ۶۳ تا شهریور ۶۴".
- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "عملیات خیر و پیامدهای جهانی آن"، آبان ۱۳۶۳
- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گذری بر پنجین سال جنگ تحمیلی"، ۱۳۶۳/۱۲/۲۳
- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا"، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دی ۱۳۶۳
- روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، "گزیده مطبوعات جهان"، دی ۱۳۶۳
- روحانی، حسن، ضبط برنامه تلویزیونی "سجاده آتش"، شبکه اول، پاییز ۱۳۷۸
- زمانی، سیدقاسم، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، پاییز ۱۳۷۶
- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه‌نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، جلد‌های ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳ و ۱۹
- سعیدآبادی، محمدرضا، "وابط ایران و انگلستان در طول جنگ ۸ ساله"، ترجمه پریسا کریمی‌نیا، فصلنامه امنیت ملی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۸
- سفیری، مسعود، حقیقت‌ها و مصلحت‌ها، گفت‌وگو با اکبر هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، تهران
- شفیق نظام الغیراء، سخنرانی در دفتر مطالعات وزارت خارجه، دی ۱۳۶۵
- صدری، احمد، "عالم فلچ سیاسی: قضیه ایران"، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن رسانه‌های دنیا، شماره ۱۹۴۷، ۱۳۸۲/۲/۱۵
- صفری، محسن، ما اعتراض می‌کنیم، حوزه هنری، ۱۳۷۰
- صفوی، سیدیحیی، فرمانده کل سپاه پاسداران، سلسله درس‌های دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۷/۱۳
- علایی، حسین و خواجه کاووسی، بابک، صنایع، تسليحات و خلع سلاح شیمیایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران ۱۳۷۱
- علی‌بابایی، غلامرضا، مقاله "نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه"، فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۸/۸
- علی‌محمدجان اورکزئی، مجله سنگر چاپ پاکستان، ۱۹۹۰، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، مهر ۱۳۶۹
- غلامی، محسن، "فشارهای داخلی و بین‌المللی اقتصادی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت"

- پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۴.
- فیلیپ رابینز، "اهداف، استراتژی‌ها و مشکلات عراق در جنگ"، گروه ترجمه ماهنامه نگاه، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶.
- کارگر رمضانی، روح الله، "چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰.
- کالین گری، سلاح جنگ‌آفریز نیست، ترجمه احمد علیخانی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸.
- کامرون ر. هموم، سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمة هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۶.
- گالی و ب، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.
- لطف‌اللهزادگان، علیرضا، روزنامه جنگ ایران و عراق، کتاب ۲۰: عبور از موز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱.
- لطفیان، سعیده، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶.
- مایکل، هاوارد، کلازویتس و نظریه جنگ، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۷.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش "انتخاب منطقه عملیاتی فدک"، مهر ۱۳۶۵.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش "مسئل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر"، نوار شرق بصره، شرق دجله، از چزایه تا چنگوله، معاون اطلاعاتی قرارگاه کربلا.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه راویان با فرمانده وقت سپاه، ۱۳۶۵/۵/۳.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش "مسئل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر"، نوار جلسه قرارگاه خاتم الانبیاء<sup>(ص)</sup>، ۱۳۶۴/۲/۲۶.
- مصباحی، محی‌الدین، "اتحاد جماهیر شوروی سابق و جنگ ایران و عراق از بزرگ‌ترین تا گورباتچف"، فصل هشتم، ترجمه قرارگاه نصر.
- مصباحی، محی‌الدین، مقاله "چارچوب مواضع شوروی"، کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مرداد ۱۳۶۸، جلد دوم.
- معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران، "نگرشی بر وضعیت ارتشم عراق در ده سال گذشته"، دی ۱۳۷۰.
- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، ویژه‌نامه "بررسی جنگ" (بیران خلیج‌فارس)، مهر ۱۳۶۶.
- معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوا، حماسه مقاومت، تهران، ۱۳۶۸، جلد اول.
- منافی، کامیاب، فرانسه، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
- منطقی، مرتضی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- نمایندگی دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، "بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا"، شماره ۲ و ۳، مرداد ۱۳۶۹.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن "بازتاب حمله احتمالی امریکا به عراق"، ۱۳۸۱/۹/۲۰.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن "رسانه‌های دنیا"، شماره ۱۹۶۸.
- ولایتی، علی‌اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحملی عراق علیه ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
- هاشمی‌رفسنجانی، اکبر، "پس از بحران"، خاطرات در روزنامه جمهوری اسلامی.
- هوارد تیچر، "لایحه دفاعیه جمهوری اسلامی ایران در سکوهای نفت"، (عضو اداره امنیت ملی امریکا ۱۹۸۷ - ۱۹۷۰، مسئول امور خاورمیانه و امور سیاسی و نظامی).
- یان بلک، بنی‌موریس، جنگ‌های نهانی اسرائیل، ترجمه جمشید زنگنه، نشر فرهنگ، ۱۳۷۲.

#### رسانه‌ها

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان"، شماره‌های ۳، ۴، ۵، ۷ و ۱۵.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، تلکس ویژه، ۱۳۸۱/۳/۲۳.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، تاریخ‌های: ۱۳۶۲/۱۰/۱۳، ۱۳۶۲/۱۲/۲۶، ۱۳۶۲/۱۰/۱۱، ۱۳۶۳/۱/۱۵، ۱۳۶۴/۱/۱۱، ۱۳۶۴/۱۰/۲۳، ۱۳۶۵/۱۰/۲۳، ۱۳۶۵/۴/۴، ۱۳۶۶/۴/۲۵، ۱۳۶۶/۵/۱۷، ۱۳۶۶/۴/۲۵، ۱۳۶۶/۷/۳۰، ۱۳۶۶/۶/۱۹، ۱۳۶۶/۶/۱۰، ۱۳۶۶/۶/۳، ۱۳۶۶/۵/۶، ۱۳۶۶/۴/۶، ۱۳۶۶/۱۲/۲۴، ۱۳۶۶/۱۲/۱۵، ۱۳۶۶/۱۲/۱۳، ۱۳۶۶/۱۲/۱۱، ۱۳۶۶/۱۲/۸، ۱۳۶۶/۸/۷، ۱۳۶۶/۴/۹، ۱۳۶۷/۴/۳۱، ۱۳۶۷/۴/۲۸، ۱۳۶۷/۴/۱۶، ۱۳۶۷/۴/۱۲، ۱۳۶۷/۴/۸، ۱۳۶۷/۵/۴، ۱۳۶۷/۵/۹، ۱۳۶۷/۵/۸، ۱۳۶۷/۵/۲۴، ۱۳۶۷/۴/۱۸.
- خبرگزاری دانشجویان (ایستا)، ۱۳۸۱/۱۰/۱۱.
- رادیو فردان، ۱۳۸۲/۱۰/۱۴، به نقل از روزنامه الشرق الاوسط.
- روزنامه ابرار، ۱۳۶۵/۸/۲۴.
- روزنامه خبار/اقتصاد، ۱۳۷۷/۷/۱.
- روزنامه طلاعات، ۱۳۷۶/۵/۸، ۱۳۸۰/۷/۵، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.
- روزنامه آفتاب، ۱۳۸۱/۱۰/۵.
- روزنامه السفیر، ۲۰ نومبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۸/۸/۲۹)، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی ایران بیروت، ۱۳۶۸/۱۰/۱۱.
- روزنامه انتخاب، ۱۳۸۰/۶/۱۴، ۱۳۸۰/۱۱/۱۴، ۱۳۸۱/۷/۱۴، ۱۳۸۱/۱۱/۵، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴ و ۱۳۸۱/۱۲/۲۶.
- روزنامه ایران، ۱۳۸۲/۷/۱.
- روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۸/۸/۲۹)، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی ایران بیروت، ۱۳۶۸/۲/۱۴، ۱۳۶۸/۵/۲۷، ۱۳۶۸/۹/۲۷، ۱۳۶۸/۱۰/۲۰، ۱۳۶۸/۹/۲۷، ۱۳۶۸/۱۰/۲۰، ۱۳۶۸/۱۰/۱۴، ۱۳۶۸/۲/۱۴.
- روزنامه رسانه، ۱۳۷۷/۴/۱۴، ۱۳۷۷/۳/۶، ۱۳۷۷/۱۰/۱، ۱۳۷۷/۱۰/۱۴، ۱۳۷۸/۱۰/۱۷، ۱۳۷۹/۱۱/۵، ۱۳۷۸/۷/۹.
- روزنامه حیات نو، ۱۳۸۰/۸/۱.
- روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۹/۲۹.
- روزنامه سلام، ۱۳۷۷/۴/۱۳.
- روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۱۰/۸ و ۱۳۸۲/۶/۲۵.

- روزنامه عصر آزادگان، ۱۳۷۸/۱۱/۹.
- روزنامه کیهان، ۱۳۶۳/۱۱/۱۷، ۱۳۶۵/۸/۲۷، ۱۳۶۳/۱۱/۲۰، ۱۳۶۶/۷/۲۰، ۱۳۶۶/۴/۸، ۱۳۶۵/۸/۲۶، ۱۳۶۷/۵/۲۳، ۱۳۶۷/۲/۲۶.
- . ۱۳۶۷/۶/۲۲، ۱۳۶۹/۱۲/۷، ۱۳۸۱/۷/۳، ۱۳۸۱/۷/۱، ۱۳۷۶/۱/۲۳، ۱۳۶۹/۱۲/۷، ۱۳۸۲/۸/۱۱، ۱۳۸۲/۱۱/۱۴ و ۱۳۸۲/۴/۶.
- روزنامه نشاط، ۱۳۷۸/۱/۲۷.
- روزنامه همیستگی، ۱۳۸۲/۱/۳۱.
- روزنامه همشهری، ۱۳۸۱/۶/۳۱، ۱۳۸۲/۵/۶ و ۱۳۸۲/۹/۳۰.
- روزنامه پاس نو، ۱۳۸۱/۱۲/۶، ۱۳۸۱/۱۲/۷.
- سایت خبری "بازتاب"، ۱۳۸۱/۱۰/۷.
- فصلنامه بررسی‌های نظامی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱.
- فصلنامه تاریخ جنگ، سال سوم، زمستان ۱۳۷۳ و سال ششم، بهار ۱۳۷۶.
- فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۸.
- فصلنامه نگین/یران، شماره ۱۰ و ۴.
- ماهنامه چشم انداز ایران، آذر و دی، شماره ۲۳۵.
- ماهنامه خبری - تحلیلی نهضت، شماره ۱۹.
- ماهنامه خلیج فارس و امنیت، شماره ۴.
- ماهنامه صنایع هوایی، شماره ۱۳۱.
- ماهنامه نگاه، شماره‌های ۱۵، ۱۶، ۲۴ و ۲۶.
- . واحد مرکزی خبر، بولتن رسانه‌های بیگانه، ۱۳۸۰/۴/۲۸.

defamoghadgas.ir

فهرست راهنمای موضوعی (اعلام)

- اشخاص
- مکان‌ها و سازمان‌های ایران و عراق
- سایر کشورها و نقاط و سازمان‌های وابسته
- مناطق و سازمان‌های بین‌المللی، قراردادها و قطعنامه‌ها
- اصطلاحات سیاسی، اقدامات سیاسی
- عملیات‌ها و اقدامات نظامی، اصطلاحات نظامی
- تجهیزات و تسليحات نظامی
- سایر اسامی و اصطلاحات

defamoghadgas.ir

## اشخاص

- توماس، کریستوفر: ۷۹  
تیجر، هوارد: ۸۹  
تیمرمن، کنت آر: ۱۳۵  
جوهینی: ۳۸  
چوبین، شهرام: ۵۱  
۲۱۷, ۲۱۶, ۲۰۲, ۶۰, ۵۳, ۵۲  
۲۸۲, ۲۷۳, ۲۷۲, ۲۷۱, ۲۴۲, ۲۴۰, ۲۲۵, ۲۲۰  
حسنات، سیدفاروق: ۲۱۴, ۱۳۵  
حسین شاه اردین: ۱۴۰, ۶۵  
حامدی، سعودون: ۲۵۶  
حمزه، خدیر: ۲۷۵, ۲۶۲, ۱۶۹  
خاتمی، سیدمحمد: ۷  
خالد بن سلطان: ۶۳  
خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور): ۷۵, ۱۰۲, ۱۰۰  
۲۶۲, ۱۸۴, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۶, ۱۰۴  
خامنه‌ای، سیداحمد: ۷۴, ۱۱۴, ۱۰۳, ۱۰۲, ۹۷  
۲۶۷, ۱۸۹, ۱۱۵  
دانیش مایکل: ۱۱۷, ۸۹  
دانکنیار، خاویر پرز (بیبریک سازمان ملل): ۱۶, ۵۴  
۲۳۹, ۲۳۸, ۲۳۶, ۲۳۰, ۱۸۴, ۱۸۱, ۱۱۱  
۲۷۳, ۲۶۹, ۲۶۷, ۲۵۲, ۲۴۱, ۲۴۰  
دوئرتی، جیمز: ۵۹, ۴۲  
دهقان، حسین: ۲۵۹  
ر. هیوم، کامرون: ۱۳۳, ۱۴۹, ۱۵۷, ۲۱۴, ۲۲۱  
رجوز، یال: ۲۱۷, ۲۳۱  
راستفلد: ۲۱۳, ۱۷۴, ۱۴۱, ۱۳۴, ۱۳۱  
رجوی، مسعود: ۲۶۵, ۸۳  
رشید، غلامعلی: ۱۲, ۹۷, ۹۶, ۵۸, ۳۹, ۲۸, ۲۷  
۱۹۴, ۱۹۳, ۱۹۲, ۱۸۷, ۱۲۲, ۱۲۳  
.۲۸۱, ۳۷۶, ۲۶۹, ۲۲۱, ۲۲۰, ۲۱۹, ۲۰۲  
۲۸۴, ۲۸۳  
رضایی، محسن: ۱۳, ۳۲, ۳۱, ۳۰, ۲۹, ۲۴, ۱۹  
.۹۴, ۸۶, ۷۵, ۷۳, ۵۹, ۵۸, ۳۵, ۳۴, ۳۳  
.۱۲۲, ۱۲۱, ۱۱۸, ۱۰۶, ۱۰۴, ۱۰۰, ۹۹, ۹۵  
آرهاکاست: ۲۳۰  
آرینشاو: ۱۷۴  
آفازاده، غلامرضا: ۲۱۶, ۱۵۳  
ابوگزاله، ۱۴۳: ۲۱۵  
احتشاری، اوشیروان: ۶۳  
اسپوزینو: ۱۹۶, ۱۵۶, ۶۵  
اسپیکس، لاری: ۲۸۱, ۶۲  
اسعیت، آتنر: ۴۳, ۴۶  
البرک تکریتی، فاضل: ۲۶۵  
الدوری، صابر: ۲۶۵  
امام خمینی: ۲۰۷, ۲۲, ۲۵, ۲۸, ۲۶, ۳۰, ۲۹, ۲۸, ۳۱, ۳۰, ۲۹, ۲۸, ۲۶, ۳۳  
.۷۱, ۷۰, ۶۹, ۶۷, ۶۶, ۶۳, ۵۵, ۳۵, ۳۴, ۳۳  
.۹۶, ۹۴, ۸۲, ۸۱, ۸۰, ۷۹, ۷۵, ۷۴, ۷۳, ۷۲  
.۱۱۲, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷, ۱۰۵, ۱۰۲  
.۱۵۵, ۱۳۸, ۱۲۳, ۱۲۲, ۱۱۵, ۱۱۴, ۱۱۳  
.۱۹۲, ۱۹۱, ۱۹۰, ۱۸۹, ۱۸۴, ۱۸۰, ۱۷۹  
.۲۲۵, ۲۲۶, ۲۰۷, ۲۰۵, ۲۰۳, ۱۹۹, ۱۹۵  
۲۸۴, ۲۷۷, ۲۶۸, ۲۶۶, ۲۴۶, ۲۴۵, ۲۴۳  
اورکزنی، علی محمود جان: ۵۳, ۵۰, ۴۰  
اوزال، تورگوت: ۱۹۸, ۱۸۴  
ایلکتون: ۱۴۵  
ایندیک: مارتین: ۸۸  
باقری، حسن (شهید): ۹۴  
بخاش، شانول: ۲۴۲, ۲۳۵  
بشارتی محمدعلی: ۲۳۹  
بوش، جرج: ۱۹۶, ۱۶۲, ۵۵  
بوفر، آندره: ۴۲, ۴۱  
بیل، جیمز: ۲۸۲, ۲۶۵, ۲۳۶, ۱۶۰, ۶۲  
بیلیس، جان: ۲۸۲, ۵۹, ۳۸  
پارسونز، آتنونی: ۲۲۶  
پهلوی، محمدرضا (خانواده): ۲۱۰, ۱۸۲  
پیترز، جان: ۲۸۲, ۵۹, ۴۴  
پیرسون، گراهان: ۱۷۱, ۱۷۰  
تدکاپل: ۲۷۴, ۲۶۱

- صفوي، سيدرحيم: ۱۰۷, ۲۱۹, ۱۲۲, ۱۰۴, ۲۷۳, ۲۲۰  
 صيادشیرازی، علي (شهيد): ۹۴, ۱۰۰, ۱۰۴, ۱۰۲, ۱۸۹, ۱۲۲, ۱۰۷  
 طارق عزيز: ۸۵, ۱۵۹, ۱۵۷, ۱۵۵, ۱۳۵, ۸۵, ۸۳, ۱۶۲, ۱۵۹, ۱۵۷, ۱۵۵  
 طاهري، امير: ۱۴۸, ۲۷۳, ۱۴۸  
 عجمي، فؤاد: ۱۲۹  
 عدنان خيرالله: ۱۹۵, ۱۶۴, ۱۸۷, ۲۵۸, ۲۰۰, ۱۹۵, ۱۴۶  
 علامي، حسين: ۲۱۷, ۲۸۴, ۲۴۵, ۲۱۸, ۱۵۳, ۲۱۷  
 فخرى، هشام: ۱۷۳  
 فربدهم، لارنس: ۴۴  
 فهد: ۱۱۱, ۱۴۴  
 قويدل (موسوى قويدل): ۱۰۷  
 كارنر: ۱۹۶  
 كارش، افرايم: ۴۸, ۱۱۹, ۷۹, ۱۲۶, ۲۰۸  
 ۲۱۷, ۲۱۷, ۲۱۳, ۲۸۱, ۲۷۱, ۲۱۷  
 كارگر رمضانى، روح الله: ۵۴, ۶۰, ۲۲۵, ۲۳۰  
 ۲۸۵, ۲۸۱  
 كردزمن، آتنونى: ۴۹, ۵۰, ۵۱, ۷۸, ۷۷, ۶۰, ۱۱۸, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۵, ۱۶۷, ۱۶۸, ۲۲۳, ۲۲۵  
 ۲۲۴, ۲۱۹, ۲۱۷, ۱۷۶, ۲۵۷, ۲۴۵, ۲۴۴, ۲۴۹, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۴۷, ۲۴۶  
 ۲۸۱, ۲۷۴, ۲۷۱, ۲۶۱  
 كلاروپيتز: ۴۱, ۵۹, ۴۵, ۴۳, ۴۲  
 كلودشسون: ۶۵, ۹۰, ۱۳۶  
 كوليكت، الكساندر: ۲۷۷  
 كيانورى، نورالدين: ۲۵۹  
 كيسى، ويليم: ۱۰۰, ۱۰۷, ۱۴۶, ۱۴۵, ۱۳۰  
 ۱۵۷, ۱۵۵, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۲۷, ۱۲۶, ۴۲, ۱۵, ۲۴۵, ۱۵۷, ۱۴۵  
 ۱۵۷, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۲۷, ۱۲۶, ۴۲  
 كيسينجر: ۲۳۲  
 كينج، رالف: ۲۰, ۱۲۷, ۱۲۰, ۸۴, ۵۹, ۴۸, ۱۳۱, ۱۲۷  
 ۱۲۰, ۲۸۳, ۲۷۱, ۲۲۹, ۲۱۳, ۲۰۵, ۱۵۵  
 گاملن، اليزابت: ۲۱۷, ۲۲۳, ۲۲۱  
 گراسيف: ۲۴۱  
 گوري، كالين: ۴۲, ۵۹, ۲۸۵  
 گوري، سبيك: ۱۳۱, ۲۱۳, ۲۱۷, ۲۱۳, ۱۳۸  
 گلد واتر: ۶۴  
 گنشر: ۱۸۱  
 گورباقپ: ۲۰۱, ۲۷۱, ۲۸۵  
 لاريجاني، محمدجواد: ۵۶, ۱۸۰, ۲۱۹, ۲۳۷, ۲۴۱  
 لدين، مايكل: ۱۵۳  
 ،۱۹۷, ۱۸۹, ۱۹۰, ۱۹۳, ۱۹۴, ۱۹۲, ۱۹۹, ۲۲۱, ۲۳۷, ۲۳۵, ۲۲۳, ۲۶۷, ۲۶۶, ۲۴۷, ۲۴۴  
 ۲۸۴, ۲۸۱, ۲۷۳, ۲۷۶, ۲۷۷, ۲۷۴, ۲۷۱, ۲۶۷, ۲۶۴  
 رمضان، طه ياسين: ۸۶  
 روبيس، باري: ۶۷, ۶۶  
 روحانى، حسن: ۲۹, ۲۷۶, ۲۵۹, ۲۲۰, ۱۹۶, ۱۰۱  
 رولو، اريك: ۸۹  
 ريكان: ۱۴۵, ۱۴۱, ۱۳۸, ۱۳۴, ۱۳۲, ۱۳۱  
 ۱۵۲, ۱۵۵, ۱۵۳, ۱۵۶, ۱۶۲, ۱۷۴, ۱۷۶, ۲۶۲, ۲۶۱, ۲۳۲, ۲۳۰, ۲۱۷  
 زبيدي، احمد: ۵۳  
 زويس، مارين: ۷۷  
 زهراني، مصطفى: ۳۶  
 ژيسکارددستن: ۱۴۸  
 سامرائي، وفق: ۵۴, ۱۳۹, ۱۳۸, ۱۳۷, ۱۳۶, ۹۳  
 ۱۶۶, ۱۶۴, ۱۴۸, ۱۴۳, ۱۴۲, ۱۴۱, ۲۶۵, ۲۶۲, ۲۶۰, ۲۵۸, ۲۵۹, ۲۳۰, ۲۰۰, ۱۷۱  
 سعود الفيصل: ۱۴۹, ۱۸۱  
 شاهزاده بندر: ۱۴۱, ۲۱۵, ۱۴۲, ۲۵۳  
 شعبان، حميد: ۱۹۸, ۲۸۱, ۲۰۳, ۲۵  
 سمخانى، علي: ۲۲۶, ۱۳۵, ۸۷, ۱۶۲, ۱۷۴, ۱۹۸, ۱۷۴  
 شولتز، جرج: ۲۴۱, ۲۳  
 شهرستانى، حسين: ۱۶۸, ۱۷۰  
 شيخ صباح: ۱۴۴, ۱۶۲  
 شيراك، زاك: ۱۶۵  
 صدام: ۳۰, ۳۲, ۳۱, ۶۳, ۶۴, ۶۵, ۶۰, ۳۷, ۳۲, ۴۵, ۵۵  
 ۷۰, ۷۸, ۷۷, ۷۶, ۷۴, ۷۳, ۷۲, ۷۸, ۷۱, ۷۷, ۷۶, ۷۵, ۷۴, ۷۳, ۷۲, ۷۰  
 ۸۱, ۸۵, ۸۴, ۸۳, ۸۲, ۹۵, ۹۳, ۹۲, ۸۹, ۸۷, ۸۶, ۸۵, ۸۴, ۸۳, ۸۲  
 ۱۱۳, ۱۱۲, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۱۳, ۱۱۲, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸  
 ۱۱۴, ۱۲۳, ۱۳۲, ۱۳۱, ۱۲۶, ۱۱۹, ۱۱۴, ۱۲۴, ۱۳۲, ۱۳۱, ۱۳۰, ۱۳۷, ۱۳۶  
 ۱۴۳, ۱۴۲, ۱۴۱, ۱۴۰, ۱۳۸, ۱۳۷, ۱۳۶, ۱۶۶, ۱۶۲, ۱۶۱, ۱۶۰, ۱۴۸, ۱۴۴  
 ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۷۲, ۱۶۸, ۱۶۷, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۷۴, ۱۷۲, ۱۶۸, ۱۶۷  
 ۱۸۰, ۱۹۸, ۱۹۵, ۱۹۲, ۱۹۱, ۱۸۶, ۱۸۵, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲, ۱۷۴, ۱۷۳, ۱۷۲, ۱۷۱  
 ۲۳۹, ۲۳۵, ۲۲۸, ۲۲۷, ۲۲۴, ۲۱۷, ۲۱۵, ۲۱۴, ۲۱۳, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۱۰, ۲۱۰  
 ۲۸۵, ۲۵۴, ۲۵۳, ۲۵۲, ۲۵۱, ۲۵۰, ۲۴۹, ۲۴۸, ۲۴۷, ۲۴۶, ۲۴۵, ۲۴۴, ۲۴۳  
 ۲۸۶, ۲۶۲, ۲۶۱, ۲۵۸, ۲۵۷, ۲۵۶, ۲۶۳, ۲۶۲, ۲۶۱, ۲۵۸, ۲۵۷, ۲۵۶  
 ۲۸۱, ۲۷۹, ۲۷۷, ۲۷۶, ۲۷۴, ۲۷۱, ۲۶۷, ۲۶۴  
 صدرى، احمد: ۵۶, ۶۰, ۲۸۴



- پنج ضلعی: ۲۰۰  
 تنگه هرمز: ۱۳۰، ۱۶۲، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵  
 ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۳۲  
 جاده بصره: ۷۱  
 جاده بصره - العماده: ۱۸۹، ۱۲۸  
 جاده بصره - بغداد: ۱۰۵  
 جبل فوقي: ۱۰۳  
 جبهه جنوب، منطقه جنوب: ۱۶، ۱۷، ۶۳، ۳۵  
 ۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۳، ۲۸۲  
 خوزستان: ۷۹، ۷۶  
 رود دجله: ۲۸۵، ۲۷۵، ۱۸۶، ۱۰۵، ۷۲  
 درغول: ۱۰۸، ۱۰۷  
 زبیدات: ۹۸  
 سامرا: ۱۷۰  
 سپاه پاسداران: ۷۳، ۷۲، ۳۴، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵  
 ۱، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۹۷، ۹۶، ۹۵  
 ۱، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۲۲، ۱۰۶، ۱۰۴  
 ۱، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸  
 ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳، ۲۰۷، ۲۰۳، ۱۹۹، ۱۹۵  
 ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۲۱، ۲۱۹، ۲۱۸  
 ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۶۱  
 ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳  
 سليمانيه: ۱۹۱، ۱۸۹  
 سپاه سوم ارتش عراق: ۲۰۰، ۱۷۳  
 سپاه هفتم ارتش عراق: ۲۰۰  
 سد دریندیخان: ۲۶۰، ۲۶  
 سومار: ۹۹، ۹۷  
 شادگان: ۱۰۷  
 شرق بصره: ۷۱، ۷۱  
 ۲۰۱، ۱۶۸، ۹۹، ۹۴، ۹۳، ۸۲، ۷۶  
 ۲۸۵، ۲۸۰، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۲۱، ۷۰۳  
 ۲۲۰، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۰، ۱۹۴، ۹۰  
 شلمچه: ۵۴  
 ۲۸۳، ۲۷۴، ۲۷۲، ۲۶۳، ۲۴۷، ۲۳۸  
 سورای عالی دفاع (ایران): ۷۵، ۷۵  
 ۲۴۳، ۲۱۸، ۱۹۰، ۱۷۹، ۱۲۱، ۱۱۵، ۱۰۳  
 طلائیه: ۱۷۸  
 عراق: در اکثر صفحات  
 على غربي: ۹۹  
 فاو: ۱۶، ۱۷، ۲۶، ۳۱، ۳۵، ۳۴، ۳۱  
 ۸۵، ۸۱، ۵۴، ۵۲، ۳۵، ۳۴، ۳۱  
 ۱۷۹، ۱۷۴، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۴۲، ۱۲۵، ۱۳۳  
 ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰  
 ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷  
 ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۳۱، ۲۲۰، ۲۱۷، ۲۱۲
- چبهه شمال غرب: ۱۷، ۱۷، ۶۳، ۳۵  
 ۲۸۰، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۵۸، ۲۵۵، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۲۵  
 ۲۳۷، ۲۲۳، ۱، ۱۰۳، ۹۶، ۲۶  
 ۲۸۰، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۶۰، ۲۴۹، ۲۴۷  
 چبهه میانی: ۹۹  
 چزیره ابوموسی: ۲۴۵  
 چزیره خارک: ۱۴، ۶۱، ۸۳، ۹۳، ۹۲، ۹۱  
 ۱، ۱۷۷، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۵۸، ۱۲۲، ۱۱۶  
 ۲۷۹، ۲۰۶، ۲۰۴  
 چزیره سری: ۲۴۵، ۱۶۷  
 چزیره فارسی: ۲۴۵، ۲۳۰، ۲۱۸  
 چزیره لارک: ۲۴۵، ۱۶۷  
 چزیره (جزایر) مجنون: ۳۱  
 ۱۷۳، ۱۰۶، ۱۰۵، ۵۴، ۳۱  
 ۲۶۳، ۲۰۳  
 چزیره مینتو: ۲۰۰، ۱۹۴  
 حاج عمران: ۱۹۹، ۱۷۳  
 حلجه: ۲۳۸، ۲۱۰، ۱۷۳، ۱۶۸، ۵۳، ۲۹، ۱۷  
 ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۶، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۳  
 ۲۸۳، ۲۸۰، ۲۷۴  
 حلقاتیه: ۹۸  
 خانقین: ۲۶۵، ۱۱۱، ۷۶  
 خرم آباد: ۱۰۷  
 خرم شهر: ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۱  
 ۴۷، ۳۶، ۳۵، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۵  
 ۷۸، ۷۵، ۷۳، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۵۳، ۴۸  
 ۱، ۱۰۷، ۱۰۴، ۹۳، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱  
 ۱، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۲۸، ۱۲۳، ۱۱۵، ۱۱۴  
 ۱۹۱، ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۵۰  
 ۲۷۸، ۲۶۷، ۲۱۳، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵  
 ۲۸۳، ۲۷۹  
 خلیج فارس: ۱۶، ۱۷، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۳۰  
 ۶۲، ۶۰، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۳۰، ۵۱، ۵۰، ۴۸، ۳۰  
 ۱۲۰، ۹۲، ۸۸، ۸۳، ۷۹، ۷۷، ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۳  
 ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۳، ۱۲۲، ۱۲۷  
 ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۳۸

- منطقه غرب: ۲۷۰، ۹۷، ۹۶، ۲۶  
 موسیان: ۹۹، ۹۸  
 نجف (شهر): ۷۹  
 نفت شهر: ۸۱  
 نیروگاه هسته‌ای بوشهر: ۱۴۸  
 نیروی دریایی سپاه: ۲۶۱، ۲۴۵، ۲۱۸، ۲۱۷، ۱۹۰  
 نیروی زمینی سپاه: ۲۴۵، ۲۲۵، ۲۱۷، ۱۹۰، ۹۴  
 نیروی موایی سپاه: ۲۸۵، ۲۷۵  
 نیروی موایی سپاه: ۲۸۲، ۲۴۵، ۱۹۰، ۵۸، ۵۶  
 نیروی دریایی ارتش: ۲۰۶  
 نیروی زمینی ارتش: ۱۰۴، ۱۰۲، ۱۰۰، ۹۶، ۹۴  
 نیروی هوایی ارتش: ۲۰۶، ۱۹۴  
 نیروی دریایی عراق: ۱۶۷  
 نیروی زمینی عراق: ۱۵۱، ۱۸۸  
 نیروی هوایی عراق: ۱۶۷، ۱۶۶  
 وزارت امور خارجه ایران: ۱۲۰، ۸۵، ۵۹، ۵۶، ۳۳  
 همدان: ۱۲۱، ۱۶۸، ۱۸۰، ۲۳۷، ۲۲۸، ۲۳۹  
 هور: ۱۰۷  
 ۲۶۳، ۲۴۷، ۱۸۶، ۱۰۵، ۳۴
- .۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۲  
 ۲۸۳، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۴، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۸، ۲۶۵  
 فرات: ۷۲  
 فکه: ۱۰۳  
 قرارگاه خاتم الانبیا: ۲۳۷، ۲۱۹، ۲۰۰، ۱۷۸، ۱۱۸  
 ۲۸۵  
 قرارگاه کربلا: ۵۸، ۱۰۳  
 قرارگاه نجف: ۵۸  
 قرارگاه نصیر: ۷۵، ۲۷۱، ۲۱۸، ۲۱۴  
 کردستان: ۳۰  
 کرکوک: ۲۷، ۲۶  
 کرمانشاه: ۱۷  
 کمیته انرژی اتفی عراق: ۱۴۶  
 گارد جمهوری: ۳۵۵  
 مجلس شورای اسلامی: ۱۰۲، ۱۰۱، ۹۹، ۳۳، ۲۸  
 ۲۲۰، ۲۰۷، ۱۸۰، ۱۱۱  
 محموه: ۸۱  
 مرکز آل سلمان: ۱۷۰  
 ملت عراق: ۱۸۶، ۱۸۲، ۷۴، ۷۷  
 مندلی: ۱۱۱

### سایر کشورها و نقاط و سازمان‌های واپسنه

- آلمان شرقی: ۱۵۰  
 آلمان، آلمان غربی: ۱۷۲، ۱۷۰، ۱۵۲، ۱۴۹، ۱۳۷  
 ۲۳۸، ۲۰۹، ۱۸۱  
 ارتش پاکستان: ۵۳  
 اردن: ۴۶، ۵۶  
 اسرائیل: ۱۱۲، ۸۸، ۷۴، ۷۳، ۶۹، ۶۷، ۵۰  
 ۱۴۱، ۱۳۷، ۱۳۳، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۳  
 ۲۸۶، ۳۳۹، ۳۲۱، ۳۱۶، ۳۱۳  
 افغانستان: ۱۵۴، ۱۵۱، ۱۲۷  
 الاحمدی (کویت): ۲۴۶  
 الجزایر: ۱۳۴، ۱۱۹، ۱۱۴، ۱۰۶، ۵۲  
 امارات: ۸۸، ۸۵  
 امان: ۱۴۰  
 امریکا: ۴۸، ۴۱، ۳۷، ۲۵، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۱  
 ۵۷، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۵۹، ۵۵، ۵۴، ۴۹  
 ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۲، ۷۸، ۷۴، ۷۲، ۶۹  
 ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۲، ۱۱۱، ۹۱، ۹۰  
 ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۹  
 ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰

- قدس: ۷۳  
 قطر: ۲۸۱، ۲۱۴، ۱۶۴، ۱۴۱  
 کاخ البیه: ۱۵۵، ۱۳۰  
 کاخ سفید: ۱۳۰، ۸۸  
 کشورهای عربی: ۶۳، ۶۴، ۷۱، ۸۵، ۸۴، ۷۸، ۱۵۶، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۶۱  
 کوت: ۵۸  
 کوتا: ۱۱۶، ۱۴۴، ۱۴۰، ۱۱۱، ۲۵۱، ۲۵۰، ۱۸۰، ۱۶۶  
 کوتیت: ۱۱۰، ۹۱، ۸۵، ۸۴، ۶۶، ۶۳  
 کوتیت: ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۳۲، ۱۳۱  
 کوتیت: ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۱۵، ۲۰۹، ۱۷۸، ۱۷۲  
 کوتیت: ۲۵۲، ۲۴۹، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۳، ۲۳۳  
 کوتیت: ۲۸۵، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۶۹  
 گینه: ۱۱۳  
 لبنان: ۶، ۶۳، ۶۷، ۱۲۹، ۱۲۵، ۱۱۲، ۹۴، ۶۹  
 لیبی: ۱۸۳، ۱۸۱  
 مجلس نمایندگان امریکا: ۶۵  
 مدرسه شجره (شهر صور): ۱۲۹  
 مدیترانه: ۶۶، ۱۶۶  
 مرکز تفتیگاران امریکا در بیروت: ۱۲۹  
 مسکو: ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۱  
 مصر: ۸۵، ۶۶، ۱۳۸، ۹۰  
 مقر چتر بازان فرانسوی در بیروت: ۱۲۹  
 مقر نظامیان اسرائیل (در شهر صور لبنان): ۱۲۹  
 نیروی دریایی امریکا: ۲۴۴، ۲۳۳، ۱۳۸  
 واشنگتن: ۵۵، ۶۰، ۶۴، ۶۳، ۵۰، ۸۷، ۸۵، ۷۷، ۶۶، ۶۵  
 وزارت خارجه امریکا: ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۱۴، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۲، ۱۴۶  
 وزارت خارجه انگلیس: ۱۷۵  
 وزارت خارجه فرانسه: ۱۵۵  
 وزارت دفاع فرانسه: ۱۶۵  
 هند: ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۷۰، ۲۰۶  
 یوگسلاوی: ۲۱۱، ۲۴۹
- بریتانیا: ۱۴۸، ۱۷۱  
 بقاع غربی (لبنان): ۱۳۱  
 بلژیک: ۱۷۱  
 بنیاد کارنگی: ۲۶۱  
 بیروت: ۱۵، ۶۰، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۱  
 پاریس: ۱۴۸، ۲۴۱، ۱۷۲، ۱۶۴  
 پاکستان: ۵۳، ۶۰، ۱۱۳، ۱۳۷  
 پنتاگون: ۱۵۵، ۲۰۹  
 ترکیه: ۱۳۷، ۱۱۳، ۸۹  
 تل آویو: ۸۴  
 چکسلواکی: ۲۵۵  
 چین: ۱۴۹، ۱۸۴، ۱۸۳  
 دانشگاه برادفور (انگلیس): ۱۷۰  
 رو دخانه لیبانی (لبنان): ۱۳۱  
 روس، روسیه، روس‌ها: ۱۷، ۱۳۷، ۲۰۱، ۱۸۱  
 رومانی: ۱۰۶  
 رُپان: ۱۳۵  
 ژنو: ۵۱  
 سازمان سپا: ۸۹، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶  
 سنای امریکا: ۸۵، ۶۵، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۱۹، ۸۸  
 سوریه: ۱۵۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۲۱۳، ۱۷۶، ۱۵۵  
 سورای امنیت ملی امریکا: ۸۷، ۱۳۲، ۸۸  
 شوروی: ۴۸، ۱۱۵، ۹۱، ۸۷، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۷  
 واپسی: ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۶  
 هند: ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷  
 قبرس: ۱۶۵، ۲۱۳، ۲۱۷  
 صیدا (لبنان): ۱۳۱  
 عربستان: ۶۳، ۶۲، ۵۶، ۸۸، ۸۵، ۹۲، ۹۱  
 یونان: ۱۴۹، ۱۷۸، ۱۵۷، ۱۴۹  
 یوگسلاوی: ۲۴۹

## مناطق و سازمان‌های بین‌المللی، قراردادها و قطعنامه‌ها

- اروپا: ۱۸۱، ۱۳۴، ۹۱  
اقیانوس اطلس: ۱۵۴  
اقیانوس هند: ۱۵۴  
بلوک شرق: ۱۵۰  
جنیش غیرمتعهدان، جنبش عدم تعهد: ۸۳، ۲۴  
جنوب شرقی آسیا: ۱۵۴  
خاور دور: ۱۳۵  
خاورمیانه: ۴۶، ۴۹  
شورای امنیت سازمان ملل: ۱۱، ۵۶، ۸۸  
سازمان ملل: ۷، ۱۱، ۸۴، ۵۹، ۵۶، ۵۴، ۱۶  
دریای مدیترانه: ۶۶، ۱۶۶  
سازمان‌های بین‌المللی: ۲۷۱، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۵۱  
۲۸۷، ۲۸۵، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۴، ۲۷۲  
دریای مدیترانه: ۲۰۲، ۱۶۶  
سازمان‌های بین‌المللی: ۱۱۱، ۸۴، ۵۹، ۵۶، ۵۴، ۱۶، ۷  
سازمان‌های بین‌المللی: ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۸۴، ۱۸۱، ۱۷۷، ۱۵۷  
۲۲۵، ۲۳۰، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۱۵، ۲۱۴  
۲۵۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۲۸، ۲۲۷، ۲۲۶  
۲۸۵، ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۶۷، ۲۶۳، ۲۵۶  
شورای امنیت سازمان ملل: ۱۱، ۵۶، ۸۸  
سازمان‌های بین‌المللی: ۱۱۳، ۸۹، ۸۸  
۲۲۶، ۲۱۷، ۱۹۶، ۱۷۴، ۱۴۴، ۱۳۶، ۱۳۲  
۲۸۴، ۲۷۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۳۰، ۲۲۹  
طرح اجرایی قطعنامه: ۵۹۸  
قرارداد کسب دیوید: ۸۵  
قرارداد، ۳۶، ۳۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۷، ۱۶، ۱۲  
قطعنامه: ۵۹۸  
۲۲۳، ۲۳۰، ۲۲۸، ۲۱۷، ۱۵۲، ۱۱۱، ۵۶، ۵۵  
۲۵۲، ۲۴۹، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷  
۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۵۹، ۲۵۶  
۲۸۴، ۲۷۸، ۲۷۲، ۲۷۰، ۲۶۹  
کنفرانس خلع سلاح: ۱۷۵  
میهن عربی: ۸۴  
اصطلاحات سیاسی، اقدامات سیاسی  
استراتژی ایران: ۱۳، ۱۴، ۲۵، ۱۶، ۳۱، ۳۰، ۲۵  
۱۱۱، ۱۰۸، ۷۶، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۶۴، ۶۱  
۲۰۴، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۸۶، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۲۵  
۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۶۹، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۲۳، ۲۱۲  
استراتژی تدافعی (دفاعی): ۱۵۹، ۱۵۱، ۱۵۱، ۱۴۴  
۲۸۰، ۲۶۰، ۲۵۶، ۲۴۹، ۲۲۸  
استراتژی تهاجمی: ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۴۹، ۲۲۸، ۲۲۵  
۲۸۰، ۲۶۰  
استراتژی جنگ بدون برنده: ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵  
۲۱۱، ۱۹۸، ۱۳۳  
استراتژی جنگ: ۳۰، ۳۳، ۳۰، ۹۷، ۹۵، ۹۴، ۷۰  
۲۱۴، ۲۱۱، ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۷۹  
۲۵۷، ۲۲۰  
استراتژی دفاع ایستا: ۲۵۷  
استراتژی دفاع محرك: ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۵۷، ۲۶۰  
۲۸۰، ۲۷۹، ۲۶۸  
استراتژی دفاع مطلق: ۱۱۶، ۸۲  
استراتژی صلح: ۳۲۰  
آتش‌بس: ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۵۵، ۵۴، ۴۷، ۳۲، ۱۷، ۶۰  
۱۸۴، ۱۷۷، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۵، ۷۱، ۷۰  
۲۲۶، ۲۳۴، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۱۶، ۱۹۳  
۲۶۶، ۲۵۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸  
۲۷۹، ۲۶۳، ۲۵۶  
ابوزیسویون: ۲۷۸  
ادامه جنگ، تداوم جنگ: ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۷، ۲۶، ۲۶۸، ۲۶۷  
۲۴۸، ۲۳۵، ۲۰۷، ۱۷۸، ۱۷۱، ۱۴۳، ۸۱  
استراتژی امریکا: ۲۸۳، ۲۳۰، ۲۱۳، ۸۶  
استراتژی اسرائیل: ۲۸۳، ۲۳۰، ۲۱۳، ۸۶

- تحولات جنگ: ۱۳، ۱۶، ۴۷، ۳۸، ۳۶، ۳۰، ۲۹، ۵۲، ۵۱  
                   ۲۷۸، ۱۱۶، ۸۷، ۸۳، ۵۳  
                   ۱۳۱، ۸۸  
                   تزویریست: ۱۸۴، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۵  
                   تزویریسم: ۱۸۴، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۵  
                   تعیین متجاوز: ۳۳، ۶۹، ۲۳۸، ۲۲۶، ۲۴۱، ۲۳۹  
                   اعراب: ۵۰، ۵۷، ۸۷، ۸۵، ۸۴، ۷۹، ۷۸، ۸۷، ۱۱۳  
                   تندروهای اسلامی: ۲۰۲، ۲۶۵  
                   تندروی: ۲۵۱، ۵۷  
                   توازن جنگ: ۲۶۳  
                   توازن نظامی: ۱۷، ۱۸۰  
                   توسعه‌طلبی: ۵۳، ۱۵۴  
                   تهدید - تطمیع: ۱۵۲  
                   جاسوسی: ۱۴۱، ۱۶۶  
                   جنگ اعراب و اسرائیل: ۵۰، ۲۳۹  
                   جنگ اقتصادی: ۱۹۷  
                   جنگ جهانی اول: ۵۳  
                   جنگ سرنوشت‌ساز: ۱۱۰  
                   جنگ طولانی: ۳۲، ۴۸، ۵۲، ۴۲، ۱۰۳، ۷۶، ۱۴۳، ۱۵۸  
                   جنگ فرسایشی: ۱۵۸، ۲۱۲، ۲۰۲، ۱۷۶، ۲۳۶  
                   جنگ نیابتی: ۸۵  
                   جنگ طلب: ۱۱۴  
                   حزب بعت: ۳۱، ۸۲، ۸۳، ۱۰۳، ۸۴، ۱۱۹  
                   حرب انتشاری: ۲۰۵، ۲۰۸، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۴۸، ۲۸۲، ۲۰۵  
                   حملات استراتژیک: ۶۶  
                   خطر پیروزی ایران: ۵۷، ۲۵۱، ۵۶  
                   خمینیسم، خمینیست: ۲۷۹، ۷۹، ۲۲۸، ۲۲۱  
                   دوگانگی استراتژی: ۳۳، ۳۴، ۴۶  
                   دیپلماسی پنهانی ایران و امریکا: ۷۷۹، ۲۳۴  
                   رادیکال: ۱۵۴، ۱۹۶  
                   رالیست‌ها: ۴۱  
                   ربودن هواییمای تی. دبلیو. ای: ۱۸۴  
                   ژئوپولیتیک: ۵۵  
                   سال سرنوشت: ۱۹۹  
                   سرنوشت جنگ: ۱۴، ۱۷، ۹۷، ۹۳، ۶۱، ۴۳، ۹۹، ۹۷  
                   سقوط صدام: ۳۱، ۳۲، ۶۴، ۶۷، ۹۵، ۱۱۴  
                   سکولار: ۱۳۲، ۱۸۳، ۱۹۲، ۲۷۷  
                   سیاست درهای باز: ۱۷۹، ۱۸۰  
                   استراتژی عراق: ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۸۱، ۸۰، ۷۲، ۶۱  
                   ۱۵۸، ۱۲۵، ۸۳، ۲۴۹، ۲۴۲، ۲۲۳، ۲۱۱، ۱۵۹، ۱۵۸، ۲۴۷، ۱۸۵، ۱۲۵، ۱۶، ۶۳  
                   ۱۵۲، ۳۷، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۶۹، ۲۶۲، ۲۶۰، ۲۵۷  
                   استراتژی عملیاتی: ۶، ۲۴۷، ۱۸۴، ۱۲۵، ۱۶، ۱۵۲  
                   اصل امید: ۱۴۲، ۲۶۱  
                   اطلاعات جاسوسی: ۱۴۲، ۲۶۱، ۸۷، ۷۸، ۸۵، ۸۴، ۷۹، ۷۸، ۸۷، ۵۰، ۵۷  
                   امپریالیسم: امپریالیست: ۱۴۴، ۱۴۲، ۷۳  
                   انزواگرایی: ۸۶  
                   انفجار دفتر هوابیمایی پان امریکن در کویت: ۲۲۶  
                   انفجار سفارت امریکا در بیروت: ۱۳۴  
                   انقلاب اسلامی: ۱۱، ۵۸، ۵۵، ۵۲، ۴۸، ۷۳، ۶۷، ۶۶  
                   ۷۷، ۱۲۶، ۱۲۴، ۲۲۲، ۲۱، ۲۰، ۸۶، ۷۷، ۱۸۲، ۱۵۴، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۷۵، ۲۶۶، ۲۲۸، ۲۱۵، ۱۸۵  
                   ایجاد موازن: ۸۹، ۴۵  
                   ایده‌آلیستی: ۵۷  
                   بازدارندگی: ۲۰۵، ۱۱۱  
                   براندازی: ۶۶  
                   بن بست در استراتژی عملیاتی: ۲۴۷  
                   بن بست: ۱۶، ۲۸، ۲۱، ۵۷، ۵۴، ۲۸، ۲۱۲، ۱۰۴، ۱۸۶، ۱۲۸، ۱۴۰  
                   ۲۸۰، ۲۶۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۰۳، ۱۸۷  
                   بنیادگران، بنیادگران ایران: ۱۳۲، ۶۴  
                   بین‌المللی کردن جنگ: ۱۷، ۱۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۲۱۲  
                   پات استراتژیک: ۲۲۵  
                   پایان جنگ، پایان دادن به جنگ خاتمه جنگ، اتمام  
                   جنگ: ۱۱، ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۰، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳  
                   ۱۲، ۲۱، ۲۰، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳  
                   ۲۳، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳  
                   ۵۱، ۵۲، ۵۱، ۴۷، ۴۶، ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴  
                   ۶۱، ۱۱۶، ۱۱۲، ۱۰۷، ۱۰۰، ۷۶، ۷۴، ۶۹، ۶۷، ۶۲  
                   ۱۰۵، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۳۴  
                   ۱۰۶، ۱۹۱، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۶۸، ۱۶۴، ۱۶۲، ۱۶۰  
                   ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶  
                   ۲۲۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۶، ۲۲۴، ۲۲۳  
                   ۲۴۰، ۲۳۸، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳  
                   ۲۶۳، ۲۶۰، ۲۵۶، ۲۵۳، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹  
                   ۲۸۳، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۶۹، ۲۶۵  
                   پرآگمانیست: ۱۹۶  
                   پیروزی مطلق: ۲۰۲، ۱۷۸، ۱۲۶، ۲۷  
                   پیروزی نهایی: ۵۴  
                   تحریم تسلیحاتی ایران: ۵۶، ۹۰، ۱۳۵، ۲۳۷، ۲۳۰  
                   ۲۷۷، ۲۴۱، ۲۴۰

- سیاست ضربه در مقابل ضربه: ۲۰۶  
 صدور انقلاب: ۲۲۶, ۷۷  
 صلح: ۷۴, ۶۱, ۵۹, ۵۵, ۵۴, ۴۱, ۳۷, ۳۲, ۲۵, ۱۶, ۱۱۶, ۱۱۴, ۱۱۲, ۱۱, ۱۱۰, ۹۰, ۸۶, ۸, ۱۱۳, ۱۸۲, ۱۷۰, ۱۶۱, ۱۵۵, ۲۰۳, ۲۳۵, ۲۳۰, ۲۲۵, ۲۲۳, ۲۱۷, ۲۱۲, ۲۳۷, ۲۳۵, ۲۳۰, ۲۲۵, ۲۲۳, ۲۱۷, ۲۱۲, ۲۷۱, ۲۶۴, ۲۶۳, ۲۵۲, ۲۴۹, ۲۴۲, ۲۳۹, ۲۸۵, ۲۸۲  
 صلح طلب: ۱۱۴, ۹۰  
 عربیسم: ۸۴  
 عملیات استانچ: ۱۵۷, ۱۵۳, ۱۵۲, ۱۳۵  
 عملیات سرنوشت‌ساز، اقدامات سرنوشت‌ساز: ۳۰, ۲۴۷, ۱۷۸, ۱۵۱, ۱۰۰, ۹۷, ۸۱, ۷۰, ۵۰  
 ۲۷۹, ۲۷۸  
 عملیات شهادت طبلانه: ۱۲۹  
 غرامت: ۱۱۲, ۱۰۵, ۷۱, ۶۹, ۶۴, ۵۶, ۳۶, ۲۶۵, ۲۳۹, ۲۲۴, ۱۱۵, ۱۱۳  
 فشار اقتصادی: ۲۰۷, ۱۷۷, ۱۶۰, ۱۵۹  
 کمک‌های اطلاعاتی: ۱۴۲, ۱۴۱, ۱۴۰, ۱۳۶, ۱۲۵  
 ۲۷۷, ۲۱۱  
 گروگان‌های امریکایی در لبنان: ۱۵۳, ۱۵۶, ۱۶۵  
 ۱۹۸, ۱۸۴  
 گسترش جنگ: ۶۵, ۶۷, ۶۱, ۹۳, ۸۸, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۱  
 ۲۴۷, ۲۳۱, ۲۲۹, ۲۲۳, ۲۰۴, ۲۰۲, ۱۹۶  
 ۲۶۹, ۲۴۸
- عملیات‌ها و اقدامات نظامی، اصطلاحات نظامی**
- اسکورت نفتکش‌ها: ۱۶۳, ۱۹۷, ۱۹۲, ۲۲۱, ۲۲۰, ۲۲۹, ۲۴۷, ۲۴۶, ۲۴۴, ۲۴۳, ۲۳۴, ۲۳۳  
 ۲۵۳, ۲۴۹, ۲۶۹, ۲۵۹  
 امواج انسانی: ۸۰, ۴۹  
 بمباران جلبه: ۲۸۰, ۲۶۰, ۱۶۸  
 بمباران شیمیایی: ————— حملات شیمیایی  
 بمباران: ۱۰۷, ۷۶, ۱۶۷, ۱۶۶, ۱۶۴, ۱۴۸, ۱۴۲, ۱۴۰, ۱۳۶, ۱۲۵, ۱۰۳, ۹۹, ۹۳, ۸۹, ۸۷, ۸۲  
 ۲۶۰, ۲۵۸, ۲۵۳, ۲۴۹, ۲۰۹, ۱۶۹, ۱۶۸, ۲۷۰, ۲۶۶, ۲۵۹, ۲۵۸, ۲۵۳  
 ۲۸۰, ۲۶۶  
 پیشوایی: ۳۱, ۵۶, ۵۶, ۶۷, ۶۸, ۷۴, ۷۵, ۷۶, ۷۷, ۶۸, ۶۷, ۶۶, ۶۷, ۶۸, ۷۸, ۷۶, ۷۵  
 ۱, ۱۳۹, ۱۳۶, ۱۲۵, ۱۰۳, ۹۹, ۹۳, ۸۹, ۸۷, ۸۲, ۱, ۱۸۶, ۱۸۲, ۱۸۹, ۱۶۸, ۱۵۴, ۱۵۱, ۱۴۱, ۱۴۰, ۲, ۲۰۲, ۲۰۱, ۲۰۰, ۱۹۸, ۱۹۷, ۱۹۶, ۱۹۳, ۱۹۲  
 ۲۸۰, ۲۷۹, ۲۶۴, ۲۶۰, ۲۴۸, ۲۴۷, ۲۴۴, ۲۰۳
- ماجرای ایران کنtra: ۱۹۶  
 ماجرای مکفارلین: ۱۶, ۱۵, ۱۵۳, ۳۷, ۱۶, ۱۹۶, ۱۵۶, ۲۸۰, ۲۱۲, ۲۱۱, ۲۰۱, ۱۹۷  
 ماهیت جنگ: ۲۳۲, ۲۰۳, ۱۰۸, ۳۰  
 ماهیت دفاعی جنگ: ۱۱۲  
 مبادله اسرار: ۲۴۰  
 محافظه‌کار: ۳۲, ۳۲, ۱۵۲, ۸۶, ۶۶, ۶۳  
 مذاکرات صلح: ۲۲۹  
 مصاخت طبلان: ۱۹۶  
 مقابله با امریکا: ۲۲۳, ۲۴۸, ۲۴۷, ۲۴۵, ۲۴۲, ۲۶۹, ۲۴۹  
 مقابله به مثل: ۱۵, ۱۶, ۱۰۷, ۶۱, ۴۶, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۷, ۶۱  
 ۱۱, ۱۱۱, ۱۲۵, ۲۰۷, ۲۰۶, ۲۰۴, ۱۲۵, ۱۱۶, ۱۱۱  
 ۲۴۲, ۲۰۸  
 مناطق استراتژیک، نقاط استراتژیک: ۶۹, ۶۱, ۱۰۵  
 موازنة نظامي: ۲۲, ۱۵, ۱۰۹, ۹۰, ۵۳, ۶۲, ۶۱, ۱۵۲  
 ۲۷۹, ۲۶۰, ۲۲۸, ۲۰۱, ۱۹۷  
 موازنة استراتژیک: ۲۲۶  
 موازنۀ قدرت: ۶۵, ۲۲۹, ۲۲۴, ۱۳۱, ۱۲۸  
 ۲۲۸, ۵۵  
 مهار انقلاب: ۱۱۵, ۱۱۳  
 میانجیگری: ۱۱۵, ۱۱۳  
 میانه‌رود: ۳۷, ۱۹۶, ۱۵۵, ۱۲۷, ۷۹, ۱۵۶  
 نقاط استراتژیک: ۱۰۵  
 نه جنگ نه صلح: ۲۵, ۱۱۱, ۸۶  
 واقع گرایی، واقع گرایان: ۴۲, ۴۱

تاکنیک ویژه: ۲۰۰  
 تمرکز قوا، تمرکز نیرو: ۱۰۷, ۱۸۷, ۱۸۶, ۲۴۸  
 ۲۶۰, ۲۶۱, ۱۲۰  
 جنگ کوهستان: ۲۴۷  
 حملات شیمیایی، جنگ شیمیایی، بمباران شیمیایی: ۱۵, ۱۲۵, ۱۶۸, ۱۷۱, ۱۷۳, ۱۷۵, ۲۴۹, ۲۱۰  
 ۲۶۶, ۲۵۹, ۲۵۸, ۲۵۳  
 حملات موشکی: ۱۰۷, ۱۰۶, ۱۳۹, ۱۰۷, ۱۷, ۲۷۰, ۲۶۵, ۲۶۰, ۲۵۹, ۲۵۸  
 حملة (تجاویز) اسرائیل به لبنان: ۶۷, ۶۹, ۱۲۹  
 حملة موشکی: ۱۰۷, ۲۸۰, ۲۰۹, ۱۰۷  
 سقوط فاو: ۵۲, ۲۷۰, ۲۶۵, ۲۶۲  
 شبیخون: ۵۴  
 طریق‌القدس: ۹۵

- عملیات کربلای ۵: ۱۶، ۱۶۸، ۹۳، ۲۶، ۲۰۱، ۱۶۸، ۹۳، ۲۶، ۲۰۲، ۲۰۳  
۲۷۹، ۲۳۰، ۲۲۴، ۲۱۲، ۲۰۳
- عملیات کربلای ۸: ۴۹، ۲۱۲، ۱۶۸، ۹۳، ۴۹
- عملیات کربلای ۱۰: ۲۴۸
- عملیات کربلای ۱۱: ۱۳۹، ۱۰۴، ۱۰۱، ۴۹
- عملیات کوجک: ۱۰۴
- عملیات گستردہ، حملات گستردہ: ۹۸، ۱۰۷، ۹۹، ۹۸
- عملیات گستردہ، ۲۴۷، ۲۰۶، ۲۰۳، ۱۹۹، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۷، ۱۷۹
- عملیات محروم: ۹۹، ۹۸، ۱۴
- عملیات مسلم بن عقیل: ۹۸، ۱۰۸، ۹۹، ۹۸، ۹۷
- عملیات نصر: ۲۴۸
- عملیات والجر (والجر) (مقدماتی): ۱۴، ۱۰۱، ۲۶، ۱۰۱
- عملیات والجر: ۲۴۷، ۱۲۸، ۱۱۷، ۱۰۸، ۱۰۳
- عملیات والجر: ۱۱۶، ۱۰۹، ۱۰۳، ۱۲۸
- عملیات والجر: ۲۴۷، ۱۷۶، ۱۷۳
- عملیات والجر: ۱۶، ۲۸۳، ۲۱۹، ۱۹۲
- غافلگیری: ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۳۶، ۱۰۶، ۱۰۵، ۹۴، ۵۴
- فتح خرمسه: ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۰۱، ۲۰، ۱۵، ۱۰۱، ۲۲، ۲۲، ۲۱
- فتح، ۲۳، ۳۵، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴
- فتح، ۸۲، ۸۱، ۷۵، ۷۲، ۷۱، ۷۰، ۶۹، ۵۳، ۴۸، ۴۷
- فتح، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۰۷، ۱۰۴، ۹۳، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳
- فتح، ۱۷۸، ۱۷۶، ۱۵۰، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۲۸
- فتح، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۵، ۱۸۷، ۱۸۲، ۱۷۹
- فتح، ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۶۷
- گلوله‌باران: ۱۱۱، ۱۰۷
- مقابله به مثل: ۱۵۶، ۱۶، ۱۵، ۶۱، ۴۶، ۴۶، ۱۰۸، ۱۰۷
- ۲۰۶، ۲۰۴، ۱۲۵، ۱۱۶، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۰۹
- ۲۴۲، ۲۰۸، ۲۰۷
- مناطق اشغالی: ۷۲، ۶۹، ۵۲، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۱۲۷، ۱۱۵، ۷۴
- موشک‌باران تهران: ۲۵۹، ۲۵۳، ۵۴
- موشک‌باران: ۵۴، ۲۵۹، ۲۵۳، ۲۱۰
- وحدت فرماندهی: ۱۰۷، ۱۰۴
- عقب‌نشینی: ۱۷، ۸۱، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۶۹، ۴۸، ۲۴، ۱۳۱، ۱۱۴، ۱۱۲، ۸۷
- عملیات آبی - خاکی: ۲۴۷
- عملیات استراتژی دفاع متحرك عراق: ۱۹۹، ۱۹۷
- عملیات بدر: ۲۷، ۱۸۶، ۱۸۳، ۱۷۶، ۱۷۳، ۳۴، ۱۸۸، ۱۸۷
- عملیات بیت المقدس: ۲۴۸
- عملیات تلافی جویان: ۲۵۱، ۷۴۶، ۳۰۵
- عملیات حصارالکبر: ۲۵۵
- عملیات خیر: ۱۴، ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۴، ۳۴، ۲۶، ۱۵
- عملیات نصر: ۲۴۸
- عملیات والجر (والجر) (مقدماتی): ۱۴، ۱۰۱، ۲۶، ۱۰۱
- عملیات والجر: ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۲۸، ۱۰۷، ۱۸۵، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۴
- عملیات رمضان: ۴۵، ۵۸، ۶۱، ۴۹، ۳۱، ۲۵، ۲۴، ۱۰۱
- عملیات شبانه: ۱۴۰، ۱۶۹
- عملیات شبانه: ۲۶، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۷۴، ۳۴
- عملیات فاو: ۲۴۷، ۲۱۲، ۲۰۳، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۴، ۱۹۳
- عملیات شبانه: ۲۷۹، ۲۶
- عملیات فتح: ۱۹۹
- عملیات فتح: ۲۴۸
- عملیات فتح المیمن: ۲۱۱، ۱۳۹
- عملیات فراسایشی: ۱۴، ۱۲۸، ۷۹، ۷۳، ۷۲، ۷۰
- عملیات کربلای: ۱۹۹، ۲۳۶، ۲۱۲، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۹۷، ۱۷۶، ۱۵۸
- عملیات کربلای: ۱۹۹
- عملیات کربلای: ۲۰۷، ۱۹۹
- عملیات کربلای: ۲۰۷، ۱۹۹
- عملیات کربلای: ۲۴۷، ۲۱۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۹۳، ۱۶
- تجهیزات و تسلیحات نظامی
- بمب اتمی، سلاح اتمی: ۱۶۸، ۱۴۸، ۵۶، ۳۲
- بمب خوشبای: ۱۵۱، ۱۴۶، ۸۹
- بمب لیزری، سلاح لیزری: ۱۴۲، ۲۹
- تانک ام - ایکس: ۱۴۸
- تانک تی: ۱۵۰

- موشک زمین به زمین: ۱۵۱  
 موشک سام: ۱۵۰، ۹۲  
 موشک فرایگ: ۱۵۰  
 موشک کرم ابریشم: ۲۴۴، ۲۳۳  
 موشک گراد: ۱۵  
 موشک مازیک: ۱۶۶  
 موشک میلان: ۱۴۷  
 موشک هوت: ۱۴۷، ۹۱  
 ناو هواپیمابر اینونیسیبل: ۲۰۶  
 ناو هواپیمابر جان کنندی: ۲۰۱  
 ناو هواپیمابر رنجر امریکا: ۲۰۶  
 هلی کوپتر اف.ای: ۱۵۰، ۲۴  
 هلی کوپتر بل: ۱۴۶  
 هلی کوپتر سوپر فرسون الوت: ۱۴۸  
 هلی کوپتر غزال: ۹۱  
 هلی کوپتر گازن: ۱۴۸  
 هواپیمای آواکس: ۲۱۴، ۱۳۸  
 هواپیمای اف: ۱۳۸  
 هواپیمای اف: ۱۳۸  
 هواپیمای سوپر اتاندارد: ۲۰۴، ۱۶۶، ۱۶۴، ۱۱۰، ۹۰  
 هواپیمای سوخوی: ۲۰  
 هواپیمای سوخوی: ۲۵  
 هواپیمای سوخوی: ۱۰  
 هواپیمای میراژ: ۱۵  
 هواپیمای میگ: ۱۶۶، ۱۵۱  
 هواپیمای میگ: ۱۵۱: ۲۳  
 هواپیمای میگ: ۱۵۱: ۲۵  
 هواپیمای میگ: ۱۶۶، ۱۵۱  
 هواپیمای میگ: ۱۵۰: ۲۵  
 هواپیمای میگ: ۱۵۱  
 صدور نفت، صادرات نفت: ۸۳، ۸۱، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۳  
 اخلاق ارتش و سپاه: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴  
 اقتصاد ایران: ۱۵، ۲۲۵، ۲۳۴، ۱۶۷  
 بیمه لویدز: ۹۳  
 حزب توده: ۲۵۹، ۱۸۱  
 درآمد نفت: ۱۶۰، ۱۴۳، ۸۳  
 دفتر مشاورت ارتش: ۱۰۲  
 روز قدس: ۲۰، ۲۰۹  
 شیعیان عراق: ۸۴، ۷۷، ۶۳  
 شیعیان: ۶۳، ۱۳۰، ۱۲۹، ۸۴، ۷۹، ۷۷، ۶۶  
 راکتور انجمی: ۱۴۸  
 سلاح هسته‌ای: ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۰  
 سم بوتولیسم: ۱۷۰  
 سیستم راداری: ۱۴۲  
 عامل خون (شیمیایی): ۱۷۳، ۱۷۰  
 عامل سیاه زخم: ۱۷۰  
 عکس و اطلاعات ماهواره‌ای، ماهواره: ۸۹، ۱۳۶  
 ۱۳۷، ۲۱۱، ۱۶۶، ۱۴۱، ۱۳۹  
 گاز (عامل اعصاب: ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۶۸  
 گاز تابون: ۱۷۴، ۱۷۱  
 گاز تاول زد: ۱۷۳  
 گاز تهوع آور: ۱۶۸  
 گاز خردل: ۱۷۴، ۱۷۱، ۱۶۸  
 گاز خفه کننده: ۱۷۰، ۱۶۸  
 گاز سارین: ۱۷۴، ۱۷۱، ۱۷۰  
 گاز سیانور: ۱۷۳، ۱۶۸  
 گاز فسفری: ۱۶۸  
 گاز وایکس: ۲۶۲  
 ماده شیمیایی تیئودیگلیکون: ۱۷۱  
 موشک آس - ۱۲: ۱۸۱  
 موشک اسکاد: ۱۴۹، ۲۵۹، ۲۰۹، ۱۸۱، ۱۵۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲  
 موشک اکزوست: ۱۵، ۱۶۴، ۱۴۷، ۱۱۰، ۹۲، ۹۰  
 ۱۶۶  
 موشک الحسین: ۵۴  
 موشک تاو: ۱۹۴

### سایر اسامی و اصطلاحات

- آزادی قدس: ۷۳  
 اختلاف ارتش و سپاه: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴  
 اقتصاد ایران: ۲۳۴، ۲۲۵، ۱۶۷، ۱۵  
 بیمه لویدز: ۹۳  
 حزب توده: ۲۵۹، ۱۸۱  
 درآمد نفت: ۱۶۰، ۱۴۳، ۸۳  
 دفتر مشاورت ارتش: ۱۰۲  
 روز قدس: ۲۰، ۲۰۹  
 شیعیان عراق: ۸۴، ۷۷، ۶۳  
 شیعیان: ۶۳، ۱۳۰، ۱۲۹، ۸۴، ۷۹، ۷۷، ۶۶  
 مجاهدان افغانی: ۲۵۹  
 مجاهدین خلق، منافقین: ۲۷۰، ۲۶۴، ۱۷  
 مجمع عقلاء: ۲۹  
 نفتکش بریجنون: ۲۴۶، ۲۳۳